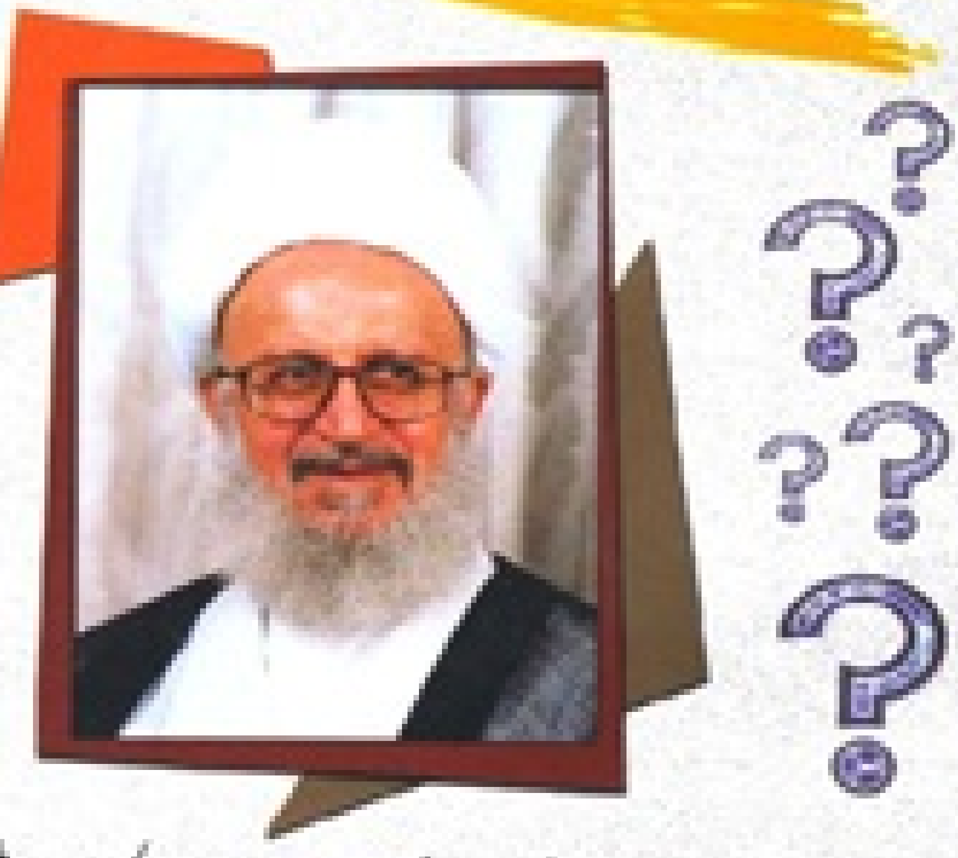
1

استفتائات جدید



مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی مکارم شیرازی مدظله

بسم الله الرحمن الرحیم

رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید

نویسنده:

ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ –

عنوان و نام پدیدآور : رساله توضیح‌المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید /مطابق با فتاوای مکارم‌شیرازی.

وضعیت ویراست[: ویراست ؟].

مشخصات نشر : قم: قدس، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۴۹۶ ص.

شابک : ۱-۰۹-۶۳۹۵-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : چاپ شصت و پنجم.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ۵ر۷م/BP۱۸۳/۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۱۳۹۰۸

مقدّمه

اشاره

روح جستجوگر و ذهن پرسؤال هر انسانی او را برای رسیدن به حقیقت و برطرف کردن ابهاماتی که پیرامون مسائل مختلف وجود دارد بـه سؤال کردن وادار می‌نمایـد، چرا که یکی از بهترین طرق روشن کردن مجهولات و رسیدن به واقعیّتها، سؤال نمودن از کسانی است که اطّلاع کافی دارند.

همان طور که خداوند متعال می‌فرماید: (فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ*؛ مسائلی را که نمی‌دانید از اهل اطّلاع و کسانی که آگاه هستند بپرسید). «۱»

به همین دلیل اسلام که یک آیین فطری و هماهنگ با عقل و منطق است نه تنها بر این مسأله فطری که در بین عقلاـ معمول و معروف است مهر تأیید نهاده، بلکه به طرق مختلف مردم را به آن تشویق و در مواردی الزام کرده است، البتّه سؤالاتی که انگیزه الهی و منطقی دارد نه سؤالاتی که هدف از آن لجاجت، خودنمایی، اظهار فضل، و تحقیر دیگران باشد.

استفتا

این کلمه یک واژه عربی است و به نوع خاصی از سؤالات اطلاق می‌شود، سؤالی که پیرامون مسائل و احکام شرعی و عملی از افراد ذی صلاح و مراجع معظّم تقلید مطرح می گردد.

---

(۱). سوره انبیاء، آیه ۷.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶

پیشینه استفتا

سابقه استفتا به صدر اسلام برمی گردد، یعنی از زمانی که مسلمانان مکلّف به تکالیف و احکام عملی مانند نماز، روزه و ... شدند استفتا نیز متولد شد، چرا که مسلمین پیرامون این احکام از نبی مکرّم اسلام حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤالاتی می کردند که بسیاری از آنها موجود است، حتی قرآن مجید عین این ماده را در مورد بعضی از سؤالات مربوط به ارث ذکر فرموده است: «یَسْتَفْتُونَکَ قُلِ اللّهُ یُفْتِیکُمْ فِی الْکَلالَةِ» «۱» و این مسأله در اعصار ائمّه (علیهم السلام) در مقیاس وسیعتر ادامه پیدا کرد و در عصر حضرت امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) وسعت زیادی پیدا کرد. به گونه‌ای که قسمت عمده‌ای از روایات فقهی موجود که از معصومین (علیهم السلام) به دست ما رسیده است، همه به صورت سؤال و جواب و به اصطلاح استفتا می‌باشد.

*** جاذبه استفتا

استفتا، بلکه هر نوع سؤال و جوابی، جاذبه خاصی دارد یعنی علاقه مردم به کتابهای سؤال و جواب نسبت به کتابهای دیگر، و استفتائات نسبت به رساله‌های عملیّه، بیشتر است و شاید علّت، این باشد که در این نوع کتابها آنچه را که خواننده می‌خواهد، آمده است نه هر آنچه را که نویسنده اراده کرده است. همانند میزبانی که غذای مورد علاقه میهمان را تهیّه می کند نه آنچه خودش می‌خواهد، استفتائات نیز غذای روح آدمی است که مطابق میل و علاقه و نیاز سؤال‌کننده تهیّه شده است.

کتاب حاضر

این کتاب حاصل جلسات چندساله «شورای استفتا» استاد معظّم، مرجع

(۱). سوره نساء، آیه ۱۷۶.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷

عالیقدر حضرت آیة اللّه العظمی مکارم شیرازی مدّ ظلّه العالی می‌باشد، این جلسات که در محضر معظّم له و با شرکت جمعی از علمای محترم حوزه علمیّه قم تشکیل می‌شد، عهده‌دار جوابگویی استفتائاتی بود که از داخل و خارج از کشور به دفتر معظّم له می‌رسید که پس از بحث و بررسی کامل به آنها جواب داده می‌شد، و از بین نامه‌ها، سؤالات جدید و تازه برای استفاده عموم انتخاب می‌شد که به شکل کتاب حاضر درآمده است.

لازم به ذکر است که بر اثر زیاد بودن استفتائات، روزانه دو جلسه استفتا تشکیل می‌شد و مرجع عالیقدر با صبر و حوصله کافی به سؤالات جواب می‌دادند، به گونه‌ای که گاهی از اوقات پاسخ به یک سؤال تمام وقت جلسه را می گرفت. در اینجا لازم است که از زحمات اعضای محترم شورای استفتای معظّم له تقدیر و تشکر و برای روح اعضایی که به جوار حق شتافته‌اند طلب رحمت و مغفرت نماییم.

چند یادآوری لازم

در اینجا لازم است خوانندگان عزیز را به چند نکته توجّه دهیم:

الف) اگر چه تمام سؤالات این مجموعه همان گونه که قبلا اشاره شد نخست در شورای استفتای معظّم له مطرح شده بود، ولی از

آنجا که حضرت استاد نسبت به مسائل علمی و بخصوص مسائل شرعی و استفتائات عنایت خاصّی دارند قرار شد که همه مسائل دوباره از نظر معظّم له گذرانده شود به همین دلیل بعد از این که یک سال کارهای مقدماتی روی استفتائات انجام شد، کار قرائت استفتائات در محضر معظّم له شروع گردید و تک تک سؤالات دوباره به نظر ایشان رسید و مرجع عالیقدر در بعضی از موارد اصلاحاتی را نیز انجام دادند، در ضمن قسمتی از سؤالات نیز توسط خود معظّم له در کنار بیت الله الحرام و حرم حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) (رزقنا اللّه و ایاکم ان شاء اللّه) در سفر عمره مفرده‌ای که به مکّه مکرّمه داشتند مطالعه و اصلاح شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸

ب) استفتائات این مجموعه، منحصر به ایران اسلامی نیست بلکه حاصل نامه‌هایی است که از سراسر کشورهای مسلمان‌نشین رسیده است، بنابراین اگر به سؤالاتی برخورد کردید که با جوّ حاکم بر میهن اسلامی ما سازگار نبود، احتمالاً آن سؤالات از سایر کشورهاست.

ج) برای حفظ اسرار سؤال کنندگان عزیز، ویژگیهای شخص سؤال‌کننده که در متن نامه بوده حذف شده است و بعضی از سؤالات نیز تلخیص گردیده است.

د) از آنجا که متن فعلی به نظر آن مرجع عالیقدر رسیده و بعضی از جوابها اصلاح شده است، اگر تفاوتی بین جوابهایی که در دست دارید با آنچه در این کتاب آمده است، وجود داشته باشد جوابهای این کتاب مقدّم است.

در خاتمه از تمام عزیزانی که ما را در تهیّه این مجموعه همراهی کرده‌اند، به خصوص حجة الإسلام آقای محمّد ربّانی که در مقابله قسمت عمده این کتاب ما را یاری کرده است، تقدیر و تشکر نموده و منتظر پیشنهادات سازنده خوانندگان محترم می‌باشیم.

رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا، إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

قم- حوزه علمیّه

أبو القاسم علیان نژادی

شهریور ماه ۱۳۷۵- مطابق با جمادی الاولی ۱۴۱۷

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹

فصل اوّل: احکام تقلید

سؤال ۱- اگر فقیهی دارای علومی غیر از فقه و اصول باشد سبب ترجیح او در مقام تقلید می‌شود؟

جواب: دارا بودن علومی دیگر غیر از فقه و اصول سبب ترجیح فقیهی بر فقیه دیگر نمی‌شود مگر علومی که در فهم احکام یا تنقیح موضوعات، مؤثّر بوده باشد.

سؤال ۲- آیا می‌توان از مجتهد مرده تقلید نمود؟

جواب: احتیاط ترک تقلید ابتدایی میّت است اما بقای بر تقلید میّت در مسائلی که عمل کرده یا اخذ فتوا برای عمل نموده جایز است.

سؤال ۳- کسی که بدون اجازه مجتهد زنده به تقلید میّت باقی مانده است اعمالی که انجام داده چه حکمی دارد؟

جواب: حال باید از مجتهد زنده در مسأله بقای بر تقلید میّت، تقلید کند چنانچه فتوای مرجع فعلی او جواز بر بقا باشد اعمال سابق او صحیح است.

سؤال ۴- در چه مسائلی می‌توان به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نمود؟

جواب: تنها در مسائلی می‌تواند باقی بماند که به آن عمل کرده باشد.

سؤال ۵- تفاوت بين فتوا و حكم از كجا سرچشمه مى‌گيرد كه فتوا فقط بر مقلّدين لازم العمل است اما حكم بر جميع افراد؟ اگر دو فقيه احكام مختلف دهند چه وضعى پيش مى‌آيد؟ اصلا فقيهى كه حاكميّت عامّه ندارد آيا حكمش بر امّت نافذ است؟

استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۲۰

جواب: به كتاب «أنوار الفقاهة» ما مراجعه نماييد.

سؤال ۶- آيا در اين عصر كه مسائل و مشكلات زندگى انسانها بسيار گسترده و پيچيده شده و قدرت يافتن بر استنباط احكام اين مسائل نياز به احاطه بر علوم و اطّلاعات گسترده‌اى دارد كسى مى‌تواند به رتبه اجتهاد مطلق نائل شود؟

جواب: البتّه امكان‌پذير است و بهترين دليل بر امكان، وقوع آن است كه ما در حوزه‌هاى علميّه شاهد و ناظر آن هستيم.

سؤال ۷- اگر مرجع تقليد يا مجتهدى احساس كند كه شرايط مرجعيّت يا اجتهاد را از دست داده آيا لازم است كه اعلام كند؟

جواب: لازم است اعلام كند.

سؤال ۸- اگر انسان بتواند تشخيص دهد كه فلان مرجع از نظر مبانى اصولى قويتر است آيا اين تشخيص، در اعلم بودن آن مرجع دخيل است؟

جواب: اعلم بودن تنها به آگاهى و اعلميّت در علم اصول حاصل نمى‌شود بلكه شرايط ديگرى نيز دارد.

سؤال ۹- آيا كسى كه مى‌خواهد عمل به احتياط بنمايد مى‌تواند مثلا احتياطات بيع را از فلان مرجع و احتياطات صلاه را از مرجع ديگر اخذ كند؟

جواب: اگر منظور پيروى كردن در اخذ طريقه احتياط از دو مجتهدى كه هر دو مساوى در فقاهت باشند بوده باشد مانعى ندارد.

سؤال ۱۰- آيا كسى كه عمل به احتياط مى‌كند بايد احكام صادره از مجتهدين ميّت را هم لحاظ دارد؟

جواب: اگر مقصودش احتياط مطلق است بايد همه اقوال را ببيند و اگر هدفش احتياط بين محتمل المرجعيّه‌هاست، تنها آگاهى از اقوال علماى زنده براى او كافى است.

سؤال ۱۱- آيا تصريح به جواز عمل به رساله كه معمولا در ابتداى رساله‌ها

استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۲۱

نوشته مى‌شود به معناى نفى ديگران است؟ و آيا مردم نسبت به مرجعى كه ناشناخته مانده چون قدرت بيان نداشته است مسئول هستند؟

جواب: الف) تصريح به جواز عمل به رساله، دليل بر نفى ديگران نيست، بلكه ممكن است ديگران هم در شرايط مساوى و هر دو يا هر چند نفر جايز التّقليد باشند. آرى اگر كسى در اوّل رساله خود بنويسد عمل به اين رساله متعيّن است و عمل به غير آن جايز نيست مفهومش نفى ديگران است در حالى كه هرگز نديده‌ايم احدى در مقدمه رساله چنين چيزى بنويسد.

ب) درست است كه قدرت بيان باعث معرفى شخص است امّا اگر كسى بيانى نداشت و مقام علمى او مجهول ماند و بعد از فحص نيز مقام علمى او روشن نشد مردم نسبت به او وظيفه‌اى ندارند، مانند گنجى است كه شناخته نشده و كسى در برابر آن گنج وظيفه‌اى ندارد.

سؤال ۱۲- چنانچه بين قانون مصوّب و لازم الاجراى جمهورى اسلامى (كه از كلّيه مراحل تصويب مجلس و تأييد شوراى نگهبان و غيره گذشته است) با فتواى مراجع تقليد تفاوت وجود داشته باشد وظيفه قاضى مقلّد چيست؟

جواب: قاضى اگر مجتهد باشد به رأى خود حكم مى‌كند و اگر بر اثر ضرورتها غير مجتهد براى منصب قضا نصب شود به رأى مرجع تقليد خود عمل خواهد كرد و در تعارض قوانين حكومت اسلامى با رأى مرجع تقليد چنانچه عمل به احتياط ممكن باشد اولى عمل به احتياط است و اگر ممكن نباشد يا موجب ضرر و زيان و عسر و حرج گردد، قوانين حكومت اسلامى در مسائل

عمومی و اجتماعی مقدم است و در مسائل خصوصی باید به رای مرجع خود عمل کند.

سؤال ۱۳- چنانچه پاسخ سؤال پیش این باشد که از بین قانون و فتوای معارض با هم حتما باید به فتوای مرجع تقلید عمل نمود، بنابراین مرقوم بفرمایید که فلسفه ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی و فلسفه تشکیل قوّه مقننه و وضع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲

قانون چیست؟ و اگر پاسخ سؤال این است که باید بر طبق قانون عمل کرد بنابراین فلسفه تقلید و فلسفه وجودی مراجع تقلید چیست؟ و چه آثاری بر آن مترتّب است و صدور فتوا از ناحیه آنان در ابواب مختلف فقهی که قانون نیز در مورد آنها وجود دارد چه فایده‌ای خواهد داشت؟

جواب: از آنچه در پاسخ سؤال قبل گفته شد هم فلسفه وجودی حکومت و هم فلسفه مرجعیّت روشن می‌شود.

سؤال ۱۴- مستدعی است تعیین فرمایید احتیاطات حضرت عالی را به کدام یک از مراجع عظام مراجعه نماییم؟

جواب: می‌توانید به یکی از مراجع معروف در محافل علمی مراجعه فرمایید.

سؤال ۱۵- شخصی ده سال بدون تقلید عبادت می‌کند، عبادتش چگونه است؟

جواب: باید هم اکنون تقلید کند و آنچه مطابق دستور مرجع فعلی او واقع شده صحیح است و غیر آن را باید اعاده کند.

سؤال ۱۶- آیا انتشار رساله توسط مجتهدی به معنای این است که او خود را از دیگران اعلم می‌داند؟

جواب: چنین دلالتی ندارد.

سؤال ۱۷- در رساله‌های عملیّه نوشته شده است که از باید مجتهد اعلم تقلید کرد، از آن جایی که تشخیص و تعیین فرد اعلم در میان مجتهدین برای اهل علم و خبره مشکل و برای عوام محال و ممتنع است، آیا می‌توان در مسائل مورد اختلاف به جای تقلید از یک شخص معیّن، رأی اکثریت را ملاک عمل قرار داد؟

جواب: رأی اکثریت کافی نیست، اگر اعلم ثابت است باید در مسائل اختلافی از او تقلید کرد و اگر ثابت نیست مردم مخیّر هستند.

سؤال ۱۸- کسانی که مجتهد نیستند واجب است در مسائل شرعی و احکام غیر ضروری دین از دستورات مجتهد جامع الشرایط تقلید کنند، آیا در مسائل سیاسی و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳

حکومتی نیز چنین است مثلاً در نظام جمهوری اسلامی ایران آیا اطاعت از قوانین و مقرّرات دولت که به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده، واجب شرعی است؟

جواب: باید از قوانینی که در بالا شرح دادید تخلّف نکنند.

سؤال ۱۹- شخصی پس از فوت مرجع تقلیدش از مجتهدی تقلید نموده، ولی قبل از عمل به فتوای آن مجتهد مجدداً از مرجع قبلی که فوت نموده تقلید کرده است، آیا عدول با توصیف فوق‌الذکر جایز می‌باشد؟ با در نظر گرفتن اینکه در بعضی از مسائل از جمله در مسائل تقلید، مقلّد همین مجتهد زنده می‌باشد.

جواب: چنانچه مجتهد زنده اعلم بوده، عدولش صحیح و بازگشت از آن جایز نیست و اگر میّت اعلم بوده، تقلیدش از مجتهد زنده در موارد علم اجمالی یا تفصیلی به اختلاف جایز نبوده است.

سؤال ۲۰- اگر بر انسان طبق فتوای مرجع قبلی خود، احکامی از قبیل خمس و غیره واجب و یا بعضی از اعمالش باطل و یا مشکوک به نظر برسد، ولی طبق فتوای مرجع فعلی اعمالش صحیح و یا خمس و غیره واجب نباشد، لطفاً مرقوم فرمایید آیا می‌تواند طبق فتوای مرجع بعدی خود عمل و در نتیجه اعمالش صحیح و خمس و امثال آن را پرداخت ننماید؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۲۱- آیا از مجتهدی که در مسائل روز جامعه و سیاست داخلی و خارجی کشور آگاه نیست ولی دارای شرایطی که در رساله عملیّه ذکر شده می‌باشد، تقلید جایز است؟

جواب: جایز است بشرط آن که فتاوای او موجب مفسده‌ای در جامعه اسلامی نگردد.

سؤال ۲۲- آیا حضرت عالی حکم حاکم را نافذ می‌دانید، بنابراین اگر مرجعی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴

حکم کرد آیا بر همه حتّی مراجع دیگر واجب است عمل کنند؟

جواب: بر همه واجب است عمل نمایند مگر اینکه خلاف آن، یقینی باشد.

سؤال ۲۳- آیا مرجع باید مجتهد مطلق باشد یا متجزّی هم می‌تواند باشد؟

جواب: تقلید متجزّی خالی از اشکال نیست.

سؤال ۲۴- آیا زن می‌تواند علوم اسلامی را تحصیل نماید و به مقام اجتهاد برسد؟

جواب: مانعی ندارد و ممکن است به مقام اجتهاد برسد.

سؤال ۲۵- اگر زنی به مقام اجتهاد برسد آیا بر او نیز تقلید حرام است؟

جواب: در این مسأله فرقی میان مرد و زن نیست.

سؤال ۲۶- آیا رجوع از مرجع مساوی به مساوی را جایز می‌دانید؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۷- شخصی از مرجعی تقلید می‌کرده است، پس از فوت او با اجازه مرجع دوّم زنده به تقلید مرجع اوّل باقی مانده است، سپس مرجع دوّم از دنیا رفته است و اکنون از مرجع سوّم که زنده است تقلید می‌کند، اکنون آیا با اجازه مرجع زنده باید بر تقلید از مرجع اوّل باقی بماند یا مرجع دوّم؟

جواب: به تقلید مرجع اوّل باقی بماند

سؤال ۲۸- تقلید بر مجتهد حرام است آیا این مسأله شامل فضلا و طلّابی که در مسائل اندکی مجتهد هستند می‌شود؟

جواب: شامل مجتهد مطلق و متجزّی هر دو می‌شود.

سؤال ۲۹- خواهشمندم بفرمایید چرا تقلید واجب است؟

جواب: به دلیل عقل و بنای عقلای دنیا که جاهل در هر مسأله‌ای باید به عالم رجوع کند، آیا شما هرگاه مریض شوید از طبیب دستور نمی‌گیرید، احکام دین را نیز باید از متخصّصان آن فراگرفت.

سؤال ۳۰- بنده از حضرت آیت اللّه العظمی اراکی (رضوان اللّه تعالی علیه)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵

تقلید می‌کردم و بعد از فوت ایشان به فتوای شما بر تقلید ایشان باقی ماندم، آیا باید حتماً مسائل جدیدی که پیش می‌آید را از شما سؤال کنم یا می‌توانم به مراجع دیگر رجوع کنم و اگر به کس دیگری رجوع کردم در حالی که استفتائاتی از جنابعالی نموده بودم و به بعضی از آنها عمل کردم می‌توانم همان سؤالات را از او سؤال کنم؟

جواب: چنانچه به ما رجوع کرده‌اید، باید مسائل تازه را از ما سؤال کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷

فصل دوّم: احکام آبها

سؤال ۳۱- با توجّه به اینکه درصد نمک آب خلیج فارس و دریای عمان و بسیاری از دریاهای دیگر بالاست به طوری که در هر متر مکعب آن ۳/۲۰۰ کیلوگرم نمک وجود دارد، آیا این آب حکم آب مضاف را دارد؟

جواب: اینگونه آبها مضاف نیست و شستشو با آن موجب طهارت است.

سؤال ۳۲- در یکی از روستاهای خوزستان سه چاه آب قلیل در کنار هم است، در یکی از چاهها سگ ولوغ کرده و در دوّمی چیز نجس ریخته شده است. اما سوّمی پاک است، ولی ما نمی‌دانیم که کدام‌یک از آن، چاهها پاک است در این صورت که شبهه، محصوره است، آیا اجتناب از همه آنها لازم است؟

جواب: چنانچه چاههای معمولی باشد که از آن آب می‌جوشد با ملاقات نجس، نجس نمی‌شود مگر اینکه رنگ یا طعم یا بوی آن تغییر پیدا کند.

سؤال ۳۳- تصفیه آبهای زاید و فاضلاب و غیره به آب زلال در بعضی از کارخانه‌ها و مراکز انجام می‌گیرد، آیا این آبها پاک هستند؟

جواب: اشکال دارد مگر این که با آب جاری یا کر به اندازه کافی مخلوط شود.

سؤال ۳۴- آیا لباس به وسیله ماشین لباسشویی اتوماتیکی که خود چند بار لباس را می‌شوید و آب آن را می‌کشد پاک می‌شود؟

جواب: پاک است خواه در حال شستن لباسها اتّصال با آب لوله‌کشی داشته باشد یا بعد از قطع شدن، شروع به شستشو کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹

فصل سوّم: احکام نجاسات

سؤال ۳۵- تغذیه کردن حیوان به نجاست (غیر از مدفوع) مانند استفاده از خون برای تغذیه طیور چه صورتی دارد؟

جواب: تغذیه حیوان به غیر مدفوع از سایر نجاسات باعث حرمت گوشت و شیر آن نمی‌شود، ولی پرهیز کردن از آن بهتر است.

سؤال ۳۶- با توجّه به اینکه امروزه بسیاری از لوازم آرایش مورد مصرف بانوان مسلمان از جفت جنین تهیه می‌گردد استفاده و مصرف آن چه حکمی دارد در ضمن بفرمایید جفت نجس است یا متنجّس؟

جواب: دلیلی بر نجاست جفت نیست (همان‌طور که در تعلیقه عروه نیز نوشته‌ایم) بنابراین اگر آلوده به خون نباشد یا شک داشته باشیم پاک است.

سؤال ۳۷- آیا دست نجس همراه آب کشیدن گوشت و دنبه پاک می‌شود؟

جواب: پاک می‌شود مگر اینکه جرم چربی روی آن را گرفته باشد ولی چربی مختصر اشکال ندارد.

سؤال ۳۸- اگر گوسفندی از شیر سگ بخورد آیا گوشت آن نجس و حرام است؟

جواب: در مورد شیر سگ دلیلی بر حرام بودن نداریم هرچند گوسفند از آن زیاد بخورد آن چنان که استخوانش محکم گردد، ولی در مورد خوردن شیر خوک هرگاه به این مقدار بنوشد هم گوشت خودش حرام است و هم نسلهای بعد از آن، اما اگر کمتر از آن باشد گوشتش مکروه است و بهتر آن است که هفت روز آن را ببندند و غذای پاک بدهند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰

سؤال ۳۹- حکم ژلاتین که از استخوان خوک و یا گاو گرفته می‌شود چیست؟ لازم به ذکر است بیشتر موادی که ویتامین دارد و نیز بیشتر داروها در آمریکا و حتی بعضی از شیرینی‌جات از این ماده درست می‌شود.

جواب: استفاده از آن در موارد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۴۰- در احکام داریم که اگر سگ به ظرفی زبان بزند باید آن را خاک مال کرد، حال با وجود موادّی مانند الکل، مایعات

ظرفشویی و غیره آیا خاک‌مال کردن لازم است؟

جواب: آری لازم است.

سؤال ۴۱- آیا اهل کتاب نجس هستند؟

جواب: احتیاط اجتناب است مگر برای کسانی که در سفرهای خارج یا در محیط خود به آنها نیاز پیدا می‌کنند.

سؤال ۴۲- نظر شما در مورد طهارت اهل کتاب چیست؟ در حال اضطرار چطور؟

جواب: اجتناب از اهل کتاب در موارد ضرورت واجب نیست و بعد از آن تطهیر لازم نمی‌باشد.

سؤال ۴۳- آیا مجوس از اهل کتاب هستند؟

جواب: مجوسیان محکوم به احکام اهل کتاب هستند.

سؤال ۴۴- وحدت وجود یعنی چه و معتقد به آن چه حکمی دارد؟

جواب: وحدت وجود معانی متعددی دارد، آنچه به طور قطع باطل و به عقیده همه فقها موجب خروج از اسلام است این است که کسی معتقد باشد خداوند عین موجودات این جهان است و خالق و مخلوق و عابد و معبودی وجود ندارد همان‌طور که بهشت و دوزخ نیز عین وجود اوست و لازمه آن انکار بسیاری از مسلّمات دین است، هرگاه کسی ملتزم به لوازم آن بشود خارج از اسلام است و غالب فقهای معاصر- اعمّ از احیا و اموات (رضوان اللّه تعالی علیهم) این موضوع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱

را پذیرفته و در حواشی عروه به آن اشاره کرده‌اند.

سؤال ۴۵- لطفاً توضیح روشنی در مورد وحدت وجود بیان فرمایید؟

جواب: توضیح اینکه وحدت وجود گاه به معنای وحدت مفهوم وجود است که اشکالی ندارد و گاه به معنای وحدت حقیقت است مانند حقیقت نور آفتاب و نور چراغ که هر دو یک حقیقت است ولی مصداق متعدد است آن هم اشکالی ندارد و گاه به معنای وحدت مصداق وجود است به این معنا که در عالم هستی وجودی جز خدا نیست و همه چیز عین ذات اوست این سخن مستلزم کفر است و هیچ یک از فقها آن را قبول نکرده‌اند.

سؤال ۴۶- بسیاری از بزرگان به وحدت وجود معتقد هستند، آیا طبق این مسأله احتیاطاً باید از این بزرگواران نیز اجتناب شود؟

جواب: هیچ‌یک از این بزرگواران (رضوان اللّه تعالی علیهم) قائل به وحدت وجود به معنای سوّم که در سؤال بالا آمد نبوده‌اند و هرکس چنین نسبتی به آن بزرگواران بدهد جسارت کرده است.

سؤال ۴۷- خواهشمند است سندی دالّ بر اینکه این نظر و عقیده پوچ و باطل است بیان نمایید؟

جواب: به عروة الوثقی و حواشی و شروح آن مراجعه نمایید.

سؤال ۴۸- بنا به نقل بعضی از دانشجویان رشته شیمی، مواد تشکیل دهنده الکل صنعتی و طبّی یکی است و فقط به لحاظ غیر قابل شرب شدن به الکل صنعتی ماده‌ای رنگی اضافه می‌گردد، با این فرض حکم این دو نوع الکل را بیان فرمایید؟

جواب: الکل طبّی صنعتی پاک است زیرا با قطع نظر از ماده رنگی، قابل شرب نیست نوعی سمّ محسوب می‌شود بنابراین ادلّه مسکر مایع، شامل آن نمی‌شود. سؤال ۴۹- آیا هر ماده‌ای که در آن الکل باشد حرام است؟

جواب: اگر عرفاً مسکر و مست‌کننده نباشد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲

سؤال ۵۰- حکم الکل را از نظر طهارت و نجاست بیان فرمایید؟

جواب: الکل صنعتی طبّی پاک است ولی مشروبات الکلی مست‌کننده اشکال دارد.

سؤال ۵۱- مصرف غذاها یا مایعاتی که به طور طبیعی مقدار بسیار کمی از آن را الکل تشکیل می‌دهد مانند سرکه و یا آبجو بدون الکل چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه صدق مشروبات الکلی بر آن نکند اشکالی ندارد.

سؤال ۵۲- آیا در مسأله نجاست یقین لازم است یا ظنّ و گمان کافی است؟

جواب: در مسأله نجاست یقین قطعی و صد در صد لازم است و مادامی که چنین یقینی حاصل نشود تکلیفی ندارید و اگر یقین صد در صد حاصل شد اجتناب لازم است مگر در موارد اضطرار.

سؤال ۵۳- گوشتهایی که از کشورهای غیر مسلمان وارد می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه از بازار مسلمین و از دست مسلمانان خریداری شود و احتمال بدهید که خریدار تحقیق کرده، پاک و حلال است.

سؤال ۵۴- آیا تماس دست مرطوب با پول اسکناس یا سکّه که در بین مردم ردّ و بدل می‌شود موجب نجاست دست می‌شود؟

جواب: تا یقین به نجاست پیدا نشود محکوم به پاکی است.

سؤال ۵۵- اگر موش زنده وارد غذا شود زنده بیرون بیاید آیا آن غذا پاک است؟ جواب: پاک است ولی آلوده است و بهتر پرهیز از آن است.

سؤال ۵۶- نمی‌دانیم کجای فرش ۱۲ متری نجس است، آیا این شبهه محصوره است یا غیر محصوره؟ آیا می‌توان روی آن نماز خواند؟

جواب: شبهه محصوره، است ولی نماز خواندن روی آن مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳

فصل چهارم: احکام مطهّرات

سؤال ۵۷- حکم ظرفی که خوک از آن چیزی خورده است و همچنین ظرفی که موش صحرایی در آن افتاده چیست؟

جواب: ظرفی را که خوک از آن چیز مایعی خورده باید هفت مرتبه با آب شست و لازم نیست آن را خاک‌مال کنند و در لیسیدن خوک و مردن موش صحرایی نیز بنابر احتیاط واجب باید هفت مرتبه شست.

سؤال ۵۸- اگر سگی با لباس شخصی تماس پیدا کند و او با همان لباس وارد مسجد شود، آیا تطهیر مسجد واجب است؟

جواب: در صورتی که لباس، یا بدن سگ رطوبت نداشته باشد، نه لباس نجس می‌شود و نه مسجد.

سؤال ۵۹- ژلاتین ماده‌ای است که پس از تأثیر اسید و برخی از موادّ شیمیایی و طی روند خاصّی از استخوان و پوست گاو یا خوک استخراج می‌گردد. از نظر نحوه استخراج می‌توان استخوان و پوست را به پارچه‌ای بافته شده از انواع الیاف تشبیه نمود که به طریقی الیاف نوع پشم جدا می‌گردد این ماده در صنایع غذایی، دارویی، فیلم‌سازی و چسب‌سازی مورد مصرف دارد و در حال حاضر کشورهای غربی، سازنده این محصول بوده و بازار مصرف دنیا را پوشش می‌دهند:

الف) با توجّه به نحوه استخراج ژلاتین از پوست و استخوان آیا می‌توان آن را نوعی استحاله دانست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴

ب) از آن جایی که نیاز کشور در حال حاضر از کشورهای خارجی و عمدتاً غربی تأمین می‌گردد و با توجّه به نوع مادّه اوّلیه، مصرف آن چه حکمی دارد؟

جواب: الف) در موارد مشکوک که نمی‌دانیم از چه ماده‌ای گرفته شده، حکم حلّیّت و طهارت است و فحص و جستجو لازم نیست.

ب) اگر یقین داشته باشیم که از ماده حرام و نجس گرفته شده است استحاله صدق نمی‌کند، اما راه دیگری برای حلّیت و طهارت آن وجود دارد.

سؤال ۶۰- چگونه می‌توان خمیر نجس را تطهیر کرد؟

جواب: ظاهراً راه قابل ملاحظه‌ای ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۵

فصل پنجم: احکام وضو

سؤال ۶۱- اگر شخصی در وضو سه بار صورت و دستها را بشوید، وضو و عباداتش چه حکمی دارد؟

جواب: وضو و عبادتهایش اشکال دارد و لکن باید توجّه کرد که منظور از سه بار یا دو بار شستن این است که عضو مورد نظر یک بار کاملا شسته شود، سپس بار دوّم را شروع کند و کامل بشوید و امّا ریختن آب بر عضوی دو بار یا بیشتر تا زمانی که از شستن کامل آن فارغ نشده است اشکالی ندارد.

سؤال ۶۲- آیا مسح کشیدن سر فقط از جلوی سر است یا می‌توان از عقب سر یا طرفین آن مسح کشید؟

جواب: محلّ مسح تنها جلوی سر است.

سؤال ۶۳- اگر انسان به قصد وضو آب زیادی بر دست راست خود بریزد، آیا مسح پا با این آب جایز است؟

جواب: جایز است، لکن گاهی از اوقات این کار که موجب اسراف است حرام است و از این جهت موجب اشکال می‌شود.

سؤال ۶۴- کسی که معتقد است باید دست راست در وضو دو بار شسته شود، آیا وضویش صحیح است؟

جواب: بنابر قول به استحباب مرتبه دوّم وضویش صحیح است اگر چه در اعتقاد به وجوب دو بار، اشتباه کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۶

سؤال ۶۵- اگر شخص دیگری انسان را وضو یا غسل دهد صحیح است؟

جواب: وضو و غسل او باطل است مگر اینکه هنگامی که دیگری آب بر بدن او می‌ریزد خود او خودش را شستشو دهد، ولی این کار در غیر موارد ضرورت مکروه است.

سؤال ۶۶- خالکوبی چه حکمی دارد و آیا برای غسل و وضو مشکلی ایجاد می‌کند؟

جواب: هرگاه ضرر خاصّی برای بدن نداشته باشد عکسهای موجب فساد اخلاق در آن نباشد جایز است و در هر حال برای وضو و غسل مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سؤال ۶۷- این جانب مبتلا به سینوزیت هستم و استعمال آب برایم ضرر دارد، البتّه یک بار هم عمل جرّاحی کردم ولی مؤثّر واقع نشد که هیچ، بلکه مضرّ هم واقع شده است. هر وقت که برای وضو آب استعمال می‌کنم سر دردم بیشتر می‌شود و گاه خون از مجرای بینی‌ام ترشح می‌کند و فعلا- هم با تیمم نمازهایم را ادا می‌کنم، با توجّه به مطالب بالا آیا باید تیمّم کنم و یا وضو بگیرم (ضمناً بعضی معتقدند وضو با آب گرم ضرری ندارد)؟

جواب: اگر وضو با آب گرم ضرری ندارد تهیّه آن ممکن است باید وضو بگیرید، در غیر این صورت تیمّم کنید هر چند مدّت طول بکشد جای نگرانی نیست.

سؤال ۶۸- شخصی است که ادرار یا مدفوع بی‌اختیار از او خارج می‌شود و با کیسه از سرایت آن به سایر بدن جلوگیری می‌کند، حال قبل از نماز اگر کیسه آلوده باشد آیا تعویض آن واجب است؟ اگر کیسه پاک باشد و در حال نماز مدفوع و یا بول بدون اختیار خارج گردد، تکلیف چیست؟

جواب: کسی که بول یا غایط پی‌درپی از او خارج می‌شود باید بعد از هر وضو فوراً مشغول نماز شود و برای بجا آوردن نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۷

شده، وضو گرفتن دیگر لازم نیست به شرط اینکه میان نماز و این کارها فاصله‌ای نیندازد و در حال نماز حمل کیسه آلوده با خود، نماز را باطل نمی‌کند.

سؤال ۶۹- آیا موارد زیر برای وضو مانع به حساب می‌آید و باید قبل از وضو آنها را برطرف کرد:

الف) اثر نفتی که بعد از شستن با آب به دستها باقی مانده و به طور کامل برطرف نگردیده است.

ب) رنگی که بر اثر مالیدن پوست بعضی از خوراکیها به دست می‌ماند مثل پوست گردو که معمولاـ با گذشت زمان برطرف می‌گردد.

ج) اثر گچ و سیمان.

د) اگر با خودکار یا خودنویس و مانند اینها به اعضای وضو خط کشیده شود.

ه‍) دستها آلوده به مانعی است که نجس نیست ولی دیر (مثلا ظرف ده روز) برطرف می‌گردد.

جواب: هرگاه از این اشیا جرمی که مانع رسیدن آب باشد روی دست باقی نماند مانعی برای وضو نیست هرچند رنگ یا چربی وجود داشته باشد ولی اگر مانع از وصول آب وضو باشد و نمی‌توان آن را فعلا برطرف کرد، باید مطابق دستور وضوی جبیره عمل کند.

سؤال ۷۰- اگر قبل از وضو از نظر وجود مانع وارسی شود ولی بعد از نماز ببیند که مانعی وجود داشته، آیا باید مانع را برطرف کرده و دوباره نماز بخواند؟

جواب: اگر احتمال می‌دهد مانع بعد از وضو پیدا شده، اعاده لازم نیست.

سؤال ۷۱- آیا افراد وسواسی باید به ظنّ و گمان خود عمل کنند (اگر ظنّ و گمان قوی باشد چطور)؟

جواب: باید به همان مقدار که افراد متعارف انجام می‌دهند اکتفا کنند حتّی اگر ظنّ و گمانی هم پیدا نشود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۹

فصل ششم: غسل جنابت

سؤال ۷۲- اگر بر گردن شخصی هیچ غسلی نباشد، آیا می‌تواند به قصد قربت غسل کند و با آن نماز بخواند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۷۳- کسی که بی‌اختیار از او منی خارج می‌شود چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: خروج منی به هر صورت موجب غسل است به شرط اینکه یقین داشته باشد و هرگاه به خاطر عمل پروستات ذرّات منی در بول مستهلك شود موجب جنابت نخواهد شد.

سؤال ۷۴- آیا ریختن آب زیاد برای غسل ضرر دارد و آیا کسی که عرق زیادی کرده است قبل از شستن عرقهایش غسل او صحیح است؟

جواب: آب زیاد ضرری به غسل نمی‌زند ولی اگر اسراف باشد مقدار اضافی حرام است اما عرق بدن اگر باعث مضاف شدن آب نشود اشکال ندارد هر چند بهتر این است که اوّل عرق را بشوید بعد غسل کند.

سؤال ۷۵- اگر در حین غسل حدث اصغر خارج شود غسل چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که غسل را از سر بگیرد و بعدا برای نماز و مانند آن وضو بگیرد.

سؤال ۷۶- جنبی که می‌داند اگر غسل کند به درس نمی‌رسد آیا جایز است در مسجد با تیمّم توقف کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰

جواب: لازم است اوّل غسل کند سپس در کلاس درس حاضر شود.

سؤال ۷۷- اگر شخص جنبی به حمّام برود و فراموش کند که غسل را بجا آورد، آیا می‌تواند وارد مسجد شود؟

جواب: نمی‌تواند.

سؤال ۷۸- در جنب شدن زنها توسط خروج منی، آیا همان شرایطی که برای مردها گفته شده لازم است؟

جواب: در زن لازم نیست که با جستن بیرون آید بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است حکم منی دارد.

سؤال ۷۹- آیا زن پس از نزدیکی شوهر با او و قبل از غسل، باید صبر کند تا منی شوهر از او خارج شود و اگر فوراً غسل کرد و آب یا رطوبت مشکوکی خارج شد، تکلیفش چیست؟

جواب: غسل ندارد، ولی اگر یقیناً منی است باید خود را آب بکشد

سؤال ۸۰- چرا با غسل جنابت بدون وضو می‌شود نماز خواند ولی با غسلهای دیگر نمی‌شود و باید وضو گرفت؟

جواب: با همه غسلهای واجب مستحب قطعی مانند غسل جمعه می‌توان نماز خواند ولی غسلهای مستحبی که به عنوان رجا بجا آورده می‌شود جانشین وضو نمی‌گردد.

سؤال ۸۱- در رساله حضرت امام (قدس سرّه الشریف) مطالعه کردم که اگر منی از انسان خارج شود با اختیار یا بدون اختیار با شهوت یا بدون شهوت انسان جنب می‌شود. در حال حاضر من سرباز هستم و دستشوییهای این پادگان که ما در آن مستقر هستیم بسیار تاریک است و مدّتی است که (بعضی مواقع) بی‌اختیار بعد از بول یا به هنگام بول از من منی دفع می‌شود (در این مورد مطمئن هستم) طبق فتوای حضرت امام (رضوان اللّه تعالی علیه) من جنب می‌شوم. مشکل من این است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱

که در شب که نمی‌شود دقیقا ادرار را مشاهده کرد، اگر شک کنم که از من منی دفع شده یا نه باید غسل نمایم یا خیر، و در ضمن اینجا حمّامها آبگرمکن ندارد (چون فقط در شب می‌توانیم حمّام برویم) و حالا هم زمستان است و آب در شب سرد است و چند بار که حمّام رفتم کلیه درد گرفته‌ام و حمّام رفتن هم قدری زحمت دارد لطف بفرمایید و بنویسید که چه کار باید بکنم و آیا در موارد ذکر شده جنب هستم؟

جواب: برای شناختن منی نشانه‌هایی است و برای شناخت آنها به مسأله ۳۶۱ توضیح المسائل ما مراجعه کنید، ولی اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر (یعنی مذی، وذی و ودی که هر سه پاکند و غسل ندارند و وضو را هم باطل نمی‌کنند) چنانچه همراه با جستن و شهوت (یعنی لذّت و خوش آمدن) بوده باشد، آن رطوبت حکم منی دارد امّا رطوبت لزج که بعد از بول خارج می‌شود منی نیست و هرکجا که شک دارید واجب نیست غسل کنید و هرکجا به خروج منی یقین کردید اگر به واسطه نبودن آب گرم یا جهت دیگری نتوانید غسل کنید، تیمم بدل از غسل کنید و بدن را تطهیر کنید و با لباس طاهر نماز بخوانید و هرچند مدّت آن طولانی شود برای شما اشکال ندارد.

سؤال ۸۲- این جانب مبتلا به بیماری وسواس هستم و متأسّفانه بسیار شدید و غیر قابل تحمّل است مثلا در مورد تطهیر و غسل وسواس من خیلی شدید است به گونه‌ای که گاهی اوقات وقتی شب به حمّام می‌روم نزدیک طلوع آفتاب موفق به تطهیر می‌شوم و از حمّام بیرون می‌آیم. باور کنید در طول این چند سال به اندازه بیست سال آب مصرف کرده‌ام، برای درمان به نزد بعضی از

علمای شهرمان و یکی از مراجع قم رفتم و اذکاری را به من گفتند ولی مؤثّر واقع نشد. به خدمت حضرت علی بن موسی الرّضا (علیه السلام) در مشهد رفتم با چه گرفتاریهایی که در سفر و هنگام تشرف داشتم و دعا و تضرّع بسیار کردم ولی متأسّفانه شفا نیافتم. این بیماری نزدیک است مرا از پای درآورد نه تنها خود که خانواده را نیز نگران و در زحمت انداخته‌ام بلکه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۲

باعث شده است عبادتهایم را نتوانم انجام دهم و برای این جهت ماه رمضان را سفر می‌کنم تا مشکل روزه گرفتن نداشته باشم اگر چه در سفر هم هیچ چیز نمی‌خورم. لطفاً مرا راهنمایی کنید تا از این وضع غمبار نجات یابم و از زخم زبانهای اطرافیان آسوده گردم؟

جواب: مشکل شما در واقع از خود شماست و مقصّر اصلی خودتان هستید و به همین دلیل دعای شما هم مستجاب نمی‌شود و علّت اصلی آن ندانستن مسأله است. مسأله اصلی این است که بر شما واجب نیست یقین به طهارت و غسل و مانند آن پیدا کنید، آنچه بر شما به عنوان یک وظیفه شرعی لازم است این که به مقدار سایر مردم آب بریزید و به همان قناعت کنید هرچند شک در غسل و طهارت داشته باشید و ما مسئولیت شرعی این کار را می‌پذیریم. شما از امروز فقط به مقدار مردم آب بریزید و قناعت کنید و با بدن نجس و حال جنابت (به گمان خودتان) نماز بخوانید و هیچ اشکالی هم ندارد و نماز و روزه شما کاملا صحیح است و ما به این وسیله بر شما و تمام افراد وسواسی اتمام حجّت می‌کنیم و مخالفت با آن گناه است. ما از خداوند می‌خواهیم که به شما توفیق توجّه به این مسأله را عنایت کند و از دام شیطانی نجات پیدا کنید.

سؤال ۸۳- آیا در مورد قضای غسل جمعه دلیلی داریم؟

جواب: آری در این زمینه روایتی داریم که تا غروب روز شنبه می‌توان آن را قضا کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۳

فصل هفتم: احکام حائض

سؤال ۸۴- آیا داخل شدن زن حائض به رواقهای اطراف ضریح مطهّر امام رضا (علیه السلام) اشکال دارد گرچه قبر را ببیند و به ضریح نزدیک باشد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی وارد حرم نشود.

سؤال ۸۵- تکلیف زنی که چندین ماه است که لکه‌های پی‌درپی می‌بیند چیست؟ لازم به ذکر است که اطبّا احتمال می‌دهند که این خونها مربوط به زخمهای درونی باشد.

جواب: مسأله دو صورت دارد، اگر ثابت شود که خون مربوط به زخم یا دمل و رحم است غسل ندارد و طبق معمول باید وضو بگیرد و نماز بخواند و اگر خون مربوط به عوارض رحم بوده باشد استحاضه است، چنانچه کم باشد در حدود دیدن لکه‌های مختصر باید برای هر نماز وضو بگیرد و غسل ندارد و باید بدن را بشوید و نماز بخواند و اگر جریان دارد غسل واجب می‌شود (یک غسل برای نماز صبح و غسل دیگر برای ظهر و عصر و غسل سوّم برای مغرب و عشا) و اگر غسل برای او ضرر یا مشقّت شدید دارد می‌تواند تیمّم کند.

سؤال ۸۶- آیا نزدیکی با حائض بعد از قطع خون و قبل از غسل جایز است؟

جواب: جایز است ولی احتیاط مستحب در ترک آن است.

سؤال ۸۷- هرگاه زن جنب بوده و عادت ماهیانه او فرارسید یا در حال عادت ماهیانه جنب شد، آیا می‌تواند در همان حال غسل جنابت کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴

جواب: مانعی ندارد و با غسل جنابت از جنابت پاک می‌شود و همچنین غسلهای مستحب را نیز می‌تواند انجام دهد.

سؤال ۸۸- در مسأله شماره ۴۲۶ مرقوم فرموده‌اید (حیض خونی است که در هر ماه چند روزی از رحم زن خارج می‌شود و به هنگام انعقاد نطفه غذای فرزند است) انطباق این مسأله با توجّه به نکات مشروحه ذیل با موازین علمی مبهم است لذا خواهشمند است توضیحات بیشتری مرقوم فرمایید: یک دوره ماهیانه در یک زن بالغ قبل از یائسگی معمولاً دارای مراحل ذیل می‌باشد:

الف) مرحله افزایش حجم رحم در این مرحله رحم زن در اثر ترشح هورمون استروژن ضخیم می‌شود، ضخیم شدن دیواره رحم به منظور آمادگی رحم برای پذیرش جنین می‌باشد.

ب) در صورتی که آبستنی صورت پذیرد و جنین تشکیل شود، جنین موجود از لوله‌های رحمی گذشته وارد رحم می‌شود و در این لایه ضخیم و پرخون لانه‌گزینی می‌کند، در اینجا جنین تا مدّتی از مواد غذایی که به وسیله خون حمل می‌گردد تغذیه می‌کند و رشد می‌نماید در واقع جنین از خود خون به عنوان غذا تغذیه نمی‌نماید بلکه از اکسیژن و مواد غذایی که به وسیله خون حمل می‌شود استفاده می‌کند.

ج) تقریباً پس از سه هفته از لانه‌گزینی، جفت تشکیل می‌شود در اینجا وظیفه جفت، گرفتن مواد غذایی و اکسیژن از بافت ضخیم شده رحم و انتقال آن به جنین از طریق بند ناف می‌باشد همین‌طور گاز کربنیک حاصل از فعّالیّتهای حیاتی جنین را به خون مادر انتقال می‌دهد و وظیفه دیگر جفت ترشح هورمون مادری یا پرژسترون می‌باشد که از عادت ماهیانه جلوگیری می‌کند.

د) در صورتی که آبستنی اتفاق نیفتد دیواره ضخیم و پرخون شده رحم تخریب و شروع به ریزش می‌نماید که به نام عادت ماهیانه معروف می‌باشد. پس از پایان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵

خونریزی، دیواره رحم مجدّداً خود را برای پذیرش جنین بعدی آماده می‌کند یعنی شروع به ضخیم شدن و پرخون شدن می‌نماید و لذا وقتی یک زن، آبستن می‌شود معمولاً به دلیل ترشح هورمونهای مخصوص که ذکر آن گذشت اصولاً قاعدگی اتفاق نمی‌افتد (نه اینکه جنین آن خون را می‌خورد) یعنی اصولاً خونریزی وجود ندارد که جنین آن را بخورد.

ه-) کلیه مراحل فوق به وسیله ترشح هورمونهای مختلف کنترل می‌شوند و اگر این هورمونها را توسط تزریق یا خوراکی به یک زن بدهند قاعده نمی‌شود پس در اینجا خوردن خون را در چگونه می‌توان به عنوان غذای بچه محسوب داشت؟

جواب: منظور این نیست که دیواره رحم خونریزی می‌کند و جنین آن را می‌بلعد بلکه منظور این است که در موقع بارداری خون در عروق مادر ذخیره می‌شود و از طریق جفت یا غیر آن به جنین منتقل می‌گردد و موادّ غذایی و اکسیژن موجود را جنین از همان خون مادر می‌گیرد همان‌گونه که در مدّت شیرخوارگی غالباً عادت ماهانه نیست زیرا قسمتهایی از خون تبدیل به شیر می‌شود و غذای نوزاد می‌گردد پس اگر بگوییم خون غذای بچّه است منظور این معناست نه آنچه نوشته‌اید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷

فصل هشتم: احکام اموات

سؤال ۸۹- بعد از غسل سدر و کافور و قبل از غسل با آب خالص، قطراتی که از بدن میّت ترشح می‌کند پاک است یا نجس؟

جواب: تا اغسال سه‌گانه تمام نشود میّت پاک نمی‌شود.

سؤال ۹۰- اگر سهواً به میّت یکی از سه غسل که دادن آن واجب است داده نشود حکمش چیست؟

جواب: در صورتی که مستلزم هتک حرمت میّت نشود جایز است که قبر را نبش کنند و میت را خارج نمایند و غسل را تکمیل

کنند ولی این کار واجب نیست.

سؤال ۹۱- شخصی دار فانی را وداع کرده و معلوم نیست مرد است یا زن، وضعیّت نماز این فرد و همچنین غسلش چگونه است؟

جواب: اگر منظور خنثی است لازم است محارم او را غسل دهند و اگر محرمی نباشد هر یک از زن و مرد می‌تواند او را غسل دهد و در نماز عمل به احتیاط می‌کنند.

سؤال ۹۲- آیا وجود حایل میان تابوت و نمازگزار اشکال دارد؟

جواب: مانعی ندارد ولی نباید میان نمازگزار و میت دیوار یا پرده باشد.

سؤال ۹۳- زن مسلمانی که بچه مسلمان هفت‌ماهه‌ای در شکمش بوده فوت کرده است، بعضی می‌گویند باید آینه‌ای در سمت پشت مادر قرار دهند تا انعکاس صورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸

بچه به طرف قبله باشد آیا این کار لازم است؟

جواب: رو به قبله بودن مادر کافی است و گذاشتن آینه معنا ندارد.

سؤال ۹۴- بعضی از مسلمانها در لبنان وصیّت می‌کنند که در لباس عروسی دفن شوند آیا این وصیّت جایز است؟ و بر فرض جواز آیا عمل به این وصیّت بر وصیّ لازم است؟

جواب: اگر شرایط کفن در آن لباس موجود باشد یا اضافه بر کفنهای سه‌گانه باشد لباس خیلی گران قیمت نباشد به گونه‌ای که اسراف محسوب شود جایز است.

سؤال ۹۵- در یک گورستان که صد سال از دفن اموات در آن می‌گذرد آیا می‌توانیم دوباره مرده‌ها را در آن دفن کنیم؟

جواب: مانعی ندارد. در صورتی که آثار اموات از بین رفته باشد

سؤال ۹۶- آیا انتقال جنازه به گونه‌ای که نبش قبر نشود جایز است؟

جواب: در صورتی که هتک و توهین از نظر مردم لازم نیاید می‌توان آن را به محل دیگری منتقل نمود، ولی بهتر آن است که محل آن را تغییر ندهند.

سؤال ۹۷- نبش قبر تا چند وقت پس از دفن حرام است؟

جواب: برای نبش قبر زمان خاصّی مطرح نیست زیرا بدن اشخاص و همچنین زمینها متفاوت است تنها در صورتی می‌توان نبش کرد که یقین به از بین رفتن تمام آثار بدن حاصل شده باشد.

سؤال ۹۸- دختر ۱۵ ساله‌ای در حادثه تصادف ماشین از دنیا رفت و او را به خاک سپردیم اکنون مدتی است خویشاوندان و آشنایان و مخصوصاً خواهر بزرگترش مرتباً او را در خواب می‌بینند که اصرار می‌کند بیایند او را ببرند چون او زنده است و آن قدر این خوابها تکرار شده است که وضع روحی خانواده آن مرحومه را به مخاطره افکنده و سلامتی آنها مختل شده است آیا اجازه می‌فرمایید که نبش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹

قبر نموده و این امر را معلوم سازیم؟

جواب: با توجّه به ضرورت ناشی از نگرانی شدید این خانواده عدم صدق هتک احترام در مورد سؤال مراعات احتیاط (در انجام حد اقل نبش لازم) جایز است.

سؤال ۹۹- در کنار قبر مؤمنی توالت احداث کرده‌اند و این کار باعث شده است که حتّی امکان خواندن یک سوره قرآن در آنجا نباشد مراجعه به مسئولین برای انتقال توالتها به مکان دیگر مؤثّر واقع نشد آیا اجازه می‌دهید نبش قبر کنیم و میت را به جای دیگر

منتقل کنیم؟

جواب: به آنها فشار بیاورید که توالتها را به محل دیگری ببرند و به مسئولین بگویید این کار شرعاً صحیح نیست زیرا اهانت به قبر مؤمن می‌باشد و اگر ادامه این وضع باعث هتک آن میّت باشد جابه‌جا کردن او جایز است.

سؤال ۱۰۰- آنچه در کتب فقهی حتّی در رساله‌های عملیّه فقها از عروهٔ الوثقی تا تحریر الوسیله جستجو شد حضرات نمازی به عنوان نماز غریق بیان نفرموده‌اند حال اگر کسی در دریا یا رودخانه غرق شد و جسدش هم پیدا نشد چه باید کرد آیا نماز دارد یا ساقط است؟ بر فرض اینکه نماز داشته باشد چگونه باید ادا کرد؟

جواب: چنین کسی نماز ندارد تا جسدش پیدا شود، ولی در کلمات علما چیزی به عنوان نماز غرقی داریم و آن نماز یومیّه کسانی است که در حال غرق شدن هستند و بیش از تکبیرات و اشاراتی نمی‌توانند کاری انجام دهند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۱

فصل نهم: احکام تیمّم

سؤال ۱۰۱- اگر شخصی به جای غسل جنابت تیمّم بدل از آن را بجا آورد آیا می‌تواند وارد مسجد شود یا کلمات قرآن را مس نماید؟

جواب: در مواردی که تیمّم جایز است تمام کارهایی را که مشروط به طهارت است می‌توان انجام داد.

سؤال ۱۰۲- کسی که همواره موقع ادرار اجزای منی هم از او بیرون می‌آید و امید خوب شدن نیز ندارد آیا می‌تواند تیمّم کند و اعمالش را انجام دهد؟ چون فرض بر این است که غسل جنابت به صورت همیشگی برای او زیان غیر قابل جبران جسمی دارد.

جواب: در فرض مسأله احتیاط واجب آن است که به مقداری که ضرر ندارد غسل کند و در مواردی که ضرر دارد تیمّم جایز است ولی وضو را نیز احتیاطاً بگیرد این در صورتی است که ذرّات منی در بول مستهلك نشود، ولی اگر مستهلك شود احتیاج به غسل نیست همچنین اگر شك داشته باشد که آن ذرّات منی است یا رطوبتهای چسبنده دیگر که از انسان احیاناً دفع می‌شود غسل ندارد.

سؤال ۱۰۳- کسی که مبتلا به مرضی باشد که نتواند از خروج باد جلوگیری کند و وضو گرفتن هم برایش ضرر دارد آیا باید در محلی (مثلا روی سنگ) نماز بخواند تا بتواند بعد از اینکه چیزی از او خارج شد تیمّم کند و نماز را ادامه دهد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۲

جواب: اگر تجدید تیمّم در وسط نماز برای او میسر باشد بی‌آنکه منافی نماز به جا آورد لازم است، مگر اینکه تکرار آن باعث عسر و حرج شود که در این صورت واجب نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۳

فصل دهم: احکام نماز

اشاره

سؤال ۱۰۴- تأخیر نماز در شبهای مهتابی به نظر شما چگونه است؟

جواب: شبهای مهتابی و غیر مهتابی تفاوت نمی‌کند.

سؤال ۱۰۵- چرا شیعیان نمازهای ظهر و عصر و نیز مغرب و عشا را با هم می‌خوانند ولی سایر مسلمین این نمازها را از هم جدا و در پنج نوبت می‌خوانند؟

جواب: جدا خواندن نمازها به عقیده ما هم مستحب و سنّت است ولی جمع میان آنها جایز می‌باشد حتّی در روایات اهل تسنّن نیز دلیل بر جواز داریم بنابراین جمع رخصت است ولی جدا کردن فضیلت است.

سؤال ۱۰۶- آیا نماز مستحبی که کیفیّت خاصّی دارد، مانند نماز وحشت را می‌توان به جای نافله یومیه حساب کرد؟

جواب: هرگاه قصد نافله با آن بکند نافله محسوب می‌شود و امید است ثواب آن نماز مخصوص را نیز داشته باشد.

سؤال ۱۰۷- اینکه گفته شده نماز شب اگر نشسته به جا آورده شود احتیاطاً به جای یک رکعت، دو رکعت خوانده شود این احتیاط لازم است یا مستحب؟

جواب: این احتیاط مستحب است.

سؤال ۱۰۸- نوافلی که در سفر منع شده، انجام دادن آن به عنوان کم‌بودن ثواب است یا بدعت؟ چه نوع بدعتی؟

جواب: انجام این نوافل مشروع نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴

احکام قبله

سؤال ۱۰۹- مسلمانان مقیم لوس‌آنجلس که در غرب آمریکا زندگی می‌کنند به کدام جهت باید نماز بگذارند که نمازشان صحیح و روبه قبله انجام شده باشد البتّه قبله‌نماهای موجود مثل قبله‌نمای رزم آرا و غیره قبله نیویورك را که در شرق آمریکاست مشخص می‌کند ولی قبله لوس‌آنجلس را که شش ساعت با هواپیما از نیویورك فاصله دارد معین نکرده و مردم دقیقاً تکلیف خود را نمی‌دانند و به استناد (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ) «۱» به یک جهتی نماز می‌خوانند لطفاً وظیفه آنها را معین کنید.

جواب: به همان طرفی که در میان مسلمانان آنجا مشهور به قبله است بایستید اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۰- اگر شخصی به غیر جهت قبله به نماز ایستاد ما نیز می‌دانیم که جهت قبله بر عکس است آیا وظیفه داریم به وی اعلام کنیم؟ امر به معروف و نهی از منکر در اینجا لازم است؟

جواب: لازم نیست ولی بهتر است.

سؤال ۱۱۱- برادران مجروح و یا معلولی که نمی‌توانند در هیچ صورت رو به قبله نماز بخوانند آیا جهت‌های غیر قبله برای آنان یکسان است؟

جواب: فرقی با هم ندارد.

سؤال ۱۱۲- آیا صحیح است که می‌گویند وقتی که حضرت حجّت (عج) ظهور می‌کند قبله را به مزار امام حسین (علیه السلام) تغییر می‌دهد؟

جواب: این روایت مخالف قرآن و روایات ثابت از طرف معصومین (علیهم السلام) است و باید طرح و دور انداخته شود. سؤال ۱۱۳- هنگامی که کشتی یا قطار در حال حرکت می‌باشد و اشخاص اقامه نماز می‌کنند در صورتی که از قبله منحرف شوند وظیفه آنها چیست؟

جواب: باید فوراً به سوی قبله تغییر جهت دهند.

---

(۱). سوره بقره، آیه ۱۱۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵

لباس نمازگزار

سؤال ۱۱۴- اگر در حال نماز، دهان نمازگزار خون بیاید آیا نمازش باطل می‌شود؟

جواب: اگر خون در دهان بوده باشد موجب بطلان نماز نیست ولی اگر به ظاهر لب به مقدار درهم و بیشتر رسیده باشد باید نماز را رها کند و دهان را آب بکشد و سپس نماز بخواند و اگر کمتر از درهم باشد و با آب دهان آمیخته شود و خارج شود آن هم برای نماز اشکال دارد.

سؤال ۱۱۵- پوشیدن مانتو چه حکمی دارد؟ آیا جزء لباسهای زینتی است؟

جواب: پوشیدن لباسهای زینتی اشکال دارد ولی مانتوهای معمولی زینتی نیست و لباسی که تمام بدن جز صورت و کفّین را بپوشاند کافی است هر چند چادر محفوظتر و بهتر است.

سؤال ۱۱۶- نماز در لباسی که در نجاست آن شک داریم چه حکمی دارد؟

جواب: مادامی که یقین به نجاست آن نداشته باشید می‌توان با آن نماز خواند

سؤال ۱۱۷- حکم استفاده از طلای زرد، سفید و پلاتین را برای مردان بیان فرمایید.

جواب: آنچه طلا نامیده می‌شود زینت کردن با آن بر مردان حرام است خواه طلای زرد باشد یا سرخ یا سفید، ولی باید توجّه داشته باشید که پلاتین طلا نیست و فلز دیگری است.

سؤال ۱۱۸- آیا پلاتین همان طلای سفید است؟ و در صورتی که غیر آن است حکم آن چیست؟

جواب: پلاتین و طلای سفید- طبق شهادت اهل خبره- دو چیز است پلاتین فلزی است و طلای سفید فلز دیگر، دوّمی حرام است و اوّلی حرام نیست هر چند بعضی بدون توجّه پلاتین را طلای سفید می‌دانند.

سؤال ۱۱۹- آیا کراهت لباس سیاه برای نماز شامل چادر مشکی خواهران و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۶

همچنین عبای سیاه می‌شود؟

جواب: معروف کراهت لباس سیاه در نماز است و دلیلی که برای آن ذکر شده زن و مرد را شامل می‌شود، ولی عبا از آن استثنا شده و بعید نیست چادر زنان نیز مشمول استثنا باشد.

سؤال ۱۲۰- چنانچه زن هنگام نماز یا پس از آن دریابد برخی از اندامش که پوشیدن آن لازم بوده است عریان مانده، تکلیفش چیست؟

جواب: نمازش صحیح است.

سؤال ۱۲۱- استفاده از زینت‌آلات طلا اعمّ از انگشتر و گردنبند برای مردان چه صورتی دارد؟

جواب: حرام است.

سؤال ۱۲۲- آیا نگاه کردن به وجه و کفّین زن نامحرم بدون قصد لذت اشکال دارد؟ و منظور از قصد ریبه و لذّت چیست؟

جواب: اشکال ندارد و منظور از ریبه آن است که بترسد به گناه بیفتد و منظور از لذّت هم لذّت جنسی است.

سؤال ۱۲۳- لباس شهرت چیست؟ و استفاده از آن چه صورتی دارد؟

جواب: منظور از لباس شهرت آن است که لباسی بپوشد که مشهور به زهد و قدس شود و جنبه ریاکاری داشته باشد و استفاده از چنین لباسی شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۲۴- اگر شیء مسروقه در جیب لباس نمازگزار باشد، آیا نماز او باطل است؟

سؤال ۱۲۵- بعضی از مجروحین، زخمهای بدنشان به گونه‌ای است که در مدّت شبانه روز خون می‌آید این افراد برای نماز چه باید

بکنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۷

جواب: باید در صورت امکان زخم را ببندند تا به جای دیگر سرایت نکند و با همان حال نماز بخوانند.

سؤال ۱۲۶- فرد مریضی که بنا به عللی نتواند بعد از بول خود را با آب بشوید اگر با پارچه‌ای خود را تمیز نماید می‌تواند نماز بخواند؟

جواب: در فرض مسأله که محلّ ضرورت است اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۷- کسی که ادرار و مدفوع او غیر ارادی است با توجّه به اینکه هر لحظه امکان دارد از او ادرار یا مدفوع خارج گردد و اطراف عورتین و لباس او اکثر اوقات نجس است حتی اگر عوض کند مجدّداً نجس می‌شود چگونه نماز بخواند؟

جواب: با همان حال نماز بخواند و در مورد وضو گرفتن مطابق دستوری که در رساله توضیح المسائل مسأله ۳۲۹ داده‌ایم عمل کند.

سؤال ۱۲۸- چنانکه نپوشاندن وجه و کفّین (صورت و دستها تا مچ) فسادی را برای زن در جامعه به بار آورد آیا پوشاندن وجه و کفّین واجب می‌شود؟

جواب: اگر موجب فساد باشد لازم است.

سؤال ۱۲۹- دندانهای غیر طبیعی (مصنوعی) اگر از اجزای غیر حلال گوشت باشد آیا برای نماز اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۰- آیا پوشش زن در نماز باید طوری باشد که از هیچ طرف، بدن او دیده نشود؟ و آیا پوشاندن زینت و زیورهای صورت و دست در نماز در جایی که نامحرم نیست لازم است؟

جواب: پوشاندن تمام بدن در نماز به استثنای وجه و کفّین و پاها تا مچ از چهار طرف لازم است و زینت‌آلات اگر روی لباس باشد برای نماز اشکال ندارد.

سؤال ۱۳۱- در جایی که نامحرم به قصد ریبه و تلذّذ به زن نگاه می‌کند و یا صورت و کفّین او زینت دارد و بدون پوشاندن آنها نماز می‌خواند، نمازش چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۸

جواب: نمازش اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که خود را در معرض دید نامحرم قرار ندهد.

سؤال ۱۳۲- منظور از اینکه فرموده‌اند پوشیدن لباس مخصوص مرد برای زن و بالعکس اشکال دارد چه نوع لباسی است لطفا توضیح فرمایید؟

جواب: منظور لباسی است که در عرف عام می‌گویند لباس زنانه است (ولی هرگاه فسادی بر آن مترتب نشود حرام نیست).

سؤال ۱۳۳- پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین و دیگر ائمه (علیهم السلام) چنانچه صاحب حدائق فرموده رجحان شرعی دارد یا خیر؟

جواب: هرگاه جنبه تعظیم شعایر داشته باشد رجحان دارد.

سؤال ۱۳۴- از آنجا که مسأله حجاب یک امر ضروری اسلام است و از آنجا که باید حدود و قوانین اسلامی در کشور جمهوری اسلامی خصوصا در شهرهای مذهبی از جمله شهر مقدّس قم رعایت شود که بحمد اللّه این قوانین اسلامی تا به امروز در شهر مقدّس قم رعایت شده اما متأسفانه این روزها در این شهر مقدّس اعمال ناشایستی مشاهده می‌شود که در شأن و مقام و منزلت این شهر مقدّس نیست لذا کراراً مشاهده می‌شود که اعمال ناشایستی در وسایل نقلیّه خصوصاً در کاروانهای عروسی که از مقابل حرم مطهّر حضرت معصومه (علیها السلام) عبور می‌کنند انجام می‌شود و یا به طور کلّی در مکانهای مقدّسی از جمله در مسجد مقدّس

جمکران که مورد لطف و مرحمت پروردگار و حضرت بقیه اللّه الاعظم (عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) بوده صورت می گیرد که واقعاً جای تأسف و نگرانی است چرا که مقام و منزلت این شهر بالاتر و والاتر از آن است که اجازه بدهد این گونه اعمال در آن صورت گیرد لذا از آنجا که مراجع بزرگوار همیشه و در هر حال به فریاد و کمک انقلاب و اسلام می‌رسند و با فتاوای دندان‌شکن خود مشت محکمی بر دهان استکبار جهانی می‌زنند بر آن شدیم که فتوای صریح حضرتعالی را در خصوص این مسأله در شهر مقدس قم بدانیم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۹

جواب: بدون شک حجاب از مسلّمات اسلام است و تمام فقهای اسلام در آن اتّفاق نظر دارند و هر گونه بدحجابی و بی‌حجابی بر خلاف شریعت مقدّسه است مخصوصا در شهرهای مذهبی و از آن بالاتر در اماکن مقدّسه دینی باید مراعات بیشتری شود و گناه بدحجابی و بی‌حجابی در این اماکن بیشتر است و بدون شک پوشیدن چادر همه جا مخصوصاً در این اماکن اولی است.

سؤال ۱۳۵- اشخاصی که عمل جرّاحی روده بزرگ انجام داده‌اند و محلّ خروج مدفوع را بسته و مدفوع توسط کیسه‌ای جمع آوری می گردد در موقع نماز تکلیفشان چیست؟

جواب: اگر کیسه به صورت محمول است اشکالی ندارد و اگر بدن آلوده شود چنانچه عسر و حرجی نباشد آن را بشویند و اگر عسر و حرجی هست به همان حالت نماز بخوانند.

سؤال ۱۳۶- مدالهای طلا که ورزشکاران می گیرند و به گردن آنها می‌آویزند چه حکمی دارد؟

جواب: گرفتن مدال اشکال ندارد لکن برای مردان به گردن انداختن اشکال دارد مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۳۷- حجاب از نظر اسلام چیست و چه نوع پوششی برای زن و مرد حجاب است آیا موهای مصنوعی که بعضی از زنها بر سر می گذارند حجاب موهای طبیعی آنها حساب می‌شود؟

جواب: حجاب شرعی در مورد زنان پوشیدن تمام بدن به جز صورت و دستها تا مچ می‌باشد، امّا بعضی از انواع پوششها که زینت ظاهری محسوب می‌شود مثل موهای مصنوعی کافی نیست و همچنین لباسهایی که لباس زینت محسوب می‌شوند نیز کافی نیست و حجاب برای مردان پوشیدن قسمتهایی از بدن است که در بین مردم مسلمان پوشیدن آن مرسوم است بنابراین پوشیدن سر و دستها و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۶۰

مقداری از بازو (در پیراهنهای آستین کوتاه) و مانند آن بر مردان واجب نیست.

سؤال ۱۳۸- آیا اشکال دارد که مردها در خانه دمپایی‌های زنان را بپوشند و یا بالعکس؟

جواب: اشکالی ندارد بلکه لباسهای مخصوص هر کدام را نیز اگر دیگری بپوشد و مفاسدی بر آن مترتب نشود اشکالی ندارد امّا آنجا که فسادانگیز است حرام است.

مکان نمازگزار

اشاره

سؤال ۱۳۹- آیا بودن پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی دارد؟

جواب: بودن پرده بهتر است ولی واجب نیست مشروط بر این که موازین شرعی رعایت شود.

سؤال ۱۴۰- آیا گذشت زمان حکم زمین غصبی را عوض می کند؟

جواب: مسلّم است که نماز در زمین غصبی حرام است و مرور زمان هرگز حکم آن را تغییر نمی‌دهد.

سؤال ۱۴۱- خواندن نماز در اماکن و ادارات دولتی که استیجاری می‌باشد و مالکش مصرّ به تخلیه است و اظهار عدم رضایت می‌کند در صورتی که به علت ناچاری ساختمان هنوز تحت اختیار ارگانهای دولتی می‌باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت ضرورت قطعی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۲- آیا می‌توان روی فرشی که قسمت کمی از آن با پول حرام رفو شده است نماز خواند یا همان قسمت خاص اشکال دارد؟

جواب: همان قسمت خاص اشکال دارد.

سؤال ۱۴۳- در دانشگاه معمولا مکانی را برای نماز اختصاص می‌دهند آیا بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۱

دانشجویان لازم است که به خاطر نماز خواندن در این مکانها مبلغی به فقرا بدهند به اعتبار این که این مکانها مجهول المالك است و آیا این مسأله در مورد تدریس در دانشگاه هم صادق است؟

جواب: اگر مکانی که برای نماز اختصاص داده شده است در دست حکومت است و وضع آن برای شما روشن است نماز خواندن در آن با اجازه مسئولین مانعی ندارد و لازم نیست چیزی بدهید و اگر واقعا مجهول المالك است و راهی برای شناخت مالك آن نیست در این صورت می‌توانید نماز بخوانید و وجهی را در مقابل آن به فقرا بپردازید.

سؤال ۱۴۴- شخصی در زمان طاغوت یك عدد بلیط بخت‌آزمایی به قیمت ۵ تومان خرید و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان برنده شد و با آن خانه‌ای تهیه کرد، آیا نماز خواندن در این خانه جایز است؟

جواب: باید آن را به عنوان مجهول المالك با اجازه حاکم شرع صدقه دهد و اگر خودش مستحق باشد می‌تواند با اجازه حاکم شرع تصرف کند.

احکام مسجد

سؤال ۱۴۵- آیا در ساختن مسجد رضایت همسایگان شرط می‌باشد؟

جواب: رضایت آنها شرط نیست ولی نباید ایجاد مزاحمت برای آنها بشود مثلا بلندگوی مسجد یا پارك ماشینها در اطراف مسجد نباید مزاحم همسایه‌ها باشد.

سؤال ۱۴۶- در یکی از روستاهای لارستان به نام شرقویه یك حمّام قدیمی بوده که حدود بیست سال است مورد استفاده قرار نگرفته بود یکی از مؤمنین آن را خراب کرده و اکنون به صورت زمین می‌باشد چنانچه اجازه بفرمایید چون در حریم مسجد جامع روستای مذکور قرار گرفته مقداری از این زمین برای احداث توالت و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۲

دستشویی برای مسجد و بقیّه، راه عبور مردم گردد؟

جواب: چنانچه امیدی برای تجدید بنای آن نیست و همچنین نیاز به حمّام دیگری در آن آبادی نمی‌باشد که این زمین را بفروشند و صرف آن کنند، در این صورت می‌توانید طبق آنچه نوشته‌اید عمل نمایید.

سؤال ۱۴۷- آیا تطهیر ظاهر مسجدی که از مصالح متنجّس ساخته شده کفایت می‌کند؟

جواب: کافی است و در دل مؤمنان وسوسه نکنید.

سؤال ۱۴۸- آیا در زمینی که وقف عزاداری سیّد الشّهداء (علیه السلام) شده است می‌توان مسجدی احداث کرد؟

جواب: اگر ممکن است از متولّی و در صورت نبودن متولّی، از حاکم شرع زمین را برای ساختن مسجد اجاره کنند و عدّه‌ای از

معتمـدین محـل پای این سـند را امضا نماینـد که فراموش نشود و هر ساله مال الاجاره آن را صـرف مجالس عزاداری سیّد الشّـهداء (علیه السلام) بنمایند و مدّت اجاره نیز مشخص و محدود باشد که بعد از پایان مدّت، مجدداً اجاره کنند.

سؤال ۱۴۹- آیا وسایلی را که متعلّق به مسجد است ولی مورد نیاز نیست، می‌توان فروخت و پول آن را خرج مسجد کرد؟

جواب: چنانچه آن وسایل مورد نیاز نباشد بفروشید و صرف همان مسجد کنید زیرا در این گونه موارد آنچه اقرب به نظر واقف یا باذل است صرف در همان مسجد است و اگر آن مسجد احتیاج ندارد می‌توانید در سایر مساجد صرف کنید.

سؤال ۱۵۰- اگر با وام بانک زمینی را برای احداث مسجد بخرند اقساط وام پرداخت نشود آیا بانک می‌تواند برای استیفای وام خود در زمین مسجد تصرف نماید؟

جواب: بانک حق ندارد زمین را به ملک خود درآورد، تنها حق مطالبه وام خود را دارد، مگر اینکه در وام شرط شده باشد که اگر اقساط پرداخت نشود زمین را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۳

در اختیار بانک بگذارند، در ضمن باید توجّه داشته باشید که وام باید طبق عقود شرعیّه باشد نه وام توأم با ربا.

سؤال ۱۵۱- آیا نمایش فیلم در مساجد جایز است؟

جواب: این کارها مناسب شأن مسجد نیست بلکه باید محلّ جداگانه‌ای برای این کار در نظر گرفت.

سؤال ۱۵۲- آیا تخریب مسجد قریه متروکه جایز است؟

جواب: تخریب مسجد جایز نیست امّا اگر خودش خراب شود مصالح آن را می‌توان به مسجد آن قریه یا قریه دیگر منتقل نمود.

سؤال ۱۵۳- پولهای ختم و فاتحه‌خوانی باید به چه مصرفی برسد؟ آیا خادم هم حقّی دارد؟

جواب: پولهای ختم و فاتحه‌خوانی باید زیر نظر متولّی یا امام جماعت (هرکدام که نظارت بر این کار دارند) صرف مصالح مسجد گردد. خادم مسجد نیز می‌تواند به مقدار متعارف با نظر آنها مصرف کند ولی توجّه داشته باشید پولی در مقابل استفاده از مسجد نمی‌توان گرفت مگر اینکه افراد با رضایت خود چیزی بدهند و یا در برابر خدماتی که انجام می‌شود بگیرند.

سؤال ۱۵۴- مساجدی که در خیابانها واقع می‌شود و همچنین مساجدی که در بیابانها و قرای متروکه واقع شده و به هیچ‌وجه برای نماز قابل استفاده نیست و گاه مرکزی برای حیوانات نجس و آلودگیهای دیگر می‌شود حکمش چیست؟

جواب: در مورد مساجدی که در خیابان افتاده امید بازگشتی در آن نیست هم حکم مسجد بودن زایل می‌شود و هم حکم وقف بودن و شخصی که چنین کرده باید معادل ثمن آن را صرف ساختن مسجد دیگر یا تعمیر سایر مساجد کند و در حقیقت از قبیل اتلاف عین مال است ولی تا ضرورت فوق‌العاده شدیدی نباشد تخریب مسجد به هیچ‌وجه جایز نیست و در مورد مساجد متروکه در بیابانها و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۴

قرای متروکه باید آنها را طوری محفوظ کرد که هتک و بی‌احترامی نسبت به آنها نشود.

سؤال ۱۵۵- آیا منع دخول کفّار در مساجد لازم است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که از ورود کفّار در مساجد جلوگیری شود مگر در جایی که برای تحقیق اسلام و مانند آن باشد.

سؤال ۱۵۶- آیا کارهایی چون هبه و بخشش در مسجد جایز است در صورت جواز آیا نیاز به حکم حاکم شرع دارد؟

جواب: انجام اینگونه کارها در مسجد حرام نیست و نیازی به اجازه حاکم شرع ندارد ولی انجام کارهای دنیوی در مسجد مکروه است و اگر مزاحمت برای نمازگزاران داشته باشد حرام است.

سؤال ۱۵۷- مسجدی است سه طبقه و طبقه سوّم آن چندان مورد استفاده برای نماز نمی‌باشد مگر در ایّام ماه مبارک رمضان و امثال

آن، حال آیا می‌توان طبقه سوّم این مسجد را قسمت‌بندی نموده هر قسمتی را برای یک واحد فرهنگی از قبیل دار القرآن، مرکز تحقیقات و مطالعات دانشجویی به طور محصور اختصاص داد؟ جواب: چنانچه با وسایل متحرک، جداسازی شود که برای نماز در موارد لزوم قابل جابه‌جا کردن باشد و کارهای دینی در آن منظور باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۸- از قدیم حایلی مثل پرده بین زنان و مردان بوده و اکنون عدّه‌ای می‌گویند پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی ندارد، نظر شما چیست؟

جواب: اگر صفوف زنان پشت سر مردان باشد پرده لازم نیست ولی اگر در کنار هم باشد احتیاط واجب نصب پرده است.

سؤال ۱۵۹- آیا داخل شدن کفّار در مسجد برای شنیدن مطالب اسلامی اشکال دارد؟

جواب: هرگاه برای تحقیق جدّی از اسلام باشد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۵

سؤال ۱۶۰- چرا برنامه‌های مسجد را در حسینیّه و برنامه‌های حسینیّه را در مسجد نمی‌توان انجام داد؟ چون در صورت جواز می‌توانیم یکی از این دو را داشته باشیم تا از اسراف از نظر زمین و مخارج ساختن جلوگیری شود.

جواب: مسجد محدودیّتی برای زنان و گاه برای مردان دارد و در حسینیّه آزادی بیشتری وجود دارد، البتّه ثواب نماز در مسجد نسبت به حسینیّه بسیار تفاوت دارد و همین امر سبب تأسیس دو بنا شده است.

سؤال ۱۶۱- ایجاد شبستان بخصوص در طرف قبله در مسجدی که شبستان نداشته باشد چه صورت دارد؟

جواب: در صورت نیاز اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۲- اگر مسجدی چند متر بالاتر از زمین واقع شده باشد و زیر زمین هم نداشته باشد آیا می‌توانند زیر مسجد را مغازه درست کرده و سرقفلی آن را بفروشند و خرج مسجد بکنند؟

جواب: جایز نیست ولی اگر واقف از اوّل این کار را می‌کرد جایز بود ولی اگر این کار برای مرافق مسجد مانند کتابخانه و غیر آن انجام گیرد مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۳- اگر مسجدی فرش یا لوازم اضافی داشته باشد آیا در صورت نیاز نداشتن مساجد دیگر، می‌توانند به مستحق بدهند؟

جواب: جایز نیست ولی می‌توان آن را فروخت و در نیازمندیهای مشابه آن مسجد مصرف کرد.

سؤال ۱۶۴- اگر دو مسجد کنار هم و چسبیده به هم بنا کنند یک مسجد تابستانی و یک مسجد زمستانی و مسجد زمستانی به علّت کوچک بودن در مواقع ضروری از جمله ماه محرم جوابگوی مردم نباشد آیا می‌توانند از مسجد تابستانی جزء مسجد زمستانی کرده و دیوار را عقب بکشند؟

جواب: اشکال دارد، ولی می‌توانید دربی از یک مسجد به دیگری باز کنید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۶

سؤال ۱۶۵- اگر مسجد دربی داشته باشد که مردم از آن رفت و آمد می‌کنند و در مواقعی مثل ماه محرّم که خانمها نیز مسجد می‌روند نیاز به درب دیگری هم باشد آیا می‌توانند درب دیگری نیز از یک طرف مسجد بگذارند تا در مواقع ضروری از آن استفاده بکنند و بعد از رفع نیاز باز از همان درب اوّل رفت و آمد بکنند؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۶- اگر مسجد نیاز به آبدارخانه داشته باشد و آشپزخانه مسجد کوچک باشد آیا می‌توان از خود مسجد، آبدارخانه درست کرد و آشپزخانه را بزرگ کرد؟

جواب: اگر مزاحم نمازگزاران نباشد و جا را بر آنها تنگ نکند و از نیازهای مسجد محسوب شود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۷- شخص سرمایه‌داری یک مسجد را حدود پانزده سال قبل بنا کرده است و فعلا آن مسجد درست و تکمیل شده است و قسمتی از مسجد پایگاه نیروی مقاومت بسیج می‌باشد. بانی مسجد راضی نیست که پایگاه بسیج در قسمتی از آن مسجد باشد در حالی که پایگاه برای امنیّت آن محل زحمت زیادی می‌کشد آیا نماز خواندن و فعالیتهایی که در آنجا صورت می گیرد صحیح است؟

جواب: چنانچه کارهای فرهنگی مثبت اسلامی انجام دهند و مزاحمتی برای نمازگزاران نداشته باشند جایز است و رضایت بانی اصلی شرط نیست.

سؤال ۱۶۸- در تهران بانوان در مجالس ترحیم مساجد شرکت می کنند و بعضی از آنها عادت زنانگی دارند و در اثر جهل به مسأله با همان حال به مسجد می‌روند و گاهی پس از پایان مراسم مشاهده می‌شود که فرش مسجد نجس شده است اکنون نظر مبارکتان را مرقوم فرمایید.

جواب: زنان در حال عادت زنانه حرام است که در مسجد توقّف کنند و اگر فرش مسجد آلوده شود باید تطهیر کرد و افراد ناآگاه را باید به این مسائل آشنا کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۷

سؤال ۱۶۹- عمارتی را کنار مسجد در طبقه فوقانی جهت بانوانی که از ورود به مسجد معذورند، ساخته‌اند و آن را فاطمیّه نامیده‌اند اما صیغه وقف بر آن خوانده نشده است، البتّه با پولی که از مردم جمع‌آوری شده است، و اکنون ساختمان وسیعی به نام حسینیّه جنب مسجد احداث شده است نظر به اینکه خادم مسجد که پنج نفر عائله دارد و از نظر جا و مکان در مضیقه است اجازه می‌فرمایید آن عمارت قبلی را به خادم اختصاص دهند؟

جواب: جایز نیست، باید محل دیگری برای او در نظر گرفته شود و آن محل در حکم وقف است.

سؤال ۱۷۰- در حیدرآباد کرج زمینی وقف مسجد گردیده و مردم به نیّت ساختن مسجد کمک کرده‌اند چندین سال در زیرزمین این مسجد نماز برگزار می گردید اکنون که طبقه همکف ساخته شده است از زیرزمین برای نگهداری وسایل مسجد استفاده می‌شود و در ایّام محرّم و صفر به عزاداران أبا عبد اللّه (علیه السلام) غذا داده می‌شود و افراد معذور وارد آن نمی گردند آیا می توان از این زیرزمین برای مکان ورزشی جوانان و نوجوانان استفاده و عواید حاصل را صرف بنای همان مسجد کرد؟

جواب: جایز نیست بلکه باید برای مسجد و کارهای مناسب مسجد استفاده شود.

سؤال ۱۷۱- مسجدی در زمین مشاعی که بین مالکین مسلمان و ارمنی مشترک بوده است با اجازه خودشان بنا شده است، اهل کتاب مراسم ختم امواتشان را در مسجد مسلمانان برگزار می کنند و واعظ مسلمان در آن مجلس سخنرانی می‌نماید و خود ایشان هم در مجلس حضور دارند و همچنین در مراسم مسلمین که در مسجد منعقد می‌شود شرکت می کنند آیا حضور آنها در مسجد هتک مقام مسجد محسوب می‌شود؟

جواب: اگر آمدن آنها به مسجد سبب علاقه بیشتر آنها به اسلام گردد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۸

سؤال ۱۷۲- در بعضی از مساجد شهر اردکان تعدادی قرآن خطّی و حزب قرآن مجید وجود دارد که اکثر آنها خراب و ناقص گردیده و بقیّه در حال از بین رفتن است و حتی ممکن است به سرقت برود آیا جایز است که به عنوان امانت به نام همان مسجد در موزه اردکان نگهداری شود؟

جواب: اگر در مسجد قابل استفاده نیست یا در حال از بین رفتن است می‌توان آن را تبدیل به احسن کرد یعنی به موزه یا غیر موزه بفروشند و به جای آن قرآن نو خریداری کنند و وقف آن مسجد کنند.

سؤال ۱۷۳- در بعضـی از مساجـد و تکایا تعـداد زیادی چراغ نفتی (لامپا و غیره) وجود دارد که فعلا بـدون اسـتفاده می‌باشد و اکثر آنها در انبار مسـجد افتاده و شکسـته یا در آینده ممکن است شکسـته شود و بعضـی از آنها نیز توسط مسئولین به فروش رسیده و به اصطلاح تبدیل به احسن گردیده آیا نگهداری این قبیل اجناس به نام همان مسجد در موزه جایز می‌باشد؟

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۷۴- در اردکـان نظرکرده‌ای بوده به نام فاطمیّه که در مسـیر خیابان قرار گرفته و تعـدادی چراغ قـدیمی و آیینه و غیره از آن باقی مانـده که در انبار مخروبه‌ای نگهـداری می‌شود و موردی برای اسـتفاده ندارد و ممکن است بر اثر فروریختن سـقف انبار، کلّیه آنها از بین برود آیا نگهداری آنها در موزه جایز می‌باشد؟

جواب: مطابق مسأله سابق عمل کنند و اگر پول آن قابل مصـرف در آن فاطمیه نیست در حسـینیه‌ها یا مساجد مصـرف خرید اجناس مشابه نمایند.

سؤال ۱۷۵- ما یک مسـجد قدیمی در روستایی به نام خولیخان از شهرستان مبارکه اصفهان داریم به علّت این که چند مسجد جدید و بزرگ بعد از انقلاب اسـلامی ساخته شده دیگر از این مسـجد به طور کلّی اسـتفاده نمی‌نمایند، در ضمن صیغه وقف هم برای این مسجد خوانده نشده است، ولی چند سال است که عدّه‌ای از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۶۹

ورزشـکاران این روسـتا چون جایگاه ورزشی نداشته از این مسجد به عنوان باشگاه ورزش باستانی استفاده می‌نمایند حال با توجّه به اینکه ورزش باسـتانی یکی از ورزشـهای سـنّتی است از اوّل تـا آخر این ورزش فقـط ذکر یا علی (علیه السـلام) و صـلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و امثال اینها یاد می‌شود آیا ورزش کردن و تصرف در این مسجد صحیح است؟

جواب: مسـجد را به هیـچ وجه نمی‌توان از مسـجد بودن خـارج کرد یا تبـدیل به ورزشـگاه نمود امّا ورزش در آن اگر موجب وهن مسجد نباشد و مزاحمت برای نمازگزاران نداشته باشند جایز است.

سؤال ۱۷۶- آیا شعار مذهبی دادن و نعره حیدری گفتن که در بعضی از مساجد پاکستان گفته می‌شود از مکروهات است؟

جواب: شعارهایی که دارای محتوای صحیح و مذهبی بوده باشد مانعی ندارد به شرط اینکه مزاحمتی برای نمازگزاران تولید نکند و صداهایی که موجب وهن مسجد شود در آن نباشد.

سؤال ۱۷۷- آیا زینت کردن مساجد و حسینیه‌ها جایز است؟

جواب: اگر تزیین به طلا یا با عکس موجودات زنده نباشد و جنبه اسراف نیز پیدا نکند اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۸- یک باب مسـجد قـدیمی واقع در گوشه روسـتاست که حریم آن مقداری زمین بایر و بدون اسـتفاده می‌باشد حدود ۳۰ سال قبل چنـد جنازه کودک در آن دفن گردیده و هیچ گونه مدرکی مبنی بر وقف بودن آن وجود ندارد، لذا هیأت محبّان چهارده معصوم (علیهم السـلام) با رضایت اهالی محل تصـمیم گرفتنـد که دور این زمین را حصار کشـی نموده حسینیّه‌ای در آنجا احـداث کنند و آن مسجد قدیمی که در حال تخریب است را بازسازی و توسعه دهند آیا از نظر شرعی این کار جایز است؟

جواب: اگر دلیلی بر وقف بودن آن زمین در دست نیست و بنای حسینیّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۷۰

موجب نبش قبر نمی‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۹- مسجدی در حدود ۶۰ یا ۷۰ سال پیش ساخته شده ولی از نظر مکانی در جای مناسب نیست یعنی در زمسـتان به قدری سرد است که مردم محله قـدرت رفتن به مسـجد و نماز خوانـدن را ندارند این مسـجد در نزدیک زمین فردی است که خودش فوت کرده امـا فرزنـدان او ادّعـا دارنـد که مسـجد به زور اربابان محل ساخته شـده در حالی که آنها زمینهای اطراف مسـجد و زمین خود

مسجد را که زمین موات بوده احیا کرده‌اند، به طوری که تا نزدیک درب مسجد زمین کشاورزی درست کرده‌اند به همین جهت مردم محل مدتی است که در یک جای مناسب مسجد دیگری ساخته‌اند و مسجد قبل به مخروبه تبدیل شده، تکلیف مردم در این زمینه چیست؟ آیا می‌توانند مسجد را خراب کنند و جای آن را درخت بکارند و حاصل آن درختان را مصرف مسجد جدید بکنند در ضمن تعداد مردم این محل زیاد نیست که دو مسجد داشته باشند؟

جواب: مسجد را نمی‌توان خراب کرد ولی اگر خودش خراب شود و مصالح آن در معرض خطر باشد می‌توان آن را در مسجد دیگر مصرف کرد و اگر خراب شد و زمین آن به هیچ‌وجه قابل استفاده نبود استفاده از آن زمین به نفع مسجد دیگر اشکالی ندارد و قول مالکین اطراف زمین بدون مدرک شرعی پذیرفته نیست.

سؤال ۱۸۰- مسجدی است که دارای پایگاه فرهنگی است، این پایگاه گاهی به خاطر جذب نونهالان و نوجوانان به مسجد و آشنا کردن آنها با تعالیم اسلام، اقدام به آوردن ویدیو و نمایش فیلمهای مجاز (جمهوری اسلامی) در مسجد می‌کند آیا این عمل جایز است؟

جواب: نمایش دادن فیلمهای سالم و مفید برای هدایت جوانان و نوجوانان مانعی ندارد، ولی محلّ دیگری غیر از مسجد را انتخاب کنید مگر اینکه در سالن مخصوص کتابخانه مسجد باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۱

سؤال ۱۸۱- آیا اعضای هیأت امنای مسجد می‌توانند برای تعمیر مسجد و سایر تصرّفات بدون اجازه متولّی اقدام کنند؟

جواب: احتیاط آن است که از متولّی اجازه بگیرند ولی اگر متولّی نسبت به مصالح مسجد مخالفت یا بی‌اعتنایی کند از حاکم شرع اجازه بگیرند.

سؤال ۱۸۲- آیا می‌شود از طبقه زیر ساختمان مسجد جهت استفاده‌های مطلوب برای مسجد مثل ساختن موتورخانه شوفاژ استفاده کرد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۱۸۳- آوردن میز تنیس به فضای مسجد از قبیل زیرزمین، حیاط و ... جهت انجام فعالیتهای سالم فرهنگی ورزشی در کنار آموزش تعالیم دینی (آموزش قرآن، احکام و عقاید) چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از وسایل فوق در شبستان یا فضای مسجد مجاز نیست ولی اگر سالنهایی برای کتابخانه یا فعالیتهای فرهنگی در مسجد ساخته شده، از فضای آن می‌توان برای این کار استفاده کرد.

اذان و اقامه

سؤال ۱۸۴- شهادت به ولایت امیر مؤمنان مولای متقیان حضرت علی بن أبی طالب (علیه آلاف التحیّة و الثّناء) از چه زمانی در جامعه شیعیان در اذان گفته شده است؟

جواب: از بعضی روایات استفاده می‌شود که این کار از عصر ائمّه (علیهم السلام) شروع شد ولی در آن عصر جنبه عمومیّت نداشته است، سپس به صورت شعار شیعه درآمد (برای توضیح بیشتر به کتاب نفیس مستمسک، بحث اذان و اقامه رجوع شود).

سؤال ۱۸۵- آیا بلند کردن صدای اذان مسجد مخصوصاً اذان صبح در صورتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۲

همسایگان مسجد اعتراض می‌کنند و اظهار می‌نمایند که صدای اذان موجب اذیّت و آزار آنها می‌شود جایز است؟

جواب: بلند کردن صدای اذان در حدّ معمولی مانعی ندارد و همسایگان نمی‌توانند مانع صدای اذان شوند.

سؤال ۱۸۶- آیا گفتن «اشْهَدُ انَّ عَلیّاً وَلِیُّ اللّه» در اذان، اختراع و بدعت است؟

جواب: بـدعت آن است که به قصـد جزئیّت اذان بگوینـد، و اگر به این قصـد نباشد بدعت نیست و اشکالی ندارد و شیعیان به این قصد نمی گویند.

واجبات نماز

سؤال ۱۸۷- برادران معلولی که از پای مصنوعی استفاده می کنند و به وسیله آن نماز را ایستاده می‌خوانند، گاهی به علّت خستگی پا و یـا احتمال زخم شـدن آن، پای مصـنوعی را درآورده و نشسـته نماز می‌خواننـد؛ آیا بر این افراد واجب است که همواره به کمک پای مصنوعی نماز را ایستاده بخوانند یا می‌توانند در اینگونه موارد نماز را نشسته بخوانند؟

جواب: اگر عسر و حرج نداشته باشد ایستاده نماز بخوانند و لو با تکیه بر عصا و مانند آن باشد و اگر موجب عسر و حرج و ناراحتی است نشسته نماز بخوانند.

سؤال ۱۸۸- آیا بلند خواندن قرائت نماز ظهر در روز جمعه جایز است؟

جواب: اگر در حضر نماز بخوانند بلند خواندن مستحب است و اگر در سفر باشد در صورتی مستحب است که با جماعت بخواند نه فرادی.

سؤال ۱۸۹- آیا مطابق همه قرائات می‌توان قرائت نماز را انجام داد؟

جواب: اگر قرائت مشـهور در میان مسـلمین باشد مانعی ندارد، ولی از آنجا که در زمان ما، مشهور همان قرائت عاصم مطابق روایت حفص است که در قرآنهای معمولی موجود است گرفتن از قرائات دیگران خالی از اشکال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۳

سؤال ۱۹۰- آیا قرائت مَلِکِ یَوْمِ الدّین در نماز صحیح است؟

جواب: احتیاط گفتن مالک یوم الدین است.

سؤال ۱۹۱- منظور از این که باید قرائت و ذکر نماز صحیح خوانده شود چیست؟

جواب: تلفّظ صحیح به مقداری که عرب آن را عربی صحیح بداند لازم است ولی مراعات دقّتهای علمای تجوید لازم نیست.

سؤال ۱۹۲- کسـی که در موقع قرائت سوره حمـد نماز در جمله «مالک یوم الدین» کلمه «یوم» را با ضـمّه یاء تلفظ کرده با وجودی که می‌توانسته صحیح آن را تلفظ کند امّا جاهل به مسأله بوده، آیا نمازهای او صحیح است یا باید دوباره اعاده و قضا کند؟

سؤال ۱۹۳- حکم نماز پیرزنی که در نمازش غلطهای زیادی است و قادر به تصحیح آنها نیست چیست؟

جواب: اگر قادر به یادگرفتن نباشد به همان شکل که می‌تواند بخواند.

سؤال ۱۹۴- اگر آیه سجده را از رادیو یا تلویزیون بشنویم آیا سجده واجب است؟

جواب: اگر قرائت قرآن به طور مستقیم پخش شود سجده کردن واجب است و اگر مستقیم نباشد احتیاط است.

سؤال ۱۹۵- آیا سجده بر دستمال کاغذی و کاغذی که روی آن خطکشی شده جایز است؟

جواب: سـجده بر دسـتمال کاغـذی و همچنین ورق خطکشـی شـده جـایز است در صورتی که خطهـا مـانع رسـیدن پیشانی بر کاغذ نباشند و یا بین خطها به مقداری که سجده صحیح است فاصله باشد.

سؤال ۱۹۶- آیا سجده نمودن بر طرف نوشته شده مهرها (مثل اینکه می‌نویسند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۴

(تربت اعلا مال کربلا) جایز است یا احتیاط می‌فرمایید؟ جهت احتیاط چیست؟

جواب: اشکالی ندارد مگر در مواردی که دستاویزی به دست دشمنان بدهد.

سؤال ۱۹۷- آیا سجده بر سیمان و موزاییک و سنگ مرمر جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۹۸- کسی که سجده را روی صندلی بجا می‌آورد اگر با کفش نماز بخواند چه صورتی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد ولی بهتر است کفش را بیرون آورد.

سؤال ۱۹۹- آیا سجده بر کاغذ رنگی که در اصل عکس رنگی است (مثل اسکناس) جایز است؟

جواب: رنگی که جرم نداشته باشد مانع نیست ولی بهتر است از سجده بر اسکناس خودداری شود.

سؤال ۲۰۰- آیا شهادت بر ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) در تشهد نماز جایز است؟

جواب: نظر به اینکه ائمه معصومین (علیهم السلام) اجازه اضافه کردن شهادت ثالثه را نداده‌اند، این کار صحیح نیست و وظیفه ما در اینگونه موارد تبعیّت از دستورات معصومین (علیهم السلام) است.

سؤال ۲۰۱- اگر شخصی تشهد نماز را فراموش کند، آیا بعد از قضای تشهد، سلام نماز را هم باید بخواند؟

جواب: احتیاط آن است که سلام را نیز بخواند و باید سجده سهو نیز بجا آورد.

سؤال ۲۰۲- از روشهای مختلف نشستن هنگام تشهد، آیا نشستن به روش معمولی افضل است یا نشستن برخی از برادران که به قصد قرار دادن سنگینی بدن (بیش از حدّ معمولی) در سمت چپ، شبیه اهل سنّت علی الخصوص حنفیها می‌نشینند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۵

جواب: صورت دوّم تورک نامیده می‌شود جزء مستحبات شمرده شده است.

سؤال ۲۰۳- آیا برگرداندن انگشتر در قنوت نماز ثواب دارد؟

جواب: از بعضی از روایات استحباب آن استفاده می‌شود.

سؤال ۲۰۴- فرستادن صلوات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه حکمی دارد؟

جواب: مستحب مؤکّد است.

سؤال ۲۰۵- شخصی در حال رفتن به سجود طوری تعادلش به هم خورد که به پشت سر افتاد، آیا نماز او باطل است؟

جواب: هرگاه قبل از آن‌که صورت نماز به هم بخورد به حال اوّل برگردد مانعی ندارد.

سؤال ۲۰۶- اگر نمازگزار در رکعت اوّل یک سجده و در رکعت دوّم، تشهد و در رکعت سوّم رکوع را فراموش کند وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه در سجده اوّل رکعت سوّم متوجّه شود، آن رکعت را رکعت دوّم خود قرار می‌دهد و تشهد می‌خواند و بعد از نماز سجده فراموش شده را قضا می‌کند و سپس سجده‌های سهو را طبق دستور رساله انجام می‌دهد و احتیاطاً نماز را اعاده کند و اگر بعد از هر دو سجده متوجّه شود، نماز او باطل است.

سؤال ۲۰۷- کسی که زیاد فراموشکار است مثلا غالباً در نمازها فراموش می‌کند که ۲ یا ۳ یا ۴ رکعت خوانده، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: کثیر الشّک بنا را بر طرفی می‌گذارد که مفید به حال اوست

نماز مسافر

سؤال ۲۰۸- آیا تهران یا مانند آن از بلاد کبیره است؟

جواب: حکم بلاد کبیره و غیر کبیره یکسان است مگر در جاهایی که هر محلّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۶

از آن عرفاً یک شهر مستقل محسوب شود.

سؤال ۲۰۹- مبدأ و منتهای سفر در مسافت نماز قصر کجا محسوب می‌شود؟

جواب: معیار فاصله بین دو شهر یعنی آخرین خانه مبدأ حرکت و اوّلین خانه مقصد می‌باشد.

سؤال ۲۱۰- آیا خروج زن از وطن الزاماً به تبعیّت از شوهر اعراض محسوب می‌شود یا بستگی به قصد و نیّت او دارد؟

جواب: بستگی به قصد و نیّت خود زن دارد چنانچه امیدوار باشد که شوهر را بازگرداند اعراض نیست و اگر امیدی ندارد اعراض قهری حاصل است.

سؤال ۲۱۱- مقصود از بلاد کبیره چیست؟ در ایران چند شهر کبیره داریم و در بلاد کبیره مسافت را از آخر شهر باید حساب کرد یا آخر محلّه؟

جواب: همان‌گونه که در بالا- آمد تفاوتی میان شهرهای بزرگ و کوچک نیست و بلاد کبیره و صغیره در احکام مسافر یکسان است مگر اینکه شهری به قدری بزرگ شود که هر محلّه از آن یک شهر مستقل محسوب شود مثل شمیران و شهر ری که در عین اتصال به تهران شهرهای مستقلّی محسوب می‌شوند ولی محلّات مختلف تهران جزء تهران محسوب می‌شوند و در مواردی که هر محلّه‌ای شهر مستقلی است اگر بین آنها فاصله نماز قصر باشد نماز شکسته می‌باشد و در غیر این صورت تمام است و معیار در مسافت، آخرین خانه‌های شهر است.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۷۶

سؤال ۲۱۲- حکم نماز کسی که مدّت طولانی در شهری مانده است چیست؟

جواب: در صورتی که مدّتی طولانی در آن محل بماند در حکم وطن او خواهد بود.

سؤال ۲۱۳- آیا محلّ تحصیل دانشجویان در دوره‌های ۲ و ۴ ساله یا بیشتر جزء وطن محسوب می‌شود؟

جواب: آری در حکم وطن است هرچند وطن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۷

سؤال ۲۱۴- کسی که دائم السفر بین دو شهر مثلا- قم و کرج است ولی هر روز از کرج که وطن او نیست به دو فرسخی جهت تدریس یا کار دیگری می‌رود و برمی‌گردد آیا چنین شخصی در قم و کرج و اطراف آن نمازش را باید تمام بخواند؟

جواب: باید تمام بخواند.

سؤال ۲۱۵- اگر محلّ کار شخصی به اندازه مسافت قصر از وطنش دور باشد و هر روز به محل کار می‌رود و برمی‌گردد یا یک هفته در محل کار می‌ماند، حکم نماز خانواده‌اش که همراهش هستند چیست؟

جواب: هرگاه خانواده‌اش مرتباً با او همراه هستند نماز همه آنها تمام است.

سؤال ۲۱۶- طلّابی که قریب ۱۵ سال در قم ساکنند ولی آن را وطن قرار نداده و قصد اقامت دائم هم ندارند لکن در مورد زمان بازگشت به وطنشان مردّد هستند و نمی‌دانند چه زمانی برمی‌گردند، نماز و روزه این افراد چگونه است؟ آیا در این مسأله تفاوتی بین طلّاب ایرانی و خارجی هست؟

جواب: در فرض مسأله قم نسبت به همه آنها حکم وطن را دارد.

سؤال ۲۱۷- آیا اعراض قهری برای زنی که قصد جدایی و طلاق از همسرش ندارد و همسرش هم تصریح کرده است که به وطن

زوجه‌اش برای سکونت حتّی به صورت موقّت نمی‌رود، حاصل می‌شود یا اینکه آنجا وطن او خواهد بود؟ وظیفه فرزندان چیست؟
جواب: این مصداق اعراض قهری است همچنین نسبت به اولادشان تا زمانی که با آنها زندگی می کنند.
سؤال ۲۱۸- اگر محلّ دانشگاه نسبت به روستای دانشجو کمتر از چهار فرسخ باشد ولی مرکز دوّم دانشگاه بیشتر از مسافت شرعی است و دانشجو در ماه یکی دو بار به آنجا می‌رود، حکم نماز و روزه‌اش چیست؟
جواب: نسبت به مرکز دوّم دانشگاه، نماز و روزه‌اش قصر است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۸
سؤال ۲۱۹- محلّ تحصیل دانشجویی در چهار فرسخی محلّ سکونت اوست، نماز و روزه‌اش را چگونه انجام دهد؟
جواب: اگر رفت و آمد مستمر دارد نمازش را تمام می‌خواند و روزه‌اش را می گیرد.
سؤال ۲۲۰- این جانب طلبه‌ای هستم اهل ساری که بر حسب موقعیّت شغلی مدّتی است که در رشت مشغول خدمت می‌باشم و مدّتی که باید در اینجا بمانم معلوم نیست، امّا بر حسب وظیفه شغلی و نیز برای منبر باید به طور مرتّب به شهرستانهای استان گیلان سفر کنم. و به ندرت و به طور استثنایی اتفاق می‌افتد که ده روز در محل سکونتم بمانم و لذا اقامه ده روز میسر نمی‌باشد، وضعیت نماز و روزه‌ام چگونه است؟
جواب: وظیفه شما اتمام نماز و روزه است و اگر ده روز اقامت کردید در اوّلین سفر شکسته می‌باشد.
سؤال ۲۲۱- انسانی به خیال اینکه مسافر است نماز را شکسته خوانده و یا به خیال اینکه مسافر نیست نماز را تمام و روزه گرفته است بعد از چندی متوجّه اشتباه خود شده است، نماز و روزه گذشته او چه حکمی دارد؟
جواب: در هر دو صورت بنابر احتیاط واجب اعاده کند.
سؤال ۲۲۲- شرکتی در کوه و بیابان، محلّی را برای استراحت و زندگی کارکنان خود تعیین نموده است؛ کارکنانی از شهرهای مختلف دور دست برای کار به این شرکت می‌آیند به این کیفیت که ۱۴ روز در اینجا مشغول کار بوده و ۱۴ روز دیگر به شهرهای خود مراجعت می کنند. در مدّت ۱۴ روز کاری نحوه کارشان به شرح زیر است لطفاً تکلیف نماز و روزه هر دسته را بیان فرمایید.
الف) عده‌ای همه روزه یا اغلب روزها از جایگاه مذکور (استراحتگاه) به فاصله کمتر از مسافت شرعی که محلّ کار آنهاست می‌روند و شب برمی گردند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۹
جواب: اگر فاصله میان محلّ استراحت و محلّ کار آنها سه یا چهار کیلومتر باشد قصد اقامه در دو محل صحیح است و نماز و روزه آنها کامل است و اگر فاصله زیاد است قصد اقامه درست نیست نماز آنها قصر است و نمی‌توانند روزه بگیرند.
ب) عده‌ای دیگر یک هفته روز به محلّ کار می‌روند و شب برمی گردند و یک هفته شب به محل کار می‌روند و روز برمی گردند، فاصله استراحتگاه این عدّه تا محلّ کارشان نیز کمتر از مسافت شرعی است.
جواب: مانند مسأله سابق است.
ج) عدّه‌ای دیگر فاصله محلّ کارشان تا استراحتگاه فوق‌الذّکر به اندازه مسافت شرعی است اینها هم بعضی همه روزه یا اغلب روزها به محلّ کار می‌روند و بر حسب وضع کاری خود قبل از ظهر یا بعد از ظهر به استراحتگاه برمی گردند.
جواب: اینها کثیر السّفر هستند.
د) بعضی دیگر از عدّه فوق که فاصله محلّ کارشان تا استراحتگاه به اندازه مسافت شرعی است یک هفته، روز به محل کار می‌روند و شب برمی گردند و هفته‌ای دیگر، شب می‌روند و روز به استراحتگاه برمی گردند.
جواب: مانند مسأله قبل است.

ه-) عـدّه‌ای محلّ کارشـان همـان استراحتگاه است ولی اتّفاقاً ممکن است به طور موقّت مسافت شـرعی را بپیماینـد و مجـدّدا جهت ادامه کار به محلّ کار خود یعنی استراحتگاه برگردند.

جواب: در صورتی که قصد ده روز اقامت در آن محل نداشته باشند نماز و روزه آنها قصر است.

و) آیا بین اشخاصی که مدّت زیادی به این کار مشغول هستند و کسانی که جدیداً مشغول این کار شده‌اند فرقی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۰

جواب: فرقی نیست.

سؤال ۲۲۳- آیا زن در وطن، تابع شوهر است؟

جواب: اگر قصد زن تبعیّت از شوهر بوده باشد، از نظر وطن تابع است.

سؤال ۲۲۴- اگر محلّ تحصـیل جزء وطن حساب نشود و دانشـجو قصـد ده روز کند آیا قبل از ده روز می‌تواند بیش از دو ساعت از حـدّ ترخّص بگـذرد. قابل ذکر می‌باشـد که دانشـکده بیرون از حدّ ترخّص می‌باشد و خوابگاه داخل شـهر است و مجبوریم هر روز (غیر از روزهای تعطیل) از حدّ ترخّص عبور کنیم؟

جواب: محـلّ تحصـیل مسـتمر به حکم وطن می‌باشـد و نماز و روزه در آن کامل است و قصـد ده روز لازم نیست و خارج شـدن از محلّ اقامت و رفتن به مناطق نزدیک (مثلا ۳ الی ۴ کیلومتر) نیز اشکال ندارد.

سؤال ۲۲۵- آیا محلّ اقامت طلّاب و دانشـجویانی که دو سال و یا بیشتر در آنجا اقامت کرده و یا خواهند کرد از نظر حضـرت عالی در حکم وطن حساب می‌شود؟ آیا در صورتی که از آنجا به وطن اصـلی خود یا جایی دیگر که موقّتاً جهت تفریح و استراحت سفر کرده و باز به همان محلّ اقامت بر می‌گردند چه حکمی دارد؟

جواب: اینگونه اقامتگاهها در حکم وطن محسوب می‌شوند.

سؤال ۲۲۶- شخصـی که کثیر السّـفر است اگر در یکی از سـفرها، انگیزه سـفرش چیز دیگری باشد همانند معلّمی که همواره جهت تـدریس می‌رفته و این بـار برای عیـادت مریض و در غیر مسـیر همیشـگی خود سـفر کرده است از لحـاظ افطار و قصـر چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: حکم او مانند سایر مسافرین قصر و افطار است.

سؤال ۲۲۷- در هر سـال جمع کثیری از دانشـجویان غیر مشـهدی وارد دانشـگاه مشـهد می‌شونـد. برخی از آنهـا از شـهرهای اسـتان خراسان می‌باشند که معمولا هر هفته به وطن خود برمی‌گردند و فاصله محلّ تحصیل تا وطن آنها هم بیش از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۱

مسافت شرعی است و در دوران تحصیل این رفت و آمدها ادامه دارد مثلا از شنبه تا چهارشنبه را در مشهد هستند و دو روز دیگر را به وطن خود برمی‌گردند وظیفه شرعی این گروه از دانشجویان در ارتباط با نماز و روزه چیست؟

جواب: محلّ درس خوانـدن طولانی در حکم وطن است بنابراین مسأله مربوط به کثیر السّـفر نمی‌باشـد، اینگونه دانشـجویان هم در وطن و هم در محلّ تحصـیل خود نماز و روزه را تمام بجا می‌آورند ولی اگر در راه سفر بین این دو محل که هفته‌ای یک بار انجام می‌شود نماز و روزه بجا آورند شکسته است.

سؤال ۲۲۸- به نظر حضرت عالی وظیفه کسی که شغل او سفر است با کسی که شغل او در سفر است فرق می‌کند؟

جواب: فرق نمی‌کند.

سؤال ۲۲۹- محلّ خـدمت من در بنـدر عباس است ولی وطنم شـیراز است در هنگام مرخصـی نمازهایم را در هر دو شـهر (شـیراز و بندر عباس) چگونه بخوانم؟

جواب: شما در بندر عباس و شیراز نماز را تمام و روزه هم بگیرید امّا در بین راه نماز و روزه شما شکسته است.

سؤال ۲۳۰- کسی که محل سکونت او تا ملکی که دارد اندازه مشخّصی ندارد و کیلومتری بر آن مشخص نکرده است ولی به طور معمول دو ساعت راه است حکم نماز او و فرزندانش در آن ملک چیست؟

جواب: اگر ممکن است تحقیق کند و اگر راهی برای تحقیق نیست و مقدار مسافت مشکوک است نماز را تمام بخواند.

نماز استیجاری و قضا

سؤال ۲۳۱- آیا کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد می‌تواند از طرف شخص دیگر اجیر شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۸۲

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۳۲- آیا دو نفر یا بیشتر می‌توانند در یک روز برای یک میّت روزه بگیرند و همین‌طور آیا امام و مأموم می‌توانند هر دو به نیّت یک نفر نماز بخوانند؟

جواب: اشکال ندارد ولی نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا مربوط به یک روز باید به ترتیب انجام گیرد.

سؤال ۲۳۳- آیا انسان به دلیل عدم حضور قلب و توجّه در نماز می‌تواند مجدّداً آن را بجا آورد؟

جواب: اگر در نماز ظاهراً نقصانی نبوده اعاده نکند و با تعقیبات آن را جبران کند.

سؤال ۲۳۴- اگر شخصی نماز قضای میّتی را از عالمی به عهده بگیرد و بعد از گذشت مدتی قادر به انجام آن نشود و آن عالم هم از دنیا برود، آیا می‌تواند شخص دیگری را اجیر کند؟

جواب: چنانچه صاحب پول را نمی‌شناسد می‌تواند با اجازه مجتهد دیگری کسی را برای این کار اجیر کند.

سؤال ۲۳۵- کسی که نمی‌داند دقیقاً چقدر نماز قضا دارد تکلیفش چیست؟

جواب: به مقداری که می‌داند در سفر یا در حضر فوت شده قضا کند و آنچه شک دارد واجب نیست، در ضمن ترتیب در نماز قضا لازم نیست مگر نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشایی که از یک روز فوت شده باشد.

سؤال ۲۳۶- نمازهایی را که در سفر قضا شده است در وطن چگونه قضا کند؟

جواب: نمازهایی را که در سفر قضا شده شکسته می‌خواند خواه در سفر باشد یا حضر و نمازهایی که در حضر قضا شده تمام می‌خواند خواه در سفر باشد یا در حضر.

سؤال ۲۳۷- نمازهای زیادی از من فوت شده است و قدرت بر انجام همه آنها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۸۳

را ندارم، وظیفه من چیست؟

جواب: نمازهای گذشته را به تدریج به مقداری که توانایی دارید قضا کنید.

سؤال ۲۳۸- اگر نماز و روزه قضای پدر و مادر زیاد باشد یا در بعضی موارد از روی نافرمانی باشد، وظیفه فرزندان چیست؟

جواب: آنچه از روی عمد و نافرمانی بوده قضای آن بر فرزند بزرگتر واجب نیست ولی بهتر است انجام دهد و آنچه از روی عذر بوده باید فرزند بزرگتر به مقدار توانایی قضا کند.

سؤال ۲۳۹- آیا نمازها و روزه‌های قضای میّت بر هر پسر بزرگتر از هر یک از همسرانش واجب است یا فقط به عهده یک نفر از آنان است؟ و در صورتی که ولد اکبر نخواهد خود بخواند آیا پول نماز و روزه‌ها را از سهم خود بدهد یا از اصل مال کم کند؟

جواب: به پسر بزرگتر از نظر سن تعلق می‌گیرد از هر زنی که باشد، و او می‌تواند از مال خودش با شرایط اجیر بگیرد و اگر دو

فرزند از نظر سن کاملا مساوی باشند تقسیم می‌کنند.

سؤال ۲۴۰- این جانب پسر بزرگ خانواده هستم پدرم مدّت زیادی نماز و روزه‌هایش را بجا نیاورده است و در وصیّت‌نامه‌اش نوشته که هیچ قضای نماز و روزه نمی‌خواهد و قضای این عبادات به خودش مربوط است، با توجّه به این مطلب وظیفه من چیست؟

جواب: شما نماز و روزه‌هایی را که به خاطر عذر از پدر فوت شده (و همچنین از مادر بنابر احتیاط واجب) باید قضا کنید و غیر از آن واجب نیست ولی احتیاط مستحب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۸۴

نماز جماعت

سؤال ۲۴۱- آیا در یک نماز می‌توان به دو نفر اقتدا کرد؟

جواب: در یک نماز به دو نفر در غیر موارد ضرورت نمی‌توان اقتدا کرد.

سؤال ۲۴۲- نماز کسانی که در طبقه سوّم مسجد به جماعت اقتدا کرده‌اند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که با جماعتی که در پایین منعقد است یک جماعت حساب شود اشکال ندارد.

سؤال ۲۴۳- لطفاً برای این جانب که امام جماعت مسجدی هستم اجازه‌ای صادر فرمایید.

جواب: اگر منظور اقامه جماعت در مسجد است اجازه لازم ندارد و اگر چیز دیگری است مرقوم بدارید تا جواب داده شود.

سؤال ۲۴۴- آیا مقلّد مرجعی می‌تواند به امام جماعتی که مقلّد مرجع دیگر است اقتدا کند؟

جواب: مقلّد هرکس به هرکس می‌تواند اقتدا کند مگر اینکه علم به بطلان نماز او داشته باشد.

سؤال ۲۴۵- آیا امام راتب صاحب اختیار مسجد یا محراب است؟ به گونه‌ای که نماز خواندن غیر او در آنجا اشکال داشته باشد یا اینکه اولویت امام راتب به نحو افضلیّت است؟ لطفاً توضیح دهید.

جواب: رعایت حقّ امام راتب، واجب نیست بلکه مستحب است؛ ولی برای این که مفاسدی به وجود نیاید سزاوار است اینگونه مسائل رعایت گردد.

سؤال ۲۴۶- آیا کسی که یک دست او قطع شده است می‌تواند امام جماعت بشود؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۴۷- یک نفر از اهل علم وارد شهر یا روستایی می‌شود که اهالی او را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۸۵

نمی‌شناسند، آیا می‌توانند به او اقتدا کنند؟

جواب: چنانچه اطمینان به عدالت او داشته باشند کافی است.

سؤال ۲۴۸- آیا اقتدا به امام جماعت وسواسی که مثلا کلمه‌ای را چند بار تکرار می‌کند جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست ولی توجّه داشته باشید رعایت احتیاط به تکرار یکی دو بار دلیل بر وسواسی بودن نیست. سؤال ۲۴۹- شخصی امام جماعت را در حال تشهّد دید، ظنّ یا علم پیدا کرد که تشهد آخر است. از جهت دریافت ثواب اقتدا کرد و نشست، بعد معلوم شد که تشهد اوّل بوده، تکلیف او چیست؟

جواب: احتیاط آن است که نمازش را همراه امام تمام کرده و بعداً اعاده نماید.

سؤال ۲۵۰- امام جماعت مقلّد مرجعی است که اعاده جماعت را در مسجد دیگر با جماعت دیگر جایز می‌داند ولی مأمومین مسجد دوّم مقلّد مرجعی دیگرند که جایز نمی‌داند، آیا مأمومین مسجد دوّم می‌توانند به آن امام اقتدا کنند؟

جواب: نمی‌توانند ولی اگر آنها خبر ندارند بر امام لازم نیست مطلب را برای آنها شرح دهد.

سؤال ۲۵۱– امام جماعتی در دو محل نماز می‌خواند. آیا شخصی که همیشه ملازم اوست می‌تواند به همین امام در هر دو محل اقتدا کند؟

جواب: نماز دوّم مأموم اشکال دارد مگر اینکه احتمال دهد در نماز اوّلش خللی بوده یا قصد نماز قضا برای خودش یا شخص میّتی نماید.

سؤال ۲۵۲– شخصی در مسجد جهت نماز جماعت جانمازی گذاشته و بیرون رفته و جماعت برپا شده و صاحب آن مراجعت نکرده است، در این صورت به محض منعقد شدن نماز جماعت حقّ او از آن مکان ساقط شده و دیگری می‌تواند جای او را تصرف کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۶

جواب: احتیاط آن است که تا رکوع رکعت اوّل مهلت دهد اگر نیاید حق دارد.

سؤال ۲۵۳– یک پای امام جماعتی در اثر حادثه‌ای شکسته، حال در اثر شکستگی، پای او درست جمع نمی‌شود که برای تشهّد و سجود و سلام زانو بزند و باید آن پای شکسته را در سجود و تشهد کمی دراز کند، ولی شرایط دیگر موجود است، آیا جایز است که با این حال امامت نماید؟

جواب: جایز است.

سؤال ۲۵۴– امامت جماعت زن برای زنان چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است.

سؤال ۲۵۵– امام راتب مسجدی غیر روحانی است. اگر فردی روحانی به طور اتّفاقی به آن مسجد برود و بخواهد امام جماعت بشود آیا باید از امام راتب غیر روحانی اجازه بگیرد؟ و آیا با وجود روحانی، غیر روحانی می‌تواند امام جماعت بشود؟

جواب: اجازه گرفتن واجب نیست ولی به اخلاق مؤمن نزدیکتر است امّا در جایی که آقایان روحانی هستند امامت غیر روحانی خالی از اشکال نیست.

سؤال ۲۵۶– آیا برای مأموم جایز است که در رکعت دوّم بعد از آن‌که امام سوره توحید را خواند «کذلک الله ربّی» بگوید؟

جواب: به قصد ذکر مطلق مانعی ندارد.

سؤال ۲۵۷– امام جماعتی از مردم و مأمومین مقداری پول و قدری سهم مبارک امام (علیه السلام) جهت ساختن مسجدی گرفته ولی در این مورد اقدامی نکرده است. اکنون صاحبان پول، پول خود را طلب می‌کنند ولی او می‌گوید شما حقّ مطالبه ندارید، من وکیل حاکم شرع هستم و خودم می‌دانم چه کنم آیا نماز خواندن پشت سر این عالم جایز است؟

جواب: اگر وجوه مزبور را به عنوان سهم مبارک امام (علیه السلام) داده‌اند، او باید با نظر مجتهد یا نماینده او عمل کند و اگر به عنوان تبرع بوده باید نظر مردم را تأمین کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۷

سؤال ۲۵۸– نماز کسانی که به هنگام انعقاد نماز جماعت در محلّ اقامه جماعت به صورت فرادی می‌خوانند چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه هتک امام جماعت مسجد شود اشکال دارد.

سؤال ۲۵۹– اگر امام جماعت بعد از نماز بفهمد که به علّتی نمازش باطل بوده آیا لازم است که به مأمومین اطّلاع بدهد تا آنان نماز خود را اعاده کنند؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۲۶۰– آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیّه کراهت دارد؟

جواب: در شرایط فعلی شرکت آنها بهتر و گاهی لازم است.

سؤال ۲۶۱- کسی که نماز ایستاده می‌خواند و رکوع را به طور معمولی انجام می‌دهد اما برای سجده روی صندلی می‌نشیند و روی میز مهر می‌گذارد و سجده می‌کند، آیا چنین کسی می‌تواند امام جماعت بشود؟

جواب: احتیاط واجب در ترک آن است.

سؤال ۲۶۲- اگر انسان شک کند که قرائت امام جماعت مطابق فتوای مرجع او می‌باشد آیا می‌تواند اقتدا کند؟ و در صورت جواز اقتدا؛ آیا اعاده نماز به عنوان احتیاط لازم است؟

جواب: تا زمانی که یقین به خلاف ندارید اقتدا جایز است و اعاده نماز احتیاطاً لازم نیست.

سؤال ۲۶۳- اگر در مسجد جامع شهری نماز جماعت برگزار گردد و عدّه قلیلی در هنگام اقامه نماز جماعت به قصد تضعیف، تشکیل نماز فرادی بدهند نمازشان چه حکمی دارد؟

جواب: نمازشان اشکال دارد.

سؤال ۲۶۴- در صف اوّل نماز سه نفر که لباسشان نجس است، نماز می‌خوانند آیا اتصال سمت راست خود را به هم می‌زنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۸

جواب: هرگاه شخصی نداند لباس یا بدن او نجس است و نماز بخواند نماز او صحیح است و اتّصال برقرار می‌باشد.

سؤال ۲۶۵- مردم روستا به این جانب پیشنهاد امامت جماعت را می‌نمایند که در صورت نبودن روحانی نماز جماعت برقرار باشد و روحانیون محترم هم که برای تبلیغ به این روستا تشریف می‌آورند نیز پیشنهاد نموده‌اند ولی بنده به واسطه ضعیف بودن دید چشمم احتیاط می‌کنم، چنانچه اجازه فرمایید این مسئولیّت را به عهده می‌گیرم.

جواب: در صورتی که مردم به عدالت شما عقیده دارند و قرائت شما صحیح است و روحانی برای اقامه جماعت حضور ندارد می‌توانید امام جماعت شوید.

نماز جمعه و عیدین

سؤال ۲۶۶- اگر مسافر با طهارت فقط دو خطبه نماز جمعه را استماع کند آیا از دو رکعت ظهر کفایت می‌کند و اصولا آیا مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند؟

جواب: مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند و نماز او مجزی است ولی تنها استماع دو خطبه کافی نیست و باید دو رکعت نماز جمعه را بخواند.

سؤال ۲۶۷- در بعضی مناطق خطبه‌های نماز جمعه را پیش از اذان می‌خوانند در این صورت آیا بازهم شرکت در نماز جمعه واجب تخییری است و اگر کسی در نماز جمعه شرکت کند نماز ظهر را نیز باید بخواند؟

جواب: در فرض مسأله احتیاط آن است که نماز ظهر را هم بخواند.

سؤال ۲۶۸- مسافتی که بین دو نماز جمعه معتبر است آیا از راهی که مردم رفت و آمد می‌کنند محاسبه می‌شود و یا اینکه از راه هوایی محاسبه می‌شود، دلیل بر این مسأله چیست؟

جواب: معیار راه زمینی است و دلیل بر این مطلب انصراف اطلاقات به راه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۹

عادی و معمولی است مخصوصاً که راه مستقیم هوایی از راه عادی که مردم رفت و آمد می‌کنند معمولا کوتاهتر است و اگر مدار بر راه مستقیم بود باید در روایات به آن تصریح می‌شد.

سؤال ۲۶۹- آیا اقتدا به نماز عصر امام جمعه صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۷۰- آیا شرکت بانوان در نماز جمعه کراهت دارد؟

جواب: شرکت آنها در نماز جمعه با توجه به عناوین ثانویه در عصر و زمان ما اولی است.

سؤال ۲۷۱- آیا نماز عید را می‌توان به جماعت در دو مکان انجام داد؟

جواب: مشکل است، ولی در نمازهای یومیّه دو بار با دو گروه مختلف می‌توان خواند.

مسائل متفرّقه نماز

سؤال ۲۷۲- آیا سلامهای سه‌گانه‌ای که نمازگزاران بعد از نماز می‌خوانند نصّ خاصّی دارد؟

جواب: سلامهای سه‌گانه‌ای که به سه طرف خوانده می‌شود دلیل خاصّی ندارد ولی به نیّت اوامر مطلقه زیارت مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۳- آیا می‌توان نماز فریضه را به صورت تعلیمی خواند؟

جواب: هرگاه قصد قربت داشته باشد مانعی ندارد.

جواب: خوابیدن با علم به اینکه نماز قضا می‌شود اشکال ندارد ولی تا ممکن است این کار را انجام ندهد.

سؤال ۲۷۵- چنانچه فرد مسلمانی در مأموریتهای فضایی به خارج از جوّ کره زمین برود با توجه به اینکه در خلأ قرار گرفته و هیچ ایستایی و سکونی نمی‌تواند داشته باشد و نمی‌تواند وضو بسازد، زیرا آب نیز در آنجا به حالت معلّق می‌باشد و همچنین به واسطه حساسیّت دستگاههای فضاپیما کوچکترین ذرّه غباری نیست که حتّی بتواند تیمّم کند و اگر باشد آن هم معلّق است و حتّی برایش افق معنا ندارد و قبله‌ای نیست، تکلیف وی چه می‌باشد؟

جواب: نماز خود را به همان حالت بخواند و اگر مدّت کوتاه است احتیاطاً بعداً قضا کند و اگر مدّت طولانی است قضا ندارد.

سؤال ۲۷۶- نظر شما در مورد سن و شرایط بلوغ دختران و تکالیف شرعی آنها چیست؟

جواب: دختران پس از تمام شدن ۹ سال قمری بالغ می‌شوند ولی اگر نتوانند بعضی از وظایف را مانند روزه بر اثر ضعف انجام دهند از آنها ساقط می‌شود و به جای آن برای هر روز یک مد طعام (تقریبا ۷۵۰ گرم گندم یا مانند آن) به فقیر می‌دهند.

سؤال ۲۷۷- شخصی که به طریقی یا برای سفر یا به عنوان کاری که ایجاب کرده است به قطب سفر کرده و مدّت مدیدی را قصد اقامت کرده (قابل توجّه اینکه در قطب شش ماه روز و شش ماه شب می‌باشد) با توجّه به این مطلب نماز و روزه و قبله این شخص چگونه می‌باشد؟ حال اگر شخصی قصد سفر کره ماه را داشته باشد نماز و روزه و قبله او در طول راه (و داخل سفینه) و در روی کره ماه چگونه می‌باشد؟

جواب: باید مطابق مناطق معتدله عمل کند شرح این مطلب را در کتاب نماز و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۹۱

روزه در قطبین نوشته‌ایم امّا قبله در مناطق قطبی مشکل ندارد، به سمتی می‌ایستد که نزدیکترین فاصله را با مکه داشته باشد و از اینجا حکم نماز و روزه در سفرهای فضایی روشن می‌شود و قبله مسافران فضا آن سمت است که زمین و امتداد آن در آسمان قرار دارد.

سؤال ۲۷۸- تبعیّت از مدیران تارک الصلاهٔ چگونه است؟

جواب: تبعیت از دستورات نامشروع آنها جایز نیست ولی از دستورات صحیح و مشروع آنها باید تبعیّت کرد و باید افرادی را در رأس کارهای جامعه اسلامی بگذارند که ملتزم به احکام شرع باشند.

سؤال ۲۷۹- کسی که می‌داند یا احتمال قوی می‌دهد که به جهت شب‌نشینی و یا مطالعه و غیره نماز صبحش قضا می‌شود آیا شرعاً برای شب‌نشینی یا مطالعه مجاز است؟

جواب: این کار بر خلاف احتیاط است و اگر موجب وهن نماز شود حرام می‌باشد.

سؤال ۲۸۰- دعا کردن به زبان غیر عربی و به غیر ادعیّه مأثوره در قنوت نماز چه حکمی دارد؟

جواب: به زبان غیر عربی اشکال دارد و خواندن هر دعایی که مضمون صحیحی داشته باشد در قنوت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸۱- برخی از دانشجویان عقیده دارند از آنجا که حکم مصافحه بعد از نماز در احادیث نیامده است این کار بدعت محسوب می‌شود و باید ترک کرد و از طرفی در صورت ترک مصافحه بعد از نماز اهداف خاصّ نماز جماعت آن چنان که شایسته است به اجرا در نمی‌آید حال تمنّا دارد حکم مصافحه بعد از نماز را بیان بفرمایید؟

جواب: بدعت آن است که چیزی را به قصد جزئیّت در دین انجام دهد و یا در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۲

عمل معرّف چنین مطلبی باشد بنابراین اگر مصافحه را به نیّت مطلوبیّت مطلقی که دارد انجام دهند و گاهی نیز آن را ترک کنند اشکالی حاصل نمی‌شود.

سؤال ۲۸۲- آیا کسی که قادر به اصلاح قرائت نیست ولی در صورت مراجعه به گفتار درمانی به احتمال قوی موفّق به اصلاح می‌گردد آیا این درمان برایش واجب خواهد بود؟

جواب: احتیاط آن است که درمان کند.

سؤال ۲۸۳- آیا بستن چشمان در نماز جهت تواضع و تمرکز حواس جایز است؟

جواب: بستن چشمها در نماز مکروه است ولی اگر راه حضور قلب منحصر به آن گردد مستحب بودن آن بعید نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۳

فصل یازدهم: احکام روزه

مبطلات روزه

سؤال ۲۸۴- آیا فرو بردن وسایل غیر خوراکی (مانند وسایل معاینات پزشکی) در دهان به هنگام روزه باعث بطلان روزه می‌گردد؟

جواب: موجب بطلان روزه نمی‌شود مگر اینکه آلوده به آب دهان شود و آن را بیرون آورد و سپس وارد دهان کند و رطوبت آن ابزار به قدری باشد که در آب دهان مستهلک نشود و آن را فرو برد.

سؤال ۲۸۵- فردی مبتلا به نفس تنگی شدید است و از یک نوع وسیله طبّی استفاده می‌نماید که با فشار دادن سوزن آن داروی مایع به صورت پودر گاز از راه دهان به ریه‌ها پاشیده می‌شود باعث تسکین می‌گردد (این عمل چندین بار در روز تکرار می‌گردد) آیا می‌تواند با وجود استفاده از این وسیله روزه‌دار هم باشد با توجّه به این که بدون استفاده از این دستگاه روزه گرفتن مشقّتی غیر قابل تحمل دارد؟

جواب: اگر به صورت گاز رقیق وارد بدن می‌شود مانعی ندارد و روزه‌اش صحیح است و ما نمونه‌های معمول آن را دیده‌ایم اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸۶- آیا فرو بردن چرک گلو باعث باطل شدن روزه می‌گردد؟

جواب: اگر به فضای دهان وارد نشود یا بدون اختیار فرو رود مانعی ندارد.

سؤال ۲۸۷- آیا فرو بردن اخلاط سینه موجب ابطال روزه می‌شود؟

جواب: اگر به فضای دهان نرسد موجب ابطال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۴

سؤال ۲۸۸- آیا در بیدار شدن جنب در شب ماه مبارک رمضان مختصر بیداری کافی است (مثلا ساعت زنگ بزند و او مست خواب بوده فوراً زنگ ساعت را خاموش کرده و خوابیده است)؟

جواب: این مقدار کافی نیست.

احکام روزه قضا و کفّاره

سؤال ۲۸۹- آیا شخصی که احتمال می‌دهد روزه قضا دارد می‌تواند روزه مستحبی بگیرد و اگر برای روزه مستحبی مانند اعتکاف نذر کند چطور؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۹۰- آیا با اجازه فقها (دام بقائهم) و یا مأذونین از طرف آنها می‌توان کفّارات غیر عمدی روزه را در حوایج عمومی فقرا (غیر از اطعام) صرف نمود؟

جواب: مصرف آن فقط اطعام است.

سؤال ۲۹۱- قیمت کفاره روزه ماه رمضان که به عذر شرعی مثل مرض و غیر آن افطار شده است چقدر است؟ و آیا معیار قیمت شهری است که در آن زندگی می‌کنیم یا معیار ۷۵۰ گرم گندم یا خرما یا نان است بدون در نظر گرفتن شهری که در آن هستیم؟

جواب: ملاک قیمت شهری است که کفّاره در آن پرداخت می‌شود و مقدار آن ۷۵۰ گرم است ولی قیمت آن را می‌توانید به شخص مستحق بدهید بشرط این که اطمینان داشته باشید مصرف نان می‌کند.

سؤال ۲۹۲- آیا می‌توانم کفّاره قضای روزه ماه رمضان را به برادرم که قصد ازدواج دارد و برای این امر به آن نیازمند است بپردازم؟

جواب: احتیاط آن است که فقط مصرف نان شود.

سؤال ۲۹۳- بنده الآن حدود ۲۲ سال دارم و تقریبا از ۴ سال پیش تمامی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۵

روزه‌هایم را گرفته‌ام ولی قبل از آن چند روزی از روزه‌هایم را به دلایلی نگرفته‌ام و نمی‌دانم که تعداد آن روزها چقدر بوده است وظیفه من چیست؟

جواب: همان مقدار که یقین دارید روزه نگرفته‌اید قضا کنید و اگر روزه نگرفتن عمدی بوده کفّاره نیز واجب است مگر اینکه جاهل به مسائل روزه بوده‌اید.

سؤال ۲۹۴- تکلیف شخصی که روزه‌های زیادی را افطار کرده است چیست؟

جواب: تا آنجا که بتواند روزه‌های گذشته را قضا کند و نسبت به کفّاره آنها مطابق مسأله ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ توضیح المسائل ما عمل کند و هر چه توانایی ندارد از او ساقط است.

سؤال ۲۹۵- کسی که فقط ۲۸ روز از ماه رمضان را درک بکند چون که در اوّل ماه مبارک در ایران است و آخر ماه مبارک در یک کشور عربی است که ماه شوّال یک روز زودتر دیده می‌شود و لهذا ۲۸ روز را درک کرده است آیا قضای یک روز بر او واجب است یا هیچ قضا لازم نیست؟

جواب: قضای یک روز بر او واجب نیست ولی احتیاط مستحب است.

سؤال ۲۹۶- دادن کفّاره به واجب النّفقه جایز است؟

جواب: احتیاط آن است که کفّاره را مطلقاً به واجب النّفقه ندهد.

سؤال ۲۹۷- وظیفه خانمی که سال اوّل تکلیف روزه‌اش را خورده است چیست؟ و اگر باید قضا کند چگونه قضا نماید؟

جواب: کفّاره ندارد خواه جاهل مقصر بوده یا قاصر ولی اگر عمداً و عالماً روزه نگرفته کفّاره دارد و در تمام صور مسأله، قضا لازم است.

سؤال ۲۹۸- شخصی چند روز از ماه رمضان را عمداً افطار کرده است امّا تعداد دقیق آن را نمی‌داند وظیفه او چیست؟

جواب: به مقداری که یقین دارد، روزه‌هایی را که خورده باید هم قضا کند و هم برای هر روز کفّاره بدهد و چنانچه بار او سنگین شود و نتواند، مطابق آنچه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۹۶

مسأله ۱۴۰۲ توضیح المسائل گفته‌ایم عمل کند.

سؤال ۲۹۹- آیا افطار روزه استیجاری بعد از ظهر جایز است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۰۰- این جانب مقلد امام خمینی (رحمه الله) بوده‌ام و به فتوای حضرتعالی بر تقلید از ایشان باقی هستم، ایشان در باب روزه مستحبی می‌فرماید اگر سبب اذیّت پدر و مادر و جدّ شود جایز نیست با توجّه به این مطلب که این جانب قادر به ازدواج نمی‌باشم و گرفتن روزه مستحبی را تنها راه جلوگیری از فعل حرام یافته‌ام و از طرفی هم پدر و مادرم راضی به گرفتن روزه مستحبی توسط من نمی‌گردند و نمی‌توانم آنان را به این امر راضی کنم آیا با وجود چنین شرایطی می‌توان بدون در نظر گرفتن رضایت پدر و مادر روزه گرفت؟

جواب: در فرض مسأله گرفتن روزه مستحبی برای شما جایز است ولی سعی کنید رضایت آنها را تا آنجا که می‌توانید جلب کنید.

سؤال ۳۰۱- چنانچه دکتر مریض را از روزه گرفتن منع کند (با توجّه به اینکه بعضی از دکترها نسبت به مسائل شرعی بی‌اطّلاع هستند) آیا نظریّه او در این مورد قابل قبول است؟

جواب: اگر دکتر مورد اطمینان باشد نظریّه او قابل قبول است.

احکام رؤیت هلال

سؤال ۳۰۲- اگر اوّل ماه شوّال در مشهد رؤیت شود که با افغانستان نیم الی یک ساعت تفاوت افق دارد آیا اوّل ماه در افغانستان هم ثابت می‌شود؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۳۰۳- در شهری که اکثریّت با اهل سنّت است و شیعه‌ها در اقلیّت هستند اگر در عید قربان و عید فطر قطع به خلاف نداشته باشیم آیا می‌توانیم با آنها عید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۹۷

بگیریم و اگر در نجف اشرف ماه را دیده باشند و بیست و نه روز روزه گرفته‌اند ولی در استانبول دیده نشده و سنّی‌ها سی روز روزه می‌گیرند و یک روز بعد از نجف عید می‌نمایند وظیفه ما شیعه‌ها چیست؟

جواب: اگر موازین تقیّه وجود داشته باشد می‌توانید با آنها عید کنید و اگر ماه در نجف ثابت شود برای استانبول کافی است.

سؤال ۳۰۴- اگر هلال ماه رمضان در شهری دیده شود آیا برای شهرهای دیگری که افق آنها یک یا دو ساعت فرق دارد اوّل ماه ثابت می‌شود؟

جواب: اگر شهری که ماه در آن دیده شده نسبت به شهر مورد بحث غربی باشد ماه ثابت نمی‌شود و اگر شرقی باشد ثابت می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۹

فصل دوازدهم: احکام خمس

ارباح مکاسب

سؤال ۳۰۵- آیا هدیه خمس دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب خمس به آن تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۳۰۶- اگر خانمی دارای طلای ساخته شده برای زینت باشد و بعضی از آن هدیه باشد و سال بر آن بگذرد، آیا خمس دارد؟

جواب: چنانچه زینت آلات مزبور مورد نیاز یا جزء شئون او بوده باشد خمس ندارد.

سؤال ۳۰۷- آیا هبه پدر به فرزند نابالغ خمس دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اگر پدری به فرزند نابالغ خود چیزی ببخشد فرزند پس از بلوغ خمس آن را بپردازد.

سؤال ۳۰۸- علما می‌گویند انسان باید حساب سال داشته باشد، اگر کسی درآمد او کمتر از مخارجش باشد بازهم واجب است حساب سال داشته باشد؟

جواب: منظور علما نیز کسی است که درآمد اضافی و پس‌انداز داشته باشد نه کسی که درآمد اضافی و پس‌اندازی نداشته باشد.

سؤال ۳۰۹- آیا خمس به حقوق بازنشستگی تعلق می‌گیرد؟

جواب: پولی که از دولت بعد از بازنشستگی دریافت می‌کند درآمد همال سال محسوب می‌شود و اگر از مخارج آن سال اضافه باشد خمس دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۰

سؤال ۳۱۰- آیا باغی که با پول مخمّس خریده شده خمس دارد؟

جواب: باغ مزبور خمس ندارد ولی میوه‌ها خمس دارد و نسبت به قیمت اضافی در موقع فروش باید خمس آن را بپردازد.

سؤال ۳۱۱- شخصی مقداری پس‌انداز دارد که حاصل وام، حقوق و اضافه کاری است آیا خمس دارد؟

جواب: آنچه وام بوده و اقساط آن را نپرداخته خمس ندارد و امّا آنچه به عنوان حقوق و اضافه کار گرفته یا وامی که اقساط آن را پرداخته خمس دارد.

سؤال ۳۱۲- آیا سپرده‌های بلند مدّت بانکها که توسط بانک در گردش کاری می‌باشد مشمول خمس می‌شود؟

جواب: چنانچه خمس آن را نپرداخته باشد باید بپردازد.

سؤال ۳۱۳- آیا خانه‌ای که پدرم به من بخشیده و خود نیز مقداری خرج آن کرده‌ام متعلّق خمس است؟

جواب: چنانچه خانه‌ای که پدر به شما بخشیده مورد نیاز برای سکونت بوده است خمس ندارد ولی احتیاط این است که خمس مبلغی را که کار کرده بودید بپردازید، نسبت به کار پدرتان نیز حمل بر صحت کنید و بگویید ان شاء اللّه کارش درست بوده است.

سؤال ۳۱۴- آیا به پول حاصل از فروش زمین و وسایل زندگی و طلاجات خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه زمین مورد نیاز برای منزل مسکونی بوده حتّی بعد از فروشش خمس ندارد و آنچه از طریق فروش وسایل زندگی و

طلا و امثال آن بوده آن هم خمس ندارد.

سؤال ۳۱۵- آیا حیوانات اهلی چون گاو و گوسفند خمس دارند؟

جواب: چنانچه از شیر و پشم آنها و مانند آن برای مصارف شخصی استفاده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۰۱

می‌کنند خمس ندارد اگر تنها برای کود زراعت و خرد کردن خرمن است حکم سرمایه و ابزار کار دارد و همچنین اگر از آنها به عنوان بهره‌برداری کسبی استفاده می‌کنند.

سؤال ۳۱۶- در جلسات ترحیم و هفته و چهلم، گلهای گران قیمتی به صورت تاج گل به این مجالس می‌برند که این گلها پس از مدّتی به سطل زباله ریخته می‌شود اوّل این که آیا بردن چنین گلهای گرانی از مصادیق اسراف می‌باشد و دوّم این که آیا خمس دارد؟

جواب: اگر قیمت زیادی برای آن می‌پردازند بعید نیست که مصداق اسراف و مشمول خمس باشد مگر اینکه برای امر مهمّی تهیّه شود.

سؤال ۳۱۷- آیا بر هیزمهایی که برای سوخت و مصارف دیگر ذخیره می‌شود خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: آنچه برای مصارف سوخت و سایر مصارف آن سال است خمس ندارد و آنچه برای سالهای آینده است خمس دارد.

سؤال ۳۱۸- آیا پولی که به عنوان دیه خون گرفته شده با گذشت سال خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

جواب: دیه خمس ندارد.

سؤال ۳۱۹- اگر شخصی چهار ماه قبل از اینکه حساب سالش برسد پولی را که کار کرده به شخصی قرض بدهد و بعد از دو سال شخص قرض‌گیرنده پول را بپردازد آیا مدّت دوسالی که بر این پول گذشته، خمس به این پول تعلّق می‌گیرد؟

جواب: بعد از وصول طلب باید خمس آن را داد.

سؤال ۳۲۰- شخصی بیست سال قبل سرقفلی مغازه‌ای را به مبلغ صد هزار تومان خریده و خمس آن را پرداخته است اینک آن را به مبلغ پانزده میلیون تومان فروخته، با توجّه به تورم و پایین آمدن ارزش پول آیا خمس به آن تعلّق می‌گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۰۲

جواب: به مازاد یک صد هزار تومان خمس تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۳۲۱- مردم بلتستان برای مؤونه خودشان درخت مثمر و غیر مثمر می‌کارند و بعد از رسیدن زمان قطع درخت غیر مثمر شاخه‌های آن را قطع می‌کنند و برای مؤونه خودشان و عیالات و ... استفاده می‌کنند و اصلش را می‌گذارند باز همین طور دو سال سه سال و گاهی بیشتر از این می‌ماند بعد شاخه‌ها را باز قطع می‌کنند و خرج می‌کنند و از میوه درخت مثمر برای مخارج استفاده می‌کنند آیا بر اینها خمس تعلّق می‌گیرد و بنابر تعلّق به چه کیفیت باید ادا شود؟

جواب: هرگاه غرض از کاشت درختان تأمین مصارف شخصی باشد خمس ندارد و اگر برای کسب و کار و تجارت باشد خمس دارد.

سؤال ۳۲۲- مردم بلتستان حیوانات را هم برای مؤونه نگهداری می‌کنند و اگر حیوانات در خانه نباشند بری زراعت کود لازم است و شیر و روغن و گوشت برای خوردن و مو و پشم آنها برای لباس و فرش و غیره استفاده می‌کنند و هکذا لوازمات خانه را عموماً از حیوانات تهیّه می‌کنند آیا این حیوانات خمس دارند؟ و اگر دارند طریقش را بیان فرمایید.

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۳۲۳- ابتدای عمل، چه درخت باشد و چه حیوان، قصد تجارت ندارد بلکه قصد مؤونه دارد و گاهی نه قصد مؤونه دارد و نه

قصد تجارت بلکه مطلق می گذارد و بعد از به دست آوردن ثمره و رشد و ... هم تجارت و هم در خرج مؤونه استعمال می کنند اینجا درباره خمس چه حکم می‌فرمایید؟

جواب: نسبت به مقدار مورد نیاز برای مؤونه و مصارف شخصی خمس ندارد و نسبت به مازاد آن خمس دارد.

سؤال ۳۲۴- طلّاب در حال تحصیل در حوزه علمیّه کتابهای تاریخی و ... آنچه لوازم خودشان هست می‌خرند و اگر نخرند بعداً نمی‌توانند تهیّه کنند یا مثلا خیلی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۳

گران می‌شود به هر حال بعداً مشکلاتی به وجود می‌آید لذا حتّی الإمکان کوشش می کنند که ارزانتر بخرند امّا همه را الآن نمی‌توانند مطالعه کنند لااقل یک سال یا دو سال بدون مطالعه می‌ماند، آیا خمس دارد؟ اگر دارد قیمت زمان خرید را حساب کند یا قیمت روز را؟

جواب: آنچه مورد نیاز نبوده خمس دارد و ملاک قیمت امروز است.

سؤال ۳۲۵- در بعضی مناطق سردسیر به علّت کمبود نفت و مانند آن، از هیزم استفاده می کنند به همین منظور درختانی می کارند که از شاخه‌های آنها برای سوخت استفاده کنند مردم این مناطق خمس هیزمهایی که از سال اضافه می‌آید را می‌پردازند آیا این کار صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد، بلکه لازم است.

سؤال ۳۲۶- طلبه‌ای از پدرش خانه‌ای را به ارث برده است که متعلّق خمس است در حالی که این طلبه قادر به پرداخت خمس نیست و بدهکار نیز هست چه کار کند که تصرّفش در این خانه جایز باشد؟

جواب: می تواند به حاکم شرع مراجعه کند و چنانچه مستحقّ گرفتن خمس باشد با او دستگردان نماید.

سؤال ۳۲۷- زمینی در حدود سی سال قبل جهت تأمین مسکن مجّاناً به گروهی از فرهنگیان واگذار شد، ولی چون موقعیّت زمین مذکور جهت تهیه مسکن تا سالها بعد اجازه نمی‌داد که در آن ساختمان مسکونی به وجود آید ناچار پس از چندین سال اقدام به خرید منزل نموده‌اند اکنون زمین مذکور چنانچه به فروش برسد یا تبدیل به ساختمان شود وجهی که از بابت فروش زمین مذکور عاید می گردد مشمول پرداخت خمس می گردد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خمس آن پرداخت شود.

سؤال ۳۲۸- کسی که سال خمس او در پایان اسفند ماه بوده است اگر در نیمه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۴

اسفند فوت کرد آیا بر وجوه باقیمانده وی که به عنوان ارث باقیمانده و مربوط به یازده ماه و نیم (۵/ ۱۱ ماه)، سال قبل می‌باشد خمس تعلق می گیرد؟ و همچنین این مرحومه قالی کهنه خود را تبدیل به یک قالیچه به قیمت (۲۵۰۰۰ تومان) نموده بوده که زیر پا انداخته نشده آیا به قیمت این فرش خمس تعلّق می گیرد؟

جواب: به درآمد آن سال خمس تعلّق می گیرد ولی قالیچه اگر مورد نیاز بوده خمس ندارد.

سؤال ۳۲۹- اگر میّتی تعداد ۱۷۱ رأس گوسفند داشته باشد آیا خمس به آنها تعلّق می گیرد یا زکات؟ در صورتی که گوسفند سرمایه میّت بوده است؟

جواب: در صورتی که شرایط زکات در آنها بوده اوّل باید زکات گوسفندان را بدهد و چنانچه در آخر سال چیزی از مخارج سال اضافه بماند باید خمس آن را نیز بپردازد.

سؤال ۳۳۰- در منطقه ما بعضی از خانواده‌ها دارای حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ رأس گوسفند هستند که به وسیله آنها امرار معاش می کنند

مستدعی است صورت‌های مسأله را در رابطه با خمس این گوسفندان بیان فرمایید؟

جواب: خمس به سرمایه تعلّق می‌گیرد و آنچه نوشته‌اید شکل سرمایه دارد، ولی اگر با کمتر از آن مقدار سرمایه، زندگی او اداره نشود از خمس معاف است.

سؤال ۳۳۱- اگر کاسبی در سال گذشته یک تن آلومینیوم به ارزش سیصد و پنجاه هزار تومان سرمایه‌اش بوده و خمس آن را حساب کرده و پرداخته باشد، ولی اکنون ارزش هر تن آلومینیوم حدود یک میلیون تومان است در صورتی که مقدار تغییر نکرده است ولی قیمت آن ششصد و پنجاه هزار تومان بیشتر از سال قبل است با توجّه به اینکه سودی در کار نیست و این کار اگر دو یا سه سال تکرار شود دیگر سرمایه‌ای باقی نمی‌ماند که کاسب بتواند کار خود را ادامه دهد.

الف) نظر جنابعالی در این مورد چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۰۵

ب) اگر کسی یک پنجم اصل سرمایه را (نه قیمت آن را) به صورت خمس بدهد سال بعد می‌تواند مقدار را ملاک قرار دهد؟

جواب: الف) افزایش قیمت بازار موجب خمس است ولی اگر به جایی برسد که سرمایه او برای اداره زندگیش بعد از دادن خمس کافی نباشد از دادن خمس معاف است.

ب) ملاک قیمت است نه مقدار.

سؤال ۳۳۲- مبنای سال خمس کارمند اوّلین حقوق دریافتی است یا زمان دیگر، سال شمسی مورد نظر است یا قمری؟

جواب: مبدأ آن، اوّلین درآمد است سال قمری و شمسی هر دو جایز است.

سؤال ۳۳۳- آیا مردم می‌توانند مالیاتی که به دولت اسلامی پرداخت می‌نمایند را بابت خمس حساب نمایند؟

جواب: مالیات شبیه سایر هزینه‌هاست و جزء هزینه سال محسوب می‌شود و بابت خمس محسوب نمی‌شود.

سؤال ۳۳۴- خانه مسکونی را که زمانی با مقدار کم خریده‌ام اکنون قیمت آن زیاده شده است آیا مازاد قیمت آن خمس دارد؟

جواب: خانه مسکونی هر اندازه هم قیمتش بالا برود خمس ندارد

سؤال ۳۳۵- از طرف بنیاد شهید حقوقی به خانواده محترم شهدا پرداخت می‌شود و عدّه‌ای از خانواده‌ها هزینه زندگیشان از سوی دیگر تأمین می‌شود سؤال این است که به این حقوقی که از بنیاد می‌گیرند خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: بنابر احتیاط لازم در سر سال خمس زیادی را بدهند.

سؤال ۳۳۶- در شهر ما اکثر خانمها قالی‌باف هستند و در کنار خانه‌داری فرش نیز می‌بافند ولی معمولا خرید لوازم فرش و همچنین فروش فرش و تصرّف در پولش به عهده شوهر است و از آنجا که بافتن این فرشها چند سال طول می‌کشد تا تمام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۰۶

شود افراد سر سال خود چگونه حساب کنند؟ و اگر بعد از چند سال که فروخت و موقع وصول پول آن در سال بعد باشد بفرمایید جزء درآمد سالی که پول را وصول می‌کند حساب می‌شود یا به مجرّد این که پول را وصول کرد باید خمس آن را پرداخت کند؟

جواب: فرش هنگامی که آماده فروختن شد جزء درآمد آن سال محسوب می‌شود که با گذشت سال خمسی اگر چیزی اضافه بماند باید خمس آن را بپردازد.

سؤال ۳۳۷- این جانب بدون داشتن خانه شخصی رنج می‌برم و بدون وام قدرت خرید خانه ندارم فلذا با دریافت وام دولتی (و یا شخصی) خانه‌ای خریده‌ام با این حال اوّل این که در مبدأ سال خمسی که دارم به مازاد بر مایحتاج که خواهم داشت خمس تعلق می‌گیرد یا نه و دوّم این که به هنگام پرداخت اقساط بانکی و یا شخصی تخمیس قسطها را واجب می‌دانید؟

جواب: تخمیس قسطها واجب نیست امّا زاید بر قسطها اگر داشته باشید خمس دارد.

سؤال ۳۳۸- کسانی که تاکنون خمس نداده‌اند آیا تنها پول نقد آنها محاسبه می‌شود یا ضروریات زندگی نیز محاسبه می‌شود و یا باید مصالحه شود؟

جواب: تمام اموالشان را باید حساب کنند و نسبت به ضروریات و وسایل زندگی با حاکم شرع مصالحه نمایند.

سؤال ۳۳۹- اگر ارثیه‌ای را که متعلّق خمس نیست بفروشند و تبدیل به نقد کنند آیا بعد از تبدیل مشمول خمس خواهد بود؟

جواب: مشمول خمس نیست.

سؤال ۳۴۰- آنچه بعضی از فقها (رضوان اللّه علیهم) از جمله امام (قدس سرّه) فرموده‌اند که در هدیه خمس نیست آیا تملیک‌های کلان اعمّ از زمین و خانه و مغازه و اتومبیل و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۷

را نیز شامل می‌شود و یا آنها حساب دیگری دارند؟

جواب: فرقی بین هبه کلان و غیر کلان نیست، ولی طبق فتوای ما همه اینها بنابر احتیاط واجب خمس دارد.

سؤال ۳۴۱- آیا تعیین سال روز خمسی اختصاص به مردها دارد که به عنوان نان‌آور و مدیر خانواده هستند و یا زنان خانه‌داری که تحت سرپرستی مردها به سر می‌برند و عایدات جزئی و محقر دارند را نیز شامل می‌شود؟ اگر عایدات آنها نیز متعلّق خمس باشد آیا کیفیت تخمیس اموال آنان با مردان متفاوت است یا نه (توضیح اینکه گویا بعضی از آقایان گفته‌اند زن شوهردار باید به محض دریافت تخمیس کند)؟

جواب: هر کس درآمدی زاید بر مخارج دارد باید سال خمس داشته باشد و بعد از گذشتن سال اموال خود را تخمیس کند.

سؤال ۳۴۲- شخصی به طور متناوب از درآمدش که مخلوط از نقد و نسیه و ارثیّه و احیاناً مخلوطی هم از پول حرام است برای خود خانه مسکونی و اثاثیه آن را فراهم کرده و از ابتدای تکلیف تا این ساعت تصفیه حساب خمس نکرده است و حال می‌خواهد تصفیه کند آیا به این خانه و اثاثیّه آن خمس تعلّق می‌گیرد و یا جزء مئونه سال و مستثناست مضافاً اینکه فرضاً خمس تعلّق بگیرد تخمینی حدود یک میلیون بدهکار می‌شود و از عهده پرداخت آن (چه فعلا و چه به تدریج) عاجز است چون درآمدی بسیار کم دارد با این وضع آیا می‌تواند با حاکم شرع و یا نماینده او به مبلغی که قادر به پرداخت باشد مصالحه کند؟

جواب: در صورتی که در حال و آینده مطمئنّا قادر به پرداخت نیست می‌تواند مصالحه کند.

سؤال ۳۴۳- حقیر در خریدوفروش عمده سبزی و باربری با یک ماشین با چند نفر شریک هستم یکی از آنها برادرم هست که در پرداخت خمس کوتاهی می‌کند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۸

ایشان تصمیم به این کار دارد حتّی یک بار هم انجام داده ولی فعلا چند سال است که خمس نداده است موقعیّت ما هم طوری است که کنار زدن او از شراکت نه از نظر فامیلی و نه از نظر وضع شغلی در محل به صلاح ما نیست تکلیف من چیست؟

جواب: ما به شما اجازه می‌دهیم که خمس خود را بدهید و نسبت به سهم خود تصرّف کنید و سعی کنید برادرتان را نیز امر به معروف کنید.

سؤال ۳۴۴- این جانب ملک موروثی پدری را فروخته و جهت تحصیل فرزندانم در شهر، منزلی خریداری نموده‌ام آیا به پول به دست آمده از فروش ملک ارث پدری خمس تعلّق می‌گیرد و در صورت تعلّق، آیا مجاز هستم به صوت اقساط بپردازم؟

جواب: اگر آن ملک بعد از فوت پدر ترقّی نکرده خمس ندارد و اگر ترقّی کرده احتیاط واجب آن است که خمس تفاوت را بدهید مانعی ندارد به صورت اقساط بپردازید.

مصرف خمس

سؤال ۳۴۵- کسی که خود را در معرض خطر دشمنانش می‌بیند آیا می‌تواند از سهم امام (علیه السلام) و سایر وجوهات شرعیّه اسلحه و ابزار جنگی تهیّه نماید؟

جواب: با اجازه حاکم شرع یا نماینده او مجاز است.

سؤال ۳۴۶- تبدیل وجه خمس به اجناس دیگر از قبیل پوشاک و وسایل زندگی و دادن آنها به سادات چگونه است به ویژه هنگامی که سیّد از پذیرفتن سهم سادات جداً ناراحت می‌شود؟

سؤال ۳۴۷- آیا سیادت از طریق مادر به فرزندان او منتقل می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۰۹

جواب: بعضی از احکام سیادت از جمله گرفتن خمس منتقل نمی‌شود و سبب آن در کتب فقهیّه بیان شده است.

سؤال ۳۴۸- آیا سیّد غنی که مجتهد یا نماینده حاکم شرع نیست می‌تواند صرفاً به عنوان سیادت خویش در مواردی که پیش می‌آید، با فقرای مؤمنین دستگردان و امهال نماید؟

جواب: بدون اجازه مجتهد جامع الشرایط اشکال دارد.

سؤال ۳۴۹- آیا لازم است که هر مقلّدی خمس اموالش را به مرجع تقلید خودش بدهد؟

جواب: اعطای خمس به مرجع مقلّد در صورتی لازم است که معلوم نباشد مجتهدین دیگر در همان مصارفی که مرجع مقلّد لازم می‌داند مصرف می‌کنند و نیز در صورتی که مرجع به عنوان حکم حاکم از مقلّدین خود خمس را طلب کند، لازم است. در غیر این دو صورت می‌توان به نظر مجتهدین دیگر مصرف کرد.

سؤال ۳۵۰- صرف سهم امام در زیارات چگونه است؟

جواب: اگر جزء شئون اوست و اسراف نیست جایز است.

سؤال ۳۵۱- آیا طلّاب می‌توانند از سهم امام (علیه السلام) استفاده کنند؟

جواب: اخذ سهم امام برای آنان با اجازه حاکم شرع در صورتی که مشغول تحصیل علم مفید اسلامی هستند جایز است.

سؤال ۳۵۲- اگر میّتی مدیون باشد و خمس نیز بدهکار باشد و ترکه، وافی به هر دو نباشد ورثه کدام را مقدّم کنند؟

جواب: هرگاه مالی که به آن خمس تعلّق گرفته موجود باشد باید خمس را مقدم بدارند و اگر آن مال موجود نیست احتیاط آن است که آن مال را میان هر دو طلبکار تقسیم کنند.

سؤال ۳۵۳- آیا تغییر زمان حساب سال جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۱۰

جواب: جلو انداختن حساب سال به هر اندازه هیچ مانعی ندارد ولی تأخیر آن جز با اجازه حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۳۵۴- اگر سیادت شخصی از طریق خبر دادن یکی از علمای انساب ثابت شود و عدّه زیادی از علما به وثاقت و خبره بودن و عدالت آن عالم شهادت بدهند آیا قول آن عالم حجّت است؟

جواب: سیادت با شرایط ذکر شده ثابت می‌شود.

سؤال ۳۵۵- آیا اجازه حاکم شرع در مصرف سهم امام (علیه السلام) و سادات لازم است؟

جواب: در مورد سهم امام (علیه السلام) اجازه حاکم شرع واجب است و در مورد سهم سادات بنابر احتیاط واجب باید اجازه گرفت.

سؤال ۳۵۶- الف) اگر شخصی به دیگری که مستحقّ خمس است مقداری پول به عنوان سهم امام (علیه السلام) بدهد که چیز

معینی بخرد ولی آن شخص این پول را صرف خرید چیز مهمتری که ارزانتر است می کند آیا این کار جایز است؟
ب) اگر شخصی بر اثر شرم و خجالت به نام شخص دیگری طلب سهم امام کند و خود مصرف کند چه حکمی دارد؟
جواب: الف) در مورد سهم مبارک امام (علیه السلام) هرگاه مالک مصرف خاصّی را تعیین کند پیروی از او لزومی ندارد و امّا اگر حاکم شرع تعیین کند احتیاط رعایت آن است.
ب) هرگاه به نام زید بگیرد و در مورد عمرو مصرف کند اشکال دارد و اگر برای یک عنوان کلّی بگیرد در هر یک از مصادیق آن صرف شود مانعی ندارد.

مسائل متفرّقه خمس

سؤال ۳۵۷- حکم گنجی که افراد در زمین خود پیدا می کنند چیست؟
جواب: با شرایطی که در مسأله ۱۵۳۵ توضیح المسائل گفته‌ایم می‌تواند آن را
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۱۱
تملّک کند و خمس آن را بپردازد.
سؤال ۳۵۸- آیا صِرف نیّت باعث جداسازی اموال و پولهایی که خمس آنها داده شده از غیر آنها می‌شود؟ به هر حال راه جداسازی چیست؟ مخصوصاً اگر در صندوقی یا بانکی باشد.
جواب: نیّت کفایت نمی‌کند و جداسازی خارجی لازم است یا اینکه مخمّس در حساب مشخصی باشد و غیر مخمّس در حساب دیگر.
سؤال ۳۵۹- به طوری که می‌دانیم فقهای اسلام در اصل خمس اتفاق نظر دارند، ولی در موارد و مصارف آن اختلاف است، فقهای اهل سنّت مورد خمس را منحصر به غنایم جنگی دانسته‌اند ولی فقهای امامیه به سودها و بازیافتها تعمیم داده‌اند، سؤال این است که آیا از فقها و علمای طراز اوّل هر دو مذهب کسی یا کسانی هستند که نظر طرف مقابل را داشته باشند؟
جواب: ظاهراً مخالف معروفی نیست، به کتاب خلاف شیخ، کتاب الزکاة و الخمس، مسأله ۱۳۸ مراجعه کنید.
سؤال ۳۶۰- کسی که حساب سالانه جهت تعیین خمس قرار داده باشد و به منازل کسانی که وجوه شرعی خود را نمی‌پردازند به میهمانی برود و از غذای آنها استفاده کند یا با آب منزل آنها وضو بگیرد و در منزل آنها نماز به جا آورد چه صورتی دارد؟
جواب: هرگاه یقین داشته باشد که مال خمس در آن خانه یا غذا وجود دارد تصرّف در آن جایز نیست مگر این که از حاکم شرع اجازه بگیرد.
سؤال ۳۶۱- آیا پرداخت عشریّه، ریشه اسلامی دارد کفایت از خمس می کند؟
جواب: عشریّه دراویش، ریشه اسلامی ندارد و عشریّه در اسلام فقط مربوط به زکات غلّات چهارگانه است به شرط این که با آب باران و قنات و مانند آن آبیاری شود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۱۲
سؤال ۳۶۲- آیا کسی که در خانه پدری زندگی می کند باید خمس بدهد؟
جواب: اگر درآمد اضافی دارد باید خمس بدهد.

انفال

سؤال ۳۶۳- آیا بر جنگلها حکم ملک، جاری می‌شود و می‌توان مسأله ارث، وقف، اجاره و ... را بر آن مترتّب کرد؟

جواب: ظاهر این است که بر این گونه جنگلها حکم ملك، جاری می‌شود و مسأله ارث و وقف و اجاره و ... صحیح است ولی بعد از تشکیل حکومت اسلامی و نهی حکومت از تملّك جنگلها بدون رضایت حکومت نمی‌توان اقدام کرد.

سؤال ۳۶۴- طبق ظاهر آیات و روایات، انفال شامل همه دشتها و کوهها و جنگلها و دریاها و ... در سراسر جهان است؛ امّا در شرایط فعلی که مرزهای جغرافیایی بین المللی مورد قبول همه حکومتهاست آیا انفال هم به این مرزبندیها محدود می‌شود؟

جواب: ظاهر روایات انفال، بلکه صریح بسیاری از آنها، شامل تمام منافع روی زمین است ولی پر واضح است که حاکم اسلامی و ولیّ فقیه می‌تواند طبق مصالح مسلمین ضوابط جهانی را ملحوظ دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۳

فصل سیزدهم: احکام زکات

زکات غلات

سؤال ۳۶۵- مقدار زکات گندم آبی و حد نصاب آن را بیان فرمایید.

جواب: زکات آن ۲۰۱ است (۵ درصد) و مقدار نصاب آن مانند سایر موارد ۸۴۷ کیلوگرم است.

سؤال ۳۶۶- معیار قیمت بذری که از حاصل کسر می‌شود چه زمانی است؟ روز بذرافشانی یا روز برداشت محصول؟

جواب: معیار قیمت روز بذرافشانی است ولی به فتوای ما بنابر احتیاط واجب نباید قیمت تخمی را که برای زراعت پاشیده از حاصل کسر کند ولی می‌توانید در این مسأله به مراجع دیگر مراجعه کنید.

مستحقّین زکات

سؤال ۳۶۷- فقیر به چه کسی گفته می‌شود؟

جواب: کسی که مخارج سال خود را مطابق معمول ندارد فقیر است.

زکات فطره

سؤال ۳۶۸- اگر شخصی هنگام غروب شب عید فطر بیهوش باشد آیا زکات فطره از او ساقط است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۴

جواب: بیهوش بودن باعث سقوط زکات فطره نمی‌شود.

سؤال ۳۶۹- زکات فطره سربازی که نانخور دولت است بر عهده چه کسی است؟

جواب: بر دولت واجب نیست و اگر فقیر است بر خود او نیز واجب نیست، امّا اگر غنی باشد احتیاط آن است که خودش زکات را بپردازد.

مسائل متفرّقه زکات

سؤال ۳۷۰- آیا پرداخت مالیات در نظام جمهوری اسلامی از وجوه شرعیّه کفایت می‌کند؟

جواب: مالیات مانند سایر هزینه‌های کسب‌وکار است و جای وجوه شرعیّه را نمی‌گیرد.

سؤال ۳۷۱- آیا کارگران کشاورزی که سهمی از زراعت را به عنوان حق الزّحمه می‌گیرند، موظّف به دادن زکات هستند؟

جواب: اگر گرفتن سهمی از زراعت در مقابل همه کارهای کشاورزی باشد (آن چنان که در میان مالك و رعیّت در بلاد ما معمول است) زکات به سهم آنها تعلّق می‌گیرد به شرط اینکه سهم آنها به حدّ نصاب برسد. امّا اگر سهم را فقط در مقابل درو کردن یا مانند آن بگیرد- یعنی بعد از وقت تعلّق زکات- در این صورت چیزی بر کارگر نیست.

سؤال ۳۷۲- به جز نه مورد زکات آیا موارد دیگری نیز مشمول آن می‌گردد؟

جواب: موارد زکات واجب همان موارد نه‌گانه است ولی زکات مستحب شامل غیر آن نیز می‌شود.

سؤال ۳۷۳- شخصی زکات نمی‌دهد، آیا پسرش می‌تواند بدون اینکه پدر بفهمد مقدار زکات را جدا کند و به مستحق برساند؟

جواب: با اجازه حاکم شرع می‌تواند این کار را انجام دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۵

فصل چهاردهم: احکام حج

شرایط وجوب حج

سؤال ۳۷۴- شخصی مستطیع است ولی چون ثبت‌نام نکرده، استطاعت رفتن به حج را نداشته است ولی اکنون به نیابت از پدرش- که ثبت‌نام کرده بود و فوت کرده- عازم حج است، آیا این نیابت صحیح است؟

جواب: چنانچه استطاعت مالی داشته ولی بر اثر موانعی موفّق به ثبت‌نام نشده نیابت او صحیح است.

سؤال ۳۷۵- خدمه‌ای که در کاروان به حج می‌روند با توجّه به عدم استطاعت مالی خود، حج را چگونه انجام دهند آیا باید نیّت واجب کنند؟

جواب: خدمه کاروان مستطیع هستند (به شرط اینکه نفقه همسر و فرزندان خودرا در مدّت حج داشته باشند) و باید نیّت حجّ واجب کنند و اگر مرتبه اوّل آنهاست نمی‌توانند به قصد نیابت کسی حج بجا بیاورند همچنین اگر کسی به عنوان کمك کسی به حج برود.

سؤال ۳۷۶- آیا شخصی که به منزل شخصی احتیاج دارد مستطیع می‌شود؟

جواب: چنانچه احتیاج به منزلی داشته باشد می‌تواند آن پول را صرف خرید منزل کند و در این صورت مستطیع نخواهد بود.

سؤال ۳۷۷- مهریه خانمی چند برابر استطاعت اوست آیا بعد از فوت زن بر ورثه لازم است که قبل از تقسیم ترکه مخارج حج را کسر کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۶

جواب: چنانچه زن در حیات شوهر، طبق عرف و عادت می‌توانسته مهریه را از شوهر بگیرد، مستطیع بوده باید از ترکه او برداشته شود و چنانچه نمی‌توانسته، مستطیع نبوده است.

سؤال ۳۷۸- در سفر حج، سازمان حج و زیارت از زن مستطیعه اجازه رسمی شوهرش را می‌خواهند و شوهرش اجازه نمی‌دهد، حال زن چه باید بکند؟

جواب: بعید است آنها در حج واجب اجازه شوهر را بخواهند، زیرا شرعاً اجازه شوهر شرط نیست.

سؤال ۳۷۹- کسی پنج سال پیش مثلا مستطیع بوده و در ثبت نام حج شرکت کرده، ولی الآن فقیر شده آیا حج بر چنین شخصی واجب است؟ و اگر سیّد باشد می‌شود از خمس آل محمّد (صلی الله علیه و آله) به او داد تا به مکّه برود؟

جواب: اگر موقعی که نوبت او می‌رسد فاقد بعضی از شرایط باشد حج بر او واجب نیست.

سؤال ۳۸۰- شخصی حدود ده سال قبل برای حجّ بیت الله الحرام ثبت‌نام نموده لیکن در سال ۶۶ به رحمت ایزدی پیوست امسال نوبت حجّ آن مرحوم رسیده است مستدعی است تکلیف ورثه و بری شدن ذمّه آن مرحوم را بیان فرمایید از طرف دیگر تصرّف در این وجه چگونه است؟

جواب: اگر راهی برای رفتن به مکّه جز بودن در نوبت نداشته است چنین کسی مستطیع نشده و وجه مزبور جزء مال الارث است و اگر بخواهند احتیاط کنند می‌توانند حجّ میقاتی به مبلغ کم بگیرند مشروط بر اینکه صغیر نداشته باشد یا اگر صغیر دارد از سهم کبیر بردارند.

سؤال ۳۸۱- اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجّی بجا آورد و بعد از آن ازدواج کند، آیا بازهم جهت انجام فریضه حج اجازه شوهر لازم است؟ و آیا شوهر حقّ ممانعت دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۷

جواب: اجازه شوهر لازم است و شوهر حق ممانعت دارد.

سؤال ۳۸۲- تمام مخارج حج را شوهرم بر عهده گرفته است، ولی می‌دانم که اهل خمس نیست و من از خود مالی ندارم، تکلیف من در ارتباط با هزینه رفت و برگشت، ارز، لباس احرامی و قربانی چیست؟ خمس اینها بر عهده کیست؟

جواب: خمس اینها بر عهده شماست و اگر توانایی ندارید مستطیع نیستید.

سؤال ۳۸۳- اگر زنی نیاز به همراه داشته باشد و همراه هم مزد می‌گیرد و او توانایی پرداخت مزد را ندارد آیا مستطیعه است؟

جواب: مستطیع نیست.

سؤال ۳۸۴- شخصی در حج اجیر کس دیگری بوده است، بعد از انجام عمره تمتع، به سکته قلبی دچار شده و از برگزاری اعمال حج معذور گردید و به ایران مراجعت کرده است و در سال آینده می‌خواهد مشرّف شود، آیا اعلام این وضعیت به اولیای منوبٌ عنه و اجازه مجدّد به نیابت از منوبٌ عنه در سال آینده لازم است؟

جواب: چنانچه برای سال معینی اجیر شده، اعلام و اجازه لازم است.

سؤال ۳۸۵- در صورتی که کسی بر تهیه فیش حج به قیمت آزاد قدرت داشته باشد ولی این قیمت با نرخ متعارف خیلی متفاوت باشد و مستلزم به تأخیر افتادن نوبت دیگران شود، آیا حج بر او واجب است؟

جواب: در صورتی که تفاوت قیمت به صورت اجحاف کلّی بوده باشد و یا مایه ضایع شدن حقّ دیگران گردد مستطیع نیست.

سؤال ۳۸۶- آیا خانمی که به لحاظ مالی و بدنی و راه مستطیع است ولی طفل شیرخواری دارد که با غیر او آرام نمی‌گیرد مستطیع است؟

جواب: چنانچه جدا شدن از آن طفل دارای خطر جانی یا بیماری شدید یا سبب عسر و حرج برای دیگران شود مستطیع نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۸

حجّ نیابتی

سؤال ۳۸۷- کسی که بی‌سواد است و نماز او چندان کامل نیست یعنی خوب یاد نگرفته، در عین حال الآن به نیابت از پدر مرحومش به حج می‌رود آیا حج او درست است؟

جواب: در صورتی که بتواند در خلال این مدّت تا موقع نماز طواف، نمازش را کامل کند مانعی ندارد، ولی در غیر این صورت نیابت او مشکل است.

سؤال ۳۸۸- کسی که خود مستطیع نیست ولی پدرش ثبت‌نام کرده و الآن فوت کرده فیش بانکی او را به نام خود کرده و به نیابت

او حج انجام می‌دهد مخارج اعمال بعدی از جمله فراهم کردن ارز به عهده کیست؟ آیا از ثلث مال او می تواند بگیرد؟

جواب: هرگاه پدرش در اوّلین فرصت استطاعت ثبت‌نام کرده و قبل از رفتن به حج فوت نموده، نیابت از او واجب نیست و تنها در صورتی که ورثه راضی باشند می‌تواند حج به جا آورد و اما اگر قبلا مستطیع شده و در ثبت نام و رفتن به حج کوتاهی نموده، باید حجّ میقاتی برای او انجام بدهند مگر اینکه وصیّت کرده باشد که حجّ بلدی انجام دهند و اگر بتوانند فیش بانکی او را طبق موازین قانونی بفروشند با قسمتی از آن اجیر بگیرند احتیاط واجب آن است که چنین کنند.

سؤال ۳۸۹- پدری چند فرزند دارد و تمام اموال خود را به دو تن از فرزندانش به عنوان مصالحه داده است ولی شرط کرده که بعد از مرگ از طرف وی کسی را حدّ اکثر ظرف چهار سال برای ادای حَجّة الاسلام بفرستند، فرزند او طبق شرط عمل کرده و در سال چهارم کسی را برای حج از بلد خویش روانه کرده است ولی این نایب وقتی به شهر دیگر رسید خودش نرفت و کسی دیگر را برای حجّ میقاتی فرستاد و حجّ میقاتی انجام گرفته است در حالی که فرزندان این میّت از این جریان خبر نداشتند (ناگفته نماند که حجّ میقاتی برای مردم آنجا شناخته شده نیست و از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۹

نیابت برای حجّ بلدی انصراف دارد) سؤال این است که:

الف) آیا نایب، حقّ نایب ساختن شخص دوّم را دارد؟

ب) آیا حجّ انجام گرفته از طرف میّت صحیح است و میّت بریء الذّمّه شده است؟

ج) حکم مصالحه چیست؟

د) آیا به شرط عمل شده؟ زیرا فرزندان دیگر میّت، مدعی هستند که به شرط عمل نشده است لذا باید ماترک به عنوان ارث بین ورثه تقسیم شود.

جواب: الف) نایب حقّ نایب قرار دادن دیگری را ندارد

ب) حجّ انجام گرفته صحیح است و میّت بری الذّمّه شده است.

ج) مصالحه به قوّت خود باقی است.

د) پسر باید پول حجّ را از نایب اوّل بازپس بگیرد و بهتر آن است که میان ورثه تقسیم کند.

سؤال ۳۹۰- مردی برای انجام حج وصیّت کرده است، آیا دختر و یا همسر او هم می‌توانند به نیابت از او حج بجا آورند؟

جواب: اگر شخص معیّنی را در وصیّتنامه قید نکرده باشد دختر و یا همسر او هم می توانند نیابت کنند.

سؤال ۳۹۱- پیرزنی هستم که توانایی انجام اعمال حج را به علت کهولت سن ندارم با این که مستطیعه هستم، آیا می‌توانم در حال حیات کسی را به نیابت خود به حج بفرستم و حال آن‌که امید بهبود در آینده نیز ندارم؟

جواب: باید نایب بگیرید.

سؤال ۳۹۲- زنی هستم که نیابتاً به حج مشرف شده‌ام آیا نذر احرام قبل از میقات برای من جایز است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۹۳- زنی که روز دهم و یازدهم و دوازدهم قادر به رمی جمرات نیست، ولی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۰

می‌تواند شبها رمی جمره نماید و یا در روز سیزدهم قضای هر سه روز را به جا آورد آیا می‌تواند از طرف کسی نایب شود؟ و در صورت امکان آیا همه صور مذکوره یکسانند و یا آن‌که فرق دارند؟

جواب: نیابت او صحیح است و باید شبها به جای روز رمی کند.

سؤال ۳۹۴- آیا زن به نیابت از دیگری می‌تواند نماز طواف بخواند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۹۵- کسی که نماز او چندان کامل نیست اگر برای خود یا به نیابت از کسی به حج برود آیا در انجام نماز طواف می‌تواند دیگری را نایب کند؟

جواب: در مورد حجّ خودش باید به اندازه‌ای که توانایی دارد انجام دهد و کوشش کند تا آنجا که می‌تواند قرائت نماز را اصلاح کند ولی اگر قرائتش صحیح نیست نایب شدن او برای دیگران مشکل است.

سؤال ۳۹۶- اگر شخصی قبل از درست شدن خدمه‌گری به نیابت از کسی به انجام حج پذیرفته شده باشد و بعداً مسأله خدمه‌گری درست شود حج را برای چه کسی انجام دهد؟ همچنین کسی که مستطیع نیست ولی به عنوان کمک کار کسی به حج می‌رود؟

جواب: کسی که قبلا اجیر برای نیابت از کسی شده چنانچه بعداً مسأله خدمه‌گری او درست شود باید حج را فقط به قصد نیابت انجام دهد ولی اگر اجیر نشده در حکم مستطیع است و حج او حجّ واجب محسوب می‌شود.

سؤال ۳۹۷- فقها می‌گویند کسی که چندین سال بعد از استطاعت یا در اوّلین سال استطاعت به مکّه مشرف شده و بعد از دخول در محدوده حرم فوت شده نیابت برای او لازم نیست. حال اگر بعد از تمام کردن عمره تمتّع از دنیا برود هم نیابت لازم نیست؟

جواب: در صورتی که بعد از دخول در حرم با احرام فوت شده باشد یا بعد از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۱

عمره تمتّع، نیابت لازم نیست.

سؤال ۳۹۸- آیا نایب حقّ نایب گرفتن دارد و در صورت انجام این عمل آیا میّت بریء الذّمّه می‌شود؟

جواب: نایب حقّ نایب قرار دادن دیگری را نداشته است ولی حجّ انجام گرفته صحیح است و میّت بریء الذّمّه شده است ولی نایب نسبت به پولی که گرفته مدیون است.

سؤال ۳۹۹- اگر مردی که می‌تواند در روز رمی کند برای رمی زنی نایب شود آیا می‌تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

جواب: نمی‌تواند.

سؤال ۴۰۰- اگر زنی که نیابت را پذیرفته، نیز خوف حیض یا مرض داشته باشد آیا می‌تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدّم بدارد؟

جواب: می‌تواند.

سؤال ۴۰۱- کسی که حجّ نیابتی انجام می‌دهد علاوه بر طواف نساء که برای منوبٌ عنه به جا می‌آورد آیا واجب است که برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟

جواب: واجب نیست.

سؤال ۴۰۲- آیا صرورهٔ (یعنی کسی که تا کنون به حجّ مشرف نشده است) می‌تواند نایب شود، مرد باشد یا زن از طرف مرد باشد یا از طرف زن؟

جواب: نیابت صرورهٔ چه مرد باشد و چه زن جایز است، خواه از طرف مرد باشد یا از طرف زن، بله نیابت زن مخصوصاً اگر منوبٌ عنه مرد باشد کراهت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۳

عمره تمتّع

۱- احرام

سؤال ۴۰۳- آیا در حال احرام، پوشیدن لباسهایی که برای تزیین، قسمتهایی از آن توردوزی یا گلدوزی شده برای زنها جایز است؟ و آیا مقنعه جزء لباس می‌باشد؟

جواب: احتیاط در ترک آن است و مقنعه نیز جزء لباس است.

سؤال ۴۰۴- اگر لباس احرامی زنان به قدری نازک باشد که بدن آنها نمایان گردد، آیا به اعمال حج آنان ضرری می‌رساند؟

جواب: این کار حرام است ولی اگر در غیر طواف و نماز طواف باشد موجب بطلان حج نمی‌شود.

سؤال ۴۰۵- آیا می‌توان پوستهای زاید که از لبها یا کنار ناخن‌ها برآمده است را از بدن جدا کرد؟

جواب: در صورتی که خون نیاید اشکال ندارد.

سؤال ۴۰۶- زنی که در پشت ناخن و انگشتهای او لاک چسبیده و با این کیفیّت اعمال حج را بجا آورده و نمی‌دانسته که این رنگ لاک مانع برای وضو و غسل می‌باشد آیا اعمال او صحیح است و چنانچه پس از انجام اعمال حج متوجّه شود چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: طواف و نماز او صحیح نیست بنابراین بایـد این دو عمل را اعاده کنـد و بنابر احتیاط واجب باید سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و بقیّه اعمال او صحیح است و اگر نمی‌تواند شخصاً انجام دهد نایب بگیرد.

سؤال ۴۰۷- آیا سوار شدن بر ماشین سقف‌دار در شب به حج یا عمره ضرری وارد می‌کند و کفّاره دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۴

جواب: حج و عمره را باطل نمی‌کند و اگر شبهای معمولی باشد کفّاره هم ندارد امّا در شبهای سرد و بارانی کفّاره دارد.

سؤال ۴۰۸- این جانب به علّت قطع بودن نخاع و عـدم کنترل بول و ... نمی‌توانم بدن و لباس احرام خود را پاک نگهدارم، وظیفه‌ام چیست؟

جواب: آن مقدار که می‌توانید محافظت کنید و آنچه موجب عسر و حرج است اشکالی ندارد.

سؤال ۴۰۹- اگر جامه احرام را از پول خمس یا زکات نداده خریده باشند آیا احرام در آن صحیح است؟

جواب: احرام در آن حرام است.

سؤال ۴۱۰- آیا زنها در حال احرام می‌توانند جوراب بپوشند یا بایستی روی پای آنان مثل مردان باز باشد؟

جواب: حرمت پوشیدن پا مخصوص مردان است و برای زنان پوشیدن پشت پا جایز است.

سؤال ۴۱۱- در موسم حـج یـک نفر از کارکنان گروه حـج همراه زنها به عنوان راهنما در روز با ماشـین مسـقّف به مکّه می‌رود آیا کفّاره لازم است؟

جواب: در موقع ضـرورت رفتن زیر سـایه جـایز است، ولی کفّـاره دارد و کفّـاره آن یـک گوسـفند برای هر احرام است. یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند کافی است.

سؤال ۴۱۲- آیا احرام عمره تمتّع از شهر جدّه جایز است؟

جواب: چون محـاذات شـهر جـدّه بـا هیـچ‌یک از میقاتهـا مسـلّم نیست، برای احرام بایـد به میقـات یـا به محاذات میقات رفت و اگر هیچ‌کدام امکان ندارد، احتیاطاً با نذر محرم می‌شود و سپس بنابر احتیاط در ابتدای حرم تجدید احرام می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۵

سؤال ۴۱۳- بعـد از اعمال عمره تمتّع، کارکنان کاروان حـج برای تعیین چادر و بردن آذوقه حجّاج چنـد دفعه بدون احرام حجّ تمتّع به عرفات و منی رفت و آمد می‌کنند، حکمشان را بیان فرمایید؟

جواب: جایز است و چنانچه عسر و حرج نباشد محرم به احرام حج شوند. سؤال ۴۱۴- طبق فتوای مراجعی که فرموده‌اند احتیاطاً زنان

هم مثل مردان محرم شوند، آيا زن بعد از پوشيدن حوله‌هاى احرام مى‌تواند حوله‌ها را كنار بگذارد و با لباس معمولى خودش اعمال حجّ را انجام دهد؟

جواب: زنان مى‌توانند در همان لباسهاى معمولى محرم شوند و پوشيدن حوله‌هاى احرام لازم نيست.

سؤال ۴۱۵- حجّاجى كه فعلا از ايران براى عمره مفرده مى‌روند با ماشين مسقّف مى‌روند و در بين راه براى نماز و غذا چند مرتبه سوار و پياده مى‌شوند، آيا يك كفّاره كافى است يا براى هر دفعه كه پياده و سوار مى‌شوند كفّاره لازم است؟

جواب: براى تمام مدّت احرام عمره يا تمام مدّت احرام حجّ يك كفّاره كافى است.

سؤال ۴۱۶- حجّاجى كه اوّل شب در مسجد شجره يا جحفه محرم شده و شبانه وارد مكّه مى‌شوند، آيا مى‌توانند با ماشين سرپوشيده مشرّف شوند؟

جواب: جايز است و كفّاره ندارد مگر در شبهاى سرد و بارانى كه بايد يك گوسفند كفّاره بدهند.

سؤال ۴۱۷- آيا استفاده از دست و پاى مصنوعى كه با چرمهاى دوخته شده به بدن مى‌بندند، در حال احرام كفّاره دارد؟

جواب: اشكالى ندارد و كفّاره هم ندارد.

سؤال ۴۱۸- در مناسك حضرتعالى، قطع شجر حرم، جزء محرّمات احرام ذكر نشده است، آيا اين مسأله از محرمات احرام نيست؟

استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۱۲۶

جواب: اين مسأله از محرمات احرام نيست بلكه بر همه كس قطع درخت حرم، حرام است.

سؤال ۴۱۹- آيا بلند گفتن تلبيه توسط بانوان به گونه‌اى كه مرد نامحرم بشنود جايز است؟

جواب: اشكالى ندارد.

سؤال ۴۲۰- آيا پوشاندن قسمتى از صورت براى زن نيز حكم تمام آن را دارد؟

جواب: پوشيدن بعض صورت به طورى كه به آن نقاب و برقع نگويند جايز است.

سؤال ۴۲۱- آيا احرام در كفش دوخته شده كه پشت پا را نگيرد جايز است؟

جواب: آرى جايز است، ولى بهتر است مردان در حال احرام چنين كفشى نپوشند.

۲- طواف

سؤال ۴۲۲- اگر بچّه‌هاى كوچك در حال طواف يا سعى به خواب روند يا در حال طواف نوزاد در قنداقه خود بول كند چه حكمى دارد؟

جواب: در هر دو صورت صحيح است ان شاء الله.

سؤال ۴۲۳- در موسم حج كاركنان مسجد الحرام، اشخاص پير و مريض را با سرير روى سرشان طواف مى‌دهند و نوعاً در بيرون دايره طواف كنندگان حركت مى‌كنند آيا حجّ اينها صحيح است؟

جواب: طواف آنها اشكالى ندارد زيرا در طواف رعايت محدوده معروف واجب نيست بلكه احتياط مستحب است و اتّصال به صفوف شرط نمى‌باشد.

سؤال ۴۲۴- كسى كه ختنه او به طور ناقص انجام شده و با اين حال حج به جا آورده تكليف او چيست؟

جواب: چنانچه ختنه به طور ناقص انجام شده، احتياط واجب آن است كه بعد

استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۱۲۷

از ختنه صحيح، طوافها و نماز طوافها را اعاده كند و احتياط آن است كه سعى را هم به دنبال طواف عمره و طواف حجّ اعاده كند و

اگر قادر به رفتن مکّه نیست نایب بگیرد.

جواب: نایب باید تمام طواف را انجام دهد.

سؤال ۴۲۶- نسبت به اینکه زن می‌تواند طواف را مقدّم بدارد آیا صرف شکّ در وقوع طواف در ایّام حیض کفایت می کند یا اینکه باید احتمال قوی بدهد که عادت می‌شود؟

جواب: خوف حاصل از مجرّد احتمال عقلایی کفایت می کند.

سؤال ۴۲۷- تکلیف زن مضطربه در طواف چیست؟

جواب: باید به دستور زن مضطربه در نماز عمل کند و آن چنین است: مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده است- و اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه‌اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند چنانچه بعضی نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد حیض محسوب می‌شود و اگر همه‌اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می کند (اگر عادت همه یا اکثریّت قاطع آنها یکسان باشد) و هرگاه عادت آنها مختلف باشد احتیاط آن است که عادت خود را هفت روز قرار دهد.

سؤال ۴۲۸- شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس حاصل می‌نماید از این تماس متلذّذ می گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می کند؟ تکلیف او چیست؟ آیا طواف مستحبّی با واجب فرق دارد؟

جواب: مضرّ به طواف نیست و اگر از روی لباس لمس کرده است کفاره ندارد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۸

ولی مسلّماً گناه کرده است.

سؤال ۴۲۹- حکم کسی که طوافش قطع شده یا طوافش را برای نماز واجب قطع کرده است؛ در دو صورت تجاوز از نصف طواف و قبل از تجاوز چیست؟

جواب: جایز بلکه مستحب است که طواف را برای نماز واجب در وقت فضیلت آن یا برای درک نماز جماعت قطع کند و بعد از اتمام نماز، طواف را تمام کند و بقیّه دورهای آن را انجام دهد و تجاوز از نصف معتبر نیست.

سؤال ۴۳۰- شخصی بعد از اتمام اعمال حجّ تمتّع، متوجه شده که یک غسل مسّ میّت بر او واجب بوده و غسل واجب دیگری هم انجام نداده است، آیا حجّش صحیح است؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۱۲۸

جواب: حج او صحیح است ولی احتیاط واجب آن است که طوافها (و سعی و تقصیر) را اعاده کند و اگر قادر نیست نایب بگیرد.

سؤال ۴۳۱- شخصی در عمره مفرده یا عمره تمتّع بعد از تقصیر از احرام خارج شده است و بعد از چند روز قبل از احرام دوّم متوجّه شده در طواف و نمازش طهارت نداشته، آیا باید دوباره لباس احرام بپوشد یا اعاده طواف و نماز آن با لباس معمولی جایز است؟

جواب: واجب نیست لباس احرام بپوشد و احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

سؤال ۴۳۲- آیا برای کسی که نیّت احرام حج کرده و نیّت او محقق شده است، جایز است که طواف مستحبّی انجام دهد؟

جواب: احتیاط آن است که طواف مستحبّی را ترک کند امّا اگر انجام داد ضرری برای حج او ندارد.

سؤال ۴۳۳- آیا مطاف حتماً باید در حدّ بیت و مقام ابراهیم باشد یا در حال غیر اضطرار هم می‌توان در خارج حدّ، طواف نمود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۹

جواب: مطلقاً جایز است.

سؤال ۴۳۴- با توجّه به اینکه همراه خود کیسه مخصوص بول دارم و چون با حرکت بدن بول خارج می گردد برای طواف و نماز طواف چه کنم؟

جواب: یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است

سؤال ۴۳۵- نسبت به اعمالی که زن در حال تقدیم طواف انجام می‌دهد آیا فقط طواف مقدّم می‌شود یا طواف و سعی هر دو مقدّم می‌شوند؟

جواب: همه اعمال مکّه مقدم می‌شود، یعنی طواف زیارت و نماز طواف زیارت و سعی و طواف نساء و نماز طواف نساء را قبلا انجام می‌دهد.

سؤال ۴۳۶- در مسأله نیابت در نماز طواف آیا فرقی بین کسی که می‌تواند قرائتش را به تدریج تصحیح کند بین کسی که اصلا قدرت بر تصحیح ندارد هست؟

جواب: اگر قادر بر تصحیح به تدریج هست بر او واجب است به تدریج تصحیح کند و الّا جایز است به همان مقدار که قدرت دارد نماز را بخواند و لازم نیست که نایب بگیرد و یا آن را با جماعت به جا آورد.

سؤال ۴۳۷- مختون بودن انسان در طواف شرط است بنابراین اگر انسانی را ختنه کرده باشند به طوری که ختنه‌اش ناقص است به این معنا که حشفه‌اش کاملاـ در نیامده و مقدار کمی در آمده است و در حال نعوظ کاملاـ در می آید، آیا این شخص مختون محسوب و طوافش صحیح خواهد بود؟ اگر مختون محسوب نشود و ختنه نمودن بر آن شخص بار دیگر برای طواف لازم باشد و آن شخص به علّت سن زیاد از ختنه نمودن خجالت بکشد، نسبت به طوافش چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که طواف و نماز آن را بعد از ختنه کردن اعاده کند و همچنین سعی را، و در اینگونه مسائل خجالت کشیدن معنا ندارد، می‌تواند به طور پنهانی نزد طبیب آگاهی برود و ختنه کند، ولی طلاق دادن در این حال اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۳۰

سؤال ۴۳۸- زن و شوهری به مکّه رفتند و مناسک حج را بجا آوردند، لکن چون زن شوهرش را نمی‌خواست طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورد و شوهر هم این طواف و نماز را ترک کرده و به وطن خود برگشته‌اند اکنون وظیفه آن زن از نظر محرمیّت و بودنش در خانه شوهر چیست؟

جواب: این زن و شوهر به همدیگر نامحرم هستند تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند و اگر نمی‌توانند لازم است برای طواف نایب بگیرند یعنی از کسانی که به مکّه می‌روند خواهش کنند که به نیابت آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورند.

سؤال ۴۳۹- اگر کسی طواف نساء را در حج بجا نیاورد زن بر او حرام می‌شود، آیا مقصود فقط مقاربت است و یا سایر استمتاعات نیز حرام خواهد بود و اگر اولادی به وجود آید حلال زاده است یا نه، ارث می‌برد یا نمی‌برد؟

جواب: سایر استمتاعات نیز حرام است و اگر این مسأله را عمداً هم ترک کند و فرزندی به وجود آید حلال‌زاده است و از او ارث می‌برد.

سؤال ۴۴۰- کسی که طواف نساء را انجام نداده و در این حال عقد ازدواج بسته است، آیا عقد او صحیح است؟

جواب: عقد او باطل است و چنانچه علم به حکم داشته باشد آن زن برای او حرام ابدی است.

سؤال ۴۴۱- در اثر کثرت ازدحام، مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) در موسم حج وسط طواف کنندگان قرار می گیرد، اگر کسی آنجا نماز طواف واجب بخواند مشکل و دیگران اعتراض می کنند، آیا تا آخر مسجد الحرام پشت مقام ابراهیم می‌تواند نماز

بخواند؟

جواب: مانعی ندارد عقب‌تر نماز بخواند و اگر مزاحم طواف کنندگان است نماز خواندن وسط آنها خالی از اشکال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۳۱

سؤال ۴۴۲- اگر زن تکبیرهٔ الاحرام یا قرائت را در نماز طواف بلند بگوید به طوری که نامحرم بشنود جایز است یا خیر؟ و بر فرض عدم جواز آیا اعاده لازم است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۴۴۳- در مقام ابراهیم (علیه السلام) به واسطه ازدحام ممکن نمی‌شود که در موقع نماز طواف مردها و زنها طوری بایستند که محاذی هم نباشند، یا زن جلوتر از مرد مشغول نماز نباشد، آیا در این صورت نماز آنها صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

۳- سعی

سؤال ۴۴۴- شخصی در سعی صفا و مروه بعد از چند روز، قبل از احرام دوّم متوجّه شده سعی را از مروه شروع و در صفا ختم کرده، آیا اعاده سعی لازم است؟

جواب: چنانچه به خاطر ندانستن مسأله باشد، باید سعی را از نو بجا آورد و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، بعید نیست که بجا آوردن یک دور از صفا به مروه کافی باشد ولی احتیاط آن است که هفت دور به قصد ما فی الذّمه بجا آورد.

سؤال ۴۴۵- شخصی در سعی صفا و مروه، در صفا متوجّه شد دور هشتم است، وظیفه او چیست؟ آیا غیر از این سعی صفا و مروه، سعی صفا و مروه مستحبّی نیز داریم؟

جواب: باید به زیادی اعتنا نکند و سعی او صحیح است و سعی صفا و مروه مستحب نداریم.

سؤال ۴۴۶- در اثر تعمیرات فعلی آخر کوه صفا و مروه معلوم نیست، کارکنان مسجد الحرام با گرفتن حقّ‌الزّحمه از حجّاج پیر و مریض آنها را با چرخ سعی می‌دهند و زودتر از دور حجّاج، با چرخ دور می‌زنند، تکلیف آنها چیست؟

جواب: قسمت سربالایی مفروش جزء کوه است و مسیری را که چرخها طی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۳۲

می‌کنند قطعاً روی کوه صفا و مروه است و هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۴۴۷- حکم شک در تعداد دورهای سعی چیست، آیا بنا را بر کمتر بگذارد یا بیشتر؟

جواب: اگر شک کند که این دور هفتم است یا بیشتر به شکّش اعتنا نکند. بله اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که دور هفتم است یا کمتر، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین اگر شک او به کمتر از هفت دور تعلّق بگیرد مثل این که بین یک دور و سه دور یا دو و چهار و غیر اینها شک بکند.

سؤال ۴۴۸- وظیفه کسی که سعی را از مروه آغاز کرده است چیست؟

جواب: در صورتی که شوط اوّل را اسقاط کند سپس بقیّه را تکمیل کند تا اینکه دور هفتم به مروه خاتمه پیدا کند بعید نیست که سعی او صحیح باشد.

۴- تقصیر

سؤال ۴۴۹- شخصی بعد از احرام حج در عرفات یقین کرده در عمره تقصیر نکرده است، چه کند؟

جواب: هرگاه تقصیر را فراموش کند و به سراغ اعمال حجّ برود (یعنی احرام ببندد و به عرفات برود) عمره و حجّ او صحیح است و چیزی بر او نیست ولی بهتر آن است که یک گوسفند به عنوان کفّاره ذبح کند.

واجبات حجّ تمتّع

۱- احرام حجّ تمتّع

سؤال ۴۵۰- آیا احرام بستن در حجّ تمتّع باید در مکّه قدیم باشد یا در هر کجای مکّه باشد اشکالی ندارد؟

جواب: فرق نمی‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۳۳

سؤال ۴۵۱- آیا از محلّات جدید الإحداث مکّه مثل محلّات قدیم، بستن احرام حجّ جایز است؟

جواب: مانعی ندارد ولی احتیاط واجب این است که از مناطقی که بعد از مسجد تنعیم در بیرون حرم واقع شده، احرام نبندد.

۲- رمی جمرات

سؤال ۴۵۲- رمی جمرات در طبقه فوقانی چه حکمی دارد؟

جواب: هنگام ازدحام جایز است.

سؤال ۴۵۳- آیا در رمی جمرات می‌توان به نیابت از افرادی که سالم هستند عمل رمی را انجام داد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۴۵۴- آیا خانمها برای اینکه بدنشان با نامحرم برخورد نکند می‌توانند در رمی جمرات مردان را نایب کنند؟

جواب: خود زن باید رمی کند.

سؤال ۴۵۵- برای امثال من رمی جمرات در روز مقدور نیست، آیا در شب می‌توانیم رمی جمرات کنیم و در صورت مثبت بودن، آیا همراهان من هم می‌توانند در شب رمی جمرات کنند؟

جواب: می‌توانید در شب رمی کنید امّا همراهان اگر توانایی دارند در روز رمی کنند.

سؤال ۴۵۶- آیا رمی به غیر از دست مثل رمی با دهان و پا و یا سنگ قلاب و مانند اینها جایز است؟

جواب: با غیر دست کفایت نمی‌کند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۳۴

۳- قربانی

سؤال ۴۵۷- آیا حاجی می‌تواند به جای قربانی کردن، در صورت نابود شدن گوشت آن توسط بولدوزر در قربانگاه، پول آن را برای اماکن خیریّه در نظر گیرد؟

جواب: باید در محلّ دیگری مانند شهر خودش در ذی الحجّه قربانی کند و صرف پول آن در جای دیگر کافی نیست.

سؤال ۴۵۸- در چه صورتی حاجی موظّف است در وطنش قربانی کند؟

جواب: در شرایط فعلی قربانی سه حالت دارد:

الف) در صورتی که بتواند در آنجا قربانی کند و در آنجا قربانی را به مصرف برساند این مقدّم بر هر چیز است.

ب) در صورتی که آنجا قابل مصرف نباشد امّا مسلمین بتوانند آن را بسته‌بندی کرده به خارج منی و بلد دیگر بفرستند تا مصرف نیازمندان شود. در صورت عدم امکان روش اوّل، روش دوّم واجب است.

ج) اینکه هیچ‌کدام از آن دو صورت ممکن نباشد و قربانی ضایع می‌شود و از بین می‌رود پول آن را کنار بگذارند و در ماه ذی الحجّه هنگام بازگشت قربانی کرده و در مصارف آن مصرف کنند هیچ اشکالی برای حج آنها نخواهد داشت و اگر نمی‌توانند پول قربانی را کنار بگذارند بر ذمّه بگیرند.

سؤال ۴۵۹- محل توزیع گوشت در مکّه مکرّمه حدود یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم قرار دارد با توجّه به اینکه عوامل خدماتی مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل تردد کنند، آیا به عمره تمتّع یا حجّ واجب آنها اشکالی وارد می‌شود؟ حکم مسأله در خصوص کسانی که حجّ مستحبّی یا نیابتی بجا می‌آورند چگونه است؟

جواب: بعد از انجام عمره تمتّع می‌تواند به اینگونه مناطق رفت و آمد کند و در عمره مفرده هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده است خارج

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۵

شود و بازگردد تکرار عمره لازم نیست امّا اگر در ماه بعد برگردد باید از همان مسجد تنعیم محرم شود و عمره بجای آورد.

سؤال ۴۶۰- در منی فقیر نیست به مجرّد ذبح قربانی مأمورین گوشت قربانی را از بین می‌برند یا تلف می‌شود آیا لازم است قبل از سفر از یک نفر فقیر وکالت بگیریم و

بعد از ذبح از سهم او مثل سهم خودمان اعراض کنیم یا لازم نیست؟

جواب: در این صورت قربانی کردن در آنجا، چه با اخذ وکالت و چه بدون وکالت، اشکال دارد و باید به روشی که در مسائل قبل گفته شد عمل شود.

سؤال ۴۶۱- دولت سعودی چندین محلّ ذبح، در خارج از منی تعیین کرده، وظیفه حجّاج را بیان فرمایید؟

جواب: غالب قربانگاههای امروز خارج منی است ولی ذبح در آنها در شرایط فعلی اشکالی ندارد.

سؤال ۴۶۲- اگر کسی به قصد ما فی الذّمه در ماه ذی الحجّه در وطن خود قربانی کند آیا پوست و روده آن باید تماماً به فقیر داده شود یا ممکن است یک سوّم آن به فقیر داده شود و دو سوّم دیگر به عنوان سهم دوستان و خودش صرف شود و اگر خلاف عمل شده باشد آیا قیمت روز کشتن گوسفند را بدهکار است یا موقع ادای دین؟

جواب: می‌تواند آن را به عنوان سهم خود صرف کند یا به دوستان یا فقرا بدهد ولی دادن به قصّاب به عنوان عوض کاری که انجام داده مشکل است و احتیاط مستحب آن است که اگر خودش از آن استفاده کرد قیمت آن را صدقه بدهد و ملاک قیمت همان روز ذبح است.

۴- بیتوته در منی

سؤال ۴۶۳- افراد پیر و دارای عذر را بعد از نیمه شب دوازدهم از منی به جمرات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۶

آورده، اعمال فردا را انجام می‌دهند و سپس به مکّه برده شده و اعمال بعدی را همان شب انجام می‌دهند و غیر دارای عذر نیز چنین کرده‌اند جز انجام رمی جمرات که فردا برای انجام آن بازگشته‌اند، آیا اعمال آنها درست است؟

جواب: انجام دادن اعمال مکّه (طوافین و سعی) برای غیر دارای عذر در شب دوازدهم بلکه در شب یازدهم بعد از نیمه شب نیز جایز است.

سؤال ۴۶۴- آیا حجّاج می‌توانند شب دوازدهم، بعد از نیمه شب شرعی به مکّه بیایند و عصر روز دوازدهم فقط برای رمی جمرات به منی برگردند و عمل خویش را انجام دهند؟

جواب: برای بیتوته در منی کافی است نیمه اوّل یا نیمه دوّم شب را بمانند.

سؤال ۴۶۵- آیا زنها می‌توانند شب دوازدهم رمی جمرات نمایند و همان شب به مکّه بروند و دیگر به منی برنگردند یا باید مانند مردان تا ظهر در منی بمانند؟

جواب: باید مانند مردان تا ظهر در منی بمانند مگر اینکه از ماندن معذور باشند.

سؤال ۴۶۶- شب عید کارکنان کاروانها بعد از نصف شب با خانمها به منی می‌روند و دوباره به مشعر بازنمی‌گردند، آیا کفّاره دارد و حجّشان صحیح است؟

جواب: چنانچه برای راهنمایی و اداره وضع آنها لازم است با آنها بروند مانعی ندارد و کفّاره هم لازم نیست.

سؤال ۴۶۷- در اثر کثرت حجّاج چادرهای بعضی از حجّاج را خارج از منی نصب می‌کنند تکلیف چیست؟

جواب: در مقام ضرورت اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۴۶۸- در شب عید بعد از نیمه شب زنان را به منی می‌برند، آیا مردی که با زنش در آن گروه است می‌تواند با زنش به منی برود؟

جواب: اگر ضرورتی داشته باشد که همراه همسرش باشد جایز است و الّا جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۷

سؤال ۴۶۹- کسی که نیمه اوّل شب را در خارج از منی بیتوته کرده است، آیا جایز است که به مسجد الحرام برود و نیمه دوّم شب را آنجا بیتوته کند بدون اینکه به منی جهت بیتوته برگردد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که برای بیتوته نیمه دوّم شب به منی برگردد.

سؤال ۴۷۰- آیا تلاوت قرآن یا دعا و یا نماز در مسجد الحرام یا نگاه کردن به کعبه از عبادات محسوب می‌شود که حاجی هنگام بیتوته در مسجد الحرام باید انجام دهد یا این که حتماً در هنگام بیتوته باید طواف کند؟

جواب: همه موارد ذکر شده عبادت محسوب می‌شود و کفایت می‌کند.

احکام مصدود و محصور

سؤال ۴۷۱- وظیفه کسی که به خاطر بیماری و مانند آن قادر به انجام اعمال منی یا طواف و سعی و اعمال مکّه نیست چه می‌باشد؟

جواب: این شخص در حکم محصور است ولی اگر می‌تواند نایب بگیرد این کار از اعاده حج کفایت می‌کند و لازم نیست در سال آینده حج را مجدداً بجاآورد.

سؤال ۴۷۲- حکم کسی که حجّش را فاسد کرده سپس مصدود و یا محصور شده است چیست؟

جواب: واجب است که اعمال مصدود و محصور را انجام دهد و سپس در سال آینده حج بجا آورد.

سؤال ۴۷۳- وظیفه کسی که محصور شده و قربانی خود را به منی فرستاده، سپس مرض او خفیف شده است چیست؟

جواب: بر او واجب است که ملحق به بقیّه حجّاج شود و تمام اعمال را انجام دهد و هدی خود را قربانی کند. در این صورت حج او صحیح است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۸

سؤال ۴۷۴- کسی که همراه خود قربانی آورده و سپس محصور یا مصدود شده است، آیا قربانی کردن همین هدی که همراه دارد

كفايت مى كند يا علاوه بر اين، قربانى ديگر نيز بر او واجب است؟
جواب: قربانى ديگرى بر او واجب نيست.
سؤال ۴۷۵- اگر مانع ديگرى غير از حصر و صدّ- مثل اينكه پايش بشكند يا وسيله نقليّه‌اش خراب شود يا راه را گم كند- پيش آيد، آيا احكام محصور و مصدود را دارد؟
جواب: نسبت به كسى كه پاى او شكسته است احكام محصور و نسبت به موانع ديگر مثل خراب شدن وسيله نقليّه يا مانع ديگر احكام مصدود جارى مى‌شود.
سؤال ۴۷۶- كسى كه دعاى شرط را كه قبل از نيّت احرام مستحب است بخواند در صورتى كه محصور يا مصدود شود احكام مصدود و محصور بر او جارى مى‌شود يا اينكه به مجرّد صدّ و حصر و بدون هدى از احرام خارج مى‌شود؟
جواب: احوط، بلكه اقوى اين است كه قربانى بر او واجب است.

متفرّقات حج

سؤال ۴۷۷- اگر بعضى از ورّاث بدون پرداختن سهم ورّاث ديگر (يعنى با تصاحب كلّ ارث) به حج بروند حكم حجّشان چگونه است و صله رحم با آنها چه حكمى دارد؟
جواب: هرگاه سهم ارث بعضى از ورّاث پرداخته نشود و به صورت مشاع در اموال بقيّه بماند تصرّف در آن حرام است و اگر با همان پول حج بروند و لباس احرام و قربانى را از آن تهيّه كنند حج آنها نيز اشكال دارد و تا سهم ارث بقيّه را نپردازند آن مال حكم مال غصبى را دارد و اگر صله رحم با اين اشخاص سبب
استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۱۳۹
جرأت و جسارت آنها بر حرام شود جايز نيست و اگر ترك صله رحم باعث نهى از منكر شود واجب است و اگر صله رحم و ترك آن تأثيرى در نهى از منكر نداشته باشد نبايد صله رحم را ترك نمود.
سؤال ۴۷۸- در موسم حج مردم به امام جماعت اهل سنّت اقتدا مى كنند، آيا در وسعت وقت اعاده لازم است؟
جواب: نماز آنها صحيح است و اعاده لازم نيست.
سؤال ۴۷۹- آيا مسافر در محلّات قديم و جديد الإحداث مكّه و مدينه مثل مسجد النّبى و مسجد الحرام بين قصر و تمام مخيّر است و يا بايد قصر بخواند؟
جواب: مسافران مخيّرند در مكّه و مدينه نماز خود را در مسجد الحرام و مسجد النّبى بلكه در تمام شهر مكّه و مدينه تمام يا قصر بخوانند و نماز تمام افضل است و فرقى ميان مكّه و مدينه قديم و امروز نيست.
سؤال ۴۸۰- حجّاجى كه در مكّه قصد اقامه كرده‌اند آيا در عرفات و مشعر و منى هم مى‌توانند نمازشان را تمام بخوانند؟
جواب: در شرايط فعلى كه فاصله مكّه از عرفات به مقدار مسافت شرعيّه نيست نمازشان تمام است.
سؤال ۴۸۱- بعضى از اشخاص كه از اوّل عمرشان حساب و كتابى نسبت به خمس محمّد و آل محمّد (عليهم السلام) ندارند و با همين وضع به حجّ تمتّع و عمره مفرده مى‌روند، حج اينها چه حكمى دارد؟
جواب: در صورتى كه پول قربانى و احرام آنها از آن نباشد صحيح است و الّا اشكال دارد و در هر حال گناه كرده است.
سؤال ۴۸۲- شخصى مستطيع نبوده ولى چند سال قبل در مرض موتش چند نفر او را مجبور مى‌كنند در وصيّت به پرداخت پنج هزار پول افغانى به عنوان حجّ ميقاتى، آيا اين وصيّت صحيح است و اگر صحيح است از آنجا كه آن مبلغ براى
استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۱۴۰

حجّ میقاتی کافی نیست تکلیف چیست؟

جواب: اگر واقعاً وصیّت از روی اجبار بوده، نافذ نیست و اگر بعد از اصرار افراد او راضی به وصیّت شده و وجه مزبور برای حجّ میقاتی کفایت نکند، باید آن وجه را در کارهای خیر مصرف کنند.

سؤال ۴۸۳- آیا خریدوفروش فیش حج جایز است؟

جواب: هرگاه خودش مستطیع نباشد یا حجّ واجب را انجام داده است و این کار مخالف مقرّرات حکومت اسلامی نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۴۸۴- سال گذشته یکی از دوستان در مراسم حجّ دو قطعه سنگ از کوه حرا به من هدیه کرد و بنده هم سنگها را در محلّ مناسبی قرار دادم و هر چند روز یک بار به عنوان تبرّک آن سنگها را می‌بوسم و زیارت می‌کنم، آیا این عمل بنده کفر و شرک نمی‌باشد؟

جواب: این کار ذاتاً حرام نیست امّا تکرار آن ممکن است منشأ برداشتهای سوء یا بدعت شود، بنابراین از این کار خودداری کنید.

سؤال ۴۸۵- چندین سال قبل شوهرم برای حج مرا نام‌نویسی کرد و هم اکنون که نوبتم رسیده، شوهرم فوت کرده است، نمی‌دانم آیا خمس مبلغ ثبت نامی را داده یا نه، تکلیف چیست؟

جواب: اگر شک دارید، بگویید ان شاء الله داده است.

سؤال ۴۸۶- زنی که اعمال عمره تمتّع خود را به جهت عادت شدن انجام نداده است صبح روز نهم در عرفات پاک می‌شود ولی آمدن به مکّه جهت انجام اعمال عمره تمتّع به دلیل ازدحام در مسیر و یا نداشتن همراه امکان ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حجّ او تبدیل به افراد شده است و باید ادامه دهد و بعد از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۴۱

سؤال ۴۸۷- خانمی که وظیفه‌اش حجّ افراد است، عمره مفرده را تا چه وقتی بدون عذر می‌تواند تأخیر بیندازد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که بلافاصله بعد از حجّ بجا آورد و اگر ناچار به تأخیر شد، قبل از پایان ذی الحجّه بجا آورد.

سؤال ۴۸۸- وظیفه زنی که در عمره در حال احرام یا قبل از احرام یا بعد از آن حائض شده است، چیست؟

جواب: احرام این زن در هر حال صحیح است، لکن صبر می‌کند تا پاک شود سپس طواف و نماز طواف را بجا می‌آورد و بعد بقیه اعمال عمره را انجام می‌دهد.

سؤال ۴۸۹- آیا حجّاج کفّارات عمره و حجّ تمتّع را می‌توانند بعد از مراجعت در شهرهای خودشان پرداخت نمایند؟

جواب: مانعی ندارد ولی تمام آن را به نیازمندان بدهند.

سؤال ۴۹۰- وظیفه ما در مراسم حج زمانی که قاضی اهل سنّت حکم به رؤیت هلال می‌کند چیست در صورتی که در نظر شیعه یا رؤیت هلال مشکوک است یا اینکه خلاف آن ثابت است؟

جواب: باید با سایر مسلمانان هماهنگی کنید و حج شما صحیح است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۴۳

فصل پانزدهم: احکام قضا

سؤال ۴۹۱- آیا عهده‌دار شدن منصب قضا برای غیر مجتهد در صورت فقدان مجتهد جامع الشرایط در آن محل جایز است؟

جواب: در صورتی که مجتهد جامع الشرایط در آن شهر نباشد باید از اهل علم که به مسائل قضایی و حقوقی آشنا هستند- و لو از راه تقلید- استفاده شود.

سؤال ۴۹۲- آیا قاضی می‌تواند حکم قاضی دیگر را باطل کند؟ و در صورت عدم جواز، چه راه حلّی برای نقض حکم یک قاضی توسط دیوان عالی کشور وجود دارد؟

جواب: تنها راهی که از طریق عناوین اوّلیه می‌توان برای تجدید نظر در پرونده‌ها پیدا کرد این است که به قضات مرحله اوّل در مسائل مهمّه (مانند دِما و اموال مهمّه و) ... دستور داده شود که در مرحله اوّل انشای حکم نکنند بلکه نظر مشورتی خود را ثبت نمایند یا به تعبیر دیگر انشای حکم در اینگونه مسائل از حوزه اجازه قضای آنها خارج است و به این ترتیب راه برای تجدید نظر بازخواهد بود و حاکم دوّم می‌تواند تمام کارهای قضایی را روی پرونده انجام دهد، در ضمن از نظر مشورتی قاضی اوّل نیز استفاده کند. البتّه این در صورتی است که ارباب دعوا تقاضای تجدید نظر بکنند و اگر تقاضای تجدید نظر نکنند قاضی اوّل می‌تواند انشای حکم کند (یعنی در این صورت مجاز به انشای حکم است).

سؤال ۴۹۳- احکامی که قضات محترم جمهوری اسلامی بر اساس علم صادر می‌کنند آیا در آثار و احکام چون آرای صادره بر اساس اقرار است یا ملحق به آرای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۴

صادره بر اساس بیّنه است و یا راه سوّمی است که ملحق به هیچ‌کدام نخواهد بود؟

جواب: در هر موردی باید تابع دلیل آن مورد بود مثلا در مسأله فرار از حفیره ادلّه شامل علم قاضی نمی‌شود و حدّ ساقط نمی‌گردد.

سؤال ۴۹۴- در شرایط کنونی جمهوری اسلامی که اکثر قضات محترم مأذون و منصوب هستند و حتّی با اجتهاد مطلق هم باید نصب شوند و طبعاً احکام برخی از قضات استحکام لازم را نداشته یا ضعفهایی خواهد داشت، اگر تمام احکام قابل تجدید نظر باشد اطاله دادرسی چند برابر شده و حقوق مردم ضایع می‌شود و اگر منحصر به همان سه مورد معروف باشد- که تجربه نشان داده در طول بیش از یک دهه حکومت اسلامی حتّی موارد انگشت شمار هم از آن موارد سه‌گانه رخ نداده و بقیّه قطعی باشد، بیشتر حقوق ضایع می‌شود بخصوص در دما و اموال مثل (احکام اعدام و مصادره اموال). به نظر می‌رسد قابل تجدید نظر دانستن احکام این قضات در بخشی از احکام با محدود کردن حوزه اجازه و نصب، بلااشکال باشد. مقصود از تجدید نظر یعنی پس از حکم کردن قاضی، مجدداً قاضی دیگری پرونده را به شکل ماهوی بررسی کند اگر به همان نظر رسید تأیید وگرنه نقض کند و خود حکم کند؟

جواب: در اینگونه موارد می‌توانند مطابق آنچه در جواب سؤال ۴۹۲ آمد عمل نمایند.

سؤال ۴۹۵- هرگاه کسی دیگری را بکشد و بعداً مدّعی شود که او را به این علّت کشتم که سبّ خدا و پیامبر یا ائمّه (علیهم السلام) کرده بود، آیا این ادّعا بدون دلیل و بیّنه پذیرفته می‌شود؟

جواب: نافذ و معتبر نیست و اگر اثبات نکند محکوم به قصاص خواهد شد.

سؤال ۴۹۶- با توجّه به مطالبی که در ذیل می‌آید آیا قاضی در زمان فعلی می‌تواند به اسناد رسمی اعتماد نموده و آنها را مستند حکم خود قرار دهد:

الف) اوضاع و احوال و اماراتی وجود دارد که عرفاً باعث اعتماد به تنظیم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۵

کنندگان این اسناد و نیز باعث اعتماد به اسناد رسمی می‌شود مانند وجود مجازاتهای حقوقی و کیفری برای سردفتران متخلّف، وجود بازرسان دائمی که دفاتر اسناد رسمی را بازرسی می‌نمایند و از طرفی سردفتران برای اعتماد نمودن مراجعین به آنها دقّت زیادی در کار خود به خرج می‌دهند.

ب) قسمت اعظم روابط حقوقی و اقتصادی مردم و مسائل قضایی بر مبنای اسناد رسمی قرار گرفته به طوری که بدون وجود این

اسناد (مانند شناسنامه، سند ازدواج، اسناد مالکیت زمین، خانه، اتومبیل و امثال آن) این قسم از نظام معیشتی جامعه مختل می گردد.

جواب: امضای کتبی، حکم انشای لفظی را دارد؛ بنابراین اسناد معتبر فعلی حجّت است و ما در آخر جلد دوّم تعلیقه عروة الوثقی دلایل کافی برای این مسأله نوشته‌ایم.

سؤال ۴۹۷- نظر خودتان را در مورد مرور زمان حقوقی (گذشت مدّتی که پس از آن دعوا دیگر در محکمه شنیده نمی‌شود) و مرور زمان کیفری (گذشت مدّتی که پس از آن دیگر مجرم مورد تعقیب قرار نمی گیرد یا اگر مورد تعقیب قرار گرفته دیگر تعقیب ادامه نمی‌یابد یا اگر حکم قطعی صادر شده دیگر حکم اجرا نمی‌شود) بیان فرمایید؟

جواب: ظاهراً در قوانین فقهی اسلام اصلی به نام مرور زمان نداریم، تنها چیزی که در اینجا وجود دارد این است که گاه مرور زمان دلیل قطعی یا حجّت شرعی بر اعراض صاحب حق و ابرای او می‌شود و گاه ممکن است عناوین ثانویّه مانع از رسیدگی به اینگونه جرایم یا حقوق گردد امّا در غیر این دو صورت ظاهراً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۶

مسأله‌ای به نام مرور زمان وجود ندارد.

سؤال ۴۹۸- گاهی، مواردی از ارتباط نامشروع دختر و پسر گزارش می‌شود امّا پس از تشکیل پرونده، طرفین منکر هرگونه رابطه‌ای هستند، یا به رابطه و تماس بدنی اعتراف می کنند لیکن نسبت به مقاربت منکر می‌باشند، در این صورت قاضی، دختر را جهت روشن شدن موضوع به پزشک قانونی می‌فرستد و دکتر وی را قُبلا و دُبُراً مورد معاینه قرار می‌دهد. سؤال این است که:

الف) آیا لازم است دختر به پزشک (مرد یا زن) جهت معاینه معرفی شود یا نه؟ چنانچه خانواده دختر ابراز نگرانی و درخواست معاینه نمایند چطور؟

ب) آیا نظر پزشک می‌تواند در حکم تأثیر نماید؟ چنانچه پزشک قانونی گزارش نماید که جسم سختی با قُبل یا دُبر دختر برخورد کرده و صریحاً مشخص نگردد چطور؟

جواب: الف) قاضی مأمور به فحص در اینگونه از مسائل نیست و معاینه کردن جایز نمی‌باشد مگر اینکه ضرورتی ایجاب کند.

ب) نظر پزشک قانونی به تنهایی در فرض بالا کافی نیست.

سؤال ۴۹۹- آیا دادن رشوه برای استخدام در یک مؤسّسه در صورتی که بدون پرداخت آن استخدام امکان‌پذیر نباشد جایز است؟

جواب: چنانچه با دادن پول، باطلی را حق و حقّی را باطل نکند و حقّ کسی یا نوبت کسی را ضایع نکند اشکال ندارد و رشوه محسوب نمی‌شود ولی برای گیرنده اگر انجام این کار جزء وظایفش باشد حرام است.

سؤال ۵۰۰- در هنگام بازی، بچّه غیر مکلّفی جنایتی بر هم‌بازی خود وارد می کند (ضربتی به چشم وی می‌زند) اولیای طفل به معالجه وی پرداخته و به امید آن‌که بهبود پیدا می کند از اقامه دعوا شکایت خودداری می کنند. پس از چند سال و پس از بهبود مبادرت به شکایت می کنند. اینک که جانی مکلّف و کبیر شده، چنانچه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۷

بیّنه‌ای نباشد و متّهم منکر قضیّه باشد چگونه باید فصل خصومت کرد؟

جواب: در فرض عدم بیّنه منکر قسم یاد می کند، احتیاط آن است که ولیّ او نیز قسم یاد کند.

سؤال ۵۰۱- نظر مبارک را در خصوص قضات مأذون بیان فرمایید؟

جواب: آنها که مجتهد عادلند قضاوت آنها قطعی است و غیر مجتهد مسأله‌دان، در صورت عدم دسترسی به مجتهد جامع الشرایط نیز قضاوت او مقبول است.

سؤال ۵۰۲- آیا متّهم نمودن فردی بدون تفهیم اتّهام و عدم احضار وی به دادگاه و عدم اجازه دفاع، و بازداشت با جرم نامعلوم به

مدّت ۲/۵ سال و نبودن مدرک اتّهام در پرونده، می‌تواند شرعی و اسلامی باشد؟

جواب: لازم است طبق مقرّرات شرع گناه متّهم به او تفهیم شود و اجازه دفاع را به او بدهند و سپس بر طبق موازین عدل اسلامی و طبق آنچه در احکام مقدّس فقهی آمده است داوری شود.

سؤال ۵۰۳- در دعوای بر میّت که علاوه بر بیّنه، قسم هم لازم می‌باشد، آیا تنها اختصاص به دیون دارد و یا شامل هر ادّعایی می‌شود مثل اینکه کسی بگوید که فلان زمین میّت از من بوده یا فلان زمین یا فلان چشمه و فلان جوی آب را با هم شریک بودیم؟

جواب: این حکم اختصاص به دیون دارد.

سؤال ۵۰۴- شخصی عازم سفر ایران بوده، فرد دیگری قبل از ورود به مرز از او می‌خواهد که در این سفر با هم باشند، در گمرک خسروی هنگام بازدید اسبابهای او معلوم شد مقدار زیادی اشیای ممنوع الورود همراه دارد که تمامی آنها را اداره گمرک مصادره کرد و شخص اوّل فقط تعدادی سمباده ایتالیایی همراه داشت و مأمور گمرک به گمان آن‌که سمباده‌ها هم راجع به شخص دوّم است آن را هم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۸

مصادره کرد و توسّلات و التماسات شخص اوّل نتیجه‌ای نداد لاجرم شخص اوّل معادل قیمت سمباده‌ها را از شخص دوّم که به او بدهکار بود از بابت قیمت سمباده‌ها تقاص کرد، آیا این کار اشکال دارد؟

جواب: اگر صاحب اموال قاچاق سبب شده است که اموال غیر قاچاق مربوط به شخص اوّل نیز از بین برود ضامن است و می‌توان تقاص کرد.

سؤال ۵۰۵- شخصی فوت کرده و دارای چند وارث صغیر است، خواهر این میّت ادعا می‌کند که فلان زمین میّت ملک من است ولی ورثه میّت سندی مبنی بر اینکه خواهر، آن زمین را به برادرش هبه کرده است ارائه می‌دهند ولی خواهر این هبه‌نامه را نمی‌پذیرد و حاضر به قسم خوردن شده است، آیا از جانب صغیر طرف مقابل را می‌توان قسم داد؟

جواب: آنها باید نزد حاکم شرع بروند و مدارک خود را ارائه دهند اگر قسم لازم بشود ولیّ صغیر می‌تواند برای دفاع از حق آنها قسم بخورد.

سؤال ۵۰۶- آیا تعدّد قضات با موازین اسلامی مطابقت دارد؟

جواب: در قاضی تحکیم، تعدّد قضات ممکن است ولی در قاضی منصوب حکم نهایی به وسیله یک نفر صادر می‌شود ولی مانعی ندارد قاضی با قضات دیگر مشورت کند بلکه مستحب است.

سؤال ۵۰۷- در صورتی که بین چند قاضی رسیدگی‌کننده به یک پرونده اختلاف حاصل شود، آیا رأی قاضی که اعلم است در اولویّت می‌باشد؟

جواب: در یک پرونده باید یک قاضی دخالت کند هرچند می‌تواند با دیگران مشورت کند.

سؤال ۵۰۸- اگر در بین چند قاضی که به یک پرونده رسیدگی می‌کنند یک نفر مجتهد باشد، آیا ایشان در انشای رأی با دیگران تفاوتی دارد؟

جواب: قاضی مجتهد مقدّم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۹

سؤال ۵۰۹- آیا در فقه اسلامی نظام تعدّد قاضی در محکمه وجود دارد و مورد تأیید قرار گرفته است؟ در صورت مثبت بودن شیوه دادرسی و صدور رأی به چه طریق است؟ رأی اکثریت ملاک است یا رأی مجتهد اعلم ملاک است؟

جواب: هر گاه قضات با هم اتّفاق نظر داشته باشند مانعی ندارد ولی در صورت اختلاف نظر باید یک نفر در قضیّه دخالت کرده و حکم صادر نماید.

سؤال ۵۱۰- علم قاضی که از اقاریر متّهم و کیفیّت اظهارات متخاصمین و محتویات پرونده و امارات و قراین موجود در آن حاصل می‌شود، آیا حجّت شرعی است و قاضی می‌تواند استناداً به چنین علمی حکم حدود و قصاص و سایر حقوق شرعی را صادر نماید؟

جواب: هر گاه علم قاضی از مبادی حسّیّه یا قریب به حسّ حاصل شود حجّت است.

سؤال ۵۱۱- بین عمرو و زید درباره ملکی نزاع شده است و هرکدام مدّعی است که آقای خالد آن ملک را به او داده است. هر دو شاهد دارند امّا زید علاوه بر شاهد نوشته‌ای هم دارد ولی عمرو نوشته خود را گم کرده است و شاهدان عمرو می‌گویند که خالد چندین سال قبل از تاریخ نوشته زید، ملک را به عمرو داده و ما شاهد هستیم لطفاً بفرمایید شهادت کدام یک از این دو مقدّم است؟

جواب: اگر ملک در دست یکی از آن دو می‌باشد بیّنه و شاهد او مقدّم است و اگر ملک در دست هر دو می‌باشد یا در دست هیچ کدام نیست باید تقسیم کنند.

سؤال ۵۱۲- اگر به خاطر نزاع و اختلاف، کسی بر شاهدی جرح نماید مثلا بگوید که فلان شاهد با من نزاع داشته بنابراین علیه من شهادت می‌دهد، آیا این جرح نافذ است؟

جواب: اگر بتواند عدم وثاقت او را ثابت کند جرح او پذیرفته است وگرنه مجرد ادّعا پذیرفته نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۱

فصل شانزدهم: احکام خریدوفروش

معاملات باطل و بخشی از کارهای حرام

۱- خریدوفروش میته

سؤال ۵۱۳- آیا جایز است ماهی‌های حرام را به کفّار بفروشند و پول حاصل آن را مصرف کنند یا به حکومت اسلامی بدهند؟

جواب: فروختن به کسانی که آن را حلال می‌دانند جایز است و همچنین بیع میته و غذای نجس و بعضی از حیوانات غیر مأکول، ولی فروختن شراب و مانند آن جایز نیست.

۲- موسیقی

سؤال ۵۱۴- حکم موسیقی سنّتی و غیر سنّتی چیست؟

جواب: آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام است و غیر آن اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۵- طبل زدن در مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) چه حکمی دارد؟

جواب: تعظیم شعائر حسینی از افضل قربات است و از هر وسیله معقول می‌توان استفاده کرد، استفاده از طبل اگر با آهنگهای مناسب مجالس فساد نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۶- استفاده از طبل و سنج در مراسم عزاداری و غیر آن چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۲

جواب: استفاده از طبل و سنج در این مراسم آن چنان که معمول است و آهنگ لهوی در آن نیست اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۷- بعضی از موسیقی‌های تلویزیون همان موسیقی غربی است که تنها آوازش برداشته شده است پخش و گوش دادن به آن چه صورت دارد؟

جواب: اگر در محیط ما نیز جزء موسیقی مناسب مجالس لهو و فساد حساب شود حرام است.

سؤال ۵۱۸- بعضی از اهل خبره می‌گویند: برخی از موسیقی‌های رادیو و تلویزیون، موسیقی رقص است. خریدوفروش نوار آنها و استماع آن چه صورت دارد؟

جواب: در صورتی که این امر ثابت شود، جایز نیست.

سؤال ۵۱۹- چه نوع موسیقی حرام است؟

جواب: موسیقی‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام می‌باشد و غیر آنها حلال است و تشخیص آن با مراجعه به عرف عام امکان‌پذیر است.

سؤال ۵۲۰- آیا هر نوع موسیقی حرام است؟ حکم آن در موارد مشکوک چیست؟

جواب: کلّیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن جایز است و در مصادیق مشکوک اصل برائت است و احتیاط مستحب اجتناب است.

سؤال ۵۲۱- نی زدن اگر موجب فساد نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از قبیل آهنگهایی باشد که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام است.

سؤال ۵۲۲- خواندن سرود توسط زنان به صورت دسته جمعی همراه با مردان اگر موجب مفسده نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۵۳

سؤال ۵۲۳- بنابر قول بعضی از فقها غنا در مجالس عروسی استثنا شده است، نظر مبارک حضرت عالی چیست؟

جواب: فرقی میان مجالس عروسی و غیر عروسی (بنابر احتیاط) نیست.

سؤال ۵۲۴- چه نوع آلات موسیقی حرام است، آیا آهنگهایی که همراه با رژه نظامی نواخته می‌شود حرام است؟

جواب: منظور آلاتی است که غالباً از آن برای حرام استفاده می‌شود، امّا آهنگهای رژه نظامی حرام نیست.

سؤال ۵۲۵- حکم شرعی وسایل موسیقی از قبیل سه تار و سنتور و ... که در مجالس لهو و لعب مانند مجالس عروسی از آنها استفاده نمی‌شود چیست؟

جواب: ساختن و خریدوفروش هرگونه وسیله‌ای که غالباً برای حرام از آن استفاده می‌شود حرام است و اگر وسیله مشترک باشد جایز است.

سؤال ۵۲۶- گوش دادن به آواز زن نامحرم برای مرد در صورتی که اشعار مذهبی بخواند و موجب مفسده هم نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۵۲۷- اساساً چه ملاکی برای تشخیص غنای حرام از حلال وجود دارد؟ حکم شنیدن موسیقی و ترانه چیست؟ و آیا بین موسیقی نوین و سنّتی یا بین موسیقی فرح‌انگیز و حزن‌انگیز از نظر شرعی تفاوتی وجود دارد؟

جواب: همان‌گونه که در مسائل سابق اشاره شد، موسیقیهای مناسب مجالس لهو و فساد حرام است و غیر آن حلال است و تفاوتی میان موسیقی سنّتی و نوین و یا فرح‌انگیز و غیر آن نیست.

سؤال ۵۲۸- دایره زدن در مجالس عروسی و غیر عروسی چه حکمی دارد؟

جواب: حکم دایره زدن حکم سایر آلات موسیقی است و فرقی میان مجالس عروسی و غیر آن نمی‌باشد (بنابر احتیاط واجب).
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۴
سؤال ۵۲۹- آواز خواندن زن برای زنان و برای شوهرش چه به صورت غنا و چه بدون غنا چه حکمی دارد؟
جواب: برای شوهرش و برای سایر زنان بدون غنا و بدون آهنگهای مناسب لهو و فساد اشکال ندارد.
سؤال ۵۳۰- قرآن خواندن زن در حضور مردان غریبه چه حکمی دارد و آیا می‌تواند بدون حالت غنا اشعاری را به صورت تک‌خوانی برای مردان بخواند؟
جواب: اگر با آهنگ بخواند اشکال دارد.
سؤال ۵۳۱- زنان در کشمیر در مراسم ازدواج برای استقبال داماد و عروس در خیابانها و در جمع نامحرمان ترانه‌های محلّی می‌خوانند، این عمل چه حکمی دارد و آیا شرکت در این مراسم شرعاً اشکال دارد؟
جواب: خواندن این ترانه‌ها جایز نیست و شرکت در اینگونه مجالس اشکال دارد.
سؤال ۵۳۲- آیا تلاوت قرآن به صورت سرود و همراه با آهنگ جایز است؟
جواب: جایز نیست.
سؤال ۵۳۳- گوش دادن به موسیقی تند در نوارهای جدید که از طرف ارشاد تکثیر می‌شود چه حکمی دارد؟
جواب: همان‌گونه که گفته شد کلّیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود و فرقی میان نوارهایی که از طرف ارشاد پخش می‌شود و غیر آن نمی‌باشد.

۳- رقص

سؤال ۵۳۴- رقص زن در مجلس زنان چه حکمی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۵
جواب: رقص زن جز برای همسر خود جایز نیست.
سؤال ۵۳۵- آیا رقص در مجالس عروسی جایز است؟
جواب: رقص منشأ فساد است و اشکال دارد خواه رقص زن برای زن یا مرد برای مرد و یا زنان برای مردان باشد ولی رقص زن برای همسرش اشکال ندارد.
سؤال ۵۳۶- آیا نگاه کردن به رقص جایز است؟
جواب: نظر کردن به رقص حکم خود آن را دارد.
سؤال ۵۳۷- آیا جایز است زن در میان زنان برقصد و اگر جایز نیست حکم نشستن زنان در تالارها و یا در چنین مجالسی چگونه است؟
جواب: همان‌گونه که گفته شد تنها رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیّه اشکال دارد و رقصیدن زن در بین زنها و یا مرد در بین مردها جایز نیست و در مجالس معصیت نباید شرکت کنید.

۴- دست زدن

سؤال ۵۳۸- دست زدن همراه با مدّاحی در مجالس شادی ائمّه معصومین (علیهم السلام) و روزهای تولّد آنها از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: دست زدن اگر با امور حرام دیگری مقرون نباشد حرام نیست، ولی در مساجد و حسینیّه‌ها از آن پرهیز کنید.

سؤال ۵۳۹- در تهران و بعضی از شهرهای دیگر، برخی از گویندگان و مدّاحها در تولد ائمّه اطهار (علیهم السلام) مردم را به کف زدن تشویق می‌نمایند. لطفاً مرقوم فرمایید اصلا کف زدن جایز است؟

جواب: کف زدنهای معمولی حرام نیست ولی رعایت احترام مساجد و حسینیّه‌ها لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۶

۵- قمار

سؤال ۵۴۰- چه نوع بازیهایی قمار محسوب می‌شود؟ اخیرا در این مناطق بازیهایی به نام «رُمینو» که مشکوک به نظر می‌رسد رواج یافته، آیا می‌توان بازی فوق را انجام داد؟

جواب: آنچه در میان مردم به عنوان قمار شناخته می‌شود حرام است و موارد مشکوک اشکالی ندارد به شرط اینکه پول یا چیز دیگری برد و باخت نکنند.

سؤال ۵۴۱- آیا بازی با پاسور بدون برد و باخت جایز است؟

جواب: اگر پاسور در عرف عام از آلت قمار خارج شده و صرفاً به عنوان یک سرگرمی استفاده می‌شود بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکال ندارد.

سؤال ۵۴۲- مؤسّسه‌هایی در کشور اتریش با عنوان بدون درد سر صاحب ۳۰۰۰۰ دلار شوید فرمهایی را به ترتیب زیر در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند:

الف) متقاضی مثلا زید فرم را از شخص نامبرده در ردیف پنجم به مبلغ ۳۰ دلار می‌خرد.

ب) سپس ۳۰ دلار چک تضمینی به نام شخص ردیف اوّل و ۳۰ دلار چک تضمینی به نام مؤسّسه به همراه فرم خریداری شده که در آن نام و مشخصات خود را درج نموده است برای آن مؤسّسه می‌فرستد (یعنی در مجموع ۹۰ دلار می‌پردازد).

ج) پس از مدتی چهار عدد فرم که در آن نام ردیف اوّل حذف گردیده و نامهای ردیف‌های پایین هر یک، به یک ردیف بالاتر ارتقا نموده به دست آقای زید می‌رسد البتّه به این ترتیب نام آقای زید در ردیف پنجم قرار می گیرد.

د) آقای زید ۴ فرم واصل شده را به چهار نفر متقاضی جدید به قیمت هر فرم ۳۰ دلار می‌فروشد به این ترتیب علاوه بر ۹۰ دلار پرداختی ۳۰ دلار اضافه نیز دریافت می کند.

ه‍) افرادی که فرمهای آقای زید را خریده‌اند هرکدام به ترتیب سابق عمل نموده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۷

(به ترتیبی که در شماره ۲ توضیح داده شد) و هر یک ۴ فرم جدید دریافت می‌نمایند کم‌کم نام زید از ردیف پنجم به ردیفهای بالاتر ارتقا می‌یابد تا به ردیف اوّل می‌رسد و در اینجا هر متقاضی جدید موظّف است ۳۰ دلار به حساب آقای زید واریز نماید که جمعاً حدود ۳۰۰۰۰ دلار خواهد شد، بعد نام ایشان نیز از لیست خارج شده و ردیفهای بعد به ترتیب بالا می‌آیند. آیا شرکت در این مؤسّسه جایز است؟

جواب: شرکت در این کار حرام و پول عاید از آن مباح نیست و در واقع این نوعی کلاه‌برداری مرموز برای تصاحب اموال دیگران است.

۶- شطرنج

سؤال ۵۴۳- آیا بازی با شطرنج در عصر حاضر اشکال دارد؟

جواب: اگر شطرنج در عرف عام از آلات قمار محسوب شود بازی با آن حرام است و اگر از حالت قمار خارج و جزء ورزشهای فکری در آمده باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۴۴- نظر حضرت عالی در مورد بازی با آلات قمار همچون شطرنج و پاسور بدون برد و باخت چیست؟

جواب: در مورد بازی با آلات قمار بدون برد و باخت احتیاط واجب اجتناب است و امّا در مورد شطرنج و پاسور همان‌گونه که در بالا ذکر شد چنانچه در عرف عام واقعاً به عنوان ورزش یا سرگرمی شناخته شود جایز وگرنه حرام است.

۷- مجسمه‌سازی

سؤال ۵۴۵- این جانب مدّتی است که بعضی از تصاویر را بر روی چوب به صورت برجسته حک می‌کنم و از این طریق امرار معاش می‌نمایم چون شنیده بودم که ساخت مجسمه کامل دارای روح حرام می‌باشد نه بخشی از حجم بدن، آن هم به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۸

صورت حک بر روی چوب، آیا امرار معاش این جانب از این راه شرعاً جایز می‌باشد؟

جواب: این قبیل نقوش برجسته شرعاً اشکالی ندارد ولی سعی کنید نقشهایی که موجب ترویج ادیان و مذاهب غیر اسلامی می‌شود و یا تصویرهایی که موجب فساد اخلاق است نبوده باشد.

سؤال ۵۴۶- مجسمه‌سازی تمام تنه یا نیم‌تنه انسان یا حیوان چه حکمی دارد، نقّاشی آنها چطور؟

جواب: مجسمه‌سازی اشکال دارد و نقّاشی جایز است.

سؤال ۵۴۷- خریدوفروش مجسمه‌هایی که از گچ یا مواد ساخته می‌شود و به عنوان اسباب بازی و یا برای نگهداری در منازل به کار می‌رود، چه حکمی دارد؟ مثل انواع عروسکها و سگها و گربه‌ها و مرغها که از گچ یا مواد ساخته می‌شود؟

جواب: هرگاه به صورت اسباب‌بازی باشد مانعی ندارد ولی بهتر آن است که از آنها برای تزیین استفاده نشود.

سؤال ۵۴۸- با توجّه به اینکه ساختن مجسمه‌های دارای روح مطابق اجماع فقها حرام است، چرا در کشور اسلامی ما مجسمه می‌سازند و در میادین شهرها نصب می‌کنند و پارکها را مزیّن به آن می‌کنند و بیت المال را صرف ساختن آن می‌نمایند، آیا حرمت به حال خود باقی است یا حکم ثانوی بر آن مترتّب شده است؟

جواب: مجسمه‌سازی اشکال دارد و شایسته است از نگهداری این گونه مجسمه‌ها پرهیز شود.

سؤال ۵۴۹- آیا حرمت نقّاشی و مجسمه‌سازی به دلیل برداشت شرک‌آمیز از آنها و جنبه بت‌پرستی آن است؟ در این صورت امروز که این امور ذهنیّت بت‌پرستی را در عموم مردم ایجاد نمی‌کند و به عنوان هنر شناخته شده و به کار گرفته می‌شود، پرداختن به آن چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۹

جواب: مجسمه‌سازی و خریدوفروش آن در هر حال اشکال دارد مگر در مواردی که جنبه اسباب‌بازی دارد.

سؤال ۵۵۰- از آنجا که رشته نقّاشی و مجسمه‌سازی در تعدادی از دانشگاه‌های ایران اسلامی تدریس می‌شود، این رشته‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: رشته نقّاشی اشکالی ندارد.

سؤال ۵۵۱- استفاده از هنر مجسمه‌سازی در ترویج شعائر اسلامی چه حکمی دارد و اصولا آیا موضوع اینگونه کارهای هنری در کیفیّت حکم تأثیری دارد؟

جواب: از جوابهای بالا روشن شد.

۸- غیبت

سؤال ۵۵۲- معنای غیبت را بیان فرمایید؟

جواب: غیبت آن است که عیب پنهانی کسی را پشت سر او بگویند ولی در مواردی که مسأله مهمّی مطرح است مانند موارد مشورت و اصلاح ذات البین و امثال آنها استثنا شده است.

سؤال ۵۵۳- شخصی به رفیق خود می‌گوید: شما اگر فلان کار را انجام بدهید همه بر ضدّ تو حرف می‌زنند، آیا پشت سر «همه» غیبت است؟

جواب: این عبارت غیبت محسوب نمی‌شود.

سؤال ۵۵۴- شخصی را می‌شناسیم که هر وقت با او برخورد می‌کنیم و گفتگو و صحبت را آغاز می‌کنیم بسیار وسواس دارد و با کوچکترین حرف و صحبتی می‌گوید: غیبت نکن، لطفاً معنای غیبت را مختصراً توضیح فرمایید؟

جواب: غیبت آن است که عیب مستور کسی را پشت سر او بگویند و اگر از این قبیل نباشد نباید مردم را نهی کرد و نسبت غیبت به آنها داد.

سؤال ۵۵۵- آیا غیبت کردن مسئول اداره و یا کارمندی که خلافی مرتکب شده، جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۶۰

جواب: اگر به قصد نهی از منکر باشد و اثر داشته باشد لازم است.

سؤال ۵۵۶- آیا گفتگو درباره رسوم، آداب، گفتار، کردار، طرز لباس پوشیدن، شکل ظاهری، ادا درآوردن روستایی، شهری‌ها و قبایل گوناگون ایران و سایر کشورها غیبت محسوب می‌شود؟

جواب: اگر به قصد عیب‌جویی و مسخره کردن نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۵۷- آیا بررسی کارهای مسئولی از مسئولین نظام مقدّس جمهوری اسلامی در غیاب او با عنایت به مفاد حدیث شریف «کلّکم راعٍ و کلّکم مسئول عن رعیته» از نظر شرع مقدّس اسلام غیبت محسوب می‌شود؟

جواب: بررسی مسائل اجتماعی و انتقادهای سازنده و مثبت غیبت محسوب نمی‌شود.

۹- دروغ

سؤال ۵۵۸- داستانهایی که ساخته می‌شود و طبعاً دروغ هستند و واقعیّت ندارند (امّا برای آموزش مثبت به مخاطبین ساخته و گفته می‌شود) از لحاظ فقه و شریعت مقدّس اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: اگر قرینه‌ای بر تخیّلی بودن آن وجود داشته باشد مانعی ندارد.

۱۰- هیپنوتیزم

سؤال ۵۵۹- آیا هیپنوتیزم از نظر اسلام حرام است؟

جواب: برای مقاصد طبّی و مانند آن مانعی ندارد ولی برای کشف امور پنهانی یا خبر از گذشته و آینده و حال جایز نیست.

۱۱- خریدوفروش موادّ مخدّر

سؤال ۵۶۰- آیا صحیح است که بگوییم خریدوفروش موادّ مخدّر مانند خریدوفروش
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۶۱
شراب است به این معنا که خریدار مالک مواد نمی‌شود و فروشنده مالک ثمن و مبلغ آن مواد نمی‌باشد؟
جواب: آری صحیح است و معامله این مواد باطل است.
سؤال ۵۶۱- فرموده‌اید استفاده از موادّ مخدّر حرام است آیا برای اشخاصی که مدّت ۲۰ سال یا بالاتر از تریاك استفاده می‌کنند و سنّ آنها بالاست نیز حرام است؟
جواب: استفاده از موادّ مخدّر برای هیچ‌کس جایز نیست مگر این که اگر کسی بخواهد آن را ترک کند جانش به خطر بیفتد.

۱۲- شعبده‌بازی

سؤال ۵۶۲- شعبده‌بازی را به عنوان کسب قرار دادن چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در مجلس یا محفلی که در آنجا شعبده‌بازی می‌شود اشکال دارد؟
جواب: بازیهایی که به عنوان نمایش و سرگرمی و تفریح در بعضی مجالس مشاهده می‌شود که تردستی و زرنگی شخص را نشان می‌دهد و غرضی جز آن در کار نیست اشکالی ندارد. امّا اگر برای اغفال مردم باشد نوعی از سحر است که کسب آن حرام و حضور در آن مجلس هم حرام است.

۱۳- فال گرفتن

سؤال ۵۶۳- بعضی از اشخاص در خارج با فالگیری از جامع الدّعوات و یا دوازده برج، از آینده و گذشته و مرض مراجعین خبر می‌دهند و می‌گویند: فلان گرفتاری داری یا خواهی داشت، فلان مقدار باید بدهی تا دعای حسابی بنویسم و دعای محبّت مابین دخترها و پسرها و زوجها و برای دیوانه‌ها و جن‌زده‌ها می‌نویسند و پولهای زیادی دریافت می‌کنند و در ضمن نماز جمعه و نماز جماعت می‌روند، بفرمایید پول گرفتن در مقابل این کارها چه حکمی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۶۲
جواب: پول گرفتن در برابر این کارها جایز نیست.
سؤال ۵۶۴- آیا رجوع به فالگیرها و جادوگران برای معالجه جایز است در حالی که گاهی از اوقات امراض سختی را معالجه می‌کنند؟
جواب: رجوع به آنها حرام است.
سؤال ۵۶۵- آیا دعانویسی و پول گرفتن در مقابل آن به عنوان کسب یا هدیه جایز است؟
جواب: اگر دعاهای مشروعه مأثوره باشد مانعی ندارد ولی دعانویسی خرافی حرفه‌ای جایز نیست.

۱۴- تراشیدن ریش

سؤال ۵۶۶- آیا روایات مربوط به این که ریش‌تراشی مُثله است دلالت بر حرمت تراشیدن ریش نمی‌کند؟
جواب: این روایات شاید ناظر به جایی است که کسی به اجبار محاسن دیگری را بتراشد و امّا اگر با موافقت او بتراشد داخل عنوان مُثله نیست، هرچند احتیاط واجب ترک آن است.
سؤال ۵۶۷- تراشیدن موی صورت و گلو و گونه با تیغ یا ماشینهای برقی چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد موهای صورت اشکال دارد ولی در مورد موهای گونه و گلو اشکال ندارد.

سؤال ۵۶۸- آیا زیر گردن پشت گردن و قسمتی از پایین چشمها را با تیغ زدن اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۵۶۹- چندی پیش در جریان مسأله‌ای از احکام معظّم له مبنی بر عدم جواز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۳

شرعی غیبت شخص ریش‌تراش (در خصوص تراشیدن ریش قرار گرفتیم) مضمون مسأله چنین بود که «نظر به اینکه بعضی از علما و مجتهدین تراشیدن ریش را حرام نمی‌دانند جایز نیست از شخص ریش‌تراش در خصوص این عمل غیبت شود» بفرمایید کدام یک از علما این کار را مجاز می‌دانند؟

جواب: بعضی از مراجع گذشته که الآن در قید حیات نیستند و بعضی از مراجع زنده، حکم به حرمت نمی‌نمایند، شاید شخص مزبور مقلّد آنها باشد.

سؤال ۵۷۰- انسان در اوایل جوانی دارای ریشهای کم‌پشت و بعضی از قسمتهای صورت او خالی از مو می‌باشد، آیا تراشیدن صورت به قصد اینکه ریشها پرپشت شود و قسمتهای خالی از ریش هم پر شود حرام است؟

جواب: اگر موهای صورت نوجوان کم بوده باشد به طوری که صدق ریش بر آن نکند تراشیدن آن مانعی ندارد.

۱۵- مسائل عزاداری

سؤال ۵۷۱- آیا زنجیر زنی و قمه‌زنی و شمشیر زنی در عزای امام حسین (علیه السلام) جایز است؟

سؤال ۵۷۲- آیا تعزیه و شبیه‌خوانی اشکال دارد و اگر اشکال نداشته باشد بفرمایید که اگر مرد لباس زنان را در تعزیه بپوشد و به جای او بخواند اشکال دارد؟ و آیا صدای شیپور و طبل و دهل در تعزیه حرام است یا خیر؟ در پایان مستدعی است شرایط تعزیه‌خوانی را بیان فرمایید.

جواب: شبیه‌خوانی اگر با دروغ و آلات لهو توأم نباشد و موجب توهین به مقام شامخ حسین بن علی (علیه السلام) یا سایر شهدا نشود اشکالی ندارد و احتیاط آن است که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۴

مردان لباس زنان را نپوشند.

سؤال ۵۷۳- آیا شبیه‌خوانی- که نمایش مذهبی است و درباره واقعه عاشورا یا اربعین حسینی (علیه السلام) برگزار می‌گردد- جایز است؟

جواب: اگر امر خلاف شرعی در آن نباشد و موجب هتك مقدّسات نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۵۷۴- سینه زدن با تیغ و یا زنجیر زدن با زنجیری که دارای چاقو و یا تیغ می‌باشد و منجر به زخمی شدن بدن و جاری شدن خون می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: همان‌گونه که قبلا نیز اشاره کرده‌ایم مسأله عزاداری حضرت سیّد الشهداء (علیه السلام) در هر زمان و در هر مکان از افضل قربات و مایه تقویت روح ایمان و شهامت اسلامی و ایثار و فداکاری و شجاعت در مسلمین است ولی کیفیّت عزاداری باید چنان باشد که بهانه‌ای به دست دشمنان اسلام ندهد و موجب سوء استفاده از آن نشود و این مراسم عظیم و پرشکوه تضعیف نگردد و به همین جهت از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید پرهیز شود.

سؤال ۵۷۵- نظر مبارك را در رابطه با کیفیّت مطلوب نحوه برگزاری عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام) بیان فرمایید؟

جواب: بهترین شیوه عزاداری، تشکیل مجالس با شکوه و ذکر اهداف مقدّس امام حسین (علیه السلام) و تاریخچه کربلا و تحلیل فرازهای آن و مراسم سوگواری، و همچنین تشکیل دسته‌جات عزاداری با شکوه، توأم با شعارهای بیدارکننده و سازنده و پخش جزوه‌ها و پوسترهای حساب شده و پرمحتوا و استفاده از پلاکاردها یا شعارهای جالب و جذاب و روشن‌کننده اهداف عزاداری حضرت سیّد الشهداء (علیه السلام) و مانند آن است.

سؤال ۵۷۶- در آستارا، سنّتی است که مردم به آن اعتقاد راسخ دارند، مسأله بدین صورت است که: روز تاسوعا و عاشورا عَلَمی که در تمام مناطق مرسوم است در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۵

دست افراد خاصّی می‌دهند که آن فرد با حرکتهای مخصوص و حتی گاهی با حمله‌ور شدن به زنان و مردان و ترساندن بچّه‌ها و به تعبیر مردم علم را جوش می‌آورند و آن را نسبت به امام حسین (علیه السلام) می‌دهند، مردم دور آن جمع می‌شوند و می‌گویند عَلَم فرد را دنبال خود می‌برد، وقتی عَلَم بعضی از افراد را زخمی می‌کند به معنای آن است که آن فرد، انسان بدی است و با دیده تردید به عَلَم نگاه کرده است. متأسفانه عَلَم در دست افراد معلوم الحال به جوش می‌آید و گاهی افراد متدیّن و وجیه را زخمی می‌کند، نظر شما را در این مورد خواستاریم؟

جواب: عزاداری حضرت خامس آل عبا (علیه السلام) از موجبات مهمّ تقویت دین است ولی نباید آن را آلوده به اینگونه کارهای نادرست کرد که موجب اذیّت و آزار عزاداران و هتك حرمت افراد آبرومند شود.

سؤال ۵۷۷- در شرایطی که دشمنان اسلام سعی در منزوی کردن مسلمانان دارند و با حیله‌هایی می‌خواهند اسلام را خرافی و مسلمانان را بی‌منطق معرفی کنند، انجام برخی اعمال که در متن دین وجود نداشته و در بعضی مناطق عدّه‌ای در تظاهر به اسلام و تعظیم شعائر، مرتکب آن می‌شوند که احیاناً موجبات وهن شیعه و عزاداری را فراهم آورده است، چه حکمی دارد؟

جواب: لازم است در این شرایط و اوضاع پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و عاشقان مکتب حسینی از هرکاری که موجب وهن این مراسم می‌شود بپرهیزند و به جای آن به سراغ مراسمی بروند که عظمت اهداف حسینی را بیش از پیش آشکار می‌سازد و اگر جمعی از بزرگان فقهای پیشین (رحمه الله) در عصر و زمان خود بعضی از این کارها را به دلایلی اجازه فرموده‌اند، هرگاه در عصر و زمان ما بودند مسلّماً نظر دیگری داشتند. خداوند همه ما را از پیروان مکتب آن بزرگوار و جان‌نثاران او قرار دهد.

سؤال ۵۷۸- در شهرستان ما مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا و سایر ایّام بصورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۶

تعزیه‌خوانی برگزار می‌شود، تا شش سال قبل که فقط در محلّ ما برگزار نمی‌شد اهالی محل به محلّات دیگر جهت دیدن تعزیه می‌رفتند و در آن محلّات با مشکلات زیادی مواجه می‌شدند لهذا تصمیم گرفتیم این مراسم را در محلّ خودمان برگزار کنیم نظر شما چیست آیا در این شرایط تعزیه‌خوانی جایز است؟

جواب: چنانچه تعزیه‌خوانی مشتمل بر امر حرامی مانند دروغ یا هتك حرمت امامان بزرگوار و بزرگان دیگر و امثال اینها نباشد و مانع مجالس سخنرانی و نماز نگردد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۷۹- آیا استفاده از وسایلی که به شکل صلیب هستند و در ماه محرم الحرام در جلوی صف عزاداری حمل می‌شود جایز است؟

جواب: این علامتها تداعی صلیب را نمی‌کنند ولی عزاداری هرچه ساده‌تر باشد بهتر است.

سؤال ۵۸۰- آیا پول دادن به مرثیه‌سرایانی که در لابه‌لای اشعار و سخنان خود بعضی از مصایب بی‌مدرك یا ضعیف السّند را نقل می‌کنند و یا با غنا می‌خوانند جایز است و آیا نقل اینگونه مطالب به عزاداری ضربه نمی‌زند؟

جواب: پول را در برابر کارهای مشروع آنها بدهند و نسبت به کارهای خلاف نهی از منکر کند.

۱۶- ربا

سؤال ۵۸۱- ربا گرفتن و دادن به کفّار و بانکهای اسلامی چه حکمی دارد؟
جواب: ربـا گرفتن از کفّار و از بانک حکومت غیر اسـلامی جایز است و امّا ربا دادن به آنها مجاز نیست مگر در صورت ضـرورت که نگرفتن وام از آنها باعث عسر و حرج و یا ضعف و ذلّت مسلمین در آن گونه کشورها شود.
سؤال ۵۸۲- بهره ۱۳ درصدی که بانکها در ازای وام می‌گیرند، یا بهره ۱۰ درصدی
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۶۷
که در برابر سپرده‌های درازمدت می‌دهند و از اوّل چنین شرطی می‌کنند، آیا ربا محسوب می‌شود؟
جواب: اگر آیین‌نامه‌های بانک که در زمینه عقود شرعیّه و راههای نجات از رباست عملی شود اشکالی ندارد.
سؤال ۵۸۳- آیا محاسبه نرخ تورم در دیون و مطالبات، ربا محسوب می‌شود؟
جواب: مسأله تورّم در عصـر ما با این شدّت و وسـعت که زاییده پولهای کاغذی است هرگاه در عرف عام به رسـمیّت شـناخته شود در فرض مسأله ربا نخواهد بود (همان طور که از بعضی کشورهای خارجی نقل می‌کنند که آنها نسبت به سپرده‌های بانکی هم نرخ تورّم را محاسـبه می‌کنند و هم سود را) در چنین شرایطی محاسبه نرخ تورّم ربا نیست ولی سود زاید بر آن رباست امّا در محیط ما و مانـنـد آن که در عرف عـام نرخ تـورّم در بین مردم محاسـبه نمی‌شـود کلاـ ربـا محسوب می‌شود زیرا اشخاصـی که به یکـدیگر وام می‌دهنـد بعد از گذشـتن چند ماه یا بیشتر عین پول خود را مطالبه می‌کنند و تفاوت تورّم محاسـبه نمی‌شود و اینکه در محافل علمی تورّم به حسـاب می‌آیـد به تنهـایی کـافی نیست زیرا مـدار بر عرف عام است، ولی ما یک صورت را اسـتثنا می‌کنیم و آن در جایی است که مثلا بر اثر گذشـتن سـی سال تفاوت بسیار زیادی حاصل شده باشد و لذا در مورد مهریه‌های قدیم زنان یا مطالباتی از این قبیل احتیاط واجب می‌دانیم که باید به نرخ امروز حساب شود، یا لااقل مصالحه کنند.

شرایط خریدار و فروشنده

سؤال ۵۸۴- بـا توجّه به مسأله ۱۷۷۶ رساله شـریفه حضـرت عالی در مورد بالغ بودن فروشـنده، چنانچه می‌دانید در کنار خیابانها و یا ترمینالها و ... بچّه‌ها سیگار، شیرینی‌جات و ... می‌فروشند، آیا می‌توان از آنها خرید کرد؟ در صورت منفی بودن
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۶۸
جواب بفرمایید اگر کسی بدون آگاهی خرید کند وظیفه‌اش چیست؟
جواب: در دو صورت اشکال نـدارد: نخست اینکه طرف معامله در واقع ولیّ طفل باشـد و طفل وسـیله رساندن جنس یا پول گردد، دیگر اینکه طفـل طرف معـامله است ولی یقین داشـته باشـیم که این کـار بـا رضایت ولی انجام می‌گیرد در این صورت تصـرّف در چنین اجناسی شرعاً جایز است.
سؤال ۵۸۵- ولایت بر مال غایب در صورت فقدان ولی به عهده چه کسی است؟
جواب: در صورت نبودن ولی، ولایت بر مال شـخص غایب با حاکم شرع یا کسی که حاکم شرع تعیین کرده است می‌باشد بلکه در صورت وجود ولی نیز احتیاط واجب اجازه گرفتن از حاکم شرع است.
سؤال ۵۸۶- به نظر حضـرت عـالی اختیـارات فقیه در بـاب ولاـیت چگونه و چقـدر است، مثلا آیا می‌توانـد در شـئون زنـدگی امّت دخالت کند و آیا باید فقیه حاکم بر نظام اسلامی باشد یا خیر؟

جواب: در کتاب أنوار الفقاهة، در بحث ولایت فقیه، مفصّل نوشته‌ایم.

معامله نقد و نسیه

سؤال ۵۸۷- اگر جنسی که دارای قیمت مشخصی است به صورت نسیه به بیشتر از آن قیمت فروخته شود، چه حکمی دارد؟
جواب: معمولاـ قیمت جنس در صورت فروش نقدی و نسیه‌ای متفاوت است و این تفاوت شرعاً اشکالی ندارد و ضمیمه کردن دستمال و کبریت و امثال آن لازم نیست.
سؤال ۵۸۸- اگر کسی به فروشنده یخچال بگوید: از تو صد عدد یخچال می‌خرم و بعد از یک هفته پول آن را می‌پردازم آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟
جواب: اگر یخچالهای مورد معامله در اختیار خریدار قرار گیرد مانعی ندارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۶۹
سؤال ۵۸۹- شخصی متاعی را فروخته و به صورت مجزّا آن را نگهداری می کند ولی هنوز از خریدار خبری نشده است اکنون با اینکه در کیفیّت ساخت و تهیّه آن جنس ظرافت خاصّی قائل شده است بایع درباره آن جنس چه وظیفه‌ای دارد (و اگر پول آن را قبلا دریافت کرده باشد چطور)؟
جواب: هرگاه مشتری تا سه روز پول جنسی را که نقداً خریداری کرده نیاورد فروشنده حق فسخ دارد و اگر پول آن متاع را داده آن چیز در نزد شما امانت است.

خریدوفروش طلا و نقره

سؤال ۵۹۰- معامله طلا با طلا با افزایش قیمت چه حکمی دارد؟ راه حلّ شرعی این نوع معاملات چیست؟
جواب: بهترین راه برای معامله طلاـ در اینگونه موارد این است که دو معامله جداگانه انجام شود مثلا یک کیلو طلا را با پول نقد یک میلیون و یک صد هزار تومان بفروشند و در مجلس ردّ و بدل شود سپس یک کیلو طلا را که در رأس یک سال تحویل داده شود به یک میلیون از او خریداری کند، نتیجه آن می‌شود که صاحب طلاـ با این دو معامله طلای خود را در رأس سال خواهد گرفت به اضافه یک صد هزار تومان.
سؤال ۵۹۱- آیا معامله طلا با طلا در صورت تفاوت وزن اشکال دارد؟
جواب: معامله طلا با طلا با تفاوت وزن جایز نیست هرچند یکی از نوع مرغوب و دیگری از نوع نامرغوب باشد، راه صحّت معامله آن است که نوع مرغوب را تبدیل به پول کنند و بخرند و سپس نوع دوّم را به همین طریق بفروشند.
سؤال ۵۹۲- بسیاری از خانواده‌ها بر اساس یک سنّت غلط به داماد خود انگشتری یا ساعت یا گردنبند یا حلقه طلا هدیه می‌دهند و آنها نیز از آن استفاده می کنند و
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۷۰
در نتیجه زشتی این کار از بین می‌رود. مستدعی است نظر مبارک را در مورد استفاده مردها از انگشتر و دیگر زیور آلات و همچنین هدیه دادن آن به دامادها و جوانان و همچنین ساختن و خریدوفروش آن که مقدّمه و زمینه‌ساز این منکر است صریحاً مرقوم فرمایید تا جوانان و دیگر طبقات جامعه وظیفه شرعی خود را بدانند.
جواب: زینت طلا برای مردان مطلقاً حرام است و مسلمانان و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) باید به پیروی از دستورات آن بزرگواران از این امر اجتناب ورزند و فرقی در میان هدیه و غیر هدیه و داماد و غیر داماد نیست. ساختن و خریدوفروش آنها نیز اگر

استفاده‌اش مخصوص مردان باشد اشکال دارد و اگر زینت طلا به صورت صلیب باشد پوشیدن و ساختن و خریدوفروش آن گناه مضاعف دارد.

موارد فسخ معامله

سؤال ۵۹۳- اگر مشتری نیمی از پول خود را طلب کرد و بایع هم با رضایت، کلّ مبلغ درخواست شده را پرداخت کند، با وجود اینکه درخواست پول و پرداخت با رضایت طرفین بوده است، آیا این دلالت بر فسخ دارد؟

جواب: اگر دهنده و گیرنده پول کارشان در ارتباط با آن معامله بوده، نیمی از معامله فسخ می‌شود و اگر قصد دیگری مانند وام داشته باشند معامله به قوّت خود باقی است.

سؤال ۵۹۴- آیا برای فسخ معامله علاوه بر فسخ لفظی لازم است کاری کند که دلالت بر فسخ داشته باشد؟

جواب: فسخ لفظی به تنهایی کافی است همان‌گونه که فسخ عملی نیز به تنهایی کافی است.

سؤال ۵۹۵- شخصی باغی را از دیگری می‌خرد نیمی از قیمت را می‌پردازد و نیم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۷۱

دیگر را به وقت محضر موکول می‌کند و شرط می‌کنند که هرکس پشیمان شد یک میلیون تومان به دیگری بپردازد. پس از چند روزی فروشنده پشیمان می‌شود و معامله را فسخ می‌کند، آیا این فسخ صحیح است؟

جواب: فسخ او صحیح است و باید یک میلیون تومان را به خریدار بدهد.

سؤال ۵۹۶- زید عمارتی را به اقساط با دیگری معامله می‌کند و بین طرفین چنین مقرر می‌گردد: «مشروط بر اینکه چکهای اقساطی پرداخت یا رضایت حاصل شود در غیر این صورت معامله فسخ است و پس از پرداخت تمام بهای ساختمان، فروشنده در محضر حاضر و سند را به خریدار انتقال دهد» سؤال این است که اگر خریدار مقداری از بدهی خود را که به موجب چک بوده در موعد مقرر پرداخت نکرده باشد، آیا فروشنده می‌تواند بیع را فسخ کند و یا به مناسبت شرط نتیجه بیع منفسخ می‌باشد و یا آن که مجالی برای فسخ و انفساخ وجود ندارد؟

جواب: در فرض مسأله که در صورت تخلّف شرط، فروشنده حقّ فسخ برای خود قائل شده است، حقّ فسخ دارد اما اگر به صورت شرط نتیجه گفته است معامله طبق نظر کسانی که شرط نتیجه را صحیح می‌دانند منفسخ است و چون ما در شرط نتیجه احتیاط می‌کنیم احوط آن است که در اینجا مصالحه کنند.

سؤال ۵۹۷- کسی قرآنی را به دیگری فروخته بعد از مدّتی آمده و می‌گوید آن نسخه خطی بوده و من ضرر کرده‌ام، آیا بر خریدار لازم است آن را برگرداند؟

جواب: اگر مشمول یکی از خیارات مانند غبن، خیار عیب و یا غیر آن بوده باشد می‌تواند، در غیر این صورت حقّ فسخ ندارد.

سؤال ۵۹۸- در قولنامه‌های عادی که پیش از معاملات رسمی و قانونی بین متعاملین مرسوم است مبلغی بابت حقّ فسخ معامله شرط می‌شود:

الف) آیا این شرط از لحاظ شرع مقدّس اسلام صحیح است؟

ب) آیا هرکدام از طرفین معامله را به هم زد طرف دیگر می‌تواند مبلغی که بابت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۱۷۲

حقّ فسخ در نظر گرفته است از او أخذ کند؟

ج) آیا اینگونه قولنامه‌ها جنبه معاملات شرعی و قطعی دارد و کلا از لحاظ شرعی صحیح است و طرفین معامله ملزم به رعایت آن

هستند؟

جواب: الف) در صورتی که معامله قطعی شده باشد و این شرط را گذارده‌اند که هر یک از دو طرف حقّ فسخ را دارند به شرط اینکه فلان مبلغ را بپردازند این شرط صحیح است ولی اگر بیع قطعی صورت نگرفته است گرفتن وجه مزبور جایز نیست.

ب) از جواب بالا معلوم شد.

ج) قولنامه‌ها مختلف است در بعضی تصریح می‌شود که بیع قطعی انجام گرفته است و بعضی چنین نیست و هرکدام حکم خاص خودرا دارد که در بالا ذکر شد.

مسائل متفرقه بیع

سؤال ۵۹۹- خریدوفروش کلیه برای مقاصد پزشکی چه حکمی دارد؟

جواب: خریدوفروش کلیه برای مقاصد پزشکی جایز است ولی بهتر آن است که پول را در مقابل اجازه برداشتن کلیه از شخص بگیرند نه در مقابل خود آن.

سؤال ۶۰۰- آیا فروختن اجناس طبق نرخ مصوّب لازم است؟

جواب: نرخهای مصوّب حکومت اسلامی را رعایت کنید.

سؤال ۶۰۱- آیا مشتری قبل از اتمام قرارداد (قرارداد بیع شرط) حق دارد نصف ثمن یا کلّ ثمن را طلب کند؟

جواب: حق ندارد.

سؤال ۶۰۲- آیا حقّ خیار را می‌توان ساقط کرد؟

جواب: جایز است.

سؤال ۶۰۳- اگر کسی بنابراین که زمینی فلان مقدار مساحت دارد آن را بفروشد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۳

و پس از معامله مشتری متوجّه شود که مساحت این زمین کمتر است، آیا کلّ معامله باطل است یا مشتری می‌تواند به میزانی که کمتر است مقداری از ثمن را از فروشنده بگیرد؟

جواب: معامله نسبت به مقدار موجود صحیح است ولی اگر طرفین خبر نداشته‌اند هر دو خیار فسخ دارند.

سؤال ۶۰۴- در معامله فضولی، مالک اصلی حقّ رجوع به کدام یک از بایع و مشتری را دارد؟

جواب: مالک می‌تواند مثل یا قیمت را از مشتری بگیرد و اگر دسترسی به او پیدا نکرد می‌تواند از بایع بگیرد و در صورت اوّل مشتری می‌تواند وجهی را که داده پس بگیرد و اگر قیمتی را که به مالک پرداخته بیش از آن وجه باشد تفاوت را نیز می‌تواند از بایع بگیرد مگر اینکه آگاهانه این کار را کرده باشد که در این صورت تفاوت را نمی‌تواند بگیرد.

سؤال ۶۰۵- خرید زمینهای کشاورزی از کشاورزان بدون رضایت آنها توسط زمین‌شهری یا نهاد دیگر چه صورت دارد؟

جواب: هیچ‌کس حق ندارد ملک شرعی دیگری را بدون رضایت او از او بگیرد و در فرض معامله مبلغ با توافق طرفین تعیین می‌شود و چنانچه به زور بگیرند آن زمین غصبی است و نماز در آن اشکال دارد و هرگاه ضرورتی ایجاب کند که ملکی را برای مصلحت مسلمین از صاحبش بگیرند باید با او توافق کنند یا لااقل قیمت عادلانه روز را بپردازند و اگر در مالکیّت ملک اختلافی هست باید به محاکم صالحه مراجعه شود.

سؤال ۶۰۶- حکم املاک به جا مانده از فراریان رژیم طاغوت چیست؟

جواب: هرگاه ملک مزبور از طریق مشروع به دست آمده است نمی‌توان آن را از مالک یا ورثه مالک گرفت، همچنین است اگر

مشکوک باشد، امّا اگر با ادلّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۴

شرعیّه ثابت شود که نامشروع بوده اگر مالک اصلی آن شناخته شده باشد باید آن را به مالک اصلی داد اگر مجهول المالک است باید از طریق حاکم شرع به فقرا برسد.

سؤال ۶۰۷- شخصی برای پرداخت قیمت ماشینی که خریده بود به صد هزار تومان پول احتیاج داشت، به یکی از دوستانش مراجعه کرده و این پول را از او گرفته است و برای این که پول او به هنگام بازگشت ارزش خود را از دست ندهد او را در یک دانگ ماشین شریک می‌کند، این کار چه حکمی دارد؟ و آیا می‌تواند این معامله را فسخ کند؟

جواب: هرگاه معامله او نسبت به یک دانگ ماشین جدّی بوده معامله صحیح است و نمی‌تواند آن را پیش خود فسخ کند و اگر معامله صوری بوده بیش از مقدار پول خود (صد هزار تومان) چیزی طلبکار نیست.

سؤال ۶۰۸- حدود شانزده سال پیش، چند قواره زمین طیّ قولنامه به چند نفر فروخته شد، و مبلغی دریافت گردید، طبق روال معمولی بقیّه وجه زمین موکول به انتقال رسمی سند در یکی از دفاتر شد. به خاطر انقلاب اسلامی برنامه‌ها در هم گردیده و مسأله انتقال مسکوت ماند، در نتیجه به خریداران مراجعه گردید، یک نفر از آنان مبلغی پرداخت کرد. لکن بقیّه با بهانه‌هایی بقیّه مبلغ را پرداخت نکردند ولی جهت أخذ اسناد خود به سازمان زمین‌شهری و اداره ثبت اسناد و املاک رفته، تقاضای سند نمودند با توجّه به مصوبه مجلس شورای اسلامی از طرف اداره ثبت اسناد، موافقت مالک عنوان گردید به همین جهت از این جانب دعوت به عمل آورده شد. پس از حضور در وقت معیّن اظهار داشتم: خریداران مبلغی که در ابتدا پرداخته‌اند به نرخ تعیین شده قبول است، لکن مقدار پولی که نپرداخته‌اند با توجّه به ارزش ریالی پول و نرخ قیمتها و جریان روز از مقامات مسئول اداره ثبت اسناد و املاک تقاضا دارم کارشناس معرفی فرمایند تا با نرخ روز بلکه مقداری هم به نفع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۵

خریداران کارشناسی فرموده محاسبه گردد، در غیر این صورت از امضای اسناد خودداری می‌نمایم. حکم شرعی مسأله را بیان فرمایید.

جواب: اگر خریداران در پرداخت بقیّه وجه کوتاهی کرده‌اند و مالک آمادگی برای قبول آن و انتقال رسمی داشته است و بر اثر گذشت زمان قیمت تفاوت بسیار فاحش پیدا کرده باید فروشنده را راضی کنند ولی اگر مالک کوتاهی کرده است بیش از آن مبلغ طلبکار نیست.

سؤال ۶۰۹- سالها قبل، اشخاصی سرقفلی مغازه‌هایی را با رؤیت تمام خصوصیّات موجود از جمله وجود بالکن (نیم طبقه) در قسمتی از مغازه، از مالک خریداری کرده‌اند و معامله شرعاً و قانوناً محقق شده است. پس از گذشت بیش از بیست سال شهرداری به خاطر وجود بالکن (نیم طبقه) مبلغی مطالبه می‌کند.

الف) آیا این مبلغ را مستأجرین باید پرداخت کنند یا به عهده مالک است (در توضیح عرض می‌شود که عند المعامله اگر بالکن نیمه طبقه نبود مشتری یا خریداری نمی‌کرد یا ثمن معامله تفاوت می‌کرد).

ب) اگر مغازه موقع معامله بالکن نداشته و بعداً مستأجر با اذن مالک بالکن ساخته است در این صورت پرداخت مطالبات شهرداری به عهده کیست (مالک یا مستأجر)؟

جواب: الف) چنانچه مالک تعهّدی در برابر اینگونه امور از اوّل داشته و یا عرف و عادت بازار نیز تعهّدی بر عهده مالک می‌گذارد ملزم به این امر است در غیر این دو صورت الزامی بر او نیست.

ب) در این صورت بر عهده مستأجر است.

سؤال ۶۱۰- منافع حاصل از مال رشوه که نتیجه عمل مرتشی است، متعلّق به چه کسی است؟

جواب: متعلّق به مالک اصلی یعنی صاحب پول است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۶

سؤال ۶۱۱- اگر فروشنده، جنس را به صورت نقد به خریدار بفروشد و خریدار هم در اثر سهل‌انگاری پول فروشنده را ندهد و تا ده یا پانزده سال پول فروشنده را نگهدارد و در این مدّت قیمت جنس چند برابر شود، آیا فروشنده می‌تواند خود جنس را از خریدار مطالبه کند؟

جواب: فقط حق دارد پول خود را مطالبه کند، ولی چون مدّت زیادی گذشته و ارزش پول بسیار تغییر کرده، احتیاط واجب آن است که او را راضی کند و یا تفاوت را محاسبه نماید.

سؤال ۶۱۲- شخصی منزلی را دو میلیون تومان فروخته است و برای خودش خیار فسخ نگذاشته، جهت انتقال سند به شهرداری مراجعه کرده، کارشناس شهرداری به علّت اضافه بنا در طبقه بالا- چهل هزار تومان جریمه نوشته و دستور تخریب بالکن را داده است، با تخریب بالکن یک متر از اطاق طبقه بالا که روی بالکن واقع است خراب می‌شود. شهرداری به فروشنده گفته است بدون تخریب بالکن اجازه انتقال سند داده نمی‌شود، ولی اگر خودت بنشینی شهرداری کاری به اخذ جریمه و تخریب بالکن و قسمتی از اطاق بالا ندارد. حال آیا فروشنده باید جریمه را بپردازد و بالکن و یک متر از اطاق بالا که روی بالکن واقع است را خراب کند و منزل را با قیمت کمتری از قیمت مذکور در اختیار خریدار بگذارد؟ یا اینجا قاعده لا ضرر جاری است و این ضرر را از فروشنده نفی می‌کند و فروشنده حق دارد معامله را به هم بزند و پول خریدار را پس بدهد؟ لطفاً جواب بفرمایید.

جواب: اگر بایع متعهّد شده که ملک را در محضر واگذار کند باید به تعهّدش عمل کرده و خسارتها را نیز متحمّل شود و بعداً تفاوت قیمت را به مشتری برگرداند و مشتری مخیّر است تفاوت قیمت را بگیرد یا معامله را فسخ کند.

سؤال ۶۱۳- این جانب کار قسطی‌فروشی را انجام می‌دهم اگر اقساط را نیاورند بابت مطالبات از وقت و کار خود در این راه صرف می‌کنم و مخارجی از قبیل کرایه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۷

راه و یا مخارجی مانند استهلاک موتور و ماشین می‌پردازم، آیا می‌توانم آنها را از ایشان مطالبه کنم؟

جواب: هزینه‌های معمولی و متعارف را که برای گرفتن مطالبات در میان مردم رایج است نمی‌توانید بگیرید ولی اگر هزینه‌های فوق‌العاده‌ای بپردازید می‌توانید بگیرید، البتّه در صورتی که طرف مقابل دیون خود را به موقع نپردازد.

سؤال ۶۱۴- پایگاه مقاومت یکی از مساجد تهران، مسابقه‌ای به قرار ذیل برقرار کرده است: اگر کسی از سی سؤال علمی و فرهنگی به بیست و پنج سؤال پاسخ صحیح بدهد با اهدای یکصد تومان به پایگاه با قید قرعه جوایزی را برنده می‌شود، لیست جوایز در برگه مسابقه نوشته شده است، قرار مسئولین مسابقه این بوده است که پس از کسر سرمایه، از ما بقی پولهای اهدایی جوایز تهیّه شود، ولی متأسفانه پولهای اهدایی به مقدار اجناس نبوده است، آیا ما بقی را مسئولین از جیب خود باید بدهند یا به همان مقدار پولهای اهدایی، دادن جایزه کافی است؟

جواب: این نوع مسابقه از اصل اشکال دارد مگر اینکه پول را در مقابل فروش اوراق سؤالات بگیرند و در این صورت باید طبق قراردادی که کرده‌اند عمل کنند.

سؤال ۶۱۵- آیا فروش روزنامه‌هایی که معمولا- نام خدا و معصومین و آیات قرآنی دارد به مغازه‌داری که از آن برای بسته‌بندی استفاده می‌کند جایز است؟

جواب: اگر موجب بی‌احترامی شود اشکال دارد.

سؤال ۶۱۶- خرید و نصب آنتن‌های ماهواره‌ای در منازل چه حکمی دارد؟

جواب: آوردن اینگونه وسایل در منازل که غالباً موجب فساد است جایز نیست و خریدوفروش آن حرام است.

سؤال ۶۱۷- فروش تمبرهای پستی که قیمت معینی دارند به قیمت بیشتر چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که غرض عقلایی داشته باشد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۸

سؤال ۶۱۸- کاسبی هستم که نزدیک بیست سال به فروشندگی قطعات یدکی اتومبیل اشتغال دارم، امّا به جهت عدم پرداخت پورسانت به تعمیرکاران دچار مشکلات مالی عدیده‌ای شده‌ام از حضرت عالی استدعا دارم نظر مبارک خود را در مورد پرداخت درصدی از سود حاصله از فروش اجناس به تعمیرکاران اعلام بفرمایید (لازم به ذکر است که قریب به اتّفاق فروشندگان و مصرف کنندگان اعمّ از تعمیرکاران و ناظران خرید شرکتها، سازمانها و ادارات، قرارداد از قبل تعیین‌شده‌ای مبنی بر تهیّه لیست و فاکتور از سوی تعمیرکار یا ناظر خرید و پرداخت مبلغی از سوی فروشنده به وی تنظیم نموده‌اند) این امر موجب کسادی بیش از حد و رکود در کسب حقیر شده، زیرا به علّت خوف از شبهه شرعی آن تاکنون ریالی به عنوان پورسانت به احدی پرداخت نکرده‌ام؟

جواب: این کار شما در صورتی صحیح است که فروشنده مقداری از منافع عادی خود را به واسطه واگذار کند بی‌آنکه چیزی بر مبلغ جنس بیفزاید، مثلا جنس را معمولا با ده درصد می‌فروشند ولی در این مورد قسمتی از ده درصد منافع را به واسطه واگذار می‌کنند و امّا تنظیم فاکتور دروغین با اضافه بر مبلغ، حرام است و خداوند رازق است.

سؤال ۶۱۹- شخصی سند زمینی را به دیگری منتقل کرده است امّا زمین در تصرّف شخص سوّمی است حکم شرع در اینجا چیست؟

جواب: ملک متعلّق به صاحب سند است.

سؤال ۶۲۰- این جانب بنگاه معاملات املاک دارم، مدّتی قبل آقای زید جهت خرید منزلی برای برادرشان به بنگاه مراجعه کردند و بنده منزل فروشی را به ایشان و برادر محترمشان نشان دادم و ایشان منزل را بازدید کرده و موردپسندشان واقع شد. پس از مدّت کوتاهی خریدار و فروشنده بدون مراجعه به بنگاه منزل را قولنامه کرده و معامله کردند و در حال حاضر این دو برادر که به عنوان خریدار مراجعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۹

کرده‌اند قبول نمی‌کنند که حقّ بنده را بدهند. سؤال این است که آیا شرعاً باید بنگاه را در جریان می‌گذاشتند تا قولنامه نوشته شود و حقّ‌الزحمه بنگاه را بپردازند (ناگفته نماند که ما هم باید مالیات بپردازیم و اگر قرار باشد به هرکس خانه‌ای معرفی کنیم و خودش برود و معامله کند پس ما از کجا تأمین شویم)؟

جواب: حقّ بنگاهدار را شرعاً باید بپردازند و نمی‌توانند با این کار حقّ او را از بین ببرند.

سؤال ۶۲۱- بازرگانی به تاجری پیشنهاد می‌کند که از تجارت پنیر و یا گندم و یا ذرت فلان منطقه صرف نظر کن، من فلان مبلغ را به تو پرداخت می‌کنم توضیح اینکه قبلا استفاده از مواد لبنیاتی و حبوبات در طیّ سالها به عهده زید بود و منافع اینگونه معاملات را او می‌برد، اکنون در عالم خیال اینگونه منافع احتمالی را با عمرو دادوستد می‌نماید و بهره را به عمرو واگذار می‌کند آیا شرعاً این معامله جایز است؟

جواب: نظر به اینکه در واقع از فعّالیّت آزاد خود در مقابل گرفتن آن وجه صرف نظر کرده است مانعی ندارد.

سؤال ۶۲۲- اگر خانواده‌ای پدر خود را از دست داده باشد و سرپرستی آنها را والده‌شان عهده‌دار شود و طفل صغیری هم داشته باشند، چنانچه از طرف دستگاه دولتی مستمرّی ماهانه برای تمام اعضای خانواده حتّی طفل صغیر هم برسد میهمان شدن بر این

خانواده چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه با اجازه ولیّ صغار که از طرف حاکم شرع تعیین شده است باشد مانعی ندارد و لکن باید از حد معمول و متعارف خارج نباشد و برای صغیر نفعی داشته باشد یا معادل حقّ صغیر را بپردازد.

سؤال ۶۲۳- شخصی زمین خود را می‌فروشد و قیمت تعیین شده را می گیرد ولی در سند زیادتر از آن قیمت معیّن را ثبت می کند، آیا شرعاً این زیاد نوشتن که بعد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۰

فروشنده آن را ادّعا کند چه حکمی دارد؟

جواب: قیمت معامله همان است که هنگام خواندن صیغه یا دادوستد ثمن و مثمن بر آن توافق شده است.

سؤال ۶۲۴- این جانب از اداره زمین‌شهری زمینی دریافت کرده‌ام و لکن گفته می‌شود که قسمتی از این زمینها ملك اشخاصی بوده و اکنون نمی‌دانم صاحبش به این تصرّف راضی است یا خیر وظیفه ما در این مورد چیست، آیا احراز رضایت مالك لازم است؟

جواب: رضایت مالك را به نحوی احراز کنید.

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۶۲۶- شخصی زمینی را به ارزش یکصد و سی هزار تومان فروخته است و خریدار فقط پنجاه هزار تومان از مبلغ فوق را تسلیم فروشنده نموده است حال با گذشت چهارده سال که زمین گران شده است مشتری ادعای مالکیّت نموده، در صورتی که از همان روز اوّل هشتاد هزار تومان که قسمت اصلی ارزش زمین بوده است را به بایع پرداخت ننموده است در نتیجه بایع مدّعی است چون حقّ خیار تأخیر ثمن بلکه عدم پرداخت ثمن در کار است ملك برگشت کرده و متعلّق به خودش است و مشتری مدّعی است که تمام ملك متعلّق به ایشان است حکم مسأله چیست؟

جواب: خیار تأخیر مربوط به این موارد نیست و زمین متعلّق به مشتری است ولی احتیاط واجب آن است که به خاطر تفاوت فوق‌العاده زمین در این مدّت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۱

معادل مبلغ هشتاد هزار تومان را با توجّه به قیمت امروز زمین بدهد و یا بایع را راضی کند.

سؤال ۶۲۷- آیا فروش قرآن به کفّار و اهل کتاب جایز است بخصوص اگر بدانیم آنان قصد توهین ندارند، بلکه جهت مطالعه آن را تهیّه می کنند؟

جواب: در صورتی که امید تأثیری در آن باشد و مایه هتك و توهین نگردد جایز است.

سؤال ۶۲۸- خریدوفروش زینت آلات طلا- اعم از انگشتر، گردن بند و دستبند- مخصوص آقایان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر این گونه زینت آلات معمولا در غیر مورد مردان به کار نرود جایز نیست.

سؤال ۶۲۹- قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شخصی یک دستگاه یخچال دست دوّم را به شرح زیر معامله می کند: «یخچال در مغازه بوده و خریدار پس از پرسش از وضع آن و تعیین قیمت به فروشنده تلفنی اعلام می کند که یخچال برای من، آن را نفروشید. فروشنده که فرد موثّقی است با وجود مشتری آن را نمی‌فروشد، امّا نه یخچال تحویل مشتری شده و نه قیمت پرداخت شده است. پس از چند روزی که قطعنامه پذیرفته می‌شود و قیمت کاهش می‌یابد، خریدار اعلام می کند یخچال را نمی‌خواهم. فروشنده هم به خاطر رفاقت و امثال آن چیزی نمی گوید ولی راضی به این کار نبوده و به هر حال پس از چند روز آن را به قیمت ارزان‌تر می‌فروشد. بفرمایید آیا خریدار در قبال فروشنده ضامن است، چه مبلغ؟ تفاوت قیمت آن زمان یا امروز؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خسارت وارده را به قیمت امروز جبران کند و یا با هم مصالحه کنند.

سؤال ۶۳۰- یک نفر که در کنار نهر، زمین دارد با شخص دیگری که زمین او در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۲

کنار نهر واقع نشده است زمینشان را مبادله می‌کنند، با این شرط که شخصی که در کنار نهر زمین دارد تعهّد می‌کند هر ساله نهر را تمیز کند و خاکبرداری کند و برای همیشه این کار را تا قیامت انجام خواهد داد. او به این شرط عمل می‌کند. بعد از او پسرهای او هم به این شرط عمل می‌کنند. الآن بعد از پسرها نوبت نوه‌ها رسیده که آنها به این شرط عمل نمی‌کنند، آیا بر این نوه‌ها واجب است که به شرط جدّ پدری خود عمل کنند؟

جواب: گذاشتن شرط بر عهده غیر مشتری یا طرف معاوضه مشروعیّت ندارد.

سؤال ۶۳۱- شخصی یک باب مغازه در سال ۱۳۶۰ (ه- ش) به مبلغ معلومی طبق قرارداد منعقده فیما بین مالکین و خریدار به سرقفلی خریده و مبلغ قرارداد آن روز را پرداخت نموده است. در پایین قرارداد عبارت ذیل آمده است «مورد معامله سرقفلی و حقّ اولویّت و انتقال به دیگری است ولی باید در موقع فروش رضایت مالکین اصلی را طبق قانون سرقفلی از سود مورد معامله جلب نماید و در ضمن اجاره از زمان تحریر لغایت دو سال تمام به مبلغ ماهیانه یکصد تومان منظور و مقرر گردید» با توجّه به شرایط ذکر شده فوق:

الف) آیا مالکین یا مالك از نظر شرعی می‌تواند بدون رسیدن به توافق با صاحب سرقفلی مبلغ مال الاجاره را هر سال افزایش دهد؟

ب) در صورت افزایش فرق بین سرقفلی و اجاره چه خواهد بود؟

جواب: الف) در مواردی که سرقفلی گرفته شده و مدتی برای اجاره تعیین گردیده بعد از گذشتن مدّت، مالك می‌تواند در مال الاجاره تجدید نظر کند ولی بیش از عرف بازار نسبت به این گونه اموال نمی‌تواند از مستأجر بگیرد.

ب) فایده سرقفلی این است که در عرف بازار مال الاجاره کمتری به آن تعلق می‌گیرد و حق اولویّت برای تجدید اجاره همواره وجود دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۳

فصل هفدهم: احکام شرکت

سؤال ۶۳۲- شخصی به این جانب مقداری پول داده است تا با پولی که خود داشتم ماشینی خریده و ماهیانه مبلغ معیّنی به عنوان سود پول به او بدهم آیا این کار جایز است؟ و در صورت عدم جواز راه شرعی آن چیست؟

جواب: برای این که معامله صورت شرعی داشته باشد باید به این نحو عمل شود که معادل مبلغ مزبور از ماشین به صاحب پول واگذار شود سپس سهم او را از ماشین به مبلغ معیّنی اجاره کنید و برای طرفین حقّ فسخ معامله در رأس مدّت قرار داده شود و چنانچه معامله مزبور به همین نحو انجام شود صحیح است.

سؤال ۶۳۳- آیا لازم است شریکها همدیگر را بشناسند؟

جواب: شناختن شریکها در عقد مشارکت ضرورتی ندارد، همین اندازه کافی است که شریکها معیّن و معلوم و مثلا نامشان در دفاتر ثبت شده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۵

فصل هیجدهم: احکام مضاربه

سؤال ۶۳۴- کسی مبلغی پول را در اختیار دیگری قرار می‌دهد تا آن را به گردش درآورده و سود حاصله را به طور مساوی تقسیم

کنند از آن جایی که کسی که پول می گیرد به علّت داشتن شریک نمی‌تواند به طور دقیق سود حاصله را حساب کند اظهار می‌دارد این پول یعنی مثلا هر صد هزار تومان به طور تقریبی می‌تواند ماهانه سه هزار تومان برای هر کدام سود حاصل کند، آیا این مضاربه صحیح است.

جواب: این مضاربه با سه شرط صحیح است:

الف) این که قرار داد طبق مضاربه با تعیین سود در صد هر یک، تنظیم شود یعنی معلوم شود از سود حاصل چند درصد مربوط به سرمایه گذار و چند درصد مربوط به شخص کارکننده است (در ضمن اگر ضرری حاصل شد باید آن را بپذیرد).

ب) باید صاحب مال به طرف وکالت دهد که بعد از حاصل شدن منفعت سهم او را به مبلغ مورد نظر صلح کند.

ج) زمانی که منفعتی حاصل نشده پول ماهانه‌ای که می‌پردازد باید به عنوان علی الحساب باشد.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۱۸۵

سؤال ۶۳۵- در عقد مضاربه و مانند آن آیا می‌توان درصد سودی که برای عامل یا صاحب سرمایه مشخص شده است را به مقدار معیّنی از پول مصالحه کرد؟

جواب: در صورتی که سود حاصل شده و مقدار آن مبهم است، صلح کردن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۶

اشکالی ندارد ولی قبل از ظاهر شدن سود، صلح جایز نیست.

سؤال ۶۳۶- آیا در شرایط فعلی که سکّه‌های رایج طلا و نقره در ایران نیست با پول رایج مضاربه را تجویز می‌فرمایید؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۳۷- زید مقداری از پول خود را در یکی از شعب بانکی و یا پیش کسی به هر عنوان ودیعه می گذارد و اجازه تصرّف را به او می‌دهد او نیز در هر ماه و یا دو ماه مبلغی را به صاحب پول به عنوان تشکّر و یا هر عنوان بدون شرط قبلی می‌پردازد آیا دادن و گرفتن این مبلغ به نظر حضرت عالی چگونه است؟

جواب: هر گاه شرط قبلی نباشد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۷

فصل نوزدهم: احکام اجاره

سؤال ۶۳۸- آیا خداوند به کسانی که جهت انجام عبادات و کارهای دیگر مثل ساختن مسجد و حسینیّه اجیر می‌شوند و اجرت می گیرند، ثواب می‌دهد؟

جواب: چنانچه قصد اجیر انجام آن عمل برای نجات بندگان از دین و ادای مسئولیت بوده باشد ثواب دارد.

سؤال ۶۳۹- منزل شخصی را به مبلغی اجاره کرده‌ام سپس آن را به مبلغ بیشتری اجاره داده‌ام و رضایت صاحب خانه را نیز جلب کرده‌ام آیا این معامله صحیح است؟

جواب: اجاره دادن آن خانه به بیشتر از آنچه که اجاره کرده‌اید اشکال دارد مگر این که وسایلی بر آن بیفزایید، مانند اضافه کردن فرش و کمد و امثال آن.

سؤال ۶۴۰- اگر کسی دیگری را جهت یک ختم قرآن برای پدرش اجیر نماید امّا مبلغ را تعیین نکند و اکنون بعد از قرائت، اجیر

تقاضاى مبلغ زيادى دارد كه موجر آن را پرداخت نمى‌نمايد، حكم مسأله را بيان نماييد؟
جواب: بايد اجرة المثل را مطابق عرف و عادت بپردازد و بيشتر از آن لازم نيست.
سؤال ۶۴۱- دو نفر از مؤمنين كه كارهاى روزمرّه و متداول مسجد و امامزاده اسماعيل جهرم را سر و سامان مى‌دهند با پول خود اقدام به ساختن دو باب مغازه در گوشه‌اى از قبرستان متروكه امامزاده كرده‌اند، آنگاه آن دو مغازه را به عنوان اجاره به مدّت بيست سال در اختيار هيأت مديره شركت تعاونى محل قرار داده‌اند و مال الاجاره آن را براى مصارف مسجد و امامزاده در نظر گرفته‌اند اكنون با توجّه به اين كه مسجد و امامزاده متولّى شرعى ندارد و وقف نامه‌اى هم موجود نيست به پرسشهاى زير پاسخ دهيد:
استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۱۸۸
الف) آيا ساختن مغازه و به خصوص اجاره آن نياز به اذن فقيه جامع الشرائط داشته است؟
جواب: البتّه نياز به اذن دارد و چنانچه زمين مزبور متروكه بوده، آن ساختمان را فعلا اجازه مى‌دهيم و اجاره دادن در صورتى مجاز است كه ساختمان مزبور مورد احتياج براى كارهاى مسجد و امامزاده نباشد و مال الاجاره براى امامزاده و مسجد مصرف شود.
ب) آيا اجاره انجام گرفته شرعاً معتبر است؟
جواب: اگر اجاره عادلانه باشد و محلّ مزبور مورد نياز مسجد و امامزاده نباشد صحيح است.
ج) در صورت بطلان اجاره آيا تخليه آن مغازه توسط متصدّيان شركت تعاونى و واگذارى آن به هيأت امناى مسجد جهت استفاده كارهاى لازم از قبيل انبار، دفتر واجب است؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.
د) آيا براى تخليه آنها، متصدّيان شركت تعاونى حقّ دريافت وجوهى اعمّ از مقدار پرداخت شده و يا اضافه بر آن و يا مبالغى كه جهت گرفتن امتياز آب و برق و يا تعمير مصرف كرده‌اند را دارند؟
جواب: آنها فقط مى‌توانند هزينه‌هايى را كه در آنجا داشته‌اند بگيرند نه بيشتر.
سؤال ۶۴۲- تصرّف مستأجر بعد از انقضاى مدّت اجاره و بدون رضايت مالك در مغازه يا ساختمان مسكونى چه حكمى دارد؟ با اين كه در قانون مدنى نظام اسلامى اگر مؤجر نياز شخصى نداشته باشد حقّ را در تصرّف به مستأجر مى‌دهند و لو مالك رضايت نداشته باشد.
جواب: تصرّفات او در صورت عدم رضايت جايز نيست مگر در موارد ضرورت و اضطرار، آن هم به مقدار ضرورت و اضطرار.
استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۱۸۹

فصل بيستم و بيست و يكم: مزارعه و مساقات

سؤال ۶۴۳- در هندوستان راجه‌ها از كشاورزان مالياتهاى زيادى بابت زمينهاى كشاورزى مى‌گيرند در حالى كه اين زمينها متعلّق به كشاورزان بوده و از اجدادشان به آنها رسيده است. مرقوم بفرماييد مالك زمينها كيست؟
جواب: ظاهر محتواى نامه اين است كه راجه‌ها «۱» يد مالكانه بر زمينها داشته و به عنوان مزارعه به رعايا واگذار كرده‌اند، حال كسانى كه معتقدند آنها غاصب بوده يا اراضى موات را به دست مردم داده‌اند، چنانچه دليل كافى براى اثبات مطلب خود اقامه كنند و ثابت شود مال پدران خودشان بوده از راجه‌ها خلع يد به عمل مى‌آيد.
سؤال ۶۴۴- به نظر حضرت عالى آيا مساقات از عقود لازم است يا جايز؟
جواب: از عقود لازم است.
سؤال ۶۴۵- شخصى در زمين ديگرى درختى دارد كه آن را قطع مى‌كند ولى از ريشه آن درخت نهالى مى‌رويد و تبديل به درخت

می‌شود، آیا این درخت متعلّق به صاحب اصلی درخت می‌باشد و یا از صاحب زمین می‌باشد؟

جواب: نهال مال صاحب درخت است.

سؤال ۶۴۶- شخصی درختی در زمین خودش می‌کارد و ریشه آن به زمین شخص دیگری می‌رسد و از آن نهال می‌روید آیا آن نهال از صاحب زمین است و یا از صاحب درخت؟

---

(۱). لقب حاکم و فرمانروا در هندوستان.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۰

جواب: از صاحب درخت است، لکن صاحب زمین می‌تواند یا اجاره بگیرد و یا با اطّلاع به صاحب درخت آن نهال را قطع کند.

سؤال ۶۴۷- چند برادر در یک خانه زندگی می‌کنند و مال و ملک ایشان مشاع است یکی از برادران در زمین مشاع درخت می‌نشاند و یا پسری در زمین پدر بدون اجازه و یا با اجازه پدر درخت می‌نشاند و یا زارع و دهقان و یا کارگر و خادم کسی در زمین صاحب زمین درخت می‌نشاند، شرعاً این درختان مال کدام یک از آنهاست؟

جواب: درخت از آن کسی است که مالک آن بوده و در زمین نشانیده است لکن اگر بدون اجازه صاحب زمین بوده است صاحب زمین حق دارد که اجاره بگیرد یا درخت را از اصل بیرون بیاورد و به صاحبش بدهد.

سؤال ۶۴۸- دو نفر زمینی را معامله می‌کنند به این عنوان که مالک، زمین خود را به دیگری واگذار می‌کند برای درختکاری و دیگری هم درخت می‌کارد قرارشان بر این بود که بعد از بزرگ شدن درختان، زمین را با درختان نصف کنند به همین شکل با رضایت طرفین عمل نمودند ولی تعیین نکردند که این طرف مال تو و آن طرف مال من باشد، آیا این مسأله ضرری به مغارسه می‌زند؟

جواب: معامله مزبور اشکال ندارد و در موقع بلوغ درختان، می‌توانند آن را با رضایت طرفین یا به وسیله قرعه تقسیم کنند و بعد از تقسیم هر کدام مالک سهم خودشان می‌شوند.

سؤال ۶۴۹- بر فرض مالکیّت در مسأله قبل، بعد از رحلت طرفین، ورثه درختها را قطع نموده‌اند، بعد از مدّتی ورثه مالک زمین، بر علیه ورثه مالک درخت شکایت می‌کنند و می‌گویند این زمین مال ماست و به زور زمین را از آنها گرفته است آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر درختان قطع شود، مالکیّت هر کدام نسبت به سهم خود از زمین باقی است و هر کسی درختها را قطع کرده ضامن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۱

فصل بیست و دوّم: کسانی که حقّ ندارند در مال خود تصرّف کنند (حجر)

سؤال ۶۵۰- آیا معاملات حقیقی غیر معوّضی که مدیون غیر محجور نسبت به اموالش به قصد فرار از دِین انجام می‌دهد نافذ است؟

جواب: در صورتی که به حکم حاکم شرع محجور نشده باشد معامله باطل نیست ولی کار حرامی مرتکب شده است.

سؤال ۶۵۱- حکم مسأله درباره معاملات حقیقی این مدیون که به قصد پنهان کردن و نامرئی نمودن اموالش و نهایتاً فرار از دِین انجام می‌دهد چیست؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۶۵۲- اصولا حضرت عالی تحت چه شرایطی معاملات مدیون غیر محجور را نافذ نمی‌دانید؟

جواب: در هر حال نافذ است ولی اگر موجب سلب قدرت از ادای دِین شود حرام است.

سؤال ۶۵۳- شخصی است کارهای غیر عاقلانه انجام می‌دهد مثلاً پولهای خود را در اختیار افراد قمارباز قرار می‌دهد و فقط به گرفتن چک بی‌محل از قمارباز اکتفا می‌کند یا با این که زن و بچه او به خانه احتیاج دارند خانه را به دیگری واگذار می‌کند:

الف) آیا می‌توان او را از این دخل و تصرّفات بازداشت؛ نظر شارع در مورد این معضل چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۲

جواب: در فرض مسأله بالا چنین کسی سفیه است و حقّ دخالت مستقیم در اموالش را ندارد.

ب) آیا فرزندان او می‌توانند به محاکم قضایی شکایت کنند؟

جواب: حقّ شکایت دارند

ج) آیا حاکم شرع و نماینده ولی فقیه خود (با نبود شاکی) می‌تواند رأساً اقدام نماید؟

جواب: حاکم شرع و کسانی که از طرف او برای این گونه کارها مأذون هستند در مواردی مانند مورد فوق می‌توانند دخالت کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۳

فصل بیست و سوّم: احکام وکالت

سؤال ۶۵۴- آیا وکالت با مرگ موکّل باطل می‌شود و وکیل حقّ فروش اموال موکّل را بعد از مرگش دارد؟

جواب: وکالت با مرگ موکّل باطل می‌شود بنابراین وکیل حقّ فروش اموال موکّل را بعد از مرگ او ندارد.

سؤال ۶۵۵- چنانچه فردی که به عنوان وکیل فرد حقیقی و یا حقوقی است متوجّه شود که موکّل او قصد دارد مالی را که شرعاً متعلّق به طرف دعوای موکّلش می‌باشد را به طریق قانونی از او خلع ید کند، آیا شرعاً مسئولیّت دارد یا خیر؟

جواب: هرگاه وکیل بداند موکّل شرعاً حقّی ندارد نباید از او دفاع کند یا چیزی از دیگری به ناحق گرفته در اختیار موکّل بگذارد و اگر حقّ الوکاله‌ای در برابر کار خود بگیرد در صورتی مشروع است که تلاش برای احقاق حقوق مشروع کند.

سؤال ۶۵۶- چنانچه وکیل به لحاظ انسانیّت و به منظور جلوگیری از تضییع حقّ طرف دعوای موکّلش اقدام به راهنمایی و مشاوره طرف دعوا نماید و احساس کند در صورت استعفا از مورد وکالتش، وکالت به فرد دیگری محوّل و در نتیجه حقّ شرعی طرف دعوا به ناحق تضییع می‌گردد به نحوی که تمامی دسترنج طول زندگی کاری مفیدش از بین خواهد رفت. چه تکلیفی در مقابل موکّل و نیز طرف دعوا خواهد داشت؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۴

جواب: راهنمایی مظلوم برای هر کس جایز بلکه در موردی که ذکر گردید شاید واجب باشد و خیانت محسوب نمی‌شود (هر چند ظاهراً موکّل طبق قانون سخن می‌گوید) ولی در این گونه موارد حقّ‌الزحمه‌ای از موکّل نمی‌تواند دریافت نماید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۵

فصل بیست و چهارم: احکام قرض

اشاره

سؤال ۶۵۷- همان گونه که خاطر شریف مستحضر است در زمان حاضر نشر اسکناس و ضرب سکّه در بانکهای وابسته به دولتها با ملاحظه پشتوانه موجود در خزانه صورت می‌گیرد، پولهای امروزی بر خلاف درهم (نقره) و دینار (طلا) ارزش ذاتی ندارد و ارزش اعتباری آنها در معاملات نیز ثابت نیست، ممکن است در اثر تحوّلات سیاسی و اقتصادی و یا تصمیم یک جانبه دولتها یک شبِ

ارزش پول، دهها برابر کاهش یابد و طبعاً این کاهش موجب ضرری است که طلبکار متحمّل می‌شود، به عنوان مثال در نجف اشرف در سال ۱۳۴۹ مهریه زوجه‌ای ۲۵۰ یا ۳۰۰ دینار عراقی قرار داده شده که در آن زمان همین پول معادل ۵۰ گرم طلا و یا یک باب منزل متوسط بوده است و لیکن امروزه با این مبلغ یک کیلو برنج یا شکر هم نمی‌توان خرید در این رابطه شیخ ابو الحسن شعرانی در شرح تبصره المتعلّمین علّامه حلّی صفحه ۲۸۳ می‌فرماید: «کسی که اسکناس سه تومانی قرض کند وقتی که معادل سی تومان نقره بود و هنگامی ادا کند که معادل دو مثقال نقره است کافی نیست» با توجّه به مراتب فوق استدعا دارد در رابطه با کیفیّت ادای دین یا مضمون به در مواردی که موضوع آن وجه رایج امروزی باشد نظر مبارک را مرقوم فرمایید؟

جواب: در صورتی که تفاوت بسیار زیاد باشد بطوری که در نظر عرف ادای دین محسوب نشود (مانند مثالی که زده بودید و امثله زیادی که در استفتائات از ما سؤال کرده‌اند) باید معادل روز در نظر گرفته شود یا لااقل مصالحه تراضی شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۶

سؤال ۶۵۸- آیا خسارت تأخیر پرداخت دین، شرعی می‌باشد؟

جواب: این خسارت شرعی نیست.

سؤال ۶۵۹- با توجّه به این که ارزش پول در حال کاهش می‌باشد آیا می‌توان از این نظر خسارت تأخیر را گرفت؟

جواب: جایز نیست مگر این که فاصله زمانی به قدری زیاد باشد که ارزش پول فوق‌العاده کاهش یابد مانند بدهکاریهای مربوط به ده، بیست سال قبل.

سؤال ۶۶۰- آیا اخذ این نوع خسارت از کفّار جایز است؟

جواب: در مورد کفّاری که اموالشان برای ما حلال است مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۱- آیا اخذ خسارت تأخیر پرداخت دین توسط بانکها به جهت مصلحت و مقتضیات زمان جنبه شرعی دارد؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۶۶۲- اگر به علّت تأخیر پرداخت دین، خسارت و ضرر مسلّمی به طلبکار وارد آمده باشد آیا می‌توان این نوع خسارت را گرفت؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۶۶۳- اگر خسارت تأخیر پرداخت دین به صورت شرط ضمن عقد لازم باشد اخذ آن جایز است؟

جواب: اگر در ضمن عقد خارج لازم شرط بشود جایز است.

سؤال ۶۶۴- یکی از صندوقهای قرض‌الحسنه که وامهای بدون بهره در اختیار افراد قرار می‌دهد با توجّه به کثرت متقاضی وام در نظر دارد (در صورت عدم مانع شرعی) اعلام نماید کسانی که مقداری به واحد امور خیریّه صندوق (که به افراد بی‌بضاعت و مستمند کمک بلاعوض می‌نماید) کمک نمایند بدون نوبت و با تسهیلات بهتر وام قرض‌الحسنه دریافت می‌نماید، حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۷

سؤال ۶۶۵- چند نفر به کمک و همکاری هم صندوق قرض‌الحسنه‌ای را تشکیل داده‌اند و به افراد عضو وام می‌دهند، آیا بهره‌هایی که به عنوان کارمزد دریافت می‌شود حلال است؟ لازم به ذکر است که این گونه بانکها کارمند ندارند تا حقوق به او بدهند بنابراین سودی که دریافت می‌شود در صورتی که حلال باشد در چه موردی قابل استفاده است؟

جواب: منظور از کارمزد حقّ‌الزحمه ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض‌الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل

زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می‌دهند داده می‌شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیّت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه‌های دیگر شود مانعی ندارد ولی به صورتی که نوشته‌اید اشکال دارد.

سؤال ۶۶۶- اگر کسی پولی به دیگری قرض دهد و بگوید به شرطی به تو قرض می‌دهم که تو نیز در مقابل به فرزندان من قرآن را تعلیم دهی آیا این کار جایز است؟

جواب: احتیاط در ترک چنین شرطی است.

سؤال ۶۶۷- چنانچه شخص بدهکاری به علّت ورشکستگی راضی شود حتّی منزل مسکونی و محلّ کسب و کار خود را به قیمت روز به طلبکاران خود بدهد امّا طلبکاران فقط پول نقد از او بخواهند و شخص بدهکار را زندانی نمایند آیا شخص بدهکار در این مدّت که در حبس بوده و وقتش هدر رفته، بر طلب‌کاران حقّی پیدا می‌کند که بتواند از طلبِ طلبکاران کسر نماید؟

جواب: در فرض مسأله از نظر شرعی نمی‌تواند خسارتی از طلبکاران بگیرد.

سؤال ۶۶۸- شخصی مبلغ چهار میلیون تومان از بابت مهریّه همسرش بدهکار است، او دارای منزل مسکونی در بهترین محلّ مشهد می‌باشد که اکنون به مبلغ سی میلیون تومان خریدار دارد آیا این منزل جزء مستثنیات دین است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۸

جواب: هرگاه دین مزبور مطالَب باشد و منزل زاید بر شئونش بوده باشد باید منزل را تبدیل به منزلی که در حدّ شأنش باشد بکند و تفاوت آن را برای ادای دین صرف نماید.

سؤال ۶۶۹- آیا مسئولین صندوق قرض‌الحسنه می‌توانند با پولی که در صندوق است بدون گرفتن وکالت از اعضا (اعضا پول را به صندوق به عنوان قرض‌الحسنه می‌دهند) کار کنند، حکم شرعی در دو صورت زیر چگونه است؟

الف) سود حاصل صرف صندوق به طور مشاع اعمّ از وام و خرید لوازم شود.

ب) سود حاصل برای عاملین بماند.

جواب: بدون اجازه گرفتن جایز نیست و اگر در شرایط باز کردن حساب به این مسأله تصریح شده باشد که بخشی از وجوه قرض‌الحسنه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و از آن به نفع صندوق استفاده می‌شود کافی است و به همان گونه که مردم رضایت داده‌اند باید عمل شود.

سؤال ۶۷۰- اگر در بازپرداخت وامی که از بانک گرفته شده است تأخیری صورت بگیرد، آیا بانک تحت عنوان جریمه و خسارت تأخیر انجام تعهد می‌تواند پولی را دریافت کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۶۷۱- چنانچه شخصی به خاطر مشکلات از شخص دیگری پول بگیرد و شخص پول دهنده چنین بگوید:

«به شرطی پول خواهم داد که گندم را به هنگام برداشت به من کیلویی فلان قیمت بفروشی» و فرض این است که فعلاً زمان برداشت محصول نیست و قیمت هم نامشخص است، در این صورت گرفتن پول چه حکمی دارد؟

جواب: این وام و این معامله باطل است.

سؤال ۶۷۲- شخصی که می‌خواهد وامی به مدّت معیّنی بگیرد، آیا می‌تواند مبلغی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۹

به وام‌دهنده صلح کند و در ضمن آن مصالحه، وام مزبور را شرط کند، مثلا بگوید: ۵۰ هزار تومان به تو صلح می‌کنم به شرط آن که ۲۰۰ هزار تومان ۱۰ ماهه به من قرض بدهی و او هم این صلح را قبول کند؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۶۷۳- آیا پول اسکناس شمردنی است که اگر به کسی قرض داده شود بتوانیم اضافه از مقدار بگیریم، آیا ربا محسوب نمی‌شود؟

جواب: در قرض تفاوتی میان شمردنی و غیر شمردنی نیست و در همه آنها ربا حرام است (اعم از مکیل و موزون و معدود).

ربا

سؤال ۶۷۴- معامله پول با پول چه صورت دارد؟

جواب: اگر منظور مبادله ارزهای مختلف با هم باشد، اشکالی ندارد و اگر منظور معامله نوع واحد پول بوده باشد که مثلا اسکناس ایرانی را با همان مبادله کنند چنانچه اسکناسها با هم در عرف بازار متفاوت باشد مثل این که اسکناسهای درشت را گاه بهتر از اسکناسهای کوچک می‌پسندند همان‌طور که برای مسافران مرغوب‌تر است در اینجا نیز می‌تواند به صورت یک کالا و تابع عرضه و تقاضا باشد (البتّه با تفاوت کمی که در این گونه موارد در میان عقلا ملحوظ است) صورت سوّمی نیز دارد و آن این که بخواهند برای فرار از ربا مقداری از اسکناس نقد را با مقدار بیشتری به صورت نسیه و مدّت‌دار بفروشند بی‌آنکه تفاوت اسکناسها مورد نظر باشد این نوع معامله اشکال دارد و در واقع همان وام توأم با رباست که نام بیع بر آن نهاده شده است.

سؤال ۶۷۵- آیا اجازه می‌فرمایید مثلا مبلغ یک میلیون تومان را به مدّت ۶ ماه به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بفروشیم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۰

جواب: این کار در واقع خریدوفروش نیست زیرا خریدوفروش اسکناس واحد در عرف عقلا وجود ندارد، بلکه همان وام توأم با رباست که نام بیع بر آن گذارده شده است.

سؤال ۶۷۶- آیا اجازه می‌فرمایید مثلا مبلغ یک میلیون دلار را به مدّت یک سال به مبلغ مثلا ۳۰۰ میلیون تومان بفروشیم؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۶۷۷- اگر کسی مالی را به شخصی به کمتر از قیمتش بفروشد و شرط کند که خریدار مبلغ معیّنی را به او قرض دهد آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۶۷۸- شخصی دارای حساب بانکی است و احتیاج به پول هم دارد، ناچار است از کسی قرض نماید، آیا می‌تواند مبلغ مورد نیاز را یک ساله از طرف مقابل به زیادتر از آن مبلغ بخرد و چک یک سال بعد را بنویسد و به او بدهد؟

جواب: جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۱

فصل بیست و پنجم: احکام رهن

سؤال ۶۷۹- یکی از مسائل لازم در اسناد تجارتی (چک، سفته، برات) پشت‌نویسی آنهاست که به وسیله پشت‌نویسی انتقال آنها صورت می‌گیرد امّا نظر به این که اینها در بین تجّار و بازرگانان ارزش تجارتی دارند و حتّی به جای وجه نقد معامله و معاوضه می‌شوند آیا می‌توان این اسناد را به طور مستقل (نه این که همراه با قراردادی نزد بانک وثیقه باشند) به عنوان مال مرهونه (مال در گرو وثیقه) وثیقه و گرو گذاشت یا؟

جواب: اگر چک و سفته از فرد معتبری باشد می‌توان آن را به عنوان وثیقه پذیرفت.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۳

فصل بیست و ششم: احکام نکاح

صیغه عقد دائم و موقّت

سؤال ۶۸۰- مرد مقلّد مرجعی است که مثلا تعدد موجب و قابل را شرط می‌داند و زن از مجتهدی تقلید می‌کند که اتّحاد موجب و قابل را کافی می‌داند، در اینجا طبق نظر کدام یک از این دو مرجع باید عمل کرد؟

جواب: در چنین مواردی احتیاط آن است که مطابق فتوای مرجعی که تعدد را شرط می‌داند عمل کنند.

سؤال ۶۸۱- به دختری گفتند مهریّه شما ۱۵ هزار روپیه هندی است و او به این مهریّه راضی شد ولی در عقدنامه ۱۰ هزار نوشته شد، وکیل بعد از خواندن عقدنامه، بر مهریّه نوشته شده صیغه جاری کرد، آیا این صیغه (ازدواج دائمی) صحیح است؟

جواب: احتیاط آن است که صیغه عقد را مجدّداً با مهریّه مورد توافق جاری کنند.

سؤال ۶۸۲- اگر زن، مرد را وکیل در اجرای عقد دائم کند و مرد مدعی اجرای عقد موقّت باشد (آن هم بعد از چند سال) حکم عقد، مهر و توارث بین زن و شوهر و فرزندان چیست؟

جواب: در صورتی که یقین داشته باشد که مرد راست می‌گوید و عقد موقّت خوانده است، عقد باطل است و زن و مرد از هم ارث نمی‌برند ولی فرزندان آنها از آنها ارث می‌برند مگر اینکه مرد عالم بوده که این عقد باطل است، در این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۴

صورت فرزندان، تنها از زن ارث می‌برند نه از مرد و حدّ زنا بر مرد جاری می‌شود و در هر حال باید مهر المثل زن را بپردازد.

سؤال ۶۸۳- آیا یک نفر می‌تواند اصالت و وکالت عقد را به فارسی یا عربی اجرا کند؟

جواب: مرد می‌تواند از طرف زن وکیل شود و عقد را بخواند و از طرف خودش قبول کند مثل این که بگوید: موکله خودم فلان کس را به عقد موقّت خودم در فلان مدّت به فلان مبلغ مهر در آوردم سپس بگوید قبول کردم، در صورتی که عربی بتواند، به عربی بخواند و اگر نتواند به فارسی بخواند و زن هم می‌تواند از طرف مرد وکیل شود.

سؤال ۶۸۴- کسی که بدون انقضای عقد موقّت، عقد دائم اجرا کند و بعداً متوجّه شود، آیا عقد دائم او باطل است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مجدّداً عقد را بخواند ولی اگر قبلا فرزندانی به وجود آمده باشند، حلال‌زاده‌اند.

سؤال ۶۸۵- آیا تعدّد وکیل از سوی مرد و زن در اجرای عقد لازم است؟

جواب: تعدّد وکیل در اجرای عقد احتیاط مستحب است.

سؤال ۶۸۶- چنانچه مستحضر هستید در احکام عقود از قبیل بیع و اجاره و نکاح و ... طرفین عقد (یا وکیل آنها) به منظور ایجاب و قبول باید صیغه بخوانند- مخصوصاً در عقد ازدواج- و منظور از صیغه کلمات و جملات به هر لفظ و زبانی که باشد، البتّه مقصود و مطلوب بالذّات، معانی و مفاهیم و مفاد کلمات و جملات می‌باشد، بنابراین عقل و منطق حکم می‌کند که صیغه به زبانی باشد که طرفین ازدواج و شاهدان قضیّه و حضّار مجلس با آن زبان آشنایی داشته باشند؛ سؤال این است که برای غیر عرب چه لزومی دارد که این صیغه به عربی باشد در حالی که هر شخصی با زبان مادری و رسمی خودش بهتر می‌تواند مطلبی را بیان و تفهیم و یا تفهّم نماید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۵

جواب: اجرای صیغه به هر زبانی که برای طرفین مفهوم باشد جایز است، فقط در نکاح و طلاق احتیاط اجرای صیغه به زبان عربی است مشروط بر این که معنای آن را بدانند بنابراین اگر مجری صیغه آشنا به عربی نباشد می‌تواند آن را هم به زبان خودش اجرا نماید.

شرایط عقد ازدواج

سؤال ۶۸۷- اگر دختر باکره بدون اجازه پدر و یا جدّ پدری شوهر کند شرعاً تکلیف چیست؟

جواب: احتیاط آن است که دختر اجازه پدر را به دست آورد.

سؤال ۶۸۸- طبق فتوای علما در صورتی که پدر و یا جدّ پدری غایب باشد و دختر باکره احتیاج به شوهر داشته باشد، اجازه ساقط می‌شود، معنای احتیاج داشتن به شوهر چیست؟

جواب: منظور این است که به سنّی رسیده است که هرگاه شوهر نکند به زحمت یا به خطر می‌افتد.

سؤال ۶۸۹- آیا برای ازدواج با دختر باکره، اذن پدر یا ولی لازم است؟ آیا در این مسأله، ازدواج موقّت با دائم فرق دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اجازه بگیرند و تفاوتی میان ازدواج موقّت و دائم نیست.

سؤال ۶۹۰- دختر جوانی بدون اذن پدر و مادر خود به خانه کسی می‌رود و به درخواست پسر و دختر عقد نکاح بدون رضایت پدر خوانده می‌شود و اعمال مترتّب بر نکاح انجام می‌گیرد، در حالی که اگر دختر با پدر مشورت می‌کرد مانعی هم وجود نداشت، در این دو صورت (تحصیل رضایت پدر بعد از عقد و عدم تحصیل رضایت)، حکم عقد چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۶

جواب: بهتر این است که بعداً رضایت پدر را جلب نماید.

سؤال ۶۹۱- دختری قبل از نه سالگی به عقد شخصی در آمده است در حالی که دختر از موضوع خبر نداشته و عقد را پدر دختر جاری کرده است و در ضمن، فاصله سنّی بین این دختر و آن مرد حدود ۲۵ سال است و آن مرد زن دیگری نیز دارد و حتی دخترش با این زن دوّم هم سن است. وقتی دختر بالغ می‌شود عدم رضایت خود را از این عقد اعلام می‌کند و اصرار می‌کند که این ازدواج به مصلحت من نیست و من طلاق می‌خواهم ولی مرد حاضر به طلاق نمی‌شود، آیا این عقد درست است و باید به این عقد ملتزم باشد یا می‌تواند با کسی دیگر ازدواج کند با توجّه به اینکه دختر به حدّی رسیده که احتیاج به شوهر کردن دارد؟

جواب: چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده، باطل است و دختر می‌تواند بدون طلاق شوهر کند ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده است نمی‌تواند آن را به هم بزند.

سؤال ۶۹۲- اگر دختری با پسر هم‌شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب: در فرض مسأله اگر پدر مخالفت کند اذن او ساقط می‌شود.

سؤال ۶۹۳- برای خاله بنده خواستگارهای زیادی آمده که بیشتر آنها افرادی متدیّن بوده‌اند ولی پدر بزرگ من که پدر خاله‌ام می‌باشد آنها را رد کرده است. او می‌گوید فقط با فامیل من باید ازدواج کند حال می‌خواستم بدانم که تکلیف او با چنین پدری چیست و چه راهی را در پیش بگیرد؟

جواب: هرگاه خواستگاران با او تناسب داشته‌اند و کفو شرعی و عرفی بوده‌اند، او حق نداشته آنها را رد کند همچنین حق ندارد اصرار بر ازدواج با فامیل کند و اجازه و اذن او در این صورتها ساقط است، در عین حال اگر بتواند رضایت پدر را به دست آورد کار خوبی کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۷

سؤال ۶۹۴- اگر مرد، مقلّد مرجعی باشد که معتقد است ازدواج موقّت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز است ولی دختر مقلّد کسی است که می‌گوید احتیاط واجب کسب اجازه از پدر است، آیا آن مرد می‌تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟

جواب: بنابراین احتیاط واجب، دختر نمی‌تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

عیوب موجب فسخ

سؤال ۶۹۵- زن و مردی پس از چند سال ازدواج بچّه‌دار نشدند، دکتر تشخیص داده است که عیب از جانب مرد بوده است و اکنون زن می‌گوید شوهرش فاقد بیضه است و بچّه‌دار نشدن آنها بدین جهت است، در این صورت آیا زن می‌تواند عقد را فسخ کند؟

جواب: در صورتی که آگاهی بر این امر نداشته، می‌تواند فسخ کند مگر اینکه بعد از آگاهی راضی شده و با او زندگی کرده باشد.

سؤال ۶۹۶- آیا بیماری ایدز را در هر یک از زن و مرد، از عیوبی که بتوان عقد نکاح را بدون طلاق فسخ کرد می‌دانید؟

جواب: اگر به گواهی اهل اطّلاع این بیماری در مرحله‌ای باشد که موجب سرایت و خطر گردد و شوهر حاضر به طلاق دادن زن نباشد، زن می‌تواند طلاق خود را به وسیله حاکم شرع بگیرد و مرد نیز در اینگونه موارد می‌تواند زن را طلاق بدهد.

سؤال ۶۹۷- شوهرم پزشک محترم و مطّلعی بوده که بعد از چند سال زندگانی مشترک زناشویی متأسّفانه مبتلا به جنون شد. من اختلال حواس او را به دادگاه اعلام و پزشک قانونی هم مراتب را تأیید کرده است، در صورتی که حاکم شرع حجر را ثابت و او را محجورٌ علیه بداند، آیا با صرف صدور حکم حجر، عقد نکاح فسخ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۸

می‌شود؟ یا جهت وقوع فسخ ازدواج باز باید به محکمه مراجعه شود؟

جواب: زن می‌تواند صیغه فسخ را جاری کند و احتیاط آن است که آن را به اطّلاع حاکم شرع برساند.

سؤال ۶۹۸- اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، حکمش چیست؟

جواب: نمی‌تواند با او زندگی کند و ازدواجش باطل است.

سؤال ۶۹۹- دختری را به ازدواج دائمی پسرم در آورده‌ام و عروسی هم نموده‌اند، حال معلوم شده که دختر مدّتهاست به بیماری صرع «۱» مبتلاست، خود دختر و دکترش هم تصدیق نموده‌اند ولی پدر و مادرش این مطلب را نگفته و پنهان نموده‌اند، حتّی دختر می‌گوید: می‌خواستم بگویم، ولی پدر و مادرم مانع شدند، تکلیف عقد و مهریه چیست؟

جواب: بیماری صرع موجب خیار فسخ در عقد نکاح نیست و اگر بخواهد دختر را طلاق دهد، چنانچه عروسی نموده باید تمام مهر را بپردازد.

سؤال ۷۰۰- آیا نبودن بکارت در دختر، باعث جواز فسخ عقد می‌شود؟ و معنای فسخ چیست؟

جواب: در صورتی که شرط بکارت کرده باشد حقّ فسخ دارد و معمولا در محیطهای ما، شرط بکارت به عنوان یک شرط ضمنی و از پیش توافق شده می‌باشد و معنای فسخ این است که بگوید من عقد را فسخ کردم یا به هم زدم و به هر زبانی باشد کافی است.

سؤال ۷۰۱- در صورتی که داماد به خاطر عدم بکارت، نکاح را فسخ کند چه مقدار از مهریه را باید بپردازد و در صورت تدلیس از چه کسی می‌تواند بگیرد؟

جواب: در صورت شرط بکارت یا هر شرط کمال و عدم نقص- خواه به

---

(۱). بیماری صرع یعنی غش کردن.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۹

صورت ذکر در عقد باشد یا قبل از آن- چنانچه خلاف آن ثابت شود حقّ فسخ دارد و هرگاه دخول حاصل نشده باشد، مهر به کلّی ساقط است و اگر حاصل شده باشد، مهر المسمّی پرداخته می‌شود سپس از کسی که تدلیس کرده می‌گیرد.

سؤال ۷۰۲- زیـد، دختر بالغه خودش زینب را به عقـد نکاح بکر، فرزند خالد در آورد و خالد، دختر نابالغ خودش سـلمی را به عقد نکاح عمرو فرزنـد زیـد در آورد. بعـد از مـدّتی زید پدر زینب این رشـته را قطع کرد و تزویج دخترش زینب را به بکر انکار کرد و برای فسـخ نکـاح دخـترش زینب به دادگسـتری جور مراجعه کرد و وقتی که طرفین برای قضـاوت به دادگستری رسـیدند دختر زید (زینب) ادّعـای فسـخ نکاح را تکـذیب کرد و گفت من می‌خواهم همراه همسـرم بکر که به عقـد او در آمـده‌ام بروم و قانون به نفع زینب و بکر حکم کرد. وقتی زیـد اینجا تحقیر شـد، دشـمن خانواده خالـد شـد خواست دختر خالد سـلمی که به عقد نکاح پسـرش عمرو درآمـده بود را به خانه بیاورد ولی دختر خالـد سـلمی فهمیـد که زیـد قصد انتقام دارد، چرا که مخاصـمت پسـرش عمرو با او شروع شده بود و به خاطر همین، نکاح عمرو را فسخ کرد الآن سلمی بالغ شده است، آیا فسخ سلمی صحیح است؟

جـواب: هرگـاه ازدواج دختـری قبـل از بلوغ مصـلحت نداشـته است، از اوّل عقـد باطـل بوده است امـا اگر در آن زمـان برای دختـر مصـلحت داشـته و الآن دارای مفسده مهمّی است باید پیش یکی از علما برود و مدرک خود را بر وجود مفاسد فعلی و اینکه منظور آنها انتقام‌جویی است ارائه دهد، اگر ثابت شود خطری آن دختر را تهدید می‌کند، آن عالم می‌تواند صیغه طلاق او را جاری کند.

سؤال ۷۰۳- اگر مردی قبل از ازدواج از نزدیکی عاجز باشـد و زن بعد از مراسم عروسـی بفهمد و فوراً عقد و نکاح را به هم نزند و از شوهر جدا نشود، آیا در این صورت زن می‌تواند بدون طلاق شوهر کند؟

جواب: در این موارد، زن باید به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم یک سال به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۰

مرد مهلت می‌دهـد اگر درمان شـد ازدواج باقی است، در غیر این صورت زن می‌تواند نکاح را فسخ کند و احتیاج به طلاق نیست و به فرض که مرد بعد از آن هم خوب شود قابل بازگشت نیست مگر به صورت ازدواج جدید.

سؤال ۷۰۴- اگر تدلیس‌کننـده خود زن باشـد و شوهر پس از آگاهی از وجود عیب، نکاح را فسـخ کنـد، موردی که دارای بیماری روانی، سـرگیجه، اسـتفراغ، تشـنج، پرخاشـگری و حالتهـای غیر عـادی که ناشـی از بیمـاری روانی غیر قابـل علاج باشـد و پزشـکان متخصص و شهود عینی تصدیق کرده‌اند آیا این فسخ صحیح است؟

جواب: هرگاه زوجه و کسان او طوری وانمود کنند که زن سالم است و در واقع سـلامت زن به صورت شرط در ضمن عقد در آید و بعـداً کشف خلاف شود شوهر می‌توانـد عقد را فسخ کند و اگر دخول نکرده، مهری برای زن نیست و اگر قبل از آگاهی بر عیب دخول کرده است تمام مهر بر او لازم است و می‌تواند آن را از تدلیس‌کننده بگیرد و اگر تدلیس‌کننده زن باشد مهر او ساقط است.

سؤال ۷۰۵- اگر زن بعد از عقد بفهمد همسرش معتاد است آیا می‌تواند عقد را فسخ کند، تکلیف مهریه چه خواهد شد؟

جواب: اگر زن در موقع عقـد شـرط کنـد که هرگـاه شوهر مثلاـ مسـافرت نمایـد یا معتاد به موادّ مخـدر گردد یا خرجی او را نـدهد اختیار طلاق با او باشد این شرط باطل است ولی هرگاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هرگاه این کارها را انجام دهد خود را مطلّقه کند این وکالت صحیح است و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

زنانی که ازدواج با آنها حرام است

اشاره

سؤال ۷۰۶- آیا ازدواج غیر سیّد با زن سیّده جایز است؟ چون بعضـی معتقدند که در ازدواج کفو بودن شـرط است و سیّده با غیر سیّد کفو نیست و ثانیاً اگر احتمال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۱

درگیری باشد حکم مسأله چیست؟

جواب: جایز می‌باشد و در زمان ائمّه معصومین (علیهم السلام) فراوان بوده است ولی اگر خطر درگیری باشد از آن صرف نظر کنید.

سؤال ۷۰۷- آیا ازدواج مرد شیعه با دختر یهودی و نصرانی و ارمنی و سایر اهل کتاب جایز است؟

جواب: تنها ازدواج موقّت جایز است.

سؤال ۷۰۸- آیا ازدواج مردان سنّی با دختران شیعه جایز است؟ ازدواج مرد شیعه با دختر سنّی چطور؟

جواب: در صورتی که خوف انحراف نباشد مانعی ندارد ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی باشد جایز نیست.

سؤال ۷۰۹- اخیراً از چند تن از علما پرسیده‌اند که آیا ازدواج پدر، با مادر زن فرزند خویش شرعاً جایز است؟ ایشان گویا فرموده‌اند: جایز نیست، نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: جایز است و کسی قائل به حرمت نیست.

سؤال ۷۱۰- شخصی با پسری لواط کرده است ولی شک دارد که در زمان این عمل بالغ بوده یا نه، آیا ازدواج او با خواهر یا دختر یا مادر آن پسر جایز است؟

جواب: در صورتی که فاعل، مشکوک البلوغ باشد، خواهر و مادر و دختر آن پسر بر او حرام نمی‌شود.

سؤال ۷۱۱- دختری در ایّام عقد با یک نفر زنا کرده است، شوهرش که فعلا صورت عقدش معلوم نیست، او را طلاق داده و بعد از طلاق، زانی این دختر را عقد کرده است آیا این عقد شرعاً درست است؟

جواب: در صورتی که عقد قبلی با رضایت انجام شده و صحیح بوده و زنا با زن شوهردار واقع شده، آن دختر بر زانی حرام ابدی است (بنابر احتیاط واجب).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۲

سؤال ۷۱۲- آیا ازدواج با صوفیه جایز است؟

جواب: صوفیه فرقه‌های مختلفی دارند و عقاید آنها مختلف است، بعضی از نظر عقیده منحرفند و بعضی منکر ضروریات دین هستند در حالی که بعضی دیگر چنین نیستند و فقط انحرافات جزئی دارند، بنابراین هرکدام را جداگانه باید سؤال کرد تا جواب داده شود.

سؤال ۷۱۳- آیا ازدواج با دختری که به ظاهر مسلمان است ولی اهل نماز نیست، مثل ازدواج با کافر است؟

جواب: این ازدواج جایز است ولی باید تدریجاً او را دعوت به انجام واجبات نمود.

سؤال ۷۱۴- اگر مردی با زنی که در عدّه است از روی جهل به مسأله، عقد دائم یا موقّت بخواند، آیا این زن بر او حرام ابدی می‌شود؟ حکم صورت عمد را نیز بیان فرمایید؟

جواب: در دو صورت حرام ابدی می‌شود یکی آن‌که ازدواج و دخول کند هرچند از روی جهل باشد دوّم آن‌که آگاهانه ازدواج کند، هر چند دخول ننماید.

سؤال ۷۱۵- آیا جایز است خواهرزاده زن مطلقه‌ای را که در عدّه طلاق رجعی است بدون اجازه خاله مطلقه‌اش صیغه کرد؟

جواب: بدون اذن او جایز نیست، مگر بعد از گذشتن عدّه.

محارم

سؤال ۷۱۶- چه مدرکی برای محرمیّت دایی جز شهرت فتوایی وجود دارد؟

جواب: این مسأله صریحاً در آیه ۲۳ سوره نساء آمده است، آنجا که می‌فرماید: (وَ بَنَاتُ الأخ وَ بَنَاتُ الأُخْتِ) مسلّماً هنگامی که

دختر خواهر به شخصی محرم باشد دایی هم با او محرم می‌شود زیرا از یک طرف دختر خواهر است و از یک طرف دایی.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۳

سؤال ۷۱۷- آیا عروس زوجه انسان (یعنی زوجه فرزندی که آن زن از شوهر دیگر دارد) بر او محرم است؟

جواب: تنها عروس خود انسان یعنی همسر پسرش بر او محرم است نه عروس همسرش.

سؤال ۷۱۸- اگر زید زنش را طلاق دهد و آن زن بعد از طلاق و عدّه، با فردی دیگر ازدواج کند و از این ازدواج دختری متولّد شود، آیا زید می‌تواند بعد از رسیدن آن دختر به سنّ ازدواج با او ازدواج کند؟

جواب: دختر زن انسان از شوهر دیگر با او محرم است (به شرط دخول با آن زن) و فرقی میان دخترانی که قبل از نکاح و بعد از طلاق متولّد شده‌اند نیست.

سؤال ۷۱۹- مردی زنی را برای مدّت کوتاهی صیغه کرده، بعد از انقضای مدّت، محرمیّت بین مرد با دختر زنی که صیغه شده باقی است- چه زن زنده باشد یا فوت کرده باشد- آیا نسبت به دختر دختر این زن و همچنین هر چه پایین رود، نیز محرمیّت باقی است؟

جواب: چنانچه با آن زن نزدیکی کرده باشد دختران آن زن مطلقاً بر او حرامند.

سؤال ۷۲۰- اگر زنی که شوهر او مرده است و از او پسران و دخترانی دارد با مرد دوّمی ازدواج کند آیا شوهر دوّم به پسران و دختران این خانم محرم است؟

جواب: شوهر دوّم پس از عروسی با آن زن نسبت به دختران آن زن از شوهر اوّل محرم است و امّا نسبت به پسران محرمیّت مفهومی ندارد.

سؤال ۷۲۱- شخصی با همسر شهیدی که دارای یک دختر است، ازدواج کرده، آیا این دختر بر پدر این آقا (پدر بزرگ) محرم است، اگر نیست راه محرم شدن چیست؟

جواب: نامحرم است، ولی هرگاه آن پدر فرزند دیگری داشته باشد و صیغه شرعی این دختر را با آن فرزند بخوانند، حکم عروس او را پیدا می‌کند و بر او محرم می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۴

سؤال ۷۲۲- مردی دارای دو زن است و از هر دو دارای اولاد است و می‌دانیم که اولاد پسر و اولاد اولاد پسر این زن با آن زن محرمند، اینک سؤال این است که آیا اولاد دختر آن زن (نوه دختری زن اوّل) نیز به زن دیگر محرم می‌باشند؟

جواب: نوه‌های پسری و دختری همه با آن زن محرمند، زیرا زن پدر و زن جد جزء محارمند.

سؤال ۷۲۳- گاهی افرادی که صاحب فرزند نمی‌شوند، دختری از پرورشگاه می‌گیرند، آیا راهی برای محرم شدن او بر پدر خوانده وجود دارد؟

جواب: هرگاه آن مرد پدری داشته باشد و این دختر به ازدواج موقّت او درآید بر این مرد و فرزندان او محرم می‌شود و اگر پسرانی از همسر دیگر دارد صیغه موقّت دختر را برای خودش بخواند تا برای پسرانش محرم شود ولی در این صورت نسبت به خودش بعد از پایان مدّت عقد موقّت، محرم نخواهد بود.

سؤال ۷۲۴- شخصی پس از فوت همسرش دوباره ازدواج کرده و مادرزن اوّل او نیز دوباره ازدواج کرده است، آیا هنوز با مادر زن اوّل محرم است؟ در صورت طلاق چطور؟ اگر پسر کسی بمیرد و عروس او شوهر دیگری کند یا عروسش طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند، آیا بازهم به پدر شوهر اوّل محرم است؟

جواب: مادر زن در هر حال محرم است و عروس هم در هر حال به پدر شوهر محرم است.

سؤال ۷۲۵- مردی دارای دو زن است و از هر زنی چند دختر دارد همه دخترها را شوهر داده، آیا شوهران این دختران به زن دیگر

آن مرد محرمند؟ و آیا فرزندان و نوه‌ها چه از این دختران و چه از آن دختران، نسبت به زنهای دیگر آن مرد محرمند؟

جواب: بچه‌ها و نوه‌ها به مرد و زن محرمند ولی داماد یک زن به زن دیگر محرم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۵

سؤال ۷۲۶- آیا مادر زن دوّم به پسر زن اوّل محرم است؟

جواب: محرم نیست.

سؤال ۷۲۷- در صورتی که زن اوّل از شوهر اوّلی خود (غیر از شوهر فعلی) پسری داشته باشد، تکلیف این پسری که از شوهر قبل بوده است با زن و مادر زن شوهر دوّم چیست؟

جواب: محرم نیستند.

سؤال ۷۲۸- زنا در عدّه عقد موقّت چه حکمی دارد؟ آیا موجب حرمت ابدی می‌شود؟ فتوای امام (قدس سرّه) در این مورد چیست؟

جواب: زنا در عدّه متعه مسلّماً حرام است، ولی موجب حرمت ابدی آن زن نمی‌شود بنابراین اجرای صیغه عقد پس از گذشت عدّه اشکال ندارد و فتوای امام (رحمه الله) در تحریر الوسیله و توضیح المسائل نیز همین است.

احکام عقد دائم

سؤال ۷۲۹- مهریّه‌هایی که مثلا ۵۰ سال پیش صد تومان بوده، آیا اکنون همان مقدار بر عهده زوج است یا اینکه باید قدرت مقدار خرید صد تومان در ۵۰ سال پیش به عنوان مهریه محاسبه شود؟

جواب: باید مصالحه کنند یا بر طبق قیمت امروز بپردازد.

سؤال ۷۳۰- آیا زن می‌تواند در منزل وظایف خود را انجام ندهد مثلا غذا نپزد، خانه را مرتب نکند؟ آیا مرد می‌تواند زن را مجبور به انجام اینگونه امور بنماید؟

جواب: حق ندارد او را مجبور کند، مگر این که زن با میل خود این کارها را انجام دهد.

سؤال ۷۳۱- اگر زنی مهریّه خود را مهر السّنه قرار دهد، آیا معادل آن را طلب دارد یا مهر المثل را؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۶

جواب: چنانچه طرفین می‌دانسته‌اند که مهر السّنه طبق مشهور پانصد درهم (نقره) است اشکالی ندارد و باید با پول رایج حساب کنند، اما اگر هر دو یا یکی آگاه نبوده‌اند احتیاط آن است که در مورد مقدار مهر با هم مصالحه کنند.

سؤال ۷۳۲- مهر السّنه چیست و ارزش فعلی آن چقدر است؟

جواب: مهر السّنه طبق مشهور پانصد درهم نقره است و قیمت دقیق آن را می‌توانید از زرگرها سؤال کنید.

سؤال ۷۳۳- هرگاه زن جز به گرفتن مهر، حاضر به تمکین نباشد و شوهر قادر بر ادای مهر نباشد و در عین حال می‌گوید: طلاق نمی‌دهم و تا پایان عمر نفقه می‌دهم حکم این مسأله چیست؟

جواب: اولاً؛ زن حق دارد قبل از تمکین، مطالبه مهر کند، حتّی اگر شوهر قدرت پرداخت مهریه را نداشته باشد.

ثانیاً؛ اگر شوهر مهر ندارد باید نفقه را بدهد.

ثالثاً؛ اگر این امر مدّتها ادامه یابد و باعث ضرر و زیان زوجه یا عسر و حرج شدید او شود حاکم شرع مرد را وادار به طلاق می‌کند و اگر طلاق نداد حاکم شرع طلاق می‌دهد و نصف مهر بر ذمّه زوج می‌ماند تا وقتی که قدرت پرداخت پیدا کند.

سؤال ۷۳۴- مردی ازدواج کرده ولی هنوز دخول نکرده است امّا زن از طریق انزال در محل باردار شده است وضعیت مهر بعد از

طلاق چگونه خواهد بود؟

جواب: هرگاه مرد سبب باردار شدن زن شده است احتیاط واجب آن است که تمام مهر را بدهد، هرچند دخول نکرده باشد.

سؤال ۷۳۵- اگر زن دائمی شرط کند که هفته‌ای فقط یکی دو بار تمکین کند، آیا این شرط صحیح است؟

جواب: چنانچه طرفین به این شرط راضی شده باشند این شرط صحیح است.

سؤال ۷۳۶- آیا این شرط که همسر آینده کارهای معمولی منزل را انجام دهد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۱۷

صحیح است و در صورتی که به شرط عمل نکرد حکم آن چیست؟

جواب: هرگاه شرط کنند، این شرط لازم‌الاجراست و در صورت تخلّف احتیاط این است که زن هزینه آن را بپردازد.

سؤال ۷۳۷- چند نفر به زنی به اجبار تجاوز کرده‌اند:

الف) آیا هرکدام باید جداگانه یک مهر المثل بپردازند یا همه یک مهر المثل می‌دهند؟

ب) هرگاه تجاوز از یک نفر چند بار واقع شود آیا مهر المثل نیز تکرار می‌شود؟

جواب: الف) هرکدام باید مهر المثل جداگانه بپردازند.

ب) هرگاه تکرار شود ظاهراً یک مهر بیشتر ندارد مگر اینکه مهر را بپردازد و مجدّداً تجاوز کند.

سؤال ۷۳۸- آیا در عقد نکاح دائم می‌توان شرط کرد که نزدیکی زن و مرد صورت نگیرد؟

جواب: در عقد دائم خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۳۹- مهر السّنه که پانصد درهم می‌باشد، یک درهم آن معادل چند گرم می‌باشد؟

جواب: هر درهم در حدود ۵/ ۲ گرم می‌باشد بنابراین پانصد درهم در حدود ۱۲۵۰ گرم می‌شود به طور تقریب.

سؤال ۷۴۰- چون درهم سکّه‌دار این زمان وجود ندارد، آیا مبنای قیمت مهر السّنه نرخ نقره عمومی می‌باشد؟

جواب: در شرایطی که درهم سکّه‌دار وجود ندارد باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره موجود سکّه‌دار و رایج بود چه اندازه به قیمت آن افزوده می‌شد اضافه قیمت را به طور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیفزاییم و از آنجا که این حکم یک حکم استحبابی است محاسبات تقریبی در آن ضرر ندارد.

سؤال ۷۴۱- غالب فقهای شیعه فرموده‌اند زوجه حق دارد مهر غیر مؤجّل را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۱۸

مطالبه و قبل از دخول می‌تواند از تمکین تا گرفتن مهر امتناع نماید و نیز فرموده‌اند در صورت بذل تمکین به فرض دریافت مهر (تمکین تعلیقی) استحقاق نفقه نیز دارد. آیا حقّ امتناع زوجه از تمکین مختص به دخول است یا شامل سایر استمتاعات و یا اطاعت از زوج در امور لازم (از قبیل اقامت در منزل شوهر یا مسافرت با رضایت وی) نیز می‌گردد به نحوی که اگر در این امور از شوهر اطاعت نکند ناشزه محسوب می‌شود؟

جواب: ظاهر این است که زن می‌تواند بدون گرفتن مهر معجّل خود را مطلقاً تسلیم شوهر نکند و در این مدّت بر زوج واجب است نفقه او را بدهد.

سؤال ۷۴۲- اگر بین طرفین در این جهت اختلافی حاصل شود و زوجه مدعی تمکین تعلیقی بشود و زوج اظهار نماید که همسرش اهل تمکین حتّی در صورت دریافت مهر نیست و قراینی هم در حدّ افاده احتمال بر صحّت اظهارات زوج وجود داشته باشد آیا به صرف ادّعای زوجه، شوهر ملزم به پرداخت نفقه می‌گردد و یا اینکه فصل خصومت باید از طریق اقامه بیّنه و یمین به عمل آید و بنابراین چه کسی مدعی و یا منکر شناخته می‌شود؟

جواب: هرگاه ظاهر حال زوجه‌ای که نزد مرد زندگی می کند تمکین می‌باشد و شوهر ادعای خلاف آن را کند باید ثابت نماید و اگر ظاهر حال عکس آن باشد ادّعای زوج مقبول است.

سؤال ۷۴۳- در تحریر الوسیله و کتابهای فقهی دیگر مذکور است که اگر پدر برای طفل صغیر خود عیال اختیار کند و طفل فقیر باشد، مهریّه آن زن به عهده پدر طفل می‌باشد حال اگر پدر برای فرزند کبیر خود که ناقص عقل و گوش و زبان می‌باشد و قادر نیست هزینه زندگی خود و همسرش را تأمین کند، عیال اختیار کند مهریّه و نفقه این زن بر عهده چه کسی می‌باشد؟

جواب: ظاهر این است که نفقه بر پدر است و اگر مهر نقدی باشد آن هم بر پدر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۹

است و در صورتی که بر ذمه زوج باشد می‌توان انتظار بهبودی مجنون را کشید و اگر بهبود نمی‌یابد بر عهده پدر است.

سؤال ۷۴۴- زن و مردی و یا اولیا و بزرگان آنها قراردادی بین خودشان می گذارند، مهریّه را هم تعیین می‌نمایند، سپس مبلغ دویست هزار تومان از مهریّه نقداً داده می‌شود و بقیّه بر ذمّه زوج می‌باشد و ارتکاز عرفی بر این است که پس از انجام مراسم عروسی زوجه می‌تواند مطالبه نماید و زوج هم باید عند القدره بپردازد همان طوری که علمای گذشته در عقدنامه‌ها می‌نوشتند (فلها المطالبه بشرط التمکین و له الاداء عند القدره و الامکان) ولی در این زمان دفاتر رسمی ازدواج بنای مذکور را در نظر نگرفته و می‌نویسند که زوج باید عندالمطالبه پرداخت نماید و روی این اصل وقتی که اختلافی در بین آنها واقع می‌شود زن می گوید مادامی که شوهر مهریه را نقداً نپردازد حاضر به تمکین نخواهد شد باید نفقه او را هم بدهد آیا زوجه چنین حقّی را دارد؟

جواب: در صورتی که شرط شده باشد مهریه را عند المطالبه بپردازد زن حقّ مطالبه مهر را دارد و اگر عدم تمکین به استناد عدم پرداخت مهریّه باشد حقّ نفقه نیز دارد و اگر شرط شده باشد و یا قرینه از جهت عرف و عادت وجود داشته باشد که عند القدره و الاستطاعه بپردازد در صورت عدم توانایی شوهر، زن حقّ مطالبه ندارد و اگر تمکین ننماید حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۷۴۵- در فرع مذکور اگر زن حقّ امتناع از تمکین داشته باشد تا مهر به وی تسلیم شود اگر زن جهت استمتاعات به غیر از مقاربت تسلیم شده و مدّتی خود را در اختیار زوج قرار دهد این امر باعث از بین رفتن حقّ امتناع زوجه می‌شود یا این که فقط تسلیم و تمکین تام مسقط است؟

جواب: تمکین تام مسقط است.

سؤال ۷۴۶- برادر این جانب ده سال پیش (سال ۶۴) ازدواج نمود و بابت مهریّه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۰

عقدنامه چنین نوشته شده است: یک جلد کلام اللّه مجید به هدیّه پنج هزار ریال به انضمام یکصد و ده کیلوگرم نمک طعام به ارزش چهار هزار ریال و یک صد گرم ابریشم خالص سبز به ارزش یک هزار ریال و دویست و بیست و پنج گرم طلای خوب و معمول بازار به ارزش فعلی نهصد هزار ریال و تعداد هفتصد (۷۰۰) سکّه طلای بهار آزادی به ارزش فعلی بیست و چهار میلیون و پانصد هزار ریال که جمعاً بیست و پنج میلیون و چهارصد و ده هزار ریال می‌شود. به طوری که ملاحظه می‌فرمایید مهریّه فوق تماماً به پول تبدیل گردیده است و قصد و نیّت زوج در زمان عقد همان مبلغ ذکر شده بوده است که توسط عاقد قرائت گردیده و مورد توافق و امضا قرار گرفته است اکنون زن مهریّه خود را بر اساس قیمت روز طلب می‌نماید آیا حقّ با زن است یا شوهر؟

جواب: اگر موقع اجرای صیغه عبارت به همین صورت خوانده شده و قیمت هر یک از این امور بیان شده است مهریّه واقعی همان مبلغ ذکر شده می‌باشد ولی اگر به طور یقین ثابت شود که شوهر قصد قیمت داشته و زن قصد سکه نه قیمت، مهریّه مذکور باطل می‌شود و باید مهر المثل داده شود.

سؤال ۷۴۷- حقیر بدون اطّلاع از مرام بهائیت به ازدواج مردی بهایی با اجرای صیغه عقد اسلامی درآمدم و بعد از چند سال زندگی

همسرم فوت کرد، در وقت اجرای صیغه قطعه زمینی به عنوان مهریّه به این جانبه تحویل شد که بعد از انقلاب چون همه املاك آنها را دولت تصرّف نمود ملك این جانبه نیز همراه آنها به تصرّف دولت درآمد آیا این جانبه ذی حق هستم تا مطالبه حقّ کنم و آیا مهر مذکور ثابت است؟

جواب: شما به اندازه مهر المثل در اموال آن مرد حق دارید.

سؤال ۷۴۸- الف) دختر خانمی مهریّه‌اش هم معجّل بود و هم مؤجل، مقدار معجّل را در مجلس عقد دریافت نمود و در مؤجل، زمان خاصّی معیّن نشد ولی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۱

قراین حالیه و مقالیه مثل اینکه داماد از قبول کردن مهریّه سنگین امتناع داشت ولی پدر دختر گفت مهریّه را کی داده و کی گرفته، به دست می‌آید که موقع پرداخت، بعد از عروسی است امّا الآن دختر به تحریك والدین اصرار بر دریافت مؤجّل نیز دارد آیا دختر و یا والدین او حقّ امتناع از عروسی را قبل از پرداخت باقیمانده مهریه دارند؟

جواب: هرگاه قراینی وجود داشته که مؤجل را با فاصله قابل ملاحظه‌ای بپردازند دختر نمی‌تواند از عروسی امتناع کند.

ب) داماد قبل از عروسی برای خانم خود مقدار قابل توجّهی وسایل زینتی از قبیل طلا و غیره به عنوان هدیه گرفته است به فرض این که دختر حاضر به عروسی نشود آیا داماد حقّ مطالبه آن وسایل زینتی را دارد و آیا استفاده دختر بعد از اطّلاع از عدم رضایت داماد از آن زینت آلات جایز است؟

جواب: حق دارد، و تصرّف در آن از سوی دختر در فرض مسأله جایز نیست.

ج) اگر مهریّه سیصد هزار تومان و نصف مایملك داماد باشد آیا این مهریّه باطل نیست؟

جواب: این مهریّه مجهول و باطل است و به جای آن باید مهر المثل بپردازد.

سؤال ۷۴۹- آیا زن می‌تواند بدون کسب اجازه از همسرش از منزل خارج و با افراد یا خانواده‌هایی رفت و آمد داشته باشد و یا در جلسات مذهبی شرکت کند؟

جواب: باید با رضایت همسرش باشد.

سؤال ۷۵۰- آیا زن می‌تواند به دلیل آن‌که به من تهمت زده‌ای و یا آبروی مرا پیش دوستان و نزدیکان با سخنان تهمت‌آمیز برده‌ای خود را بر شوهر رسمی و شرعی خود حرام کند و با دیدنش در حجاب شود و از او تمکین عام و خاص نکند؟ اگر چه شوهر بارها به پاکی او اعتراف و از او به نحوی دلجویی کرده باشد؟

جواب: زن حق ندارد به این اعذار از تمکین خودداری کند و اگر شوهر به او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۲

تهمت زده، باید نزد حاکم شرع برود و مجازات او را بخواهد، مگر این که زن او را ببخشد.

سؤال ۷۵۱- آیا بین باکره و زنان دیگر در این مورد که دخول باعث مهر کامل و عدم دخول باعث تنصیف مهریه می‌شود فرقی هست؟

جواب: فرقی میان باکره و غیر آن نیست.

سؤال ۷۵۲- شخصی دختر خود را شوهر می‌دهد، چه مسائلی را انجام می‌دهند که شوهر قدرت آمیزش خود را از دست می‌دهد به گونه‌ای که منجر به طلاق می‌شود، بعد از عدّه، پدر دخترش را به عقد مرد دیگری درمی‌آورد که این شوهر نیز به سرنوشت مرد اوّل گرفتار می‌شود ولی وقتی به دکتر مراجعه می‌کند دکتر او را سالم تشخیص می‌دهد در عین حال دارو اثر نمی‌بخشد پدر دختر مبلغ ۳۱۰ هزار تومان برای طلاـ و جهیزیّه گرفته و پنجاه هزار تومان خرج عروسی کرده و صد هزار تومان مهریه دختر قرار داده

است، اگر شوهر طلاق بدهد حق دارد پول و مصرف را پس بگیرد؟ حکم مهریه چیست؟

جواب: هرگاه دخول صورت نگرفته باشد باید نصف مهر را بدهد و اموالی که خریده است قابل بازپس گرفتن نیست. در مورد جهیزیّه و طلا هرگاه جزء مهریه بوده باید نصف آن را به زن بدهد و اگر جزء مهریه نباشد آن چه موجود است را می‌تواند بازپس بگیرد.

ازدواج موقّت

سؤال ۷۵۳- عقد موقّت دوشیزه بدون اذن پدر چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که با اجازه پدر باشد.

سؤال ۷۵۴- عقد موقّت از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: ازدواج موقّت یکی از احکام مسلّم فقهی است، شرح بیشتر را در کتاب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۳

ما به نام «این است آیین ما» و همچنین در جلد ۳ تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۴ سوره نساء مطالعه کنید.

سؤال ۷۵۵- شخصی زن جوانی را متعه کرده و با اقرار خود مواقعه نیز انجام شده و زن مزبور پس از آن، وضع حمل کرده و طفل را به مرد متمتّع نسبت می‌دهد ولی مرد منکر الحاق ولد به خود می‌باشد آیا قسم به نفی ولد از طرف مرد در این صورت مشروعیّت دارد؟

جواب: چنانچه مرد اقرار به مواقعه دارد ولد به او ملحق است و با قسم از او نفی نمی‌شود.

سؤال ۷۵۶- آیا مرد مسلمانی که همسر مسلمان دارد می‌تواند زن ذمّی را به عقد موقّت خود درآورد؟

جواب: متعه ذمّی بر مسلمان بدون اجازه همسر مسلمانش کراهت دارد.

سؤال ۷۵۷- اگر شخصی با زن بی‌شوهری ازدواج موقّت کند و این زن به برادرش اطّلاع ندهد، آیا این کار خیانت به برادر محسوب می‌شود؟ در صورتی که برادر با این ازدواج مخالف باشد و زن شرایط ازدواج موقّت را داشته باشد آیا این ازدواج جایز است؟

جواب: اجازه برادر معتبر نیست و اطّلاع ندادن به او خیانت محسوب نمی‌شود ولی مشورت با او مناسب است.

سؤال ۷۵۸- مردی زنی را به عقد موقّت خود در می‌آورد در بین مباشرت با آن زن شک می‌کند که آیا او از زنانی است که زیاد صیغه می‌شود و عدّه نگه نمی‌دارد یا نه، آیا تحقیق واجب است؟

جواب: سؤال و تحقیق از زن واجب نیست.

سؤال ۷۵۹- آیا متعه اهل کتاب و کافر جایز است؟

جواب: متعه اهل کتاب جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۴

سؤال ۷۶۰- در صورت جایز بودن متعه اهل کتاب در کشورهای غربی آیا باید صیغه عقد به زبان عربی خوانده شود یا همان توافق بین ۲ نفر بر سر زمان و مهریّه (در قالب هدیه) کفایت می‌کند؟

جواب: در صورتی که آشنا به عربی نباشد به هر زبانی جایز است ولی باید به آنها تفهیم گردد که عقد ازدواج در اسلام دو نوع است که یک نوع آن عقد موقّت است که در برابر آن هدیه‌ای پرداخت می‌شود.

سؤال ۷۶۱- این جانب به مدّت ده سال به عقد موقّت مردی درآمدم این آقا مدّت سه سال است که رفته و من هیچ خبری از او

ندارم به دادگاه مدنی هم مراجعه کردم ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفتم. خواهشمندم که مرا آزاد کنید زیرا من شرایط ازدواج موقّت را نمی‌دانستم و کسی را هم ندارم و کاری هم ندارم که زندگیم را اداره کنم؟

جواب: هرگاه به تشخیص حاکم شرع، شما در عسر و حرج شدید باشید و راه حل نداشته باشید و دسترسی به شوهرتان نیز نباشد، می‌تواند باقیمانده مدّت را به شما ببخشد سپس عدّه نگهدارید و بعد شوهر کنید.

سؤال ۷۶۲- این جانب یکی از جانبازان انقلاب اسلامی هستم که از گردن به پایین فلج هستم و به هیچ وجه قادر به انجام کارهایم نیستم با توجّه به این که یکی از خواهران راضی است که جهت رضای خدا همه کارهایم غیر از مسائل جنسی را انجام دهد آیا راهی برای محرمیّت ما وجود دارد؟

جواب: هرگاه صیغه عقد موقّت آن دختر (هر چند برای مدّت کوتاهی) برای پدر شما خوانده شود شما برای همیشه به او محرم خواهید شد، البتّه مانند محرمیّت مادر و خواهر نه محرمیت همسر.

سؤال ۷۶۳- اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقّت با همدیگر رابطه شرعی داشته باشند در صورتهای زیر چه شرایطی معتبر است:

الف) اگر رابطه صرفاً رابطه متعارف شغل یا تحصیلی باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۵

ب) اگر رابطه صرفاً به خاطر استمتاع جنسی بدون دخول باشد.

ج) اگر رابطه به خاطر آمیزش جنسی (دخول) باشد.

جواب: عقد موقّت یک نوع بیشتر نیست و همه این آثار در آن جمع است مگر این که در ضمن عقد شرط کنند که آمیزش جنسی نباشد و در هر حال بنابر احتیاط واجب اذن پدر شرط است.

سؤال ۷۶۴- اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقّت رابطه متعارف شغلی یا تحصیلی داشته باشند (بدون استمتاع جنسی و دخول) مستدعی است در دو فرض زیر حکم اجازه پدر دختر را بیان کنید.

الف) امکان دسترسی به ولیّ دختر نیست و فرضاً ایجاد رابطه شرعی، ضروری و فوری است.

ب) امکان دسترسی هست امّا ولیّ دختر بدون منطق مخالفت می‌کند و اصلا رضایت نمی‌دهد.

جواب: در هر صورت احتیاط واجب استیذان از ولیّ است، در ضمن تجربه نشان داده است که این رابطه‌ها مخصوصاً در جوانها معمولا در یک حد محدود و معیّنی ثابت نمی‌ماند و تدریجاً توسعه می‌یابد و مایه مشکلات فراوانی می‌شود.

سؤال ۷۶۵- کسی که قصد ازدواج موقّت دارد آیا می‌تواند بدون اطّلاع ولیّ دختر از او خواستگاری کند؟ در دو صورت باکره بودن و بیوه بودن زن، حکم آن را بیان فرمایید.

جواب: خواستگاری در هر صورت مانعی ندارد، ولی جاری کردن صیغه عقد بدون اذن ولی در باکره اشکال دارد امّا در بیوه رضایت طرفین برای اجرای صیغه عقد کافی است.

سؤال ۷۶۶- اگر شخصی با ترک ازدواج به حرام بیفتد و امکان ازدواج دائم را ندارد ولی ازدواج موقّت برایش امکان‌پذیر است چه وظیفه‌ای دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۶

جواب: وظیفه او ازدواج موقّت است.

سؤال ۷۶۷- آیا در سقوط حقّ حضانت (حقّ سرپرستی و نگهداری کودک) به وسیله ازدواج مجدّد فرقی بین ازدواج موقّت و دائم هست؟ و در صورتی که زن از شوهر دوّم طلاق بگیرد آیا حقّ حضانت که به خاطر شوهر کردنش ساقط شده بود دوباره

بازمی گردد؟

جواب: در صورت ازدواج حقّ حضانت زن ساقط می‌شود خواه ازدواج دائم باشد یا موقّت، مگر این که مدّت ازدواج موقّت کم و کوتاه باشد که در این صورت ساقط نمی‌شود و هرگاه از شوهر دوّم طلاق بگیرد حقّ حضانت بازنمی گردد هر چند احتیاط مستحب آن است که زوج و زوجه در این مورد تراضی و تصالح کنند.

سؤال ۷۶۸- اگر مردی زنی را موقّتاً به مدّت هشتاد سال عقد نماید حکم چه نوع عقدی را دارد؟ اگر شوهر چنین زنی مدّت چهار سال یا بیشتر مثلا در خارج زندگی نماید و زن زنا کند آیا حکم زنای محصنه را دارد؟

جواب: عقد مزبور عقد موقّت است و در فرض مسأله زنای محصنه نیست.

سؤال ۷۶۹- زوج در حال عصبانیّت و ناراحتی و اختلاف با زوجه موقّت خود، ابرای مدّت و زمان عقد می‌نماید ولی بلافاصله نادم و پشیمان می گردد آیا زوجه با این ابرا می‌تواند با دیگری ازدواج نماید و یا ابرا صحیح نیست و زوجیّت باقی است؟

جواب: اگر در حال عصبانیّت عقل و شعور خود را از دست داده ابرای مدّت صحیح نبوده امّا اگر این کار را از روی شعور و عقل کرده هرچند عصبانی بوده ابرا صحیح بوده است.

سؤال ۷۷۰- دختری با مردی برخورد و تماس داشته است، مثلا در یک مکان با یکدیگر کار می کرده‌اند و یا تحصیل می‌نموده‌اند، آن مرد این دختر را جهت محرمیّت و عدم وقوع در گناه، بدون اذن پدرش به عقد موقّت خود درآورده هر چند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۷

به صرف محرمیّت اکتفا نشده و تقبیل و لمس انجام داده‌اند با توجّه به این مقدّمه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این دو گناهکارند و مرتکب معصیت گردیده‌اند؟

ب) آیا مادر دختر به این مرد محرم شده است؟

جواب: الف) چنین عقدی خالی از اشکال نیست و به صورت نامحرم با یکدیگر رفتار کنند و برای رعایت احتیاط مرد باقیمانده مدّت را ببخشد.

ب) در مورد مادر هم باید احتیاط کند.

سؤال ۷۷۱- آیا برای مردی که همسر دائم دارد ازدواج موقّت جایز است؟ (حکم مسأله را در صورتی که همسر دوّم در همان محل زندگی همسر دائم یا در محل دیگری زندگی کند بیان فرمایید).

جواب: اشکالی ندارد، لکن فقط در صورت ضرورت این کار را بکند.

احکام نگاه کردن

سؤال ۷۷۲- آیا دیدن فیلمهای خارجی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود و خانمهای بدون روسری و چادر در آن بازی می کنند جایز است؟

جواب: هرگاه موجب مفاسد خاصّ و انحرافات اخلاقی نشود اشکال ندارد.

سؤال ۷۷۳- آیا دیدن فیلمهای ایرانی که خانمهای ایرانی با روسری در آن بازی می کنند جایز است؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۷۷۴- شغل بعضی از خانمها ذکر توسّل به اهل بیت (علیهم السلام) در مجالس زنانه است، گاهی از اوقات در زمانی که مشغول روضه‌خوانی هستند مرد و یا بچه‌هایی که خوب و بد را می‌فهمند وارد حیاط آن خانه می‌شوند و صدای این خانم را می‌شنوند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۲۸

حکم این قبیل روضه‌خوانیها چیست؟

جواب: در این مورد که نوشته‌اید، صدای خود را آهسته‌تر کند و یا بدون تکیه به صوت بخواند.

سؤال ۷۷۵- نگاه کردن به فیلمهایی که زنهای بی‌حجاب و آرایش کرده در آن بازی می‌کنند و بعضاً از تلویزیون پخش می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که منشأ مفاسد خاصی بشود حرام است.

سؤال ۷۷۶- آیا اشتغال زنان در اداراتی که محلّ مراجعه مردان است جایز است؟

جواب: با رعایت شئون اسلامی اشکالی ندارد.

سؤال ۷۷۷- حجاب مرد را در برخورد با زن نامحرم بیان فرمایید.

جواب: نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولا آن را نمی‌پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پاها و دستها اشکال ندارد.

سؤال ۷۷۸- نگاه کردن به تلویزیون و سریالهای خارجی که به طور بسیار زشت و بی‌حجاب پخش می‌شوند چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به فیلمهای مبتذل که موجب فساد خود انسان یا خانواده‌اش می‌باشد جایز نیست و باید از نگاه کردن به آن خودداری کرد ولی برنامه‌هایی که موجب فساد نمی‌باشد جایز است.

سؤال ۷۷۹- آیا صحیح است در کشور ما که مسلمان هستیم نامحرمها در فیلمها بازی کنند؟

جواب: اگر شئون اسلامی در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۰- آیا ورزشهایی که امروز موجود است بهتر است مسلمانان بازی کنند یا نه؟

جواب: ورزشهایی که مایه قدرت جسمی یا روحی مسلمین می‌شود نه تنها جایز است بلکه در مواردی لازم هم می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۲۹

سؤال ۷۸۱- دیده می‌شود که گاهی تلویزیون شناگران را با بدنهای عریان و یا فیلمهای خارجی، زنان را نیمه‌عریان نشان می‌دهد، دیدن این مناظر چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه دیدن آنها منشأ فساد گردد جایز نیست.

سؤال ۷۸۲- مشاهده فیلمهای ایرانی در خارج و خارجی از سیمای جمهوری اسلامی ایران چه حکمی دارد؟

جواب: مشاهده فیلمهای ایرانی در صورتی که صحنه و آهنگهای نامشروعی در آن نباشد جایز است چه برای کسانی که در داخل هستند یا در خارج و در غیر این صورت جایز نیست و در مورد فیلمهای خارجی چنانچه صحنه‌های نامشروع سانسور می‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۷۸۳- دیدن عکس زنان بدون حجاب غیر مسلمان، بدون لذّت چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه بدون قصد لذّت باشد و منشأ مفاسدی نگردد اشکال ندارد.

سؤال ۷۸۴- آیا تصویر تلویزیون در حکم عکس متحرک است؟

جواب: آری مناظری که در تلویزیون دیده می‌شود حکم عکس متحرک را دارد.

سؤال ۷۸۵- اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد می‌تواند به آن گوش بدهد؟ در این مورد آیا تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

جواب: در صورتی که زن به طور ساده قرآن بخواند مانعی ندارد ولی اگر با آهنگ یا صدای زیبا بخواند گوش دادن مرد اجنبی جایز نیست و نوار و غیر نوار فرقی نمی‌کند.

سؤال ۷۸۶- آیا دست دادن از روی لباس با نامحرم اشکال دارد؟

جواب: تماس از روی لباس بدون قصد ریبه و تلذّذ اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۰

سؤال ۷۸۷- در کلاسهای دانشگاه اساتید مرد و زن تدریس می‌کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که نگاه هوس‌آلود نباشد در مورد وجه و کفّین اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۸- حکم مشاهده دستها و موهای سر و صورت زن، بیش از مقدار شرعی که در هنگام نوشتن روی تخته سیاه ظاهر می‌گردد چگونه است؟ (البتّه به منظور تفهیم استاد و دریافت و درک دانشجویان).

جواب: باید حجاب را طوری مراعات کنند که زاید بر وجه کفّین ظاهر نشود.

سؤال ۷۸۹- نگاه کردن به عکسهای عریان موجود در کتب پزشکی که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است و گاهی ریبه‌آور است، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون قصد لذّت و ریبه اشکالی ندارد و هرگاه چنین حالتی خود به خود حاصل شود تنها در موارد ضرورت و به مقدار ضرورت نگاه کنند.

سؤال ۷۹۰- خنده و شوخی استاد خانم در کلاس درس دانشجویان دختر و پسر به منظور رفع کسالت و خستگی و تجدید روحیّه دانشجویان چه حکمی دارد؟

جواب: رعایت آداب عفّت در کلاس درس واجب است.

سؤال ۷۹۱- گذراندن واحدهای زنان و زایمان برای دانشجویان پزشکی و پرستاری الزامی است آیا این الزام، نگاه کردن به عورت زن را برای آموزش تجویز می‌کند؟

جواب: تنها در صورت ضرورت چنین آموزشی، جایز است.

سؤال ۷۹۲- لمس و تماس دست دانشجوی پسر با دست زن موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است در هر دو صورت ضرورت و غیر ضرورت چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در مورد ضرورت جایز است و اگر امکان داشته باشد که از روی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۱

پیراهن بگیرد مقدّم است.

سؤال ۷۹۳- نگاه به جسد همجنس و غیر همجنس، مسلمان و غیر مسلمان در مقام آموزش پزشکی برای معاینه و کالبدشکافی و تشریح یا پیوند زدن و قطع اعضا چه حکمی دارد؟

جواب: از پاسخ سؤال بالا معلوم شد.

سؤال ۷۹۴- آیا معاینه و لمس افراد غیر بیمار در مقام آموزش پزشکی جهت کنترل سلامتی و استخدام و سربازی و ... در صورتی که همجنس نباشند جایز است؟

جواب: در اموری که برای جامعه ضرورت دارد جایز است.

سؤال ۷۹۵- زن و شوهری با هم عکس گرفته‌اند ولی مرد و زن حجاب کامل و کافی ندارند سپس زن و یا مرد، مرده و یا از هم جدا شده‌اند آیا بعد از فوت و یا طلاق می‌توانند به عکسی که قبلا گرفته‌اند نگاه کنند؟

جواب: در صورت وفات اشکالی ندارد ولی در صورت جدا شدن از هم، نگاه نکنند.

سؤال ۷۹۶- آیا سلام کردن مرد بر زن نامحرم کراهت دارد؟

جواب: کراهت ندارد ولی از بعضی از اخبار استفاده می‌شود که سلام کردن به زن جوان مکروه است.

سؤال ۷۹۷- آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟

جواب: در روایات متعدّدی از این معنا نهی شده و ظاهر بعضی از آنها حرمت است.

سؤال ۷۹۸- آیا خواهران مذهبی می‌توانند در عروسی‌ها و عقدها که نوعاً بدحجاب و آرایش کرده هستند، جلو دوربین قرار بگیرند توسط خواهران عکاس عکس آنها گرفته بشود؟ ناگفته نماند ظاهر کردن چنین عکسهایی به دست مردان نامحرم می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۲

جواب: عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکالی ندارد، مگر این که به دست مردان بیگانه بیفتد و آنها را بشناسند و یا منشأ فساد شود.

سؤال ۷۹۹- اگر انسان همان‌طور که از دیدن یک باغ و گلستان لذّت می‌برد از نگاه کردن به صورت انسان دیگر (مرد یا زن) لذّت ببرد، آیا این کار حرام است و مصداق قصد ریبه و لذّت به حساب می‌آید؟

جواب: غالباً اینگونه نگاه‌ها جنبه لذّت جنسی دارد لذا اشکال دارد.

سؤال ۸۰۰- حنای دست زن را اگر نامحرم ببیند و موجب ریبه نباشد چه صورت دارد؟

جواب: ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۱- چنانچه زن با خود زینت داشته باشد (مانند حلقه ازدواج، یا انگشتری در دست، یا چهره آراسته کرده باشد) آیا واجب است وجه و کفّین را بپوشاند؟

جواب: در مورد حلقه و انگشتر مانعی ندارد ولی در مورد آرایش مشکل است.

سؤال ۸۰۲- آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبّی زیبا برای زنان زینت به حساب می‌آید که پوشش آن لازم باشد؟

جواب: ظاهراً جزء زینت ممنوع نیست.

سؤال ۸۰۳- آمپول زدن زن توسط مرد نامحرم چگونه است؟

جواب: در غیر صورت ضرورت جایز نیست.

سؤال ۸۰۴- آیا گفتگو با زن نامحرم به طور کلّی جایز است؟

جواب: در صورتی که به طور عادی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۵- آیا خواهران دانشجو می‌توانند در مورد امور کلاس یا مسائل علمی در میان برادران دانشجو کنفرانس ارائه نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۳

جواب: هرگاه موازین شرعی در آن رعایت گردد و مفسده خاصّی نداشته باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۶- افعال و مشاغلی برای زن و مرد هست که مستلزم نظر لمس بدن دیگری است مثل دندان پزشکی، زایمان، جراحی و... در این گونه موارد تکلیف چیست؟ و آیا فرقی بین حال ضرورت و غیر آن هست و ملاک ضرورت چیست؟

جواب: اینگونه امور فقط در صورت ضرورت جایز است و معیار ضرورت تشخیص عرف عام و صالح است.

سؤال ۸۰۷- هنگامی که در مراسم صبحگاهی مدرسه یکی از خواهران قرآن را با صوت تلاوت می‌کند دبیران مرد صدای وی را می‌شنوند، آیا به طور کلّی تلاوت قرآن در صورت شنیدن نامحرم توسط خواهران گناه است؟

جواب: اگر با آهنگ باشد اشکال دارد و اگر به طور ساده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۸- خانمی می‌خواهد به تحصیل خود ادامه دهد که بعدها شغل حلالی انتخاب کند ولی فعلا ادامه تحصیل ملازم با این است که با نامحرم رو به رو شود مثلا نزد مرد نامحرم درس بخواند یا این که با مردها در یک کلاس باشند، آیا تحصیل با چنین شرایطی جایز است؟

جواب: هرگاه توأم با امر حرامی نگردد مانعی ندارد، مانند خلوت با اجنبی و مفاسد دیگر.

سؤال ۸۰۹- مراجعه زن به دکتر مرد اگر دکتر حاذق زن نباشد چه حکمی دارد؟ جواب: در مورد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۰- دست دادن زن با مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر ترک این کار است مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۸۱۱- گوش دادن به خنده زن نامحرم اگر موجب مفسده نباشد چه حکمی دارد و در صورتی که مفسده داشته باشد چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۴

جواب: در مواردی که مفاسد خاصّی بر آن مترتب نشود مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۲- نگاه کردن به صورت زنان چادرنشین که معمولا قسمتی از موی سر آنها نیز دیده می‌شود برای مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ توضیح اینکه ایشان به این نوع پوشش عادت کرده‌اند و اگر تذکر داده شود نمی‌پذیرند.

جواب: اگر قصد تلذّذ و ریبه نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۱۳- گاهی دانشجوی پسری در بین عدّه‌ای دانشجوی دختر یا بالعکس درس می‌خواند، آیا درس خواندن بدین صورت جایز است؟

با توجّه به اینکه اگر با این شرایط ادامه تحصیل ندهد متضرّر می‌شود مثل این که دیرتر فارغ التحصیل می‌شود.

جواب: اگر موجب کار حرامی نمی‌شود اشکالی ندارد ولی سزاوار است که مسئولین کشورهای اسلامی برنامه‌ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند.

سؤال ۸۱۴- آیا پوشاندن صورت واجب است با توجّه به این که در محیط درسی کار مشکلی است؟

جواب: وجه و کفّین از حجاب مستثنا هستند و پوشاندن آنها واجب نیست.

سؤال ۸۱۵- امروزه زنهای آرایش کرده در جامعه زیاد ظاهر می‌شوند، آیا نگاه کردن به آنها بدون قصد شهوت جایز است؟ و اگر جایز نیست حکم نگاه غیر عمدی چیست؟

جواب: نگاه غیر عمدی اشکال ندارد و رفت و آمد چنین زنهایی در کوچه و خیابان نمی‌تواند مانع رفت و آمد مردان مسلمان گردد اگر چه بدانند بدون قصد، نگاهشان به آنها می‌افتد.

سؤال ۸۱۶- شخصی در جستجوی ازدواج موقّت است و می‌داند که در فلان مکان با عدّه‌ای از زنانی که برای این امر آماده‌اند رو به رو می‌شود، آیا جایز است که به آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۵

مکان رفته و به آنها نگاه کند و یکی از آنها را انتخاب کند؟

جواب: در صورتی که به قصد ازدواج باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۷- آیا برای زن جایز است که با آرایش و زینتی که جلب نظر می‌کند بدون نیّت سوء از منزل خارج شود؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۸۱۸- در محیطهای دانشگاهی فرانسه، هنگام برخورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر ناگزیر به دست دادن هستیم در غیر این

صورت حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می‌شود، در این صورت مصافحه با زنان غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب: وظیفه شرعی شما دست ندادن است و باید این فرهنگ اسلامی را به آنها فهماند تا مایه حمل بر اسائه ادب نشود.

سؤال ۸۱۹- گفتگو با زن نامحرم در چه صورت جایز است؟

جواب: اگر تلذّذ و ریبه در آن نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۸۲۰- مقدار پوشش زن مسلمان در برابر زنان غیر مسلمان را بیان فرمایید.

جواب: در مورد زنان غیر مسلمان بهتر آن است که بدن خود را در برابر آنها برهنه نکنند هر چند با پوشاندن عورت، ظاهر کردن بقیه حرام نیست.

سؤال ۸۲۱- دیدن فیلمهای ویدئویی که در آن زنها در برابر زنها و مردان در برابر مردان می‌رقصند چه حکمی دارد؟

جواب: مشاهده این فیلمها موجب فساد است و جایز نیست.

سؤال ۸۲۲- آیا برای نمایش صحنه‌های تاریخی، اختلاط زن و مرد مسلمان که در نقش کفّار بازی می‌کنند و همراه با مکالمات مهیِّج شهوت و عاشقانه است، جایز است؟

جواب: بازی کردن در نقش کفّار به منظور اهداف آموزنده مانعی ندارد ولی مکالمات محرّک و شهوت‌انگیز جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۳۶

جواب: هرگاه ترک این کار مظّنه مفاسد و اختلافات مهمّی بوده باشد جایز است در این صورت باید حتّی الإمکان از طبیب زن اگر ممکن است از غیر طریق رؤیت مثلا با استفاده از لمس غیر مستقیم به وسیله دستکش و مانند آن انجام گیرد.

سؤال ۸۲۴- تبعیّت از دستور استادی که مقیّد به فرایض شرعی نیست و با وجود دانشجویان دختر به دانشجویان پسر دستور معاینه زنان بیمار را می‌دهد چه حکمی دارد؟ البتّه تمرّد از دستور استاد ممکن است در نمره قبولی یا رد او دخالت داشته باشد؟

جواب: در این مورد که ضرورت نیست باید به صورت معقولی تمرّد کند مگر این که معاینه زنان برای تکمیل تحصیلات پزشکی لازم باشد (تحصیلاتی که سبب نجات جان زنان می‌شود) که در این صورت جایز است.

سؤال ۸۲۵- منظور از قصد «ریبه» و «تلذّذ» چیست؟

جواب: منظور از ریبه ترس از افتادن در حرام است و منظور از لذّت همان لذّت جنسی است.

سؤال ۸۲۶- چنانچه نپوشاندن وجه و کفّین (صورت و دستها تا مچ) فسادی را برای زن در جامعه به بار آورد، آیا پوشاندن وجه و کفّین واجب می‌شود؟

جواب: در این صورت واجب می‌شود، ولی تا یقین به چنین چیزی نداشته باشد پوشانیدن وجه و کفّین لازم نیست.

سؤال ۸۲۷- گفته می‌شود که زن باید خود را از پسر بچه ممیّز بپوشاند، بفرمایید ممیّز بودن پسر بچه از چه راه و یا راههایی شناخته می‌شود؟

جواب: مستحب است خود را از چنین پسری بپوشاند و منظور از ممیّز این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۳۷

است که راجع به مسائل جنسی آگاه باشد.

سؤال ۸۲۸- آیا مراجعه زن به پزشک مرد در صورتی که بتواند پزشک زن در آن رشته بیابد جایز است؟ با توجّه به این که مستلزم نگاه کردن و معاینه نمودن است.

جواب: در صورتی که مستلزم نگاه به غیر وجه و کفّین یا مستلزم لمس کردن است فقط در صورت ضرورت جایز است و با وجود پزشک زن جایز نیست.

سؤال ۸۲۹– استفاده افراد از برنامه‌های ماهواره‌ای چگونه است، با اینکه بعضی برنامه‌های خوب نیز دارد؟

جواب: استفاده از این برنامه‌ها جایز نیست و برنامه‌های ظاهراً خوب یا بی‌ضرر آن وسیله‌ای است برای سوق دادن به برنامه‌های فاسد، بنابراین نباید مسلمانان از حیله‌های دشمنان اسلام برای نشر فساد در میان مسلمین غافل باشند.

سؤال ۸۳۰– آیا استفاده کودکان از برنامه‌های ماهواره‌ای مجوّز تهیّه و نصب آنتن و استفاده از آن می‌باشد؟

جواب: فرقی در میان کودکان و بزرگسالان نیست و خطر آن برای هر دو مسلّم است.

سؤال ۸۳۱– نظر حضرت عالی در مورد مدارس مختلط پسر و دختر که در مدارس روستایی به لحاظ کمبود محلّ درس انجام می گیرد چیست؟

جواب: در موارد ضرورت با رعایت حجاب اسلامی و موازین شرعی مانعی ندارد، ولی باید کوشش برای جداسازی این مدارس ادامه یابد.

سؤال ۸۳۲– دوختن لباس زنانه توسط خیاط مرد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مستلزم تماس بدنی و محرّمات دیگری نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۸۳۳– نگاه کردن به دختری که قصد ازدواج با او را دارد و برای آگاهی بیشتر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۸

باید به اندام و صورت او نگاه کند و نیز حرف زدن با او چطور است؟

جواب: به مقدار لازم برای شناخت او مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۴– پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چه حکمی دارد؟ اگر حرام است آیا علّت تحریم احتمال معاونت بر اثم است؟ در این صورت، چگونه حکم قطعی می‌آورد و دوّم این که با توجّه به کیفیّت لباس احرام که به مراتب بازتر از پیراهن آستین کوتاه است و استفاده از آن هنگام طواف برای مردان که دوش به دوش زنان طواف می‌کنند الزامی است آیا احتمال معاونت بر اثم در آنجا بیشتر نیست؟

جواب: استفاده از لباس آستین کوتاه برای مردان اشکالی ندارد مگر در مواردی که بدانیم مفاسد خاصّی بر آن مترتّب می‌شود.

سؤال ۸۳۵– پوشیدن لباسهایی که فقط تنه را می‌پوشاند برای بانوان در مقابل بانوان دیگر در مکانهای ورزشی مخصوص بانوان که هیچ مردی حضور ندارد چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله مانعی نیست، مگر در مواردی که مفاسد خاصّی ظاهر گردد.

سؤال ۸۳۶– نگاه کردن به موی سر زنان اهل کتاب بدون قصد لذّت چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به قصد لذت نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۸۳۷– گوش دادن به آواز زن نامحرم برای مرد در صورتی که اشعار مذهبی بخواند و موجب مفسده هم نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۸۳۸– آیا جایز است عکسی که بدون حجاب اسلامی گرفته شده را به عکاس نامحرم برای ظاهر کردن داد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۹

جواب: در صورتی که عکاس صاحب آن عکس را نشناسد و منشأ مفاسد خاصّی نشود مانعی ندارد.

احکام نفقه

سؤال ۸۳۹- مرسوم است که بین ازدواج و زفاف، مادامی‌که زن به خانه شوهر نرفته است از زوج نفقه نمی‌گیرند، بنابراین اگر زوجه پس از مدّتی در مقام مطالبه نفقه آن زمان برآید، آیا حقّ نفقه دارد در صورتی که تمکین تام ننموده است؟

جواب: نفقه ندارد.

سؤال ۸۴۰- آیا زن شوهردار می‌تواند از مال شخصی خود در موارد تبرّع بدون اجازه شوهر استفاده نماید؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۸۴۱- این جانب با خانمی بیوه ازدواج نموده‌ام، نامبرده پسری داشته که از آن زمان تا به حال نزد ما بوده است، با وجود این که این پسر، پدر و پدر بزرگ و مادر بزرگ هم داشته و از نظر مالی متمکّن هستند و من هم که یک کارمند جزء هستم تا به حال با سختی و قرض، نفقه این بچه را داده‌ام و هیچ نوع تعهّد و قراردادی هم نداشته‌ایم، آیا از نظر شرعی و قانونی پدر و پدر بزرگ و مادر بزرگ نامبرده، مدیون نفقه این بچه نسبت به من هستند؟

جواب: هرگاه شما تبرّعاً و بدون قرارداد با پدر او نفقه بچه را داده‌اید نمی‌توانید چیزی از او مطالبه کنید ولی اگر با امر یا اجازه پدر او این کار انجام گرفته، مطالبه نفقه مانعی ندارد.

سؤال ۸۴۲- آیا مادر کودک نامشروع حقّ مطالبه نفقه برای کودکش را از پدر این بچه دارد؟

جواب: چنین مادری حقّ نفقه ندارد ولی نفقه فرزند نامشروع بر پدر واجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۰

سؤال ۸۴۳- آیا بر شوهر لازم است که ماهیانه یا روزانه پولی جهت مخارج همسرش به او بپردازد و در صورت وجوب، آیا شوهر حق دارد مورد مصرف پول را تعیین کند؟

جواب: مانعی ندارد که شوهر به همسرش در تهیّه نفقه وکالت دهد و بر زن لازم است که طبق آن شرط عمل کند. این در صورتی است که شوهر به زن وکالت در تهیّه نفقه بدهد ولی اگر حقّ نفقه را به او واگذار می‌کند زن در مصرف آن مختار است.

سؤال ۸۴۴- خواهر این جانب به نام خدیجه، همسر مردی به نام سهراب بوده است، در زمان حیات خواهرم، شوهرش جهت کارگری و اعاشه به امیرنشین قطر رفت و مدّت ۶ سال تمام نفقه و مخارج خواهرم و دخترشان را شخصاً داده‌ام تا این که خواهرم در منزل ما از دنیا رفت، حتّی مخارج کفن و دفن خواهرم و مخارج خواهرزاده‌ام تا رسیدن به سن بلوغ و ازدواج را بنده پرداخته‌ام، آیا شوهر خواهرم بابت امور مذکور به این جانب بدهکار است؟

جواب: خواهر شما از شوهرش نفقه تمام این مدّت را طلبکار است و جزء ترکه او محسوب می‌شود و شما در صورتی می‌توانید آنچه را داده‌اید از ترکه بردارید که با خواهرتان قرار گذاشته باشید که به عنوان وام نفقه او را می‌دهید، یا قرائن روشنی بر این معنا وجود داشته باشد.

سؤال ۸۴۵- آیا تأمین مخارج پدر و مادر نیازمند، به عهده پسران آنها می‌باشد؟ یا به عهده دخترانی که دارای درآمد باشند نیز می‌باشد؟

جواب: فرقی میان پسر و دختر از این نظر نیست و نفقه پدر و مادر فقیر بر هر دو واجب است.

سؤال ۸۴۶- آیا بر زوج لازم است که آنچه معمولا تمام زنها به آن نیاز دارند را به عنوان نفقه برای زوجه تهیّه کند؟ یا فقط غذا و مسکن و لباس لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۱

جواب: آنچه واقعاً مورد حاجت است و مرد قدرت بر آن دارد بر او لازم است.

سؤال ۸۴۷- آیا هزینه دارو و درمان زوجه مریض با توجه به اینکه مداوای بیماری عرفاً جزء نیازهای اوّلیّه هر انسانی می‌باشد نیز

جزء نفقه زوجه محسوب می‌شود؟

جواب: مداوا در حد متعارف جزء نفقه است.

سؤال ۸۴۸- نفقه ولد الزّنا بر عهده کیست؟

جواب: بر عهده زانی است.

مسائل متفرقه ازدواج

سؤال ۸۴۹- آیا ازدواج خنثای مشکله و غیر مشکله جایز است؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۱، ص: ۲۴۱

جواب: در مورد خنثای مشکل جایز نیست و غیر مشکل اگر وضع او روشن شود جایز است.

سؤال ۸۵۰- شیرینی دختر و پسری را می‌خورند، پسر و بزرگان او هدایایی را برای عروس و خانواده‌اش می‌برند، در صورتی که نامزدی به هم بخورد و یا یکی از پسر و دختر بمیرند، حکم این هدایا چیست؟

جواب: آنچه مصرف نشده باید برگردانند، ولی نسبت به آنچه مصرف شده مدیون نیستند.

سؤال ۸۵۱- ازدواج مرد غیر سیّد با دختر سیّده و بالعکس چه حکمی دارد؟ در صورتی که این کار باعث اختلافاتی بشود وظیفه چیست؟

جواب: مسلّماً از نظر شرع اسلامی اشکال ندارد ولی اگر در مناطقی بر اثر تعصّب یا ناآگاهی مردم منشأ اختلافاتی می‌شود از آن پرهیز نمایید.

سؤال ۸۵۲- اگر عمل به حقّ الحضانه مستلزم عسر و حرج فوق‌العاده نسبت به دیگری باشد مثل اینکه گرفتن فرزند از مادر بعد از دو سال و ردّ به پدر باعث مشقّت غیر قابل تحمّل برای او باشد که این مشقّت اضافه بر اصل مشقّت فراق است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۴۲

که معمولاً متوجّه مادر می‌شود- و یا عمل به حقّ‌الحضانه باعث فساد و انحراف اخلاقی و تربیتی باشد و کودک در معرض فساد قرار گیرد در این صورت آیا بازهم حقّ حضانت ثابت است یا به حکم حرج و فساد ساقط می‌شود؟

جواب: در صورتی که به تشخیص حاکم شرع، فرزند با حضانت پدر در معرض انحراف و فساد قرار می‌گیرد حقّ حضانت او ساقط می‌شود.

سؤال ۸۵۳- معمولا خانواده عروس هدایایی برای دخترشان بعد از عقد و عروسی می‌برند، پس از جدا شدن این عروس و داماد و یا مرگ عروس این هدایا متعلّق به چه کسی است؟

جواب: اگر قرینه خاصّی در کار نباشد ظاهر این است که مال دختر است و پدر جهت احترام به دخترش و آبرومندی او در نزد شوهر به او بخشیده است.

سؤال ۸۵۴- در بین مردم و شیعیان افغانستان مرسوم است که در ازدواج علاوه بر مهریّه، پدر دختر مبلغی پول از داماد می‌گیرد آیا این پول حلال است و اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد؟

جواب: اگر پول مزبور را به صورت شرط ضمن عقد جهت پدر قرار دهند حلال است و با گذشتن سال، خمس آن واجب می‌شود.

سؤال ۸۵۵- پولی را که پدر دختر از داماد جهت جهیزیّه دخترش می‌گیرد در صورتی که از جهیزیّه زیاد بیاید آیا برای پدر دختر

حلال است؟

جواب: اگر به صورت شرط ضمن العقد پول مزبور را جهت پدر قرار دهند مبلغ اضافی برای او حلال است و اگر آن پول را به نام دختر قرار داده باشند و جزء مهریّه باشد متعلّق به دختر است.

سؤال ۸۵۶- اگر پدر دختر همان پول را که از داماد می‌گیرد مهریّه دخترش قرار دهد، به این معنا که دختر مبلغ را کاملا از شوهرش به عنوان مهریّه خود اخذ کند، هر مقدار که خواست برای خودش جهیزیّه تهیّه کند و اضافه آن را به پدر یا مادر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۳

یا برادر خود هبه کند، آیا برای آنها حلال است؟

جواب: در صورتی که مهریّه و شیربها را دختر به صورت مهریه از شوهر بگیرد و مقداری از آن را صرف تهیّه جهیزیّه نماید و اضافی آن را به هر کس بدهد جایز است.

سؤال ۸۵۷- آیا برای پاسخ دادن به خواستگار دختر، استخاره کردن مورد دارد؟

جواب: هر گاه بعد از مشورت و تحقیقات لازم، مشکل حل نشود می‌توان از استخاره استفاده کرد.

سؤال ۸۵۸- آیا در صورت انجام استخاره، عمل به آن واجب است؟

جواب: عمل به استخاره واجب نیست ولی حتّی الإمکان مخالفت نشود مگر این که مدّت قابل ملاحظه‌ای تأخیر بیندازد و بعد اقدام کند.

سؤال ۸۵۹- آیا در مورد ازدواج، تجدید استخاره جایز است به چه روش؟

جواب: در هیچ مورد تجدید استخاره درست نیست مگر اینکه مدّت قابل ملاحظه‌ای بگذرد یا شرایط مورد استخاره تغییر کند.

سؤال ۸۶۰- اگر کسی همسر منحرف خود را که رابطه نامشروع داشته و محکوم به ۷۵ ضربه شلّاق شده، طلاق دهد و دختر سه ساله‌ای داشته باشد آیا از نظر شرع مقدّس، این زن مطلّقه منحرف می‌تواند حضانت او را بر عهده گیرد؟

جواب: اگر خوف انحراف بچه باشد، نباید بچه را به چنان مادری سپرد.

سؤال ۸۶۱- اگر مردی به زنش تهمت ارتباط نامشروع بزند و نتواند ادّعای خویش را در دادگاه صالحه اثبات نماید:

الف) آیا برای مرد جایز است دوباره با زن خویش ادامه زندگی دهد؟

جواب: اگر ادّعای رویت نکند می‌تواند بدون هیچ تشریفاتی با او ادامه زندگی دهد ولی به خاطر تهمتی که به او زده است زوجه می‌تواند از حاکم شرع تقاضای حدّ قذف کند (حدّ آن ۸۰ تازیانه است) مگر این که زوجه او را ببخشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۴

ب) آیا برای زن از لحاظ شرعی واجب است با همسرش ادامه زندگی دهد؟

جواب: آری لازم است ادامه زندگی دهد.

ج) آیا در این خصوص زن می‌تواند تقاضای طلاق نماید و به حقّ و حقوق خویش اعمّ از مهریّه و جهیزیّه و دارایی‌های زندگی برسد؟

جواب: اگر شوهر راضی به طلاق بشود اشکالی ندارد.

سؤال ۸۶۲- آیا شوهر می‌تواند در مقابل دیگران عیوب زنش را بگوید و او را تحقیر کند اگر چه به شوخی باشد؟

الف) در صورتی که زن ناراحت شود؟

جواب: جایز نیست.

ب) در صورتی که زن ناراحت نشود؟

جواب: بهتر ترک است.

سؤال ۸۶۳- دروغ گفتن به زن برای جلب محبّت او چه حکمی دارد مثلاـ بگوید: امروز از صبح تا به حال یک لحظه از فکر تو بیرون نبودم و حال آن که چنین نباشد؟

جواب: دروغ جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۸۶۴- حکم توهین کردن زن به شوهر و بالعکس چیست؟

جواب: هیچ کس حقّ توهین به دیگری را ندارد حتّی زن و شوهر.

سؤال ۸۶۵- آیا ادای وعده به زن واجب است؟

جواب: بهتر این است که مسلمان همیشه به وعده خود وفا کند مگر در جایی که توانایی ندارد.

سؤال ۸۶۶- شخصی قبل از ازدواج با دختری صحبت می‌کند و می‌گوید با شما ازدواج می‌کنم به شرط این که به مادر پیری که دارم رسیدگی کنی و او قبول می‌کند ولی آن دختر پس از ازدواج به مادر شوهرش رسیدگی نمی‌کند آیا چنین شرطی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۵

قبل از ازدواج الزام‌آور است؟

جواب: این شرط الزام‌آور است.

سؤال ۸۶۷- آیا پدر می‌تواند حقّ ولایت خود را بر دختر در مقابل وجهی به داماد منتقل کند؟

جواب: حقّ ولایت پدر قابل انتقال نیست نه در برابر پول و نه بدون آن.

سؤال ۸۶۸- آیا مادر می‌تواند شیربها بگیرد؟

جواب: مادر در صورتی می‌تواند شیربها بگیرد که به صورت شرط ضمن العقد به هنگام خواندن عقد نکاح قید شود.

سؤال ۸۶۹- عقدنامه باید نزد چه کسی باشد؟ خانواده عروس یا نزد خود داماد؟

جواب: چنانچه قرار و شرط خاصّی قبل از عقد درباره عقدنامه نگذاشته باشند باید آن را به خانواده زن داد و زوج می‌تواند در صورت نیاز گواهی از دفتر بگیرد.

سؤال ۸۷۰- آیا ازدواج با بستگان نزدیک مکروه است؟

جواب: طبق روایتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به این مضمون رسیده است که با نزدیکان ازدواج نکنید به علّت این که فرزند ضعیف و لاغر به دنیا می‌آید ازدواج با نزدیکان مکروه است. «۱»

سؤال ۸۷۱- آیا مرد و زن می‌توانند هر گونه لذّتی از یکدیگر ببرند؟

جواب: دو همسر می‌توانند هر گونه لذّتی از یکدیگر ببرند.

سؤال ۸۷۲- آیا شخص مسلمانی که مبتلا به ایدز می‌باشد، می‌تواند دختر مسلمانی را به عقد خود در آورد؟

جواب: در صورتی که تولید خطر کند جایز نیست.

سؤال ۸۷۳- زنی که در اثنای وضع حمل بمیرد و بعد به برکت توسّل به ذات پاک خدا و اولیاء الله زنده شود، آیا زوجیّت او باقی است؟

---

(۱). قواعد شهید، صفحه ۳۸۱، جلد ۱ و مسالک اوائل کتاب نکاح.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۶

جواب: در فرض مسأله زوجیّت باقی است.

سؤال ۸۷۴- حکم ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده را بیان فرمایید؟

جواب: در صورتی که بتوانند ترک ازدواج و عمل به احتیاط کنند و به عسر و حرج شدید گرفتار نشوند، احتیاط آن است که از ازدواج صرف نظر نمایند و اگر ناچار از ازدواجند، آن دو دختر می‌توانند به نوبت به ازدواج مرد واحدی درآیند. به این ترتیب که یکی را به عقد خود در آورد و بعد از طلاق و گذشتن عدّه دیگری را عقد کند (البتّه برای این که گرفتار مشکلات طلاق‌های متعدّد نشوند می‌توانند از عقد موقّت استفاده کنند). در مورد دو پسر نیز احتیاط آن است که اگر ممکن است ازدواج نکنند و در صورت ضرورت انتخاب یک همسر در زمان واحد جایز نیست، ولی می‌توانند به طریق بالا با یک زن ازدواج کنند و به هر حال با توجّه به اینکه وجود چنین افرادی بسیار کم است ذکر این احکام شرعی نیز اگر عجیب به نظر برسد، جای بحث و گفتگو نیست.

سؤال ۸۷۵- منظور از عدالت میان همسران چیست؟

جواب: منظور از عدالت آن است که بر طبق شئون آنها هرکدام متناسب حالش رفتار کند و عدالت همیشه به معنای مساوات نیست و در مورد حقّ‌القسم آن است که برای هرکدام یکی از چهار شب را قرار دهد.

سؤال ۸۷۶- آیا خلوت با زن نامحرم اگر چه مطمئن باشد مرتکب حرام نمی‌شود جایز است؟ محدوده خلوت اجنبیّه چیست؟

جواب: اگر در مکانی هستند که معمولا هیچ کس رفت و آمد نمی‌کند، خلوت با زن نامحرم محسوب می‌شود و خلوت با اجنبیّه اشکال دارد حتّی اگر فکر می‌کنند به حرام نمی‌افتند.

سؤال ۸۷۷- حکم چیدن و برداشتن قسمتی از موهای ابروی خانمها و خالکوبی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۴۷

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۸۷۸- اگر یکی از محارم مردی ملتزم به حجاب شرعی نباشد، آیا مرد حق دارد به خاطر این کار او را بزند، البتّه بعد از اینکه راههای مختلف زیادی را برای قانع ساختن او پیموده و نتیجه‌ای نگرفته است؟

جواب: زدن به منظور امر به معروف و نهی از منکر بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۸۷۹- اگر مردی همسرش را به حجاب شرعی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می‌شود؟

جواب: اگر نهی از منکر را ترک کند فاسق است.

سؤال ۸۸۰- آیا حضانت و نگهداری پدر و مادر بیمار یا معلول به عهده پسران و دختران وی می‌باشد یا دختران در این مورد مسئولیتی ندارند؟

جواب: هر دو مسئولیت دارند.

سؤال ۸۸۱- آیا نگهداری و حضانت پدر و مادری که دارای پسر نمی‌باشند به عهده دختران آنها می‌باشد؟

جواب: آری به عهده دختران است به مقداری که توان دارند.

سؤال ۸۸۲- آیا پرستاری پدر در صورت نیاز بر اولاد الزامی است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که هزینه پرستاری او را بپردازند و یا شخصاً از او پرستاری کنند.

سؤال ۸۸۳- حکم کاروانهای عروسی که عروس را با بوق زدن و دست زدن در خیابانها می‌برند چیست؟

جواب: این کارها مناسب اهل دین نیست.

سؤال ۸۸۴- اگر زانی و زانیه با یکدیگر ازدواج کنند فساد کمتری در محلّ آنها به وجود می‌آید و اصلاح می‌شوند در این صورت آیا می‌توان آن دو را مجبور به ازدواج کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۴۸

جواب: کسی را نمی‌توان مجبور به ازدواج کرد ولی توصیه و ارشاد آنها بلامانع است، همچنین در مواردی که قاضی می‌تواند عفو کند و از اجرای حدّ صرف نظر کند حق دارد عفو کردن را مشروط به ازدواج آنها نماید.

سؤال ۸۸۵- بچّه‌ای که از زنا متولّد شده آیا به زانی داده می‌شود یا به زانیه؟

جواب: از نظر حق حضانت و نگهداری مانند فرزند حلال‌زاده است.

سؤال ۸۸۶- اگر بچّه ولد الزّنا به دست زانیه داده شود باعث فساد می‌شود و موجب لطمه به آبروی یک عدّه مؤمن آن روستا می‌شود امّا اگر شرع مقدّس یا قانون دولت، این بچه را به اداره بهزیستی تحویل نماید، هم فساد کم می‌شود و هم آبروی چندین مؤمن حفظ می‌شود، در این صورت وظیفه چیست؟

جواب: باید حاکم شرع در اینگونه موارد تصمیم بگیرد و اگر فسادی هست جلوی آن را بگیرد.

سؤال ۸۸۷- فردی که موقع ازدواج وی رسیده، مادرش دختری را که واجد شرایط می‌باشد انتخاب نموده ولی وی از ازدواج با دختر انتخاب شده مادر خودداری می‌کند، حکم شرعی چیست؟

جواب: پسر مجبور نیست با آن دختر ازدواج کند ولی در احترام مادر کوتاهی نکند.

سؤال ۸۸۸- در بحث محلّل، صرف دخول کفایت می‌کند یا هر دو باید ارضا شوند؟

جواب: دخول کافی است.

سؤال ۸۸۹- حکم هدایای قبل از عقد در صورت ادامه یافتن عقد یا به هم خوردن آن را بیان فرمایید.

جواب: چنانچه عقد به هم نخورد این اشیا جنبه هدیه از طرفین دارد و تصرّف در آن جایز است ولی هرگاه ازدواج به هم بخورد باید آن هدایا را برگردانند زیرا مرسوم این است که هدایا را مشروط به انجام عقد می‌دانند مگر هدایای جزئی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۴۹

قبیل موادّ خوراکی که از این حکم خارج است.

سؤال ۸۹۰- اگر صغیر، جدّ پدری نداشته باشد آیا مادر می‌تواند با اجازه حاکم شرع قیّم او بشود؟

جواب: با اجازه حاکم شرع مانعی ندارد.

سؤال ۸۹۱- بین دو طایفه، در محلّی درگیری واقع می‌شود و چشم پسر بچه‌ای نابینا می‌شود، به عنوان وجه المصالحه دختر ده ساله‌ای را با اجازه ولیّش برای برادر بچه ۸ ساله‌ای که چشمش از بین رفته بود عقد می‌کنند. خود دختر ادّعا می‌کند من راضی نبوده و نیستم. در قانون سنّ پسر و دختری که بتوانند مستقلا در کارهای خود مداخله کنند ۱۸ سال است و کمتر از ۱۸ سال باید به دادگاه مراجعه و دادگاه به پزشک متخصص ارجاع می‌دهد که بالغ و رشیده باشند، چنانچه پزشک متخصص قانونی بر بلوغ و رشد گواهی کند، دادگاه قبل از سن ۱۸ سالگی حکم رشد صادر می‌کند. در این مورد چنین اقدامی نشده لیکن در سن ۱۶ سالگی صورت جلسه‌ای بین زوجین به این کیفیت که تا پایان تحصیلات متوسطه زوجین به تحصیل خود ادامه دهند، تنظیم شده است. در همین صورت جلسه نیز دختر ادعا می‌کند پدر و مادرم تهدیدم کردند من امضا کردم. این ازدواج در بعضی از روستاها مرسوم بوده و هست. در ضمن در مسأله ۴ تحریر الوسیله در فصل اولیای عقد آمده است که «یشترط فی صحهٔ تزویج الاب و الجد و نفوذه عدم المفسده» و در آخر مسأله ذکر شده «بل الاحوط مراعات المصلحهٔ» آیا این عدم مفسده و رعایت مصلحت مربوط به دختر می‌باشد یا به پدر و فامیل دختر؟ آیا چنین عملی اصلا درست است یا نه؟

جواب: رعایت مصلحت و مفسده مربوط به دختر است یعنی مصالح دختر باید در نظر گرفته شود ارتباطی به پدر و مادر ندارد و ملاحظات فامیلی و جبران خسارتها، نمی‌تواند مجوز باشد که صغیر مال المصالحه شود و امّا در مورد کبیر شرعی واضح است که بدون رضای او عقد صحیح نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۰

سؤال ۸۹۲- حکم ازدواج معاطاتی چیست و چه شرایطی دارد؟ اگر یکی از مقلّدین شما در این مسأله (به فرض عدم صحّت ازدواج معاطاتی به نظر شما) به مرجع دیگری رجوع نماید حکم چیست؟ اگر فردی به علّت عدم آشنایی به حکم (در صورت عدم صحّت ازدواج معاطاتی) با فردی به این طریق ازدواج کند و بعد حکم را بفهمد وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چیزی به نام ازدواج معاطاتی نداریم چنین ازدواجی باطل است.

سؤال ۸۹۳- اگر مردی با زن نامحرمی تفخیذ کند و انزال شود و فرزندی منعقد گردد بی‌آنکه دخول صورت گرفته باشد حکم فرزند و زوال بکارت که بر اثر تولد فرزند حاصل می‌شود چیست؟

جواب: هرگاه یقین داشته باشد که انزال نمی‌شود، بعید نیست فرزند آنها همچون فرزند شبهه باشد و اگر احتمال می‌داده است، خالی از اشکال نیست و در مورد مهر المثل اگر زن با میل و رضایت خود حاضر شده و احتمال این امر را می‌داده مهر المثل ندارد و اگر احتمال نمی‌داده و رضایت به غیر تفخیذ نداشته، احتیاط واجب دادن مهر المثل است.

سؤال ۸۹۴- اگر زن به خاطر انجام مستحبات زیاد، دچار خستگی مفرط شود به طوری که مرد نتواند تمتّعات لازم را از او ببرد، آیا مرد حق دارد او را از انجام چنین مستحباتی نهی نماید و آیا اطاعت از شوهر در اینجا لازم است؟

جواب: مرد نمی‌تواند او را نهی کند مگر به طور کلّی تمتّع از بین برود و در این صورت چون مزاحم حقّ شوهر است زن بدون اجازه او نمی‌تواند اقدام کند.

سؤال ۸۹۵- اگر مردی به هیچ وجه قادر به ازدواج نباشد یعنی همیشه در امور زندگیش با شکست مواجه بوده و حتّی قادر به سبکترین نوع ازدواج هم نیست و ازدواج نکردن هم موجب اختلالاتی در بدنش می‌شود، آیا می‌تواند به وسیله خوردن دارو و یا عمل جراحی، مردی خود را از بین ببرد؟

جواب: جایز نیست و باید صبر کند تا خداوند فرجی برای او فراهم سازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۱

سؤال ۸۹۶- همسر شهیدی که یک پسر دارد پس از گذشتن چند سالی ازدواج کرده است، پدر شهید می‌گوید: من به عنوان ولیّ نمی‌گذارم نوه‌ام در خانه بیگانه بماند چون من وظیفه دارم او را پرورش دهم و فعلا این پسر بچه ۵ ساله است، مادرش می‌گوید: من به عنوان مادر، او را پرورش می‌دهم، از نظر اسلام کدام یک مقدّم هستند؟

جواب: در مورد نگهداری بچه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچه بر جدّ او مقدّم است حتّی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال حق با جدّ است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

احکام رضاع

سؤال ۸۹۷- اگر خانمی دختر برادر شوهر خود را شیر دهد آیا غیر از آن دختر، فرزندان دیگر دو برادر می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

جواب: آن دختری که شیر زن برادر را خورده نسبت به تمام فرزندان آن زن محرم است ولی سایر فرزندان آن دو برادر می‌توانند با هم ازدواج کنند.

سؤال ۸۹۸- اگر خواهری بچه‌های خواهر خود را شیر دهد، آیا این خواهر به شوهر خواهرش محرم می‌شود؟

در ضمن حکم فرزندان او چه خواهد بود؟

جواب: خواهری که شیر داده به پدر بچه شیرخوار محرم نمی‌شود، ولی فرزندان این خواهر با پدر بچه شیرخوار محرمند.

سؤال ۸۹۹- آیا نوه‌های مادر رضاعی بر شیرخوار محرم می‌باشند؟

جواب: نوه‌ها بر شیرخوار محرم می‌باشند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۳

فصل بیست و هفتم: احکام طلاق

اشاره

سؤال ۹۰۰- حکم مردی که به تعهّدات خویش در رابطه با همسرش عمل نمی‌کند و حاضر به طلاق او نیز نمی‌باشد چیست؟

جواب: آن مرد باید به تعهّد خود عمل کند و اگر زوجه را معلّقه گذارده و حاضـر نیست به وظایف شرعی خود درباره آن زن عمل کند، حاکم شرع او را ملزم به طلاق و در صورتی که طلاق ندهد حاکم شرع می‌تواند به درخواست زن او را مطلّقه سازد.

سؤال ۹۰۱- اگر زنی شـرط کرده باشـد که در صورتی که شوهرش همسر دیگری اختیار کنـد وکالت در طلاق داشته باشد آیا در صورتی که شوهر به خاطر ناسازگاری زن، همسر دوّمی اختیار کند بازهم همسر اوّل وکیل در طلاق است؟

جواب: ظاهر این است که این شـرط از چنین صورتی منصـرف است، زیرا هدف از این شرط، این بوده که به همسر اوّل قناعت کند حال اگر همسر اوّل با پشت پا زدن به زندگی زناشویی مرد را در بلاتکلیفی گذاشته، جایی برای تأمین آن شرط باقی نمی‌ماند یعنی زن وکالت در طلاق نخواهد داشت.

سؤال ۹۰۲- آیـا طلاـق به مجرّد ادعـای شوهر و اینکه بگویـد: من او را مطلقه نموده‌ام ثابت می‌شود؟ به گونه‌ای که زن حقّ ازدواج داشته باشد و نفقه ساقط شود، یا اینکه باید با شهادت دو عادل باشد؟

جواب: فقها در این مورد اختلاف دارند، مرحوم محقّق قمی در جامع الشّتات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۴

و محقّق یزدی در ملحقـات عروه مشـروحاً بحث کرده‌انـد و از مجموع ادلّه ظـاهر می‌شود که طلاـق به مجرّد ادّعـای زوج خـالی از اشکال نیست، بلکه باید بیّنه‌ای بر آن قائم شود.

سؤال ۹۰۳- آیا در طلاق، عدالت دو شاهد در نظر زوج کافی است؟

جواب: بله، عدالت دو شاهد در نظر زوج مادام که یقین بر خلاف آن نباشد کافی است.

سؤال ۹۰۴- زن و مردی ازدواج کرده‌انـد و مرد معـترف بـه ازدواج هست ولی ادّعـا می‌کنـد در حضـور عـدّه‌ای، که آنهـا را عـادل می‌دانسـته‌ام- ولی امکان اثبات عدالت آنها ممکن نیست- صیغه طلاق را جاری کرده‌ام و معلوم نیست که خود صیغه طلاق صحیح بوده یـا خیر، چون زوج روحـانی نیست امّیا سواد فارسـی دارد و می‌گویـد از روی رسـاله صـیغه طلاـق را جـاری کرده‌ام، آیا چنین طلاقی که اصل آن محرز است ولی از نظر صحّت معلوم نیست، صحیح است؟

جواب: ادّعای طلاق مزبور ظاهراً مسموع است.

سؤال ۹۰۵- پـدری دختر نابالغش را به عقد نکاح یک پسر بچه درآورده است، الآن دختر ۱۷ ساله است در حالی که پسـر ۱۳ ساله است و از نظر جسـمانی خیلی کوچک به نظر می‌رسد، دختر پدر را از دست داده و یتیم شده و حاضر نیست با آن بچه ازدواج کند، زیرا نمی‌توانـد منتظر بزرگ شدن او باشد. با توجّه به مطالب فوق از حضـرت عالی تقاضا داریم اگر شـرع مقدّس اسـلام اجازه دهد حکم فرمایید دختر مذکور با برادر بزرگ آن پسر بچه ازدواج کند که خود دختر هم راضی است.

جواب: هرگاه اجرای عقد مذبور از اوّل به مصـلحت دختر صغیر نبوده، اصل عقد باطل است و اگر فرضاً مصلحت بوده ولی الآن در

انتظار ماندن آن دختر بیش از این موجب عسر و حرج شدید است ولیّ پسر می‌تواند صیغه طلاق آن دختر را اجرا کند و بعد با هر کس خواست ازدواج کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۵

سؤال ۹۰۶- شخصی می‌خواهند زن خود یا زن دیگری را طلاق دهد، در شهری که ساکن است، عادل به آن معنایی که فقها عظام فرموده‌اند نیست مگر بعضی از اشخاصی که شخص مطلّق نه به چشم خود از آنها معصیتی دیده و نه از دیگران شنیده که تا حال معصیتی کرده باشند و در شهرهای مجاور هم اشخاص عادلی را نمی‌شناسد و از طرفی هم به ناچار باید این طلاق واقع شود بفرمایید آیا نزد همان اشخاص فوق الذکر که مورد وثوق و حسن ظنّ هستند می‌تواند اجرای طلاق کند؟

جواب: همین گونه افراد برای شهود طلاق کافی هستند و عادل محسوب می‌شوند.

عدّه طلاق

سؤال ۹۰۷- دوشیزه‌ای به عقد دائم جوانی درمی‌آید؛ نظر به اینکه از خانواده مذهبی بوده و به خاطر این که در رفت و آمد مشکلی نداشته باشند، صیغه عقد خوانده می‌شود و بعد از عقد در مواقعی که خلوت می‌کرده‌اند نامزد و دوشیزه از راه دبر آمیزش می‌کرده‌اند، پس از مدّتی کار آنان منجر به اختلاف و جدایی می‌گردد، دختر چون مسائل شرعی را نمی‌دانسته فکر می‌کرده این نوع آمیزش عدّه ندارد به همین جهت متأسفانه در حال عدّه به عقد دائم دیگری در می‌آید و بعد از چند سال زندگی و بچه‌دار شدن متوجّه مسأله می‌شوند حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: احتیاط واجب آن است که در فرض مسأله بعد از عدّه مجدّداً صیغه عقد بخوانند و حرام ابدی نیست.

سؤال ۹۰۸- با توجّه به این که مدّت دو سال است که اسلام را پذیرفته‌ام و مدّت شش ماه است که از شوهر زرتشتی‌ام جدا شده‌ام عدّه نگه داشتن این جانبه چگونه خواهد بود؟

جواب: چنانچه مدّت دو سال است اسلام را پذیرفته‌اید از همان زمان قبول

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۶

اسلام، عدّه شما شروع شده و اگر شوهر شما از این امر با خبر بوده و در مدّت عدّه شما اسلام نیاورده، عدّه شما پایان یافته و از آن شوهر جدا شده‌اید و نیازی هم به طلاق نیست.

سؤال ۹۰۹- زنی که از زنا باردار شده با زانی یا غیر او ازدواج می‌کند آیا احتیاج به عدّه دارد؟ و اگر شوهرش او را بعد از ازدواج طلاق دهد آیا عدّه دارد؟ و در صورتی که عدّه دارد آیا عدّه او أبعد الأجلین است یا عدّه اقراء؟

جواب: زنی که حامل از زناست عدّه ندارد، و جایز است به عقد زانی یا غیر او درآید و اگر او را طلاق داد عدّه او به اقراء یا سه ماه است و وضع حمل معیار نیست و امّا در مورد طهر غیر مواقعه چون این شرط در حامل ساقط است می‌تواند او را طلاق دهد، بنابراین اگر عادت ماهانه نمی‌بیند سه ماه صبر می‌کند و ازدواج می‌نماید.

سؤال ۹۱۰- فلسفه عدّه زنان مطلّقه چیست؟ و آیا زنان نازا و یا زنانی که رحم خود را برداشته‌اند از این قانون مستثنا هستند؟

جواب: مسأله عدّه زنان، فلسفه‌ها متعدّدی دارد و منحصر به مسأله انعقاد فرزند نیست لذا در تمام مواردی که شرع گفته است، زن باید عدّه نگهدارد هر چند عقیم و نازا باشد، یا رحم خود را برداشته باشد یا فرضاً چند سال است از شوهر خود جدا زندگی می‌کند در تمام این صورتها باید عدّه نگهدارد.

سؤال ۹۱۱- زن مطلقه‌ای بعد از انقضای عدّه، متعه می‌شود و بعد از چندی با وساطت بزرگان فامیل بنا می‌شود با شوهر اوّل ازدواج کند، به همسر دوّم مراجعه و چاره‌جویی می‌نماید او بقیّه مدّت را می‌بخشد و دوباره زن را صیغه می‌کند و قبل از دخول فسخ

می‌نمایـد و زن بلافاصـله به عقد شوهر اوّل درمی‌آید با این اسـتدلال که این فسخ دوّم قبل از دخول است و غیر مدخوله عدّه ندارد، آیا این مطلب صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۷

جواب: عـدّه عقـد سابق با این امور از بین نمی‌رود و تا عـدّه پایان نیابـد ازدواج مجدّد او صـحیح نمی‌باشد و نمی‌تواند بدون عدّه به عقد نکاح کسی درآید.

سؤال ۹۱۲- هرگاه زنی به خاطر شیر دادن بچه، عادت ماهانه نبیند، تکلیف او برای طلاق چیست؟

جواب: سه ماه بعد از آخرین نزدیکی صبر می‌کند و بعد اجرای صیغه طلاق می‌شود، سپس عدّه سه ماه نگه می‌دارد.

سؤال ۹۱۳- چنانچه زنی را در عـدّه وفات عقد نمایند و بعد از حدود پانزده روز که عدّه تمام شده، عروسـی نمایند و زفاف به عمل آید یعنی عقد در عدّه و دخول در خارج عدّه بوده و زوجین هم جاهل به مسأله و حرمت ازدواج در عدّه بوده‌اند، لطفاً بفرمایید: آیا حرمت ابـدی برای آنها ثابت شده یا فقط عقد باطل است؟ و آیا عدّه وفات را برای همسـر اوّل باید تمام کند یا خیر؟ و به فرض این که عقد باطل شده و بخواهند عقد جدید بخوانند آیا باید برای همسر دوّم عدّه نگهدارد؟

جواب: عقـد ازدواج باطل است ولی حرمت ابدی نمی‌آورد و عدّه نسبت به وطی به شـبهه در مورد شوهر دوّم باید تمام شود و بعد می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند ولی ازدواج او با همسر دوّم نیاز به عدّه وطی به شبهه ندارد.

سؤال ۹۱۴- زن مطلّقه‌ای پس از طلاق، یک یا دو بار عادت ماهانه دیده و سپس یائسه شده است، آیا باقیمانده عدّه ساقط است؟

جواب: اگر یک بار عادت شده است باید دو ماه دیگر عدّه نگهدارد و اگر دو بار عادت شده است باید یک ماه عدّه نگهدارد.

سؤال ۹۱۵- اگر زنی به عقـد موقّت مردی درآیـد و مطمئن باشـد که از آمیزش با او حامله نشـده است (مثلا مرد خواجه باشد یا زن رحم خود را خارج کرده باشد) آیا باید پس از پایان مدّت عقد موقّت، عدّه نگهدارد؟

جواب: اگر دخول حاصل شده است عدّه لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۸

سؤال ۹۱۶- ابتدای عدّه وطی به شبهه چه زمانی است مدرک آن چیست؟

جواب: مبـدأ عدّه وطی به شـبهه زمان حصول علم به وطی به شـبهه است همان طور که در تعلیقه ما بر عروهٔ الوثقی نیز آمده است و مدرک، ظهور اخبار باب است (به تعلیقه مراجعه کنید).

ترک زینت در ایّام عدّه وفات

سؤال ۹۱۷- زنی که شـوهرش مرده و خـودش هم جـوان است (مثلا ۳۰ سـاله است) به خـاطر فوت شوهرش بیشتر از متعارف ترک زینـت می‌کنـد، حتّی نظـافت هـم بـه انـدازه عرف نمی‌کنـد و ازدواج را نیز ترک کرده است و اگر کسـی برای خواسـتگاری بیـاید می‌گویـد: من با شوهرم عهـد کرده‌ام دیگر ازدواج نکنم و بین ما شـرط شـده که هر کس جلوتر مُرد، دیگری ازدواج نکند، آیا این کار درست است و شرط آنها واجب العمل است؟

جواب: حـداد به معنـای ترک زینت در ایّـام عـدّه وفـات لازم است، ولی ترک زینت، به معنـای ترک نظـافت نیست و شـرط مزبور اعتباری ندارد و سزاوار است آن زن بعد از گذشتن عدّه ازدواج کند.

طلاق رجعی

اشاره

سؤال ۹۱۸- در طلاق رجعی که نبایـد زوجه مطلّقه از منزلی که با همسـر خود در آن زندگی می‌کرده خارج شود و زوج حق ندارد تا زمانی که عدّه باقی است او را از منزل بیرون کند، آیا این نهی، وظیفه کیست؟
زوجین یا محضـر که صـرفاً طلاق را ثبت می‌کنـد یا مجری صـیغه طلاق یا دادگاه که اجازه طلاق را صادر می‌کنـد. و اگر در موقع اجرای صـیغه طلاـق زوجین جـدا از هم زنـدگی کننـد، یـا طلاق در شـهر غربت واقع شود و زوجین اهلّ یک محل نباشـند، تکلیف چیست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۹
جواب: به مقتضای آیه شـریفه قرآن و سایر ادلّه، این نهی وظیفه زوجین است ولی دادگاه یا محضر به مقتضای مسأله ارشاد جاهل و امر به معروف، آنها را واقف بر این حکم می‌کننـد و در صورت جـدا بودن مسـکن آن دو چنانچه مطابق رضایت طرفین انجام شـده باشد و جدایی آنها به معنای قهر کردن از یکدیگر نباشد، اشکالی ندارد.
سؤال ۹۱۹- زوجه در طلاق خلعی، مهریّه خویش را به زوج می‌بخشد و پس از طلاق در ایّام عدّه به بذل خود رجوع می‌کند در این صورت زوج حقّ رجوع به زوجیّت دارد امّـا اگر زوج به زوجه رجوع نکرد آیا مهریّه متعلق به زوجه است؟ حکم سایر احکام طلاق رجعی از قبیل نفقه زوجه و توارث و غیره چیست؟
جواب: با رجوع زوجه به بذل در ایّام عدّه، طلاق رجعی می‌شود و احکام آن را دارد و مهر را باید به او بدهد.

احکام رجوع

سؤال ۹۲۰- زید همسر خود را طلاق رجعی می‌دهد و از هم جدا می‌شوند، مرد در یک شهر و زن در شهر دیگر به سر می‌برد و قبل از انقضای عـدّه، مرد رجوع می‌کنـد ولی زن مطّلع نمی‌شود و پس از انقضای عـدّه، زن ازدواج می‌کند وظیفه چیست؟ یا مرد رجوع کرده و زن هم تمایل نشان می‌دهد ولی پدر و برادران زن اجازه نمی‌دهند برگردد و الآن چند سالی گذشته و زن ازدواج نکرده آیا زوجیّت اوّل برقرار است؟ یا مرد وقتی که دید اصرارش اثر ندارد و اعراض کرد نیاز به طلاق مجدّد دارد؟
جواب: اگر رجوع مسلّم باشد عقد دوّم باطل است و گذشـتن زمان طولانی اثری ندارد و نیز عقد زوجیّت با اعراض از بین نمی‌رود و طلاق لازم است تا از یکدیگر جدا شوند.
سؤال ۹۲۱- کسی که در عدّه رجعی به زن رجوع کند و فوراً پشیمان شود و بگوید
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۰
همان جدایی و طلاق برقرار باشد، آیا صرف پشیمانی از رجوع کافی است و یا این که طلاق مجدّد لازم است اگر طلاق لازم است چه زمانی باید انجام گیرد؟
جواب: پشیمانی فایده ندارد و با رجوع کردن، آن زن همسر او می‌باشد و اگر بخواهد جدا شود باید مجدّداً طلاق دهد.
سؤال ۹۲۲- اگر مردی زن خود را طلـاق دهـد امّـا ورثه زن به آن مرد بگوینـد که فلاـن مقـدار پول بگیر و طلـاق مـده، آیـا شوهر می‌تواند رجوع کند؟
جواب: مردی که همسرش را طلاق داده می‌تواند پولی بگیرد و رجوع کند و اگر غیر طلاق رجعی است احتیاج به عقد مجدّد دارد.

طلاق خلع و مبارات

سؤال ۹۲۳- این جـانب بـا شوهرم توافق کردیم که مبلغی را به صورت اقساط بپردازم تا مرا طلاق خلعی بدهـد، وقتی طلاق مـذکور انجام شـد، از طریق دادگاه اقدام به گرفتن دختر دوساله‌ام کردم درحالی‌که اقساط مذکور را می‌پردازم، ولی چون شوهرم از گرفتن

دخترم ناراحت شده است می گوید: چون تمام مبلغ را تا کنون نداده‌ای مطلّقه نیستی و طلاق بهم خورده است، آیا این حرف صحیح است؟

جواب: طلاق خلعی واقع شده و مرد نمی‌تواند برگردد مگر این که زن برگردد.

سؤال ۹۲۴- این جانب با بذل یکصد عدد سکّه بهار آزادی از همسرم مطلّقه خلعی شده‌ام، در زمان عدّه طیّ نامه کتبی به دفتردار محضر، مراتب رجوع به بذل را اعلام کردم، اکنون متوجّه شده‌ام که دفتردار رجوع قانونی را به علّت فراموشی در دفتر ثبت ننموده است، حکم رجوع چیست؟ آیا مستحقّ دریافت مهریّه هستم؟

جواب: چنانچه در عدّه، رجوع به بذل خود کرده‌اید و به شوهر اطّلاع داده‌اید، حق دارید بذل خود را بازپس گیرید و اگر خبر نداده‌اید عده گذشته است کافی نیست و هرگاه دفتردار متکفّل این کار شده و کوتاهی کرده است ضامن می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۶۱

سؤال ۹۲۵- همسر این جانب نسبت به احکام اسلامی بی‌اعتناست و تمکین نمی‌کند و هنوز غیر مدخوله است، آیا می‌توانم او را طلاق دهم؟ طلاق او از چه نوعی است و حکم مهریّه او چیست؟

جواب: سزاوار است مدّتی با او مدارا کنید و او را نصیحت کرده و به او محبّت نمایید شاید تدریجاً عوض شود و کار به طلاق نکشد و در غیر واجبات و محرّمات زیاد سختگیری ننمایید، اگر نتیجه نگرفتید می‌توانید از او جدا شوید، ولی چون مطابق آنچه نوشته‌اید این زن ناشزه و غیر مدخوله است حقّ نفقه ندارد و اگر او بخواهد طلاق بگیرد، طلاق او طلاق خلع است و جز از طریق بذل مهریّه یا مانند آن و رضایت زوج امکان‌پذیر نیست.

سؤال ۹۲۶- در رساله حضرت امام (رحمه الله) آمده است: در صورت رجوع زن بما بذل، مرد می‌تواند دوباره بدون عقد او را زن خود قرار دهد، حال سؤال این است که اگر زن تقاضای استرداد مهریّه بخشیده شده خود را کرد و مرد هم پرداخت، ولی دیگر نمی‌خواهد با او زندگی کند و از او متنفّر است، با این وصف آیا زن پس از انقضای ایّام عدّه می‌تواند شوهر کند؟ یا اگر مرد مُرد ارث به او تعلّق می‌گیرد یا طلاق به قوّت خود باقی است؟ در ضمن آیا مسأله مذکور صرفاً مربوط به طلاق خلع است یا در مبارات هم همین طور است؟

جواب: مرد اگر بخواهد می‌تواند رجوع کند و اگر نخواهد می‌تواند رجوع نکند. در مبارات نیز اگر مایل نباشد رجوع نمی‌کند و در مواردی که طلاق رجعی است در زمان عدّه از یکدیگر ارث می‌برند.

سؤال ۹۲۷- طلاق خلعی واقع شده است ولی شوهر مدّعی است که قبل از طلاق با همسرم آمیزش کرده‌ام و دیگر این که شاهدین عدلین حضور نداشته‌اند بلکه طلاق در حضور عدّه‌ای از مؤمنین ظاهر الصّلاح واقع شده است، آیا چنین طلاقی صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۶۲

جواب: طلاق مزبور در هر حال محکوم به صحّت است زیرا ادّعای شوهر در مورد مواقعه قبل از طلاق در فرض مسأله پذیرفته نیست و به اعتراف خود او ظاهر حال شهود، عدالت بوده و ما مأمور به باطن نیستیم، بنابراین طلاق اشکالی ندارد مگر این که با دلیل شرعی ادّعای خود را ثابت کند.

سؤال ۹۲۸- اگر مردی زنی را به طلاق خلعی دوّم مطلّقه کند، لیکن قبل از انقضای عدّه، زن به بذلش رجوع کند امّا زوج می‌گوید: من رجوع می‌کنم به شرط آن‌که اکنون که به قرء دوّم رسیدی تو را صیغه می‌کنم و به عقد انقطاعی در می‌آورم و همین عمل هم انجام شد، امّا باز اختلاف شروع شد و آنها بر بذل مدّت توافق کردند و احتیاطاً طلاق نیز جاری شد. اکنون بیان فرمایید:

الف) آیا این زن باید سه ماه عدّه طلاق نگهدارد و یا عدّه ۴۵ روزه عقد انقطاعی نگهدارد؟

ب) آیا بذل مدّت صحیح است یا طلاق سوّم؟

ج) اگر چنانچه بذل مدّت صحیح باشد آیا مجدّدا می‌تواند صیغه کند و یا محلّل لازم است؟
جواب: الف) احتیاط این است که عدّه طلاق نگهدارد.
ب) از جواب بالا معلوم شد.
ج) احتیاط آن است که بدون محلّل ازدواج نکند.
سؤال ۹۲۹- آیا طلاق خلع بدون گرفتن مال از زن صحیح است؟
جواب: صحیح نیست.

مسائل متفرّقه طلاق

سؤال ۹۳۰- زنی که معلوم نیست همسرش در فلان حادثه کشته یا مفقود شده است و مدّت چهار سال است که خبری از او نیست، آیا می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۳
جواب: نمی‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند، مگر این که یقین به فوت او پیدا کند یا مراجعه به حاکم شرع کرده تا او دستور تحقیق درباره شخص مورد نظر را صادر نماید و پس از طیّ مراحل شرعی او را طلاق دهد.
سؤال ۹۳۱- وظیفه زنی که شوهرش مفقود شده چیست و در این مدّت نفقه او از کجا تأمین می‌شود؟
جواب: زنی که شوهرش مفقود شده است چند حالت دارد:
الف) اگر صبر کند تا خبری آید مانعی ندارد و باید نفقه او را از مال شوهرش داد.
ب) اگر انفاق کننده‌ای از ولی یا غیر او باشد باید صبر کند، مگر این که عسر و حرج شدید و ضرر مهمّی حاصل شود که حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.
ج) در غیر این دو صورت، رفع امر به حاکم شرع می‌کند و او به مدّت ۴ سال از اطراف محلّ فقدان وی تحقیق می‌کند، اگر خبری نشد نخست به ولیّ او پیشنهاد طلاق می‌کند و اگر او طلاق نداد خودش طلاق می‌دهد سپس عدّه وفات نگه می‌دارد (هر چند کفایت عدّه طلاق رجعی نیز قوی است امّا احتیاط مهما امکن ترک نشود) و بعد شوهر می‌کند. اگر شوهر اوّل مادام که در عدّه است مراجعه کرد اولی است و اگر بعد از عدّه- حتی قبل از ازدواج مجدّد- شوهر اوّل بیاید طلاق نافذ است و تنها با رضایت طرفین و عقد جدید امکان بازگشت است.
سؤال ۹۳۲- هرگاه مردی زندگی را بر همسرش سخت بگیرد و حاضر به طلاق او هم نباشد قاضی در چه صورتی می‌تواند این زن را طلاق دهد؟
جواب: طلاق در صورتی برای قاضی جایز است که عدم امکان سازش در حدی باشد که منجر به عسر شدید و حرج اکید گردد زوج شخصاً حاضر به طلاق نباشد و طلاق قاضی طلاق رجعی است، ولی اگر رجوع واقع شود و باز موضوع عدم سازش باقی باشد مجدّداً طلاق می‌دهد تا سوّمین مرتبه که طلاق بائن بشود.
سؤال ۹۳۳- بیش از ده سال است که به دلایل زیر قصد طلاق زوجه‌ام را دارم:
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۴
الف) عدم تمکین ب) خروج بدون اذن از منزل و حتّی از شهر در موارد غیر ضروری. ج) اقدام به آبروریزی و هتک حرمت بنده در جامعه د) تهمتهای ناروا و) تهدید به مسموم نمودن ه-) نامشروع قلمداد کردن صیغه ازدواج، و قانون نیز توجّهی به من نکرده آیا می‌توانم خود صیغه طلاق را بخوانم و آیا گرفتن حکم طلاق در مقابل پرداخت پول امکان‌پذیر است و چنین حکمی اعتبار شرعی

دارد؟

جواب: عدم تمکین به تنهایی می‌تواند دلیلی بر اقدام به طلاق باشد، ولی تا می‌توانید از طلاق بپرهیزید مگر این که ناچار شوید.

سؤال ۹۳۴- طلاق زنی که همسرش تریاکی است و مدّتی است که مفقود الاثر شده و محکوم به اعدام است، چگونه است؟

جواب: چنانچه فرار کرده و امید به بازگشت او نیست و زن در عسر و حرج شدید می‌باشد و زندگی کردن با چنین مردی برای او مقدور نیست حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد، ولی اگر می‌تواند صبر کند و احتمال بازگشت و امکان زندگی با او وجود دارد، حکم او عدم طلاق است.

سؤال ۹۳۵- در موضوع اختلاف زن و شوهری که حضرت امام رضوان الله تعالی علیه احتیاط داشتند در تعیین حکمین، که نظر مبارک حضرت عالی هم همین است، اگر زن از شوهر خود تقاضای طلاق کند با اینکه شرعاً و قانوناً اختیار طلاق با مرد است (مگر موارد استثنایی) آیا در چنین موردی نیز احتیاج به تعیین حکمین است؟ چون اگر زوج راضی به طلاق نباشد حَکَم نمی‌تواند کاری بکند و نتیجه ندارد و در موارد استثنایی مانند ترک نفقه و عدم امکان اخذ نفقه زوجه از زوج، که دادگاه می‌تواند اقدام به طلاق کند آیا در چنین موردی تعیین داور لازم است یا خیر؟

جواب: حکمیّت طبق ظاهر قرآن مجید مربوط به مواردی است که اختلاف شدید میان زن و مرد پیدا شده و ممکن است منجر به جدایی یا مطالب ناگوار دیگر شود در اینجا حاکم شرع دو حَکَم برای رسیدگی به کار آنها تعیین می کند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۵

و حکمین در صورتی می‌توانند حُکم به جدایی دهند که این امر از سوی زوجین به آنها محوّل شده باشد که هر چه را صلاح دیدند عمل کنند حتّی طلاق.

سؤال ۹۳۶- خانمی ۲۱ سال پیش با مردی به صورت لفظی و غیر معلوم از نظر دائمی و موقّتی ازدواج نموده، بعد از چهار سال زندگی و تولد اوّلین فرزندشان، آن مرد این خانم و بچّه را رها کرده و مفقود شده و جستجو نیز بی‌فایده بوده آیا این خانم می‌تواند ازدواج بنماید یا نه؟

جواب: باید به حاکم شرع مراجعه کند هرگاه مأیوس از اطّلاع بر احوال او شد می‌تواند او را طلاق دهد و بعد از چهار ماه و ده روز ازدواج کند و احتیاطاً حاکم شرع مدّت باقیمانده را (به فرض موقّت بودن عقد) نیز می‌بخشد و اگر احتمال پیدا شدن شوهر وجود دارد حاکم شرع چهار سال برای جستجو تعیین می‌کند هرگاه اثری پیدا نشد اقدام به طلاق می‌کند.

سؤال ۹۳۷- هرگاه زوج بدون عذر شرعی از دادن نفقه خودداری کند آیا طلاق زوجه جایز است؟

جواب: حاکم شرع باید از مال زوج نفقه را بپردازد و اگر میسّر نشود به او تکلیف طلاق کند و اگر طلاق ندهد شخصاً او را طلاق می‌دهد.

سؤال ۹۳۸- اگر زنی پس از طلاق از شوهر اوّل با مرد دیگری ازدواج کند و به علّتی ازدواج دوّم باطل باشد آیا این زن می‌تواند پیش شوهر دوّم بماند چون اگر شوهر دوّم آن زن را طلاق بدهد و از هم جدا شوند مایه آبروریزی آن مرد یا آن زن است؟

جواب: می‌تواند بماند، امّا نامحرم است و روابط زن و شوهری نباید میان آن دو باشد.

سؤال ۹۳۹- این جانب مدّت شانزده سال قبل با مردی ازدواج نمودم و مدّت هشت ماه زندگی مشترک داشتیم که شوهرم به جمهوری اسلامی ایران مسافرت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۶

نموده و مدّت شانزده سال این جانب را ترک نمود. در این مدّت هیچ گونه خرجی و نفقه برایم نفرستاد، به ناچار همراه پدر شوهرم جهت ردیابی از همسرم به ایران آمدیم، متأسفانه ایشان به جرم موادّ مخدر در یکی از زندانها محبوس بود، بعد از یک سال انتظار

همسرم آزاد شد و دوباره زندگی مشترك را آغاز نمودیم و از او حامله شدم، شوهرم بازهم فرار کرد بعد از مدّتی با زن دیگری که تبعه ایرانی است با تعدادی از فرزندانش پیدا شد، و از آنجا که نه حقیر از همسر دوّمش اطّلاع داشتم و نه همسر دوّمش از من اطّلاع داشت، همسر ایرانیش بنای ناسازگاری گذاشت، بعد از مدّتی با همسر دوّمش به جای نامعلومی رفت و فرزند ما بعد از این به دنیا آمد و اکنون مدّت دو سال است که در عالم هجرت بدون سرپرست و خرجی و نفقه زندگی می‌کنم، در ضمن این دفعه پدر پیرش را نیز همراه خود برده است به مراجع قضایی شاکی شده‌ام خبری از همسرم معلوم نیست، حال تکلیف من چیست و چه کار کنم؟

جواب: در صورتی که مرد حاضر به دادن نفقه و زندگی کردن با این همسر نیست و طلاق هم نمی‌دهد حاکم شرع می‌تواند صیغه طلاق او را اجرا کند.

سؤال ۹۴۰- من همراه شوهر و فرزندانم در سال ۱۳۶۶ به نروژ آمدیم و الآن سه سال است که شوهرم من و بچّه‌هایم را رها کرده و رفته و مرا بلاتکلیف گذاشته است ولی طلاق دولتی را در نروژ انجام داده‌ایم در نروژ مرکز توحید اسلامی برای شیعیان و مسلمین وجود دارد، از جنابعالی درخواست می‌کنیم که به روحانی این مرکز وکالت و اجازه برای جاری کردن صیغه طلاق شرعی بدهید تا مرا طلاق دهد؟

جواب: چنانچه همسر شما نه حاضر است با شما زندگی کند و نه طلاق شرعی می‌دهد به روحانی محترم محلّ وکالت دادیم که شما را بعد از ثبوت این موضوع مطلّقه سازد و همچنین در مورد سایر مسلمانانی که در شرایطی همانند شرایط شما زندگی می‌کنند.

سؤال ۹۴۱- آیا برای تبدیل ازدواج دائم به موقّت غیر از طلاق و انجام عقد موقّت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۷

راهی وجود دارد؟ و اگر ندارد آیا عدّه نگهداشتن لازم است یا شوهر سابق در عدّه می‌تواند زن را متعه کند؟

جواب: راه آن فقط طلاق است و در عدّه می‌تواند با او ازدواج نماید به شرط این که طلاق رجعی نباشد و اگر طلاق رجعی است باید بعد از تمام شدن عدّه او را به عقد موقّت درآورد.

سؤال ۹۴۲- میان من و شوهرم سه سال پیش نزاع و اختلاف به وجود آمد که کار به دادگاه کشیده شد، بعد از آن که شوهرم فهمید که محکوم می‌شود فرار کرد و به افغانستان رفت و شنیدم که در آنجا زن گرفته و من در اینجا سرگردان و بی‌سرپست در خانه خواهر خود به سر می‌برم، آیا شرعاً حاکم شرع می‌تواند با ولایت خود مرا طلاق دهد؟

جواب: اگر عمداً همسر خود را رها کرده و رفته و رسیدگی به حقوق شرعی او نمی‌کند و همسر در عسر و حرج گرفتار است حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد ولی اگر دسترسی به او هست قبلا اتمام حجّت شود.

سؤال ۹۴۳- این جانبه با شخصی ازدواج کردم و مدّت یك سال و نیم با هم بودیم ولی اکنون ایشان سه سال است که مفقود الاثر شده و خبری از ایشان ندارم، من از مهاجرین خارجی هستم و با یك فرزند خود در شهر مقدّس مشهد بی‌سرپرست و آواره زندگی می‌کنم و بسیار پریشان می‌باشم، من در زمان جاری شدن عقد به شوهرم گفتم که اگر به مدّت شش ماه نفقه به من نرسید اختیار طلاق به دست خودم باشد ولی آنها در عقدنامه ازدواج این مورد را ننوشتند، من هم سواد نداشتم که بخوانم، حال وظیفه من چیست؟

جواب: اگر او عمداً شما را رها کرده و رفته و در عسر و حرج شدید قرار دارید می‌توانید به روحانی سرشناس و آگاه به مسائل مراجعه کنید تا شما را طلاق دهد.

سؤال ۹۴۴- این جانب مدّت ۲۴ سال است که با خانمم زندگی می‌کنم و دارای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۸

شش فرزند می‌باشیم، در این مدّت با دخالت مستقیم پدر و مادر و برادر خانمم رو به رو بوده‌ام و زندگی تلخی را گذرانده‌ام تا این که مدّتی قبل دیگر کارد به استخوانم رسید و تصمیم به جدایی از همسرم گرفتم و چون در تصمیم خود جدّی بودم در چند جلسه (البتّه به فارسی) گفتم: همسرم مانند خواهر و مادرم برای من می‌باشد، حال همسرم از گذشته خود پشیمان شده و تعهّد داده که دیگر مثل گذشته به تحریکات بستگان خود گوش نکند و من هم می‌خواهم مدّتی دیگر به ایشان فرصت بدهم و با ایشان زندگی کنم با توجّه به گفته بالا آیا می‌توانم با ایشان به عنوان زن و شوهر زندگی کنم؟

جواب: چنانچه این سخن را در حالی گفته‌اید که دو شاهد عادل حضور داشته‌اند و آن زن هم در حال عادت نبوده بعد از پاك شدن با او نزدیکی نکرده باشید باید کفّاره بدهید و کفّاره آن دو ماه روزه است که باید سی و یک روز آن پشت سر هم باشد و اگر توانایی به روزه نداشته باشید ۶۰ مسکین را طعام دهید امّا اگر دو شاهد عادل حضور نداشته، کفّاره‌ای هم ندارد و این سخن بی‌اثر است، در ضمن توجّه داشته باشید در آنجا که کفّاره لازم باشد تا کفّاره ندهید حلال نمی‌شود.

سؤال ۹۴۵- خانم شوهرداری با افرادی حدود دو سال رابطه داشته است و حتّی مدّت ۲۰ روز بدون اجازه شوهرش معلوم نیست که در کجا به سر برده است آیا لازم است این خانم مشهور به فساد را طلاق داد؟

جواب: طلاق دادن او واجب نیست ولی لازم است او را از کار خلاف بازدارد.

سؤال ۹۴۶- شخصی به زنش اختیار داد که از سوی او کسی را برای طلاق وکیل کند، مدّتی گذشت زنش او را مطّلع نکرد که طلاق جاری شده یا نه؟ آیا نفقه در این مدّت بر شوهر واجب است و آیا شوهر می‌تواند این زن را به عنوان همسرش بپذیرد؟

جواب: مادامی که وقوع طلاق مشکوك است در حکم زوجه اوست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۹

سؤال ۹۴۷- همسران مفقودالاثرهای جنگ تحمیلی که چندین سال از شوهرانشان خبری ندارند در چه صورتی می‌توانند ازدواج کنند؟

جواب: در صورتی که یقین به فوت همسرشان پیدا کنند، ازدواج جایز است و در غیر این صورت اگر ماندن در آن حال، مایه عسر و حرج شود، حاکم شرع می‌تواند آنها را طلاق دهد و در غیر این صورت باید طبق دستور حاکم شرع چهار سال درباره آنها تحقیق شود اگر اثری پیدا نشد حاکم شرع آنها را طلاق می‌دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۱

فصل بیست و هشتم: احکام غصب

سؤال ۹۴۸- شخصی می‌داند پدرش ملکی را غصب کرده است، آیا می‌تواند از آن استفاده کند؟

جواب: نمی‌تواند، بلکه باید اگر صاحب آن را می‌شناسد به او بدهد و اگر نمی‌شناسد حکم مجهول المالك را دارد.

سؤال ۹۴۹- آیا غاصب علاوه بر خلع ید از مالی که غصب کرده است وظیفه دیگری نیز نسبت به صاحب مال دارد؟

جواب: غاصب موظّف است مال الاجاره آن را نیز در مدّت غصب طبق نظر اهل خبره بپردازد.

سؤال ۹۵۰- آیا انسان می‌تواند هزینه‌هایی را که برای به دست آوردن حق خود خرج کرده از غاصب بگیرد؟

جواب: احتیاط آن است که نگیرد، مگر این که هزینه زیادی را متحمّل شده باشد.

سؤال ۹۵۱- تشکیل جلسات قرآن، در مکان غصبی چه صورتی دارد؟

جواب: حرام است.

سؤال ۹۵۲- اگر کسی قرآنی را بدون رضایت صاحب آن تصرّف نموده باشد آیا در صورت تلاوت آن ثوابی بر قرائت او مترتّب

می‌شود؟

جواب: مشکل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۳

فصل بیست و نهم: احکام اموال گمشده و مجهول المالک

سؤال ۹۵۳- در آستان قدس رضوی، گاه هزاران کفش گمشده موجود است، حکم این کفشها را بیان فرمایید؟

جواب: کفشهایی که بدون صاحب در کفشداریهای حرمهای مطهّره می‌ماند، باید از طریق اعلام کردن به اطّلاع عموم برسانند و بعد از یأس از پیدا کردن صاحبانش، آنها را به مستحقّین بدهند یا بفروشند و قیمتش را به آنها بدهند.

سؤال ۹۵۴- یک حیوانی همراه حیوانات کسی از بیابان می‌آید، بعد از یک سال که مالک حیوان پیدا نشده آن را ذبح می‌کنند و مردم گوشت آن را می‌خورند، حکم کسانی که از این گوشت استفاده کرده‌اند را در دو صورت علم و جهل به مجهول المالک بودن حیوان، بیان فرمایید.

جواب: هرگاه کسی حیوان گمشده‌ای را پیدا کند، باید یک سال از صاحب آن سراغ بگیرد، اگر پیدا نشد، می‌تواند آن را از طرف صاحب اصلی آن در راه خدا صدقه بدهد یا خودش بردارد به نیّت این که اگر صاحبش پیدا شد عوض آن را بدهد و اگر مجهول المالک باشد باید با اجازه حاکم شرع آن را به مستحقّین داد.

سؤال ۹۵۵- وظیفه کسی که اموال حرام یا موادّ غذایی حرام در اختیار او قرار گرفته است و قدرت بازگرداندن آنها را به صاحبش ندارد یا این امر برای او مشکل است چیست؟

جواب: اگر ردّ آن و لو به حیله‌های عقلایی، امکان دارد باید رد کند و الّا به فقرا صدقه دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۴

سؤال ۹۵۶- اجناس و وسایل قیمتی که در سرزمینهای غیر اسلامی پیدا می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر علامتی ندارد می‌توان آن را تملّک کرد و اگر علامت دارد و امکان دارد صاحبش را پیدا کند باید به او بدهد، ولی در کشورهای محارب با اسلام تملّک آن در هر حال مانعی ندارد.

سؤال ۹۵۷- آیا اموال دولت از نظر شما در حکم مجهول المالک است؟

جواب: حکم مجهول المالک را ندارد، بلکه مال عنوان دولت است نه ملک اشخاص.

سؤال ۹۵۸- در چه صورتی برای پیدا کردن صاحب اشیایی که پیدا می‌شود باید تلاش کرد و در چه صورتی لازم به تعریف نیست؟ در زمان معاصر وضعیّت تعریف چگونه است؟

جواب: جایی که می‌توان با تعریف صاحبش را پیدا کرد تعریف لازم است و تعریف در زمان ما از طریق گفتن در مساجد و آگهی زدن در مراکز پرجمعیّت و مناطقی که گمشده را یافته‌اند و همچنین در جراید و مانند آن می‌باشد.

سؤال ۹۵۹- زنی به اعتراف خود سالهای متمادی مبتلا به اعمال منافی عفّت بوده و از این راه کسب معیشت می‌نموده و با آن درآمد نامشروع، خانه و زندگی تهیّه کرده است. اکنون که می‌خواهد توبه کند تکلیف داراییهای موجود اعم از خانه و اثاث و چیست؟

جواب: اگر صاحبانش را می‌شناسد باید به آنها بازگرداند و اگر نمی‌شناسد حکم مجهول المالک را دارد و اگر او نیاز مبرم دارد حاکم شرع می‌تواند با توجّه به این که توبه کرده به عنوان ردّ مظالم به او بدهد.

سؤال ۹۶۰- یک سال و نیم پیش یک کیف پول در ماشین این جانب جا مانده بود و هیچ نشانه‌ای نداشت، اطّلاعیّه‌هایی در محلّی

که احتمال می‌دادم مسافر آنجا پیاده شده به در و دیوار کوچه و خیابان نصب کردم و همچنین در یکی از روزنامه‌ها
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۵
چاپ نمودم، با توجّه به توضیحات داده شده تکلیف شرعی من چیست؟ لازم به ذکر است که کلّ وجه، مبلغ ۳۰۸۰۰۰ ریال می‌باشد که از محلّ این پول ۴۵۰۰۰ ریال به آن روزنامه و مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به شخصی جهت چسباندن اطّلاعیه‌ها به در و دیوار دادم و باقیمانده وجه را خرج عروسی جوانی که برادر خودم می‌باشد کردم اکنون تکلیفم چیست؟

جواب: نسبت به آن وجهی که برای عروسی داده‌اید اگر نیازمند بوده ما اجازه می‌دهیم و اشکالی ندارد، امّا نسبت به آنچه هزینه کرده‌اید اگر یقین به رضایت صاحب آن داشته‌اید آن هم اشکالی ندارد، ولی اگر رضایت او محرز نباشد نسبت به آن بدهکار هستید و احتیاط آن است که معادل آن را به شخص مستحقی بدهید.

سؤال ۹۶۱- افرادی که در خدمات شهری (شهرداری) شهرها کار می‌کنند اشیایی مانند لامپ و غیره پیدا می‌کنند که با کمی خرج قابل استفاده می‌شود، به طور کلّی نسبت به اشیایی که پیدا می‌شود مانند قراضه آلومینیوم، آهن، پلاستیک، کفش و غیره چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب: اگر صاحبان این اشیا آنها را به دور انداخته‌اند اشکالی ندارد.

سؤال ۹۶۲- شخصی، کیف جیبی را که دارای پول و کارت شناسایی بود پیدا کرد، آیا این شخص می‌تواند از این پول، مقداری برای فرستادن کیف به صاحبش از طریق پست خرج کند؟

جواب: چنانچه مخارج مختصری است خودش بر عهده بگیرد امّا اگر مخارج سنگینی دارد و هیچ راهی برای رساندن به صاحبش جز صرف این مخارج نیست می‌تواند از آن پول بردارد.

سؤال ۹۶۳- مدّتی قبل قرآنی را در یکی از پارکها پیدا کردم تکلیفم نسبت به آن چیست؟

جواب: از قبیل اموال گمشده است و باید مطابق دستور آن که در توضیح المسائل ما مسأله ۲۱۹۳ به بعد آمده است عمل کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۷

فصل سی‌ام: احکام سر بریدن و شکار حیوانات

اشاره

سؤال ۹۶۴- چنانچه از میان شکم ماهی صید شده، ماهی کوچک مرده‌ای مشاهده گردد، آیا محکوم به حلّیت است یا حرمت؟

جواب: خالی از اشکال نیست، احتیاط در اجتناب از آن است.

سؤال ۹۶۵- آیا در ذبح حیوان لازم است که ابزار حتماً آهن باشد یا هر فلز برنده‌ای کفایت می‌کند؟

جواب: با هر فلز تیزی جایز است.

سؤال ۹۶۶- آیا جایز است در هنگام ذبح، شخص دیگری به جای ذابح بسم الله بگوید و آیا در ذبح فقط لفظ بسم الله کافی است؟

جواب: بسم الله کافی است و باید خود شخص ذابح بگوید.

سؤال ۹۶۷- یکی از شرایط ذبح حیوان این است که با وسیله‌ای که از آهن است ذبح شود، با توجّه به این که امروزه چاقوهای استیل در منازل رواج دارد و چاقوهای آهنی از مُد افتاده و مردم نیز با همین چاقوهای استیل حیوان را ذبح می‌کنند، حکم آن را بیان فرمایید؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۹۶۸- کندن سر گنجشک چه حکمی دارد؟ آیا با این کار گنجشک حلال می‌شود؟

جواب: حرام است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۸

سؤال ۹۶۹- آیا ذبح با دستگاههای امروزی جایز است؟

جواب: اگر شرایط شرعی در آن جمع باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۹۷۰- ذبح گوسفند به وسیله چاقوهای استیل چه حکمی دارد و کلمه استیل به چه معنا می‌باشد؟

جواب: ذبح، با این گونه چاقوها مانعی ندارد بلکه ذبح با تمام فلزات تیز جایز است و استیل معمولاً به نوعی از فولاد گفته می‌شود.

سؤال ۹۷۱- اگر مرغ و خروس و گاو و گوسفند را با ماشین ذبح کنند آیا چنین ذبیحه‌ای حلال است یا آن که حرام و میته و نجس می‌باشد و خریدوفروش و پولش هم حرام است؟

جواب: همان طور که در بالا آمد در صورتی که شرایط ذبح مراعات شود مانعی ندارد و چنین ذبیحه‌ای حلال است.

سؤال ۹۷۲- حکم ذبیحه‌ای که کاملا طبق موازین شرعیّه ذبح شده لکن پس از ذبح، آن را در آب خیلی داغ فرو می‌برند به طوری که رگهایش بسته یا نیم‌بند شده و در نتیجه خون متعارف بیرون نیامده است از لحاظ گوشت و رگهای خون دار داخل آن چیست؟

جواب: گوشت آن حلال است ولی احتیاط آن است که از خونهای داخل آن اجتناب شود.

سؤال ۹۷۳- آیا می‌توان به یک بار گفتن نام خدای متعال در وقت روشن کردن دستگاه ذبح برای جمیع ذبیحه‌ها اکتفا نمود؟ یا آن‌که برای هر کدام یا هر چندتایی که دستگاه فرصت می‌دهد یک بسم الله لازم است؟

جواب: اگر ماشین مرتّباً کار می‌کند احتیاط آن است که مرتّباً نام خدا را تکرار کنند، هر چند همراه یک بسم الله چندین حیوان ذبح شود.

سؤال ۹۷۴- آیا نام خدای متعال را باید همان شخص روشن‌کننده دستگاه و لو

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۹

این که نزدیک و مقابل ذبیحه نباشد و فقط مثلا یا الله یا الله بگوید یا آن که اگر دیگری هم بگوید کافی است؟

جواب: باید همان شخصی که دستگاه را روشن می‌کند نام خدا را ببرد و گفتن یا الله نیز کافی است و حضور در محلّ ذبح لازم نمی‌باشد.

سؤال ۹۷۵- اگر برای سرعت و سهولت و کند نشدن تیغهای چرخان دستگاه ذبح، براده و نرمه الماس را با چسب‌های مخصوص به لبه تیغ‌ها محکم بچسبانند بطوری که ذبح به وسیله الماس انجام شود نه با آهن یا فولاد، اگر چه آهن به فاصله تقریباً یک میلی‌متر عقب‌تر از الماس باشد، آیا ذبیحه از این جهت حلال است البتّه در صورت عدم اضطرار و داشتن فرصت و اختیار؟

جواب: اشکالی ندارد، حلال است.

سؤال ۹۷۶- آیا صرف پخش آیات قرآن و یادآوری ذکر خدا در هنگام ذبح حیوانات، کفایت می‌کند یا حتماً باید خود ذابح نام خدا را بگوید؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ذابح بگوید.

سؤال ۹۷۷- خوابانیدن بعضی از گاو و گوساله‌هایی که در کشتارگاهها انجام می‌شود به علّت بزرگی جثّه و سنگینی وزن به طرف قبله ممکن نیست، در این صورت اگر به صورت ایستاده رو به قبله ذبح شود کافی است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۷۸- در کشتارگاههای مرغ معمولا یکباره پنج هزار قطعه مرغ را با هم ذبح می‌کنند آیا گفتن یک بسم الله در اوّل کشتار

کفایت می کند؟

جواب: احتیاط تکرار آن به طور عادی است.

سؤال ۹۷۹- گاهی از اوقات گاو را ایستاده ذبح می کنند، سپس گاو بر زمین می‌افتد و قبل از جان دادن، گاو را رو به قبله می کنند آیا این ذبح صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۸۰

شوک دادن به هنگام سر بریدن حیوانات

سؤال ۹۸۰- اگر حیوانات را قبل از ذبح شوک برقی دهند به طوری که قبل یا بعد از ذبح هیچ حرکتی نکند یا حرکت کمی بکند، با فرض این که در هر صورت خونی از آنها نیاید یا بیاید، آیا اینها حلالند یا حرام و میته؛ و خریدوفروش و بهای آنها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که حیوان بعد از شوک، زنده باشد و ذبح شرعی بشود حلال است و خوردن و خریدوفروش آن جایز است ولی از خونهای داخل آن پرهیز کنید.

سؤال ۹۸۱- اگر حیوان حلال گوشت را قبل از ذبح به وسیله آمپول و یا چیز دیگری سست نمایند به جهت این که کمتر احساس درد کند آیا این عمل جایز است؟

جواب: اگر حیوان بعد از شوک و سست شدن زنده بماند اشکالی ندارد، و هر کاری که سبب شود حیوان کمتر زجر ببیند مستحب است.

شکار با اسلحه

سؤال ۹۸۲- در چه صورت حیوانی که بر اثر شکار از بین می‌رود حلال است؟

جواب: در صورتی که وقت برای رسیدن و سر بریدن کافی نباشد و گلوله بدن او را مجروح کرده، و خونی از آن آمده باشد، حلال است. مشروط بر این که سایر شرایط مانند بردن نام خدا به هنگام شکار کردن و مسلمان بودن شکارکننده نیز در آن جمع باشد، و در صورتی که وقت برای سر بریدن دارد و در ذبح آن کوتاهی کند حرام است.

صید ماهی

سؤال ۹۸۳- اخیراً عدّه‌ای از صیادان نقل می کنند که ماهی را به وسیله برق صید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۸۱

می کنند ماهی صید شده در آب می‌میرد مرده آن را از آب بیرون می‌آورند، سؤال این است که این چنین ماهی از نظر حلّیّت و یا حرمت چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد، مگر این که بیرون از آب بمیرد.

سؤال ۹۸۴- متخصّصین علم جانورشناسی می گویند: در دریاهای جنوبی کشور نوعی خرچنگ دراز به نام شاه میگو و در آبهای شیرین مرداب انزلی و رودخانه‌های وابسته به آن و بعضی دیگر از آبهای شیرین داخلی نوعی خرچنگ دراز به نام خرچنگ آب شیرین زندگی می کند که شباهت ساختمانی بسیار زیادی با میگو دارد، از لحاظ ساختمان ظاهری «شاه میگو» و «خرچنگ آب

شیرین» تفاوت فاحشی با خرچنگ معروف که دارای بدنی گرد و پهن است و در کنار دریا و یا رودخانه‌ها زندگی می‌کند دارد، آیا اینها حلال هستند یا حرام؟

جواب: حکم در اینجا تابع صدق موضوع در نظر عرف است، اگر به آن، خرچنگ (سرطان) گفته شود حرام است و اگر صدق روبیان (میگو) بر آن کند حلال است، برای تشخیص این موضوع می‌توانید به صیّادان مراجعه کنید.

سؤال ۹۸۵- چون در رساله‌های عملیّه نامی از «صدف» و حکم آن دیده نشده و متخصّصین فن نظر می‌دهند که گوشت داخل صدف از بهترین گوشتهاست و مصداق جدی لحماً طریّاً می‌باشد و دارای خواص بی‌شماری است، و بعضاً اطبا برای معالجه بعضی از امراض تجویز می‌کنند لطفاً حکم آن را در صورت اختیار و اضطرار و معالجه بیان فرمایید؟

جواب: تنها در صورت ضرورت بی‌اشکال است.

سؤال ۹۸۶- در مسأله اربیان (روبیان) که معروف به «میگو» است و به طور شایع صید می‌شود و مأکول است فرموده‌اند که: «فلس دارد» آیا همه اقسام میگو را شامل می‌شود؟ چون یک رقم میگو که معروف به شاه میگوست (و اسم خارجی آن لابستر است) که تمام مشخّصات اربیان رایج در او دیده می‌شود جز آن که جثّه او بزرگتر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۲

است، آیا اربیان خاصّی حلیّت دارد یا هر چه که اربیان و میگو نامیده شده با وحدت مشخصات، حلال است؟

جواب: فرقی میان انواع اربیان نیست ولی باید مانند اربیان معمولی فلس داشته باشد.

سؤال ۹۸۷- متخصّصین فن نظر می‌دهند که کوسه‌ماهی هم مانند ماهیان دیگر دارای فلس و قشر (به نام فلس میخی یا دندانه‌ای) است که با دست کشیدن روی پوست آنها محسوس است و از نوع ماهیهای غضروفی است، بنابراین حکم کوسه‌ماهی چیست؟

جواب: اگر در نظر عرف، فلس دارد حلال است و تفاوتی میان ماهیها نیست.

سؤال ۹۸۸- آن دسته از آبزیان که خوردن آنها حرام است و لو این که زنده از آب گرفته شده باشد آیا محکوم به حکم میته است که خریدوفروش آن حرام می‌باشد؟ (چون از آنها استفاده‌های دیگری مانند خوراک برای دام و طیور و بعضاً استفاده‌های صنعتی می‌شود).

جواب: خریدوفروش آنها برای منافع دیگر اشکالی ندارد.

سؤال ۹۸۹- در استان فراه افغانستان مردم بعد از صید ماهی، سر آن را جدا کرده و بدنش را می‌خورند، اخیراً متوجّه شدیم که سرها بعد از جدا شدن زنده‌اند و دهان ماهیها باز و بسته می‌شود، آیا خوردن چنین ماهیهایی جایز است با اینکه هنوز سر آنها زنده است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۹۰- نظر به اینکه عدّه‌ای با استفاده از نارنجک و یا دیگر موادّ منفجره اقدام به صید ماهی می‌نمایند به طوری که در اثر موج انفجار ایجاد شده، ماهیها روی سطح آب قرار می‌گیرند و سپس آنها را از روی آب جمع می‌کنند آیا چنین ماهیهایی حلال هستند؟

جواب: اگر ماهیها زنده یا نیمه جان از دریا گرفته شوند حلال هستند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۳

مسائل متفرّقه

سؤال ۹۹۱- آیا به دلیل زیادی فوق‌العاده کشتار (مثلا در هر روز یک صد یا چند هزار حیوان ذبح می‌شود) و مشکل بودن ذبح مباشرتی مسلمین و تسمیه و بالا رفتن مخارج آن، می‌توان به دلیل حلّیت اضطراری اکل میته یا به دلیل دیگری، از احکام اصلیّه اوّلیّه الهیّه صرف نظر نموده با مقداری مصرف کم یا زیاد آن برای هر کس حکم به حلّیت و حتّی طهارت آن نمود؟

جواب: بحمد الله ضرورتی از این نظر وجود ندارد و ذبیحه مسلمین به قدر کافی وجود دارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۵

فصل سی و یکم: احکام خوردنیها و آشامیدنیها

سؤال ۹۹۲- غذاهایی که از دست کفّار گرفته می‌شود چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که احتمال بدهیم این غذاها به وسیله کارخانه‌ها یا ابزار و آلات یا دستکش تهیّه شده، هیچ اشکالی ندارد، ولی هرگاه یقین داشته باشید با دست یا بدن آنها با رطوبت تماس پیدا کرده احتیاط آن است که در غیر موارد ضرورت اجتناب شود امّا در موارد ضرورت مثل مسافرتهایی که به کشورهای غیر اسلامی می‌شود و پرهیز از این امور مشکل است، می‌توانید پرهیز نکنید.
سؤال ۹۹۳- خوردن گوشت خرگوش چگونه است؟
جواب: مطلقاً حرام است.
سؤال ۹۹۴- خوردن دنبلان (بیضه حیوان) چگونه است؟
جواب: حرام است احتیاط واجب آن است که به کودکان هم خورانده نشود.
سؤال ۹۹۵- آیا استعمال سیگار در صورتی که اشخاص دیگری که در آن مجلس هستند راضی نباشند و موجب اذیّت آنها شود یا برای آنها زیان داشته باشد جایز است؟ در حالی که بعضی از مجامع طبّی می‌گویند: ضرر سیگار برای کسی که در آن فضای دودآلود است سه برابر ضرری است که برای سیگاری دارد، لذا در بسیاری از مکانهای تجاری و ادارات دولتی سیگار کشیدن را ممنوع اعلام کرده‌اند، آیا جایز است با این اعلان «سیگار کشیدن ممنوع است» مخالفت کرد یا باید به آن پایبند بود؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۶
جواب: اذیّت کردن دیگران جایز نیست و سیگار کشیدن در صورتی که موجب ضرر به دیگران شود نیز جایز نیست و در ادارات دولتی یا خصوصی که سیگار کشیدن را ممنوع کرده‌اند این کار حرام است حتّی اگر موجب اذیّت هیچ‌کس نشود.
سؤال ۹۹۶- به نظر مبارک نگهداری مشروبات الکلی چه حکمی دارد؟
جواب: حرام است و موجب تعزیر می‌باشد، مگر در مواردی که غرض مهمّی باشد یا بخواهند آن را تبدیل به سرکه کنند.
سؤال ۹۹۷- آیا خرچنگ و لاک‌پشت دریایی حلال گوشت هستند؟
جواب: خرچنگ و لاک‌پشت حرام گوشت هستند ولی میگو اشکالی ندارد.
سؤال ۹۹۸- آیا کوسه‌ماهیها حلال گوشت می‌باشند؟
جواب: اگر به تصدیق اهل اطّلاع دارای فلس باشند حلالند و الّا حرام می‌باشند.
سؤال ۹۹۹- خوردن گوشت طاووسی که درباره‌اش حضرت علی (علیه السلام) یک خطبه طولانی انشا فرموده‌اند و در آن، طاووس را به مرغ تشبیه کرده‌اند، چه حکمی دارد؟
جواب: طاووس چه سفید باشد چه سیاه، حرام گوشت است و شرح عجایب آن، دلیلی بر حلال گوشت بودن آن نیست همان‌گونه که حضرت عجایب خفّاش را نیز بیان کرده است.
سؤال ۱۰۰۰- شخصی به خاطر جاهل بودن به مسأله چند سال قبل با حیوانی وطی می‌کند و الآن متوجّه مسأله شده است و احتمال می‌دهد که صاحب گوسفند، آن را فروخته و یا اینکه آن گوسفند احتمالاً تلف شده باشد، آیا بر این شخص واجب است که گوسفندی را بکشد و بسوزاند و در صورتی که واجب باشد و به عللی این کار برای او امکان نداشته باشد اگر توبه کند می‌تواند از شیر و گوشت گوسفندان استفاده کند و این شخص که کشتن و سوزاندن حیوان برایش (در صورت احتمال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۷

وجود آن گوسفند) ممکن نیست آیا عادل است؟

جواب: هرگاه یقین دارد که آن گوسفند از بین رفته است و یا به کسی فروخته شده که از دسترس بیرون است در حال حاضر تکلیفی ندارد و باید جدّاً از کار خود توبه کند و به کلّی از گذشته فاصله گیرد و هرگاه ملکه عدالت و خدا ترسی در او حاصل گردد می‌تواند امام جماعت باشد و اگر احتمال می‌دهد هنوز آن گوسفند در میان آن گلّه وجود دارد باید قرعه‌کشی کند، به این ترتیب که گوسفندان را به دو قسمت می‌کند و قرعه‌ای بر آنها می‌زند و باز آن قسمت را به دو قسمت می‌کند و مجدّداً قرعه می‌زند تا سرانجام یک گوسفند باقی بماند و آن را ذبح می‌کند و گوشت آن را می‌سوزاند و اگر مال او نیست آن را خریداری می‌کند، مگر اینکه این کار مشکلات و محذورات مهمّی داشته باشد.

سؤال ۱۰۰۱- سوسیس‌هایی که از کشورهای خارج وارد می‌شود چه حکمی دارد، آیا حرام است یا خیر؟

جواب: مواد غذایی که در آن از گوشتهای غیر ذبیحه اسلامی استفاده شده است حرام است.

سؤال ۱۰۰۲- آیا در مورد گوسفند موطوئه‌ای که داخل گوسفندان می‌باشد و معلوم نیست کدام آنهاست، جایز است که انسان به این شکل قرعه بزند که مثلا از یک تا صد روی گوسفندان شماره بچسباند و بعداً شماره‌های یک تا صد را داخل پلاستیکی بریزد و یکی از شماره‌ها را بردارد و با آن شماره‌هایی که روی گوسفند چسبانده مطابقت کند و آن گوسفند را ذبح کند و گوشت آن را بسوزاند.

جواب: آنچه در روایت وارد شده است آن است که گوسفندان را به دو قسمت تقسیم کند یک قسمت را با قرعه جدا کند و باز آن را به دو قسمت تقسیم کند و به همین ترتیب عمل کند تا یک گوسفند باقی بماند ولی آن طرز قرعه‌ای که نوشته‌اید نیز مانعی ندارد زیرا آنچه در روایت آمده بیان نوعی از قرعه است.

سؤال ۱۰۰۳- با گوسفندی چند سال پیش در حالی که هنوز بره نیاورده بود و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۸

آبستن هم نبود، وطی شده است، اگر الآن که چند سال می‌گذرد و برّه‌هایی آورده ولی نه خود گوسفند و نه برّه‌هایش معلوم است، خود گوسفند موطوئه را با قرعه جدا و ذبح کند و گوشت آن را بسوزاند، آیا این نسلهایش که در بین گوسفندان است و معلوم نیست کدام‌یک از گوسفندان نسل او هستند حلال می‌شوند؟ و دیگر اینکه اگر مثلا آن گوسفند موطوئه سفید بوده، آیا این شخص باید بین همه گوسفندان قرعه بزند یا فقط بین گوسفندان سفید؟ و آیا بعد از چند سال قرعه شامل برّه و گوسفند یک‌ساله نیز می‌شود؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، بچّه‌های آن حیوان نیز حکم او را دارند و باید به همان ترتیب درباره آنها قرعه زد و عمل کرد.

سؤال ۱۰۰۴- اگر شخص واطی به خاطر مسائلی مانند فقر، ترس از آبروریزی یا عدم توانایی بر قرعه به خاطر تعداد زیاد گوسفندان، نتواند قرعه بزند، آیا راه دیگری وجود دارد و دیگر اینکه اگر این شخص این کار را نکند و در بقیّه اعمالش مراقبت کند، آیا عادل است؟

جواب: غیر از قرعه‌کشی راه دیگری ندارد و باید به وظیفه‌اش عمل کند در غیر این صورت عادل نیست مگر اینکه مفسده مهمّی از آن ناشی شود.

سؤال ۱۰۰۵- زید چندین سال قبل با حیوان عمرو، عمل نامشروع انجام داده است و صاحب حیوان آن را فروخته و قیمت آن را گرفته و مصرف کرده و معلوم نیست حیوان کجاست، مرده است یا زنده، اکنون با گذشت زمان، متوجّه شده و در مقام توبه بر آمده و سؤال می‌کند:

الف) قیمت آن حیوان را به صاحب یا ورثه آن ضامن است یا خیر؟

ب) آیا بالغ و مکلّف بودن و نبودن زید و انزال شدن و نشدن منی در حکم فرق می کند یا خیر؟

ج) در صورت شک در بلوغ و عدم بلوغ وظیفه چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۹

د) در صورت ضمان، مأکول اللّحم بودن مرسومی حیوان مثل گوسفند و بز و غیره یا مأکول اللّحم مرسومی نبودن آن مثل اسب و الاغ و غیره در حکم فرق می کند یا خیر؟

ه‍) در صورت وجوب ادای قیمت، آیا لازم است به طرف عنوان وجه را اظهار کند چون ممکن است اظهار کردن باعث مفسده و یا شرمندگی و خجلت باشد؟

جواب: الف) ضامن است و باید قیمت آن را بپردازد.

ب) اگر بالغ و مکلّف نباشد این حکم در مورد او جاری نمی‌شود.

ج) در صورت شک در بلوغ حکم به عدم بلوغ می کند.

د) در هر دو صورت باید قیمت آن را به صاحبش بدهد ولی در صورت دوّم اگر حیوان پیدا شود آن را به شهر دیگری ببرند و بفروشند پول آن متعلّق به فاعل است.

ه‍) اعلام کردن لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۱

فصل سی و دوّم: احکام نذر

سؤال ۱۰۰۶- بعضی افراد برای اماکن مشکوکی نذر می کنند (مانند قدمگاه‌های منسوب به امیر مؤمنان (علیه السلام) سپس آن را در خیرات در آن محل مصرف می کنند آیا این کار جایز است؟

جواب: مصارف مذکور اشکالی ندارد ولی مردم باید توجّه داشته باشند که این نذورات را به عنوان ابراز ارادت به پیشگاه مولا امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بدهند و این که آن مکان منسوب به اوست، نه اینکه آن محل قطعاً قدمگاه آن حضرت است و اگر اینگونه کارها سبب شود محلّ مشکوکی در نظر مردم اعتبار پیدا کند مشکل است.

سؤال ۱۰۰۷- شخصی نذر کرده است و مقدار نذر را می‌داند ولی در مورد محل و مکان مصرف نذر مردّد بین یکی از سه مکان است مثلاـ حرم حضرت رضا (علیه السلام) یا حضرت معصومه (علیها السلام) یا حضرت عبد العظیم (علیه السلام) تکلیف این شخص چیست؟

جواب: اگر مبلغ نذر جزئی است احتیاط آن است که در هر یک از سه مورد، آن مقدار را مصرف کند و اگر مبلغ و مقدار قابل توجّهی است می‌تواند قرعه بزند و مطابق آن عمل کند.

سؤال ۱۰۰۸- پدر و مادری نذر می کنند که اگر خدا به آنان فرزند پسر بدهد روز عاشورا بر سر او تیغ بزنند، آیا با توجّه به اینکه انجام اینگونه اعمال باعث وهن شیعه و عزاداری سیّد الشهداء (علیه السلام) و موجب سوء استفاده دشمنان اسلام می گردد عمل به این نذر واجب است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۲

جواب: این نذر صحیح نیست چون در نذر رجحان عمل شرط است و این عمل با توجّه به اینکه بهانه‌ای به دست دشمنان اسلام برای زیر سؤال بردن کلّ مسائل سوگواری خامس آل عبا (علیه السلام) که از افضل قربات است می‌دهد، خالی از اشکال نیست و

بر فرض رجحان این عمل، نذر درباره دیگری کردن صحیح نیست.

سؤال ۱۰۰۹- همه‌ساله در روز تاسوعا و عاشورا، مردم محل گوسفندهایی را به عنوان نذر در جلوی هیأت سینه‌زنی و عَلمهایی که به نام حضرت أبو الفضل (علیه السلام) برپا می گردد ذبح می کنند و وجه آن توسّط هیأت امنای حسینیّه در مرمت و گسترش آن مکان مقدّس خرج می‌شود آیا پول این گوسفندهای قربانی را می‌شود در مسجدی که به نام حضرت أبو الفضل (علیه السلام) در کنار جادّه جهت عبادت و رفاه حال مسافران و رهگذران در حال احداث است خرج کرد، در صورتی که خود آن حسینیّه نیز احتیاج مبرم به بازسازی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که این گوسفندان را صرف اطعام عزاداران نمایند مگر این که از قراین معلوم شود که نذر کنندگان هدف دیگری داشته‌اند.

سؤال ۱۰۱۰- شخصی نذر کرده که سالی ده روز روزه بگیرد ولی حالا به علّت پیری توان آن را ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: نذر او نسبت به این سنین صحیح نیست.

سؤال ۱۰۱۱- در شهر زنجان مسجدی است به نام زینبیّه که در ایّام عزاداری امام حسین (علیه السلام) در مقابل دسته‌های عزاداری این مسجد گاو و گوسفند زیادی قربانی می‌شود و قسمتی از این گوشتها صرف اطعام و قسمتی بین مردم تقسیم می‌شود و اضافه آن را جهت توسعه بنای مسجد و احداث درمانگاه یا مانند آن زیر نظر هیأت امنا به فروش می‌رسانند، آیا این عمل جایز است؟

جواب: هرگاه مردم از این جریان قبلا با خبر باشند و با رضایت به این امور

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۳

قربانی کنند اشکالی ندارد و اگر با خبر نیستند باید گوشتها را صرف در مصارف عزاداری کنند.

سؤال ۱۰۱۲- گوسفندی که نذر امامزاده شده است چگونه باید مصرف شود؟ آیا خود نذرکننده می‌تواند استفاده کند؟

جواب: گوسفندی را که نذر امامزاده کرده، باید گوشت آن را به زوّار و فقرای آن محل بدهد و چنانچه خودش نیز جزء زوّار باشد می‌تواند سهمی از آن ببرد.

سؤال ۱۰۱۳- شخصی چندین سال قبل نذر کرده که اگر حاجت او برآورده شود یک مقداری از درآمد حمّام عمومی‌اش را وقف امیر المؤمنین علیه السلام کند که شبهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ ماه مبارک رمضان افطاری دهد. چندین سال این سه شب را افطاری می‌داده است در حالی که این غذا به مستحقّین واقعی نمی‌رسید و در ضمن شخص مزبور نمی‌داند که بر این نذر خود صیغه خوانده است یا زبانی گفته است، با توجه به این مقدمه، آیا اجازه می‌فرمایید که این پول در کارهای عام المنفعه خرج شود، مثلا در راه ازدواج پسران و دختران بی‌بضاعت و یا این که کلّ پول به کمیتهٔ امداد تحویل شود، مقدار پول حدودا صد هزار تومان می‌باشد خواهشمندم ما را راهنمایی فرمایید.

جواب: چنانچه صیغهٔ نذر را، هرچند به زبان فارسی خوانده باشد، تغییر دادن آن جایز نیست و اگر نخوانده است تغییر مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۱۴- آیا نذر حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت ابو الفضل العباس و حضرت سیّد الشهداء و دیگر ائمّه اهل بیت (علیهم السلام) جایز است؟

جواب: نذر برای خدا جهت این بزرگواران جایز و مشروع است.

سؤال ۱۰۱۵- آیا نذر کردن با کتابت منعقد می‌شود؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۰۱۶- اگر کسی نذر کند که اگر مشکلش برطرف شد هر روز سه جزء قرآن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۴

بخواند ولی اکنون با توجّه به شغلش عمل به این نذر مقدور نیست، وظیفه او چیست؟

جواب: به مقداری که توانایی دارد بخواند.

سؤال ۱۰۱۷- شخصی نذر کرده که به مدّت یک سال هر روز بر سر مزار پدرش رفته و یک جزء قرآن تلاوت نماید، ولی اکنون به خاطر سرمای زمستان یا گرمای بیش از حد، قدرت این کار را ندارد، آیا می‌تواند این کار را در منزل انجام دهد و یا در تابستان به هنگام شب بر سر مزار برود و بخواند؟

جواب: به مقداری که می‌تواند و قدرت دارد به نذر خود عمل کند.

سؤال ۱۰۱۸- کسی که نذر نموده است که در صورت مشرف شدن به بیت اللّه الحرام یک ختم قرآن در زیر ناودان طلا بجا آورد ولی بعد از تشرّف به جهت تعمیرات، قرائت در آن مکان ممکن نشود، وظیفه او چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در جای دیگری از مسجد الحرام به جا آورد که به آن نزدیک باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۵

فصل سی و سوّم: احکام وقف

سؤال ۱۰۱۹- با عنایت به جایگاه مهمّ مراکز آموزش عالی و پژوهشی در دنیای امروز در راستای ایفای رسالت تعلیم و تربیت و با توجّه به نیاز مبرم این مراکز به کمکهای مردمی و نظر به اهمیّت سنّت حسنه وقف استدعا دارد نظر شریف را نسبت به وقف، برای بهره‌مندی این مراکز مرقوم فرمایید.

جواب: وقف یکی از سنّتهای مهمّ اسلامی است که از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وجود داشته و در اعصار ائمّه معصومین (علیهم السلام) مورد توجّه بوده و تأکیدهای فراوانی نسبت به آن در روایات اسلامی آمده است و در طول تاریخ کارهای مهمّی به وسیله موقوفات انجام شده و بسیاری از مراکز علمی، درمانی و مدارس دینی و کارهای خیر اجتماعی از این طریق انجام گرفته است و مسلمانان جهان از برکات موقوفات، بهره فراوان گرفته و می گیرند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: کسی از حضرتش پرسید چه چیز بعد از مرگ انسان ممکن است به او برسد؟ فرمود: سنّت نیکویی در میان مردم بگذارد هر کسی که به آن عمل کند اجر و پاداش برای او خواهد بود بی‌آن که از اجر و پاداش عمل کنندگان به آن سنّت کاسته شود، دیگر این که صدقه جاریه (موقوفه) ای از خودش به یادگار بگذارد که آثار و برکاتش ادامه داشته باشد و این صدقات جاریه، مایه نجات او در عالم دیگر خواهد بود. درست است که سوء استفاده بعضی از افراد ناآگاه و بی‌ایمان از موقوفات چهره آن را در نظر بعضی دگرگون ساخته، ولی ما نباید اجازه بدهیم که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۶

این سنّت بزرگ و پربرکت اسلامی که در طول تاریخ هزاران هزار فایده و نتیجه مهم داشته است به خاطر سوء استفاده بعضی از نااهلان به دست فراموشی سپرده شود، بلکه باید جلوی سوء استفاده‌ها را گرفت و این امر کاملاـ ممکن است، عمران و آبادی بسیاری از مساجد، مدارس، مراکز علمی و مخصوصاً حرمهای مقدّسه ائمّه اطهار (علیهم السلام) از برکت همین موقوفات است. امروز باید به این سنّت حسنه اسلامی اهمیّت بیشتر داد مخصوصاً برای مراکز علمی و فرهنگی از آن استفاده کرد و به یقین هر دانشمندی از چنین مراکزی برخیزد و هر خدمتی انجام دهد، بانیان موقوفه‌های مربوط به آن در این جهان و جهان دیگر از آن بهره‌مند خواهند شد، خداوند همه را به احیای سنّت‌های راستین اسلامی موفّق دارد.

سؤال ۱۰۲۰- شخصی، قطعه زمین موقوفه‌ای را از متولّی اجاره می‌کند، بعد از اجاره، قسمتی از زمینهای موات حریم آن را نیز احیا می‌کند. آیا متولّی می‌تواند زمین مزبور را که مستأجر احیا کرده است جزء وقف محسوب دارد یا مستأجر مالک آن می‌شود؟

جواب: چنانچه حریم شرعی بوده مستأجر حقّ احیا نداشته و مالک نمی‌شود و مادام که مدّت اجاره زمین تمام نشده مستأجر حقّ استفاده از آن را دارد و باید اجاره آن را بدهد و متولّی نمی‌تواند از او بگیرد ولی بعد از اتمام مدّت اجاره، حقّی برای مستأجر باقی نیست.

سؤال ۱۰۲۱- وقف از چه راههایی ثابت می‌شود؟

جواب: اثبات وقف بودن یا از طریق علم و شهرت در محل است و یا بیّنه شرعیّه (دو شاهد عادل) و تنها با ادّعا و حتّی وقف‌نامه‌های مشکوک چیزی ثابت نمی‌شود، مگر آن‌که وقف‌نامه مورد اعتماد باشد.

سؤال ۱۰۲۲- آیا نوع تصرّف آب و زمین موقوفه‌ای که در دست شخصی است، تصرّف خاصّ و معینی است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۷

جواب: چنانچه آب و زمین موقوفه را اجاره کرده و شرط خاصّی نگذارده، هر نوع مایل باشد می‌تواند از آن استفاده کند.

سؤال ۱۰۲۳- از چه راههایی وقف بودن موقوفه ثابت می‌شود و آیا ادّعای اختلال فکری واقف، مسموع است و آیا صیغه وقف باید به عربی خوانده شود؟

جواب: چنانچه شهود بر وقف شهادت دهند و یا شیاع وقف در محل باشد، حکم وقف بر آن جاری خواهد بود و در وقف، صیغه عربی شرط نیست بلکه به هر زبانی جایز است حتّی اگر صیغه نخواند امّا به موقوفٌ علیهم تحویل دهد باز کفایت می‌کند و ادّعای اختلال فکری بدون دلیل و شاهد پذیرفته نیست.

سؤال ۱۰۲۴- در آمد موقوفه‌ها در چه راهی باید مصرف شود و تغییر مصرف آن در چه صورتی جایز است؟

جواب: طبق اصل مسلّم و روایت معروف «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» باید درآمد موقوفه را طبق همان چیزی که در وقف‌نامه تصریح شده به کار گیرند، مگر آن‌که در یک یا چند بند قابل عمل نباشد مثلا ظرف مسی در عصر و زمان ما تبدیل به ظروف دیگر می‌شود.

سؤال ۱۰۲۵- شخصی مقداری از اموال خود را وقف خاص کرده، یعنی برای فرزندان خود، آیا وقف صحیح است؟

جواب: در صورتی که شرایط دیگر وقف فراهم باشد صحیح است.

سؤال ۱۰۲۶- فروختن زمین زراعتی موقوفه در چه صورتی جایز است؟

جواب: فروختن عین موقوفه جایز نیست و اگر قابل زراعت نباشد و به درد ساختمان بخورد می‌توان آن را برای ساختمان اجاره داد، مگر آن‌که به هیچ وجه نتوان از آن استفاده نمود و چاره‌ای جز فروش و تبدیل به احسن نباشد.

سؤال ۱۰۲۷- در اثبات سیادت و وقف، شیاع مفید اطمینان را کافی می‌دانید؟

جواب: کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۸

سؤال ۱۰۲۸- اگر کسی در مورد وقفی که حدود پانصد سال پیش وقف شده و عمل شده، اکنون شک نماید که آیا واقف حقّ وقف کردن را داشته یا نه، آیا اینگونه شک را محکوم به فساد می‌دانید یا صحّت؟

جواب: این شک اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۲۹- آیا منظور واقف در عبارت ذیل «ارشد سِنی» است یا «ارشد علمی»؟

«تولیت آن را رجوع فرموده اوّل این که با خودم مادام حیّاً و بعد از آن به سیّد غیاث الله که اسنِّ ارشد اولاد حضرت واقف است و بعد از آن به اسنّ ارشد ذکور اولاد واقف و بعد از آن به اسنّ ارشد ذکور اولاد اولاد نسلا بعد نسل و عقباً بعد عقب و اگر در طبقه عالی رشید نباشد در هر طبقه از نسل او که رشید باشد تولیت از آن او باشد».

جواب: منظور از ارشد، ارشد بر حسب سن است، مشروط بر اینکه هوش و عقل کافی برای تولیت وقف داشته باشد و اگر ارشد بر حسب سن، رشد فکری کافی برای اداره وقف ندارد به فرد دیگری می‌رسد که واجد این شرط باشد.

سؤال ۱۰۳۰- خانه‌ای توسط شخص خیّری در زمینی که ملک مسجد است احداث شده است. خانه مذکور وقف شرعی گردیده مقیّداً به اینکه امام جماعت همان مسجد در آن سکونت نماید آیا شارع مقدّس اسلام اجازه می‌دهد دیگری در آن خانه سکنا گزینند و در صورت عدم سکونت امام راتب مسجد آیا شرعاً اجاره دادن آن جایز است؟

جواب: تا ممکن است باید امام مسجد از آن استفاده کند و اگر ممکن نشد اجاره دهند و مال الاجاره آن برای امام مسجد استفاده شود و اگر امام مسجد نیاز ندارد در سایر حوایج مسجد مصرف گردد.

سؤال ۱۰۳۱- دو مسجد کنار هم ساخته شده است و وسط آنها حیاطی است که مربوط به هیچ‌کدام نیست، آیا می‌شود در وسایل مربوط به دو مسجد تداخل کرد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۲۹۹

مثلا فرش یک مسجد را به مسجد دیگر منتقل کرد یا نه؟

جواب: جایز نیست مگر اینکه ثابت شود وقف آنها عام است.

سؤال ۱۰۳۲- اشیایی مانند ظروف قدیمی که فعلا استعمال آن معمول نیست وقف مسجد شده است، آیا می‌توان اینگونه ظروف را به جهت اینکه فعلا استعمال آن مرسوم نیست فروخت و با پول آن مشابه آن ظروف یا اشیای دیگری جهت مسجد خریداری کرد؟

جواب: اگر فعلا قابل استفاده نیست، می‌توان آن را تبدیل به ظروف مشابه کرد و اگر مسجد به ظروف نیاز ندارد در سایر حوایج مسجد مصرف گردد.

سؤال ۱۰۳۳- فرشهایی جهت مسجد خریداری یا وقف شده و فعلا قابل استفاده هست ولی چون این فرشها با هم هماهنگ نیست و هرکدام وضع خاصّی دارد، آیا می‌توان اینگونه فرشها را فروخت و به جای آنها فرشهای هماهنگ و یکنواخت و زیباتر خریداری کرد؟

جواب: فرشهای وقف را نمی‌توان فروخت، مگر اینکه قابل استفاده نباشد.

سؤال ۱۰۳۴- گاهی، فرش یا اشیای دیگری وقف مسجد شده و از همان زمان وقف یا بعد از آن به مرحله‌ای رسیده که طبق نظر عرف یا متخصّصین فن، استفاده از آن جایز نیست و بایستی فروخته شود و الّا به مرور زمان از ارزش آن کاسته خواهد شد، در مورد اینگونه فرشها یا اشیای دیگر آیا جایز است فروخته شود و به جای آن فرشها یا اشیای دیگری جهت مسجد خریداری کرد؟

جواب: اگر فعلا قابل استفاده نیست یا موجب از بین رفتن آنها می‌شود، می‌توان آن را تبدیل به مشابه کرد.

سؤال ۱۰۳۵- اشیایی که به مسجد داده می‌شود ممکن است گاهی با عنوان وقف و گاهی با عنوان تملیک باشد، آیا احکام شرعی این دو عنوان مختلف است؟

جواب: آری مختلف است. آنجا که تملیک است کار آسان‌تر می‌باشد و طبق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۰۰

مصالح مسجد می‌توان آن را عوض کرد، ولی وقف تا در آستانه سقوط از انتفاع قرار نگیرد، تبدیل آن جایز نیست.

سؤال ۱۰۳۶- چیزهایی که قبلا به مسجد داده شده به فرض این که احکام وقف و تملیک فرق کند اگر ندانیم که وقف مسجد شده یا تملیک، حکم کدام‌یک بر آن بار می‌شود؟

جواب: احتیاط واجب این است که با آن معامله وقف کنیم.

سؤال ۱۰۳۷- برای این که معلوم شود وقف یا تملیک شده، آیا باید در هر مورد کلمه یا جمله خاصّی را بر زبان بیاورند یا فقط

صرف نیّت اهداکننده کافی است؟

جواب: نیّت کافی است و با عمل جنبه معاطاتی پیدا می‌کند.

سؤال ۱۰۳۸- اگر اشیایی مانند فرش با پول اشخاص مختلف مشترکاً خریداری شده و نیّت بعضی از افراد که پول داده‌اند وقف بوده و نیّت بعض دیگر تملیک، در اینگونه موارد اینگونه اشیا موقوفه حساب می‌شوند یا خیر؟

جواب: هرکدام حکم خود را دارد و اگر قابل تفکیک نیست طبعاً باید با آن معامله وقف شود.

سؤال ۱۰۳۹- اگر واقف یا تملیک‌کننده از یک مرجع و مجریان کارهای مسجد (هیأت امنا) هرکدام از مرجع دیگری تقلید می‌کنند چنانچه این دو مرجع در مسائل فوق با هم اختلاف نظر داشته باشند کدام نظر باید عمل شود؟

جواب: نظر مرجع متولّی و مجری کارهای مسجد شرط است.

سؤال ۱۰۴۰- در مواردی که شرعاً مجاز به فروش اشیای وقف شده یا تملیک شده هستیم، آیا می‌توانیم با پول آن چیز دیگری که مورد احتیاج مسجد است خریداری کنیم یا بایستی صرف خرید همان شیء و مشابه آن بشود؟

جواب: خرید مشابه در صورت نیاز مقدم است.

سؤال ۱۰۴۱- در مورد بالا اگر بایستی حتماً فرش خریداری گردد، اگر مثلا به جای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۰۱

فرش دستباف، فرش ماشینی یا موکت خریداری شود، آیا اشکال شرعی ندارد؟

جواب: آنچه اصلح است انتخاب کنید.

سؤال ۱۰۴۲- اشیایی که می‌خواهند به مسجد بدهند (وقف یا تملیک کنند) در صورتی که قدیمی باشد یا مناسب نباشد و استعمال آن فعلا معمول نیست یا مستهلک شده باشد، آیا می‌توان اینگونه اشیا را قبول ننمود و رد کرد؟

جواب: قبول هدایا برای مسجد واجب نیست، ولی اگر وقف یا تملیک شده باشد باید پذیرفت و مطابق وظیفه رفتار کرد.

سؤال ۱۰۴۳- استفاده از اموال حسینیّه یا مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: در غیر احتیاجات همان مسجد یا حسینیّه جایز نیست مگر این که واقف آنها تصریح به عمومیّت استفاده از آنها کرده باشد.

سؤال ۱۰۴۴- دو موقوفه است از دو واقف: موقوفه اوّلی با هزینه کم و در آمد بسیار که فرضاً هشتاد درصد از در آمد آن اضافه می‌آید و دوّمی در آمد کم و هزینه زیاد دارد، آیا اداره اوقاف محل یا متولّی که هر دو موقوفه زیر نظر آنها اداره می‌شود مجازند که از مازاد در آمد اوّلی برای موقوفه دوّمی با رعایت سایر موازین شرعی صرف نمایند یا خیر؟

جواب: هرگاه مصارف موقوفه اوّل عمومیّت دارد که شامل موقوفه دوّم هم می‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۴۵- آیا می‌توان با توجّه به شرایط روز و در جهت مصالح دولت و امّت اسلامی و با ملحوظ داشتن نیّت اصلی واقف در جهت هماهنگی با سایر برنامه‌های مدوّن و جاری دولت اسلامی در کاربرد نظرات واقف تغییراتی به عمل آورد؟

جواب: در صورت امکان باید طبق وقف‌نامه عمل شود و اگر امکان ندارد به آنچه نزدیک‌تر به محتوای وقف‌نامه و نیّت واقف است عمل شود.

سؤال ۱۰۴۶- آیا می‌شود در نحوه پیاده کردن و شیوه کاربرد نظر واقف، تغییراتی به عمل آورد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۰۲

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۰۴۷- موقوفات بسیاری در سطح کشور وجود دارد که یا شناسایی نشده و یا به مرور زمان از بین رفته است که هر دو گروه موقوفات مزبور در صورت شناسایی و احیا، درآمدهای فوق‌العاده‌ای برای میهن اسلامی ایجاد خواهند نمود، در این صورت آیا

می‌توان بـا تغییرات جزئی در نحوه اسـتفاده از درآمـد موقوفـات موجود، برای شـناسایی موقوفات مزبور (ناشـناخته) اقـدامی به عمل آورد؟

جواب: از موقوفاتی که مصرف عام دارد می‌توان استفاده کرد.

سؤال ۱۰۴۸- در جهت توسـعه سـنّت حسـنه وقف لازم است مبـالغی صـرف هزینه‌های پرسـنلی و اداری کارکنان شود، که طبعاً در هیـچ‌یک از وقف‌نامه‌ها به این موارد اشاره‌ای نشـده است، آیا می‌توان با تغییراتی در نحوه کاربرد درآمدهای حاصل از موقوفات به ویژه موقوفات متصرّفی که اوقاف متولّی آن است مبالغی صرف هزینه‌های مزبور نمود؟

جـواب: نظر به اینکه اینگـونه کارهـا اگر بـا دقّت و احتیـاط انجـام شـود جزء کارهـای خیر محسوب می‌گردد می‌توان از اوقـافی که مصرف آن عام است استفاده کرد مشروط بر اینکه مسئولان اوقاف به وظیفه خود دقیقاً عمل کنند.

سؤال ۱۰۴۹- هیأت امنای مسـجدی قصد دارند فاضلاب توالت عمومی مسجد را به وسیله لوله‌کشی از قبرستان متروکه‌ای که حدود سی و پنـج سال در آن مرده‌ای دفن نکرده‌انـد و ظاهراً آثار و شواهـدی در آنجا دلالت بر قبرسـتان بودن نمی‌کنـد عبور دهنـد بدون اینکه نجاست تماسی با خاک قبرستان داشته باشد، آیا این کار جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست مگر اینکه آثار قبرستان به کلّی از بین برود و زمین هم موقوفه نباشد.

سؤال ۱۰۵۰- چند نفر خیّر در سال ۱۳۴۹ «ه‍- ش» زمینی را با سند مالکیّت و ادّعای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۰۳

مالـک مبنی بر عـدم وقف بودن، جهت احـداث مسـجد خریـداری نموده‌انـد که امروز به صورت مسـجد حضـرت أبو الفضـل (علیه السـلام) سـاخته و مـورد اسـتفاده قرار گرفته است، ولی در بین مردم معروف است که زمین این مسـجد وقـف می‌باشـد، بـا تـوجّه به مسائـل شـرعی وقف، هیـأت امنـای مسـجد اقـدام به تحقیق این مسـأله نمودنـد، نتیجه تحقیق بـدین صورت به اطّلاع آن مقام معظّم می‌رسـد: به طور مسلّم زمین مسـجد دارای واقفی به نام حاج محمّد علی می‌باشد ولی نوع وقف مشـخص نیست بنا به اظهار عدّه‌ای وقف حاج محمّـد علی، وقف اولاد می‌باشد و عدّه‌ای در نوع این وقف تردید دارند و احتمال می‌رود وقف شاه نجف باشد (لکن به احتمال قوی وقف حاج محمّـد علی وقف اولاد می‌باشد) خواهشـمند است تکلیف اهالی محل را نسبت به ادامه فعالیت‌های مذهبی در مسجد مذکور بیان فرمایید.

جواب: اگر تحقیق کرده‌ایـد و مصـرف وقف روشن نشـده، بایـد مال الاجاره مناسبی برای آن زمین در نظر بگیرید، نصف آن را در مصارف مربوط به مجالس مولا امیر المؤمنین علی (علیه السـلام) و نصف دیگر را به موقوفٌ علیهم برسانیـد مگر اینکه آنها رضایت دهند که به خاطر مسجد از مال الاجاره صرف نظر کنند و صغیری هم در میان آنها نباشد.

سؤال ۱۰۵۱- شخصـی می‌خواهد مقداری از املاک خود را وقف حضـرت ابا عبد الله الحسـین (علیه السـلام) کند که تا حیات دارد درآمد آن ملک، مال خودش باشد و بعد از حیاتش مال امام (علیه السلام) باشد، آیا چنین وقفی شرعاً صحیح است؟

جواب: صحیح است ان شاء الله.

سؤال ۱۰۵۲- شخصـی است که در دار الرّحمه شـیراز مدفون گردیده است و چون در راه سـیر و سـلوک گام برداشته- چه در زمان حیـات و چه بعـد از مرگ- طرفـدارانی دارد و اخیراً علاقه‌منـدان وی به خـاطر علاقه‌منـدی وی به خواجه شـیراز بارگـاهی به شـکل بارگاه حافظ ساخته و بر روی قبر او نصب کرده‌اند که محلّ زیارت پیروان او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۰۴

شـده است. چون عـدّه زیـادی نسبت به این کـار حسـاس شـده و اعتراض نموده‌انـد و از این دفتر خواسـته‌اند که آن را برداریم لـذا تقاضامندیم نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

جواب: تصرّف در قبرستان عمومی که وقف عام است به این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۰۵۳- زمینی وقف است و از نظر زراعت باید از آن زمین خاك برداشته شود تا زراعت خوب شود آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۵۴- یکی از علمای بحرین پنجاه سال قبل جایی را برای عزاداری وقف کرده است که از درآمد آن عزاداری کنند و در زمان حیات، خود متولّی وقف بود و بعد از وفات او اداره اوقاف بحرین عدّه‌ای را به عنوان متولّی تعیین کرده است که اینها مدّعی هستند از طرف فقها هم مأذونند در حالی که معروف است که اینها آدمهای موثّقی نیستند، با توجّه به این مقدّمه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این اوقاف بر وقفیّت خود باقی هستند و باید زیر نظر حاکم شرع باشند یا تبدیل به مجهول المالك می‌شوند چون که متولّی فعلی آنها غیر شرعی هستند؟

جواب: وقف با این مسائل از بین نمی‌رود بلکه باید از حاکم شرع اجازه گرفته شود.

ب) در صورتی که بر حال وقف باقی بماند آیا جایز است این درآمدها را در غیر مورد وقف مثل تجدید بنای محلّ عزاداری یا ساختن محلّی وابسته به محلّ عزاداری جهت کسب درآمد از آن، صرف کرد؟

جواب: موقوفه باید بر طبق آنچه که وقف شده است، مصرف شود همان طوری که این دستور در روایات وارد شده است و مخالفت با مصرف وقف جایز نیست مگر اینکه امکان مصرف در آن مورد نباشد که در این صورت در موارد دیگری که نزدیك‌تر به آن مصرف است صرف شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۵

سؤال ۱۰۵۵- خانه موقوفه‌ای موجود است که از درآمد املاك رحیم‌آباد خورمیز (مهریز) می‌باشد و هر ساله مراسم روضه‌خوانی در آن برپا می‌شود ولی متأسفانه وقف‌نامه‌ای که حاکی از چگونگی وقف بودن این خانه باشد در دست نیست که بتوانیم طبق آن به ثبت برسانیم، به طوری که از بزرگترهایمان شنیده‌ایم بعضی وقف ثلث و بعضی هم وقف اولاد، ذکر می‌کنند، حال این جانب که تولّیت شرعی آن را به عهده دارم برای به ثبت رسانیدن آن دچار اشکال شده‌ام که به چه نحوی آن را به ثبت برسانم که مسئولیّت شرعی برایم نداشته باشد، وظیفه‌ام چیست؟

جواب: باید درآمد آن وقف را در میان دو یا سه مصرفی که محتمل است به طور مساوی تقسیم کنید.

سؤال ۱۰۵۶- برخی از متصرّفین موقوفات، افرادی بی‌بضاعت و فقیر عیالوار و بعضاً از خانواده محترم شهدا و ایثارگران هستند، آیا اجازه می‌فرمایید اداره اوقاف در این رابطه در غیر جهت نظر واقف در مال الاجاره موقوفه تخفیفی قائل شود؟

جواب: فقط در دو صورت جایز است: الف) در صورتی که مستأجرهای مذکور، مصرف آن موقوفه بوده باشند.

ب) در صورتی که از موقوفات دیگر که قابل انطباق با آنهاست برداشته شود و در مصارف وقف مذکور صرف شود.

سؤال ۱۰۵۷- زمینی وقف بر اولاد ذکور است، آیا موقوفٌ علیهم می‌توانند آن زمین موقوفه را با زمین دیگری که ملکی است معاوضه نمایند چون که این زمین نافع‌تر و امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای موقوفٌ علیهم بیشتر است؟

جواب: در فرض بالا تبدیل جایز نیست و اگر معامله کنند معامله باطل خواهد بود مگر در مواردی که موقوفه از انتفاع ساقط شود و به درد موقوفٌ علیهم نخورد و یا مایه اختلاف و نزاع شدید گردد و ناچار شویم برای رفع اختلاف آن را تبدیل یا تقسیم کنیم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۶

سؤال ۱۰۵۸- در قسمت شرقی مسجدی جوی آب و ممرّ قنات کشاورزی می‌باشد و در ایّام گذشته آسیاب آبی بوده که محلّ آرد کردن گندم اهالی بوده است که نصف درآمد آسیاب وقف می‌باشد و به عناوین مختلف مصرف می‌شده، در اثر تکنولوژی و

صنعت جدید، آسیاب و تنوره (مخزن آب) آن مخروبه و پر شده و تنها به صورت زمین در آمده که جزء راه عبوری مردم می‌باشد و در آینده در طرح بهسازی روستا قرار دارد و جزء خیابان می‌شود و به علّت نم دادن و رطوبت به ساختمان مسجد و خانه‌های مجاور و همچنین پستی و بلندی کف مسجد با جوی آب، تغییر مسیر و ممرّ آب در ۴- ۵ متری مسیر قبلی لازم است، آیا این کار را تجویز می‌فرمایید؟

جواب: چنانچه آسیاب به کلّی مخروبه شده و جوی آب فعلی باعث ضرر و زیان به اطراف می‌شود تغییر مسیر آن جایز است.

سؤال ۱۰۵۹- چنانچه شخصی به علّت نافرمانی فرزندانش، زمین خانه مسکونی خویش را بدون اجرای صیغه و رضایت قلبی وقف نموده باشد تا ایشان را از ارث محروم نماید سپس محضری نموده و تولیت آن را مادام‌العمر به خود اختصاص داده و بعد از مدّتی پشیمان گشته است و به مدّت ده سال عمل به مقتضای وقف هم نکرده است و اکنون فوت نموده است، ورّاث هم احتیاج مبرمی به این ملک دارند، آیا چنین وقفی صحیح است؟

جواب: وقف مزبور ظاهراً صحیح است و باید به آن عمل شود و پشیمانی مزبور فایده‌ای ندارد.

سؤال ۱۰۶۰- زمینی را برای ساخت حسینیّه اهدا نمودند ولی به جهت وجود حسینیّه در آن محل نیاز به ساخت حسینیّه نیست آیا می‌شود در آن زمین دار القرآن احداث کرد؟

جواب: با اجازه اهدا کنندگان جایز است.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۳۰۶

سؤال ۱۰۶۱- آیا جایز است آب انبارهایی که قبلا مورد استفاده اهالی بوده و اکنون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۷

به آن نیازی نیست آن را تخریب نموده و در زمین آن دار القرآن احداث نماییم؟

جواب: احتیاط آن است که آن را برای این کار اجاره بدهند و مال الاجاره آن را صرف لوله‌کشی آب برای مستضعفان کنند.

سؤال ۱۰۶۲- آیا جایز است قرآنها و مفاتیح مسجدی که خراب شده را در مسجد دیگری در شهر یا روستا مورد استفاده قرار داد و از آن مسجد خارج نمود؟

جواب: اگر در آینده نزدیکی بازسازی نمی‌شود می‌توان به مساجد دیگر همان شهر یا روستا انتقال داد و اگر بازسازی شد به جای اوّل برگردانند.

سؤال ۱۰۶۳- اگر مسجدی که در آن قرآنهایی وجود دارد خراب شود و بودن قرآن در آن مسجد موجب هتك حرمت قرآن باشد، آیا مؤمنین مجازند جهت حفظ قرآنها، آنها را به منازل خود برده و احیاناً تلاوت نمایند؟

جواب: باید مطابق مسأله سابق عمل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۹

فصل سی و چهارم و پنجم: احکام هبه و احکام احیای موات

احکام هبه

سؤال ۱۰۶۴- آیا هبه به زوجه، هبه لازم است؟

جواب: هبه به زوجه لازم نیست ولی بازگشت در آن مکروه است.

سؤال ۱۰۶۵- اگر شخصی منزلی را به نام همسرش در محضر اسناد ثبت کند ولی نه صیغه هبه بخواند و نه منزل را تحویل او دهد یعنی منزل را تخلیه نکرده است و در اختیار او نگذاشته است بلکه خودش و همسرش و فرزندانشان در آن منزل زندگی می‌کنند و صاحب اختیار منزل خود اوست، تا اینکه زن وفات می‌کند. آیا این منزل ملک آن زن محسوب می‌شود یا مال شوهر است؟

جواب: ظاهر این کار هبه شرعیّه است ولی چون قبض داده نشده است اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۶۶- شخصی ملک و زمین خود را به نفر دیگر هبه می‌کند و می‌گوید: مشروط بر اینکه تا زنده‌ام اختیار آن را داشته باشم، آیا این هبه نافذ و آن شرط لازم است؟

جواب: چنانچه ملک و زمین را به قبض او بدهد اشکالی ندارد و هبه نافذ و لازم است و منافع آن زمین تا زنده است مال صاحب زمین است.

سؤال ۱۰۶۷- شخصی زمین خود را به کسی به شرط عوض هبه می‌کند، ولی موهوبٌ له عوض را نمی‌پردازد تا واهب فوت می‌کند، آیا وارث واهب خیار فسخ هبه موروث را دارد یا خیر؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۰

جواب: آری حق خیار فسخ دارد.

سؤال ۱۰۶۸- شخصی از مال منقول خود به پسرش که غایب بوده هبه کرده و شخصی را وکیل کرده که از جانب پسرش قبض کند و او قبض کرده است، آیا این هبه نافذ است چون واهب قبل از برگشت فرزندش از دنیا رفته است (لازم به توضیح است که این وکالت با اجازه حاکم شرع بوده است)؟

جواب: اگر فرزند غایب به حدّ بلوغ رسیده، وکالت مزبور مفید نیست و اگر نابالغ بوده کافی است بلکه احتیاج به وکالت ندارد.

سؤال ۱۰۶۹- اگر کسی به دیگری قرآنی را هدیه بدهد، آیا می‌تواند آن را پس بگیرد؟

جواب: اگر با قصد قربت بوده باشد مشکل است.

احکام احیای موات

سؤال ۱۰۷۰- املاک و زمینهایی از پدرانمان به ما ارث رسیده است ولی چگونگی تملّک آنها برای ما روشن نیست، آیا می‌توانیم این زمینها را مانند بقیّه اموال طبق قانون ارث تقسیم کنیم؟

جواب: اگر زمین را پدران شما احیا کرده‌اند و قبلا موات بوده، طبق قانون ارث به ورثه آنها می‌رسد و همچنین اگر خریداری کرده باشند، و اگر هیچ سندی نسبت به سابقه این زمین در دست نیست و شاهد و گواهی نیز وجود ندارد، ملک از آن کسی است که در دست اوست یعنی ملک اجداد شما بوده و باید به قانون ارث عمل کنید.

سؤال ۱۰۷۱- شهرداری، قطعه زمینی را در یکی از شهرستانها که در طرح جامع شهرسازی به عنوان فضای سبز در نظر گرفته شده است، طبق قانون خریداری کرده و تملّک نموده است، نظر به مجاورت زمین فوق با گلزار شهدای شهرستان، پس از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۱

کسب مجوّز قانونی، قسمتی از آن مکان به مدفن آنان اختصاص یافته و تاکنون قریب به ۵۰ شهید دفاع مقدّس در آنجا مدفون گردیده است، بعضی در اباحه آن مکان ایجاد تردید می‌کنند، حکم شرع در این مسأله چگونه است؟

جواب: چنانچه زمین مزبور موات بوده اشکالی ندارد و چنانچه زمین آبادی بوده که مالک داشته، اگر شهرداری طبق موازین شرع آن را تملّک کرده است اشکالی نیست، در غیر این صورت دفن اموات در آن جایز نیست.

سؤال ۱۰۷۲- زمین مواتی را یک نفر یهودی در رژیم گذشته با همکاری آن رژیم تسطیح کرده و برای آن اسنادی از اداره ثبت اسناد گرفته است. بعد از انقلاب آن شخص به خارج فرار کرده اموالش مصادره شده آن زمینها را سازمان زمین‌شهری تصاحب کرده و چند قطعه آن را به مسجد اختصاص داده است که فعلاـ در آن مسجدی بنا شده است، لطفاً در این زمینه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) بفرمایید مجرّد تسطیح و قطعه‌بندی زمین موات موجب ملکیّت می‌شود و حکم تحجیر را دارد یا خیر؟

ب) آیا فرار این شخص حکم اعراض را دارد یا خیر؟

ج) در صورتی که استرضای یهودی لازم باشد و دسترسی به او نباشد، آیا مؤمنین آن محلّ می‌توانند قیمت آن زمین را به ذمّه خودشان قرار دهند که هر وقت مالک مطالبه کرد بپردازند یا خیر؟

د) اگر به هیچ‌وجه نتوانستیم مالک را پیدا کنیم و رضایتش را کسب نماییم، آیا با اذن فقیه می‌شود در این مسجد نماز خواند؟

جواب: الف) این کار موجب احیای زمین برای خانه‌سازی است و موجب ملکیّت است.

ب) فرار، دلیل بر اعراض نیست.

ج) اگر آن یهودی جزء کسانی بوده که بر ضدّ حکومت اسلامی یا دین اسلام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۱۲

فعّالیّت داشته است کافر حربی خواهد بود و تملّک آن زمین جایز است.

د) از جواب سؤال سابق معلوم شد.

سؤال ۱۰۷۳- چاهی در فاصله حدود ۷۰۰ متری قنات قدیمی این روستا که تاریخ تأسیس آن مشخص است و از دهها سال قبل مورد بهره‌برداری بوده، حفر شده است. که مقداری از قنات، موقوفه امام حسین (علیه السلام) می‌باشد. با توجّه به قراین و شواهد، حفر چاه فوق سبب خشک شدن یا کم آب شدن مخزن قنات مذکور شده است، آیا صاحبان قنات و متولّیان موقوفه حقّ ممانعت استفاده از چاه فوق‌الذّکر را دارند و استفاده از آب این چاه جهت نماز و غسل چه صورتی دارد؟

جواب: در صورت ضرر زدن به قنات، احتیاط واجب ترک حفر آن چاه عمیق است و اگر حفر شده و صاحبان قنات زیان دیده‌اند باید مصالحه شود و الّا وضو و غسل با آن اشکال دارد.

سؤال ۱۰۷۴- شخصی در حریم زمین و قریه دیگران ساختمانی درست می‌کند، در ابتدا کسی از اهل قریه از ساختن عمارت جلوگیری نمی‌کند ولی بعد از ساختن آن اعلام نارضایتی می‌کنند، شرعاً چه کسی مالک این عمارت است؟

جواب: حریم قریه یا خانه، متعلق به اهالی قریه یا صاحب خانه است و ساختمان و تصرّف دیگری در آن جایز نیست مگر به اذن ایشان.

سؤال ۱۰۷۵- آیا حریم قریه قابل تقسیم است؟ در صورتی که قابل تقسیم است آیا معیار، مقدار زمین زراعتی هر فرد است؟ یا معیار مقدار گوسفندان و هیزم و چیزهای دیگری که احتیاج دارند می‌باشد؟

جواب: با توافق صاحب حق می‌توان آن را تقسیم کرد و سهم هر یک به مقدار عرف محل است.

سؤال ۱۰۷۶- در بین اهل قریه‌ای، عدّه‌ای از مردم روستا زمین زراعتی ندارند و بعضی خیلی کم دارند، حریم قریه را بین خود تقسیم کرده‌اند، آیا اشخاصی که زمین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۱۳

ندارند یا زمین کمتری به آنها رسیده است می‌توانند از چراگاه کسانی که زمین بیشتری دارند استفاده کنند؟

جواب: اگر تقسیم‌بندی کرده‌اند و راضی شده‌اند باید مطابق آن عمل کنند و سهم هرکدام مطابق عرف محل است.

سؤال ۱۰۷۷- در جایی رسم است هرکس علفهای نقطه‌ای از کوه را برای نگهداری دام جمع‌آوری می‌کند به طوری که مالك علفهای آن نقطه حساب می‌شود، بر فرض ثبوت ملکیّت علفها آیا مالك هیزم آن هم می‌شود؟

جواب: چنانچه آن منطقه جزء حریم روستا و آبادی معیّنی باشد، اهل آن آبادی حق دارند آن را در میان خود تقسیم کنند و بعد از تقسیم، هر یک حق دارند علفها و هیزم آن را بچینند و اگر جزء حریم نباشد در صورتی حق دارند، که آنجا را حیازت یا علامت‌گذاری و سنگ چین کرده باشند.

سؤال ۱۰۷۸- در بعضی از مناطق روستایی مرسوم است که مردم، کوه و صحرا و مراتع را بین خود تقسیم می‌کنند و در آنجا کشت می‌کنند و از علفهای آن استفاده می‌کنند، با توجّه به این مقدمه به دو سؤال زیر جواب دهید:

الف) اگر کسی علفهای محدوده شخص دیگری را درو کند آیا صاحب آن محدوده می‌تواند آن علفها را برای خود بردارد؟

ب) آیا صاحب هر محدوده‌ای می‌تواند علفهای خود را بفروشد و پول آن را بگیرد؟

جواب: الف) در صورت اوّل صاحب ملك حق دارد علفهایی را که بدون اجازه او کنده‌اند ببرد.

ب) در صورت دوّم گرفتن پول در برابر اجازه کندن آن علفها اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۷۹- یك قطعه زمین موات واقع در بخش گله‌دار از توابع شهرستان لامرد فارس در تاریخ ۶/ ۲/ ۱۳۵۲ به این جانب واگذار شده است. مبلغ یکصد و پنجاه تومان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۴

به عنوان وجه نقد بابت واگذاری زمین مذکور در همان زمان جهت عمران و آبادی محل پرداخت نموده‌ام، آیا این واگذاری که طبق مقرّرات آن زمان می‌باشد صحیح است؟ و با توجّه به تصرف این جانب، آیا بنده در حال حاضر مالك زمین مذکور می‌باشم؟

جواب: با تصرّف مزبور حقّ اولویّت دارید و حقّ خود را می‌توانید در مقابل عوض و یا بدون عوض به دیگری واگذار کنید و اگر آن را احیا کرده‌اید مالك هستید.

سؤال ۱۰۸۰- زمینهایی که قبلا مرتع عمومی بوده، دولت اسلامی آنها را تقسیم نموده و به کسانی که واجد شرایط هستند واگذار می‌کند ولی عدّه‌ای بدون اجازه دولت خودسرانه آنها را شخم زده و تملّك می‌کنند، آیا مجاز هستند؟

جواب: شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۰۸۱- ۲۵۰ الی ۳۰۰ خانوار از جای دیگر به محلّه‌ای می‌آیند و در آن سکونت دائمی می‌کنند، آیا در منافع حریم سابق این محلّه شریك می‌باشند؟

جواب: باید طبق عرف محل عمل نمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۵

فصل سی و ششم و سی و هفتم: احکام اقرار و شهادت

احکام اقرار

سؤال ۱۰۸۲- در اداره آگاهی، افرادی را به اتّهام دزدی دستگیر می‌کنند. غالباً این‌طور است که اگر به طور عادی و بدون کتك از آنها سؤال شود اقرار نمی‌کنند و رفقای خود را معرفی نمی‌نمایند، نتیجه این می‌شود که اموال مردم از قبیل ماشین و فرش در دست دزدان می‌ماند، امّا اگر شلاق و کتك در کار باشد غالباً اقرار به دزدی و معرفی رفقای خود می‌کنند. کارمندان این اداره چه کنند که از نظر شرعی مسئول نباشند؟

جواب: هیچ متّهمی را بدون ثبوت شرعی جرم نمی‌توان تعزیر کرد مگر در دو صورت: الف) در جایی که مرتکب گناهانی مانند ورود بدون اجازه در خانه مردم یا باز کردن در اتومبیل و یا مفاسد اخلاقی که با اقرار و اعتراف خودش به ثبوت رسیده و مشمول ادلّه تعزیرات است، شده باشد. در اینجا می‌توان او را به این عنوان تعزیر کرد و در ضمن از او خواست که مطالب خود را شرح دهد.

ب) در جایی که مسأله بسیار مهمّی مطرح باشد که با کیان اسلام یا حکومت اسلامی و یا دما و نفوس مسلمین در سطح وسیع و گسترده مربوط باشد که از باب قاعده اهم و مهم، امکان چنین مجازاتی وجود داشته باشد. در ضمن امروز در دنیا روشهایی پیدا شده که بازپرس بدون آزار متهم، می‌تواند مطالب را از او بگیرد.

سؤال ۱۰۸۳- آیا اقرار توأم با اجبار نزد مأمورین انتظامی از راههای ثبوت جرم می‌باشد و یا این که باید در محضر حاکم شرع و با رعایت شرایط و ضوابط مقدّس اسلام صورت گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۶

جواب: باید در حضور حاکم شرع با شرایط و ضوابط اسلامی انجام شود.

سؤال ۱۰۸۴- جوانی به اتّهام جعل و کلاهبرداری تحت تعقیب قوّه قضائیّه بوده و در مراحل تحقیق، نزد ضابطین قوه قضائیّه خود و دو نفر از دوستانش اعتراف نموده‌اند که با زنی که وجود خارجی ندارد زنای غیر محصنه کرده‌اند. در تحقیقات بعدی زنی که نام برده‌اند مورد شناسایی واقع نشده است و در مبادی غیر رسمی هم اعلام نموده‌اند که این اعتراف را در حالتی نموده‌ایم که به نحوی غیر از آزار و شکنجه مورد فشار بوده‌ایم، آیا تعقیب نامبردگان به اتهام زنای غیر محصنه با توجّه به مقدّمه‌ای که عرض شد جایز است؟

جواب: اگر اقرار و اعتراف تحت فشار باشد اعتباری ندارد و همچنین اگر اقرار نسبت به مورد خاصّی بشود که وجود خارجی ندارد.

سؤال ۱۰۸۵- مرد دارای شرایط احصان و زن مجرده است، زن ادّعای اکراه می‌کند ولی مرد ادعای رضایت بین طرفین می‌کند و چهار بار اقرار می‌کند. با توجّه به نتیجه حکم در خصوص مرد که اگر ادّعای وی را بپذیریم باید رجم شود و اگر نپذیریم و ادّعای زن را بپذیریم حکم مرد قتل است و با توجّه به حدیث «لیس علی المستکرهة شیء اذا قالت استکرهت» و یا با توجّه به این که فعل اکراه منوط به دو طرف هست و پذیرفتن حرف هر یک به نفع خود مغایر با مفهوم اکراه است و پذیرفتن حرف هر یک بر علیه دیگری، مغایر با «اقرار العقلاء علی انفسهم» هست، در ضمن اصل وقوع زنا با توجّه به اقرار و وضع حمل دختر محرز است، خواهشمند است حکم موضوع فوق با توجّه به محل ابتلا بودن در پرونده را جهت بهره‌برداری لازم بیان فرمایید؟

جواب: حکم رجم بر مرد به مقتضای اقرارش جاری می‌شود و زن به خاطر ادعای اکراه تبرئه می‌گردد و تفکیک در احکام ظاهریه مانعی ندارد هر چند در بعضی از موارد مخالف علم اجمالی باشد، مانند ثوب نجس مغسول به ماء مشکوك الکُریّهٔ و القله که ثوب محکوم به نجاست و ماء، محکوم به طهارت به مقتضای استصحاب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۷

احکام شهادت

سؤال ۱۰۸۶- حکم بازگشتن شهود از شهادتشان را بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه شهود از شهادت خود بازگردند سه صورت دارد:

الف) قبل از صدور حکم، در اینجا مشهور عدم حکم است.

ب) بعد از صدور حکم و تلف مال مورد ادّعا، مشهور انفاذ حکم و غرامت شهود است.

ج) بعد از صدور حکم و تنفیذ و قبل از تلف مال، در اینجا نیز جمع کثیری از فقها حکم به نفوذ حکم و غرامت شهود کرده‌اند.

سؤال ۱۰۸۷- دو نفر بچه نابالغ روی یک منزل تابستانی که به لفظ محلی کَپر گفته می‌شود نشسته یا بازی می‌کردند، یکی از آنها از کپر افتاده و نقص عضو پیدا کرد. بچه مجروح، مدّعی است که آن یکی او را انداخته و بچه مدّعیٌ علیه منکر این ادّعاست و چند نفر بچه نابالغ دیگر هم حضور داشتند و به نفع مدّعی یا مدّعی علیه شهادت می‌دهند:

الف) آیا گواهی بچه نابالغ مسموع است؟

ب) آیا بچه مدّعیٌ علیه که منکر است خودش یا ولیش می‌توانند سوگند یاد نمایند؟

ج) آیا مدّعیٌ علیه یا ولیّش می‌توانند سوگند مردود یاد نمایند؟

جواب: الف) شهادت مزبور پذیرفته نیست، مگر این که منجر به قتل شده باشد، ولی بهتر این است که مصالحه نمایند.

ب و ج) از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۰۸۸- آیا شهادت بر شهادت قبول است؟

جواب: شهادت بر شهادت در حقوق النّاس قبول است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۱۹

فصل سی و هشتم: احکام وصیّت

سؤال ۱۰۸۹- آیا نوشتن وصیّت‌نامه واجب است؟

جواب: نوشتن وصیّت مستحب است، مگر اینکه چیز واجبی از حقّ‌الله یا حقّ‌النّاس بر عهده او باشد و بدون وصیّت خطر از بین رفتن آن باشد.

سؤال ۱۰۹۰- کسی مالی را برای شخصی وصیّت کرده است ولی جدّ پدری میّت، آن مال را بدون مجوّز شرعی فروخته است و مدّتی از این جریان می‌گذرد و ارزش آن کمتر شده است، حکم شرعی مسأله را بیان فرمایید؟

جواب: چنانچه وصیّت نسبت به مال معیّنی بوده و بیش از ثلث نبوده، تمام آن مال متعلّق به موصی له است و اگر فروش رفته می‌تواند تمام قیمت آن را بگیرد و در صورتی که ارزش آن کمتر شده باشد و جدّ پدری بدون مجوّز شرعی آن را فروخته باشد تفاوت قیمت را احتیاطاً باید به او بپردازد.

سؤال ۱۰۹۱- آیا حضرت عالی اجازه می‌فرمایید ثلث ترکه مرحوم پدرم را به یکی از ارحام (که بدهی دارد و اگر نپردازد با مشکل مواجه می‌شود) بدهیم؟

جواب: هرگاه وصیّت به ثلث کرده و مصرف خاصّی که مغایر با این مصرف است تعیین نکرده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۹۲- شخصی وصیّت کرده است که «ثلث اموال این جانب را در موردی خرج کنید که از نظر قرآن و سنّت بهترین موارد است و بهتر از آن موردی نیست» نظر مبارک را در این مورد بیان فرمایید که پول ایشان در چه موردی مصرف شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۲۰

جواب: در مورد حوزه‌های علمیّه و افراد باتقوایی که در این حوزه‌ها به امر تدریس و تبلیغ و ارشاد خلق و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال دارند مصرف کنید. در حدیث آمده: «و ما اعمال البرّ کلّها و الجهاد فی سبیل الله، عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، الا کنفثه فی بحر لجّی؛ تمام اعمال نیک و حتّی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند آب دهان در برابر دریای عمیق است».

سؤال ۱۰۹۳- اگر میّت وصیّت نکرده باشد، آیا از اصل مال حقّی دارد؟

جواب: جز تجهیزات لازمه میّت حقّی ندارد.

سؤال ۱۰۹۴- اگر میّت تعیین وصی نموده، اما وصیّت به ثلث ننموده باشد، آیا لازم است ثلث او را در کارهای خیر مصرف کنند؟

جواب: تعیین وصی مفهومش تعیین ثلث نیست، مگر اینکه در بعضی از مناطق، تعیین وصی به معنای وصیّت به ثلث باشد در این صورت باید به آن عمل کرد.

سؤال ۱۰۹۵- شخصی یک باب منزل نوساز به همسرش مصالحه و هبه نموده است و یک سوّم اموال خودش را وصیّت کرده که خرج کفن و دفن و امور خیریّه شود که در سال اوّل اجرا شد، امّا حال یک برادر و خواهر مادری او پیشنهاد می کنند دیگر ادامه داده نشود، آیا این پیشنهاد صحیح است؟

جواب: اگر چیزی از ثلث باقی مانده است حتماً باید در امور خیریّه مصرف شود.

سؤال ۱۰۹۶- اگر کسی در حال حیات وصیّت کند که بعد از مرگش اعضای بدنش را در اختیار بیماران نیازمند به آن اعضا قرار دهند، آیا ورثه می‌توانند از این کار جلوگیری کنند؟

جواب: جلوگیری ورثه تأثیری در این مسأله ندارد و در صورتی که آن اعضا، برای نجات جان بیماران لازم باشد برداشتن آن جایز است و همچنین اگر برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۱

نجات عضو مهمّی مانند چشم باشد.

سؤال ۱۰۹۷- شخصی وصیّت کرده که قرآنهایی که مدّتها آنها را می‌خوانده است با او در قبر بگذارند، آیا عمل به این وصیّت جایز است؟

جواب: اگر قرآنهای متعدّدی باشد خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۰۹۸- میّتی وصیّت نموده است که بعد از فوت او سه ختم قرآن و یک حج انجام دهند و مبلغی به مسجد کمک نمایند، آیا ورثه می‌توانند ختم قرآن را مقدّم بدارند؟

جواب: اگر حجّ واجب نباشد و ثلث برای همه کفایت نکند باید به ترتیب عمل کنند.

سؤال ۱۰۹۹- اگر میّت وصی را ملتزم به یک ختم قرآن نموده باشد و او کسی را جهت تلاوت اجیر نماید و اجیر، قرآن را ختم نماید ولی وصی از پرداخت اجرت خودداری نماید، آیا به وصیّت میّت عمل شده و در صورت نپرداختن اجرت ثوابی به میّت می‌رسد؟

جواب: وصیّت عمل شده و ثواب به میّت می‌رسد ولی وصی بدهکار و مشغول الذّمّه است.

سؤال ۱۱۰۰- در زمان تنظیم صلح‌نامه یا وصیّت‌نامه، آیا حضور تمامی ورثه الزامی است؟

جواب: حضور ورثه لزومی ندارد، مگر اینکه وصیّت زاید بر ثلث باشد که نسبت به زیاده رضایت ورثه شرط است.

سؤال ۱۱۰۱- اگر بعضی از فرزندان در هنگام وصیّت یا مصالحه حضور نداشته باشند، آیا می‌توانند منکر وصیّت‌نامه یا صلح‌نامه شوند و یا آن را قبول نکنند؟

جواب: در صورتی که مدرک کافی بر صلح یا وصیّت وجود داشته باشد، هیچ کس حقّ مخالفت ندارد مگر این که وصیّت زاید بر ثلث باشد که نسبت به زیادی، بدون اجازه ورثه نافذ نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۳

فصل سی و نهم: احکام ارث

ارث گروه اوّل

سؤال ۱۱۰۲- آقای احمد با خانمی به نام فاطمه ازدواج دائم کرد و مهریّه یک میلیون تومان تعیین شد که مبلغ دویست هزار تومان آن نقداً پرداخت شد و برای باقیمانده چکی به مبلغ هشتصد هزار تومان توسّط احمد در وجه فاطمه نوشته شد و آن چک به طور امانت تحت شرایطی نزد این جانب است. آن خانم پس از چندی فوت کرد و آن مرحومه از شوهر اوّل خود که هم اکنون زنده است یک دختر دارد که با پدرش زندگی می‌کند. پدر مرحومه پیشنهاد کرده که چک آقای احمد که در وجه مرحومه است به خود ایشان مسترد شود لازم به تذکّر است که پدر و مادر مرحومه زنده‌اند و مرحومه تعدادی خواهر و برادر نیز دارد، با توجّه به این مقدمه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) وارثین این مرحومه چه کسانی هستند؟

ب) از این چک سهم آن دختر مرحومه که هم اکنون با پدر مرحومه زندگی می‌کند چقدر است؟

ج) آیا شرعاً می‌توانم چک را به پدر آن مرحومه بدهم که ایشان به همسر آن مرحومه ببخشد؟

د) از نظر شرعی تکلیف بنده با در اختیار داشتن چک و شرایطی که آنها نوشته‌اند و داور بودن من چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۲۴

جواب: الف) وارث او پدر و مادر و آن یک دختر است (در صورتی که بچه دیگری از آن زن وجود نداشته باشد) و همچنین همسر او، همسرش یک چهارم مال او را به ارث می‌برد و باقیمانده به صورت زیر تقسیم می‌شود. پدر و مادر هرکدام یک پنجم را می‌برند و آن دختر سه پنجم را می‌برد.

ب و ج) وجه آن چک متعلّق به همه ورثه است و پدر تنها می‌تواند حقّ خود را ببخشد و شما نمی‌توانید چک را در اختیار فرد خاصّی بگذارید، باید در اختیار همه قرار دهید.

د) شما باید به همه ورثه خبر دهید تا تکلیف چک را روشن کنند.

سؤال ۱۱۰۳- اخوی این جانب، دوازده سال قبل در جنگ، مفقود الاثر گردیده و در آن زمان مشخص نبود که شهید است یا اسیر و اکنون پس از دوازده سال، شهادت او مسلّم و محرز شده است. این شهید همسر داشته، امّا فرزند ندارد، استدعا دارد به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) حقوق این شهید در طول این دوازده سال به طور کامل و یک جا توسط همسر او گرفته و خرج شده است، آیا تمام این حقوق از او بوده است یا اینکه چیزی از آن به عنوان ارث به پدر و مادر و برادر و خواهر آن شهید می‌رسد؟

جواب: حقوق او متعلّق به همسر او بوده است

ب) اکنون که شهادت او مسلّم شده است مقداری پول به عنوان پول خون یا غرامت، توسط اداره‌ای که آن شهید در آن کار می‌کرده داده می‌شود، این پول متعلّق به چه کسی است؟

جواب: متعلّق به همه ورثه است، مگر اینکه آن اداره مصرف خاصّی برای آن تعیین کند.

ج) با توجّه به این که وی در سال ۶۱ شهید شده و خبر شهادتش در سال ۷۳ آمده است و از طرفی پدر آن شهید در سال ۶۶ مرحوم شده، آیا پدر شهید از شهید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۲۵

ارث می‌برد یا شهید از پدر خود ارث می‌برد؟

جواب: پدر از اموال او ارث می‌برد ولی از پولی که دولت داده ارث نمی‌برد.

د) دو سال قبل از آن‌که شهادت آن شهید محرز شود، همسر او از بنیاد شهید تقاضای طلاق نموده و رئیس بنیاد شهید طبق ضوابطی

او را طلاق شرعی داده است، آیا این همسر از آن شهید ارث می‌برد و آیا از پول خون ارث می‌برد یا نه؟ و آیا در مدّت این دو سال حق داشته است که حقوق شهید را بگیرد و خرج کند؟

جواب: چنانچه دولت با علم به طلاق او پول و حقوق به او می‌داده جایز است بگیرد امّا اگر به شرط عدم طلاق حقوق می‌داده، گرفتن پول مزبور برای او جایز نبوده است ولی به هر حال از اموال شهید ارث می‌برد و همچنین از پول خون.

سؤال ۱۱۰۴- این جانب دختری هستم شانزده‌ساله که از بدو تولّد، مادرم فوت نموده و بعد از گذشت یک سال از ازدواجم پدرم را نیز از دست دادم. ماترک پدرم شامل یک باب منزل مسکونی چهار طبقه در تهران می‌باشد که در یکی از طبقات آن یکی از همسرانش سکونت دارد و بقیّه به اجاره داده شده است و همچنین مستمری از طرف اداره دولتی دریافت می گردد. سایر ورثه پدرم عبارتند از مادر پدرم و دو همسر که یکی دارای سه فرزند دختر و دیگری دارای دو فرزند (یکی پسر و یکی دختر) می‌باشند. لطفاً سهم مرا از جهت اجاره ساختمان ارث مرقوم فرمایید. لازم به توضیح است که در طول سه سال فوت پدرم تا کنون هیچ گونه وجهی دریافت ننموده‌ام.

جواب: ارث پدر در فرض بالا- به ۲۴ سهم تقسیم می‌شود، سه سهم آن، سهم دو همسر است که به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌شود و چهار سهم، سهم مادر است و ۱۷ سهم باقیمانده به هفت قسمت تقسیم می‌شود، دو قسمت آن متعلّق به پسر و پنج قسمت در میان دختران به طور مساوی تقسیم می گردد ولی توجّه داشته باشید همسران، از زمین خانه و مغازه یا زمینهای زراعتی ارث نمی‌برند، تنها از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۲۶

قیمت ساختمان و همچنین اموال منقول ارث می‌برند و در مورد مال الاجاره نیز همین‌طور است.

سؤال ۱۱۰۵- شخص متوفّی پدر و مادر و زوجه غیر مدخوله دارد، نحوه تقسیم ارث را بیان فرمایید؟

جواب: زوجه یک چهارم می‌برد و باقیمانده سه قسمت می‌شود دو قسمت را به پدر می‌دهند یک قسمت را به مادر و اگر میّت حد اقل دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد (در صورتی که پدر آنان با پدر میّت یکی باشد) باقیمانده، شش قسمت می‌شود یک قسمت، به مادر و پنج قسمت به پدر می‌رسد.

سؤال ۱۱۰۶- در یک منطقه از مناطق کشمیر رسم مردم مسلمان اینگونه است که پسرها همیشه همراه پدر و در خانه او زندگی می کنند. هنگامی که پدر از دنیا می‌رود تمام اموال پدر در اختیار پسرها قرار می گیرد، امّا دخترها که در خانه شوهران خود زندگی می کنند سهم ارث خود را از برادرانشان مطالبه نمی کنند، بلکه اغلب به برادران خود می‌بخشند، بعضی هم تا خودشان زنده هستند با رضایت در اختیار برادران می گذارند، بعد از فوت خواهران و برادران، اولاد خواهران از اولاد برادران حصّه مادرشان را مطالبه می‌نمایند و می گویند: مادران ما حصّه خودشان را به پدران شما نبخشیده بودند بلکه به عنوان اباحه گذاشته بودند و اولاد برادرها هم نمی‌دانند که عمّه‌هایشان حصّه خود را به پدران آنها بخشیده بودند یا به صورت اباحه گذاشته بودند، تکلیف اولاد برادران چیست؟

جواب: هرگاه بخشش آن اموال به برادرها ثابت نشود باید سهم خواهرها به ورثه آنها داده شود.

ارث گروه دوّم

سؤال ۱۱۰۷- دو سال پیش مادرم عمرش را به شما داد و از وی چهار فرزند ذکور و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۲۷

سه فرزند اناث مانده است. ماترک آن مرحومه ملکی است به ارزش حدود ده میلیون تومان که تصمیم داشتیم بفروشیم و هرکس

سهم خود را بردارد. خواهرانم دستخطی از آن مرحومه ارائه می‌دهند به این مضمون که فرزندانم هنگام تقسیم ارثیه بین دختر و پسر فرق قائل نشوند و همه به یک نسبت برخوردار شوند حال با توجّه به این که همگی ما صحّت دستخط یعنی تعلّق داشتن به آن مرحومه را قبول داریم امّا ممکن است بعضی از برادران لااقل ته دل به این امر رضایت نداشته باشند، بفرمایید که تکلیف شرعی چیست؟

جواب: با توجّه به این که مادر حق داشته در ثلث مال خود تصرّف کند، آنچه درباره سهم دختران گفته است هیچ اشکالی ندارد چون تفاوت مزبور از ثلث کمتر می‌شود. بنابراین همان‌طور که مادر وصیّت کرده است باید عمل کنید.

سؤال ۱۱۰۸- زنی بیست و پنج سال پیش از شوهرش طلاق گرفته و از آن شوهر یک پسر و یک دختر دارد و مرد زن دیگری اختیار کرده که از او نیز دختری دارد و او را نیز بیست سال پیش طلاق داده است و زن سوّمی اختیار کرده است. پدر و پسرش در اثر واژگون شدن ماشین، فوت نموده‌اند و تقدّم و تأخر فوت هیچ کدام معلوم نیست و زن طلاق گیرنده ادّعا می‌نماید پسرش که هیچ‌گونه مالی ندارد و با پدرش زندگی می‌کرد و مجرّد بوده، باید از پدر ارث برده و ارث پسرش به او برسد، آیا به او ارث می‌رسد (توضیح اینکه پدر دارای ورثه‌های زیر می‌باشد: دو دختر، مادرش و زنی که در حال حاضر در خانه اوست)؟

جواب: ارث آن مرد به دو دختر و پسری که تصادف کرده و همسر و مادرش می‌رسد، یک هشتم آن به همسر و یک ششم آن به مادر و بقیّه ۴ سهم می‌شود، دو سهم، از آن پسری است که تصادف کرده و از طریق او به مادرش می‌رسد (در صورتی که وارثش فقط مادر بوده باشد) و به هر یک از دختران یک سهم می‌رسد.

سؤال ۱۱۰۹- وارث زید متوفی یک خواهرزاده مادری است، از طرف دیگر سه تن از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۸

عموزادگان او در قید حیاتند، ارث زید چگونه تقسیم می‌شود؟

جواب: با وجود خواهر زاده به عموزاده‌ها ارثی نمی‌رسد، و اگر وارث دیگری نیست، باید تمام مال را به همان خواهرزاده داد.

سؤال ۱۱۱۰- شخصی در زمان حیات خویش، حقوق تنها وارث خود را که خواهرش بوده با پرداختن مبلغ ۱۴۰۰۰ تومان به عنوان مصالحه از او سلب نموده و بیان داشته که مشارٌ الیها هیچ‌گونه حقّی نسبت به ارث برادر خود بعد از وفات وی ندارد و جمیع مایملک را نیز به همسر خویش صلح نموده است و این صلح و مصالحه دو سال قبل از فوت مشارٌ الیه و در حالت مرضی بوده است که منجر به وفات وی شده است با توجّه به اجمالی که گذشت، آیا این صلح و مصالحه صحیح است و مانع ارث می‌شود؟

جواب: کسی نمی‌تواند دیگری را از ارث محروم کند تنها می‌تواند نسبت به یک سوّم مال خودش وصیّت کند که در هر مصرفی که می‌خواهد صرف کنند و در مورد بخشش اموال به همسرش اگر در حال حیات و صحّت و سلامت صورت گیرد و تحویل داده شود ملک او خواهد شد ولی اگر تحویل نداده، اموال او به صورت ارث در میان همه بستگان کما فرض الله تقسیم می‌شود و اگر در حال بیماری منجر به مرگ باشد احتیاط آن است که تنها ثلث آن، به شخص مزبور داده شود و در بقیّه، با ورثه مصالحه شود.

ارث گروه سوّم

سؤال ۱۱۱۱- شخصی از مؤمنین فوت نموده و ورثه حین الفوت او به شرح زیر می‌باشند: الف) زوجه دائمی که دختر عموی متوفی بوده. ب) دختر عموی دیگر. ج) یک پسر دایی. د) از دایی دیگری سه پسر دایی و سه دختر دایی. ه‍) دو پسر خاله و دو دختر خاله. لطفاً بفرمایید پسر و دختر دایی‌ها و پسر و دختر خاله‌ها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۹

به طور مساوی ارث می‌برند یا للذّکر مثل حظ الانثیین؟

جواب: بعید نیست ارث آنها مساوی باشد ولی احتیاط آن است که با هم مصالحه کنند.

سؤال ۱۱۱۲- کسانی که حقّ مسلّمی دارند، مثل خواهر، عمّه یا غیر آنان- اعمّ از مال منقول یا غیر منقول- ولی ادّعای آن حق را نمی‌کنند، آیا پس از فوت آنها ورثه آنها می‌توانند آن حق را ادّعا کنند؟

جواب: حق دارند، مگر اینکه صریحاً حقّ خود را بخشیده باشند.

ارث زوجین

سؤال ۱۱۱۳- شخصی با کامیون خود به جبهه رفته، هم خودش شهید شده و هم کامیون او نابود گردیده است، سپس دولت عوض کامیون را به خانواده شهید داده است، آیا همسر شهید می‌تواند سهم الارث خود را از آن ادعا کند؟

جواب: اگر آوردن کامیون به جبهه به امر دولت بوده یا به ضمانت او (هرچند ضمانت جنبه عام داشته باشد نه در خصوص این شخص) همسر شهید یک‌هشتم از کامیون را به ارث می‌برد و اگر شخص مزبور با میل خود و بدون امر و ضمانت دولت اقدام به چنین کاری کرده، باید از مسئولین ذی ربط پرسید که هدف آنها تنها کمک کردن به فرزند شهید بوده یا همسر او را هم شامل می‌شود و نیز باید سؤال کرد که آیا این هدیه به نسبت سهم الارث است یا بیشتر و کمتر؟

سؤال ۱۱۱۴- چگونگی ارث زن و شوهر را از همدیگر در صورتی که وارث دیگری نباشد، بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه زوج یا زوجه از دنیا برود و وارث دیگری نباشد، اگر زوجه از دنیا برود تمام مال از آن زوج است و اگر زوج از دنیا برود یک چهارم مال از آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۳۰

زوجه و بقیه به امام (علیه السلام) تعلّق می‌گیرد. «۱»

سؤال ۱۱۱۵- زن اوّل زید در وقت وضع حمل مرده و بچّه او هم به فاصله کمی از دنیا رفته است. بعد از یک سال دختر یکی از اقوام را گرفته است و بیست سال هم زندگی نموده‌اند و از این زن دوّم اصلا اولاد ندارد و فعلا شوهر مرده است، ارث زن چگونه است؟

جواب: هرگاه شوهر هیچ فرزندی در زمان مرگ نداشته باشد یک‌چهارم اموال او به همسرش می‌رسد (غیر از زمین) بقیّه متعلّق به ورثه دیگر است.

سؤال ۱۱۱۶- آیا زن، از آب قنات یا چاه ارث می‌برد؟

جواب: فقط از آن مقدار آبی که در حال مرگ شوهر در آن موجود است ارث می‌برد.

سؤال ۱۱۱۷- آیا مهریه زن جزء ترکه اوست و اگر جزء ترکه اوست آیا شوهر می‌تواند به نسبت سهم الارث خود از آن، کسر و مانده مهریه را به سایر ورثه زن (زوجه خود) پرداخت نماید؟

جواب: آری جزء ترکه اوست و مانند سایر اموال تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۱۸- آیا در ازدواج دائم، مرد می‌تواند ضمن عقد با همسرش شرط کند که اگر زن وارث مرد واقع شد، ارث خودش را به فرزند آن مرد که از زوجه مرحومه او باقی مانده است ببخشد و هبه کند؟

جواب: با توجّه به اینکه این شرط کاملا مبهم است خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۱۱۹- آیا زوجه از پولی که عوض دیه خون شوهر گرفته حقّی دارد و چه مقدار؟

جواب: آری، از آن مانند سایر اموال ارث می‌برد.

سؤال ۱۱۲۰- شوهر این جانب فاطمه، در سال ۶۳ فوت کرده است، با توجّه به

(۱). جواهر، جلد ۳۹؛ وسایل الشیعهٔ، جلد ۱۷، باب میراث الازواج.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۱

۱- باغات پسته ۲- سه واحد منزل مسکونی که سند آنها به نام آن مرحوم است. ۳- تراکتور با تمام وسایل ۴- چاه و پمپ و ساختمان موتورخانه و امتیاز آب و برق و پروانه چاه. ۵- اموال منقول و وسایل خانه. با توجّه به مطالب فوق‌الذّکر لطفاً به سؤالات زیر جواب دهید:

الف) آیا بنده از این اعیانی حقّی دارم و اگر دارم به چه صورت می‌باشد؟

ب) با توجّه به اینکه در طول ۱۳ سال ارثیه مرا نداده‌اند، آیا درآمد این چند سال به من تعلّق می گیرد؟

ج) آیا در دادن ارثیه، قیمت روز پرداخت ملاک می‌باشد یا قیمت روز مرگ میّت و اگر قیمت روز مرگ میّت ملاک است، آیا تورّم این چند سال محاسبه می‌شود؟

جواب: الف) یک هشتم از قیمت اعیانی و یک هشتم اموال منقول به هر دو زن می‌رسد که به طور مساوی میانشان تقسیم می گردد.

ب) نسبت به درآمد اموال منقول باید منافع این مدّت را بپردازند و احتیاط آن است که نسبت به اعیانی نیز همین کار را بکنند.

ج) قیمت یوم الادا ملاک است.

مسائل متفرّقه ارث

سؤال ۱۱۲۱- هرگاه برادر و خواهری وارث پدری شوند و ترکه در دست برادر بماند و بعد هر دو از دنیا بروند، وارثان خواهر می گویند سهم ما را بدهید ولی وارثان برادر می گویند آن خواهر سهم خود را هبه کرده یا فروخته است، تکلیف چیست؟

جواب: در صورتی که پس از تحقیقات کافی از آشنایان و بستگان و اهل اطّلاع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۲

مسأله روشن نشود، احتیاط آن است که طرفین ورثه با هم مصالحه کنند، در صورتی که صغیری در بین نباشد، وگرنه احتیاط رعایت حقّ اوست.

سؤال ۱۱۲۲- دیه را چه کسی ارث می‌برد؟

جواب: تمام وارثان نسبی و سببی، مگر متقربان به مادر (مانند برادر و خواهر مادری).

سؤال ۱۱۲۳- آیا ورثه می توانند از ترکه میّت، شخصی را برای انجام نماز و روزه احتیاطی میّت، استیجار کنند؟

جواب: تنها ورثه کبیر می‌توانند از حصّه خود برای او استیجار کنند.

سؤال ۱۱۲۴- آیا بعضی از ورثه حق دارند بیش از سهم ارث خود، در ترکه تصرّف کنند؟

جواب: هیچ یک از ورثه حق ندارند بیش از سهم خود را از اموال میّت بردارند، مگر به رضایت بقیّه.

سؤال ۱۱۲۵- آیا بخشش در حال حیات مانع از سهم الارث می‌شود؟

جواب: آنچه را انسانها در حال حیات به بعضی از ورثه می‌بخشند مانع سهم الارث آنها از اموال میّت نخواهد بود.

سؤال ۱۱۲۶- آیا طبقه دوّم و سوّم ارث، حقّ قصاص دارند؟

جواب: تمام کسانی که از مال ارث می‌برند حقّ قصاص دارند مگر زوج و زوجه که حقّ قصاص ندارند ولی در دیه سهیمند.

سؤال ۱۱۲۷- در صورتی که وکیل صیغه عقد را اشتباه خوانده باشد، آیا فرزندان از این مرد و زن ارث می‌برند؟ آیا خود مرد و زن از همدیگر و از فرزندان در صورت فوت ارث می‌برند؟

جواب: بچّه‌ها از پدر و مادر و مادر از بچّه‌ها ارث می‌برند ولی زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۳

سؤال ۱۱۲۸- آیا در صورتی که وارثان توافق کنند، می‌توانند خلاف سهام ارث عمل نمایند؟

جواب: با رضایت همه- در صورتی که صغیری میان آنها نباشد- مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۲۹- آیا بهائی از مسلمان ارث می‌برد؟

جواب: ارث نمی‌برد ولی اگر فرزندان آن بهایی در حال فوت پدر مسلمان بوده‌اند و وارث دیگری مقدّم بر آنها وجود نداشته باشد ارث می‌برند.

سؤال ۱۱۳۰- اگر نایب برای حج به شرط عمل نکند و نایب دیگری بگیرد و به حج بفرستد و نایب دوّم حج را از طرف میّت انجام دهد، آیا ورثه حق دارند پول را پس گرفته و بین خود تقسیم کنند؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۱۱۳۱- آیا لباسهای مختلف و زیورها و امثال اینها را که شوهر در حال حیات برای همسرش گرفته متعلّق به زن است یا مال شوهر است که باید بین ورثه تقسیم شود؟

جواب: هرگاه عرف محل این باشد که لباسها و زیور آلات را به زن می‌بخشد، مال اوست و اگر عرف محل این است که آنها به عنوان امانت در نزد او می‌باشد و فقط حقّ تصرف در زمان حیات شوهر دارد، میان همه ورثه تقسیم می‌شود، ولی معمولا به زن تملیک می‌شود.

سؤال ۱۱۳۲- در صورتی که عدّه‌ای در اثر هدم و غرق از بین بروند و رابطه آنها به نحوی باشد (مثل پدر و پسر) که هرگاه یکی از آنها قبل از دیگری بمیرد از او ارث می‌برد و در شرع مقدّس حکم به توارث هر یک از دیگری می‌شود، حال اگر عدّه‌ای در نفت یا حوض شیر یا مایعات دیگر غرق شوند، آیا مشمول این حکم می‌شوند یا خیر؟ همچنین آیا هدم، شامل انفجار هواپیما و امثال آن نیز می‌شود؟ تصادف اتومبیل چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۴

جواب: تفاوتی میان مایعات نیست. انفجار یا سقوط هواپیما و همچنین تصادف اتومبیل نیز همین حکم را دارد، یعنی پسر از تمام اموال پدر مطابق سهم خود ارث می‌برد و ارث او به ورثه‌اش می‌رسد، همچنین پدر نسبت به اموال پسر.

سؤال ۱۱۳۳- هرگاه پس از صدور حکم موت شخص مفقود الاثر و تقسیم ترکه بین ورثه، مفقود الاثر پیدا شود تکلیف ورثه نسبت به عین مال و منافع مستوفات و منافع غیر مستوفات چیست؟ و اموالی که در مدّت تصرّف از بین رفته است چه حکمی دارد؟

جواب: تا یقین به موت او حاصل نشود نمی‌توان اموال او را تقسیم کرد و حکم طلاق از آن جداست و اگر بعد از تقسیم مراجعت کند، اموال و منافعش به او برمی‌گردد و کسانی که اموال میان آنها تقسیم شده، ضامن اموالی که تلف کرده‌اند می‌باشند.

سؤال ۱۱۳۴- آیا ید متصرّفین (ورثه) بعد از صدور حکم موت و تقسیم ترکه بین آنها امانی است یا ضمانی؟

جواب: ید آنها ضمانی است.

سؤال ۱۱۳۵- هرگاه شخص مسلمانی که دارای چند فرزند مسلمان است بهائی شود و زن بهائی اختیار کند، در صورت فوت آن شخص، سهم الارث فرزندان مسلمان و بهائی او و زن بهائیش چگونه تقسیم می‌شود؟

جواب: اموالی که قبلا داشته یا بعداً به دست می‌آورد همگی به ورثه مسلمان او می‌رسد.

سؤال ۱۱۳۶- این جانب تمام اموال منقول و غیر منقول خود را در مقابل هزار تومان به فرزندم فروخته و منتقل نموده بودم، به شرط این که تا من زنده‌ام در اختیار خودم باشد، متأسفانه فرزندم قبل از من از دنیا رفته است، آیا اموال به خودم برمی‌گردد یا به ورثه

فرزندم منتقل می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۵

جواب: اگر منظورتان این بوده که ملک منتقل به فرزندتان شود و منافع آن مادام الحیاه در اختیار شما باشد، اکنون که او از دنیا رفته، آن مال به ورثه او منتقل می‌شود و شما مادام الحیاه خود فقط مالک منافع هستید.

سؤال ۱۱۳۷- آیا تفنگ هم مثل شمشیر به ولد اکبر می‌رسد؟

جواب: احتیاط مصالحه با سایر ورثه است و در صورتی که صغیر داشته باشد، حقّ صغیر را بدهند.

سؤال ۱۱۳۸- در صورتی که تفنگ، بیش از خشاب خود گلوله داشته باشد، آیا بازهم به ولد اکبر می‌رسد؟

جواب: مانند مسأله سابق است، مگر این که گلوله بیش از متعارف باشد که حقّ تمام ورثه است.

سؤال ۱۱۳۹- اگر مردی چند زن داشته باشد که هر کدام ولد اکبر داشته باشند، این سلاح به کدام یک از آنها می‌رسد؟

جواب: معیار بزرگتر بودن از نظر سن است و در صورت تساوی آنها در سن، در میان همه آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۴۰- در جایی که میّت وصیّت به ثلث نکرده باشد، آیا ورثه می‌توانند از اصل ترکه برای میّت نماز و روزه استیجار نمایند؟

جواب: اگر رضایت داشته باشند و کبیر باشند مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۴۱- تکلیف اموال کسی که مفقود الاثر گشته، چیست؟

جواب: مادامی که یقین به مرگ او نباشد باید اموال او را حفظ نمود و اگر اموالی است که ممکن است ضایع شود با اجازه حاکم شرع می‌فروشند و پول آن را با گرفتن شهود به بعضی از ورثه که مورد اعتمادند می‌دهند تا خبری از آن گمشده بیابند.

سؤال ۱۱۴۲- اگر هیچ یک از طبقات ارث موجود نباشند، اموال میّت به چه کسی می‌رسد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۶

جواب: ارث او به امام (علیه السلام) یا جانشین او می‌رسد.

سؤال ۱۱۴۳- یکی از پسرهای یک خانواده زرتشتی در سال ۶۲ به عنوان یکی از مهره‌های تقریباً مهمّ چریکهای فدایی دستگیر و زندانی می‌شود و حکم محکومیّت نامبرده به زندان نیز صادر و در زندان توبه کرده و پس از گرایش به اسلام و نیز پس از تحمّل مدّت زندانی آزاد می‌شود. در سال ۶۶ پدرش فوت می‌کند و در سال ۶۸ شخص مورد نظر سهم الارث خود را می‌گیرد و غیر منقول را رسماً منتقل می‌کند. اکنون با راهنمایی یکی از وکلای دادگستری به استناد ماده ۸۸۱ مکرّر قانون مدنی که می‌گوید: «کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد ورّاث کافر ارث نمی‌برند اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدّم بر مسلم باشند» اقدام به طرح شکایت بر علیه مادر و خواهر و برادرش کرده است، بفرمایید آیا غیر از وارث مسلمان بقیّه ورثه هم ارث می‌برند؟

جواب: در فرض مسأله تنها وارث مسلمان از او ارث می‌برد ولی اگر مسائل اخلاقی را در اینگونه موارد رعایت کنند بهتر است.

سؤال ۱۱۴۴- شخصی دو سال قبل از فوتش، با وجود مرضی که منجر به فوت او شده است، جمیع مایملک خود را به همسرش فروخته است که بالتّبع ورثه شرعی او از ارث محروم شده‌اند، آیا این معامله صحّت شرعی دارد؟ در فرض مذکور اگر معامله صوری بوده باشد صحیح است یا خیر؟ اگر در فرض مذکور احتمال اجبار در معامله باشد حکم آن چیست؟ اگر در فرض مذکور احتمال قصد ضرر زدن به ورثه باشد حکم آن چیست؟

جواب: هرگاه معامله به صورت ظاهر، جدّی و اختیاری بوده نافذ است مگر آن که خلاف آن ثابت شود و چون در مرض موت بوده، احتیاط آن است که فقط در یک سوّم آن عمل شود و در بقیّه، با ورثه مصالحه گردد.

سؤال ۱۱۴۵- پدر این جانبان و همسر این جانبه مرحوم بهرام که دارای دین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۷

زرتشتی بوده است حدود پنج سال قبل از فوتش با یک خانم مسلمان ازدواج انقطاعی نموده است که در صیغه‌نامه مذکور خود را مسلمان معرفی کرده است و ثمره این وصلت موقّت دو فرزند می‌باشد، لیکن چون ما از مراتب مسلمان شدن احتمالی وی و همچنین از ازدواج موقّت مشارٌ الیه هیچ اطّلاعی نداشتیم و او را هیچ وقت در حال انجام فرایض دین مقدّس اسلام ندیده بودیم و خود وی نیز در این مورد هیچ‌گونه صحبتی با ما یا با دیگران نکرده بود، لذا هنگامی که وی فوت نمود او را به عنوان یک انسان زرتشتی و طبق آداب و رسوم دین زرتشتی در گورستان زرتشتیان دفن نمودیم که همسر به اصطلاح صیغه‌ای وی و دو فرزندش در تمام مراحل و در کلیّه مراسم اعمّ از خاکسپاری متوفی و مراسم عزاداری وی شرکت داشتند و هیچ گونه اشاره‌ای به مسلمان بودن خود یا مسلمان شدن آن مرحوم و ازدواج موقّت وی ننمودند تا این که بعداً این جانبان از ماجرای ازدواج انقطاعی آنان و مفاد صیغه‌نامه مزبور که در آن دین آن مرحوم اسلام قید شده است با اطّلاع گشتیم که موضوع را با یکی از همسایگان خود که فردی است مسلمان و مطالعات و تحقیقات و تجربیاتی در امور حقوقی و فقه اسلامی دارد در میان گذاشتیم، وی ضمن برشماری مزایا و محاسن فراوان دین مقدّس اسلام و حقانیّت و برتری دین مبین اسلام بر سایر ادیان و این که اسلام کاملترین و بهترین و آخرین دین الهی می‌باشد این جانبان را به مسلمان شدن تشویق و دعوت نمود که سرانجام با ارشاد و راهنمایی‌ها و کوشش بی‌دریغ وی به فراگیری و آموزش فرایض به دین مقدّس اسلام مشرّف گردیدیم و رسماً مسلمان و شیعه اثنی عشری شدیم، با توجّه به مراتب فوق و همچنین با توجّه به این که دلایل و مدارک مستندی که دال بر این باشد که آن مرحوم مسلمان شده باشد وجود ندارد تقاضامندیم به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا آن مرحوم مسلمان بوده است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۸

ب) آیا ازدواج انقطاعی آن مرحوم با خانم مسلمان شرعاً صحیح بوده است؟

ج) آیا دو فرزندی که از این وصلت به وجود آمده است مشروع هستند و از ما ترک آن مرحوم ارث می‌برند؟

د) با وجودی که تا کنون دیون متوفی ادا نشده و ماترک آن مرحوم تقسیم نشده است و در ضمن تا کنون حکم قطعی حصر وراثت صادر نشده، آیا این جانبان که مسلمان شده‌ایم جزء ورثه آن مرحوم محسوب می‌گردیم و از ما ترک وی ارث می‌بریم؟

جواب: الف) اگر اظهار اسلام کرده محکوم به احکام اسلام است هر چند در عبادات و انجام وظایف دینی کوتاهی داشته است.

ب) به حسب ظاهر صحیح بوده است.

ج) فرزندان مزبور مشروع هستند و از او ارث می‌برند.

د) در فرض مسأله که ارث هنوز تقسیم نشده و شما مسلمان شده‌اید، طبق قانون ارث اسلامی ارث می‌برید.

سؤال ۱۱۴۶- ما دو برادر هستیم و باغی از پدر به ما ارث رسیده است که نصف آن حقّ من بوده و نصف دیگرش حقّ برادرم می‌باشد اکنون من قصد فروش حقّ خود را دارم، ابتدا به برادرم و سپس به همسایه بغل دستی خود نیز گفته‌ام و آنها از خریدن این ملک صرف نظر کرده‌اند. اکنون می‌خواهم به شخص دیگری بفروشم ولی برادرم مانع می‌شود و می گوید: بیا دوباره زمین را تقسیم کنیم، در حالی که ۲۵ سال از تقسیم اوّلیه که با رضایت انجام شده است می گذرد و علّت جلوگیری ایشان این است درختی است که ریشه و تنه آن در ملک برادرم می‌باشد امّا اکثر شاخه و برگهای آن در ملک من است و مانع از تابش نور خورشید بر زمین من می‌باشد تکلیف ما چیست؟

جواب: در فرض سؤال شما می‌توانید زمین خود را بفروشید و چنانچه قبلا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۹

تقسیم صورت گرفته، تقسیم مجدّد لازم نیست و اگر شاخ و برگ درخت زمین مجاور مزاحم زمین شماست می‌توانید از آن جلوگیری کنید.

سؤال ۱۱۴۷- پدر و پسری همزمان با هم در اثر یک سانحه تصادف به رحمت حق پیوسته‌اند. پدر دارای سه فرزند دیگر نیز می‌باشد، از طرف دیگر پسر که همراه پدر مرده است نیز دارای چهار فرزند می‌باشد، آیا از ارث پدر بزرگ به این فرزندان یتیم چیزی می‌رسد؟

جواب: باید فرض کنیم که پدر قبلا فوت کرده و سهمیه‌ای از او به این فرزند رسیده است و سهمیّه او منتقل به یتیمان او می‌شود و باز فرض می‌کنیم که پسر قبلا فوت کرده و از اموالی که قبلا داشته است سهمی به پدر و سهمی به فرزندان او می‌رسد، خلاصه این که هرکدام از اموال دیگری طبق قانون ارث سهمی می‌برند و آن سهم منتقل به ورثه آنها می‌شود.

سؤال ۱۱۴۸- یک نفر با سه بچه‌اش در یک شب، در اثر گازگرفتگی زغال فوت کرده‌اند و معلوم نیست کدام مقدّم و کدام مؤخّر فوت کرده‌اند، قابل توجّه این که بچه‌ها مالی ندارند و وارث پدر فعلا یک زن و پدر و مادر او می‌باشند، کیفیّت تقسیم ارث را بیان فرمایید؟

جواب: سهم فرزندان از مال پدر برداشته می‌شود و به ورثه آنها می‌رسد و بقیّه به باقی ورثه پدر می‌رسد.

سؤال ۱۱۴۹- لطفاً در روایت زیر:

قال الشعبی: «ما رایت افرض من علیٍّ و لا احسب منه و قد سئل عنه علیه السلام و هو علی المنبر یخطب، عن رجل مات و ترک امراته و ابوین و ابنتین، کم نصیب المرأة؟ فقال- علیه السلام-: صار ثُمنها تسعاً فلقّبت بالمسألة المنبریة شرح ذلک: للابوین السدسان و للبنتین الثلثان و للمرأة الثمن عالت الفریضة فکان لها ۳ من ۲۴ ثمنها فلما صارت الی ۲۷ صار ثمنها تسعا فان ثلاثة من ۲۷ تسعها و یبقی ۲۴ للابنتین ۱۶ و ۸ للابوین سواء» جمله عالت الفریضة را توضیح دهید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۰

جواب: منظور این است که سهم زوجه‌ای که شوهرش دارای فرزند است بنابر حکم اولی یک‌هشتم می‌باشد ولی هنگامی که با سهام والدین و بنتین در کنار هم قرار می‌گیرد اگر مجموع سهم آنها را با هم جمع کنیم ۲۷ سهم می‌شود (هرگاه مال را ۲۴ سهم کنید ۱۶ سهم ثلثین می‌باشد و ۸ سهم سدسین است و ۳ سهم ثمن می‌باشد و مجموع ۱۶ و ۸ و ۳ می‌شود ۲۷ سهم) هرگاه سه سهم را از بیست و هفت سهم بردارید معادل یک‌نهم می‌شود، تفسیر حدیث چنین است، ولی از نظر مبانی فقهی با توجّه به سایر احادیث، این مسأله قابل گفتگوست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۱

فصل چهلم: امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۱۱۵۰- با وجود نهادی برای امر به معروف در نظام جمهوری اسلامی، آیا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر از دیگران سلب می‌شود؟ و در صورت تداخل کار آنها با دیگران، تکلیف چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر یک حکم عام است و همه به مقدار توان خود موظف به آن هستند و وجود چنین نهادی سلب مسئولیت از دیگران نمی‌کند و موارد تداخل را با برنامه‌ریزی باید حل کرد.

سؤال ۱۱۵۱- گاهی بعضی از اساتید زن در کلاس درس دانشجویان با لباسهای تحریک‌کننده حضور پیدا می‌کنند و دانشجویان بناچار برای دریافت درس و مطلب به او نگاه می‌کنند، تکلیفشان چیست؟

جواب: در این گونه موارد باید با هماهنگی مسئولین دانشگاه جلو اینگونه مسائل را گرفت تا دانشجویان به مشکل برخورد نکنند و

اساتید به وظیفه شرعیّه خودشان عمل نمایند.

سؤال ۱۱۵۲- آیا در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط است؟

جواب: قصد قربت شرط نیست ولی بدون آن ثواب به کسی نمی‌دهند.

سؤال ۱۱۵۳- آیا با اشخاصی که افعال و کردار غیر معقولانه و ناشایست دارند و با تذکّر، از افعال خود دست‌بردار نیستند، می‌شود قطع رابطه نمود؟

جواب: در صورتی که قطع رابطه موجب خودداری از منکر شود لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۲

سؤال ۱۱۵۴- وظیفه یک طلبه در رابطه با مفاسد اجتماعی جامعه و بدحجابی خانمها بطور واضح چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه است ولی باید به شرایط آن توجّه داشته باشید.

سؤال ۱۱۵۵- اگر کسی در بین جمع، غیبت بکند و مطمئن باشیم امر به معروف و نهی از منکر در او تأثیر نمی‌کند، وظیفه ما چیست؟

جواب: در چنین جلسه‌ای شرکت نکنید.

سؤال ۱۱۵۶- آیا قطع رابطه با اقوامی که نسبت به امور شرعی بی‌تفاوتند مثلا (خمس و زکات نمی‌دهند) و یا امور خلاف شرع انجام می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر در آنها تأثیری ندارد جایز است؟

جواب: اگر قطع رابطه موجب بیدار شدن آنها گردد واجب است و اگر اثر منفی دارد، این کار را نکنید.

سؤال ۱۱۵۷- اگر امر به معروف و نهی از منکر در اداره باعث شود که انسان از مزایایی همچون اضافه‌کار و یا پاداشهای دیگر محروم شود، آیا بازهم واجب است؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیان مهمّی نشود واجب است.

سؤال ۱۱۵۸- آیا تذکّر به کسی که قرآن را غلط می‌خواند واجب است؟

جواب: بهتر است با زبان خوب تذکّر دهید.

سؤال ۱۱۵۹- یکی از مسئولین دانشگاهها به غلط امر به معروف و نهی از منکر و تذکّر به دانشجویان خاطی را محدود به مسئولین انضباطی دانشگاه می‌داند و به دانشجویان مؤمن میدان نمی‌دهد، با توجّه به این مطلب وظیفه یک دانشجوی متعهّد و انقلابی در این زمینه چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مسلمانهاست و کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد ولی باید طوری انجام گیرد که نظم دانشگاهها و مؤسّسات به هم نخورد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۳

سؤال ۱۱۶۰- اگر سوار تاکسی شدیم و راننده نوار ترانه غیر مذهبی گذاشت تکلیف ما در این حال چیست؟

جواب: باید نهی از منکر کنید و اگر نمی‌پذیرد پیاده شوید، مگر اینکه عسر و حرج لازم آید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۵

فصل چهل و یکم: احکام دفاع و جهاد

سؤال ۱۱۶۱- آیا در تقسیم متعارف کافر به ذمّی و حربی که غیر ذمّی را حربی می‌دانند، می‌توان به همه احکام آن ملتزم شد که کفّاری که در حکومت جمهوری اسلامی هستند، ذمّی و بقیّه در هر کجای دنیا که باشند حربی باشند و همه اقدامات درباره کافر

حربی درباره آنان جایز باشد، یا حربی اختصاص دارد به حالت محاربه و در غیر حالت جنگ، قسم سوّمی داریم که نه ذمّی و نه حربی است و جان و مال و عرض آنان که در جنگ نیستند محترم است؟

جواب: کافر، قسم سوّم و چهارمی نیز دارد و قسم سوّم آن کافر «معاهد» است و بسیاری از دول امروز که با ما روابط سیاسی دارند و با ما در حال جنگ نیستند مصداق آن محسوب می‌شوند و مادام که به نحوی از انحا با مسلمین وارد محاربه نشوند همه چیز آنها و جان و مالشان محترم است، زیرا طبق تعهّداتی که از طریق روابط سیاسی و قوانین پذیرفته شده بین المللی با آنان داریم داخل در معاهد هستند. در ضمن باید توجّه داشت که کافر معاهد بر خلاف آنچه بعضی گفته‌اند زمان محدودی ندارد و شامل اهل کتاب و غیر اهل کتاب نیز می‌شود. این نکته نیز قابل توجّه است که اهل کتاب در صورتی به عنوان کافر ذمّی شناخته می‌شوند که در داخل کشورهای اسلامی زندگی کنند، ولی اهل کتابی که در داخل کشور خودشان زندگی می‌کنند آنها فقط جزء معاهد می‌توانند باشند و پیمان ذمّه در مورد آنها مفهوم ندارد (مگر این که کشوری خود را در پناه کشور اسلامی قرار دهد) زیرا در احکام ذمّه قرائن زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد مربوط به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۶

اقلیّتهای داخل کشورهای اسلامی است.

قسم چهارم، کفّاری هستند که نه جزء کفّار ذمّی می‌باشند و نه معاهد و نه حربی و در واقع در بی‌طرفی کامل نسبت به مسلمین به سر می‌برند که می‌توان آنها را کفّار بی‌طرف نامید که در دو آیه از قرآن به وضع آنها اشاره شده است، در سوره ممتحنه آیه ۸ می‌فرماید: (لَا یَنْهَاکُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِینَ لَمْ یُقَاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَیْهِمْ إِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ) و سوره نساء آیه ۹۰ بعد از اشاره به کفّار حربی می‌فرماید: (اَلَّا الَّذِینَ یَصِلُونَ إِلَی قَوْمٍ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَهُمْ مِیثَاقٌ أَوْ جَاءُوکُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ یُقَاتِلُوکُمْ أَوْ یُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ ... فَإِنِ اعْتَزَلُوکُمْ فَلَمْ یُقَاتِلُوکُمْ وَ أَلْقَوا إِلَیْکُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَکُمْ عَلَیْهِمْ سَبِیلًا). بنابراین که مراد از «القای سلم» پیش گرفتن راه مسالمت‌آمیز باشد نه برقراری پیمان صلح، زیرا تعبیر به القای سلم تناسب با همین معنا دارد و آیه بعد نیز شاهد بر این مطلب است، به هر حال کافر بی‌طرف هم، جان و مال و ناموسش محفوظ است شرح بیشتر در مورد اقسام چهارگانه کافر نیاز به بحث مبسوطتری دارد.

سؤال ۱۱۶۲- آیا فقیه مبسوط الید می‌تواند حکم به جهاد ابتدایی کند؟

جواب: باید طبق فتوای خودش عمل کند چون تقلید برای مجتهد حرام است.

سؤال ۱۱۶۳- آیا کشتن کسی که به انسان حمله می‌کند و یا سارقی که به منزل انسان آمده است جایز است؟

جواب: در صورتی که راهی جز کشتن او نباشد جایز است و خون او هدر است.

سؤال ۱۱۶۴- مسأله‌ای برای من هنگام اشغال کویت توسط لشکر متجاوز عراق اتفاق افتاد لطفاً جواب این مسأله را بفرمایید- داستان از این قرار است که روز هشتم اشغال کویت وقتی که به خانه برگشتم یکی از سربازان عراقی را در خانه، در کنار برادر کوچکم دیدم از او سؤال کردم این شخص کیست؟ گفت: یکی از سربازان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۷

عراقی است که مردم کویت را می‌کشند، ولی من به حرف او اعتنایی نکردم و به اطاق رفته به نماز ایستادم. در این هنگام آن سرباز با اسلحه گرم او را زد به طوری که خون از بدن او جاری شد ولی هنوز به زمین نیفتاده بود که من از ترس جان خود و خانواده آماده دفاع شدم و به او حمله کردم، از نظر شرعی این دفاع چگونه بوده است؟

جواب: اگر آن سرباز مهاجم قصد جان یا مال شما یا فرزندانتان را داشته، دفاع با هر وسیله‌ای جایز بوده است و خون او هدر است.

سؤال ۱۱۶۵- اگر یک طایفه از شیعیان بر طایفه دیگر حمله مسلحانه نماید بطوری که خوف جان، مال و ناموس عدّه‌ای در آن

باشد، آیا بر طایفه دیگر دفاع واجب است؟

جواب: آنها حق دارند از خود دفاع کنند ولی باید نهایت کوشش را برای جلوگیری از این گونه درگیریها به عمل آورند تا کار به خونریزی نکشد.

سؤال ۱۱۶۶- با توجّه به مسأله فوق اگر افراد یا مسئولین یکی از جناحها (در حالی که اسلحه با خود حمل نمی‌کرده و قاتل کسی هم نبوده) توسّط جناح دیگر ترور گردد حکم قاتل و مقتول چیست؟

جواب: هر کس، مؤمنی را عمداً به قتل برساند حکم او قصاص است ولی قصاص باید به وسیله حاکم شرع یا نماینده او انجام شود.

سؤال ۱۱۶۷- پس از بیرون رفتن استعمار انگلستان از شبه قاره هند و تقسیم آن به ایالت مسلمان‌نشین جامو و کشمیر، بر خلاف مقرّرات تقسیم و خواست مسلمانان، این منطقه در نتیجه زورگویی و لشکرکشی زیر سلطه هند درآمد. مسلمانان برای حفظ مذهب، فرهنگ، ناموس و آزادی خود علیه متجاوز، قیام کرده‌اند و در این مبارزه به بدترین مصائب از جمله قتل عام، شکنجه، اسارت و غارت و حتی ... گرفتار شده‌اند، آیا کشته‌شدگان مسلمانان در این مبارزه شهیدند و این حرکت جهاد محسوب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۸

جواب: مادام که برای دفاع از جان و مال و ناموس مسلمین و اساس اسلام و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) تلاش می‌کنند عمل آنها جهاد است و آنها که در این راه کشته می‌شوند شهیدند، امّا باید سعی کنند از مجتهد یا نماینده مجتهدی دستور بگیرند.

سؤال ۱۱۶۸- اگر روشن شود که کالاهای اسرائیلی را به نام کشورهای دیگر مثل ترکیه و قبرس و یا سایر کشورها، به کشورهای اسلامی وارد می‌کنند تا خریداران متوجّه نشوند که این کالاها اسرائیلی است چون می‌دانند که اگر مسلمانان بدانند اسرائیلی است نمی‌خرند، حکم این فریب دادن مسلمانان چیست؟

جواب: در این فرض خرید این کالاها جایز نیست و جایز نیست که مسلمانان را فریب دهند و مسلمانان باید از هر کاری که باعث تقویت دشمن می‌شود بپرهیزند.

سؤال ۱۱۶۹- آیا برای آژانسهای مسافرتی، جایز است که تورهای مسافرتی به اسرائیل ترتیب دهند؟

جواب: برگزاری این تورهای مسافرتی از اسباب تقویت دشمنان اسلام و تضعیف مسلمین است و این کار بر هیچ مسلمانی جایز نیست.

سؤال ۱۱۷۰- اگر آژانسهای مسافرتی مرتکب چنین کاری بشوند آیا برای مسلمانان جایز است که از این آژانسها برای سفر به اسرائیل بلیط تهیه کنند؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۱۷۱- بسیاری از بهائیهای مقیم جمهوری اسلامی ایران اظهار می‌دارند که ما تابع قوانین عمومی ایران بوده و هیچ تخلّفی را مرتکب نشده‌ایم لیکن متحمّل تضییع حقوق هستیم، آیا اصولا بهائیها، به خصوص بهائیهای مقیم ایران اهل ذمّه محسوب می‌شوند؟

جواب: می‌دانیم مسأله بهائیگری در شرایط کنونی تنها یک مسأله مذهبی نیست بلکه بیشتر جنبه سیاسی دارد و قرائن فراوانی در دست است که آنها به نفع بیگانگان فعالیّت می‌کنند و دفاع شدید مجالس قانونگذاری بعضی از کشورهای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۹

غربی از آنها از جمله این قرائن است. بنابراین در چنین شرایطی نمی‌توان با آنها به عنوان گروهی که می‌خواهند در این مملکت زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند نگاه کرد و آنها در واقع محارب هستند.

سؤال ۱۱۷۲- آیا جایز است که مسلمانی، کشورهای غیر اسلامی را وطن خود قرار دهد؟ آیا این تعرّب بعد الهجره نیست؟

جواب: اگر از کفر و فساد در امان است اشکال ندارد و این مصداق تعرّب بعد الهجره نیست، به خصوص این که بتواند کم‌کم با

قول و فعل خود در آنجا مبلّغ اسلام باشد.

سؤال ۱۱۷۳- آیا سفر به کشورهای کفر و فساد برای ادامه تحصیل با احتمال ضعف دین خود یا همسر یا یکی از فرزندان، یا بی‌اعتنایی در بعضی از فرایض یا متأثر شدن به اخلاق و عادات آنها، جایز است؟

جواب: در فرض مسأله خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۱۷۴- آیا پناهنده شدن به کشورهای کفر به خاطر این که کاری در وطن خود گیر نمی‌آورد جایز است؟

جواب: اگر ضرورتی ایجاب کند و متأثر به آداب حرام آنها نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۷۵- آیا سفر به کشورهای غیر مسلمان برای گذراندن تعطیلات و استراحت و اطّلاع بر فرهنگ آن کشورها، با احتمال وقوع در حرام یا ضعف اعتقادات خود یا همسر یا فرزندان یا متأثر شدن از اخلاق مردم آن مملکت جایز است؟

جواب: همان طور که گذشت اگر این احتمال یک احتمال عقلایی باشد جایز نیست.

سؤال ۱۱۷۶- آیا جایز است که مسلمان به بلاد کفر و فساد مهاجرت کند و در آنجا کار کند و تخصّص و فنّ خود را در اختیار کفّار قرار دهد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۰

جواب: مغزهای متفکّر مسلمین و افراد متخصّص آنها، باید در خدمت کشورهای اسلامی باشند ولی در موارد ضروری اگر باعث تقویت کفّار و ضعف مسلمانان نشوند و متأثّر به آداب حرام آنها نگردند اشکالی ندارد و اگر بتوانند با قول و فعل خود مبلّغ اسلام در آن مناطق باشند کار خوبی خواهد بود.

سؤال ۱۱۷۷- آیا زن حقّ مخالفت با شوهرش را دارد که به بلاد کفر نرود؟

جواب: اگر رفتن به آنجا به دین و اعتقاد و اخلاقش ضربه می‌زند، مخالفت او جایز است.

سؤال ۱۱۷۸- آیا فرزند می‌تواند در رفتن به بلاد کفر با پدر و مادرش مخالفت کند؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۱۷۹- آیا مبلّغ دینی در صورتی که احتمال ضعف دین همسر و فرزندانش را بدهد می‌تواند برای تبلیغ به بلاد کفر سفر کند؟

جواب: مجرّد احتمال کافی نیست مگر این که احتمال قوی باشد و در اینگونه مسائل که مربوط به تبلیغ اسلام است نباید وسوسه به خرج داد.

سؤال ۱۱۸۰- آیا مسلمان می‌تواند با فرض احتمال ضعف دین خود یا خانواده‌اش، برای معالجه طولانی به بلاد کفر مسافرت کند؟

جواب: از جواب سابق روشن شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۱

فصل چهل و دوّم: احکام حدود

[حدود]

۱- حدّ زنا

سؤال ۱۱۸۱- حکم مجامعت با نامزد قبل از عقد شرعی از طریق دبر چیست؟

جواب: اگر دخول حاصل شود حدّ زنا در باره او جاری می‌شود.

سؤال ۱۱۸۲- شخصی با اعتقاد به این که دامادش (شوهر دخترش) با همسر او زنا نموده است عمداً وی را به قتل رسانده است، آیا علم به زنا مجوّز قتل می‌شود؟ و آیا اعتقاد قاتل، تأثیری در نوع قتل دارد و موضوع ملحق به اعتقاد به مهدور الدّم بودن مقتول می‌باشد؟

جواب: علم به زنا به تنهایی مجوّز قتل نمی‌شود، مگر این که او را در حال زنا با همسرش ببیند که در این صورت قتل او جایز است ولی تا در محکمه اثبات نکند قتل عمد شمرده می‌شود. در مواردی که ثابت شود که شخص اعتقاد به مهدور الدّم بودن کسی داشته و او را به قتل رسانده، قتل شبه عمد حساب می‌شود.

سؤال ۱۱۸۳- دختری با پسری ازدواج کرده است و صیغه دائمی بین اینها خوانده شده، ولی هنوز عروسی نکرده‌اند و دختر در خانه پدر زنا کرده است، آیا این زنا محصنه است یا غیر محصنه؟

جواب: زنای محصنه نیست.

سؤال ۱۱۸۴- آیا حاکم شرع می‌تواند برای اثبات زنا یا لواط، پایه و اساس علم خود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۲

را نظریه پزشک قانونی قرار داده (متّهمین را جهت معاینه) انجام آزمایشات دقیق علمی به او معرفی کند، یا این که در اینگونه موارد نفس رؤیت شهود در اثبات حد لازم است؟

جواب: نظریه پزشک قانونی به تنهایی کافی نیست.

سؤال ۱۱۸۵- پسر و دختری زنا کردند و پسر بعد از این عمل با دختر دیگری ازدواج کرده است، امّا بعد از تزویج نیز همین عمل را با آن دختر تکرار کرده است، آیا این زنایی که بعد از تزویج پسر با دختر دوّم ادامه داشته، زنای محصنه محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه بعد از ازدواج، عروسی کرده و این عمل را با دختر اوّل ادامه می‌دهد، زنای محصنه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۱۸۶- حدّ زنای محصنه چیست؟

جواب: حدّ زنای محصنه سنگسار است، ولی در شرایطی که محذورات مهمّی بر این امر مترتّب شود می‌توان اعدام را به نحو دیگری انجام داد و شبیه حکم فرار از حفیره در صورت اقرار در اینجا نیز جاری است.

سؤال ۱۱۸۷- آیا حدّ زنا باید در محلّ وقوع آن انجام شود یا جای دیگر هم اشکالی ندارد؟

جواب: محل در آن شرط نیست.

سؤال ۱۱۸۸- در صورتی که برگشتن دختر و پسر زناکار به محل زندگیشان باعث مفسده و اختلافاتی بین اهالی آن محل شود، آیا می‌توان آنها را به محل دیگری تبعید کرد؟

جواب: هرگاه ماندن آنها در محل خود موجب فساد شود، می‌توان آنها را به محل دیگری فرستاد.

سؤال ۱۱۸۹- چنانچه شخصی بعد از عقد و قبل از عروسی زنا کند، آیا غیر از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۳

تازیانه، تبعید و کوتاه کردن موهای او نیز لازم است؟ در صورت مثبت بودن جواب، آیا تمکن از دخول و عدم تمکن در حکم تأثیری دارد؟

جواب: تراشیدن سر و تبعید لازم است و تمکن از دخول شرط نیست، مگر این که زن مدّت طولانی به اجبار از شوهر جدا باشد.

سؤال ۱۱۹۰- در خصوص این روایت که اگر دو مرد، یا یک زن و مرد، زیر یک لحاف دیده شوند باید تعزیر شوند آیا صرف این کار، دالّ بر سوء نیّت است و تعزیر دارد، یا احراز سوء نیّت لازم است؟

جواب: احراز سوء نیّت نیز لازم است.

سؤال ۱۱۹۱- چنانچه زنی، مردی را با اسلحه یا به نحوی دیگر تهدید کند که اگر با وی زنا نکند چنین و چنان می‌کند و مرد واقعاً مکرَه واقع شود، آیا حکم مکرَه در اینجا نیز ثابت است؟

جواب: در فرض مسأله، حکم زنای به عنف که اعدام است در مورد زن جاری نمی‌شود، فقط حد دارد (رجم یا جلد به اختلاف موارد).

سؤال ۱۱۹۲- الف) اگر مرد زناکار، زانیه را که باکره بوده و بر اثر زنا حامله شده است عقد کند، آیا حد ساقط می‌شود یا رضایت اولیای دختر لازم است؟

ب) اگر اولیای دختر راضی نشوند و او را برای زانی عقد نکنند، آیا شخص دیگری می‌تواند دختر را بگیرد؟ و حدّ زنا در این صورت چگونه است؟

جواب: الف) حد با عقد و یا رضایت اولیای دختر ساقط نمی‌شود ولی این مسأله اگر نزد حاکم شرع از طریق اقرار (نه شهود) ثابت شده، می‌تواند با ملاحظه مصالح او را عفو کند.

ب) اشکالی ندارد و حکم حد همان است که در بالا گفته شد و با این کار ساقط نمی‌شود.

سؤال ۱۱۹۳- لطفاً جواب مسائل زیر را مرقوم بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۵۴

الف) آیا آوردن متّهم به زنا به دادگاه جهت اعتراف جایز است؟

ب) در صوت جواز آیا جایز است قاضی مأذون به متّهم تفهیم کند که جرم او چیست؟

ج) در صورت جواز سؤال ب و اظهار قبولی متّهم آیا قبول اتّهام تفهیمی به عنوان اقرار محسوب می‌شود یا این که باید اقرار کند و تصریح به عمل، موضوعیّت دارد و در صورت اقرار واحد آیا تکرار سؤال به دفعات یا جلسات متعدّد لازم یا جایز است؟

د) آیا سکوت متّهم کاشف از انکار اوست؟

جواب: الف) متّهم به زنا را نمی‌توان به دادگاه احضار کرد، مگر این که شهود قبلاـ بروند و شهادت بدهند، و یا زنای به عنف صورت گرفته باشد و مزنی بها شکایت کند و یا متّهم مرتکب جرائم منکراتی دیگری مانند خلوت با اجنبیّه شده باشد که به خاطر این امور جلب شود.

ب) از جواب سؤال بالا معلوم شد.

ج) اقرار باید صریح باشد و اصرار قاضی برای گرفتن اقرار وجهی ندارد.

د) با سکوت چیزی ثابت نمی‌شود و انکار در اینجا لازم نیست بلکه اقرار اثر دارد.

سؤال ۱۱۹۴- فردی در وطنش محصن یا محصنه است و به قصد زنا به شهر دیگری مسافرت می‌کند که بیش از مسافت شرعی است و در آن شهر- العیاذ بالله- مرتکب زنا می‌شود آیا حدّ زنای محصنه دارد؟

جواب: اگر از همسرش به مقدار قابل ملاحظه‌ای دور شده باشد و مصداق «یغدو و یروح» نباشد یعنی همسرش عملا در اختیار او نیست، زنای محصنه محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۱۹۵- در زنایی که موجب رجم است اگر زانی پس از اقرار چهارگانه انکار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۵۵

نمود حدّ رجم ساقط است اوّل این که آیا این حکم اختصاص به رجم دارد یا این که در مواردی که زنا، موجب قتل است مانند زنای به عنف یا با محارم، هم جاری است و دوّم این که آیا حکم مذکور در لواط ایقابی هم جاری است؟

جواب: در این گونه موارد حدّ اقل قاضی می‌تواند عفو کند.

سؤال ۱۱۹۶- اگر برادر بالغی با خواهر بالغ خود (نعوذ باللّه) زنا کند آیا هر دو محکوم به اعدامند؟ و نیز اگر برادری که سنّش قانونی (۱۸ سال) باشد با خواهر بالغ و یا نابالغ (کمتر از ۱۸ سال) خود زنا کند آیا رضایت ولی و یا قیّم دختر از اعدام زانی مذکور جلوگیری می کند؟

جواب: در صورتی که زانی و زانیه به حد بلوغ شرعی رسیده باشند حکم درباره آنها جاری است خواه ولی راضی شود یا نشود، مشروط بر این که موضوع نزد حاکم شرع با دلایل کافی ثابت شود.

سؤال ۱۱۹۷- آیا زنا با خواهر رضاعی و یا مادر زن از حیث کیفر همچون زنا با خواهر و مادر واقعی است؟

جواب: زنا با این دو، حکم زنای با محارم نسبی را ندارد ولی مجازات اصل زنا ثابت است.

سؤال ۱۱۹۸- آیا حرمت زنا ذاتی است و یا عرضی؟

جواب: اگر منظور از ذاتی بودن این باشد که زنا حرام است خواه آثار زیانباری داشته باشد و خواه نداشته باشد، جواب این است که آری حرمت زنا ذاتی است.

۲- حدّ لواط

سؤال ۱۱۹۹- آیا در لاطی احصان را شرط می‌دانید؟

جواب: در لواط فرقی میان محصن و غیر محصن نیست.

سؤال ۱۲۰۰- آیا می‌توان شخصی که به اتهام لواط محکوم به یکی از مجازاتهای معروف در فقه شده است را با چوبه دار یا اسلحه گرم اعدام کرد؟

جواب: تبدیل نوع اعدام در صورت ایجاب مصلحت مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۶

۳- حد قذف

سؤال ۱۲۰۱- کسی که دیگری را متّهم به ارتداد و کفر می کند و نمی‌تواند این اتّهام را در محضر حاکم شرع اثبات نماید، حکمش چیست؟

الف) آیا چنین موردی را می‌توان مصداق قذف دانست؟

ب) در صورت منفی بودن پاسخ، با وی باید به چه نحوی عمل کرد؟

ج) چنانچه شخص مورد اتهام از حقّ خود صرف نظر کند، آیا حد یا تعزیر چنین شخصی ساقط می گردد؟

جواب: الف و ب) قذف تنها در دو مورد است: نسبت زنا یا لواط دادن، بقیّه نسبتهای ناروا تعزیر دارد.

ج) ظاهر این است که حکم تعزیر با گذشت صاحب حق جاری نمی‌شود، مگر این که حاکم شرع ملاحظه کند که ترک تعزیر در این گونه موارد، منشأ مفاسد اجتماعی می‌شود که بر طبق عنوان ثانوی تعزیر می کند.

سؤال ۱۲۰۲- در مورد زن ۷۵ ساله‌ای حد قذف صادر شده است، ولی به گواهی پزشکی قانونی، زن بیمار است و شلّاق برای او خطرناک است، آیا مسأله ضغث یا صبر نمودن تا بهبودی ایشان در حدّ قذف هم مطرح است؟ و اگر بیماری هیچ‌گاه علاج نشود تکلیف چیست؟

جواب: اگر خوف خطر در اجرای حد باشد باید از آن خودداری شود و موکول به زمان رفع خطر گردد و اگر امید بهبودی نیست باید از ضغث استفاده کرد.

سؤال ۱۲۰۳- شخص مسلمانی بـه طور مکرّر و در حال عصبانیّت به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمّه معصومین (علیهم السلام) (نعوذ بالله) توهین می‌کند در حالی که به خیال خودش به حضرت أبو الفضل (سلام اللّه علیه) اعتقاد و علاقه دارد وظیفه همسر، فرزندان و بستگان او را بیان فرمایید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۷

جواب: اگر حال او حال عادی باشد، از اسلام بیرون رفته است و همسرش باید از او جدا بشود ولی اگر از حال طبیعی خارج شده و یا مشکوک است که از حال طبیعی خارج شده یا نه، محکوم به اسلام است و در صورت اوّل اگر توبه کند و دوباره آن زن به عقد آن مرد درآید عقدش صحیح است.

سؤال ۱۲۰۴- مردی که دشنام خواهر و مادر به زنش می‌دهد و همیشه زبانش به غیبت دیگران عادت کرده چه حکمی دارد؟

جواب: دشنام دادن به دیگران در بعضی از موارد مجازات تعزیر دارد و در بعضی از موارد حدّ قذف (۸۰ تازیانه) که به وسیله حاکم شرع انجام می‌شود.

۴- حدّ شرب خمر

سؤال ۱۲۰۵- آیا لعنت کردن شارب الخمر جایز است؟ حدّ آن چقدر است؟

جواب: لعنت کردن کسی که علناً شراب می‌خورد جایز است و حدّ آن هشتاد تازیانه می‌باشد.

۵- حدّ سرقت

سؤال ۱۲۰۶- آیا سارق بعد از قطع دستش می‌تواند دست قطع شده را پیوند بزند؟

جواب: در باب قصاص از فقه، این مسأله مشهور است که اگر گوش قطع شده را به جای اولش پیوند بزنند و پیوند بگیرد «مجنی علیه» می‌تواند آن را قطع کند تا همانند خودش شود و حدیثی در این زمینه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که یا سند آن معتبر است و یا حدّ اقل «معمول به اصحاب» می‌باشد، هر چند الغای خصوصیت از آن و تسرّی به باب حدود مشکل است، ولی ظاهر ادلّه قطع ید سارق آن است که پیوند زدن آن جایز نیست. به خصوص این که در روایت علل و عیون عن الرّضا (علیه السلام) آمده است که: «و علّة قطع الیمین من السارق لانه تباشر الاشیاء (غالباً) بیمینه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۸

و هی افضل اعضائه و أنفعها له فجعل قطعها نکالاـ و عبرة للخلق لئلا یبتغوا اخذ الاموال من غیر حلّها و لانّه اکثر ما یباشر السرقه بیمینه، و این معنا، با پیوند زدن سازش ندارد. در حدیث دیگری آمده است: عن النّبی (صلی الله علیه و آله) انّه اتی بسارق فامر به فقطعت یده ثم علقت فی رقبته» «۱».

سؤال ۱۲۰۷- پیوند زدن انگشتان قطع شده سارق به دست شخص دیگری که فرضاً در کارخانه بریده شده چه حکمی دارد؟ بر فرض جواز آیا اجازه صاحب عضو برای این کار لازم است؟

جواب: با اجازه صاحب عضو جایز است.

سؤال ۱۲۰۸- استفاده از داروهای بی‌حس کننده به هنگام اجرای حدّ سرقت چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۰۹- در قانون مجازات اسلامی و بعضی از متون فقهی یکی از شرایطی که برای اجرای حدّ سرقت به طور مطلق بیان شده این است که: «سارق پس از سرقت، مال را تحت ید مالک قرار نداده باشد» آیا شرط مذکور در تمام مراحل رسیدگی، حتّی پس از

ثبوت جرم و انشای رأی نیز جاری می‌باشد؟ یا اختصاص به قبل از شکایت نزد حاکم دارد؟

جواب: بازگرداندن مال به مالک پس از ثبوت جرم و انشای رأی، فایده‌ای ندارد و موجب سقوط حدّ نمی‌شود.

سؤال ۱۲۱۰- اگر درب پارکینگ باز باشد آنجا حرز محسوب می‌شود یا نه و اگر بسته باشد چگونه است؟

جواب: در صورت اوّل حرز نیست و در صورت دوّم که درب پارکینگ بسته است حرز محسوب می‌شود.

---

(۱). جواهر، جلد ۴۱، صفحه ۵۴۳ و سنن بیهقی، جلد ۸، صفحه ۲۷۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۹

سؤال ۱۲۱۱- آیا جسد انسان مال تلقی می‌شود و خریدوفروش آن برای اهداف مشروع جایز است و آیا موضوع جرم برای عنوان سرقت واقع شود یا خیر؟

خصوصاً وقتی که صدها سال از تاریخ مرگ، گذشته باشد و موضوع از جهت باستان‌شناسی و تاریخی حائز اهمیّت باشد؟

جواب: خریدوفروش بدن میّت مسلمان جایز نیست و مال محسوب نمی‌شود امّا بدن غیر مسلمان برای اهداف مشروع مانند تشریح در مواردی که مجاز است نیز خالی از اشکال نیست و در هر حال اجرای حدّ سرقت مشکل است.

سؤال ۱۲۱۲- در مورد اجرای حدّ سارق، علاوه بر جمیع شرایط، آیا تقاضای قطع ید از طرف مالباخته نیز لازم است، و یا به مجرّد شکایت نزد قاضی با فرض وجود شرایط دیگر اجرای حدّ واجب می‌شود؟

جواب: شکایت او کافی است و نیاز به تقاضای اجرای حد ندارد.

سؤال ۱۲۱۳- چنانچه قبل از طرح شکایت از طرف مالباخته نزد قاضی، اموال مسروقه توسط اداره آگاهی از سارق اخذ و جهت تحویل به مال‌باخته نگهداری شود به نحوی که هر موقع مال‌باخته تقاضا نماید اموال به او تحویل می‌گردد، ولی مال‌باخته با وجود علم به این موضوع قبل از تحویل گرفتن اموال نزد قاضی شکایت می‌کند آیا در این صورت نیز اجرای حدّ سرقت واجب است؟

جواب: حدّ سارق در اینجا اجرا نمی‌شود، و از قبیل بازگشت مال به دست صاحب آن است.

سؤال ۱۲۱۴- کسی که مرتکب چهار فقره سرقت شده همه اینها به ثبوت رسیده است آیا برای تمامی اینها یک حد کافی است یا هر کدام حدّ جداگانه‌ای دارد؟

جواب: حدّ واحد برای همه آنها کافی است.

سؤال ۱۲۱۵- با توجّه به این که نصاب حدّ سرقت یک ربع دینار شرعی است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۰

موضوع درهم و دینار فعلا منتفی است، نصاب حدّ سرقت را چگونه به دست بیاوریم؟ آیا می‌توان پول رایج یا طلای غیر مسکوک را معیار قرار داد؟

جواب: باید از اهل خبره سؤال کرد که اگر دینار مسکوکی وجود داشته باشد چه اندازه قیمت دارد و قیمت یک ربع آن، نصاب حدّ سرقت خواهد بود و هرگاه سرانجام شک در مقدار حاصل شود باید قدر متیقّن را حساب کرد.

سؤال ۱۲۱۶- تقریباً سه سال پیش (بر اثر جهالت و به خاطر معاشرت با دوستان ناباب) مبادرت به سرقت چند شاخه مفتول از شهرداری و فروختن آنها کردم. اگر من بخواهم وجه آنها را بپردازم:

الف) باید به چه شخص یا سازمانی بدهم؟

ب) در این مورد که طرف مقابل من شهرداری است آیا حلالیّت طلبیدن و راضی کردن شخص خاصّی لازم است؟

ج) در آن موقع قیمت هر کیلو مفتول مثلا چهل تومان بوده ولی امروز ۱۲۰ تومان است باید کدام مبلغ را بپردازم؟

د) ما سه نفر بودیم (البتّه کل پول بین ۲ نفرمان تقسیم شد) حال من باید کلّ مبلغ مفتولها را بپردازم یا باید مثلا وزن کلّ آنها را نصف کرده و پول نصف مفتولها را بدهم؟

ه‍-) وزن تقریبی مفتولها درست به خاطرم نیست در این مورد باید چگونه وجه را بپردازم؟

جواب: شما می‌توانید مبلغ آن را به یکی از حسابهای درآمدهای مربوط به شهرداری در بانک واریز کنید و لازم است مبلغ فعلی آن را بدهید و اگر دیگران سهمی نپردازند شما در مقابل تمام مبلغ ضامن هستید و با انجام این کار حلالیّت طلبیدن لازم نیست، باید به درگاه خدا توبه کنید و در صورت شک نسبت به مقدار آن، احتیاط کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۱

سؤال ۱۲۱۷- در فرض سؤال بالا و به همین صورت و با همان رفیق قبلی، مفتولهای یک زمین شخصی را بردیم (البتّه همان طور که ذکر کردم یکی از دلایل این اعمال قبیح، جوانی بود و من خیلی دوست داشتم که خودم را انسان زرنگی نشان بدهم) بازهم وزن آن مفتولها درست به خاطرم نیست و حتّی تعداد آنها را هم دقیق نمی‌دانم، چگونه باید پول آن بنده خدا را بپردازم؟

جواب: از جواب بالا- معلوم شد و طرز رساندن وجه آن به صاحب مال یا از طریق پیدا کردن حساب بانکی یا فرستادن از طریق حواله بانکی به درب مغازه و یا منزل او به ضمیمه نامه‌ای که به طور سربسته نشان می‌دهد شما فلان مبلغ را از این جانب طلبکار بوده‌اید، بدون این که امضا کنید و یا طرق مطمئن دیگر و نسبت به مقدار آن احتیاط کنید و بیشتر بدهید تا یقین به برائت ذمّه حاصل شود.

۶- حدّ محارب

سؤال ۱۲۱۸- عدّه‌ای از مسیحیان بعضی از کشورها، یا مستقیماً با مسلمانان در جنگ هستند و یا از نظر اقتصادی به کسانی که با مسلمانان در جنگ هستند کمک می‌کنند، آیا احکام محارب بر آنها جاری می‌شود و اساساً شرایط صدق محارب در این زمان چیست؟

جواب: آنها جزء محاربند ولی اگر اجرای احکام محارب بر آنها موجب تشدید کینه و فساد می‌شود باید با آنها مدارا کرد.

سؤال ۱۲۱۹- جاسوسانی که اطّلاعات نظامی یا غیر نظامی کشور اسلامی را با علم و آگاهی، در اختیار دشمن می‌گذارند و در این رابطه گاهی در کشورهای بیگانه آموزشهایی دیده‌اند و در مقابل آن مبلغی هم دریافت می‌کنند و یا بدون پاداش این کار را انجام می‌دهند چه حکمی دارند، آیا محاربند؟

جواب: اطلاق عنوان محارب بر جاسوس مشکل است، زیرا در تعریف آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۲

اموری در فتاوا و روایات آمده است که بر جاسوس تطبیق نمی‌کند ولی مواردی از جاسوسی پیدا می‌شود که از محاربه نیز شدیدتر است. به طور کلّی جاسوسی را باید مطابق محتوای آن تقسیم کرد هرگاه مربوط به اخباری بوده باشد که پایه‌های احکام اسلامی یا حکومت اسلامی را متزلزل سازد و یا جان مسلمانان را به وسیله آن به خطر می‌اندازد مسلّماً محکوم به اعدام است. همچنین اگر اخبار او سبب گسترش فساد در مقیاس وسیعی گردد به طوری که عنوان مفسد فی الارض به معنای قطعی‌اش بر او صادق شود، نیز محکوم به اعدام است، ولی اگر در موضوعات کوچکتری باشد که هیچ یک از مسائل فوق در آن نیست، مثل این که اطّلاعات غیر مهم و خالی از خطر عمده، در اختیار بیگانگان بگذارد در این صورت مشمول قانون تعزیرات است و مقدار تعزیر تناسب با میزان ضرر جاسوسی او خواهد داشت.

۷- حدّ ارتداد

سؤال ۱۲۲۰- اگر کسی با کوچکترین ناراحتی حرفهایی بزند که از آن بوی ارتداد و خدای ناکرده اهانت به مقام خداوند متعال یا معصومین (علیهم السلام) می‌آید با توجّه به این که می‌دانیم لحظه‌ای دیگر وضو می‌گیرد و نماز می‌خواند و سایر عبادات را بجا می‌آورد، برخورد با اینگونه افراد به چه صورت باید باشد؟

جواب: اگر از خود بی‌خود می‌شود و کلمات کفرآمیز می‌گوید مرتد نمی‌شود و در غیر این صورت مرتد است.

سؤال ۱۲۲۱- اگر شوهر مرتد شود و نه فقط به دین اعتقادی نداشته باشد بلکه علیه آن نیز صحبت کند، حکم زندگی کردن همسرش با او چیست، لازم به ذکر است که امر به معروف و نهی از منکر نیز در او اثری نداشته است؟

جواب: همسرش باید از او جدا شود و بر او حرام است و نیازی به طلاق ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۳

سؤال ۱۲۲۲- آیا توهین به قرآن و فحّاشی نمودن به آن (العیاذ بالله) سبب ارتداد می‌شود، تکلیف کسانی که شاهد و ناظر این مسأله هستند چیست؟

جواب: اگر از روی علم و عمد باشد مرتد می‌شود و بر دیگران لازم است که نهی از منکر کنند.

سؤال ۱۲۲۳- اگر مسلمانی معتقد به تحریف قرآن باشد، حکمش چیست و آیا اعتقاد به تحریف، انکار ضروری دین محسوب می‌شود؟

جواب: نظر به این که افراد کمی از علمای مذاهب مختلف اسلامی قائل به تحریفند (هرچند محقّقان، هرگز تحریف را قبول نکرده‌اند) حکم ارتداد جاری نمی‌شود، امّا چنین کسی مرتکب اشتباه بزرگی شده است.

سؤال ۱۲۲۴- اگر کسی معتقد باشد که معانی قرآن، بر قلب مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است و آن حضرت با این کلمات آن معانی را بیان فرموده‌اند و کلمات فعلی صادر از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است نه خداوند، آیا این اعتقاد موجب ارتداد می‌شود و وظیفه ما در مقابل چنین شخصی چیست؟

جواب: این عقیده خطا و اشتباه است و باید او را ارشاد کرد ولی موجب کفر نمی‌شود.

مسائل متفرّقه حدود

سؤال ۱۲۲۵- خارج کردن منی به وسیله استمنا در صورتی که باقی ماندن آن در بدن ضرر داشته باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که واقعا ضرورتی باشد حرام نیست.

سؤال ۱۲۲۶- آیا استمنا با تخیّل امکان‌پذیر است و در صورتی که آبی از انسان خارج شود چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۴

جواب: استمنا با تخیّل کاملا امکان‌پذیر است ولی اگر آب مشکوکی خارج شود که علامات منی را ندارد یا فقط بعضی از علایم را دارد منی محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۲۲۷- با توجّه به این که طبیعتاً زن احساساتی‌تر است زودتر تحت تأثیر وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرد آیا کیفر خطاهایش با مردان تفاوت می‌کند؟

جواب: در مسائل تعزیرات مسئولیت هرکس در برابر اعمالش رابطه‌ای با میزان تأثیرپذیری از عوامل مختلف و میزان جرم او دارد.

سؤال ۱۲۲۸- اگر کسی حافظ کل و یا قسمتی از قرآن باشد و جرمی مرتکب شود که موجب حد است، آیا حفظ قرآن سبب تخفیف و یا گذشت از حد می‌شود؟

جواب: اگر اثبات عمل از طریق اقرار باشد، حاکم شرع می‌تواند مجازات او را تخفیف دهد و یا صرف نظر کند و اگر از طریق بیّنه باشد، حکم مجازات به قوّت خود باقی است.

سؤال ۱۲۲۹- آیا مرتکب زنای محصنه و لواط، می‌تواند خود را به قتل برساند؟

جواب: اجرای حد، باید به وسیله حاکم شرع باشد و لزومی ندارد مرتکب گناه خود را به حاکم شرع معرفی کند، بلکه می‌تواند فوراً توبه کند و با اعمال صالحه، گذشته خود را جبران کند و خود را از اجرای حدّ شرعی معاف سازد.

سؤال ۱۲۳۰- اگر انسان مجبور شود برای نجات از زنا استمنا کند، آیا این عمل جایز است؟

جواب: راه نجات از گناه، گناه دیگر نیست. باید به فکر ازدواج باشد و یا از طریق روزه و ورزش و مانند آن خود را از گناه بازدارد و به گناه دیگری پناه نبرد.

سؤال ۱۲۳۱- آیا طفل متولّد از زنا، حکم فرزند شرعی را دارد؟

جواب: طفل متولّد از زنا، از نظر حضانت و وجوب انفاق و مانند آنها (جز در مواردی که دلیل قائم بر استثنا آن شده است مانند مسأله ارث) حکم فرزند شرعی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۵

را دارد، بنابراین ولد الزّنا تمام احکام محرمیّت و وجوب نگهداری و تربیت را دارد فقط ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۲۳۲- اصل اوّلیه در حدود چیست؟ و در موارد شک در سقوط حد چه باید کرد؟

جواب: اصل اوّلیه در تمام حدود پس از ثبوت، عدم سقوط است. منظور از اصل در اینجا اطلاقات ادلّه است که می‌گوید فلان حدّ باید جاری شود اعم از این که طرف انکار بکند یا نکند، فرار کند یا نکند، البتّه مقتضای استصحاب نیز بقای حدّ است (هرگاه استصحاب را در شبهات حکمیّه جاری بدانیم) بنابراین تا دلیلی قائم نشود بر این که حدّ ساقط می‌شود، باید آن را جاری کرد. در نتیجه در تمام مواردی که علم قاضی حجت است، حدود باید جاری گردد زیرا دلیل سقوط حدّ به هنگام عفو امام یا انکار بعد از اقرار یا فرار بعد از اقرار، شامل محلّ بحث نمی‌شود، مگر سرچشمه علم حاکم اقرارات غیر صریح و یا اخذ به لوازم اقرار و مانند آن بوده باشد که اجرای حدود در چنین مواردی بعد از انکار یا فرار یا عفو حاکم مشکل است و لااقل مشمول «تدرأ الحدود بالشبهات» است.

سؤال ۱۲۳۳- آیا مجرمین غیر مسلمان طبق احکام اسلام مجازات می‌شوند یا طبق مذهب خودشان؟ و در صورت دوّم مجری آن قاضی مسلمان است یا قاضی خودشان؟

جواب: آنچه از آیه شریفه ۴۲ سوره مائده استفاده می‌شود و فتاوای فقهای ما در ابواب حدود و جهاد مؤیّد آن است و روایات متعدّدی نیز بر آن دلالت دارد این است که: قاضی مسلمان راهی جز این دو ندارد که اگر آنها درخواست کنند، طبق حکم اسلام با آنها رفتار شود یا آنها را ارجاع به قاضی خودشان بدهند تا به حکم خودشان داوری کند، امّا این که قاضی مسلمان طبق احکام مذهب آنان که به اعتقاد ما مذهب تحریف یافته و منسوخ است قضاوت کند و بر آن صحّه بگذارد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۶

چنین چیزی نه از ادلّه استفاده می‌شود و نه از فتاوای بزرگان. تنها راهی که برای پرهیز از آنچه در بالا مطرح فرمودید وجود دارد این است که قاضی صالحی از خودشان زیر نظر حکومت اسلامی طبق احکام آنها داوری کند و برای رعایت دقّت و اقامه قسط قبلا احکام مذهب آنان با استفاده از کارشناسان، تصویب و ضمن مواردی (در احوال شخصیّه) تنظیم کنند تا هیچ گونه سوء استفاده‌ای نشود.

سؤال ۱۲۳۴- اگر اموری مانند نظریّه پزشک در یک مسأله پزشکی، نوار ضبط صوت، فیلمها و عکسها و تصاویر، نوشته‌ها و اسناد

عادّی و رسمی، برای قاضی در قضیّه‌ای ایجاد علم نماید، آیا قاضی می‌تواند آنها را مستند حکم خود قرار دهد؟ به عبارت دیگر آیا مستند حکم قاضی منحصر به اموری مانند بیّنه، یمین و اقرار است که در شرع مذکور است یا هر آنچه که باعث ایجاد علم برای قاضی شود می‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد؟

جواب: اسناد و نوشته‌های معتبر عقلایی چنان که در بالا گفته شد، حجّت شرعیّه است؛ ولی نوار و فیلم و مانند آن دلیلی بر اعتبارش نیست و حجیّت علم قاضی تنها در صورتی است که از مبادی حسّیّه، مانند مشاهده یا قریب به حسّ، مانند داستانهایی که از حضرت علی (علیه السلام) درباره نزاع غلام و آقا و نزاع دو زن (درباره فرزند) روایت شده، حاصل شود. شرح بیشتر در این باره را در بحث علم قاضی گفته‌ایم.

سؤال ۱۲۳۵– در صورتی که حدّی بر شخص مریضی واجب شود آیا می‌توان هشتاد چوب نازک در کنار هم گذاشت و با آن یک ضربه بر بدن آن مریض زد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد آیا تعزیر هم همین حکم را دارد؟ با توجه به این مقدمه حکم مسألهٔ زیر را بیان فرمایید: زنی در زمان مجرد بودن کاری کرده که حکمش تعزیر بوده و اکنون پس از ازدواج در حالی که در دوران حمل به سر می‌برد و شوهرش نیز از این کار او مطّلع نبوده، جرم او ثابت شده است، با توجه به این که این زن در حال حاضر مریض است و هم دوران حمل را سپری می‌کند و هم این که اگر تعزیر شود شوهر وی مطّلع گشته و ممکن است وی را طلاق دهد یا مفاسد دیگری ایجاد می‌شود، آیا در چنین مواردی مثلاـ می‌توان سی ترکه نازک کنار هم گذاشت و به عنوان تعزیر با آن یک ضربه بر بدن او وارد کرد؟

جواب: در مورد بیمار می‌توان به تعداد حد، چوبه روی هم گذارد و بر بدن او زد و در مورد زن حامل باید بعد از وضع حمل اجرای حد شود. امّا در مورد تعزیر می‌توان به یک یا چند شلّاق هم قناعت کرد و تعزیر منحصر به شلّاق نیست و می‌توان در این گونه موارد به وسیله توبیخ یا نصیحت به شرط این که امید اثر در آن باشد قناعت کرد.

سؤال ۱۲۳۶– بعضی از مرتکبین اعمالی که حدّ شرعی یا تعزیر دارند، وقتی متوجّه ثبوت جرم خود می‌شوند، شروع به گریه و زاری و اظهار ندامت می‌کنند، آیا صرف این ندامت کافی است یا منوط بر انجام اعمال نیک و ترک عملی گناه ارتکابی است لطفاً توضیح دهید؟

جواب: در صورتی که ندامت در محکمه قاضی باشد تأثیر ندارد، مگر در موارد اقرار که قاضی می‌تواند، عفو کند و اگر قبل از آن باشد در «حقوق الله» باعث سقوط حد است.

سؤال ۱۲۳۷– با توجّه به وضع کنونی افغانستان، چه کسانی عهده‌دار اجرای احکام و حدود الهی هستند؟

جواب: هر مجتهد عادلی که در آن منطقه است می‌تواند اقدام کند و در صورت نبودن مجتهد، علما عادل که نمایندگی از طرف مجتهد جامع الشرایط داشته باشند می‌توانند مجری حدود شوند.

سؤال ۱۲۳۸– اگر متّهم به زنا و لواط با فرض حصول علم برای قاضی قبل از حکم حاکم اظهار ندامت و پشیمانی نماید آیا حد مطلقاً اعمّ از رجم و قتل و غیره به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۸

لحاظ این که موضوع با اقرار و یا علم قاضی ثابت شده است نه با بیّنه ساقط است یا این که حاکم مخیّر است بین عفو و اجرای حد و یا این که فرق است بین رجم و قتل و سایر حدود؟

جواب: در هر موردی باید تابع دلیل آن مورد بود، مثلا در مسأله فرار از حفیره ادلّه شامل مورد علم قاضی نمی‌شود، ولی در بعضی از موارد علم قاضی حکم اقرار را دارد.

سؤال ۱۲۳۹– در مواردی که انکار پس از اقرار موجب سقوط رجم و قتل است، آیا حد مطلقاً اعمّ از رجم و قتل و صد ضربه شلّاق

کلاً ساقط است یا این که حاکم شرع می‌تواند با توجّه به سقوط رجم و قتل، متّهم را به شلّاق محکوم نماید همان طور که از دو صحیحه حلبی استفاده می‌شود؟

جواب: حد بطور کامل ساقط است ولی تعزیر بعید نیست و امّا روایات حلبی در این قسمت در نزد اصحاب «معمول بها» نمی‌باشد تنها افراد شاذی به آن فتوا داده‌اند بنابراین عمل بر طبق آن مشکل است.

سؤال ۱۲۴۰- زن شوهرداری به خاطر زنا محکوم به رجم شده است. اگر شوهر او قبل از اجرای حکم، وی را طلاق دهد، آیا طلاق به منزله رضایت نسبت به او تلقّی و باعث جلوگیری از اجرای حد خواهد بود؟

جواب: طلاق و رضایت شوهر مانع از اجرای حدّ مزبور نیست.

تعزیرات

سؤال ۱۲۴۱- پزشکی از معالجه امتناع کرد و در نتیجه مصدوم یا مریض فوت کرد، مجازات او چیست؟

جواب: مجازات او تعزیر است.

سؤال ۱۲۴۲- در مواردی که اشخاص در منازل خود و دور از انظار مردم و بدون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۹

ایجاد مزاحمت برای همسایگان، مرتکب اعمال حرام ذیل می‌شوند آیا قاضی مأذون می‌تواند این افراد را از باب ارتکاب فعل حرام تعزیر نماید، یا مجوّز شرعی این کار وجود ندارد: الف) تماشای فیلمهای مبتذل و مستهجن ویدئویی ب) استماع آهنگهای مبتذل نوارهای کاست ج) نگهداری عکسهای مبتذل و مستهجن زنان اجنبیّه د) نگهداری آلات قمار و استفاده شخصی از آن.

جواب: چنانچه قاضی در این گونه امور نیز مأذون باشد و علم از طرق عادی و معمولی بر این گونه امور حاصل گردد تعزیر کردن لازم است، مگر در مواردی که این گونه اقدامات منشأ مفاسدی گردد که در این صورت پرده‌پوشی لازم است و هر گاه با احضار کردن و هشدار دادن و ارشاد نمودن و تعهّد گرفتن ردع و منع حاصل گردد باید به همان مقدار قناعت کرد.

سؤال ۱۲۴۳- چنانچه شخصی، زن و مردی را مجبور به زنا کند حکم شخص سوّم چیست؟

جواب: تعزیر شدید دارد.

سؤال ۱۲۴۴- آیا برای مسئول پایگاه مقاومت بسیج، جایز است به کسی که جرمی انجام داده است سیلی بزنند؟

جواب: تعزیر بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۱۲۴۵- آیا پدر می‌تواند فرزند خود را به خاطر سرپیچی در یادگیری قرآن، تأدیب نماید؟

جواب: بهتر است از طریق تشویق این کار را انجام دهد.

سؤال ۱۲۴۶- کسی که زن دارد، با اجازه زنش استمنا می‌کند آیا این استمنا حرام است؟

جواب: اگر استمنا از طریق ملاعبه با همسر بوده باشد اشکالی ندارد، امّا اگر با خودش استمنا کند حرام است خواه به رضایت زن باشد و خواه نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۰

سؤال ۱۲۴۷- اگر شخصی به شخص دیگری تهمت دزدی (و سارق مسلّح) بزند و در محاکم قضایی نتواند ادّعای خود را به اثبات برساند و متّهم از نظر قانونی تبرئه شود از نظر شرعی مجازات شخصی که تهمت زده چیست؟

جواب: چنین کسی تعزیر دارد و مقدار آن به نظر حاکم شرع است.

سؤال ۱۲۴۸- شخصی دختری را به قصد ازدواج فراری می‌دهد و مدّتی با هم در این حال هستند و اعمالی غیر از آمیزش انجام

می‌دهند، سپس رضایت اولیای دختر را جلب می‌کنند و عروسی می‌نمایند، آیا پسر نسبت به اعمالی که در زمان فرار از قبیل با هم خوابیدن، دست‌بازی و ... انجام داده است باید تعزیر شود؟

جواب: همه این اعمال، خلاف شرع است و تعزیر دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۷۱

فصل چهل و سوّم: احکام قصاص

قتل عمد و شبه عمد

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج۱، ص: ۳۷۱

سؤال ۱۲۴۹- اگر مأموری در تعقیب متّهمی به سوی او تیراندازی کند و متّهم به قتل برسد، آیا این قتل عمد است یا شبه عمد؟ حکم مسأله چیست؟

جواب: این مسأله دارای چند صورت است:

صورت اوّل: این که شخص فراری، متّهم به انجام گناه کوچکی است که مجازات تعزیر دارد، در این صورت غیر از تیراندازی هوایی یا به اطراف، کار دیگری نمی‌توان کرد زیرا مفروض مسأله استحقاق چنین مجازاتی را حتّی پس از ثبوت جنایت ندارد.

صورت دوّم: آن است که عدم واکنش شدید در برابر چنین جرمی نظم کلّی جامعه را به هم می‌ریزد و برای کلّ اجتماع خطر دارد. در این صورت باید از طریق «الاسهل فالاسهل» و استفاده از سلسله مراتب اقدام کرد و اگر چاره‌ای جز تیراندازی مثلا به سوی پاهای متّهم نبوده و مأمور هم از مهارت کافی برخوردار بوده و در عین حال تیر خطا رفت و به محلّی که مایه قتل اوست اصابت کرد، خونش هدر است نه قصاص دارد نه دیه؛ زیرا کاری که با اذن حاکم شرع انجام شده و طرف هم مستحقّ آن است، دیه ندارد.

صورت سوّم: در صورتی که موجب اختلال کلّی نباشد ولی جرم، جرم سنگینی است که اگر در خصوص آن جرم اقدامی نشود (مانند قاچاقچیان اسلحه برای دشمن در مواقع جنگ) که اگر در مناطق حسّاس جلوگیری نکنیم کشته‌های زیادی می‌دهیم بی‌آن که حتّی سرنوشت جنگ عوض شود و در اینجا نیز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۷۲

تیراندازی با سلسله مراتب جایز است و اگر منتهی به قتل گردد، خون طرف مقابل هدر است (با شرایطی که در بالا گفته شد).

سؤال ۱۲۵۰- سربازی دو شیشه الکل صنعتی را با خود به پادگان می‌آورد. ابتدا به انگیزه رفع خطر از الکل صنعتی با وسایلی که در اختیار داشته‌اند و با همکاری دیگر سربازان آن را تقطیر نموده، سپس خودش و چند تن دیگر از سربازان، از آن مایع به قصد مست شدن می‌نوشند. با توجه به این که مصرف الکل صنعتی بسیار خطرناک و مهلک است، یکی از سربازان به دلیل مصرف زیاد فوت نموده و سایرین نیز دچار تهوع و استفراغ می‌شوند، آیا سربازی که الکل را به پادگان آورده، در مقابل خون کسی که از روی اختیار آن را مصرف کرده، و فوت نموده، مسئولیتی دارد؟

جواب: در صورتی که مصرف‌کنندگان از خطرات احتمالی آن باخبر بوده‌اند کسی در مقابل خونشان مسئول نیست، ولی اگر آورنده الکل آنها را اغفال کرده باشد که شرب آن مشکلی ندارد، در این صورت مسئول است و در فرض اخیر، قتل شبه عمد است.

سؤال ۱۲۵۱- سه نفر نظامی در منطقه در سنگرهای مخروبه مشغول تهیّه وسیله بوده‌اند. نظامی دیگری با فاصله حدود سیصد متر، چندین تیر به طرف آنها شلّیک کرده که منجر به قتل یکی از آنها شده، قاتل مدّعی است که من فکر کردم آنها افراد غیر نظامی هستند و قصد تیر هوایی و ترساندن آنها را داشتم که منطقه را ترک کنند ولی قصد شلیک به آنها را نداشتم البتّه ادّعای وی مبنی بر این که فکر کردم افراد غیر نظامی هستند قابل قبول نیست چون که افراد متعدّدی به وی گفته‌اند نظامی هستند. حال با توجّه به این که قاتل افراد را می‌دیده و به سوی آنها تیراندازی متعدّد کرده، بر فرض این که قبول کنیم قصد تیراندازی به افراد یا فرد معیّنی را نداشته، آیا این قتل عمد است یا خیر؟

جواب: مادام که ثابت نشود تیراندازی به سوی آنها و برای هدف قرار دادن آنها بوده، قتل عمد محسوب نمی‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۳

سؤال ۱۲۵۲- در صورتی که مردی زوجه‌اش را عمداً به قتل برساند و ورّاث مقتوله منحصر به مادر و یک دختر باشد و با عنایت به عدم امکان قصاص پدر توسط دختر و تقاضای قصاص قاتل توسّط مادر مقتوله: الف) با عنایت به لزوم پرداخت نصف دیه توسط متقاضیّه قصاص به قاتل، آیا نسبت به سهم دختر باید دیه پرداخت کند یا خیر و با توجّه به این که قاتل دارای پدر می‌باشد که جدّ صغیره محسوب می‌شود، آیا رعایت غبطه صغیر، و تقاضای دیه یا عفو به عهده جد می‌باشد یا خیر؟

جواب: باید سهم دیه دختر را بپردازد ظاهراً جدّ صغیره در این امر ولایت دارد.

ب) در صورت امتناع و یا عدم توانایی مالی متقاضی قصاص نسبت به پرداخت دیات متعلّقه، آیا حقّ قصاص ساقط یا تبدیل به دیه می‌گردد یا اجرای آن به تأخیر می‌افتد و در صورت اخیر، آیا محکوم از زندان آزاد می‌گردد یا خیر؟

جواب: اگر امیدی به توانایی ولیّ دم درآینده نه چندان دور باشد باید در انتظار آینده بود و محکوم با اخذ وثیقه کافی از زندان آزاد می‌شود ولی اگر امیدی نیست ملزم به پرداخت دیه می‌شود.

سؤال ۱۲۵۳- جوانی به هنگام دعوا چاقو کشیده و در شکم جوان ۲۲ ساله‌ای فرو کرده است (در حدود ۱۵ الی ۶ سانتی‌متر) جوان مجروح را به بیمارستان بردند و به گمان این که زخم سطحی است و چیز مهمّی نیست جراحت را باز نکردند و منجر به فوت او شد، بعداً معلوم شد چاقو به طحال او سرایت کرده و اطبّا کوتاهی کرده‌اند و اگر باز می‌کردند راه نجات وجود داشت. بعضی از قضات آن را جزء قتل عمد دانسته‌اند و بعضی تردید دارند. لطفاً حکم آن را بیان فرمایید و نیز حکم اطبّایی که به گواهی پزشکی قانونی مرتکب قصور در این مورد شده‌اند را بیان فرمایید؟

جواب: مسأله ظاهراً از قبیل قتل عمد است هر چند جوان قاتل قصد قتل را هم نداشته باشد؛ زیرا چاقو را در محلی فروبرده است که احتمال قتل در آن شایع است و کوتاهی پزشکان- حتّی اگر از روی تقصیر باشد- مانع از صدق قتل عمد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۴

نیست. در مورد پزشکان اگر مقصّر تشخیص داده شوند، تعزیر دارند و دیه و امثال آن برای آنها ثابت نمی‌شود.

سؤال ۱۲۵۴- تیری به بدن کسی اصابت کرده و از طرف دیگر خارج شده و منجر به قطع کامل نخاع هم شده، مصدوم پس از مدّتی فوت نموده، پزشکی قانونی اعلام نموده علّت مرگ عوارض ناشی از جراحات اوّلیّه است. حال با توجّه به این که ضارب در مرحله اوّل یک دیه کامل برای قطع نخاع و دو ثلث یک دیه کامل هم برای جائفه مدیون شده، خواهشمند است نظر مبارک را در مورد فوق و این که ضارب چه مقدار دیه بدهکار است، بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه تیراندازی عمدی بوده، ضارب دیه داده شده را پس می‌گیرد و آماده قصاص می‌شود و اگر خطا یا شبه عمد است دیه جدیدی تعلّق نمی‌گیرد و یک دیه کافی است و اگر ضربه واحده سبب مرگ شده، دیه جائفه نیز ندارد.

سؤال ۱۲۵۵- کسی که در جنگها و درگیریهای داخلی افغانستان نقش فعّالی داشته، توسط طرف دیگر در خانه خود ترور می‌شود،

حکم آن چیست؟

جواب: هرکس مؤمنی را عمداً به قتل برساند حکمش قصاص است و اگر او مرتکب خطایی شده، باید به وسیله حاکم شرع حکم الهی در مورد وی اجرا گردد.

سؤال ۱۲۵۶- شخصی قصد کشتن فرد بی‌گناهی را دارد ولی به علّت اشتباه در هویّت مجنی علیه، شخص دیگری را که وی نیز بی‌گناه بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوعی خواهد بود؟

جواب: این قتل عمد است و قصاص دارد ولی احتیاط مستحب آن است که اولیای مقتول با جانی مصالحه به دیه یا مانند آن کنند.

سؤال ۱۲۵۷- شخصی قصد کشتن مهدور الدّمی را دارد ولی به علّت اشتباه در هویّت مجنیٌ علیه، شخص دیگری را که محقون الدّم بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوعی خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۵

جواب: قتل شبه عمد است.

سؤال ۱۲۵۸- در صورتی که قاتل به قصد کشتن زید تیراندازی کند و بعد از مرگ معلوم شود آن شخص مقتول، بکر بوده است (اشتباه در هویّت) قتل عمد است یا شبه عمد؟

جواب: در صورتی که هر دو محقون الدّم باشند قتل عمد محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۵۹- شخصی نسبت به دیگری کاری انجام می‌دهد که یا نوعاً کشنده است، مثل سمّ مهلک، و یا نوعاً کشنده نیست، مثل ایراد جرح جزئی به بازوی دیگری، در هر حال طرف مقابل به بیمارستان منتقل می‌شود و پزشک از انجام وظیفه و تخلیه موادّ سمّی در فرض اوّل خودداری می‌نماید و یا با سهل‌انگاری و به کار بردن مواد و ابزار آلوده و غیر بهداشتی در فرض دوّم موجب ایجاد عفونت و تسرّی آن و قطع عضو یا مرگ مجروح می‌گردد. در دو فرض مذکور چه کسی قاتل است؟ نوع قتل چیست؟ در صورتی که پزشک و ضارب هر دو مسئول باشند میزان مسئولیت هرکدام چگونه است؟

جواب: در فرض اوّل کسی که سمّ مهلک داده است قاتل محسوب می‌شود و قتل عمد است و در فرض دوّم که خطای پزشک سبب مرگ شده، او قاتل محسوب می‌شود ولی قتل، قتل شبه عمد است و در صورتی که هر دو مسئول باشند دیه به مقدار دخالت آنها در قتل، خواهد بود.

سؤال ۱۲۶۰- راننده‌ای مقصر با عابر پیاده تصادف می‌کند و به بهانه انتقال به بیمارستان بیمار را سوار می‌کند، امّا از ترس برای فرار از مجازات، او را در بیابان و دور از دسترس مردم رها می‌سازد و مصدوم به علّت خونریزی و عدم کمک و مراقبت در همان محل فوت می‌نماید، آیا این قتل، قتل عمد محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه رها کردن او به این حال در بیابان قاعدتاً سبب مرگ بوده، قتل عمد محسوب می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۶

قتل خطا

سؤال ۱۲۶۱- شخصی قصد کشتن فرد محقون الدّمی را دارد ولی به علّت خطای در تیراندازی، شخص دیگری را که وی نیز محقون الدّم بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوع خواهد بود؟

جواب: اگر منظور از خطای در تیراندازی این باشد که نفر دوّم در محدوده تیراندازی او نبوده و تیر به عللی مانند این که کمانه کرده و به دیگری خورده و او را کشته است، قتل خطاست.

سؤال ۱۲۶۲- شخصی قصد کشتن مهدور الدّمی را دارد ولی به علّت خطای در هدف‌گیری یا تیراندازی، شخص دیگری را که

محقون الدّم بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوعی خواهد بود؟
جواب: مانند مسأله سابق است.

عفو از قصاص

سؤال ۱۲۶۳- فقها گفته‌اند: حکم اکراه‌کننده در قتل، حبس ابد است و حکم نگاه‌دارنده، کور کردن چشم اوست، آیا در صورتی که یک نفر اکراه کند و دیگری امساک کند و سوّمی مرتکب قتل شود همان‌گونه که اولیای دم می‌توانند از قاتل گذشت کنند، آیا از اکراه‌کننده و امساک‌کننده نیز می‌توانند گذشت کنند؟ یا این که این یک حدّ الهی مانند حدّ زناست که قابل گذشت نیست؟
جواب: چنانچه اولیای دم از ممسک و مکره صرف نظر کنند اجرای احکام مربوط به آنها، دلیلی ندارد و شبیه حکم قصاص است و حکم مکره و ممسک هر دو حبس است و کور کردن، فقط حکم رأیی (بیننده یا دیده‌بان) می‌باشد و آن در صورت خاصّی است.
سؤال ۱۲۶۴- آیا مجنیٌ علیه (کسی که جنایتی بر او واقع شده) می‌تواند قبل از آن که بمیرد، جانی را از قصاص نفس عفو نماید؟ در فرض قصاص عضو چطور؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۷
جواب: در قصاص عضو جایز است ولی در قصاص نفس در میان فقها اختلاف است و جواز عفو بعید نیست و احتیاط در مصالحه است.
سؤال ۱۲۶۵- آیا شخصی که می‌خواهد جنایتی بر او واقع شود می‌تواند جانی را از قصاص نفس عفو نماید؟ در فرض قصاص عضو چطور؟ بطور کلّی در فرض دیه چطور؟
جواب: دلیلی بر جواز عفو در این صورت نداریم.
سؤال ۱۲۶۶- در ضرب و جرح عمدی اگر مجنیٌ علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص (الف: قصاص عضو، ب: قصاص نفس) عفو کند و همان جنایت سرایت کند و موجب مرگ مجنیٌ علیه شود، آیا حق قصاص نفس ساقط می‌شود یا این که ولی دم می‌تواند قصاص را مطالبه نماید؟
جواب: بخشیدن قصاص عضو، موجب بخشش قصاص خون نمی‌شود (در مواردی که جراحت سبب قتل گردد) یا جانی قصد قتل داشته باشد.

تبدیل قصاص به دیه

سؤال ۱۲۶۷- در موارد حکم به قصاص در جروح که پس از تعیین طول و عمق جراحت به وسیله پزشک قانونی به دلیل اختلاف چاق و لاغری جانی و مجنیٌ علیه که مثلا عمق سه سانتی‌متر جرح وارده زیاد شدید نبوده و خطری نداشته است، امّا اگر قصاصاً با همین عمق در جانی وارد شود به دلیل لاغری حتّی خطر مرگ خواهد داشت تکلیف چیست، آیا تبدیل به دیه می‌شود و در صورت عدم تراضی چه باید کرد؟
جواب: در این مسأله چند صورت است:
الف) در صورتی که رعایت طول و عرض و عمق خطر قطعی یا حتّی خوف خطر جانی (بر اثر لاغری) داشته باشد، مسلّماً تبدیل به دیه می‌شود زیرا اطلاقات قصاص از این صورت منصرف است یا به تعبیر دیگر مماثلت عرفیّه وجود ندارد
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۸
به علاوه ادلّه‌ای که می‌گوید در جائفه و منقله و مأمومه قصاص نیست زیرا موجب خطر است، شامل مفروض بحث نیز می‌شود.

ب) هرگاه خطری برای طرف مقابل نداشته باشد ولی تفاوت بدن آن دو، به قدری باشد که عمق یک سانتی‌متر در بدن یکی، مساوی سه سانتی‌متر در بدن دیگری است در اینجا رعایت عمق نباید بشود زیرا اوّل این که مماثلت عرفیّه که اساس، در ادلّه قصاص است حاصل نیست چه این که فی المثل عمق سه سانتی‌متر در فرد لاغر به استخوان می‌رسد در حالی که در فرد چاق یک جراحت سطحی حساب می‌شود. بنابراین مشمول مساوات در ادلّه قصاص نیست و روایت خاصی که دلالت بر مساوات در عمق کند نیز وجود ندارد و دوّم این که طبق روایاتی که در شجاج یا مطلق جروح آمده، معیار در عمق، صدق اسم است (جائفه، دامیه، باضعه، سمحاق، موضحه و) ... و می‌دانیم صدق این نامها نسبت به اشخاص چاق و لاغر از نظر عمق یکسان نیست.

ج) این مسأله از نظر طول و عرض نیز قابل تأمل است، اگر فرضاً کسی بازوی کوچکی دارد که طول و عرضش بسیار کم است و به عکس بازوی دیگری طول و عرضش چند برابر اوست، حال اگر جراحتی بر بازوی شخص بزرگتر وارد شود که تنها کمتر از نیمی از بازوی او را فراگیرد و این جراحت از نظر طول تمام بازوی مجرم را فرامی‌گیرد، در اینجا نیز دلیل قانع کننده‌ای بر مماثلت طول و عرض نیست بلکه مقتضای مفهوم قصاص و اطلاق مماثلت در آیه شریفه ۱۹۴ سوره بقره (فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدىٰ عَلَيْكُمْ) مماثلت نسبیّه است (آن گونه که در بالا گفته شد، نه مماثلت در طول و عرض که گاهی تمام بازوی یک نفر را فرامی‌گیرد).

قسامه

سؤال ۱۲۶۸- چنانچه شخصی با اجرای مراسم قسامه به قصاص محکوم شود، در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۷۹

مرحله اجرا (پس از قطعیّت حکم) پسر محکومٌ علیه، اقرار به قتل عمدی همان مقتول نماید، تکلیف چیست؟

جواب: مسأله چند صورت دارد:

الف) این مدعی خودش جزء قسامه بوده، در این صورت نمی‌توان به اقرار بعدی ترتیب اثر داد مگر این که مدّعی تکذیب خویش کند.

ب) این که خودش جزء قسامه نبوده و قبول قسم شخص او لازم نیست. باز اگر مدّعی قطعی بوده باشد نمی‌توان به اقرار او ترتیب اثر داد مگر این که تکذیب خویش کند.

ج) این که ادّعاهای او مبنی بر ظن بوده باشد، در این صورت مخیّر است بین عمل به مقتضای قسامه یا به مقتضای اقرار، ولی قبول ادّعای مبنی بر ظن در مسائل قضایی مشکل است، نتیجه این که در صورتی که خود را تکذیب نکند عمل به اقرار نمی‌تواند بنماید.

سؤال ۱۲۶۹- دو پسر بچه ۱۲ ساله که هم کلاس بوده‌اند قبل از رسیدن وقت مدرسه به طرف رودخانه می‌روند و یکی از آنها در رودخانه غرق می‌شود. اولیای طفل غرق شده ادّعا دارند که همراه وی او را به رودخانه هُل داده و او افتاده و غرق شده است. ولی متّهم منکر قضیّه است و بیّنه نیز اقامه نشده و حتّی از اطفال هم سن و سال نیز کسی به عنوان مطّلع وجود ندارد. حال با توجّه به مراتب فوق چنانچه قضیّه به قسم منجر شود، قسم متوجّه چه کسی می‌باشد و آیا مسأله راه حلّ دیگری دارد؟

جواب: با توجّه به این که در فرض مسأله کسی در آنجا حاضر نبوده و در قسمهای قسامه، علم لازم است و قسم خوردن مدّعی یا مدّعیان موضوعیّت ندارد چون دلیلی بر اثبات جرم نیست، متّهم تبرئه می‌شود و احتیاط این است که کودک قسم یاد کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۸۰

سؤال ۱۲۷۰- آیا قصاص در اطراف با قسامه قابل اثبات است؟

جواب: قسامه در جنایت اعضا نیز ثابت است ولی به وسیله آن تنها دیه ثابت می‌شود نه قصاص.

مسائل متفرّقه قصاص

سؤال ۱۲۷۱- آیا قتل نفس از نظر اسلام جنبه خصوصی دارد یا عمومی؟ و در صورت عفو اولیای دم، آیا حاکم شرع می‌تواند تعزیراتی را در نظر بگیرد؟

جواب: قتل نفس در اسلام جنبه خصوصی دارد و با گذشت اولیای دم، قصاص منتفی می‌شود مگر این که تکرار آن اثر خاصّی در جامعه بگذارد و نظم و امنیّت را مختل سازد، در این صورت مسأله جنبه عمومی پیدا می‌کند و پای عناوین ثانویّه به میان می‌آید و نه تنها در مورد سؤال بلکه در موارد مشابه که در شهرها یا روستاها اتفاق می‌افتد، حاکم شرع می‌تواند به عنوان مقدمه حفظ نظم از تعزیرات بازدارنده مناسبی بهره بگیرد. این مسأله را به موارد دیگری که در شرع حق، جنبه شخصی دارد نیز می‌توان تسرّی داد و هرگاه مشکل جنبه عمومی پیدا کند از تعزیرات استفاده نمود، البتّه تشخیص موضوع بر عهده خود حاکم شرع است و گاه احتیاج به نظر خواهی از اهل خبره در اینگونه موضوعات دارد.

سؤال ۱۲۷۲- اگر شخصی به خیال این که طرف مهاجم است، به سوی او تیراندازی کند و او را بکشد، آیا قصاص دارد؟

جواب: اگر قاتل به گمان این که طرف مهاجم است تیراندازی کرده است قصاص ندارد ولی باید دیه بدهد.

سؤال ۱۲۷۳- اگر کسی انگشت یا دست کسی را عمداً قطع کند و مصدوم بلافاصله خود را به مراکز درمانی رسانده و عضو قطع شده را پیوند زده و خوب شود، آیا مصدوم حقّ قصاص جانی را دارد یا خیر؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۱

جواب: حقّ قصاص دارد ولی دوّمی نیز حق دارد انگشت خود را پیوند بزند.

سؤال ۱۲۷۴- آیا تجهیز شخصی که محکوم به قصاص نفس گردیده، قبل از قصاص لازم است یا تغسیل و تکفین بعد از قصاص نیز بلامانع است؟

جواب: لازم است قبلا باشد.

سؤال ۱۲۷۵- آیا مسلمان در مقابل ولد الزّنا (مسلمان) قصاص می‌شود؟

جواب: قصاص می‌شود.

سؤال ۱۲۷۶- آیا قصاص حقّی انحلالی و مرکب است یا غیر انحلالی و بسیط؟

جواب: اولیای دم باید متّفقاً اقدام به قصاص کنند یا کسی را وکیل بر این امر نمایند. اگر یکی از آنها بدون اجازه دیگران قصاص کند کار حرامی کرده و باید حصّه دیگران را بپردازد.

سؤال ۱۲۷۷- بر فرض این که قصاص حقّی انحلالی باشد، اگر اولیای دم همگی عاقل و بالغ باشند و بعضی خواهان قصاص و بعضی خواهان دیه و بعضی خواهان عفو باشند، حکم مسأله چگونه است؟

جواب: اگر بعضی خواهان دیه باشند، بقیّه حقّ قصاص دارند به شرط این که سهم دیه بقیّه را بپردازند و اگر بعضی عفو کنند بقیّه حقّ قصاص دارند ولی سهم دیه را باید به شخص جانی و ورثه او بپردازند.

سؤال ۱۲۷۸- بر فرض انحلالی بودن قصاص، اگر اولیای دم بعضی بالغ و عاقل و بعضی صغیر و مجنون باشند، در صورت مطالبه قصاص یا عفو و با توجّه به حالت صغر و جنون بعضی از اولیای دم که حقّ قصاص یا عفو را ندارند مسأله چگونه قابل حل است؟

جواب: اگر کبیرها بخواهند قصاص کنند باید سهم صغیرها را به ولیّ یا قیّم آنها بدهند.

سؤال ۱۲۷۹- در صورتی که اولیای دم همگی صغیر و مجنون باشند، آیا ولی یا قیم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۲

به ولایت از ناحیه آنها حقّ مطالبه قصاص یا عفو را دارد؟

جواب: قصاص یا عفو مشکل است، مگر جایی که برای مصلحت صغار ضرورت قطعی داشته باشد.

سؤال ۱۲۸۰- اگر بعضی از اولیای دم، صغیر و بعضی کبیر باشند و ولیّ صغیر قصاص را غبطه صغیر تشخیص دهد، آیا می‌تواند بدون پرداخت دیه صغیر قصاص نماید؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۲۸۱- بر فرض این که ولیّ صغیر حقّ قصاص نداشته باشد و تا بلوغ صغیر هم فاصله زیادی باقی مانده باشد، آیا قاتل را می‌شود زندانی کرد تا صغیر بالغ شود و خود تصمیم بگیرد و آیا اصلا فاصله زمانی تا سنّ بلوغ صغیر برای مطالبه قصاص مدخلیّت دارد؟

جواب: اگر فاصله زیاد باشد باید جانی را با اخذ وثیقه کافی آزاد کرد.

سؤال ۱۲۸۲- چنانچه کسی محکوم به قصاص شود و به عنوان قصاص نفس حلق‌آویز شود و پزشک متخصّص گواهی نماید که فوت کرده است ولی در سردخانه به هوش بیاید و زنده شود:

الف) آیا حکم قصاص به قوّت خود باقی است یا ساقط است؟

ب) در صورت باقی بودن قصاص به قوّت خود، آیا دیه حلق‌آویزی اوّل به جانی تعلّق می گیرد؟

ج) مسئول پرداخت دیه کیست؟

د) مهلت پرداخت دیه چه مدّت است؟

جواب: الف) حکم قصاص به قوّت خود باقی است و ارباب دم می‌توانند آن را مطالبه کنند.

ب و ج) هرگاه جراحت یا نقص عضوی یا ضایعه دیگری بر او وارد شده، احتیاط واجب آن است که دیه آن را از بیت المال بپردازند.

البتّه این در صورتی است که حکم توسط قاضی و مأموران او اجرا شده باشد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۳

و در اجرای حکم عمداً کوتاهی نشده باشد.

د) مانند سایر دیات است.

سؤال ۱۲۸۳- زوج و یا زوجه‌ای به قتل رسیده و غیر از یکدیگر وارث دیگری ندارند، بفرمایید که:

الف) آیا ایشان اولیای دم یکدیگرند؟

ب) آیا حقّ دریافت دیه را از قاتل دارند؟

ج) آیا رضایت آنان در مورد قتل یکدیگر مانع از قصاص قاتل خواهد شد؟

جواب: زوج و زوجه حقّ قصاص نسبت به قاتل یکدیگر را ندارند، ولی سهم آنها در دیه محفوظ است.

سؤال ۱۲۸۴- اگر وارث حین الفوت زوج یا زوجه مقتولی، خود آنها به اضافه چند فرزند، مادر یا پدر (والدین) باشند، آیا در این صورت هرکدام از زوجین جزء اولیای دم محسوب می‌شوند و نیز اگر جزء اولیای دم یکدیگر محسوب نمی‌شوند، رضایت آنها هم وجوبی دارد یا خیر؟

جواب: زوجین از اولیای دم نیستند ولی سهم آنها از دیه محفوظ است.

سؤال ۱۲۸۵- شخصی بر اثر اصابت دو گلوله کلاشینکف کشته شده است، مظنونین به قتل چهار نفرند که در دست سه نفر آنها که در حال حاضر متواری می‌باشند اسلحه کلاش بوده و در دست نفر چهارم که دستگیر شده، اسلحه برنو بوده است. با این وصف، آیا اولیای دم می‌توانند تقاضای قصاص نفر چهارم را بنمایند و بطور کلّی قضیّه تابع چه حکمی است؟

جواب: تا استناد قتل طبق موازین شرعیّه به او ثابت نشود حقّ قصاص ندارند.

سؤال ۱۲۸۶– آیا برای قصاص قاتل نیاز به اذن ولیّ امر یا نماینده او می‌باشد؟ در صورتی که این اذن داده نشود تکلیف قاتل چیست، آیا باید تا زمان اذن و لو دهها سال طول بکشد در حبس بماند و یا این که فوراً آزاد می‌شود، در صورت دوّم چه تأمینی باید اخذ شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۸۴

جواب: اذن ولیّ امر لازم نیست، حکم قاضی کافی است و اگر دسترسی به قاضی نباشد عدول المومنین می‌توانند به جای حاکم شرع اذن بدهند و اگر حاکم شرع اذن داد اما اولیای دم راضی نشدند، با او اتمام حجّت می‌شود که یا قصاص کند و یا در صورت رضایت قاتل، دیه بگیرد و اگر به هیچ‌کدام راضی نشدند، قاتل را می‌توان با اخذ وثیقه کافی آزاد کرد تا تکلیف روشن شود.

سؤال ۱۲۸۷– شخصی در حال نزاع به دیگری جراحتی وارد نموده که نوعاً کشنده نیست و در صورت مراجعه به پزشک و مداوا، زخم بهبود می‌یابد (مثلاً یک بند انگشت او را قطع نموده) اما شخص مجروح عمداً به پزشک مراجعه نمی‌کند و به مداوا نمی‌پردازد (یا به علّت فقر و نداشتن هزینهٔ درمان یا به علّت بی‌مبالاتی و سهل انگاری یا بر اثر لجاجت و غیره) در نتیجه موضع جراحت دچار عفونت و سرایت به نقاط دیگر بدن شده و در نهایت منجر به مرگ شخص می‌گردد. در فرض مسأله آیا ضارب مرتکب قتل عمد گردیده و باید قصاص شود یا این که چون قصد نتیجه قتل را نداشته، شبه عمد است یا اساساً قتل منتسب به او نبوده و تنها باید نسبت به جراحت، محکوم به قصاص یا دیه شود؟

جواب: در فرض مسأله ضارب بیش از قصاص عضو در صورت عمد و دیه عضو در صورت غیر عمد ضامن نیست.

سؤال ۱۲۸۸– در صورتی که قاتل ادّعا کند که جهل به حکم دارد و نمی‌دانسته مجازات قتل عمد قصاص است و این ادّعا از نظر دادگاه مقرون به واقع باشد و احتمال صدق آن وجود داشته باشد، آیا تأثیری در اعمال قصاص دارد؟

جواب: جهل به حکم قصاص هیچ تأثیری در اعمال قصاص ندارد.

سؤال ۱۲۸۹– آیا قاتل مقتول بلاوارث (قتل عمد) اعدام می‌شود؟

جواب: ولیّ دم در این صورت امام و حاکم شرع است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۸۵

فصل چهل و چهارم: احکام دیات

موجبات ضمان

سؤال ۱۲۹۰– هرگاه یک نفر نفت یا مادّه محترقه دیگری روی متاع شخصی بریزد و شخص دیگری به آن کبریت بزند و آن مال تلف شود، ولی هرکدام مدّعی است که دیگری کبریت زده، تکلیف چیست؟

جواب: در صورتی که معلوم شود یکی از آن دو نفر این کار را انجام داده‌اند و دلیلی بر اثبات مقصّر واقعی نباشد، ضمان در میان آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۲۹۱– در منطقه جنگی، سرباز راننده‌ای به همراه مافوقش نفربری را در آب عمیق شستشو می‌داده‌اند، موتور به علّتی خاموش شده و نفربر زیر آب می‌رود و تعدادی سرباز که روی آن بوده‌اند خود را در آب پرتاب می‌کنند ولی دو نفر آنها غرق می‌شوند. راننده تأکید دارد که مافوق من دستور داده و شخص مافوق منکر است. حال با توجّه به این که غرق‌شوندگان ملزم به سوار شدن نبوده‌اند و قبل از زیر آب رفتن خود را در آب انداخته‌اند، آیا راننده ضامن است؟

جواب: چنانچه نفربر را برای شستشو می‌برده و همه می‌دانسته‌اند و بعضی به میل خود سوار آن شده‌اند یا باقی مانده‌اند، راننده ضامن نیست و همچنین اگر ماندن آنها روی نفربر موجب نجات آنها می‌شده و آنها عجله کرده‌اند و خود را به آب پرتاب کرده‌اند، باز راننده ضامن نیست. ادّعای راننده مبنی بر این که مافوق دستور داده، در حالی که طرف منکر باشد هیچ فایده‌ای ندارد حتّی اگر منکر هم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۸۶

نباشد باز مسئولیّت او را از بین نمی‌برد.

سؤال ۱۲۹۲- شخصی مدّتی مرغ و گوسفند را با کارد استیل ذبح کرده و فروخته است، آیا نسبت آن مقدار پول که در قبال این نوع مرغ و گوسفند گرفته ضامن است؟ در صورت ضامن بودن برای بریء الذّمه شدن چه باید بکند؟

جواب: ذبح با کارد استیل و فلزهای برنده دیگر اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۹۳- اگر بر اثر جاری شدن آب از ناودان شخصی، همسایه‌اش متضرّر شود، آیا خسارت بر عهده صاحب ناودان است؟ در صورتی که کارشناسی برای تشخیص مسأله بیاورند، خرج او بر عهده کیست؟

جواب: اگر دو طرف پیشنهاد کارشناس کرده‌اند خرج کارشناسی بر عهده هر دو می‌باشد و نسبت به خسارت، اگر خانه صاحب ناودان قبلا ساخته شده و مطابق عرف و عادت بوده، خسارتی بر عهده او نیست.

سؤال ۱۲۹۴- اگر انسان به مال شخصی عمداً یا سهواً در غیاب وی آسیبی برساند و مطمئن باشد که اگر آن شخص را از موضوع مطّلع سازد ناراحت نمی‌شود و راضی می گردد، حکم چیست؟

جواب: اگر اطمینان به رضایت او دارد لازم نیست به او خبر دهد ولی ذمّه او (بنابر احتیاط) بدون اسقاط صاحب مال بریء نمی‌شود.

سؤال ۱۲۹۵- آیا شکسته شدن ظروف مسجد بطور ناگهانی مثلا در حال پذیرایی عزاداران در ایّام محرم موجب ضمان می گردد؟

جواب: هر کس بشکند ضامن است مگر ضایعاتی که اجتناب‌ناپذیر است.

سؤال ۱۲۹۶- طبق مقرّراتی در قانون راهنمایی و رانندگی اگر شخصی محلّ حادثه را ترک کند مقصّر شناخته می‌شود. آیا از نظر شرع مقدّس اسلام کسی که از خسارت خود صرف نظر نماید و محلّ حادثه را ترک کند شرعاً ملزم به پرداخت خسارت به دیگری است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۳۸۷

جواب: اگر واقعاً مقصّر نبوده، عند الله مسئول نیست ولی قانون در ظاهر او را مسئول می‌شمارد و خسارت از او می گیرد و بعید نیست عمل به این قانون برای کارشناس و قاضی که علم به حقیقت حال ندارند مشروع باشد.

سؤال ۱۲۹۷- صندوق قرض‌الحسنه‌ای قبل از شروع به کار، طیّ قراردادی مسئولیّت سرپرستی و نظارت بر کارگاه را به عهده یکی از معماران گذاشته است. بعلاوه همزمان با شروع عملیات ساختمانی صندوق قرض الحسنه، مسئولیّت جوشکاری ساختمان را طی قرارداد دیگری به عهده یکی از جوشکاران گذاشته است. شخص دیگری نیز مسئولیّت استخدام کارگر و تهیه مصالح ساختمانی را عهده‌دار گردیده، که این شخص کودک هشت ساله‌ای را به عنوان کارگر استخدام می‌نماید و در حین جوشکاری درب گاو صندوق به روی این کودک افتاده و متأسفانه این کودک به قطع کامل نخاع دچار می گردد، با توجّه به مراتب بالا چه کسی ضامن دیه این کودک می‌باشد؟

جواب: اگر استخدام به اذن ولیّ و مطابق مصلحت و توان کودک بوده و کوتاهی در حفظ کودک نشده و حادثه اتفاقی بوده، هیچ‌کس ضامن نیست و در صورتی که بدون اجازه ولیّ بوده یا در حفظ او کوتاهی شده است، استخدام‌کننده ضامن دیه است.

سؤال ۱۲۹۸- شخصی زراعت می‌کند و مرغان خانگی قریه، تخم زراعت او را می‌چینند و با پایشان آن زراعت را خراب می‌کنند. اگر صاحب زراعت برای جلوگیری از مرغان، دانه را زهرآلود کرده و بپاشد و مرغان بخورند و بمیرند در حالی که صاحب مرغان را از سم‌پاشی نیز خبر کرده است آیا ضمان مرغهایی که بر اثر این کار صاحب زراعت تلف می‌شوند به عهده صاحب زراعت است؟

جواب: اگر راهی برای جلوگیری جز این راه نباشد و به صاحبان مرغ اعلان کند مانعی ندارد و ضامن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۸

سؤال ۱۲۹۹- در بعضی جاها مرسوم است که گوسفندان روستا را هر خانه به نوبت به چراگاه می‌برند و بعضی خانواده‌ها در روز نوبت خود اطفال صغیر را روانه می‌کنند و گرگ بعضی از گوسفندان را می‌خورد، آیا تاوان به چه کسی تعلّق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه قراردادی داشته‌اند یا رسم در محل چنان بوده که به همراه گوسفندان افرادی فرستاده می‌شدند که از عهده جلوگیری از خطر گرگ برآیند، تاوان بر ذمّه هر کسی است که خلاف قرارداد یا رسم محل عمل کند.

سؤال ۱۳۰۰- اگر کسی چیزی مثلا لباسی را در مغازه‌ای بگذارد و بگوید این لباس در مغازه شما باشد بعداً می‌برم و صاحب مغازه هم قبول کند، آن شخص بعد از مدّتی مراجعه می‌کند که مال خود را بردارد، مغازه‌دار می‌گوید: آن را کس دیگری برده، آیا صاحب مال حقّ شکایت و مطالبه را دارد؟

جواب: هرگاه صاحب مغازه بدون تحقیق کافی لباس را به دیگری داده، ضامن است.

سؤال ۱۳۰۱- اگر شخصی، دیگری را اجیر کند که یک ختم قرآن برای پدر او قرائت نماید و در مقابل اجرتی را دریافت نماید ولی بعد از ختم قرآن از پرداخت اجرت خودداری کند، آیا در مقابل اجرت ضامن است؟

جواب: ضامن است.

سؤال ۱۳۰۲- در صورتی که نجات غریق که وظیفه امداد دارد از نجات شخص غریق امتناع ورزد و آن شخص غرق شود، آیا مسئولیّتی متوجّه او خواهد بود؟

جواب: اگر نجات غریق مسئولیّت مراقبت را پذیرفته و محل، جای خطرناکی است که مردم به اعتماد پذیرش مسئولیّت او، وارد استخر یا دریا می‌شوند، اگر کوتاهی کند مسئول است.

سؤال ۱۳۰۳- شخصی در اثر سوختگی به بیمارستان منتقل می‌شود و پزشک معالج در انجام معالجه کوتاهی می‌کند و شخص مصدوم فوت می‌نماید، پزشک قانونی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۹

اعلام می‌کند: میزان سوختگی به حدّی بوده است که در نهایت منجر به فوت می‌شده، امّا سهل‌انگاری پزشک، باعث گردیده که بیمار زودتر فوت کند، آیا در این فرض مسئولیّتی متوجّه پزشک می‌باشد؟

جواب: پزشک گناه کرده و باید تعزیر شود.

سؤال ۱۳۰۴- تعمیرکار یا نمایندگی مجاز، بخاری گازی را در منزل شخصی بدون رعایت اصول ایمنی یا با نقص فنّی یا بدون دودکش نصب می‌نماید و در نتیجه استفاده از آن، تمام اعضای خانواده در اثر گازگرفتگی فوت می‌نمایند و اولیای دم آنها از مقصّر شکایت می‌نمایند. در صورتی که نمایندگی یا تعمیرکار نقص فنّی یا عدم رعایت اصول ایمنی را به صاحب خانه اطّلاع و تذکّر داده یا نداده باشد، مسئولیّت متوجّه چه کسی است؟ و در هر حال چه نوع قتلی اتفاق افتاده است؟

جواب: اگر خبر داده، مسئولیّتی ندارد ولی اگر خبر نداده و مسأله خطرناکی بوده، قتل شبه عمد محسوب می‌شود و باید از مال خود، دیه بدهد.

سؤال ۱۳۰۵- سه نفر چوپان به نامهای خسرو، محمّد و اسماعیل در بیابان قصد کشیدن آب از چاه برای گوسفندان خود داشته‌اند. خسرو و محمّد طی یک قرارداد لفظی، گوسفندان یکدیگر را در نوبت دوماهه می‌چرانیده‌اند، تعدادی گوسفند نیز متعلّق به شخصی به نام مسعود در گله آنها نگهداری می‌شده است. روز حادثه، محمّد در نوبت خود خطاب به خسرو اظهار می‌دارد: «من دیگر خسته شده‌ام چون این قدر آب از چاه بیرون می‌آورم فکری به حال من بکن». خسرو موتوری را از منزل می‌آورد و با هم آن را به درون چاه می‌فرستند. محمّد مقدّمات نصب موتور آبکش را در عمق ۱۲ متری چاه فراهم و به داخل چاه می‌رود و آن را روشن می‌نماید و سپس در اثر گاز گرفتگی جان می‌سپارد. خسرو فرزندش اسماعیل را به درون چاه می‌فرستد، در نتیجه او هم فوت می‌نماید، در آخرین مرحله، خود نیز به قصد نجات، به داخل رفته، متوجّه گاز گرفتگی می‌شود و سپس سریعاً بالا می‌آید و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۰

تلاش وی جهت نجات آن دو نتیجه‌ای نداشته است. حال نظر به مراتب فوق‌الاشاره مستدعی است بفرمایید شرع مقدّس اسلام چه کسی را مقصّر می‌داند و در خصوص امر جزا و وصول و پرداخت دیه، چه کسی مسئولیّت کیفری و مدنی دارد؟

جواب: در مورد محمّد، که خودش اقدام به این کار کرده کسی مسئول خون او نیست و در مورد اسماعیل فرزند خسرو، اگر پدر با علم و آگاهی از خطر او را به درون چاه فرستاده و پسر آگاهی نداشته، پدر مسئول است و در غیر این صورت اگر بچّه صغیر نبوده و با آگاهی بر خطر اقدام کرده، پدر مسئولیّتی ندارد.

سؤال ۱۳۰۶- روزی پدر و مادر و افراد خانواده‌ام به مسافرت رفتند و پسر خاله‌ام را نیز با رضایت پدر و مادرش به همراه خود بردند. در بین راه بر اثر تصادف همه سرنشینان ماشین از جمله پسر خاله‌ام از بین رفتند. مبلغی را که بیمه برای هرکدام از افراد مشخص کرده، پرداخت خواهند کرد، آیا پدر و مادر پسر خاله‌ام می‌توانند دیه از ورثه والدینم درخواست کنند؟

جواب: اگر پدر او اجازه داده باشد، مسئولیّتی متوجّه پدر و مادر شما نیست.

سؤال ۱۳۰۷- آیا شرب خمر سبب از بین رفتن عقل و شعور نیز هست، در صورتی که هست اگر شخصی مبادرت به این عمل شنیع کند آیا ضامن اعمال خود می‌باشد؟ و آیا در صورت توبه، خداوند او را خواهد بخشید؟

جواب: بدون شک شرب خمر در عقل انسان اثر می‌گذارد و آن را ضعیف می‌کند ولی همیشه منتهی به جنون و دیوانگی نمی‌شود و هرگاه توبه نموده و ترک نماید ان شا اللّه جبران می‌شود، امّا اعمالی که در حال مستی انجام می‌دهد در برابر آن مسئول است.

سؤال ۱۳۰۸- در کارخانه سنگ‌بری تمام وسایل از قبیل دستگاه و سنگ را صاحب کارخانه آماده می‌کند و با کارگر قرارداد می‌بندد که هر متر سنگ را مثلا در مقابل هزار تومان برای وی آماده سازد. اگر زمانی که کارگر مشغول کار می‌شود، دست وی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۱

زیر سنگ برود و قطع گردد، آیا دیه دست به صاحب کارخانه تعلّق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه قراردادی با صاحب‌کارخانه نداشته باشد و او نیز مقصّر در تنظیم دستگاه شناخته نشود، دیه‌ای بر او تعلّق نمی‌گیرد. در ضمن اگر جبران این خسارت در موادّ قانونی استخدام آمده باشد و آنها با توجّه به این مواد، کسی را استخدام کرده باشند، آن هم به منزله قرارداد محسوب می‌شود.

سؤال ۱۳۰۹- اگر صاحب‌کار، شخصی را که در کار کندن چاه استاد و به کارش آگاهی کامل دارد و بیش از پنجاه سال دارد، برای کندن چاهی استخدام کند و آن شخص در حین انجام کار برای کندن و رفتن در چاه پایش بلغزد و در چاه سقوط کند و جان خود را از دست بدهد، آیا ورثه متوفی حقّی بر مالک محلّ مزبور دارند؟

جواب: در شرایط بالا، مالک محلّ مسئولیّتی ندارد مگر این که آن محل دارای ویژگی‌های خاصّی بوده که موجب خطر می‌شده و مالک می‌دانسته و در اعلام آن کوتاهی کرده باشد.

سؤال ۱۳۱۰- فردی در مکانیکی مشغول کار است، برابر اظهار نظر پزشکی قانونی وی ناراحتی ریوی داشته و در حال نظافت مکانیکی دچار حسّاسیت شده و فوت نموده است، آیا صاحب مغازه، با توجّه به این که علم به ناراحتی ریوی او نداشته است، ضامن است؟

جواب: در فرض مسأله ضامن نیست، مگر در قوانین کار ضمان او پیش‌بینی شده باشد و او با علم و آگاهی اقدام به استخدام کارگر کرده باشد.

سؤال ۱۳۱۱- کارخانه پتروشیمی بر خلاف اصول بهداشتی و امنیّتی، ضایعات و سموم خطرناک خود را جهت صرفه‌جویی در هزینه، در برکه آبی در حوالی کارخانه تخلیه می‌نماید و چند کودک بدون اطّلاع در آن آب شنا می‌کنند و دچار مسمومیّت شده و پس از مدّتی فوت می‌نمایند، آیا مسئولیّتی متوجّه کارخانه می‌باشد؟ لطفاً جواب این سؤال را در دو صورتی که برکه آب در زمین متعلّق به کارخانه باشد یا نباشد بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۲

جواب: چنانچه برکه در معرض رفتن بچّه‌ها بوده، کسانی که آب را آلوده کرده‌اند، در برابر دیه مسئولند و اگر در معرض نبوده، چیزی بر آنها نیست.

سؤال ۱۳۱۲- بنده، خانه‌ای در دست تعمیر داشتم که چندی پیش جهت سرکشی به آنجا رفته بودم، پاکتی به همراه داشتم که محتوی مقدار زیادی پول، ارز و چک بود. در همین اثنا دوستم (که از بستگان نیز می‌باشد) وارد خانه شد. با ورود دوستم به خانه، من که نگران این پاکت بودم و می‌ترسیدم بر اثر اشتغال زیاد به محتوای پاکت آسیبی برسد، آن را به دوستم سپردم البتّه به دو علّت موقع سپردن پاکت به دوستم نگفتم که این پاکت محتوی پول است: اوّل به خاطر این که پیمانکار و کارگران در محل حضور داشتند، دوّم به خاطر این که در آن منطقه معمول است که پول را در پاکت معمولی کاغذی قرار می‌دهند. بنابراین ایشان می‌دانستند که این پاکت محتوی پول است، متأسفانه موقع رفتن از آنجا غافل شدم و یادم رفت که آن پاکت را از او پس بگیرم. بعد از آن که چند دقیقه‌ای گذشت به خاطر آوردم که پاکت را به ایشان سپرده بودم. بعد از مراجعه به ایشان، به من گفتند که آن پاکت را در همان محل جا گذاشته‌ام، فوراً به آن محل مراجعه کردم و هر قدر گشتم آن را نیافتم، فهمیدم که آن را ربوده‌اند، آیا ایشان در این رابطه ضامن هستند؟

جواب: اگر می‌دانسته و یا احتمال قوی می‌داده که در آن پاکت پول وجود دارد و در عین حال کوتاهی کرده ضامن است و اگر طرفین در این مسأله اختلاف دارند، باید به حاکم شرع مراجعه کنند.

دیه نفس

سؤال ۱۳۱۳- حدود چهار سال قبل فرزند حقیر، به نام مهدی (که در آن زمان سه‌ساله بود) در یک مجلس مهمانی با مادرش دعوت داشته‌اند که در آن مجلس در موقع صرف میوه، مهدی- طبق گفته مادرش و دیگران- چاقویی را پرتاب می‌کند که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۳

به صورت پسر بچّه سه‌ساله دیگری که مشغول بازی بودند خورده و یک چشم آن پسر بچّه نابینا می‌شود. به عرض مبارک می‌رساند که بزرگترها هیچ‌گونه مداخله‌ای نداشته و بچّه‌ها با یکدیگر مشغول بازی بودند و از طرفی بچّه مضروب فرزند خواهرم می‌باشد. خواهرم پس از گذشت سه سال از آن حادثه، دادخواهی نموده است و از نظر وضع مالی جز یک مشت بدهی چیز دیگری ندارم، با توجّه به وضع مالی من دیه بر عهده چه کسی است؟

جواب: دیه باید پرداخت شود ولی بر عهده شما نیست، بلکه بر عهده مردان خویشاوند از طرف پدر است که در میان آنها تقسیم

کرده و هرکدام سهمی از آن را به مقدار توانایی بپردازند.

سؤال ۱۳۱۴- در حادثه تصادفی در یک شب بین پیکان سواری و موتورسیکلت، راکب موتورسیکلت فوت می‌نماید. کارشناس هر دو را به میزان پنجاه در صد مقصّر می‌داند، زیرا راننده موتور، چراغ نداشته و با بی‌احتیاطی و عدم رعایت قوانین، رانندگی می‌کرده و راننده پیکان نیز به علّت عدم توجّه به جلو و سرعت زیاد مقصّر بوده است، در فرض مسأله حکم آن چگونه است؟ در همین فرض اگر تقصیر یکی از دو نفر بیشتر باشد ولی نتوان علّت و سبب اصلی تصادف را بطور تمام و کامل به یکی از آنها منتسب دانست، زیرا قسمتی از علّت تصادف به طرف مقابل منتسب است حکم مسأله چگونه است؟

جواب: اگر هر دو مشترکاً سبب وقوع قتل شده‌اند، دیه تقسیم می‌شود. در فرض دوّم احتیاط این است که به نسبت حساب کنند.

سؤال ۱۳۱۵- در یک حادثه رانندگی، پیکان سواری با یک کامیون تصادف کرده و در وسط جاده متوقّف شده است، بلافاصله یک اتوبوس از پشت سر با پیکان تصادف می‌کند. در حادثه اوّل، راننده پیکان و در حادثه دوّم، راننده اتوبوس مقصّر شناخته شده‌اند، در هر حال تمام سرنشینان پیکان فوت می‌نمایند و به درستی معلوم نیست

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۴

علّت فوت، تصادف اوّل بوده است یا دوّم، حکم قضیه چگونه است؟

جواب: دیه سرنشینان پیکان باید در میان راننده اتوبوس و راننده پیکان تقسیم شود یعنی پنجاه درصد آن از اموال باقیمانده از راننده پیکان برداشته شود و پنجاه درصد آن را راننده اتوبوس می‌پردازد.

سؤال ۱۳۱۶- دو نفر متعمّداً به قصد قتل به سوی شخص ثالثی تیراندازی می‌کنند و یکی از تیرها اصابت می‌کند و آن شخص به قتل می‌رسد ولی معلوم نیست گلوله از تفنگ کدام یک شلیک شده، بنابراین علم اجمالی است بر این که یکی از این دو نفر قاتل است. از هر دو که نمی‌شود قصاص کرد و قرعه هم جاری نیست، زیرا اینجا جای قاعده درء است و موضوع قرعه امر مشکل است (همان طوری که در امور مالی هم جاری نیست) زیرا اینجا قاعده عدل و انصاف حاکم است. حکم شرعی را بیان فرمایید؟

جواب: در اینجا دیه باید بالمناصفه تقسیم شود.

سؤال ۱۳۱۷- شخصی دارای ناراحتی قلبی بوده است، دوستش به قصد شوخی از طریق تلفن خبر دروغین مرگ فرزندش را به او می‌دهد او هم سکته قلبی کرده و می‌میرد، حکم مسأله چیست؟

جواب: اگر یقین داشته باشد که بر اثر خبر دادن او سکته کرده، باید دیه او را بپردازد و اگر می‌دانسته که طرف بیماری قلبی دارد و چنین خبری برای بیماری قلبی غالباً کشنده است، بعید نیست حکم قصاص درباره او جاری شود.

سؤال ۱۳۱۸- هرگاه اتوبوسی با یک پیکان‌بار تصادف کند و راننده پیکان‌بار و شخص کنار دست او کشته شوند و پلیس راننده پیکان‌بار را مقصّر بداند، تکلیف چیست؟

جواب: اگر راننده پیکان‌بار بطوری مقصّر بوده که تلف شدنش مستند به خود او باشد، خون او هدر است و باید دیه شخص دیگری را که با او کشته شده از مال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۵

او بدهند و اگر تخلّف از امور رانندگی تا آن حد نبوده که قتل مستند به خودش باشد بلکه مستند به هر دو بوده، نصف دیه هر دو بر عهده راننده اتوبوس و نصف دیه مقتول دوّم بر مال راننده پیکان‌بار است. در این گونه موارد قول اهل اطّلاع در صورتی که موثّق باشند حجّت است.

سؤال ۱۳۱۹- هرگاه قتل غیر عمدی اتفاق بیفتد، دیه چگونه بایستی پرداخت شود؟ و قتل عمد اگر در ماه محرّم اتّفاق بیفتد و ولیّ مقتول رضایت بدهد که قصاص انجام نگیرد و به جایش دیه بدهند، چگونه بایستی باشد؟

جواب: در قتل غیر عمد باید مقدار یک سوّم دیه در ماههای حرام بر آن افزوده شود ولی در قتل عمد ملاک چیزی است که طرفین بر آن توافق کنند.

سؤال ۱۳۲۰- اگر کسی بر اثر سانحه تصادف از بین برود و طرف دیگر جان سالم در ببرد، در صورتی که طرفی که جان سالم به در برده مقصر باشد، حکم آن چیست؟

جواب: اگر مقصّر است باید دیه بپردازد.

سؤال ۱۳۲۱- شخصی که محکوم به قصاص نفس گردیده ولی باید تفاضل دیه را اخذ نموده و سپس قصاص شود، آیا انتخاب نوع دیه در اختیار اوست یا کسی که موظّف به پرداخت دیه است؟

جواب: در اختیار دهنده است.

دیه اعضا

سؤال ۱۳۲۲- دیه کلیه چیست؟

جواب: در مورد دو کلیه حکم دیه کامل جاری می‌شود چون موجب هلاکت می‌شود و در مورد یک کلیه نیز احتیاط واجب آن است که نصف دیه را بپردازد.

سؤال ۱۳۲۳- شخصی در اثر انفجار موادّ منفجره در کارخانه ریخته‌گری (که صاحب کار بدون مجوّز قانونی مصرف می‌کرده) انگشتش قطع شده است، آیا دیه آن بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۶

صاحب‌کار است؟ و اگر هست چه مقدار از نقدین می‌باشد؟

جواب: هرگاه شخص مزبور با آگاهی از این امر خودش با موادّ منفجره کار کرده و انگشتانش قطع شده است، کسی ضامن نیست.

سؤال ۱۳۲۴- چنانچه جنایتی بر شخصی وارد شود و علاوه بر جراحات وارده و شکستگی استخوان، در همان عضو درصدی هم نقص عضو ایجاد گردد- البتّه این نقص عضو مربوط به شکستگی استخوان و ... می‌تواند باشد- آیا در اینگونه مسائل فقط دیه جراحات وارده و شکستگی استخوان را باید گرفت یا برای آن نقص عضو هم باید دیه دیگری در نظر گرفت؟

جواب: در هر حال یک دیه گرفته می‌شود و آن، دیه شکستگی استخوان و جراحت است ولی میان دیه کسر عضو توأم با نقص عضو و دیه کسر بدون نقص تفاوت است.

سؤال ۱۳۲۵- شخصی را بر روی زمین کشیده‌اند که در اثر این کار و سرمازدگی در کف پا و انگشتان پا و دست و پشت دست تاول ایجاد شده است، دیه‌اش چگونه تعیین می‌گردد؟

جواب: دیه به نسبت تأثیر این امور، تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۱۳۲۶- فردی در اثر جنایت شخص دیگری حدود یک سال قادر به ضبط مدفوع خود نبوده ولی بعداً در اثر عمل جرّاحی قادر به ضبط مدفوع شده است، ولی ده در صد نقص عضو باقی است یعنی ده درصد قادر به ضبط مدفوع خود نیست و دادگاه هم در زمان بهبودی می‌خواهد حکم صادر کند، آیا مصدوم، حقّ دیه کامل دارد یا حقّ ده درصد از دیه کامل؟

جواب: در اینجا دیه کامل است.

سؤال ۱۳۲۷- در اثر تصادف یا نزاع، ضربه‌ای به کلیه‌های شخصی وارد و کلیه‌ها از بین رفته است، یا این که در اثر ضربه، علی‌الدّوام باید تحت معالجه و مراقبت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۷

پزشک باشد، یا یکی از کلیه‌ها یا طحال و یا مثانه همان‌گونه شده است، تکلیف قاضی در این موارد برای صدور حکم چیست؟ مشروحاً جواب مرقوم فرمایید. در ضمن هزینه معالجه به عهده ضارب است یا مضروب؟ و در صورتی که به عهده مضروب باشد ممکن است دیه کفایت معالجه را نکند، جریان را چگونه باید اصلاح نمود؟

جواب: باید کارشناسان نظر دهند که این آسیب‌دیدگی عضو داخلی چند درصد کلّ بدن است (همان‌طور که در مجروحین جنگی محاسبه می‌کنند) و سپس به همان نسبت از دیه کامله محاسبه کنند و اگر هزینه درمان بیشتر شود، احتیاط واجب این است که باقیمانده هزینه درمان را بدهند.

سؤال ۱۳۲۸- شخصی با ریختن بنزین بر یک نفر و شعله‌ور کردن آن، وی را سوزانیده و به قسمتهایی از بدن وی صدماتی وارد نموده است، به نحوی که پوست آن قسمت از بدن از بین رفته، ولی به هر حال صدمات سوختگی ترمیم پیدا کرده است، مستدعی است مرقوم فرمایید:

الف) جنایت مزبور دیه دارد یا ارش؟

ب) بر فرض داشتن دیه چه مقدار تعیین می‌گردد؟

ج) بر فرض داشتن دیه (یا ارش) هزینه درمان و عملیات جرّاحی برای رفع نقص وارده و بهبودی صدمات وارده به عهده چه کسی می‌باشد؟

جواب: دیه‌ای ندارد بلکه ارش دارد و احتیاط واجب آن است که هزینه درمان زاید بر ارش را نیز شخص جانی بپردازد.

سؤال ۱۳۲۹- در یک نزاع، دو نفر فردی را مورد حمله خود قرار داده و ضرباتی به وسیله بیل و چهار شاخ آهنی (شانه دندانه‌دار) به سر و صورت او وارد می‌سازند که به نظر پزشک قانونی ضربه‌های وارده بر سر، باعث ضربه مغزی شده و ضربه وارده به صورت، فقط سوراخ شدن گوشت صورت را در دو مورد باعث گردیده است و شخص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۸

مضروب بعد از چند ساعتی فوت می‌کند. پزشک قانونی ضربه مغزی را علّت مرگ اعلام نموده است. اولیای دم نیز به دلیل حضور در صحنه نزاع، دو نفر ضارب فوق‌الذّکر را قاتل معرفی کرده‌اند و قاضی شرع هم با اجرای قسامه نظر اولیای دم را تأیید کرده است. در این مرحله شخص سوّمی ابراز می‌دارد که ضربه وارده بر صورت توسط او بوده است. اکنون بر فرض صادق بودن شخص سوّم در ادعایش سؤال این است که آیا شخص سوّم از نظر شرع مقدّس اسلام به عنوان شریک در قتل به حساب می‌آید و یا این که باید دیه پرداخت کند و در صورت دوّم مقدار دیه (دو سوراخ عمیق در گوشت صورت با چهار شاخ) چه میزانی است؟

جواب: در فرض مسأله که ضربه صورت سبب قتل نبوده باید جانی دیه بپردازد و دیه آن اگر به استخوان نرسیده، برای هر زخمی سه شتر است. سؤال ۱۳۳۰- دیه شکستگی استخوان در صورت معیوب بودن یک پنجم دیه همین عضو می‌باشد و از طرفی دیه شکستگی بعضی از اعضا مانند دیه شکستگی بینی را بالخصوص قید نموده‌اند، آیا در این مورد، دیه مذکور با قاعده کلیه تطبیق و محسوب می‌شود و یا دیه قید شده در مورد همین عضو ملاک عمل می‌باشد؟

جواب: قاعده مزبور همه جا را شامل نمی‌شود، زیرا در بعضی از موارد خلاف آن منصوص یا اجماعی است، بنابراین در موارد نص و اجماع باید به همان حکم مورد خاص عمل کرد.

سؤال ۱۳۳۱- دیه طحال را توضیح دهید؟

جواب: هرگاه از بیرون جراحتی بر طحال وارد گردد، دیه جائفه دارد (و آن ثلث دیه کامله است) و اگر جراحتی در ظاهر وجود نداشته باشد و تنها از طریق ضربه یا مانند آن نقصی بر طحال وارد شود، باید کارشناسان مقدار نقص عضو را تعیین کرده و با مجموع دیه کامله انسان بسنجند و دیه را حساب کنند.

سؤال ۱۳۳۲- تیری به پهلوی راست کسی اصابت نموده و با فاصله حدود ۲۰

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۹

سانتیمتر از همان جا خارج شده است، به عبارت دیگر به مقدار کمی زیر پوست واقع شده و با فاصله کوتاهی خارج شده ولی به درون بدن وارد نشده است، پزشک قانونی اعلام نموده تیر مذکور هیچ آسیب داخلی به احشا و امعا وارد نکرده است، آیا این جرح، مصداق جائفه‌ای است که یک‌سوّم دیه کامل، دیه آن است یا مصداق جائفه‌ای که دو سوّم دیه کامل است یا هیچ کدام و باید ارش معین گردد؟

جواب: این جراحت ظاهراً مصداق نافذه است که دیه آن در روایات معتبره صد دینار تعیین شده است.

سؤال ۱۳۳۳- اگر در اثر ضرب و جرح مثلا یک موضع از استخوان پای راست مضروب شکسته شود، دیه آن نسبت به کلّ یک پا چقدر است؟ اگر با همان یک ضربه چهار جای پا شکسته شود، دیه آن چه مقدار است؟ حال اگر بر اثر ضربه‌های متعدد چهار جای پا شکسته، در صد دیه از چه قرار است؟

جواب: دیه شکستگی استخوان پا یک دهم دیه کامل انسان است (یک پنجم دیه یک پا) این در صورتی است که به حال اوّل برنگردد ولی اگر به حال اوّل برگردد چهار پنجم این مقدار خواهد بود و اگر بیش از یک جا بشکند دیه آن همین مقدار برای هر کدام است- خواه در یک ضربه شکستگیهای متعدّد وارد شود یا در ضربات متعدّد.

سؤال ۱۳۳۴- دیه شکستگی متعدّد و جدا از هم در یک عضو چه مقدار است؟ مثلا شخصی از چند ناحیه یک پایش شکستگی دارد مانند شکستگی استخوان لگن در طرف پای چپ و شکستگی دیگر در کاسه استخوان لگن و استخوان نازک نی چپ و استخوان کشکک زانوی چپ و شکستگی استخوان عانه در طرف چپ، که جدا از هم محسوب و جمعاً ۵ عدد می‌باشد. آیا در فرض مذکور و امثال آن در سایر اعضای بدن بر هر شکستگی دیه جداگانه تعلّق خواهد گرفت یا برای همه، دیه یک شکستگی استخوان تعلّق می گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۰

جواب: هر یک از شکستگیها دیه مستقلی دارد.

سؤال ۱۳۳۵- آیا جرح بر گردن دیه دارد یا ارش و آیا شکستگی استخوان با قسامه ثابت می‌شود؟

جواب: در بعضی از موارد دیه دارد و در بعضی موارد ارش و شکستگی استخوان با قسامه ثابت می‌شود.

سؤال ۱۳۳۶- اگر بر اثر خراشاندن یک موضع از صورت فردی، یک شتر دیه تعلّق بگیرد حال اگر با همان حمله چند جای صورت به همان نحو خراشیده شود، آیا در پرداخت دیه فرقی هست یا خیر؟ حال اگر این چند موضع بر اثر تکرار، خراشیده شوند چطور؟

جواب: هر خراش یک دیه دارد، خواه همه آنها در یک حمله باشد یا در حملات متعدّد.

سؤال ۱۳۳۷- چنانچه جانی یک ضربه به چشم مجنیٌ علیه بزند و این یک ضربه باعث جراحت از نوع دامیه یا غیره و سیاه‌شدگی توأماً گردد، آیا دیه متعلّق به این دو اثر دو نوع است یا دیه فقط به جراحت دامیه تعلق می گیرد؟

جواب: باید دیه هر دو را بپردازد.

سؤال ۱۳۳۸- در یک نزاع بر اثر ضربه عمدی ضارب، مجنیٌ علیه دچار شکستگی جمجمه و خونریزی مغزی شده که پس از انتقال به بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفته و پس از حدود دو هفته دچار خونریزی دستگاه گوارش می گردد که مجدّداً تحت عمل جراحی (زخم خونریزی دهنده اثنا عشر) قرار می گیرد و بعد از عمل علی رغم عدم اجازه پزشک معالج، بیمار با رضایت همراهان مرخص و به بیمارستان دیگری منتقل می‌شود و پس از دو روز در بیمارستان اخیر فوت می‌نماید. کمیسیون پزشکی علّت تامه مرگ را عفونت منتشر شده خون ناشی از آبسه چرکی در فضای شکم تعیین نموده و اضافه نموده است در پیدایش عارضه یاد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۱

شده عوامل مختلفی از جمله: الف) ضربه وارده به ناحیه جمجمه که سبب خونریزی گردیده، هفتاد درصد ب) زمینه قبلی موجود در بیمار، پانزده درصد ج) انتقال بی‌مورد و مکرر بیمار از بیمارستان، پانزده درصد دخالت داشته است، نظر مبارک را در مورد عمل جانی در خصوص عمدی یا غیر عمدی بودن قتل یا پرداخت دیه نفس یا عضو بیان فرمایید؟

جواب: اگر نظریهٔ کارشناسان مورد اطمینان چنین باشد که اگر این شخص را جا به جا نمی‌کردند نمی‌مرد بلکه نجات می‌یافت، کسی که ضربهٔ مغزی وارد کرده تنها دیهٔ شکستگی جمجمه را باید بدهد و دیهٔ قتل خطا به عهدهٔ کسانی است که جا به جا کرده‌اند و اگر هر دو کار مؤثر در مرگ او بوده، هر کدام باید سهمی از دیهٔ یک انسان را به نسبت مذکور بدهد، مگر این که تفاوت میان آن دو زیاد نباشد که در این صورت می‌توانند مساوی بدهند.

سؤال ۱۳۳۹- شخصی در اثر تصادف رانندگی مصدوم و طحالش بدون صدمه ظاهری و پارگی شکم، پاره شده است، در نتیجه پس از عمل جرّاحی طحال وی را در آورده‌اند، آیا جراحت فوق‌الذّکر از مصداق جراحت جائفه می‌باشد تا ثلث دیه به او تعلّق بگیرد؟

جواب: احتیاط آن است که با هم مصالحه کنند.

سؤال ۱۳۴۰- در مورد سؤال قبل با قطع نظر از مصالحه طرفین و عدم امکان مصالحه، پاسخ را مرقوم فرمایید؟

جواب: باید از روش حکومت استفاده شود یعنی درصد نقصی که از این جهت حاصل شده با کلّ دیه بدن بسنجند و به همان نسبت از دیه دریافت کنند، مثلا اگر به اعتقاد اهل خبره این نقص معادل سی درصد است، سی درصد دیه تعلّق می‌گیرد و اگر کمتر یا بیشتر است به همان صورت ملاحظه می‌شود.

سؤال ۱۳۴۱- اگر پدر یا مادری فرزند خود را برای تربیت یا از روی غضب بزنند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۲

جای آن سیاه یا کبود و یا قرمز بشود، آیا دیه دارد؟

جواب: دیه دارد.

سؤال ۱۳۴۲- شخص راننده‌ای با فرد دیگری تصادف کرده است و لگن خاصره او شکسته و بعد از معالجه، محلّ شکستگی بهبود یافته ولی منجر به کوتاهی پای چپ به مقدار ۳ سانتی‌متر شده است و همچنین بر اثر این تصادف کنترل مدفوع نیز از دست رفته است، دیه این عوارض طبق احکام مقدّس اسلام چقدر می‌باشد؟

جواب: اگر کنترل مدفوع بطور کامل از بین رفته است باید دیه کامل به خاطر آن بپردازد و نسبت به لگن خاصره باید با مراجعه به اهل خبره درصد ناقصی آن مشخص و روشن شود و به همان نسبت از کلّ دیه بپردازد (و اگر درصدی از آن از بین رفته باید به همان نسبت بپردازد).

دیه جنین

سؤال ۱۳۴۳- جنینی در شکم مادر به قتل رسیده است امّا مؤنث و مذکّر بودن آن معلوم نیست، دیه آن چقدر است؟

جواب: در صورتی که جنین کامل شده و روح در آن دمیده نشده دیه آن صد دینار است و فرقی میان مؤنث و مذکّر نیست و اگر روح در آن دمیده شده باشد در مذکر هزار دینار و در مؤنث پانصد دینار و در مواردی که مشکوک باشد هفت صد و پنجاه دینار است.

سؤال ۱۳۴۴- دیه از بین بردن نطفه بسته شده یا سقط جنین چه مقدار است؟

جواب: هرگاه تنها نطفه باشد بیست مثقال شرعی طلا (۲۰ دینار) و اگر به صورت خون بسته شده باشد چهل مثقال (۴۰ دینار) و اگر مضغه باشد شصت مثقال (۶۰ دینار) و اگر به صورت استخوان باشد بدون گوشت هشتاد مثقال (۸۰ دینار) و اگر جنین کامل باشد و هنوز روح و حرکت نداشته باشد صد مثقال طلا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۳

(۱۰۰ دینار) و اگر روح در آن دمیده شده باشد هزار مثقال (۱۰۰۰ دینار) در مذکر و پانصد مثقال (۵۰۰ دینار) در مؤنث است (منظور از مثقال شرعی هیجده نخود است که سه چهارم مثقال معمولی است).

سؤال ۱۳۴۵- اگر زن حامله‌ای برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و او هم، عالماً و عامداً اقدام به سقط جنین کند، اگر روح در جنین دمیده شده باشد، آیا باید قصاص شود یا دیه کامله به عهده اوست؟

جواب: در قتل عمد جنین دیه است و قصاص نیست حتّی جنین کامل، زیرا اوّل این که عمومات قصاص شامل جنین نمی‌شود. دوّم این که در روایات متعدّدی که در باب دیه جنین وارد شده، تعبیراتی وجود دارد که یا صریح در قتل عمد است و یا اعم از قتل عمد و خطا و شبه عمد می‌باشد و در همه آنها تصریح به دیه شده و ثالثاً بر فرض که مصداق شبهه شود، حدود و قصاص بالشّبهات به خصوص این که فتوای به جواز قصاص در باب جنین از کسی از مشاهیر فقها دیده نشده است جز در موارد نادر.

سؤال ۱۳۴۶- لطفاً آدرس موارد نادری که فرموده‌اید فتوای بعضی از مشاهیر بر قصاص جنین ذی الرّوح است را مرقوم فرمایید؟

جواب: در شرح لمعه در باب دیه جنین اشاره‌ای به این معنا شده است در کشف اللثام و قواعد الاحکام علّامه نیز اشاره، بلکه تصریح به این معنا شده است.

سؤال ۱۳۴۷- اگر زن حامله‌ای حمل خویش را سقط کند (مباشرتاً یا تسبیباً) آیا باید قصاص شود یا دیه بپردازد؟

جواب: قصاص نمی‌شود بلکه فقط دیه دارد.

سؤال ۱۳۴۸- ماده ۹۱ قانون تعزیرات که به تأیید فقهای شورای نگهبان رسیده و لازم‌الاجرا می‌باشد، مقرّر می‌دارد «اگر زن حامله برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین نماید دیه جنین به عهده اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد باید قصاص شود و اگر او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۴

را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود» نظر به این که فقهای شیعه در مورد جنین بین حلول روح و غیر آن فرقی قائل نیستند و در هر حال سقط جنین را موجب ثبوت قصاص نمی‌دانند، آیا مادّه قانونی مذکور منطبق با شرع می‌باشد؟ در صورت منفی بودن، تکلیف قاضی در صدور حکم چیست؟

جواب: با توجّه به روایات متعدّدی که درباره سقط جنین وارد شده و در این روایات (که بعضی از آنها در مورد عمد می‌باشد) چیزی جز دیه وجود ندارد و با توجّه به مدارک دیگری که از کلمات فقها در دست است، قصاص در مورد جنین مطلقاً منتفی است و تنها دیه تعلّق می‌گیرد و باید فقهای محترم شورای نگهبان را در جریان این مسأله گذاشت تا قانون را اصلاح نمایند.

سؤال ۱۳۴۹- چندی قبل خانمی که در ماه هشتم حاملگی بود در اثر تصادف اتومبیل، همراه فرزندی که در رحم داشت فوت می‌کند، از آنجا که جنسیّت بچّه که در رحم مادر بوده مشخص نیست، دیه آن چگونه محاسبه می‌شود؟

جواب: باید دیه دختر و پسر را جمع و تقسیم بر دو کنند.

دیه ولد الزّنا

سؤال ۱۳۵۰- زنی از راه نامشروع حامله شده است، سپس آن بچّه را کشته است:

الف) آیا بچّه دیه دارد؟

ب) اگر دارد به چه کسی می‌رسد؟

جواب: احتیاط واجب پرداختن دیه به مقدار هشت صد درهم است اگر جنین کامل باشد (البتّه اگر این بچّه بزرگ و بالغ می‌شد و اسلام را می‌پذیرفت دیه کامل داشت) و دیه او فقط به امام می‌رسد، یا مجتهد جامع الشرایط که نایب الامام است و در مصالح مسلمین مصرف می‌کند و اگر این بچّه می‌ماند و زن و فرزندانی پیدا می‌کرد دیه او به همسر و فرزندانش می‌رسید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۵

انواع دیه

سؤال ۱۳۵۱- آیا تمام موارد ششگانه دیه قتل نفس، اصالت دارد یا بعضی از آنها اصالت دارد؟

جواب: ظاهر این است که تمام موارد ششگانه اصالت دارد ولی شکّی نیست که در بسیاری از موارد اصل، همان دینار است.

سؤال ۱۳۵۲- نظر حضرت عالی را در باب اعیان ششگانه دیات اوّل این که از جهت رعایت تعادل ارزشی آنها و دوّم این که انتخاب احد اعیان با فرض نزول بهای آن به حدّ ادنی بیان فرمایید، در حال حاضر در دادگاهها معمولا نقره انتخاب می‌شود و بهای یوم الادا به نرخ بازار تعیین و پرداخت می‌گردد که تناسبی با ارزش اعیان دیگر دیه نداشته و سقوط ارزشی آن در آینده نیز محتمّل است. آیا به فرض سقوط کامل ارزش هم، انتخاب عین نقره و پرداخت ده هزار درهم نقره صحیح است؟ و سقوط قیمت تا چه پایه‌ای قابل قبول است.

جواب: الف) احتیاط واجب این است که در حال حاضر که قیمت نقره بسیار سقوط کرده است، نقره را انتخاب نکنند و اگر طلا را انتخاب کنند یک هزار مثقال شرعی، مساوی هفتصد و پنجاه مثقال معمولی کافی است و لزومی ندارد طلای عیار ۱۸ حساب کنند بلکه می‌توانند عیارهای پایین‌تر که در عرف بازار وجود دارد حساب نمایند.

ب) اگر ارزش نقره کاملا سقوط کند بدون شک در دیه کافی نیست.

سؤال ۱۳۵۳- با مراجعه به خبرگان، حتّی عتیقه‌فروشان در خصوص درهم و دینار شرعی و قیمت و ارزش آن نتیجه‌ای حاصل نگردید آیا جایز است هزار دینار و ده هزار درهم را با هزار گوسفند یا دویست گاو و یک صد شتر سنجید و به واحد موجود مثلا گوسفند یا شتر تقویم گردد؟

جواب: می‌توان قیمت دویست دست لباس متوسط معمولی را حساب کرد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۶

زیرا حلّه به معنای لباس است و یمنی بودن در آن شرط نیست و نیز می‌توان به جای درهم و دینار از گوسفند و گاو و شتر استفاده کرد.

عفو از دیه

سؤال ۱۳۵۴- آیا اخذ دیه تعبّدی است یا از مقدار آن می‌توان عدول کرد؟

جواب: مستحقّ دیه می‌تواند از قسمتی یا از تمام حقّ خود صرف نظر کند، ولی حاکم شرع نمی‌تواند تغییری در آن بدهد، همچنین جانی نیز چنین حقّی را ندارد.

سؤال ۱۳۵۵- آیا مجنیٌ علیه (کسی که جنایت بر او واقع شده) می‌تواند قبل از مرگ به طور کلّی جانی را از دیه عفو نماید؟

جواب: جواز عفو بعید نیست ولی احتیاط در مصالحه است.

مسائل متفرّقه دیات

سؤال ۱۳۵۶- آیا جانی غیر از دیه، زیانهایی که در اثر جراحتهای وارده بر مجنیٌ علیه وارد شـده است را نیز لازم است به مجنیٌ علیه بپردازد؟ مانند هزینه محاکمه و از کار و کاسبی افتادگی و غیره.

جواب: جانی زایـد بر دیه مقرّره را شـرعاً ضامن نیست ولی اگر هزینه درمان بیش از دیه باشد، احتیاط واجب آن است که تفاوت را بپردازد.

سؤال ۱۳۵۷- مـاهیّت حقوقی دیه چیست؟ آیـا دیه به عنوان مجازات یـا جبران خسارت وارده بر مجنیٌ علیه تشریع شـده است؟ آیا جایی که خسارت وارده بیشتر از مقدار دیه باشد می‌توان از جانی مطالبه کرد؟

جواب: دیه جنبه جبران خسـارت مـادّی دارد و اگر در موردی برای جـبران خسـارت، علاـوه بر مبلغ دیه هزینه‌هـای بیشتری را برای درمان متحمّل شود همان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۷

گونه که در بالاـ اشـاره شـد احتیـاط واجب آن است که شـخص جانی اضافی را بپردازد (البتّه حـد اقل لازم برای جبران خسارت را می‌پردازد نه بیشتر از آن).

سؤال ۱۳۵۸- اگر شخصـی که دارای حرفه جوشـکاری است، جوشکاری ساختمانی را از اوّل تا آخر کنترات نماید و با صاحب کار قرارداد ببنـدد و شـخص پیمانکـار جهت جوشـکاری از برق فشـارقوی خیابان که از طرف اداره برق اسـتفاده از آن ممنوع گردیـده، اسـتفاده نماید و دچار برق‌گرفتگی شود و منجر به مرگ جوشکار شود در این صورت آیا صاحب کار مقصّر است یا خود جوشکار که در فرض مسأله پیمانکار است؟

جواب: در اینجا مقصّر جوشکار است.

سؤال ۱۳۵۹- چنـانچه مرگ مقتول و نبودنش در خـانه و جـامعه، علاـوه بر خانواده، به گروه یا در فرض مثال به یک جامعه لطمه و ثلمه‌ای که هم مادّی و هم معنوی باشـد وارد آورد، آیا مقدار دیه قبلی که منحصـراً جهت جبران خسارت مادّی عدم حضور وی در خانواده‌اش بوده را می‌توان افزایش داد؟ زیرا غیر خانواده‌اش گروه و جامعه‌ای نیز از مرگ وی متضرّر شده‌اند؟

جواب: گرچه افراد با هم متفاوتنـد ولی شارع مقـدّس برای همه، دیه یکسان قائل شده است (جز در مواردی مانند زن و مرد و امثال آن) و ممکن است فلسفـه آن این باشد که قبول تفاوت با توجّه به این که معیار روشـنی ندارد، سـبب درگیریهای فراوان اجتماعی و کشمکشهای نامحدودی می‌شود و ضرر و زیان آن از منافعش بیشتر خواهد بود.

سؤال ۱۳۶۰- در صورت پرداخت دیه از ناحیه جانی، انتخاب نوع دیه به عهده پرداخت‌کننده است یا گیرنده؟

جواب: در مواردی که حکم مبنی بر قصاص است انتخاب نوع دیه مشروط به توافق طرفین است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۸

سؤال ۱۳۶۱- در قتل عمد، اگر پدر رضایت داد و مطالبه دیه کرد و جد مخالفت کند و مطالبه قصاص نماید کدام مقدّم است؟

جواب: با وجود پدر نوبت به جد نمی‌رسد.

سؤال ۱۳۶۲- در مناطق ما رسم است که اهالی هر محلّه در ایّام فراغت و مناسـبتهای مختلف به عنوان تفریح و تفنّن، اقدام به مسابقه تیراندازی می‌کنند که متأسـفانه در جریان یکی از مسابقه‌ها شخصی اسلحه کلاشینکف شخص دیگری را در اختیار پسر بچّه نابالغی (۱۲- ۱۳ ساله) قرار داده و با این که اطرافیان تـذکّر می‌دهنـد که مواظب اسـلحه و پسر بچّه باشـد می‌گویـد کاملا مواظب هسـتم و مشـغول راهنمایی او شده و می‌گوید چنان کن و چنین بگیر، پسر بچّه طبق دسـتور عمل کرده، ولی چون اسلحه روی رگبار بوده از

اختیار بچّه خارج شده و راهنما را مورد اصابت قرار داده و به قتل می‌رساند، حال:

الف) آیا راهنمای مقتول بدون اجازه والدین پسر بچّه به هر عنوان، حق داشته اسلحه در اختیار وی قرار دهد؟

ب) آیا مقتول در قتلش معاون یا مباشر می‌باشد یا هر دو محسوب می‌شود و یا هیچ‌کدام؟ خلاصه، دیه مقتول به عهده چه کسی می‌باشد؟

ج) در صورتی که دیه بر عاقله تعلّق گیرد، آیا با وجود پدر شامل باقی نزدیکان نیز می‌شود؟ در ضمن مشخص بفرمایید تقسیم دیه بر عاقله بر چه اساس می‌باشد؟

جواب: الف) حقّ چنین کاری را نداشته است.

ب) هرگاه قرار دادن اسلحه در اختیار چنین کودکی عرفاً کار خطرناکی محسوب شود، راهنما در برابر آن مسئول است و اگر خودش کشته شده باشد دیه ندارد در غیر این صورت دیه بر عاقله است.

ج) احتیاط این است که پدر هم شرکت کند و امّا شرکت دیگران قطعی است و طرز تقسیم دیه بین آنها بر حسب توانایی و چگونگی امکانات آنهاست که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۹

خودشان یا در صورت اختلاف به کمک حاکم شرع، دیه را در میان خود سرشکن می‌کنند.

سؤال ۱۳۶۳- گرفتن پول خون مقتول چگونه است لطفاً توضیح دهید؟

جواب: دیه یک حقّ الهی است و گرفتن آن در مواردی که شرع اجازه داده است مانعی ندارد هر چند عفو کردن در بعضی از موارد بهتر است.

سؤال ۱۳۶۴- شخصی تصادف کرده و یک نفر را کشته است، دادگاه حکم کرده که قاتل باید دیه بپردازد ولی قاتل قبل از پرداخت دیه فوت کرده است، آیا بر ورثه واجب است که این دیه را بپردازند؟

جواب: دیه مانند سایر دیون است و واجب است که از اصل مال او بپردازند.

سؤال ۱۳۶۵- آیا دایره ولایت ولیّ قهری بر مولّی علیه صرفاً ناظر بر حقوق مالی است و یا اطلاق دارد. به عبارت دیگر آیا ولیّ قهری در حقّ قصاص نفس و عضو از باب ولایت می‌تواند قاتل و جانی را عفو نماید و یا این که لزوماً غبطه صغیر در اخذ دیه است و بدون اخذ آن مجاز به عفو نیست، در صورتی که غبطه صغیر و مولی علیه در اخذ دیه نفس و عضو باشد در صورت اخذ آن از جانی آیا او به اعتبار ولایت می‌تواند هر گونه دخل و تصرّفی را در سهم مالی مولی علیه و لو به نفع خود بنماید.

جواب: ولایت ولیّ صغیر شامل دیه و مانند آن می‌شود، امّا نمی‌تواند بر خلاف غبطه صغیر، دیه و مانند آن را ببخشد یا به نفع خود تصرّف کند.

سؤال ۱۳۶۶- در کشورهای حوزه خلیج فارس، شرکتهایی است که اگر کارگر شاغل در آن شرکتها در هنگام کار در اثر سانحه‌ای مانند سقوط از ساختمان فوت نماید مبلغ سی میلیون تومان به عنوان دیه به ورثه متوفّی پرداخت می‌نماید، این مبلغ چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه پرداختن دیه مزبور به صورت شرط استخدام کارگر در آمده باشد، اشکال ندارد، این شرط ممکن است به هنگام قرارداد با کارگر ذکر شده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۰

باشد و یا این که به صورت قانون کلّی در عرف کارگری آنجا باشد که جزء شرایط عامّه استخدام محسوب گردد.

سؤال ۱۳۶۷- آیا دیه مقتول جزء ماترک و دارایی اوست و آیا تقسیم آن بین ورثه همچون قانون ارث است؟

جواب: تمام وارثان نسبی و سببی از دیه ارث می‌برند، مگر متقرّبان به مادر مانند برادر و خواهر مادری.

سؤال ۱۳۶۸- اگر کسی زن شخص دیگری را به قتل برساند و این زن جز مرد وارث دیگری نداشته باشد آیا شوهر این زن می‌تواند از قاتل مطالبه خرج و مخارجی را که در رابطه با ازدواج همسرش متوجّه او شده بنماید؟ و با توجّه به این که دادن غذا و خرج در مراسم عزاداری وجوب شرعی ندارد آیا می‌تواند چنین مخارجی را نیز از قاتل مطالبه بنماید؟

جواب: تنها سهم دیه را می‌تواند بگیرد و حقّ مطالبه نسبت به هزینه‌های فوق را ندارد.

سؤال ۱۳۶۹- نظر به این که در سال گذشته در حادثه رانندگی که منجر به فوت شخص مصدوم شد ملزم به پرداخت دیه بر اساس شرایط شرع مقدّس شدم و در حال حاضر پس از گذشت بیش از یک سال با گرفتن وام و استفاده از بیمه وسیله نقلیّه، تنها حدود نصف دیه را می‌توانم نقداً پرداخت نمایم، آیا می‌توانم مابقی را به صورت اقساط بپردازم؟

جواب: شما می‌توانید دیه مزبور را ضمن دو سال پرداخت نمایید هر سال نصف آن را، مگر این که با وارثان آن شخص توافق بر مدّت بیشتری نمایید.

سؤال ۱۳۷۰- اگر در جریان تصادف رانندگی مقتول مقصِّر شناخته شود آیا باز نسبت به راننده خطاء در قتل محسوب است که دیه مقتول بر عاقله راننده واجب گردد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۱۱

جواب: در تصادف رانندگی قتل خطا نیست، اگر راننده مقصِّر باشد شبه عمد است اگر عابر مقصّر باشد مثل این که خود را به زیر ماشین انداخته هیچ دیه‌ای وجود ندارد و اگر قتل مستند به هر دو باشد دیه از راننده به نسبت گرفته می‌شود.

سؤال ۱۳۷۱- قتل غیر عمدی واقع شده است و در این مدّتی که از قتل گذشته مقدار دیه تغییر کرده است آیا پرداخت‌کننده دیه ملزم به پرداخت وجه زمان حادثه است یا وجه فعلی؟

جواب: ملزم به پرداخت وجه فعلی است مگر این که قبلا توافق و مصالحه‌ای بر مبلغ معیّنی شده باشد.

سؤال ۱۳۷۲- چندین نفر همزمان به شخصی تیراندازی کرده‌اند و آن شخص به وسیله یک یا چند گلوله کشته شده است، امّا معلوم نیست تیر کدام یک از تیراندازان به او اصابت نموده، ولی قدر مسلّم تیر یکی از این چند نفر بوده است، حکم قضیّه چگونه است؟

جواب: چنانچه ثابت شود که به واسطه یکی از آنها این شخص کشته شده و راهی برای تعیین قاتل نیست دیه در میان همه آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۳۷۳- اگر سه نفر شخص واحدی را به قتل برسانند و ولیّ دم خواهان قصاص هر سه نفر باشد نوع فاضل دیه که باید توسط ولی پرداخت شود را چه کسی تعیین می‌کند؟ آیا تعیین در اختیار ولیّ دم است یا اولیای قاتلانی که قصاص خواهند شد؟

جواب: انتخاب با ولیّ دم است.

سؤال ۱۳۷۴- با توجّه به این که در شرع و قانون مسئول پرداخت دیه، جانی می‌باشد و انتخاب نوع آن هم در اختیار اوست، چنانچه در موقع انتخاب نوع دیه، جانی اطّلاع کافی در مورد قیمت انواع دیه نداشته باشد یا بطور صحیح به وی تفهیم نگردیده باشد و به خاطر عدم اطّلاع گاو یا گوسفند را انتخاب کند و بعد از انتخاب و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۱۲

صدور حکم و قبل از اتمام مهلت پرداخت و قبل از شروع به اجرای آن، اظهار نماید من قدرت پرداخت دیه از نوع گوسفند را ندارم ولی از نوع شتر را دارم در فرض مسأله آیا حقّ تغییر را دارد؟ تغییر نوع دیه با علم و اطّلاع چه صورت دارد؟

جواب: مانعی ندارد، در هر دو صورت می‌تواند تغییر دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۱۳

فصل چهل و پنجم: مسائل بانکی

سؤال ۱۳۷۵- حکم سپرده‌های بلند مدّت بانکها، بدون شرط صاحب پول چیست؟

جواب: در صورتی که طبق عقود شرعیّه انجام شود و یا این که صاحب پول انتظار و مطالبه‌ای نداشته باشد و بانک از ناحیه خود چیزی بدهد اشکال ندارد و در صورت دوّم نشانه‌اش این است که اگر بانک به او چیزی ندهد مطالبه نکند.

سؤال ۱۳۷۶- در زمان فعلی- که بحمد الله دوران حاکمیّت جمهوری اسلامی می‌باشد و به برکت خون شهدا و فعالیّتهای مردم و بینش و رهبری حضرت امام (رحمه الله) طاغوت از بین رفته است، پول گذاشتن در بانکها چه صورت دارد؟ آیا می‌توان سودی که بانکها برای حسابهای پس‌انداز پرداخت می‌کنند را گرفت؟ و همچنین قرض گرفتن از بانکها و دادن بهره چه صورت دارد؟

جواب: سود پس‌انداز که بانک داوطلبانه می‌دهد مشکلی ندارد مگر آن که به صورت قرارداد درآید و امّا سود سپرده‌های ثابت یا وامهایی را که از بانک می‌گیرند، در صورتی که به آیین‌نامه بانکی در رابطه با عقود شرعیّه عمل شود نیز مانعی ندارد و در صورت شک می‌توان حمل بر صحّت کرد، ولی اگر یقین داشته باشید که به آیین‌نامه‌های عقود شرعیّه عمل نمی‌کنند جایز نیست.

سؤال ۱۳۷۷- بانکها در جمهوری اسلامی تحت عناوین شرعیّه مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت، جعاله با مشتریان و بالعکس قرارداد منعقد می‌کنند و هر ماه علی الحساب ۱۴ درصد یا کمتر یا بیشتر سود در اختیار مشتریان قرار داده و در پایان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۱۴

مدّت تسویه حساب می‌کنند، نظر به این که مردم عادی و مشتریان، عموماً شرایط و قیود مندرج در برگه قرارداد را مطالعه نمی‌کنند و نوعاً به امضا کردن اکتفا می‌کنند و بدین وسیله رضایت خود را در پذیرش کلیّه شروط و قیود اعلام می‌دارند، آیا صرف امضا کردن یا قبول کلیّه شرایط به طور شفاهی با آن که از خصوصیّات و عناوین شرعیّه آگاهی ندارند، سبب تحقّق عقود مذکوره و مشروعیّت آنها می‌شود؟ یا لازم به تفهیم و تفهّم از طرف بانکها یا متعاقدین می‌باشد؟ و در صورت عدم مشروعیّت، آیا راه حل دیگری به نظر مبارک می‌رسد؟

جواب: هرگاه وکالت مطلقه به بانکها بدهد که پول او را طبق عقود شرعیّه به کار گیرد و سود حاصل را به او بدهد اشکال ندارد و آگاهی به جزئیات بعد از وکالت مطلقه لازم نیست.

سؤال ۱۳۷۸- از آن جایی که بانکهای ایران گاهی توان پرداخت به موقع مطالبات خارجی را ندارند راه چاره‌های مختلفی پیش گرفته‌اند از جمله: یکی از بانکها با بعضی از بانکهای خارجی قراردادی منعقد نموده که طبق آن، بانک خارجی از طرف بانک ایرانی پول معامله را در آن کشور سر موعد به فروشنده پرداخت می‌نماید و یک سال بعد پول خود را به اضافه ۹ درصد از بانک ایرانی و ۶ درصد از فروشنده، به عنوان نرخ بیمه برای پرداخت سر موعد دریافت می‌دارد. توضیح این که پس از حمل جنس از فروشنده که حدوداً سه ماه بعد از قرارداد از طریق بانک خارجی و ایرانی می‌باشد، بانک خارجی پول فروشنده را تحویل می‌دهد ولی پول پرداختی را یک سال بعد، از بانک ایرانی با ۹ درصد بهره تحویل می‌گیرد، بنابراین روش کار، بانک ایرانی در روز عقد قرارداد معامله توسط خریدار ۱۰۰ درصد مبلغ معامله را به اضافه ۹ درصد بهره‌ای که بانک خارجی توافق نموده، از خریدار دریافت می‌دارد فروشنده نیز که دریافت به موقع پولش را حقّ طبیعی خود می‌داند ۶ درصد کارمزدی را که به بانک خارجی، تحت عنوان نرخ بیمه برای پرداخت به موقع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۱۵

می‌پردازد عملاً به قیمت جنس افزوده و از مصرف‌کننده دریافت می‌کند. با توجّه به این که فروشنده چیز اضافه‌ای از خریدار دریافت نمی‌دارد، آیا شکل معامله فوق برای خریدار صحیح است؟

جواب: در صورتی که شما از ماهیّت این کار باخبر باشید و رضایت بدهید، برای شما اشکالی ندارد، به این معنا که شما پول خود را به بانک، وام بدون سود می‌دهید و بانک برای شما جنس را به طور نسیه به قیمت بالاتر از قیمت نقد خریداری می کند مشروط بر این که شما بیمه مربوط را نیز بپردازید، در این صورت معاملات فوق شرعاً برای شما صحیح خواهد بود. ولی این کار در صورتی برای بانک جایز است که مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند که معاملات با طرفهای خارجی به این شکل انجام شود، در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۳۷۹- شخصی پولی را به صورت سپرده کوتاه مدّت و یا بلند مدّت در بانک می گذارد و هر ماه بانک به نسبت مقدار پول، طبق شرایط خاصّی مبلغی به صاحب حساب می‌پردازد، آیا می‌شود این پول را قبول کرد و آیا به آن خمس تعلّق می گیرد؟

جواب: چنانچه آیین‌نامه بانکی مربوط به عقود شرعیّه، عمل بشود، حلال است و خمس نیز دارد و اگر مسئولین بگویند عمل می کنیم و دلیلی بر خلاف آن نباشد کافی است.

سؤال ۱۳۸۰- گاهی بانکها به منظور ترغیب مشتریان که پولشان را به بانک بسپارند و یا حساب باز کنند جوایزی از طریق قرعه‌کشی قرار می‌دهند کسی که قرعه به نام او اصابت کند جایزه‌ای می‌برد آیا این عمل جایز است و جایزه حلال می‌باشد؟

جواب: اگر این کار واقعی باشد نه برای فریب مردم جایز و حلال است.

سؤال ۱۳۸۱- اگر شخصی که به بانک بدهکار است به صورت قسطبندی مبلغی را علاوه بر بدهی به عنوان سود به بانک بپردازد و سپس بعد از مدّتی پولی به بانک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۱۶

بسپارد و سودی در برابر آن بگیرد آیا می‌تواند این را به عنوان تقاص سودی که داده بگیرد؟

جواب: اگر در معامله اوّلی پولی را به عنوان ربا داده کار حرامی کرده است، ولی می‌تواند در معامله دوّم، به نیّت تقاص معادل آن را پس بگیرد.

سؤال ۱۳۸۲- بانکها برای وامهایی که به متقاضی می‌دهند از همان اوّل محاسبه سود را به عنوان کارمزد می‌نمایند، اگر همین کار را یک فرد بازاری به عنوان وام یا فروختن جنس به صورت نسیه، انجام دهد، آیا حکم ربا دارد؟

جواب: منظور از کارمزد حق‌الزّحمه ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض‌الحسنه به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات بانکی انجام می‌دهند داده می‌شود و کارمزد متعلّق به آنهاست و اگر دهنده پول، کارمزد را به عنوان خودش بگیرد ربا و حرام است و در معاملات بازار نیز همین گونه است.

سؤال ۱۳۸۳- بانکها برای سپرده‌های کوتاه مدّت و بلند مدّت سود معیّنی را در نظر می گیرند، ولی در سپرده‌های قرض الحسنه جز اجر معنوی سودی وجود ندارد با توجّه به مطلب فوق سپرده گذاری در بانک به عنوان سپرده کوتاه مدّت یا بلند مدّت که ارزش پول کاهش نمی‌یابد و از همان پول، دیگران نیز به عنوان وام استفاده می کنند چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه رعایت عقود شرعیّه را بنمایند یا این که وکالت مطلقه به مسئولین بانک داده شود که رعایت این عقود را بکنند، حلال است.

سؤال ۱۳۸۴- هر گاه شخصی بخواهد مثلا مبلغ پانصد هزار تومان وام (قرض) بگیرد باید معرّف داشته باشد و معرّف هم نصف مبلغ وامی که قرض گیرنده می‌خواهند بگیرد را باید در بانک مسدودی داشته باشد، یعنی از مبلغ پانصد هزار تومان، مبلغ ۲۵۰ هزار تومان را باید به عنوان مسدودی در صندوق بخوابانند تا وقتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۱۷

وام گیرنده تمام بدهی خود را پرداخت نماید و با پرداخت آخرین قسط، مسدودی هم آزاد می‌شود، حال بفرمایید اگر معرّف

موجودی در صندوق نداشته باشد آیا می‌تواند به قرض گیرنده بگوید: شما دو برابر مورد نیاز خود درخواست کنید، مثلا یک میلیون تومان درخواست وام کنید که پانصد هزار تومان آن را به حساب معرّف مسدود نمایند تا معرّف ایشان را معرّفی کند که به ایشان ۲ برابر وام دهند که پانصد هزار تومان آن، به وام‌گیرنده داده شود تا زمانی که آخرین قسط یک میلیون تومان پرداخت گردید صندوق پانصد هزار تومانی که به عنوان مسدودی ضبط کرده بود بدون هیچ گونه کم و زیادی به قرض‌گیرنده پرداخت نماید که در حقیقت وام‌گیرنده در آخر کار مبلغ پانصد هزار تومان پس‌انداز دارد که یک جا دریافت می‌کند. لطفا بفرمایید اوّل این که این گونه عملکرد بانک از نظر شرعی صحیح است؟ و دوّم این که این پانصد هزار تومانی که در آخرین پرداخت قسط می‌گیرند خمس دارد؟

جواب: در صورتی که صندوق قرض‌الحسنه کار تجاری با پولهای مردم انجام ندهد هر دو صورت مسأله صحیح است و در صورت دوّم خمس به پول پس‌انداز شده تعلّق می‌گیرد.

سؤال ۱۳۸۵- این جانب با یکی از اقوام خود صحبت نمودم که حواله وام قرض‌الحسنه‌ای را به نام ایشان از بانک بگیرم، ایشان وام را دریافت کرد و کلا مبلغ آن را جهت رفع مشکلاتم به من داد و اقساط آن را من داده و می‌دهم، جهت دریافت وام ابتدا حساب پس‌انداز باز می‌کنند که کارمزدها را از آن برداشت کنند، اینک با توجّه به این که صاحب دفترچه از خود هیچ گونه هزینه و سرمایه‌ای نداده است، این دفترچه پس‌انداز مبلغ ۴۵۰۰۰۰ ریال جایزه برنده شده است، این جایزه از آن کیست و یا به چه نسبت به من می‌رسد؟

جواب: جایزه به کسی می‌رسد که صاحب دفترچه پس‌انداز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۹

فصل چهل و ششم: مسائل پزشکی

مسائل مربوط به تشخیص و درمان

سؤال ۱۳۸۶- اگر تشخیص بیماری به درستی صورت گیرد ولی داروی مؤثّر در دسترس نباشد و یا بسیار گران باشد و بیمار قادر به تهیّه آن نباشد، آیا پزشک معالج ملزم به تهیّه آن دارو به هر طریق ممکن برای بیمار می‌باشد؟

جواب: اگر جان بیمار در خطر باشد و طبیب قدرت بر آنچه گفته شد داشته باشد، لازم است و هرگاه یکی از این دو شرط حاصل نباشد واجب نیست.

سؤال ۱۳۸۷- اگر پزشک به خاطر فراموشی انواع و علائم بیماریها- به خاطر گستردگی موضوع- بیماری شخص را تشخیص ندهد و لذا نداند داروی مناسب چیست و در نتیجه اصلا دارویی تجویز نکند در صورتی که بیماری تشدید و یا منجر به مرگ گردد، این پزشک در چه حدّی مسئول است؟ (در صورتی که امکان ارجاع به متخصص باشد).

جواب: وظیفه‌اش آن است که دخالت نکند و او را به فرد آگاهتری هدایت نماید.

سؤال ۱۳۸۸- اگر فرصت و امکان آزمایش وجود داشته باشد امّا به دلایل دیگری همانند: الف) عدم قدرت بیمار بر پرداخت هزینه‌ای که به او تحمیل می‌شود ب) نبودن امکانات مورد نیاز ج) نداشتن وقت کافی از ناحیه بیمار، آزمایشات لازم صورت نگیرد، در این صورت وظیفه پزشک چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۰

جواب: اگر بدون آزمایش تشخیص بیماری ممکن نیست باید به سراغ آن برود (مگر اینکه وقت کافی موجود نباشد) و اگر

تشخیص بیماری طبق موازین داده شده، و آزمایش برای اطمینان بیشتر است وجوبی ندارد.

سؤال ۱۳۸۹- اگر بدانیم یا احتمال بدهیم که یک بیمار در اثر یک بیماری خاصّی مثل برخی سرطانها بزودی خواهد مرد، آیا مجازیم فقط برای افزایش طول عمر وی هر چند به مدّت کوتاه روش‌های درمانی خطرناک و بسیار پرعارضه، مثل شیمی درمانی که گاهی عوارض آن بسیار شدیدتر از بیماری اوّلیه است را برای وی تجویز کنیم؟

جواب: در فرض مسأله دلیلی بر وجوب و جواز این گونه درمانها نداریم ولی اگر بیمار خودش با علم به این عوارض راضی بشود مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۰- در بعضی از بیماریها، مثل برخی عفونتهای نه چندان مهم، پزشک جهت تسریع بهبودی بیمار، یا اطمینان از این که داروی تجویزی وی بسیار قوی است و در مورد خیلی از عفونتها می‌تواند مؤثّر باشد، و یا به خاطر این که از هزینه درمان بیمار و مراجعات مکرّر وی بکاهد، اقدام به تجویز داروهایی می‌کند که ضررهای آنها کاملا شدید بوده و به اثبات رسیده است و این در حالی است که شاید بتوان از طریق داروهای دیگری که ضرر بسیار کمتری دارند، ولی ممکن است با عدم اطمینان کامل و هزینه زیادتر همراه باشند بیمار را معالجه نمود. با چنین فرضی، بهترین کار چیست؟ انتخاب راه سریع و پرخطر یا راه کم خطر و احیاناً دیر تأثیر.

جواب: انتخاب راه دوّم لازم است.

سؤال ۱۳۹۱- گاهی اوقات مطمئن هستیم که یک بیماری، بیمار را به زودی خواهد کشت، از طرفی می‌دانیم که با یک عمل درمانی مثل جرّاحی ممکن است یا بیمار بهبودی نسبی و احتمالی پیدا کند و یا حتّی زودتر از موعد از دنیا برود، وظیفه ما در چنین حالتی چیست؟ اگر با این کار به تسریع مرگ بیمار کمک کنیم، آیا مدیون نیستیم؟ همچنین اگر اقدام به درمان نکنیم، آیا مسئول نیستیم؟ با توجّه به این که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۱

گاهی نتیجه کار کاملا نامشخص است.

جواب: اگر احتمال بهبودی، احتمال قابل توجّهی است باید اقدام کرد (با جلب رضایت بیمار) و اگر احتمال ضعیف است و احتمال خطر نیز وجود دارد اقدام نکنید.

ضمان طبیب

سؤال ۱۳۹۲- اگر پزشک بنا به اصرار بیمار، دارویی تجویز نماید و یا سایر اقدامات درمانی که مضرّ است انجام دهد، در صورت ایجاد عارضه، مسئول کیست؟

جواب: اگر پزشک اثر زیان‌بخش دارو را اعلام کند مسئولیتی در برابر عارضه ندارد و اگر اعلام نکند، مسئول است ولی در هر صورت پزشک باید مقاومت کرده و داروی مضرّ را به بیمار معرّفی نکند.

سؤال ۱۳۹۳- با توجّه به این که ممکن است جان بیمار به طور اورژانسی (فوری) در خطر باشد و زمانی جهت تعیین حساسیت فرد به دارویی خاص وجود نداشته باشد، اگر با تجویز دارو، بیمار به آن حساسیت پیدا کرده دچار عوارض شدید و یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض مسئولیّتی خواهد داشت؟

جواب: باید از بیمار یا ولیّ او اجازه بگیرد و اگر دسترسی به آنها نیست ما به عنوان حاکم شرع در این گونه موارد ضروری به اطبّا اجازه می‌دهیم و ضامن نیستند. (به شرط اینکه دقّت کافی کنند)

سؤال ۱۳۹۴- اگر با توجّه به علوم امروزی، امکان تعیین حسّاسیّت یک دارو وجود نداشته باشد، آیا پزشک، در صورت ایجاد

عارضه مسئول است؟

جواب: در صورتی که آن دارو منحصر به فرد، نباشد و بیمار جنبه اورژانسی نداشته باشد، استعمال آن دارو روی انسان جایز نیست، امّا اگر دارو منحصر به فرد است و استعمال آن ضروری به نظر می‌رسد و احتمال نجات بیشتر از احتمال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۲

خطر است باید آن را در مورد بیمار بکار ببرد.

سؤال ۱۳۹۵- به طور کلّی با توجّه به علوم امروزی اگر بدانیم یا احتمال بدهیم که نجات جان بیمار وابسته به مصرف داروهای خاصی می‌باشد که مضرّند و این مضرّات به احتمال قوی برای همگان رخ خواهد داد و با تجویز پزشک، شخص دچار یک یا چند مورد از این عوارض شود، آیا پزشک مسئول است؟

جواب: در صورتی که دارو منحصر به فرد باشد و تأثیر آن از زیانهای آن بیشتر است و پزشک چگونگی را به بیمار اعلام کند تجویز آن مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۶- اگر دارو یا داروهایی، نه برای نجات جان بیمار بلکه جهت تسکین و مداوای ناراحتیهایی که باعث آزار بیمار می‌شوند همانند: تب، خارش، درد، زخم و ... مصرف شوند و بدانیم یا احتمال دهیم که این داروها مؤثرند و با توجّه به این که اکثر داروهای مؤثر، در کوتاه مدّت یا درازمدت دارای عوارض زیادی می‌باشند، در صورت تجویز پزشک و ایجاد عارضه که گاهی بدتر از بیماری اوّلیّه می‌باشد، آیا پزشک مسئولیّتی به عهده خواهد داشت؟ (لازم به ذکر است شایع‌ترین و بیشترین تجویز دارو در چنین مواردی صورت می‌گیرد و لذا اهمیّت فراوانی دارد و از طرفی اگر بخواهیم درمان هیچ ضرری نداشته باشد گاهی اصلا هیچ درمانی نباید انجام دهیم).

جواب: اگر ضرر مهمّی نداشته باشد اشکالی ندارد زیرا داروها به هر حال عوارضی دارند، ولی اگر ضرر مهمّی داشته باشد تجویز آن جایز نیست مگر در صورت ضرورت شدید با کسب رضایت بیمار یا ولیّ او.

سؤال ۱۳۹۷- در صورتی که داروهای کاملا- مؤثّر به هر علّتی در دسترس نباشند، آیا پزشک می‌تواند داروهایی را که احتمال می‌دهد مؤثّر باشند تجویز کند؟ در صورت عدم موفقیّت، آیا پزشک در قبال عوارض احتمالی این داروها یا هزینه بیهوده‌ای که بر بیمار تحمیل شده مسئول و مدیون است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۳

جواب: اگر راه منحصر به استفاده از آن داروها باشد اشکالی ندارد، ولی باید بیمار را در جریان بگذارد و جلب رضایت کند.

سؤال ۱۳۹۸- با توجّه به گستردگی بسیار زیاد علوم پزشکی که واقعاً امکان فراگیری و به خاطر سپردن تمامی بیماریها و تمامی داروهایی که روی همه بیماریها مؤثّرند و نیز تشخیص عوارض آنها وجود ندارد، اگر پزشک به خاطر فراموشی بنا به حدس خود، چه در موارد اورژانس جهت نجات جان و یا تسکین آلام بیمار، سهواً اقدام به تجویز دارویی غیر مؤثّر به بیماری کند که بیمار را متحمّل هزینه بیهوده و یا عوارض جانبی کند، در این صورت آیا پزشک مسئول و مدیون است؟ (در صورتی که امکان ارجاع به متخصّص دیگری هم نباشد)

جواب: از جواب مسأله بالا معلوم شد.

سؤال ۱۳۹۹- اگر به خاطر کمبود امکانات لازم برای تشخیص کامل، تشخیص ممکن نگردد و مداوای لازم صورت نگیرد و بیماری تشدید یا منجر به مرگ شود، آیا پزشک معالج مسئول است؟

جواب: مسئولیّت ندارد، ولی باید داروهای مشکوک و مضر به بیمار ندهد.

سؤال ۱۴۰۰- در برخی بیماریها همانند فشار خون بالا، به علّت عوامل ناشناخته ایجادکننده آن، طبق روش معمول که اجرای آن

طبق علوم روز ضروری است، یک یا چند دارو به کار برده می‌شود و در صورت عدم تأثیر، داروهای دیگری به کار برده می‌شود، الی آخر. با توجّه به اینکه این داروها از یک طرف در افراد مختلف همگی مؤثّر نیستند و ممکن است در شخصی، درمانهای اوّلیّه و در شخص دیگری درمانهای آخر مؤثّر باشند و از طرف دیگر، هر یک از داروها دارای عوارض خاصّی هستند، آیا پزشک معالج- که در حقیقت داروهای مختلف را به ترتیب در مورد بیمار آزمایش می کند- در قبال هزینه اضافه یا عوارض داروها مسئول است؟

جواب: اگر راه درمان منحصر به همین راه است باید اقدام کند و مسئولیّتی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۴

سؤال ۱۴۰۱- اگر پزشک با توجّه به گستردگی موضوع نداند و یا فراموش کرده باشد که دارو یا روش تشخیصی وی برای خانمهای باردار یا شیرده مضر است، مسئولیّت پزشک در صورت ایجاد عارضه در جنین یا مادر در چه حدّی می‌باشد؟

جواب: پزشک موظّف است از زنانی که در معرض بارداری هستند سؤال کند و اگر بدون تحقیق داروی مضرّی بدهد مسئول است.

سؤال ۱۴۰۲- به طور کلّی آیا جواب منفی خانم بیمار در مورد پرسش پزشک از حاملگی وی چه خود بداند باردار است و به هر علّتی نگوید و چه نداند که باردار است از پزشک معالج در قبال عوارض احتمالی رفع مسئولیّت می کند؟

جواب: اگر راه تشخیص بارداری منحصر به سؤال از بیمار است در فرض مسأله مسئولیّتی ندارد.

سؤال ۱۴۰۳- اگر پزشک از بارداری بیمار سؤال نکند و وی هم متذکّر نشود، مسئولیت عوارض احتمالی به عهده کیست؟

جواب: جواب این مسأله از آنچه در جواب سؤال ۱۴۰۱ گفته شد روشن می‌شود.

سؤال ۱۴۰۴- گاهی اوقات، پزشک تنها جهت احتیاط و مطمئن شدن در جهت تشخیص و یا ردّ یک بیماری احتمالی مثل سل در هر بیمار مشکوکی- با هر علامت غیر اختصاصی- دستور رادیوگرافی می‌دهد تا یک بیماری مخفی احتمالی را کشف کند، در صورت وجود یا عدم هر گونه بیماری (که احتیاج به رادیوگرافی دارد) آیا پزشک در ایجاد عوارض احتمالی و هزینه درمان مسئول است؟

جواب: در صورتی که احتمال بیماری، احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد، این اقدام اشکال ندارد و مسئول نیست.

سؤال ۱۴۰۵- با توجّه به اینکه تشخیص بسیاری از بیماریها یا اختلالات به وسیله آزمایش امکان‌پذیر است و از طرفی امکان اشتباه در آزمایشگاه و تفسیر آزمایشها،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۵

همیشه وجود دارد، در صورت اشتباه آزمایشگاه و در نتیجه معالجه اشتباه پزشک، مسئول خسارات و عوارض احتمالی کیست؟

جواب: آزمایشگاه مسئول است.

سؤال ۱۴۰۶- با توجّه به این که بارداری، در هفته‌های اوّل از روی ظواهر و گاه با روشهای ساده چندان قابل تشخیص نیست و از طرفی بیشترین عوارض خطرناک روشهای درمانی تشخیص مضر، در همین زمان آن هم به صورت اختلالات شدید در جنین رخ می‌دهد و بدین ترتیب چون یا به خاطر کمبود امکانات یا عدم فرصت کافی یا عدم تمایل بیمار به صرف هزینه‌های تشخیص بارداری، یا عدم اطّلاع وی از بارداری خود و در نتیجه جواب منفی دادن وی در مورد پرسش پزشک از بارداری وی و حتی گاهی عدم امکان تشخیص به وسیله روشهای مدرن به خاطر جوابهای منفی کاذب آزمایشات، پزشک نمی‌تواند تشخیص دهد و یا نمی‌داند که بیمار باردار است، روشهای تشخیصی درمانی مختلف را برای وی به کار می گیرد حال در صورت ایجاد عارضه در مادر یا جنین، آیا پزشک معالج مسئول است؟

جواب: در صورتی که راهی برای تشخیص بارداری نباشد و داروها منحصر به فرد باشد و از بیمار اجازه بگیرد مسئول نیست.

سؤال ۱۴۰۷- اگر پزشک روش یا دارویی را تعریف کند و بگوید این دارو برای فلان بیماری مفید است و یا بگوید درمان، مترتّب

بر فلان داروست- بدون آن که بیمار را وادار به مصرف آن دارو کند- آیا در این حالت، در صورت عدم تأثیر یا عوارض دارو، پزشک مسئول یا مدیون است؟

جواب: اگر پزشک در کار خود کوتاهی نکرده باشد مسئولیّتی ندارد.

سؤال ۱۴۰۸- در بسیاری از بیماریها و اختلالات جسمانی، پزشک دستور انجام رادیوگرافی، سی‌تی‌اسکن و ... می‌دهد که مطمئناً به خصوص برای برخی افراد مضر می‌باشد ولی در خیلی از موارد، این آزمایشات می‌توانند کمک‌کننده در تشخیص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۶

بیماری باشند به هر حال، در فرض فوق مسئولیّت پزشک در صورت ایجاد عوارض آزمایشها تا چه حدّی است؟

جواب: از پاسخهای قبل روشن شد.

سؤال ۱۴۰۹- در فرض مسأله فوق اگر بیمار کاملا بیهوش باشد آیا می‌توان از خویشان بالغ وی اجازه گرفته و یا با آنها شروط فوق را انعقاد نمود؟

جواب: می‌توان از ولیّ او اجازه گرفت.

سؤال ۱۴۱۰- یک سؤال مهمّ و اساسی مطرح است که به طور کلّی و در تمامی روشهای تشخیصی و درمانی اگر پزشک قبل از انجام هر عملی به خود بیمار و یا ولیّ او- اگر بیمار بالغ یا عاقل نباشد- متذکّر شود که این روشها از یک طرف ممکن است بی‌فایده باشند و وقت و مال او را به هدر دهند و از طرف دیگر ممکن است عوارض متفاوتی برای او داشته باشند و بدین ترتیب با ذکر این مطلب پزشک، قبل از هرگونه معاینه و دستور روشهای تشخیصی و درمانی و تجویز دارو در قبال خسارات و عوارض احتمالی از خود کاملا سلب مسئولیّت کند و بیمار چه از روی ناچاری و چه از روی تمایل و یا به ظاهر از روی تمایل، این شرط را قبول نماید، آنگاه در صورت اشتباه سهوی پزشک هزینه‌های بیهوده، بی‌فایده بودن و یا عوارض ناشی از روشهای تشخیصی و درمانی، آیا پزشک مسئول است؟ در صورتی که وی حدّ اکثر تلاش خود را نیز بکند.

جواب: اگر از آنها اجازه گرفته و سلب مسئولیّت در برابر این گونه امور نموده ضامن نیست.

سؤال ۱۴۱۱- در فرض مسأله فوق، آیا باید با تک تک بیماران شرط نمود و با امضای پرسشنامه مربوطه و یا نصب اطّلاعیّه در مراکز درمانی مبنی بر این که مراجعه بیماران نشانگر قبول این شرایط است و یا به اطّلاع رساندن از طریق رسانه‌های گروهی که مراجعه شما نزد پزشک به این شرایط، مترتّب است، از پزشک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۷

رفع مسئولیّت شرعی نمود؟ و مثلاـ اگر قبل از عمل جرّاحی، بیمار مجبور به امضای شرایطی باشد که در صورت هر گونه ناموفّق بودن جرّاحی وی هیچ گونه حقّ و حقوقی بر جرّاح و بیمارستان ندارد، آیا در صورت هر گونه اختلال در جرّاحی می‌توان مدّعی شد که با توجّه به امضای قبلی بیمار، کادر درمانی هیچ مسئولیت شرعی ندارد؟

جواب: بهترین راه برای حلّ مشکل پزشکان از نظر ضمان شرعی این است که از طریق رسانه‌های گروهی و طرق دیگر اعلان همگانی، اعلام شود که پزشکان نهایت سعی و کوشش و دقّت خود را برای درمان بیماران به کار می‌گیرند ولی با توجّه به جهات مختلف اعمّ از کمبودهای علم پزشکی و وسایل شناخت بیماریها و اختلاف وضع جسمانی و روحی بیماران و خطاهای احتمالی که در طبیعت هر انسانی نهفته است چون بشر به هر حال جایز الخطاست ممکن است عوارضی پیش آید، پزشکان در برابر آن مسئول نیستند و مراجعه به پزشک به معنای قبول این رفع مسئولیّت است ولی البتّه در برابر عوارضی که بر اثر سهل‌انگاری تقصیر حاصل شود مسئولیّت آنها بر قوّت خود باقی است، این اعلان ممکن است به صورت تابلویی در تمام مطب‌ها و بیمارستانها نیز نصب شود به طوری که به همه مراجعین تفهیم گردد و در مورد جرّاحیهای مهمّ برائت خصوصی نیز گرفته شود.

سؤال ۱۴۱۲- در فرض مسأله ۱۴۱۰ اگر بیمار، کاملا بیهوش باشد و در حال حاضر هیچ شخص بالغ یا نابالغ که خویشاوند وی باشد نیز در دسترس نباشد و از طرفی جان بیمار در خطر فوری باشد، جهت اجازه و شرط چه باید کرد؟ آیا می‌توان طبق وظیفه پزشکی هر گونه اقدام ممکن را بدون اجازه انجام داد؟ اگر سهواً با اقدامات غیر مؤثّر به مرگ بیمار تسریع بخشیده شود مسئولیّتی بر گردن پزشک معالج خواهد بود؟ و اگر به خاطر خوف از عدم تأثیر درمان و کمک به تسریع مرگ و مدیون شدن، پزشک هیچ کاری انجام ندهد آیا در این صورت پزشک مسئول خواهد بود؟ زیرا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۸

مشاهده شده است گاهی اجل شخصی فرا رسیده ولی علّت مرگ را به غلط به پزشک معالج وی نسبت می‌دهند؟

جواب: اگر بتواند از حاکم شرع اجازه بگیرد لازم است و ما به پزشکان برای این گونه موارد اجازه می‌دهیم که با دقّت عمل کنند و مریض را رها نکنند.

سؤال ۱۴۱۳- در فرض مسائل فوق اگر بیمار یا ولیّ او شرط را قبول نکردند، آیا پزشک می‌تواند بیمار را رها نماید؟

جواب: اگر بیمار در خطر نیست می‌تواند. سؤال ۱۴۱۴- یک نکته و سؤال مهمّ در مورد کشفیّات جدید علوم پزشکی این است که هر سال و هر ماه و یا حتّی هر روز، کشفیّات و یا نتایج تحقیقات جدیدی در مورد جنبه‌های مختلف علوم پزشکی اعلام می‌شود که طبق روشهای تشخیصی یا درمانی جدید، داروهای متفاوت و جدید یا مواد غذایی مؤثر جدید برای انواع بیماریها پیشنهاد می‌شود و برعکس، برخی روشها یا داروها یا موادّ قبلی کاملا- غیر مؤثّر، مضر و بی‌فایده معرفی می‌شوند. آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه‌های بیهوده ناشی از روشهایی که در گذشته مطرح بوده‌اند، امّا کسی نمی‌دانسته که آنها مضر یا بی‌فایده‌اند ولی همین روشها امروزه آنها را بی‌فایده یا مضر شناخته‌اند مسئول می‌باشد؟

جواب: مراجعه بیماران به طبیب در چنان شرایطی برائت ضمنی محسوب می‌شود بنابراین ضامن نیستند.

سؤال ۱۴۱۵- اگر این کشفیّات جدید خیلی دیرتر از زمان کشف به اطّلاع پزشک برسد و قبل از اطّلاع، طبیعی است به همان روشهای قبلی عمل شود آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه‌های بیهوده روشهای بی‌فایده مسئول است؟

جواب: مانند جواب مسأله ۱۴۱۱ است.

سؤال ۱۴۱۶- نظر به اینکه به خاطر سیر تکامل علوم، تعلیم روشهای قبلی نیز در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۹

دوران دانشجویی امکان‌پذیر نیست، چه برسد به روشهای جدید، آیا پزشک می‌تواند به همان روشهای قبلی اکتفا نماید و یا فقط در حدّی که وقت محدودش اجازه می‌دهد به فراگیری آنها بپردازد؟ در این صورت اگر متوجّه مسائل مهمّ جدید نشود آیا مسئولیّتی بر عهده اوست؟

جواب: پزشک باید نهایت تلاش خود را در فراگیری بکند و چنانچه طبق جواب مسأله ۱۴۱۱ عمل شود، مسئول نیست.

سؤال ۱۴۱۷- اگر به خاطر عدم وجود امکانات کافی اطّلاع‌رسانی، اطّلاعات جدید به پزشک نرسد و وی هیچ‌گاه مطّلع نگردد مسئولیّت بی‌فایده بودن روشهای قبلی بر عهده کیست؟

جواب: مانند جواب مسأله ۱۴۱۱ است.

سؤال ۱۴۱۸- با توجّه به این که گروههای بسیار زیادی در جهان مشغول تحقیق هستند و نتایج کار خود را دائم اعلام می‌نمایند و از طرفی افراد این گروهها ممکن است برخی از لحاظ علمی، برخی از لحاظ اخلاقی و صداقت و برخی از لحاظ هر دو مورد، کاملا قابل تأیید نباشند به عبارت بهتر هیچ تضمینی نیست که نتیجه اعلام شده تحقیق با واقعیّات کاملا منطبق باشد و از طرف دیگر هیچ مرجع واحدی در مورد تأیید یا ردّ تحقیقات وجود ندارد و یا اگر موجود هم باشد مدّت زیادی طول می‌کشد که نتیجه صحیح کار

ارائه شود، در چنین شرایطی اگر نتیجه تحقیقاتی که در رسانه‌ها و مجلّات حتّی معتبر اعلام می‌شود با روشهای قبلی ما که به فایده کامل و قطعی آنها اطمینان نداریم مغایر باشد و یا مکمّل آنها باشد در این صورت وظیفه ما چیست؟ عمل به روشهای قبلی یا جدید؟

جواب: باید طبیب بررسی لازم را به عمل بیاورد و با اطبّای دیگر در صورت امکان مشورت کند و آن روشی که بهتر به نظر می‌رسد برگزیند.

سؤال ۱۴۱۹- با توجّه به اینکه اگر بخواهیم طبابت پزشک را با توجّه به مشکلات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۰

فوق و در صورت مواجهه با این مشکلات، تنها در صورتی مجاز بدانیم که وی در این زمینه‌ها دارای تخصّص و تجربه کافی باشد عملا مسائل درمان با اختلال کامل روبه‌رو خواهد شد زیرا:

اوّل این که هر پزشکی تا رسیدن به این تخصّص و تجربه کافی باید همان مراحل اولیّه را طی کند- که همان دوران بدون تجربه و تخصّص است.

و دوّم این که به علّت جمعیّت زیاد، امکانات کم، فرصتهای ناکافی و دهها علل دیگر حدّ اقل در کشور ایران- نمی‌توان انتظار داشت پزشکانی که از ابتدا کاملا مسلّط باشند به طبابت بپردازند.

با توجّه به مقدّمه فوق و موضوعات مطرح شده در کلیّه سؤالهای فوق، مسائل مهمّی مطرح می‌شود که:

الف) در مواردی که پزشکی داروی مؤثر بر بیماری یا عوارض خطرناک آن را فراموش نموده و فرصت و امکانات کافی جهت دسترسی به اطّلاعات کافی یا پزشک متخصّص دیگری نیز ندارد.

ب) مطمئن است که داروی خاصّی برای بیماری مفید است امّا همچنین مطمئن است و یا احتمال می‌دهد که در صورت تجویز آن دارو عوارضی خفیف و یا شدیدتر از خود بیماری و حتّی مرگ در اثر این دارو، گریبانگیر این بیمار خواهد شد- که البتّه موارد الف و ب شامل مسائل تشخیصی نیز می‌باشد- آیا پزشک در این حالات می‌تواند مریض را به حال خود بگذارد و چنین فرض کند که گویا پزشکی موجود نبوده و قضا و قدر الهی هر چه باشد بر او جاری خواهد شد و بدین ترتیب خود را در معرض خطر مؤاخذه مادّی و معنوی حاصل از عوارض احتمالی و هزینه‌های نابجای آن قرار ندهد و کار وی را به خداوند واگذارد که یا خود بهبودی نسبی یابد و فرصت تحقیقات بعدی فراهم گردد و یا به تدریج دچار عوارض شدید و مرگ گردد. اصولا در چنین مواردی که پزشک واقعاً نمی‌داند که برای نجات جان یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۱

رفع و تسکین آلام یک بیمار چه کاری انجام دهد وظیفه او چیست؟ درمانهای بدون اطمینان و غیر قابل اعتماد که ممکن است خود آنها باعث مرگ یا عوارض شدیدتر شوند؟ و یا عدم هر گونه اقدام درمانی؟ آیا اگر پزشک با اقدام به درمان نامطمئن موجب خسارت و مرگ مریض گردد مسئول است؟ آیا اگر اقدام به هیچ درمانی نکند با توجّه به علل و توضیحات فوق، مسئولیّتی متوجّه اوست؟ این موضوع با توجّه به این نکته باید در نظر گرفته شود که گاهی فرصت هیچ مشورت و ارجاع بیمار به پزشکان متخصّص و آگاه دیگری وجود ندارد. در خاتمه جهت روشن شدن موضوع، مثالی ذکر می‌شود: گاهی پزشکی که دارای تجربه کافی نباشد با بیماری در حالت بیهوشی مواجه می‌شود که نمی‌داند به طور مثال این بیمار در اثر کمبود یا ازدیاد قند، بدنش دچار بیهوشی شده و در این حالت طبیعی است که درمان کاملا متناقض است و باعث اشتباه پزشک می‌شود.

جواب: این مسأله چند حالت دارد.

الف) در صورتی که خطر قطعی یا ظنّی بیمار را تهدید نمی‌کند و معالجه نیز نامطمئن است در این صورت اقدام به معالجه نشود.

ب) در صورتی که معالجه از نظر عرف پزشکی قابل قبول است هر چند احتمال عوارض وجود دارد در این مورد پزشک می‌تواند اقدام کند، مخصوصاً اگر خطری بیمار را تهدید کند.

ج) در صورتی که خطر حتمی است و معالجه نامطمئن است ولی درصد نجات وجود دارد و امکان مراجعه به متخصّص نیز وجود ندارد در اینجا می‌تواند اقدام کند با رعایت آنچه در جواب مسأله ۱۴۱۱ گفته شد.

سؤال ۱۴۲۰- اگر پزشک سعی خود را در مداوای بیمار انجام دهد ولی بیمار بهبود نیابد، آیا پزشک نسبت به هزینه درمانی که بیمار قبلا پرداخته و حقّ ویزیت مدیون است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۲

جواب: در صورتی که پزشک وظیفه خود را طبق ضوابط انجام داده باشد مسئولیّتی ندارد.

سؤال ۱۴۲۱- طبیبی حاذق و ماهر بدون سهل‌انگاری اقدام به عمل جرّاحی بیماری نموده و در ضمن عمل، آسیبی به بیمار وارد گردیده، لطفاً موارد ضمان یا عدم ضمان طبیب را در وجوه ذیل بیان فرمایید:

الف) بدون اذن از بیمار یا کسان وی اقدام به عمل نموده باشد؟

ب) غفلت از اذن گرفتن داشته است؟

ج) بیمار در حال اغما بوده و برای اذن دسترسی به کسان بیمار نداشته و تأخیر هم موجب به خطر افتادن جان بیمار می‌شده؟

د) در مورد فوق اگر تأخیر موجب نقص عضو و یا تعطیل شدن عضوی از بیمار گردد حکم چیست؟

ه‍) اگر در موارد فوق باید دیه به بیمار داده شود آن دیه به عهده کیست؟

جواب: در صورت «الف و ب» طبیب ضامن است و در صورت «ج» اگر دسترسی به حاکم شرع باشد، اذن بگیرد و اگر دسترسی به شخص خاصّی نیست ما اذن می‌دهیم که اطبا اقدام کنند و ضامن نیستند و در صورت «د» اگر کوتاهی کند گناه کرده ولی دیه ندارد. و جواب «ه‍» از جوابهای گذشته معلوم شد.

سؤال ۱۴۲۲- در مواردی که برای معالجه بیمار باید اذن گرفت تا ضمان متوجّه طبیب نشود، بفرمایید:

الف) آیا اذن از ولیّ طفل ممیّز کافی است یا باید از طفل هم اذن گرفته شود؟

ب) در مورد عمل جرّاحی روی بیماری که در حالت اغما فرو رفته، از کدام یک از کسان بیمار باید اذن گرفت، آیا ترتیب یا اولویّتی در کار است؟

ج) در مورد بیماری که در اغما فرو رفته، یا طفل صغیر مصدوم که مشخص نیست، آیا ولی دارند یا ندارند و دسترسی به حاکم شرع هم برای اذن نیست و عدول

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۳

مؤمنین هم حاضر نیستند و معالجه هم فوری باید انجام شود تکلیف چیست؟

د) آیا طبیب می‌تواند از حاکم شرع اسلام برای کلّ موارد مشابه فوق قبلا اذن بگیرد؟

جواب: الف) اذن ولیّ کافی است.

ب) از ولیّ شرعی او اذن بگیرد و اگر ولیّ شرعی نداشت از حاکم شرعی.

ج) در این گونه موارد ما اجازه به اطبا می‌دهیم که با رعایت دقّت و احتیاط وظیفه را انجام دهند.

د) نسبت به مواردی که دسترسی به ولیّ نیست و یا ولیّ ندارد مانعی نیست.

سؤال ۱۴۲۳- الف) اگر به واسطه تشخیص نادرست طبیب حاذق آسیبی به بیمار وارد شود، آیا باید دیه پرداخت شود، اگر باید دیه داده شود به عهده کیست؟

ب) چنانچه در تشخیص سهل‌انگاری نموده باشد حکم چگونه است؟

جواب: در صورت اوّل ضامن است مگر این که قبلاً به طور خصوصی یا به طور عام اعلام برائت از خسارتها کرده باشد و در صورت دوّم به هر حال طبیب ضامن است چون کوتاهی کرده است.

سؤال ۱۴۲۴- سهل‌انگاری طبیب در عمل جرّاحی موجب آسیب وارد شدن به بیمار گشته بفرمایید:

الف) آیا طبیب ضامن پرداخت دیه است؟

ب) اگر به واسطه سهل‌انگاری در عمل جراحی قلب، نیاز به عمل جراحی و درمان بعدی برای بیمار پیدا شود آیا طبیب سهل‌انگار باید هزینه آنها را بپردازد یا همان دیه کافی می‌باشد؟

ج) اگر سهل‌انگاری طبیب منجر به فوت بیمار شود، قتل چگونه قتلی خواهد بود؟

جواب: الف) آری ضامن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۴

ب) هرگاه هزینه بیش از دیه باشد باید علاوه بر دیه تفاوت آن را نیز بپردازد.

ج) معمولاً از قبیل قتل شبه عمد است.

سؤال ۱۴۲۵- اگر طبیب حاذق اشتباهاً دستور داروی عوضی را برای بیمار به پرستار داد و پرستار هم دارو را به بیمار داد و بیمار آسیب دید، بفرمایید: آیا چیزی باید پرداخت شود، در صورتی که باید داده شود به عهده کیست؟

جواب: بر عهده طبیب است.

سؤال ۱۴۲۶- اگر طبیب حاذق نسخه را غلط نوشت (با توجّه به این که شیوه معالجه و درمان به این شکل است که نسخه را نوشته و به بیمار می‌دهند و او دارو را تهیّه و استفاده می‌کند) و در نتیجه صدمه‌ای به بیمار وارد شد بفرمایید:

الف) آیا باید دیه‌ای پرداخت شود؟

ب) دیه به عهده کیست که بپردازد؟

ج) در صورت حاذق نبودن طبیب حکم چیست و دیه به عهده کیست؟

د) در صورت سهل‌انگاری چه تکلیفی متوجّه طبیب می‌باشد؟

جواب: الف تا د بر عهده طبیب است.

سؤال ۱۴۲۷- آمپولی به بیماری تزریق شده و بیمار به واسطه آن فوت می‌کند بفرمایید در مورد ضمان یا عدم ضمان و فردی که باید دیه بپردازد در وجوه ذیل حکم چگونه است؟

الف) تزریق آمپول توسط شخص آشنا به آمپول و آشنا به تزریق صورت گرفته و در تزریق اشتباه کرده است؟

ب) آمپول توسط شخص غیر آشنا به آمپول و تزریق، تزریق گردیده است؟

ج) تزریق توسط طبیب حاذق بوده و لیکن سهل‌انگاری در کار بوده است؟

جواب: الف تا ج) کار تزریق‌کننده مانند کار طبیب است هرگاه حاذق باشد و اخذ برائت (به طور عام یا خاص) کند ضامن نیست و بدون اخذ برائت ضامن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۵

است و در صورت سهل‌انگاری و عدم حذاقت مطلقاً ضامن است.

سؤال ۱۴۲۸- در مواردی که به علل غیر مربوط به کار پزشک (مثل اختلال در دستگاهها و رفتن برق و) ... به بیمار لطمه‌ای وارد شود ضامن کیست؟

جواب: در صورت عدم تقصير و عدم سهل‌انگاری طبيب ضامن نيست، در مورد مدير بيمارستان و مسئول برق نيز همين گونه است.

سؤال ۱۴۲۹- در مراكز آموزشی كه برای آينده پزشك متخصّص تربيت می‌نمايند؛ به دليل كمی مهارت دستياران و دانشجويان، عوارض و خطراتی متوجّه جان بيمار می‌گردد؛ اگر احياناً نقص عضو و فوتی واقع شود، ضامن، دستيار مربوطه است يا پزشك مسئول و استاديار مربوطه؟

جواب: اگر دستيار در كار خود مستقل و آگاه از خطرات باشد ضامن است و اگر به صورت آلت دست استاد باشد ضامن نيست.

مسائل مربوط به هزينه‌های درمان و معاينات

سؤال ۱۴۳۰- با توجّه به اين كه حقّ طبابت- همانند حقّ وكالت و مواردی از اين قبيل، بر خلاف اجناس كه دارای قيمت خاصی هستند- از لحاظ مادی، غير قابل تعيين می‌باشد به نظر حضرت عالی بهترين راه تعيين ميزان حقّ طبابت چيست؟ آيا مقداری كه دولت تعيين می‌كند در هر شرايطی قابل دريافت است و پزشك مديون نخواهد بود؟

جواب: آنچه مطابق عرف و عادت است مجاز می‌باشد.

سؤال ۱۴۳۱- به نظر حضرت عالی بهترين روش دريافت حقّ طبابت كدام است؟ جواب: اگر منظور جنبه شرعی آن است بايد با رضايت طرفين صورت گيرد و اگر قبلا تراضی حاصل نشده، آنچه اجرت المثل در عرف و عادت است بايد بپردازد و در هر حال رعايت انصاف و عدالت از طرفين بسيار خوب است.

استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۴۳۶

سؤال ۱۴۳۲- آيا دريافت حقّ طبابت قبل از بهبود بيماری طبق روش مرسوم صحيح است؟

جواب: از جواب قبل معلوم شد.

سؤال ۱۴۳۳- اگر بطور مثال، خانم بيماری كه جانش در خطر است به تنها پزشك يك روستای دور افتاده كه مرد است مراجعه كند، آيا اين پزشك مجاز است هرگونه معاينه ضروری را در مورد بيمار انجام دهد؟

جواب: اگر دسترسی به طبيب زن يا مرد محرم نباشد جايز است.

سؤال ۱۴۳۴- در فرض سؤال فوق، اگر جان بيمار در خطر نباشد بلكه يك بيماری خفيف يا متوسط باشد، آيا خانم بيمار حتماً بايد به پزشك خانم در شهر مراجعه كند و يا در همان جا پزشك مرد مجاز است با انجام معاينات ضروری، اقدام به تشخيص و درمان نمايد؟

جواب: اگر رفتن به شهر كاری شاقّ و موجب عسر و حرج باشد و بيمار مزبور نياز به مراجعه به طبيب داشته باشد جايز است.

سؤال ۱۴۳۵- در صورت لزوم، به طور كلّی چه پزشك خانم در دسترس باشد و چه نباشد لمس بدن خانم بيمار از روی لباس، چه صورتی دارد؟

جواب: در فرض مسأله برای مقاصد پزشكی مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۳۶- ذكر نكته مهمّی در اينجا ضروری به نظر می‌رسد كه اگر با يك سری تمهيدات لازم بتوانيم در سطح كشور، موفّق به جداسازی مراكز درمانی خواهران از برادران بشويم، با توجّه به اين كه هر پزشكی در طول دوران دانشجويی خود بايد هر چند مختصر از انواع و اقسام اختلالات و بيماريها چه در مورد آقايان و چه خانمها آگاهی يافته و آموزش ببيند اعم از انجام معاينات كامل، آگاهی از بيماريهای زنان و چگونگی انجام زايمان سالم و ... با توجّه به اين كه در مورد دانشجويان، اين موارد بيشتر آموزشی هستند تا درمانی، يعنی ممكن است نجات جان بيمار در همان وابسته به اين درمان نباشد امّا به وسيلهٔ اين آموزش كه در بيمارستانهای آموزشی صورت می‌گيرد دانشجو برای مراحلی كه در آينده زندگی بيماران وابسته به وجود او خواهد بود، آماده

می‌شود و از این رو هر یک از دانشجویان در دوره‌های مختلف، ملزم و مجبور به گذراندن واحدهای درسی در بیمارستانهایی که بیماران آن اعمّ از زنان و مردان می‌باشند، فراگیری تمام مسائل و امتحان دادن در پایان دوره می‌باشند تا بتوانند در نهایت فارغ التحصیل موفق باشند. با در نظر گرفتن تمامی این شرایط، بفرمایید تکلیف و وظیفهٔ دانشجو چیست؟ آیا می‌تواند به خاطر رعایت مسائل شرعی از فراگیری کامل بسیاری مسائل بگذرد و در نتیجه در گذراندن واحدهای درسی هم ناموفق باشد و یا در هر شرایطی و با هر وسیله ای باید به فراگیری صحیح کارش بپردازد تا در آینده کمتر دچار مشکل شود؟ و به طور کلّی چگونه می‌توان بین وظیفهٔ پزشکی و دانشجویی که در کتب پزشکی بر انجام آنها تأکید شده و وظیفهٔ شرعی و اسلامی که نباید با وظیفهٔ پزشکی تناقض داشته باشد جمع کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۷

جواب: چنانچه نجات مسلمین (و لو در آینده) متوقّف بر اینگونه آموزشها باشد و راه منحصر به این معاینات و مشاهدات باشد جایز است.

سؤال ۱۴۳۷- همان‌طور که مستحضر می‌باشید تخصّصهای علوم پزشکی بسیار زیاد است و متخصّصین خانم در هر رشته معمولا در حال حاضر در ایران به جز در برخی رشته‌ها یا نادر و یا کم می‌باشند، فلذا در شهرهای کوچک و بزرگ نیز باید به خاطر تعداد زیاد بیماران و تعداد کم پزشک و یا تحمیل هزینه گزاف، همان‌طور که بسیار شایع است خانمهای بیمار به پزشک مرد مراجعه کنند. در این صورت وظیفه پزشک مورد مراجعه چیست؟ آیا اگر بتواند و یا احتمال دهد که می‌تواند با معاینات مختلف و ضروری بیماری را تشخیص و درمان کند مکلّف است چنین کاری را انجام دهد و یا باید وی را به یک پزشک خانم ارجاع دهد؟ در شرایطی که خیلی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۸

بیماران، به دلایل فوق قادر به این کار نیستند، آیا در صورت ارجاع و تأخیر در تشخیص و درمان بیماری وی، این پزشک مسئول نیست؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه‍ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۴۳۸

جواب: در فرض مسأله نباید در درمان او تعلّل ورزد چون نوعی ضرورت است و اگر تعلّل ورزد مسئول است.

سؤال ۱۴۳۸- در صورت لزوم، مشاهده و لمس موهای خانم بیمار، جهت معاینه توسط پزشک مرد چه صورتی دارد؟

جواب: در صورتی که لمس یا مشاهده برای تشخیص بیماری ضرورت داشته باشد جایز است.

سؤال ۱۴۳۹- اگر پزشک مرد مجبور به معاینه خانم بیمار شد و یا بر عکس خانم بیمار ناچار به مراجعه به پزشک مرد شد، با توجّه به اینکه در صورت رعایت کامل مسائل شرعی و اخلاقی در معاینه کامل خانمها شاید بتوان گفت بیش از ۹۰ درصد معاینات که در کتب پزشکی به انجام آنها تأکید شده است نباید انجام بگیرد. اگر با این گونه معاینه سطحی و غیر کامل، بیماری وی تشخیص صحیح داده نشد و درمان کامل صورت نگرفت آیا پزشک مسئول است؟ اگر مسئول است چاره چیست؟ آیا باید بر خلاف مسائل شرعی عمل کند؟ تذکّر این نکته ضروری است که پزشکان متخصّص و مجرّب بدون احتیاج به معاینات کامل ممکن است بتوانند تشخیص و درمان انجام دهند، امّا برای افراد نامجرّب و دانشجویان تا رسیدن به این مرحله، زمان زیادی لازم است.

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۴۴۰- با توجّه به این که جهت معاینه ساده پروستات، حتماً باید از طریق مقعد، بیماری را مورد بررسی قرار داد تا تشخیص

قطعی بیماریهای پروستات داده شود، همچنین در بسیاری بیماریهای آلات ادراری- تناسلی- مشاهده و گاه لمس آنها ضروری است. آیا در چنین مواردی پزشک مرد می‌تواند بیمار مرد را بدون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۹

اشکال شرعی معاینه نماید؟ اگر با عدم انجام این معاینه، بیماری را تشخیص ندهد و بیماری- مثلا سرطان- پیشرفت کند، آیا پزشک مسئول است؟ (با توجّه به اینکه استفاده از آینه همیشه امکان‌پذیر نیست و در ضمن عمل لمس را نیز باید با دید کامل با دست انجام داد و از این رو در حال حاضر در تمامی مراکز درمانی این معاینه مستقیماً انجام می‌شود).

جواب: از سؤال استفاده می‌شود که این امر ضروری است و در این صورت معاینات مزبور اشکالی ندارد و اگر در اینگونه موارد پزشک کوتاهی کند مسئولیّت دارد.

سؤال ۱۴۴۱- طبق نظرات عموم پزشکان، یکی از معایناتی که امروزه در هر بیماری بخصوص در بیماریهای ادراری- تناسلی- جزء معاینات اصلی اوّلیّه به شمار می‌آید اگر چه در انجام آن متأسفانه یا خوشبختانه مسامحه می‌شود، عملی به نام «توشه رکنال» است- که یک نوع معاینه نظری و لمسی از طریق مقعد می‌باشد و از طرفی یکی از دقیقترین روشهای تعیین درجه حرارت فرد از طریق مقعد می‌باشد. با توجّه به این موضوعات و این که این معاینات گاهی به خاطر احتیاط در جهت تشخیص یا ردّ برخی بیماریها انجام می‌شود و گاهی در تشخیص برخی بیماریها بسیار مؤثّر و روش کم خرج و ساده‌ای به نظر می‌آید. آیا پزشک مرد مجاز است چنین معاینه‌ای را چه جهت آموزش (به وسیله دانشجویان) و چه جهت تشخیص احتمالی یا قطعی در مورد بیمار مرد انجام دهد؟ و اگر با عدم انجام آن متوجّه بیماری و راه درمان وی نشود آیا مسئول نیست؟

جواب: دقیقاً مانند مسأله سابق است.

مسائل مربوط به پیوند اعضا

سؤال ۱۴۴۲- اگر جسدی مجهول الهویّه که اعضای قابل پیوندی داشته باشد در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۰

دسترس باشد، آیا می‌توان این اعضا را به بیماری که محتاج است پیوند زد؟

جواب: اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یا بیماری مهمّی بشود جایز است.

سؤال ۱۴۴۳- در فرض مسأله فوق اگر بعداً ولیّ متوفّی پیدا شود و از این کار ناراضی باشد، چه باید کرد؟

جواب: در فرض فوق عدم رضایت او مشکلی ایجاد نمی‌کند و فرقی بین مجهول الهویه و غیر او نیست، ولی احتیاط صرف دیه آن در خیرات برای میّت است.

سؤال ۱۴۴۴- اگر شخصی وصیّت کند بعد از وفاتش، اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زنند آیا مجاز به این کار هستیم؟

جواب: تنها با شرطی که در جواب مسأله ۱۴۴۲ گفته شد مجاز است.

سؤال ۱۴۴۵- اگر شخصی وصیّت کند بعد از وفاتش، اعضایش را به دیگران پیوند بزنند امّا ولی وی پس از مرگش از این کار ناراضی باشد آیا مجازیم این کار را بدون اجازه ولی انجام دهیم؟

جواب: اجازه ولیّ در فرض جواب مسأله ۱۴۴۲ شرط نیست.

سؤال ۱۴۴۶- اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد ولی پس از وفاتش ولیّ وی مایل به این کار باشد، آیا می‌توانیم چنین کاری انجام دهیم؟

جواب: با شرط فوق جایز است.

سؤال ۱۴۴۷- اگر شخصی در طول زندگیش نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشته باشد، آیا پس از مرگش می‌توان به اجازه ولیّ وی چنین کاری را انجام داد؟

جواب: اگر ضرورتی ایجاب کند مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۱

سؤال ۱۴۴۸- آیا برداشتن عضوی از بدن فرد زنده جهت پیوند، مستلزم پرداخت دیه می‌باشد؟

جواب: اگر با اجازه خود او باشد و خطری او را تهدید نکند جایز است و دیه ندارد.

سؤال ۱۴۴۹- اگر احتمال بدهیم با برداشتن یک یا چند عضو از شخصی که زنده است، در آینده نزدیک یا دور، وی دچار عوارض خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به همین کار باشد و مورد دیگری نیز در دسترس نباشد، آیا مجازیم بدون آگاهی دادن شخص پیوند دهنده، چنین کاری را انجام دهیم؟ اگر به وی اطّلاع بدهیم و با تمایل وی عضو پیوندی را از بدنش خارج کنیم، در صورت ایجاد عارضه در وی، آیا پزشک مسئول است؟

جواب: اگر عارضه مثلا به خاطر از دست دادن یک کلیه یا مانند آن باشد واجب نیست کسی برای نجات جان دیگری این کار را انجام دهد، امّا اگر عارضه، خفیف و قابل تحمّل باشد وجوب نجات جان دیگری با رضایت صاحب عضو بعید نیست و در صورتی که با اطّلاع و رضایت صاحب عضو باشد و احتمال عارضه ضعیف بوده امّا تصادفاً گرفتار آن شود پزشک مسئول نمی‌باشد، مانند برداشتن یک کلیه که معمولا خالی از خطر است، ولی گاه ممکن است عارضه‌ای پیش آید.

سؤال ۱۴۵۰- اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که این پیوند رد خواهد شد و مفید نخواهد بود آیا مجازیم با خوش‌بینی و به عنوان کمک به بیمار، از بدن فرد زنده یا مرده دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

جواب: اگر اطمینان به عدم نتیجه باشد این کار جایز نیست ولی در صورت احتمال عقلایی، برداشتن عضو پیوندی از مرده مانعی ندارد و از زنده در صورت عدم ضرر و خطر نیز جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۲

سؤال ۱۴۵۱- با توجّه به این که بعد از پیوند، شیمی درمانی ضروری به نظر می‌رسد و همین عمل باعث عوارضی خفیف یا شدید در بیمار می‌گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم ردّ پیوند می‌باشد در ایجاد عوارض آن مسئول است؟

جواب: چنانچه قبلا مسأله را با بیمار در میان بگذارد و به او تفهیم کند و او رضایت بدهد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۲- آیا برای شخص جایز است که اجازه دهد در حال حیات یا پس از مرگ، بعضی اعضای او که حفظ نفس بیمار بر آن متوقف نیست از قبیل انگشت، دست، قرنیه چشم و ... را در مقابل وجه یا مجاناً به دیگری پیوند زنند؟

جواب: در حال حیات مشکل است ولی بعد از مرگ در مواردی که اثر مهمّی دارد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۳- آیا می‌توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد؟

جواب: در موارد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۴- آیا بعد از قطع انگشتان سارق، بلافاصله پیوند زدن به دست خود سارق جایز می‌باشد یا مقصود باقی ماندن بر وضع بریدگی، برای عبرت دیگران می‌باشد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۵۵- در صورتی که بشر موفق به شبیه‌سازی برخی از اعضای انسان شود پیوند زدن آن به انسان چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۶- آیا با توجّه به هزاران هزار بیمار دیالیزی و نظر به اینکه پیوند کلیه قطعی‌ترین درمان این عزیزان است، احتراماً

خواهشمند است نظریّات خود را در مورد مسائل ذیل مرقوم بفرمایید:

الف) به نظر حضرت عالی آیا پیوند عضو از فردی که دچار مرگ مغزی (با توجّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۳

به نظر متخصّصین با از کار افتادن مغز، کلیه اعضای بدن نیز پس از ساعتی از کار می‌افتد) شده است، جایز است یا نه؟

ب) آیا با وصیّت فرد، چنین پیوندی جایز است؟

ج) چنانچه به نظر حضرت عالی پیوند عضو از فرد دچار مرگ مغزی شده جایز است، لطفاً بفرمایید برای روشن شدن اذهان مردم نسبت به این امر چه باید کرد؟

جواب: هرگاه مرگ مغزی بطور کامل و مسلّم باشد و هیچ گونه احتمال بازگشت به زندگی عادی وجود نداشته باشد، برداشتن بعضی از اعضا (خواه مانند قلب باشد یا کلیه یا عضو دیگر) برای نجات جان مسلمانی، مانعی ندارد، خواه وصیّت به این کار کرده باشد یا نه ولی بهتر جلب رضایت اولیای میّت است.

سؤال ۱۴۵۷- آیا اهدای اعضای بدن، مثل قلب، کلیه و چشم، بعد از فوت و با موافقت ورثه جهت پیوند به انسان زنده دیگر جایز است؟

جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۵۸- پیوند عضوی که با قصاص قطع می‌شود جایز است؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۴۵۹- آیا فروش عضو قطع شده در حدّ یا قصاص یا واگذاری آن به مسلمان دیگر جایز است؟

جواب: اگر به منظور پیوند به دیگری باشد (همان گونه که در پیوند کلیه مرسوم است) با اجازه صاحب آن جایز است.

سؤال ۱۴۶۰- خریدوفروش اعضا برای پیوند چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است ولی بهتر این است که پول را در برابر اجازه برداشتن عضو بگیرد.

سؤال ۱۴۶۱- در موارد زیر آیا از فردی که در حال مرگ مغزی است ولی به وسیله دستگاه تنفس مصنوعی به حیات نباتی ادامه می‌دهد و از نظر پزشکی امکان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۴

برگشت وی وجود ندارد و مرده تلقّی می‌شود می‌توان عضوی را مثل چشم یا کلیه برای پیوند خارج کرد؟ الف- در مورد مسلمانان به طور کلّی. ب- در مورد مسلمانان با وصیّت قبلی و یا جواز اطرافیان. ج- در مورد غیر مسلمانان.

جواب: با اجازه و رضایت قبلی خودش در مورد یک کلیه و مانند آن مانعی ندارد و امّا در غیر مسلمان مطلقاً جایز است و در مورد اعضای اصلی مانند مسأله ۱۴۵۶ است.

سؤال ۱۴۶۲- آیا می‌توان تخفیف جرم محکومین به اعدام را موکول به اهدای عضوی از آنها برای نجات جان مسلمانی دانست؟

جواب: تنها صاحب حق در مورد قصاص یا دیات می‌تواند گذشت از تمام حقّ خود یا بعضی از آن را مشروط به اهدای عضوی که اهدای آن جایز است بکند و طرف مقابل می‌تواند این شرط را بپذیرد یا نپذیرد.

سؤال ۱۴۶۳- آیا برداشتن قطعه‌ای از استخوان یا عضله از شخص مسلمان «با رضایت یا بدون رضایت» برای استفاده در بدن شخص غیر مسلمان که دشمنی با مسلمانان ندارد جایز است؟

جواب: اگر با اجازه بردارند و شخصی که از او برمی‌دارند به خطر جانی یا نقص عضو مهمّی گرفتار نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۴- استفاده از باقیمانده‌های زایمانی جفت، پرده جنین و ... برای اعمال جرّاحی دیگران، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۶۵- آیا انسان بالغ می‌تواند وصیّت کند که بعد از مرگش اعضای بدنش را (مانند قلب و کلیه و) ... بدون اخذ وجهی به بیماران نیازمند بدهند و سپس او را دفن کنند و آیا می‌تواند شرط کند که اعضا را بفروشند و در مواردی که وصیّت می‌شود خرج یا اهدا کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۵

جواب: این وصیّت تنها در صورتی نافذ است که ضرورتی ایجاب کند که، اعضای بدن او را بردارند و بهتر این است که رایگان در اختیار نیازمندان بگذارند، هر چند گرفتن پول هم به صورتی که در بالا گفته شد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۶- اگر مریضی به خاطر ضعف و ناراحتی اعضای مهم بدنش، مثل قلب در حال مرگ باشد و از طرفی جسد مرده‌ای نیز در اختیار باشد، آیا جایز است که عضو مورد نظر را از بدن میّت برداریم و به بدن شخص مریض پیوند بزنیم؟

جواب: اگر زندگی آن مریض متوقّف بر این کار باشد، واجب است.

سؤال ۱۴۶۷- در چه سنّی اهدای کلیه جایز است، آیا برای انسان غیر بالغ در صورتی که ولیّ او اجازه دهد این کار جایز است؟

جواب: اهدای کلیه برای غیر بالغ جایز نیست، چون ولیّ در اینگونه موارد ولایت ندارد.

سؤال ۱۴۶۸- آیا جایز است شخص وصیّت کند که اعضای بدنش را بعد از وفاتش به مریض مسلمانی که اعضای مهمّ بدنش مثل قلب و غیر آن در خطر است اهدا کنند، به شخص غیر مسلمان چطور؟

جواب: در مورد مریض مسلمان، در فرض مسأله اشکالی ندارد و امّا در مورد مریض غیر مسلمان جایز نیست، مگر این که غرض مهمتری در کار باشد و یا این که کننده از کفّار باشد.

سؤال ۱۴۶۹- آیا برای طبیب جایز است که عملیّات انتقال کلیه از شخصی به شخص دیگر را عهده‌دار شود، در حالی که می‌داند اهداکننده کلیه پولی را در مقابل این کار می‌گیرد؟

جواب: در صورتی که باعث نجات جان مسلمانی شود جایز است.

سؤال ۱۴۷۰- تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیر قابل بازگشت و غیر قابل جبران، فعالیتهای قشر مغز خود را از دست داده و در حالت اغمای کامل بوده و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۶

به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی‌دهند، در ضمن فعّالیّتهای ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفّس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می‌باشند. در اینگونه موارد احتمال بازگشت فعّالیّتهای مورد اشاره، مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقّتی و تنها به کمک دستگاه تنفّس مصنوعی به مدّت چند ساعت و حدّ اکثر چند روز مقدور می‌باشد. این وضعیّت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می‌شود از طرفی نجات جان عدّه دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به اینکه این اشخاص فاقد تنفّس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ‌گاه حیات خود را بازنمی‌یابند:

الف) آیا در صورت احراز شرایط فوق می‌توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟

ب) آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند به پیوند عضو، برای جواز قطع عضو کافی است یا اذن قبلی و وصیّت صاحب عضو نیز لازم است؟

ج) آیا اطرافیان میّت می‌توانند پس از مرگ مغزی چنین اجازه‌ای بدهند؟

د) آیا انسان می‌تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشتن اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ

مغزی، جهت پیوند به انسانهای مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

ه-) آیا در موارد جواز قطع اعضا دیه ثابت است یا ساقط می‌شود؟

و) در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن بر عهده کیست پزشک یا بیمار؟

ز) موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

جواب: الف) جواب این مسأله در سابق گفته شد ولی از نظر اهمّیت مسأله توضیحاتی عرض می‌شود که در موارد مرگ مغزی بصورتی که در بالا ذکر شده اگر موضوع قطعی و یقینی باشد چنان فردی در این گونه احکام مانند میّت است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۷

(هر چند پاره‌ای از احکام میّت مانند غسل و نماز و کفن و دفن و غسل مسّ میّت بر او جاری نمی‌شود) بنابراین برداشتن اعضای او برای نجات جان مسلمانها مانعی ندارد.

ب) در مواردی که عضو را بعد از مرگ کامل برمی‌دارند و نجات جان دیگران منوط به آن است، اذن قبلی یا اجازه بازماندگان لازم نیست، هرچند بهتر است.

ج) از جواب بالا معلوم شد.

د) از جواب بالا معلوم شد.

ه-) در موارد جواز قطع اعضا، احتیاط دادن دیه است.

و) بر عهده کسی است که عضو را قطع نموده است.

ز) در کارهای خیر برای میّت مصرف می‌شود.

مسائل مربوط به تشریح

سؤال ۱۴۷۱- آیا مجازیم مسلمانی را که وصیّت کرده بعد از وفاتش وی را تشریح کنند، تشریح نماییم؟

جواب: تشریح مرده مسلمان برای مقاصد طبّی به چند شرط جایز است:

الف) مقصود یادگرفتن و تکمیل اطّلاعات طبّی برای نجات جان مسلمانان بوده باشد و بدون تشریح این مقصود حاصل نشود.

ب) دسترسی به مرده غیر مسلمان نباشد.

ج) به مقدار ضرورت و احتیاج قناعت شود و اضافه بر آن جایز نیست. با چنین شرایطی تشریح جایز بلکه واجب است.

سؤال ۱۴۷۲- اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست جسد یک مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب، آیا مجازیم آن را تشریح نماییم؟

جواب: اگر جسد از بلاد اسلامی نباشد مانعی ندارد و اگر مربوط به بلاد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۸

اسلامی است ظاهر این است که جسد مسلمان است و احکام مسلمان بر او جاری می‌شود و اگر از بلدی است که هر دو گروه به طور وسیع در آن هستند نیز مانعی ندارد و اگر ندانیم از کدام بلد است آن هم جایز است.

سؤال ۱۴۷۳- آیا تفاوتی بین اهل تسنّن و اهل تشیّع در عدم جواز تشریح جسد بدون ضرورت وجود دارد؟

جواب: تفاوتی وجود ندارد.

سؤال ۱۴۷۴- آیا می‌توان جسد افراد به ظاهر مسلمان- مسلمان اسمی- را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق موادّ مخدر، مسائل سیاسی و ... اعدام شده‌اند تشریح نمود؟

جواب: در مورد مرتد جایز است و در مورد دیگران تنها طبق ضرورتهای فوق جایز می‌باشد.

سؤال ۱۴۷۵- آیا می‌توان برای تشریح، جهت آموزش، به علّت کمبود جسد و استخوان که بدون آنها آموزش امکان‌پذیر نیست اقدام به نبش قبر غیر مسلمان نمود؟

جواب: هرگاه مفسده خاصّی بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۷۶- در فرض مسأله فوق اگر ندانیم این قبر متعلّق به مسلمان یا غیر مسلمان است، آیا مجازیم نبش قبر انجام دهیم؟

جواب: مانند مسأله ۱۴۷۲ می‌باشد، به شرط این که قراینی که نشانه اسلام است در آن قبر نباشد.

سؤال ۱۴۷۷- در صورت کمبود جسد استخوان، آیا می‌توانیم استخوانهایی را که در بیابان و قبرستان‌ها می‌یابیم و یا به وسیله عملیّات حفاری شهرداری‌ها در سطح خاک ظاهر می‌شوند چه متعلّق به مسلمان باشد و چه غیر مسلمان مدّتی جهت آموزش استفاده کرده و بعد از اتمام کار، به یک مرکز آموزشی هدیه نماییم و یا دفن کنیم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۹

جواب: نسبت به غیر مسلمان اشکالی ندارد و نسبت به مسلمین تنها در صورت ضرورت تشریح و تکمیل اطّلاعات طبّی جایز است و بعداً باید آن را دفن کرد.

سؤال ۱۴۷۸- الف) آیا برای تشخیص علّت مرگ جهت پیشرفت علم پزشکی و تعلیم به دانشجویان، کالبد شکافی جایز است؟

ب) اگر کالبد شکافی برای کشف جرم شناسایی قاتل باشد حکم چگونه است؟

ج) اگر کالبد شکافی تنها راه برای رهایی یک متّهم بی‌گناه از مرگ باشد قضیه چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرورتی ایجاب کند که کالبد شکافی شود مانند نجات جان متّهم بی‌گناه و شناسایی قاتل و تعلیماتی که برای دانشجویان ضروری است، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۷۹- اگر برای تشخیص حیات یا مرگ مصدومی تنها راه، منحصر به شکافتن یکی از شریانهای وی باشد بفرمایید:

الف) آیا این کار جایز است؟

ب) آیا این عمل در صورت ضرورت مستلزم پرداخت دیه می‌باشد و دیه آن به عهده کیست؟

جواب: جایز است و دیه هم ندارد.

سؤال ۱۴۸۰- معمولا- برای کسب اطّلاعات بیشتر پزشکی در جهت تشخیص امراض و درمان آنها روی انسانها آزمایشهای طبّی گوناگونی که گاه خطرناک هم می‌باشد انجام می‌دهند، بفرمایید:

الف) اگر بیمار یقین داشته که چنانچه خود را در معرّض چنین آزمایشاتی قرار دهد به استقبال خطرات جانی برای خود رفته است ولی از طرفی هم به پیشرفت علم پزشکی و به معالجه و مداوای جامعه مسلمانان در آینده کمک نموده است، آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۰

خود را در معرض چنین آزمایشاتی قرار دادن جایز است؟

ب) اگر ضرر جانی محتمِل، ولی کمک به علم پزشکی فوق‌الذّکر قطعی باشد آیا در این صورت می‌تواند خود را در معرض آزمایش قرار دهد؟

ج) اگر هیچ‌گونه علمی به ضرر جان برای خود نداشته باشد و فایده آزمایش هم برای کمک فوق‌الذّکر محتمّل باشد، چه حکمی دارد؟

د) اگر فایده آزمایشات فوق‌الذّکر به سود تمامی افراد بشر تمام گردد بفرمایید حکم خود را در معرض قرار دادن در صورت علم به ضرر و یا احتمال ضرر و یا عدم علم به ضرر چه خواهد بود؟

ه‍) در صورتی که آزمایشات فوق برای اهداف فوق‌الذّکر هیچ‌گونه ضرری برای انسان بیمار نداشته باشد، آیا طبیب بدون اطّلاع دادن به بیمار و بدون کسب اجازه از او می‌تواند چنین اقدامی نماید؟

و) اگر در صورت ضرورت انجام چنین آزمایشاتی جایز باشد، چگونه بودن آن ضرورت را بیان فرمایید؟

جواب: الف) جایز نیست.

ب) اگر احتمال آن قوی باشد مشکل است.

ج) اشکالی ندارد.

د) تنها در صورتی که احتمال ضعیف باشد می‌تواند اقدام کند.

ه‍) اگر آزمایشها، جزئی از معالجه بیمار یا مقدّمه درمان او باشد مانعی ندارد. در غیر این صورت نیاز به اجازه دارد.

و) در صورتی که نجات جان مسلمانان بستگی به آزمایش روی این شخص داشته باشد و این شخص راضی باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۸۱– اگر آزمایشات فوق روی حیوانات انجام شود که در پایان آنها از بین خواهند رفت، بفرمایید صرف نظر از ضمان، آیا چنین کاری برای پیشرفت کارهای پزشکی جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۵۱

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۸۲– در صورتی که ضرورت داشته باشد علّت مرگ یک شخص به طور مثال جهت تعیین قاتل وی مشخص شود، آیا مجازیم جسد وی را در پزشکی قانونی تشریح نماییم و یا اگر مدفون باشد، نبش قبر کرده، جسد وی را بررسی نماییم؟

جواب: در صورت ضرورت هر دو مورد جایز است.

سؤال ۱۴۸۳– با وجود امکان تهیّه جسد کافر از خارج– چنانچه در بعضی از ممالک اسلامی عمل می‌شود– آیا واجب است مسئولین مربوطه اقدام نمایند؟ و با وجود امکان تهیّه، ضرورت جواز تشریح میّت مسلمان پیدا می‌شود یا خیر؟

جواب: لازم است تا آنجا که امکان دارد از جسدهای دیگر استفاده شود.

سؤال ۱۴۸۴– آیا تشریح بدن در جایی که جایز است دیه دارد؟

جواب: تشریح بدن انسان در آنجا که شرعاً جایز است دیه‌ای ندارد.

سقط جنین

سؤال ۱۴۸۵– اطبا در آزمایشگاه، منی مرد «اسپرم» را با منی زن «اوول» در لوله آزمایش قرار داده و آن را رشد می‌دهند، بفرمایید:

الف) آیا نطفه رشد یافته را می‌توان دور افکند یا این که حکم سقط جنین را پیدا می‌کند و باید تا طفل کامل (صاحب روح) شدن از وی محافظت نمود؟

ب) اگر دور افکندن آن جایز نباشد، آیا باید دیه سقط جنین پرداخت شود و در صورتی که باید پرداخت شود به عهده کیست؟

ج) آیا دوراندازی آن در زمان قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج، فرق دارد، لطفاً بیان نمایید؟

د) در مورد سؤال فوق آیا فرقی بین منی مرد اجنبی با منی زن اجنبیّه برای لقاح و رشد در لوله آزمایشگاهی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۵۲

ه‍) اگر منی مرد و زن اجنبی و اجنبیّه باشد، آیا اصل انجام این عمل جایز است؟

جواب: الف) نگهداری آن واجب نیست.

ب) از جواب قبل روشن شد که دیه ندارد.

ج) مادامی که به صورت انسان زنده‌ای در نیامده، حفظ آن دلیلی ندارد.

د) تفاوتی نیست.

ه‍) خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۴۸۶- اطبا می‌توانند جنین را از شکم زنی که نمی‌تواند آن را در رحم معیوب خود پرورش دهد و سقط می‌کند خارج نموده و در رحم سالم زن دیگری قرار داده که در آنجا به رشد خود ادامه داده تا به طور طبیعی متولّد شود، بفرمایید:

الف) آیا اگر زن دوّم هم همسر شوهر زن اوّل باشد (که نطفه متعلّق به یک شوهر می‌شود) این کار جایز است؟

ب) در صورتی که زن دوّم با شوهر زن اوّل بیگانه و اجنبی باشد، آیا این کار جایز می‌باشد؟

ج) اگر انجام این کار قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح فرق دارد، آن را بیان فرمایید؟

جواب: در هر سه صورت، انتقال جنین (بعد از انعقاد نطفه) مانعی ندارد، ولی چون معمولا مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در مواردی مجاز می‌باشد که ضرورتی وجود داشته باشد.

سؤال ۱۴۸۷- آیا سقط عمدی جنینی که مطمئنیم یا احتمال می‌دهیم، معیوب و نارسا می‌باشد در هر ماهی از بارداری اگر دیه لازمه هم پرداخت شود، مجاز است؟

جواب: هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد باقی ماندن جنین در آن حالت سپس تولّد ناقص آن باعث عسر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۳

حرج شدید برای پدر مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد و احتیاطاً باید دیه را بدهند.

سؤال ۱۴۸۸- اگر طبیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می‌گردد، بفرمایید:

الف) آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرد تا مادر سالم بماند؟

ب) آیا می‌توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا بچه سالم بماند و مادر بمیرد؟

ج) اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ، هم برای مادر و هم برای بچّه در کار باشد تکلیف چیست (یعنی احتمال مرگ و سلامت برای هر دو مساوی باشد)؟

د) اگر حکم فوق نسبت به جنین قبل از ولوج روح فرق پیدا می‌کند حکم هر دو حال را توضیح فرمایید؟

جواب: الف) چنانچه خلقت جنین کامل نشده مانعی ندارد.

ب) هرگاه بچّه به صورت انسان کامل در نیامده باشد، سقط جنین برای نجات مادر اشکال ندارد.

ج) اگر بدانیم یکی از آن دو قطعاً نجات پیدا می‌کند باید آنها را به حال خود گذاشت تا یکی از آن دو بدون دخالت انسان دیگری نجات یابد و اگر امر دایر میان این است که هر دو بمیرند یا فقط جنین بمیرد می‌توان جنین را سقط کرد تا مادر زنده بماند.

د) از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۴۸۹- با عکس‌برداری از جنین درون شکم مادری معلوم شد که جنین ناقص الخلقه می‌باشد و پس از تولّد مانند تکه گوشتی به کناری خواهد افتاد و هیچ‌گونه فعالیتی نمی‌تواند داشته باشد و فاقد هرگونه درک و شعور انسانی خواهد بود، بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۴

الف) آیا جایز است در همان حال جنین بودن- قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح- وی را از بین برد و جنین را ساقط نمود؟

ب) اگر این طفل به دنیا آمد و سپس مریض شد، آیا جایز است که هیچ‌گونه اقدامی در مورد درمان وی انجام نداد تا زودتر بمیرد و چه بسا از درد و رنج هم راحت شود؟

جواب: الف) مانند مسأله ۱۴۸۴ است.

ب) خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۴۹۰- بر طبق تشخیص پزشکان، جنینی هست که اگر در شکم مادر بماند خواهد مرد ولی اگر آن را از شکم مادر خارج نمایند و در دستگاه مخصوص (انکوباتور) بگذارند زنده می‌ماند و به رشد و حیات خود ادامه می‌دهد، بفرمایید:

الف) تکلیف در این مورد چیست، آیا می‌توان بچه را از شکم مادر خارج نمود؟

ب) آیا قبل از ولوج روح و یا بعد از ولوج، حکم فرق می‌کند آن را هم بیان فرمایید؟

جواب: الف) اگر این موضوع قطعی باشد نه تنها اشکالی ندارد بلکه اقدام بر آن مطابق احتیاط است.

ب) تفاوتی ندارد.

سؤال ۱۴۹۱- در مواردی که پزشک باید سقط جنین کند، دیه لازمه باید توسط چه کسی پرداخت شود؟ آیا حتماً باید قبلا پزشک شرط کند که دیه به عهده وی نیست و آیا این شرط، جهت رفع دین از وی کافی است؟

جواب: احتیاط این است که طبیب با بیمار یا کسان او شرط کند که دیه را خودشان بپردازند و الّا خودش باید عهده‌دار بشود (بنابر احتیاط).

سؤال ۱۴۹۲- اگر طبیبی متوجّه شود که جنین درون شکم مادری، دارای نقص عضو می‌باشد که در صورت اطّلاع دادن به والدین او، احتمال می‌دهد آنان اقدام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۵۵

برای سقط جنین بنمایند و شاید هم در مقام معالجه نقص عضو از جنین برآیند که احتمال بهبودی بسیار کم است و در ضمن اگر اطّلاع ندهد در معرض شکایت والدین نسبت به عدم اطّلاع به آنان از وضعیت جنین قرار نخواهد گرفت، بفرمایید وظیفه طبیب در اینجا چیست؟

جواب: اطّلاع دادن اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۹۳- بیمارانی که از درد، شدیداً رنج می‌برند چنانچه به آنان مسکّن‌های قوی داده شود، دردشان تسکین خواهد یافت، لیکن به احتمال قوی به این خاطر بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتیهایی خواهند شد، بفرمایید تکلیف طبیب نسبت به اینگونه بیماران چیست؟

جواب: هرگاه ضرری باشد که در برابر تسکین درد شدید در میان عقلا قابل پذیرش باشد اشکالی ندارد و اگر ضرر مهمّی است که او را به خطر می‌اندازد، جایز نیست و اگر برای خودش ضرر نداشته باشد بلکه برای جنین ضرر داشته باشد نیز مسأله همین است.

سؤال ۱۴۹۴- اگر پزشک به طور قطع تشخیص دهد که فرزندان بعدی زن و شوهری، ناقص العضو خواهند شد، بفرمایید:

الف) آیا بر طبیب واجب است در صورت سؤال والدین، واقعیّت را به آنان اطّلاع دهد؟

ب) آیا در صورت عدم سؤال آنان، بر طبیب واجب است به آنان بگوید تا آنان از پیدا کردن چنین فرزندانی جلوگیری نمایند، اگر واجب نیست آیا گفتنش حرام می‌باشد؟

ج) اگر طبیب احتمال دهد که آنان در صورت اطّلاع از این جهت هر باری که فرزند پیدا کنند اقدام به سقط وی خواهند نمود، در اینجا وظیفه طبیب چیست گفتن یا نگفتن؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۵۶

جواب: الف) واجب نیست مگر این که در سرنوشت بیمار اثر مهمّی داشته باشد.

ب) در اینگونه موارد اگر مسأله مهمّی است طبیب کتمان نکند.

ج) طبیب بایـد به وظیفه خود عمـل کنـد و اگر بیمـار عمل خلافی انجام دهـد او مسئول نیست، منتها طبیب وظیفه خود را در امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد.

سؤال ۱۴۹۵- خـانمی دچار بیماری چشـمی گردیـده که اطبا نظر به عمل جرّاحی به طور اورژانسـی دادهانـد، امّا متأسـفانه این خانم دارای حمل سه‌ماهه می‌باشـد که بایـد سـقط جنین انجام دهـد و بعد عمل جرّاحی چشم را به انجام برساند و اگر چشم خود را عمل نکند کور می‌شود و همچنین ضررهای زیادی نسبت به جنین وارد می گردد در این صورت آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: در فرض مسأله پایان دادن به بارداری ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۹۶- آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن جایز است؟

جواب: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمّی برای مادر نباشد جایز نیست و دیه دارد.

سؤال ۱۴۹۷- آیا سقط جنین صورت مجازی دارد؟

جواب: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمّی برای مادر داشته باشد در مراحل اولیّه جایز است.

سؤال ۱۴۹۸- سقط جنین مسلمان و کافر چه حکمی دارد؟

جواب: ساقط کردن جنین مسـلمان واضـح است که جایز نیست، حتّی اگر فرزنـد نامشـروع باشـد و در مورد بچّه‌های کفّار نیز ساقط کردن مجاز نیست، حتّی اگر در مذهب آنها فرزند نامشروع باشد.

سؤال ۱۴۹۹- آیا سقط جنین جایز است و اگر جایز باشد دیه دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۵۷

جواب: در صورتی که از گفته متخصّصـین یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمّی حاصل شود اقدام به سقط جنین جایز است (مادامی که به صورت انسان کاملی در نیامـده باشـد) و چون احتمال تعلّق دیه می‌رود احتیاط آن است که ورثه این کودک (غیر از پدر و مادر) با میل و رضای خود از آن صرف نظر کنند.

سؤال ۱۵۰۰- آیا در موارد زیر قبل از ولوج روح می‌توان سـقط درمانی انجام داد: الف) بیماریهایی که می‌دانیم مسلّماً جنین پس از تولّد خواهد مرد. ب) بیماریهای ژنتیکی. ج) ناهنجاریهای نوزادان مثل آنانسفالی.

جواب: سقط جنین در این موارد اشکال دارد به خصوص اینکه پیش‌بینی‌های فوق جنبه قطعی ندارد.

سؤال ۱۵۰۱- عوامل فوق در مورد جنین پس از ولوج روح چگونه خواهد بود؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۰۲- ولوج روح چه زمانی می‌باشد؟

جواب: هنگامی که بچّه در شکم مادر به حرکت در می‌آید که معمولا در حدود چهارماهگی است.

سؤال ۱۵۰۳- در زن حامله‌ای که مبتلا به سرطان رحم شـده است و درمان آن هم به اشـعه درمانی نیاز دارد و دادن اشـعه هم باعث ناقص الخلقه شدن جنین می‌شود آیا می‌توان قبل از اشعه درمانی، سقط درمانی کرد؟

جواب: اگر ناقص الخلقه شـدن او قطعی و شدیـد است و در مراحل نخستین بارداری و قبل از رسـیدن به مرحله جنین کامل باشـد و راه درمان نیز منحصر به این راه گردد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۰۴- معمول است که در زنـان حـامله مبتلا به سـرطان «مثلا سـرطان پسـتان» اگر سـرطان از نوع پیشـرفته باشـد حمل در هر مرحله‌ای باشد سقط درمانی را انجام داده و به درمان مادر می‌پردازند، از دو نظر یکی اینکه حیات مادر در خطر است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۵۸

دیگر اینکه بـا اجـازه نـدادن به ختم حاملگی هم مادر از بین می‌رود و هم فرزنـد بـدون مادر به جای می‌مانـد که نیاز به مهر مادری

دارد و اگر سرطان از نوع اوّلیّه باشد اگر حاملگی در ماههای انتهایی است صبر می‌کنند تا جنین به حدّ قابلیّت زندگی برسد و سپس با عمل جرّاحی جنین را زودتر از موعد از شکم خارج و تحت مراقبت ویژه او را بزرگ می‌کنند و اگر حاملگی در ماههای اوّلیّه است سقط درمانی انجام شده و درمان سرطان هم صورت می‌پذیرد البتّه در این موارد سقط درمانی در صورتی انجام می‌پذیرد که درمان اساسی سرطان برای جنین مضر باشد مثل شیمی درمانی یا اشعه درمانی آیا تعاریف فوق با احکام اسلام مطابقت دارد؟

جواب: اگر حیات مادر در خطر باشد و جنین ماههای اوّل را طی کند مانعی ندارد. متولّد کردن بچّه قبل از موعد و پرورش او با شرایط ویژه هم اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۰۵- سقط جنین غیر شیعه چگونه است؟

جواب: سقط جنین در هیچ مورد جایز نیست، مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۵۰۶- پس از ولوج روح، اگر علم به تلف شدن مادر و جنین باشد، آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: در فرض مسأله که اگر مادر به همان حال باقی بماند، هر دو می‌میرند، می‌توان با سقط جنین، جان مادر را نجات داد.

سؤال ۱۵۰۷- اگر مادری برای سقط بچّه‌اش کاری انجام ندهد، لکن با مراعات نکردن موارد لازم و تهیّه نکردن شرایط حفظ جنین، باعث سقط بچه شود، آیا کار حرامی کرده است؟

جواب: اگر در حفظ جنین مطابق معمول کوتاهی کرده باشد مسئول است.

سؤال ۱۵۰۸- زنی که در ماه هفتم حاملگی به سر می‌برد، در اثر تصادف نیاز به عمل جرّاحی فوری پیدا می‌کند، که لازمه‌اش بیهوش نمودن اوست، ولی در اثر بیهوشی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۵۹

بچّه می‌میرد (علم یقینی به فوت بچّه داریم) آیا جایز است مادر، جرّاحی و عمل شود؟

جواب: اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جرّاحی و بیهوشی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۰۹- در فرض بالا در صورتی که احتمال فوت بچّه برود، آیا بازهم جایز است مادر عمل شود؟

جواب: با شرایط بالا، این فرض به طریق اولی جایز است.

سؤال ۱۵۱۰- دکترها به مادری دارویی را داده‌اند که بخورد تا بچه‌اش سالم بماند و سقط نشود، آیا زن می‌تواند به منظور سقط جنین دارو را استفاده نکند؟

جواب: جایز نیست.

جلوگیری از انعقاد نطفه

سؤال ۱۵۱۱- جلوگیری از انعقاد نطفه، شرعاً چگونه است؟

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله‌ای که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیّت تولید مثل بیفتد) نشود مجاز است، ولی اگر مستلزم نظر یا لمس حرام باشد جایز نیست مگر در موقع ضرورت.

سؤال ۱۵۱۲- خانمی برای جلوگیری از بارداری می‌خواهد دستگاه بگذارد و برای این کار دکتر زن باید به عورت او نگاه کند دست بزند. با توجّه به این دو نکته غیر مجاز و این که جلوگیری از بارداری معالجه نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر ضرورت فردی یا اجتماعی نباشد جایز نیست و در صورت ضرورت (به تشخیص اطبای مورد وثوق) جایز است.

سؤال ۱۵۱۳- آیا مرد می‌تواند به زن دائمی خود بگوید نباید بچّه‌دار شوی؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۶۰

جواب: زن را نمی‌توان مجبور کرد که مثلاـ لوله‌های خود را ببندد، حتّی نمی‌توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند، ولی مرد می‌تواند با خوردن دارو یا استفاده از آمپول یا مانند آن، موقتاً از انعقاد نطفه جلوگیری کند.

سؤال ۱۵۱۴- بستن لوله‌های رحم به منظور جلوگیری از حمل چه حکمی دارد؟

جواب: تا ضرورتی نباشد جایز نیست.

سؤال ۱۵۱۵- بستن لوله‌های «منی‌بر» در مردان (وازکتومی) و لوله‌های «منی‌بر» در زنان (تریکتومی) که اکثراً موجب عقیمی دائمی می‌گردد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب عقیم شدن دائم است اشکال دارد.

سؤال ۱۵۱۶- بستن لوله‌های رحم از نظر شرع مقدّس اسلام در بیماریهای مختلف چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه قابل بازگشت نباشد جایز نیست و در صورت قابل بازگشت بودن جایز است (مشروط بر اینکه موجب لمس و نظر حرام نشود) ولی در موارد ضروری جایز است.

سؤال ۱۵۱۷- در مورد استفاده از «آی یو دی» که اثر آن جلوگیری از لانه‌گزینی نطفه بسته شده است آیا جواز شرعی وجود دارد یا خیر؟

جواب: هرگاه موجب لمس و نظر حرام نشود مانعی ندارد، مگر این که ضرورت فردی یا اجتماعی ایجاب کند.

سؤال ۱۵۱۸- آیا زن بدون اجازه شوهر می‌تواند اقدام به بستن لوله بنماید؟

جواب: اگر ضرورتی نباشد جایز نیست.

سؤال ۱۵۱۹- در مواردی که حاصل حاملگی جنینهای دارای نقص در خلقت یا بیماری ژنتیکی است، آیا می‌توان با بستن لوله‌های زن یا مرد اقدام به جلوگیری از حاملگی بعدی کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۶۱

جواب: هرگاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه‌ای هرچند نسبت به بچّه وجود داشته باشد جایز است.

سؤال ۱۵۲۰- در صورتی که بستن لوله‌های زن یا مرد اجازه داده شود حقّ تقدّم با کدام یکی است؟

جواب: در شرایط مساوی بعید نیست مرد مقدّم باشد.

سؤال ۱۵۲۱- با توجّه به منابع علمی پزشکی معتبر در مورد مادرانی که بیش از پنج زایمان داشته‌اند و دارای سنّ بالاتر از ۳۵ سال می‌باشند مبنی بر این که اگر حامله شوند در معرض خطرات جسمی قرار دارند، آیا مجاز به بستن لوله‌های رحم هستند؟

جواب: چنانچه خطر قطعی یا به احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد جایز است.

سؤال ۱۵۲۲- پزشکی که در استخدام دولت می‌باشد، بفرمایید:

الف) اگر از طرف دولت موظّف شد برای کنترل موالید، مردان و زنان را عقیم سازد چه تکلیفی دارد؟

ب) اگر طبیب را برای انجام این کارها مجبور نمودند در چه مرحله‌ای از اجبار، چنین اقدامی برای وی معصیت محسوب نمی‌گردد؟

ج) آیا در مورد اجبار، ضمانی هم به عهده طبیب خواهد آمد؟

جواب: الف) هرگاه کارشناسان متدیّن ضرورت این کار را تصدیق کنند مانعی ندارد.

ب) اگر منظور از اجبار این است که شغل خود را از دست می‌دهد، نباید تن به کار حرام بدهد.

ج) طبیب در این حال ضامن است.

سؤال ۱۵۲۳- آیا برای جلوگیری از بچّه‌دار شدن، جایز است لوله زنان یا مردان بسته شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۶۲

جواب: در مواردی که به تشخیص اهل خبره، کنترل جمعیّت ضرورت داشته باشد، برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیّت تولید مثل ساقط شوند) نشود ذاتاً مجاز است ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

سؤال ۱۵۲۴- تبلیغ و ترویج مردم مسلمان ایران در امر جلوگیری و کنترل جمعیّت به عنوان یک کار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی در منابر و محافل دینی، شرعاً چه حکمی دارد؟ آیا خلاف شرع است (بدون اینکه کسی ما را وادار سازد و این را تشخیص شخصی دانسته و انجام دهیم)؟

جواب: در صورتی که اهل خبره و کارشناسان متدیّن، مسأله کنترل و محدود ساختن موالید را یک ضرورت اجتماعی تشخیص دهند، شرعاً می‌توان به طور موقّت با آن موافقت کرد و یا در صورت لزوم به طور حساب شده از آن تبلیغ نمود. در ضمن باید توجّه داشت که افزایش نسل به عقیده هیچ‌کس جزء واجبات نیست و بنابراین محدود ساختن، حرام نمی‌باشد، مگر در مناطقی که تغییر بافت جمعیّتی به زیان مسلمین یا پیروان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) باشد که در چنین مواردی باید برنامه کنترل موالید تعطیل شود. در ضمن باید در موارد کنترل جمعیّت به جای افزایش کمّی به سراغ افزایش کیفی رفت، تا مسلمانانی عالم تر و کارآمدتر به جامعه اسلامی تحویل داده شود و عزّت و عظمت مسلمین حفظ شود و نیز باید توجّه داشت که در مواردی که طبق تشخیص اهل خبره متعهّد، کنترل جمعیّت ضروری است، باید حتماً از وسایل مشروع استفاده کرد، نه از وسایل نامشروعی مانند سقط جنین و امثال آن.

سؤال ۱۵۲۵- حکم کاهش رشد جمعیّت با استفاده از قرصهای ضدّ حاملگی و اعمال جرّاحی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۳

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه، هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیّت تولید مثل ساقط شوند) نشود ذاتاً مجاز است ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

سؤال ۱۵۲۶- اگر دکترها به خانمی بگویند که حاملگی برایت خطرهایی دارد آیا زن می‌تواند لوله‌های رحم خود را ببندد اگر چه مستلزم عقیم شدن دائم و یا مستلزم نظر و لمس حرام باشد؟ آیا این از مصادیق اضطرار است؟

جواب: در صورتی که از گفتار دکترها خوف خطر حاصل شود مجاز هستید.

مسائل تلقیح

سؤال ۱۵۲۷- آیا جایز است نطفه مرد بیگانه‌ای را به زن شوهرداری تلقیح کرد؟ نطفه شوهرش چطور؟

جواب: تلقیح نطفه مرد بیگانه به آن زن جایز نیست و تلقیح نطفه شوهر اگر مستلزم نگاه و لمس نامحرم باشد تنها در موقع ضرورت جایز است.

سؤال ۱۵۲۸- منی مرد تا ۷۲ ساعت بعد از مرگ از نظر علمی دارای حیات کامل است. اگر زوجه درخواست تلقیح مصنوعی از شوهر متوفای خود بکند آیا اطبا مجاز به این کار هستند و حکم ولد چیست؟ لازم به ذکر است که این عمل بعضاً در خارج اعمال می‌گردد و عمدتاً در مواردی است که زوجه از زوج فرزندی نداشته باشد و در همان اوایل ازدواج به هر دلیلی زوج متوفی گردد.

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۵۲۹- رحم بانویی به هر علّت قادر به نگاهداری جنین نیست و سقط می‌کند. با آمیزش نطفه وی و شوهرش در آزمایشگاه و انتقال جنین به رحم زن دیگری که شوهر ندارد به اصطلاح مادر جانشین و یا مادر قائم مقام نامیده می‌شود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۴

بچه رشد می‌کند و به موقع، متولّد می‌شود و برابر قرارداد مزد معیّنی به مادر جانشین داده می‌شود تا کودک تحویل زن و شوهر گردد. آیا این امر می‌تواند جایز باشد؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد ولی مسائل جنبی حرامی از قبیل لمس کردن و نظر کردن در آن موجود است. هرگاه به وسیله محرمی مانند شوهر انجام شود به این صورت که نطفه خود و یکی از دو همسرش را بگیرد و ترکیب و در رحم همسر دیگر (هرچند عقد موقّتی با او خوانده باشد) کشت کند، مرتکب حرامی نشده و در غیر این صورت برای مجاز بودن این محرمات جنبی باید ملاحظه کرد که آیا این کار ضرورتی پیدا کرده است یا نه؟

سؤال ۱۵۳۰- در مفروض سؤال قبل اگر این عمل چه جایز باشد و یا نه به هر حال انجام بگیرد، با وجود اینکه این کودک در رحم مادر جانشین بزرگ شده است امّا دارای صفات ارثی زن اوّل می‌باشد. با توجّه به آیه دوّم سوره مبارکه مجادله به کدام یک از این دو زن تعلّق دارد و وارث کدام یک از آنهاست؟

جواب: این فرزند متعلّق به صاحبان نطفه و با آنها محرم است و از آنها ارث می‌برد و در مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی است بلکه از آن در بعضی جهات اولویّت دارد چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند امّا ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۵۳۱- شوهر نطفه ندارد و همسرش سالم و نطفه دار است. آیا می‌شود نطفه مرد اجنبی را با نطفه این زن شوهردار مخلوط کرد و به رحم این زن تزریق نمود؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۳۲- مرد نطفه ندارد و از همسرش جدا شده است، اگر این زن به صیغه مردی درآید، نطفه این مرد جدید و نطفه زن را ترکیب می‌کنند، زن بعد از پایان صیغه و عدّه به عقد شوهر اوّل درمی‌آید و بعداً آن نطفه را به داخل رحم زن تزریق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۵

می‌کنند در این صورت پدر و مادر، ارث و محرمیّت به چه صورت است و حکم شرعی آن چیست؟

جواب: اگر ضرورتی ایجاب کند جایز است ولی فرزند به صاحبان اصلی نطفه تعلّق دارد.

سؤال ۱۵۳۳- آیا پیوند تخمدان زن اجنبی (مانند پیوند کلیه) به زوجه برای باردار شدن جایز است و اگر جایز است آیا: الف) دیه دارد؟ ب) تخمدان را می‌توان فروخت؟ ج) حکم اولاد زوجه چگونه است؟ د) زن اجنبی حقّی مانند مادر بودن پیدا می‌کند یا خیر؟

جواب: چنانچه ضرورتی برای این کار نباشد از آن صرف نظر کنید و اگر ضرورتی وجود دارد، بعد از پیوند این عضو جزء بدن آن زن می‌شود و فرزند مال خود اوست و در فرض فوق دیه ندارد و خریدوفروش آن جایز است، هرچند بهتر این است که پول را در مقابل اجازه برداشتن عضو مزبور بگیرد نه در مقابل خود آن.

سؤال ۱۵۳۴- بعضی از مؤمنین و مؤمنات که برای اولاددار شدن به مراکز ناباروری مراجعه می‌کنند و از حیث نطفه نقایصی دارند، آیا می‌توانند از نطفه‌هایی که در بانک نطفه نگهداری می‌شود در لقاح مصنوعی با منی خود آنها ممزوج و شرایط لقاح را فراهم و با دستگاه در رحم همسران آنها قرار دهند یا خیر؟ در صورتی که به طور کلّی در منی آنها اسپرم و تخمک وجود نداشته باشد آیا می‌توانند از اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویه موجود در بانک نطفه استفاده نمایند و چنانچه در دو فرض فوق فرزندی به وجود آید ولد متعلّق به چه کسی خواهد بود؟

جواب: استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست و تولّد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلّق به صاحبان نطفه است و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می‌باشد، بی‌آن

که از او ارث ببرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۶

مسائل مربوط به عمل جرّاحی

سؤال ۱۵۳۵- بیماری که بنابر تشخیص اطبای حاذق در صورت ترک نمودن عمل جرّاحی به زودی خواهد مرد و در صورت اقدام به عمل جراحی احتمال قوی دارد که زنده بماند و لیکن تا پایان عمر دچار درد و رنج شدید و توانفرساست و احتمال مرگ هم در کار می‌باشد، بفرمایید تکلیف این بیمار چیست؟

جواب: مخیّر است که یکی از این دو طرف را انتخاب کند.

سؤال ۱۵۳۶- شخصی استخوان پای وی شکسته است چنانچه جرّاحی روی پای وی انجام ندهند تا پایان عمر زمین‌گیر شده و با درد و رنج باید به سر ببرد و اگر عمل کند احتمال بهبودی داده می‌شود، بفرمایید:

الف) با چند در صد احتمال بهبودی تکلیف وی اقدام برای عمل می‌باشد؟

ب) چنانچه عمل و شرایط به گونه‌ای است که احتمال مرگ هم بعید نباشد بفرمایید با چند در صد احتمال مرگ وظیفه ترک کردن عمل می‌باشد؟

جواب: الف) اگر احتمال قابل ملاحظه‌ای برای بهبودی باشد، احتیاط آن است که کوتاهی نکند.

ب) اگر احتمال مرگ زیاد نباشد جایز است.

سؤال ۱۵۳۷- بیماری که به ناراحتیهای روانی شدیدی دچار است و جهت معالجه به پزشک مراجعه می‌نماید پزشک هم احتمال خوب شدن وی را منحصراً در اقدام به عمل جرّاحی می‌داند و در صورت عمل کردن هم احتمال می‌دهد حیات مغزی این بیمار از بین برود و برای همیشه بیمار فلج شود، آیا در این صورت طبیب می‌تواند دست به عمل جراحی بزند؟

جواب: اگر وضع بیماری روانی او و همچنین درصد احتمال نجات با جرّاحی در حدّی است که عقلاـ چنین اقدامی را معقول و منطقی می‌دانند شرعاً اشکالی ندارد. در ضمن باید شخص نامبرده (اگر قدرت تشخیص دارد) یا ولیّ او (در صورت عدم قدرت تشخیص) با این کار موافقت کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۷

مسائل مربوط به حفظ جان

سؤال ۱۵۳۸- الف) آیا دروغ گفتن برای حفظ جان مسلمانی جایز است؟

ب) دروغ گفتن جهت حفظ جان کافر ذمّی چه صورتی دارد؟

ج) در جایی که انسان می‌تواند با دروغ گفتن و به خطر انداختن جان خود و یا شخص دیگر، موجب نجات جان چند مسلمان بشود تکلیف وی را در این مورد بیان فرمایید که آیا این کار جایز است و در صورت به خطر افتادن جان آن شخص دیگر (با دروغ این انسان) و تلف شدن، دیه به عهده کیست؟

جواب: الف) نه تنها جایز بلکه واجب است.

ب) اشکال ندارد.

ج) دروغ گفتن برای نجات جان افراد اشکال ندارد ولی به خطر انداختن جان خود یا دیگری برای حفظ جان دیگران لازم نیست و اگر جان دیگری را به خطر بیندازد ضامن است.

سؤال ۱۵۳۹- در عالم پزشکی متداول شده که روی موجودات بسیار ریز ژنهای درون سلولهای بدن انسان و غیر انسان اقداماتی انجام می‌دهند که گفته می‌شود موجب پیدایش تغییراتی در ساختمان روانی انسانها و یا تغییرات جسمی انسانها و غیر انسانها می گردد، بفرمایید:

الف) آیا نفس این عمل (دست‌کاری کردن ژنها) جایز است؟

ب) در صورتی که این اقدام به منظور درمان صورت نگیرد و لیکن در جهت دستیابی به برتریهای جسمی و یا روانی و پیشرفت علم پزشکی بوده باشد، آیا جایز است چنین اقداماتی انجام گیرد؟

ج) اگر اقدام فوق روی نطفه یا جنین انجام شود حکم چگونه خواهد بود؟

جواب: الف) هرگاه این تغییرات مثبت باشد اشکالی ندارد.

ب) اگر مثبت باشد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۸

ج) مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۵۴۰- الف) آیا برای نجات جان یک مسلمان، انسان می‌تواند عضوی از اعضای خود را به او هدیه کند، بدون این که هیچ خطر جانی متوجّه انسان دهنده عضو بوده باشد؟

ب) آیا دهنده عضو می‌تواند پولی در عوض دریافت نماید؟

ج) اگر احتمال آسیب و خطر کمتر از مرگ برای دهنده عضو در کار باشد آیا این اقدام جایز است در صورتی که با این کار مسلمانی را از مرگ نجات بدهد؟

جواب: الف) نه تنها اشکالی ندارد بلکه راجح و خوب است و گاه ممکن است واجب شود.

ب) جایز است ولی بهتر این است که پول را در مقابل این که اجازه می‌دهد عضو را بردارند بگیرد نه در مقابل خود عضو.

ج) جایز است.

سؤال ۱۵۴۱- نسبت به شخصی که به گونه‌ای می‌خواهد اقدام به خودکشی نماید بفرمایید:

الف) آیا جلوگیری از خودکشی وی بر دیگران واجب است؟

ب) اگر ممانعت از خودکشی آن شخص، مستلزم مخارجی باشد آن مخارج را چه کسی و تا چه مقداری باید پرداخت نماید؟

ج) اگر بازداری شخص فوق از خودکشی، مستلزم استقبال از خطر جانی یا به خطر افتادن سلامت شخص نجات دهنده باشد تا چه اندازه باید از این خطر استقبال نماید؟

د) آیا در نجات جان چنین فردی، فرقی بین مسلمان یا کافر حربی یا کافر غیر حربی که می‌خواهد خودکشی نماید وجود دارد، اگر هست احکام آن را بفرمایید؟

ه-) آیا برای ممانعت از خودکشی آن شخص، رضایت یا عدم رضایت وی برای نجات در تکلیف نجات دهنده، مدخلیّت دارد یا خیر؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۹

و) در صورت عدم رضایت برای نجات جان خود اگر کسی اقدامی در جهت نجات وی انجام داد که در ضمن آسیبی هم به شخص خودکشی‌کننده وارد شد، آیا منجی ضامن است؟

جواب: الف تا ج) جلوگیری از خودکشی بر هر مسلمانی واجب است و اگر هزینه کمی داشته باشد باید شخص بازدارنده بپردازد امّا اگر هزینه آن سنگین باشد یا مستلزم خطر جانی باشد بر آن شخص لازم نیست ولی چنانچه بیت المال توانایی داشته باشد باید

آن را بپردازد.

د) نجات جان کافر حربی لازم نیست و در مورد کافر ذمّی احتیاط نجات دادن است.

ه‍-) رضایت او لازم نیست.

و) در صورتی که راه نجاتش منحصر به راهی است که آسیبی به او می‌رسد اشکالی ندارد و ضامن نیست.

تغییر جنسیّت

سؤال ۱۵۴۲- تغییر جنسّیت از نظر شرع چگونه است؟

جواب: تغییر جنسیّت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی باید از مقدّمات مشروع استفاده شود، یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید مگر اینکه به حدّ ضرورت همچون ضرورت مراجعه به طبیب رسیده باشد، که در این صورت جایز است.

سؤال ۱۵۴۳- دختری از کودکی لباس مردانه می‌پوشیده و حالا ـ که بزرگ شده خود را مرد می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالت مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه به پزشک، درخواست تغییر جنسیّت خود را نموده است، آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیّت می‌باشد؟

جواب: تغییر جنسیّت اگر صوری باشد جایز نیست و اگر واقعی باشد (این امر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۰

در افراد دو جنسی واقع می‌شود) به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیّت واقعی جایز و گاه واجب است.

سؤال ۱۵۴۴- اگر مردی در اثر عدم تربیت صحیح و عدم مراعات مسائل شرعی در خانواده، در کودکی لباس زنانه پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را زن می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالات زنانه در او تقویت شده و درخواست تغییر جنسیت می کند، آیا جایز است تغییر جنسیّت بدهد؟

جواب: همان‌طور که در بالا گفته شد تغییر جنسیّت صوری جایز نیست، ولی اگر جنسیّت واقعی او خلاف آن است که در او ظاهر می‌باشد، تغییر آن جایز بلکه گاه واجب است.

سؤال ۱۵۴۵- با توجّه به اینکه تغییر جنسیّت از نظر طبّی در غیر از خنثی (دو جنسی) به تعبیر اطبا تنقیص جنسیّت محسوب می‌شود، بعضاً اطبا با مواردی مواجهند که شخص از نظر ظاهر بدن بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می گویند اگر این تغییر و لو به طور صوری و ظاهری صورت نگیرد، انتحار خواهیم کرد (تا به حال دو بار این مسأله پیش آمده) و با توجّه به اینکه آمارهای علمی نشان می‌دهد، اینگونه افراد شش الی شانزده ماه بعد از وضعیّت جدید پشیمان خواهند شد، آیا اطبا در اینگونه موارد که با تهدید انتحار مواجهند، می‌توانند از باب اینکه حفظ نفس مقدّم بر حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟

جواب: همان گونه که گذشت تغییر جنسیّت دو صورت دارد، گاهی صرفاً ظاهری و صوری است یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست فقط یک جرّاحی صوری در او انجام می گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می گردد، این کار جایز نمی‌باشد و گاه واقعی است، یعنی با جرّاحی کردن عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌شود، این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۱

مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد، امّا چون این جرّاحی نیاز به نظر و لمس دارد تنها در موارد ضرورت مانند آنچه ذکر کرده‌اید مجاز است.

مسائل متفرّقه پزشکی

سؤال ۱۵۴۶- در برخی بیماریها مثل نارسایی کلیه با اطمینان می‌توان به بیمار توصیه نمود که روزه نگیرد امّا در خیلی از موارد به علّت شکی که در اصل بیماری و یا چگونگی تأثیر روزه بر آن وجود دارد یا به علّت عدم وجود تحقیقات و نتایج لازم در مورد اثرات روزه بر بسیاری بیماریها و به خاطر عدم امکان تعیین نقش روزه بر بیماری، پزشک واقعاً نمی‌داند روزه را به بیماری توصیه کند یا خیر، در این صورت وظیفهٔ پزشک چیست؟ آیا در صورت توصیه یا عدم توصیه به روزه مسئول است؟

جواب: این مسأله دو صورت دارد: گاه برای طبیب خوف ضرر حاصل می‌شود یعنی احتمال قابل توجّهی نسبت به زیان داشتن روزه برای او حاصل می‌شود در اینجا می‌تواند همان را به بیمار منتقل کند، چنانچه بیمار از قول طبیب خوف ضرر پیدا کند روزه را ترک می‌کند. صورت دوّم آن است که احتمال ضعیف و کم رنگی باشد در این جا نمی‌تواند به بیمار توصیه ترک روزه کند.

سؤال ۱۵۴۷- آیا تزریق آمپولهایی که جهت بی‌حسی، کاهش درد، کشتار میکروبها و ... به کار می‌روند در صورتی که هیچ خاصیّتی در جهت رساندن ویتامین یا موادّ غذایی به بدن نداشته باشند، مبطل روزه می‌باشد؟

جواب: تفاوتی میان آمپولهای دارویی و غذایی و سرمها (و به طور کلّی آمپولهایی که در کلّ بدن اثر می‌گذارد) نیست و همه اینها بنابر احتیاط واجب برای روزه‌دار اشکال دارد ولی آمپولهای موضعی که برای بی‌حسی یا غیر آن استفاده می‌شود اشکال ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۷۲

سؤال ۱۵۴۸- آیا خوردن داروهای خوراکی که هیچ جنبه غذایی نداشته باشد و جهت تسکین آلام بیماری به کار می‌رود مبطل روزه می‌باشد؟

جواب: بدون شک مبطل روزه است.

سؤال ۱۵۴۹- آیا بردن وسایل غیر خوراکی- مثل وسایل دندانپزشکی- در دهان، باعث ابطال روزه می‌شود؟

جواب: باعث ابطال روزه نیست مگر این که رطوبتهایی از دهان روی آن قرار گیرد و بعد آن را به دهان برگرداند و به اندازه‌ای زیاد باشد که با آب دهان مستهلک نشود و فرو ببرد.

سؤال ۱۵۵۰- آیا الکلی که جهت ضد عفونی، بعد از تزریقات، به کار برده می‌شود نجس است؟

جواب: پاک است، مگر این که با خون مخلوط شود.

سؤال ۱۵۵۱- در بعضی از بیمارستانها از دانشجویانی که دوره آشنایی با کارهای طبابت را به صورت عملی می‌گذرانند می‌خواهند که از بیماران مراجعه‌کننده معاینه به عمل آورند و قصدشان هم تعلیم امور درمانی می‌باشد، بفرمایید:

الف) در صورت عدم رضایت بیماران می‌توان آنان را به نوعی به معاینه مجبور نمود، مانند اینکه پزشک معالج اصلی بگوید اگر از معاینه دانشجویان ممانعت بنمایی من تو را معالجه و درمان نخواهم نمود؟

ب) اگر اقدام فوق در مورد ضرورت تعلیم بدون اشکال است مورد ضرورت را توضیح فرمایید؟

جواب: الف) کسی را نمی‌توان مجبور به معاینه کرد ولی اگر درمان او فوری و واجب نباشد و طبیب درمان را مشروط به اجازه معاینه کند و او هم این شرط را بپذیرد مانعی ندارد از این راه وارد شود.

ب) منظور از ضرورت این است که اگر این معاینات صورت نگیرد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۷۳

دانشجویان طب نمی‌توانند اطّلاعات خود را کامل کرده و جان مسلمانان را از خطر نجات دهند.

سؤال ۱۵۵۲- آیا طبیب می‌تواند ضمن انعقاد قرارداد معالجه با بیمار، سلب هرگونه مسئولیّت شرعی از خود نسبت به آسیبهای احتمالی که در ضمن معالجه ممکن است پیش بیاید بنماید تا هیچ‌گونه ضمانی به عهده وی یا عایله وی نباشد؟

جواب: اشکالی ندارد مشروط بر این که طبیب در تلاش و کوشش خود کوتاهی نکند.

سؤال ۱۵۵۳- اگر از طرف قاضی، زنی را جهت معاینه و تشخیص نطفه‌ای که وی در رحم دارد به نزد پزشک قانونی بفرستند، در صورتی که طبیب به طور قطع بتواند تشخیص دهد که نطفه متعلّق به شوهر این زن نبوده بلکه از مرد اجنبی می‌باشد، در این حال اگر طبیب واقعیّت را گزارش دهد یقین دارد این زن را بناحق اقوام وی خواهند کشت و اگر خلاف گزارش کند بچّه ملحق به شوهر این زن می‌گردد و مسائل حقوقی و ارث و محرمیّت و سایر مشکلات پیش خواهد آمد، بفرمایید وظیفه طبیب چیست؟

جواب: مهم این است که قول طبیب و یقین او برای قاضی در این گونه موارد حجّت نیست و حتّی یقین خود قاضی هم که از این طریق حاصل شود حجیّت آن محل اشکال است بنابراین لزومی ندارد طبیب یقین خود را در اینگونه موارد بازگو نماید و در نتیجه به حسب حکم ظاهری بچه ملحق به آن شوهر است و اینگونه احکام ظاهری مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سؤال ۱۵۵۴- نسبت به کسی که اعتصاب غذا نموده و جان خود را به خطر انداخته یا لااقل سلامتی خود را دچار مخاطره کرده و تنها با تغذیه اجباری توسط پزشک می‌توان او را از خطر جانی حفظ نمود، بفرمایید:

الف) آیا این کار برای پزشک واجب است یا می‌تواند اقدامی نداشته باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۴

ب) اگر تغذیه واجب باشد و راه آن منحصر به ضرب و جرح اعتصاب‌کننده باشد، برای نجات دادن وی انسان چه مقدار مجاز به ضرب و جرح او می‌باشد؟

ج) اگر ضرب و جرح چنین کسی موجب تغییر رنگ پوست وی گردد و مستلزم دیه باشد، دیه آن به عهده کیست؟

د) آیا حکم فوق نسبت به اعتصاب کننده‌ای که می‌داند با اعتصاب غذا، خود را به پای مرگ می‌کشاند با دیگری که از عواقب کارش بی‌خبر است فرق می‌کند، اگر فرق دارد وظیفه طبیب را در مورد او هم بیان فرمایید؟

ه‍) اگر پزشک را مجبور به تغذیه اجباری نسبت به اعتصاب‌کننده غذا بنمایند نه به جهت حفظ جان اعتصاب‌کننده بلکه برای اقرار گرفتن از وی نسبت به امری، پزشک چه تکلیفی در این صورت دارد؟

جواب: الف) این کار برای پزشک و سایر مسلمانان در موارد وجوب، واجب است.

ب) حدّ اقل لازم در موارد احساس خطر برای اعتصاب‌کننده غذا جایز است.

ج) در موارد وجوب دیه ندارد.

د) برای طبیب تفاوتی ندارد.

ه‍) هرگاه جان بیمار در خطر نباشد طبیب نمی‌تواند او را مجبور به غذا خوردن کند مگر در مواردی که مصالح مهمّ کشور و جامعه اسلامی در میان باشد.

سؤال ۱۵۵۵- اگر دو مصدوم را برای پزشکی جهت معالجه بیاورند که هر دو نفر در شرایط خطر جانی قرار دارند، در صورتی که یکی از آن دو مصدوم عضو خانواده‌ای باشد که این پزشک، طبیب خانوادگی آنان می‌باشد و اقدام پزشک برای معالجه هر یک از آن دو مستلزم رها ساختن مصدوم دیگر می‌باشد که در نتیجه آن مصدوم دیگر خواهد مرد، بفرمایید در اینجا وظیفه طبیب پرداختن به معالجه کدام یک از این دو مصدوم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۵

الف) با توجّه به این که طبیب هیچ‌گونه تعهّد شرعی نسبت به معالجه اعضای خانواده مصدومی که وی پزشک آنان است نداده باشد؟

ب) در صورتی که تعهّد شرعی نسبت به معالجه اعضای خانواده یکی از آن دو داشته باشد حکم چگونه است؟

ج) در صورتی که مصدوم و مجروحی که وی پزشک خانوادگی آنان می‌باشد حالش بسیار سخت ولی احتمال خطر مرگ برای وی کمتر است تا مصدوم دیگر، در این صورت وظیفه طبیب چیست؟

جواب: در صورت اوّل و دوّم با توجّه به این که هر دو بیمار در شرایط مساوی قرار دارند طبیب مخیّر است ولی اگر تعهّد شرعی نسبت به یکی از آنها دارد او را مقدّم دارد و در صورت سوّم باید آن را که خطرش بیشتر است مقدّم دارد.

سؤال ۱۵۵۶- اگر بیماری به پزشک مراجعه نماید و پزشک هم در معاینات وی به سرّی از اسرار بیمار مطّلع شود که در صورت کتمان نمودن، نفع بیمار و کسان وی در آن لحاظ می‌گردد و بیمار هم خواهان پنهان ماندن آن عیب و بیماری باشد، ولی اگر طبیب به اطّلاع مسئولین مملکتی و حکومتی برساند نفع و مصلحت جامعه در آن وجود دارد اینجا طبیب چه تکلیفی دارد؟

جواب: تنها در موردی که مصالح جامعه به خطر می‌افتد لازم است آن را فاش کند و به مسئولین مربوطه اطّلاع دهد.

سؤال ۱۵۵۷- شخصی سرطان دارد و طبیب می‌داند هرگونه اقدام در جهت معالجه او بی‌فایده است و اگر به بیمار و کسان وی اطّلاع دهد گرچه ضربه روحی و صدمات روانی به آنان وارد می‌شود امّا از صرف هزینه فراوانی برای معالجه جلوگیری می‌شود و طبیب هم مورد شکایت نسبت به کتمان بیماری قرار نمی‌گیرد و اگر اطّلاع ندهد اموال فراوانی خرج معالجه می‌شود که بی‌فایده خواهد بود و طبیب هم مورد اعتراض واقع می‌شود، بفرمایید با توجّه به اصراری که بیمار و کسانش در مورد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۷۶

دانستن واقعیّت دارند تکلیف طبیب چیست؟

جواب: با توجّه به این که ضربه‌های روحی از یکسو و هزینه‌های درمان از سوی دیگر کاملا متفاوت است طبیب باید آن طرف را اختیار کند که صدماتش کمتر است.

سؤال ۱۵۵۸- جوانی جهت ازدواج برای آزمایش به پزشک مراجعه می‌کند که پزشک وی را دچار بیماری مسری می‌یابد و یا متوجّه می‌شود که او معتاد است و در اینجا اگر پزشک واقعیّت را برای دیگران که منتظر نتیجه آزمایش می‌باشند بگوید، پرده از روی راز پنهان بیمار برداشته که قطعاً طبیب می‌داند برای بیمار تبعات بدی به دنبال خواهد داشت و اگر نگوید همسر آینده وی دچار بیماری مسری می‌شود و گرفتاریهایی پیدا می‌نماید و برای طبیب هم ممکن است دچار درد سر بشود بفرمایید تکلیف طبیب چیست؟

جواب: با توجه به اینکه اینگونه آزمایشها نوعی مشورت با طبیب است کتمان کردن واقعیّت، خیانت در مشورت محسوب می‌شود و باید واقعیت را بگوید.

سؤال ۱۵۵۹- مبلغی پول در اختیار است که آن را می‌توان یا صرف مداوای یک بیمار قلبی نمود و یا صرف ده بیمار دیگر که به امراض دیگری مبتلا هستند، حال اگر بیمار قلبی را مداوا ننماییم خواهد مرد و اگر مداوای بیماران دیگر را رها سازیم دچار رنجهای شدید و موجب پیشرفته‌تر شدن بیماری آنان می‌گردد و راهی هم برای مداوای هیچ‌یک از بیماران فوق جز از طریق خرج کردن این مبلغ پول وجود ندارد، در این صورت تکلیف طبیب انتخاب کدام طرف می‌باشد؟

جواب: هرگاه بیماری آن یک نفر خطر جانی دارد و بیماری آن ده نفر خطرناک نیست، باید اوّلی را مقدّم داشت.

سؤال ۱۵۶۰- اگر پزشکی خطرناک بودن بیماری بیمار و ناامید بودنش را از حیات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۷۷

بیمار، به وی بگوید اسباب نگرانی شدید روحی بیمار و کسان وی را فراهم می‌نماید. ولی از طرف دیگر برای گرفتن اذن از بیمار و کسان وی در صورت نیاز به عمل جرّاحی گفتن آن لازم است و چه بسا موجب می‌شود بیمار وصیّت نماید و یا امانات مردم را به آنان رد نماید و کسب حلیّت کند و همچنین پزشک هم مورد اعتراض بعدی بازماندگان بیمار نسبت به عدم اخبار به آنان در مورد

خطرناک بودن بیماری قرار نمی‌گیرد و چنانچه خطرناک بودن بیماری را اطّلاع ندهد، صدمه روحی و فکری به بیمار وارد نمی‌شود- هر چند تأثیر هم در جهت بهبودی مریض ندارد- ولی از طرف دیگر ممکن است به خاطر وصیّت نکردن، حقوق افرادی از بین برود و پزشک هم مورد اعتراض گروهی از جهت عدم اطّلاع واقع می‌گردد، بفرمایید اگر راه منحصر به گفتن صریح خطرناک بودن بیماری و یا نگفتن باشد، طبیب چه باید بکند؟

جواب: معمولا راه سوّمی در این گونه موارد وجود دارد که با عبارات مناسبی از مریض و کسان او اجازه می‌گیرند و می‌توان مطلب را برای بعضی از کسان او که روحیّه بهتری دارند بیان کرد، بنابراین ضرورتی که همه چیز را بخواهد با صراحت بگوید نیست.

سؤال ۱۵۶۱- انتخاب اولویّت در رسیدگی به چند بیمار که همگی به اقدامات اورژانس نیاز دارند بر چه اساسی است؟ آیا تنها معیار، رسیدگی به حال بیمار بدحال‌تر است یا این که شخصیّت حقوقی و حقیقی افراد باعث تفوّق یک نفر بر دیگری می‌شود. مثلا رسیدگی به جان یک پزشک یا مهندس تحصیل‌کرده که برای جامعه مفیدتر است با یک کارگر ساده یکسان است؟ یا مثلا رسیدگی به یک فرد معتاد به هروئین که تصادف کرده با یک فرد مؤثّر در جامعه یکسان است؟

جواب: اگر حال یکی خطرناکتر است اولویّت دارد و هرگاه از نظر وضع پزشکی در شرایط مساوی باشند رعایت اولویّتهای اجتماعی و اخلاقی بهتر است.

سؤال ۱۵۶۲- آزمایش و پژوهش روی افراد چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان از انسانها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۸

برای آزمایش داروها استفاده کرد؟ برای مثال معمول است که در آزمایش داروها از گروه شاهد (گروه سالم) استفاده می‌کنند و برخی می‌گویند: اگر اثر داروی مورد مطالعه مشخص نباشد می‌توان گروه شاهد را انتخاب کرد ولی در مواردی که اثر درمانی داروی مورد مطالعه حتمی است و یا عدم تجویز آن سبب خطراتی می‌شود تعیین گروه شاهد صحیح نیست نظر شما چیست؟ مثال دیگر: آیا از نظر اخلاقی تجویز دارونما اشکالی ندارد؟ برخی می‌گویند استفاده از داروی کاملا بی‌اثر (Placebo)اشکال دارد و در مقایسه یک دارو، باید آن را با داروی قدیمی مقایسه کرد ولی اگر داروی قدیمی موجود نباشد می‌توان از دارونما استفاده کرد. البتّه دارونمای کاملا- بی‌اثر «مثل تزریق مایع نمکی داخل رگ به جای دارو» باید با اطّلاع و موافقت بیمار باشد. آیا بیماران چنین مسأله‌ای را می‌پذیرند؟ بیماری که به بیمارستان مراجعه می‌کند برای درمان است نه برای آزمایش و پیدا شدن افراد داوطلب که بیمار هم باشند مشکل است پس راه حلّ چیست، آیا می‌توان بدون اطّلاع بیمار به او دارونما داد؟ مثال دیگر: آیا استفاده از کفّار، اسرا و محکومین به مرگ، برای آزمایش و پژوهش مجاز است؟ این روش را هیتلر روی یهودیها و آمریکاییها روی سیاه‌پوستان انجام می‌دادند.

جواب: استفاده از داروهایی که خطر مرگ یا بیماریهای مختلف دارد جایز نیست، مخصوصاً با عدم اطّلاع طرف استفاده از داروهای بی‌اثر اگر جنبه درمانی و لو از طریق تلقین داشته باشد، در فرض نبودن داروهای واقعی مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶۳- نظر شما در مورد عمل جرّاحی زیباسازی که بعضی انجام می‌دهند چیست؟ قابل توجّه این که این عملیّات گاهی برای از بین بردن زشتی مادرزادی است و گاهی برای از بین بردن زشتی است که مادرزادی نیست مثل زخمها و جراحاتی که بعداً عارض می‌شود و گاهی اصلا برای از بین بردن زشتی نیست، بلکه برای زیباتر شدن است؟

جواب: در صورتی که آمیخته با حرام دیگری نباشد در هیچ صورت اشکال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۹

ندارد و در صورتی که مستلزم حرامی باشد (مانند نظر و لمس نامحرم) تنها در صورت ضرورت، جایز است.

سؤال ۱۵۶۴- شخصی از یک بیماری سخت مانند سرطان رنج می‌برد و پزشکان هم از معالجه وی ناامید شده‌اند، حال اگر پزشکی

از روی ترحّم و دلسوزی از معالجه وی که منجر به ادامه زندگی شخص بیمار در مدّت کوتاهی می‌شود خودداری نماید و بیمار زودتر بمیرد، آیا از نظر فقهی و شرعی چنین کاری جرم است یا نه؟ لطفاً به طور اجمال به دلیل آن را اشاره کنید.

جواب: قتل انسان مطلقاً جایز نیست حتّی از روی ترحّم و حتّی با اجازه خود مریض و ترک معالجه منجر به مرگ نیز جایز نیست. دلیل اصلی این مسأله اطلاقات ادلّه حرمت قتل از آیات و روایات است و همچنین ادلّه وجوب حفظ نفس و فلسفه آن ممکن است این باشد که چنین اجازه‌ای سبب سوء استفاده‌های فراوان می‌شود و به بهانه‌های واهی قتل از روی ترحّم صورت می‌گیرد یا افرادی به قصد انتحار و خودکشی از این راه وارد می‌گردند، به علاوه مسائل پزشکی غالباً یقین‌آور نیست و ای بسا افرادی که از حیات آنها مأیوس بوده‌اند و به طور عجیبی از مرگ رهایی یافته‌اند.

سؤال ۱۵۶۵- آیا کسی می‌تواند به دیگری اجازه قتل خودش را بدهد؟ آیا قاتل ضامن است؟ اعمّ از این که مانند مریض در حال مرگ باشد که به پزشک اذن تزریق آمپول مرگ‌آور می‌دهد یا شخص دیگر؟

جواب: اجازه چنین چیزی جایز نیست و اگر اجازه بدهد و راضی باشد سبب جواز نمی‌شود.

سؤال ۱۵۶۶- بیماران مرگ مغزی در علم پزشکی اشخاصی هستند که دچار توقف تمامی فعالیّتهای شناخته شده مغزی شده‌اند و لکن قلب و بعضی از ارگانهای دیگر بدن به کار خود ادامه می‌دهند، تنفّس در این بیماران متوقّف شده و با استفاده از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۰

دستگاه تنفّس دهنده (اسپیراتور) می‌توان تنفّس را برقرار کرد. تمامی اینگونه بیماران در فواصل زمانی چند ساعت یا بیشتر نهایتاً دچار ایست قلبی و مرگ خواهند شد، آیا می‌توان با توجّه به فروض ذیل اینگونه بیماران را از دستگاه تنفّس دهنده جدا نمود:

الف) هزینه سنگین دستگاه‌های تنفّس دهنده.

ب) استهلاک این دستگاه‌ها به صورتی که در موارد ضروری‌تر کارآیی کافی را نخواهند داشت.

ج) تحمّل اضطراب و انتظار طولانی خانواده بیمار در حالی که بیمار آنها بهبود نخواهد یافت.

د) وجود بیماری که شانس بهبودی بیشتری داشته باشد و همزمان محدودیّت در تعداد دستگاه‌های تنفّس دهنده وجود داشته باشد.

جواب: در فرض مسأله اگر به امور مزبور یقین حاصل شود در تمام موارد ادامه معالجه واجب نیست.

سؤال ۱۵۶۷- معاینه مرد توسط پزشک زن در صورتی که پزشک مرد در دسترس نباشد و یا اینکه باشد چه حکمی دارد؟

جواب: جز در موارد ضرورت و عدم دسترسی به جنس موافق جایز نیست.

سؤال ۱۵۶۸- مشاهده می‌شود که برخی از دانشجویان و اساتید پزشکی از امکانات دولتی و بیت المال، مثلا فرمهای بیمارستانی و کاغذهای مکاتبه‌ای استفاده شخصی می‌کنند در حالی که هزینه این وسایل یا از بیت المال تأمین می‌شود یا به هزینه بیماران اضافه شده و از آنها اخذ می‌گردد، آیا این کار جایز است؟

جواب: جایز نیست، مگر به اجازه مسئولان بیمارستان با در نظر گرفتن مصالح مجموعه.

سؤال ۱۵۶۹- خانمی نمی‌دانسته که گذاشتن دستگاه درون رحم مستلزم نظر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۱

لمس حرام است و این کار را انجام داده لکن حالا فهمیده است، آیا باید آن را بیرون بیاورد؟ با توجّه به اینکه اگر آن را خارج نکند مجبور است هر چند وقت یک بار برای معاینه نزد دکتر برود این مستلزم نظر و لمس حرام است.

جواب: مادامی که بیرون آوردن آن لازم نباشد می‌تواند آن را به حال خود باقی بگذارد و بعد به عنوان ضرورت آن را خارج نماید.

سؤال ۱۵۷۰- آیا محافظت از بچّه در رحم واجب است یعنی مادر باید تمام شرایط لازم جهت حفظ و سلامتی بچّه را فراهم کند؟

جواب: تا آنجا که مایه عسر و حرج نشود لازم است.

سؤال ۱۵۷۱- آیا توصیه پزشک و پرستار مبنی بر ضرر داشتن روزه و یا حرکت اعضا و استعمال آب برای وضو و نماز به بیمار از نظر شرعی مجوّز محسوب می‌شود؟

جواب: چنانچه در مخالفت دستور او خوف ضرر باشد مجوّز شرعی دارد.

سؤال ۱۵۷۲- در صورتی که در یک شهر هم پزشک زن باشد و هم پزشک مرد، مراجعه بیمار زن:

الف) در صورت تساوی علمی و مهارت تخصّصی دو پزشک (زن و مرد) به متخصّص مرد چه حکمی دارد؟

ب) در صورتی که احتمال برود متخصّص مرد عالم‌تر است چه حکمی دارد؟

جواب: الف) اگر احتیاج به معاینه بدنی و نظر و لمس داشته باشد باید به پزشک زن رجوع کند. ب) اگر احتمال قوی به تفاوت آن دو بدهد و این تفاوت در درمان او یا رفع خطرات مؤثر باشد می‌تواند پزشک مرد را مقدّم بدارد.

سؤال ۱۵۷۳- در بیمارستانها و مراکز آموزشی پزشکی، دانشجویان جهت آموزش مبادرت به معاینه نواحی مختلف بدن شکم، سینه، لگن، نواحی تناسلی و بیمار غیر همجنس می‌نمایند. با توجّه به اینکه این امر یک موضوع آموزشی است که در برنامه تربیت پزشکان قرار دارد چه حکمی دارد؟ و نظر مبارک در مورد حدود آن چیست؟

جواب: تنها در صورتی جایز است که این آموزش برای غیر همجنس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۲

ضرورتی داشته باشد یعنی بدون آن تعلیمات کافی برای نجات جان بیماران از خطر یا از بیماری میسّر نشود.

سؤال ۱۵۷۴- در بیمارستانها و مراکز آموزشی پزشکی، دانشجویان پسر و دختر جهت یادگیری و آموزش مبادرت به انجام زایمان، کورتاژ و ... می‌نمایند، نظر مبارک در این خصوص چیست؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۵۷۵- گرفتن نبض و فشار خون و عمل کردن سایر دستورات پزشک توسط پرستار جنس مخالف بیمار چه حکمی دارد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۵۷۶- آیا اظهارات مسئولین بیمارستانها مبنی بر کمبود پرسنل جهت جداسازی پرستاران، ضرورت انجام امور بیماران توسط پرستاران مخالف جنس بیمار را فراهم می‌نماید؟

جواب: در صورتی که مورد اعتماد باشند اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۷۷- درباره مرگ مغزی بارها سؤال کرده‌ایم و جواب فرموده‌اید اجازه دهید آن را بصورت کلّی‌تر مطرح کنیم، در مورد مرگ مغزی که مغز از کار افتاده و تنها دستگاههای حیات نباتی کار می‌کند و هیچ امیدی به بازگشت چنین کسی به حیات حیوانی و انسانی نیست احکام مختلفی در زمینه مسائل گوناگون حقوقی و مالی و پزشکی تصوّر می‌شود لطفاً شرح جامعی درباره تمام این مسائل هر چند بصورت فشرده بیان فرمایید؟

جواب: با توجّه به این که پزشکان تصریح می‌کنند اینگونه افراد مانند شخصی هستند که مغز او بکلّی متلاشی شده و یا سر او را از تن جدا کرده‌اند که با وسایل تنفّس مصنوعی و تغذیه ممکن است تا مدّتی به حیات نباتی او ادامه داد، یک انسان زنده محسوب نمی‌شوند در عین حال یک انسان کاملا مرده هم نیستند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۳

بنابراین در احکام مربوط به حیات و مرگ باید تفصیل داده شود مثلا احکام مسّ میّت، غسل و نماز میّت و کفن و دفن درباره آنها جاری نیست تا قلب از کار بیفتد و بدن سرد شود اموال آنها را نمی‌توان در میان ورثه تقسیم کرد و همسر آنها عده وفات نگه نمی‌دارند تا این مقدار حیات آنان نیز پایان پذیرد ولی وکلای آنها از وکالت ساقط می‌شوند و حقّ خریدوفروش یا ازدواج برای

آنها یا طلاق همسر از طرف آنان را ندارنـد و ادامه معالجات در مورد آنها واجب نیست و برداشـتن بعضـی از اعضا از بدن آنها در صورتی که حفـظ جـان مسـلمانی متوقف بر آن باشـد مانعی نـدارد، ولی بایـد توجّه داشت که اینها همه در صورتی است که مرگ مغزی به طور کامل و بصورت قطعی ثابت گردد و احتمال بازگشت مطلقاً وجود نداشته باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۸۵

فصل چهل و هفتم: مسائل متفرّقه

سؤال ۱۵۷۸- آیا حق‌الماره مشروع است؟

جواب: آری، جایز است برای مسافر هنگام عبور از کنار باغها از میوه آن به مقـدار حاجت بخورد، به شـرط آن که به قصد این کار حرکت نکرده باشد و چیزی با خود حمل نکند و موجب افساد نگردد و احتیاط آن است که در صورت یقین به عدم رضایت مالک خودداری کند.

سؤال ۱۵۷۹- نظر شما در مورد تفسیر علی بن ابراهیم چیست؟

جواب: خود علی بن ابراهیم از افراد ثقه است، امّا رجالی که در سلسـله سـند تفسیر او آمده‌اند باید هر کدام مستقلا مورد بحث قرار گیرند، زیرا در این تفسیر روایات متعدّد از افراد مختلفی، نقل شده است.

سؤال ۱۵۸۰- نظر شما در مورد محمّد بن سنان چیست؟

جواب: محمّـد بن سـنان در بین علمای رجال محل اختلاف است مـدارکی بر مـدح و ذمّ او در دست است، بنابراین قناعت کردن به روایات او به تنهایی مشکل است.

سؤال ۱۵۸۱- نظر حضرت عالی در مورد معاویه ثانی چیست؟

جواب: معروف و مشـهور در بین افراد موثّق و در بعضـی زیـارات، این است که همه بنی امیّه مطرودنـد، هر چنـد درباره شـیعه بودن معاویه بن یزید روایاتی در منابع معروف نقل شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۸۶

سؤال ۱۵۸۲- چرا در بعضی از زیارتهایی که میان مردم معمول است به حضرت مهدی (عج) شریک القرآن گفته شده است؟

جواب: این تعبیر اشـاره به حـدیث معروف ثقلین است که در میـان شـیعه و اهـل سـنّت متواتر است که پیـامبر (صـلی الله علیه و آله) فرمود: من از میان شـما می‌روم و دو چیز گرانمایه به یادگار می‌گـذارم که اگر دست به دامن آنها بزنیـد هرگز گمراه نخواهید شـد کتاب خدا و عترتم.

سؤال ۱۵۸۳- چرا بعضی محل دفن امام هشتم (علیه السلام) را قبله هفتم نامیده‌اند؟

جواب: نظر به این که هفت مدفن برای معصومین (علیهم السلام) وجود دارد:

(۱- مدینه محلّ دفن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۲- قبرستان بقیع ۳- نجف ۴- کربلا ۵- کاظمین ۶- سامرا ۷- مشهد) لذا مدفن امام علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) را بعضـی از مردم قبله هفتم نامیده‌انـد. البتّه منظور از قبله در اینجـا قبله نمـاز نیست بلکه قبله به معنای چیزی است که انسان به آن توجّه می‌کند.

سؤال ۱۵۸۴- آیا تنبیه بدنی دانش‌آموزان از سوی معلّمان جایز است؟

جواب: زدن دانش‌آموزان جایز نیست، مگر این که این امر به خاطر تربیت آنها لازم باشـد و با اجازه ولیّ باشـد و با توجّه به این که در شرایط فعلی آثار منفی آن بیشتر می‌باشد، لازم است حتّی الإمکان از این کار پرهیز شود.

سؤال ۱۵۸۵- معنای قیام با سیف (شمشیر) که در روایات مربوط به قیام حضرت مهدی (عج) وارد شده است، چیست؟

جواب: قیام با سیف ممکن است اشاره به استفاده از نیروی نظامی و قدرت بوده باشد، زیرا سیف معمولا کنایه از قدرت و قلم کنایه از علم است، ولی این احتمال نیز وجود دارد که سلاحهای گرم در آن زمان از کار بیفتد و تنها جنگها با سلاح سرد صورت گیرد، زیرا سلاحهای گرم مخصوصاً سلاحهای سنگین و موشکها و بمبها غالباً بی گناه و با گناه را از بین می‌برد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۷

سؤال ۱۵۸۶- ماهیّت استخدام دولتی چیست؟ با توجّه به این که حقوق کارمند با گذشت زمان تغییر می‌یابد و دولت اعتباراتی را در تعیین زمان بازنشستگی او دارد.

جواب: استخدام دولتی ظاهراً داخل عقد اجاره است و تغییراتی که در جهت سالهای خدمت و ساعات کار و جدول حقوقی پیدا می‌شود، مشکلی در این عقد اجاره ایجاد نمی کند و می‌توان آنها را از دو راه تصحیح کرد:

الف) از طریق وکالت، به این معنا که کارمند از آغاز، خود را به عنوان سی سال با حقوق فعلی و ساعات کار مشخص در خدمت دولت قرار می‌دهد و عقد اجاره (به صورت انشای لفظی و یا معاطات) انجام می گیرد، سپس وکالت مطلّقه‌ای به دولت می‌دهد که اگر خواست در ۲۵ سالگی یا کمتر یا بیشتر این قرارداد اجاره را فسخ کندو نیز وکالت می‌دهد که ساعات کار و حتّی مقدار حقوق و مزایا را طبق جدولهای عادلانه‌ای که خودش تنظیم می کند تغییر دهد و در حقیقت اجاره جدیدی را بر اساس حقوق و مزایای فعلی ترتیب دهد بنابراین در قرارداد ابتدایی باید این مسائل قید شود که «کارمند» چنین وکالتی را در چهارچوبه ضوابط هر زمان به دولت داده است و این مسائل هنگام استخدام باید تفهیم شود و از آنجا که دولت شخصیّت حقوقی دارد، همان گونه که می‌تواند مالك بشود، می‌تواند طرف وکالت نیز واقع شود.

ب) این تغییرات را از طریق شرط ضمن عقد نیز می‌توان تصحیح کرد، به این معنا که در قرارداد نخستین، شرط می‌شود که دولت در هر زمانی بخواهد، می‌تواند این قرارداد را (مثلا- طبق ضوابطی که در مجلس شورای اسلامی یا هیأت دولت تصویب می‌شود) فسخ کند و کارمند را بازنشست کند و یا این که کارمند شرط می کند که باید مبلغی اضافه بر آنچه در قرارداد آمده طبق جدولهایی که دولت یا مجلس تصویب می کند به او بپردازد.

درست است که این شرط دارای ابهام است ولی ابهام آن در حدّی نیست که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۸

اهل عرف بر آن اقدام نکنند و ما بیش از این در باب شروط ضمن عقد دلیل نداریم.

سؤال ۱۵۸۷- ماهیّت بازنشستگی و حقوق مترتب بر آن چیست؟

جواب: مسأله بازنشستگی را نیز می‌توان از دو طریق حل کرد:

الف) این که آن را به عنوان یك عقد جدید از عقود مستحدثه که تابع عقد قرارداد خواهد بود منعقد کنند که باید شرایط عمومی عقود را داشته باشد، یعنی طرفین عقد معیّن، عاقل، بالغ و بوده باشند و ابهاماتی که در گوشه و کنار عقد بازنشستگی است نظر به این که جنبه سفهی به این عقد نمی‌دهد بلکه جنبه عقلایی آن محفوظ است ضرری به صحّت این عقد نمی‌زند و در واقع این عقد و قرارداد، شبیه عقد و قرارداد بیمه است که به عنوان یك عقد مستقل قابل قبول است و مشمول آیه شریفه (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) می‌باشد و ابهاماتی که از نظر مقدار وجه پرداختی یا مانند آن وجود دارد ضرری به آن نمی‌زند و همچنین مسأله ربا، نه در عقد بیمه جاری است و نه در عقد بازنشستگی.

ب) این مسأله با تمام ویژگیها و مقرّراتش به صورت شرط ضمن العقد در قرارداد استخدام اخذ می‌شود و ابهاماتی که در آن وجود دارد مانع از صحّت آن نیست همان گونه که در بالا نیز اشاره شد.

سؤال ۱۵۸۸- حضرت آدم (علیه السلام) در کدام بهشت بوده است؟ و چگونه ممکن است کسی از بهشت بیرون رانده شود؟

جواب: آنچه در داستان آدم (علیه السلام) آمده است، مربوط به بهشت دنیاست و خلود و جاودانگی مربوط به بهشت آخرت است.

سؤال ۱۵۸۹- آیا مصادره اموال فراریان جایز است؟ و آیا صرف فرار به خارج، مجوّز مصادره می‌شود؟

جواب: مصادره اموال باید تحت یکی از عناوین فقهی صورت گیرد و تنها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۸۹

مسافرت یا فرار مالک به خارج دلیل بر مصادره نمی‌شود، بلکه باید مثلاـ از طریق شرعی ثابت شود که همه اموال او از طریق نامشروع به دست آمده و مجهول المالک است.

سؤال ۱۵۹۰- وظیفه مسلمانان در مقابل کسانی که به نوّاب اربعه امام زمان (عج) و علمای شیعه توهین می‌کنند چیست؟

جواب: کسانی که به نوّاب اربعهٔ امام زمان (عج) نعوذ بالله- جسارت کنند و یا نسبت به فقها و علمای بزرگ شیعه اهانت روا دارند، مسلّماً از طریقهٔ شیعه منحرفند و از ما نیستند. چنانچه با نصیحت و ارشاد بتوان آنها را هدایت کرد باید اقدام به نصیحت و ارشاد نمود و در غیر این صورت باید از آنها اجتناب کرد و جوانان شیعه باید مراقب باشند که دستهای تفرقه‌افکنان میان آنها تفرقه نیندازند و در مقابل دشمنان اسلام متّحد و متّفق باشند و اعتقادات اصیل مکتب اهل بیت علیهم السلام را از علمای شناخته شده و کتابهای معتبر فراگیرند، تا وسوسه‌های منحرفان در آنها اثر نکند.

سؤال ۱۵۹۱- آیا اخذ شهریه برای طلّابی که به کار دیگری اشتغال دارند جایز است؟ تکلیف شهریه‌هایی که تاکنون گرفته شده است، چیست؟

جواب: هرگاه دهندگان شهریه، آن را مشروط به ادامه تحصیلات حوزوی کرده باشند باید بازگرداند و اگر مشروط به شرطی نبوده، ضامن نیستند و در صورت شک باید از آنها سؤال کنید.

سؤال ۱۵۹۲- آیا مراعات نوبت در اموری که طبق نوبت به کار افراد رسیدگی می‌شود، یک حقّ عقلایی و شرعی است و تخلّف از آن حرام است؟

جواب: در حال حاضر که بسیاری از کارها در اجتماع به صورت صف و قرار گرفتن در نوبت انجام می‌شود این امر، یک حقّ عقلایی محسوب می‌گردد، یا به تعبیر دیگر از بین بردن آن نوعی ظلم به حساب می‌آید و مشمول ادلّه حرمت ظلم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۹۰

و تعدّی بر حقوق مردم است (می‌دانیم در همه جا احکام از شرع گرفته می‌شود و موضوعات از عرف، جز در موضوعات مخترعه) آری در مواردی که در عرف عقلا استثنا می‌شود، مثل یک بیمار اورژانسی در مطبّ دکتر و مانند آن، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۹۳- در چه روزهایی از هفته نباید به عیادت مریض رفت؟

جواب: در روایات آمده است که همه روز به عیادت مریض نروید بلکه یک روز در میان باشد و اگر بیماری طولانی شود، عیادت پی‌درپی لزومی ندارد (مگر آن مقدار که باعث شادی بیمار یا پیشرفت بهبودی او گردد) و درباره تفاوت ایام هفته در مسأله عیادت، روایت معتبری نیافتیم.

سؤال ۱۵۹۴- این جانب در رشته ریاضی دانشگاه اصفهان مشغول تحصیل هستم ولی به علّت علاقه شدید به دروس حوزوی از خواندن دروس خود بازمی‌مانم، تکلیف شرعی من در اینجا چیست؟

جواب: بهتر این است که با عزم راسخ و اراده قوی، دروس دانشگاهی را تمام کنید، بعد می‌توانید با بصیرت بیشتری دروس حوزوی را شروع کنید.

سؤال ۱۵۹۵- تقسیمات ابواب فقهی بر چه مبنایی است؟ اگر مبنای تقسیم‌بندی، مسائلی از قبیل عبادات، حقوق قضایی جزایی، اجتماعی، خانوادگی، فردی باشد چگونه است؟ گروهی مبنای تقسیمات را مثلا قصد تقرّب و عدم آن می‌دانند و گروهی لفظی و

غیر لفظی می‌دانند. در هر صورت آیا می‌توان تقسیمی جامع ارائه داد که بابهای هم سنخ در یک مقوله قرار گیرند؟
جواب: معروف در میان فقها این است که ابواب فقه را به سه الی چهار بخش تقسیم می کنند:
الف) عبادات به معنای اخص، ب) معاملات به معنای اعمّ، ج) عقود و ایقاعات (معاملات به معنای اخص)، د) سیاسات و مرحوم محقّق در شرایع آن را
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۹۱
به چهار باب تقسیم کرده: عبادات (ده کتاب)، عقود (پانزده کتاب)، ایقاعات (یازده کتاب)، احکام (دوازده کتاب).
سؤال ۱۵۹۶- آیا حضرت عالی عکسی را که به عنوان تمثال حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در بازار موجود است و حضرت را به صورت جوان کم‌سن کم‌سن‌وسالی نشان می‌دهد، تأیید می‌فرمایید؟
جواب: هیچ دلیل معتبری بر تأیید این عکس و سایر عکسهای منتشر شده در دست نیست.
سؤال ۱۵۹۷- گروهی از متصوّفه به نام اهل حق در استان کرمانشاه و برخی از استانهای دیگر ایران زندگی می کنند که دارای عقاید زیر می‌باشند: ۱- یگانگی ذات لایزال خداوند متعال ۲- نبوّت پیامبران پیشین ۳- رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ۴- معاد و بهشت و جهنم ۵- امامت دوازده امام معصوم (علیهم السلام) از حضرت علی (علیه السلام) تا حضرت مهدی غائب (عج)، همه فرقه‌های متعدّد آنها و سرانشان علاوه بر این که در کلیّه اظهارات شفاهی و مذاکرات حضوری، صریحاً اعتراف به شهادتین و عقاید فوق نموده‌اند، تعدادی از آنها کتباً هم اعتراف نموده‌اند که دستخط آنها به پیوست تقدیم می گردد. امّا در عین حال دارای انحرافات عقیدتی و عملی از قبیل موارد زیر می‌باشند:
الف) خداوند در بعضی مقاطع تاریخ در برخی اولیا و انسانها، مانند حضرت علی (علیه السلام) و سلطان اسحاق، ظهور و حلول می کند و به هدایت مردم می‌پردازد. البتّه آنها گاهی در تعابیر کتب خویش نوشته‌اند علی مظهر خداست و گاهی می گویند علی ذات خداست و ما گرچه از واقع عقیده آنها خبر نداریم امّا وقتی از آنها می‌پرسیم نظر شما واقعاً چیست؟ می گویند: اصلا عاقلانه نیست که کسی یک انسان مادی محدود را ذات خدای خالق عالم بداند، خدا لعنت کند کسی که علی را واقعاً ذات خدا بداند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۹۲
ب) اعتقاد به تناسخ، یعنی ارواح همه انسانها پس از مرگ وارد بدن انسانهای بعدی می‌شوند تا پاداش یا کیفر زندگی قبلی خویش را ببینند، امّا پس از هزار و یک مرتبه حلول، شخص وارد جهان ابدی و معاد خواهد شد.
ج) بسیاری از آنها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی گیرند و به عموم تکالیف اسلامی بی‌اعتنا هستند، زیرا معتقدند تمام احکام شریعت و تکالیف اسلامی قالبهایی هستند که اسرار و روح و باطنی را دارا می‌باشند، مثلا نماز ظاهرش حرکات و سکنات و اذکار است، اما باطنش ذکر الله و توجّه قلبی به خداست و باطن شریعت که طریقت نامیده می‌شود از ظاهرش مهم‌تر و ارزشمندتر است بنابراین اگر کسی خود را به بواطن احکام شریعت ملتزم بداند لازم نیست احکام ظاهری را کاملا انجام دهد.
لطفاً بفرمایید: آیا عقاید فاسد و جاهلانه فوق الذّکر، موجب کفر و خروج آنها از اسلام می‌شود؟ یا این که اعتقاد آنها به ارکان عقیدتی اسلامی مذکور در اوّل سؤال، برای مسلمان بودن آنها کافی است، گرچه مسلمانان منحرفی هستند که باید هدایت گردند؟
جواب: معتقدان به عقاید فوق بر حسب ظاهر در زمره مسلمانند هر چند انحرافات مهمّی دارند و منکر بخشهای زیادی از ضروریات دینند امّا چون به ضروری بودن آنها توجّه ندارند و انکار اینها مستلزم انکار توحید، نبوّت و رسالت نیست حکم کفر بر آنها بار نمی‌شود و جان و مال و عرضشان محفوظ است ولی با توجّه به انحرافات شدید آنها از موازین اسلامی، باید کار فرهنگی فراوانی روی آنها صورت گیرد، و الله العالم.
سؤال ۱۵۹۸- در بعضی شهرها مجالس مردانه و زنانه به عنوان ختم سوره انعام برقرار می گردد در این رابطه جزواتی نیز منتشر شده

در وسط آیه‌های مبارکه، اذکاری نیز وارد شده است و همچنین یازده مرثیه؛ نظر مبارک خود را در این مورد مرقوم فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۳

جواب: درباره ختم انعام به صورتی که معمول است روایت مستندی نیافتیم هر چند در بعضی کتابها، اشاره‌ای به آن دیده می‌شود، ولی جای شک نیست که تلاوت این سوره مبارکه و عمل به آن می‌توانند باعث حلّ مشکلات گردد و شایسته است به هنگام تلاوت سوره مطلقاً چیزی به آن نیفزایند و هنگامی که تلاوت سوره تمام شد به سراغ دعاها و مرثیه‌ها بروند. «۱»

سؤال ۱۵۹۹- فرق واجب و لازم چیست؟

جواب: لازم و واجب معمولا به یک معناست، ولی گاهی لازم مفهوم وسیعتری دارد و بر غیر احکام تکلیفی نیز اطلاق می‌شود.

سؤال ۱۶۰۰- قاعده اقدام یعنی چه؟

جواب: منظور از قاعده اقدام این است که انسان آگاهانه به ضرر خود اقدام کند، مثلا جنسی را که می‌داند هزار تومان ارزش ندارد به خاطر ملاحظاتی آن را به این قیمت خریداری کند.

سؤال ۱۶۰۱- منظور از این که می‌گویند حکم، دائر مدار موضوع است، چیست؟ جواب: این که می‌گویند حکم دائر مدار موضوع است مفهومش این است که مثلاـ شراب مادامی‌که شراب است، نجس و حرام می‌باشد امّا هنگامی که سرکه شد پاک و حلال می‌شود، همچنین سایر احکام شرع، تابع موضوعات آن می‌باشد و با تغییر و تبدیل موضوعات، ممکن است عوض شود.

سؤال ۱۶۰۲- منظور از أماره چیست؟

جواب: منظور از اماره هر دلیل ظنّی معتبر است، مانند شهادت شهود عادل و گاه به دلایل قطعی نیز امارات قطعی گفته می‌شود.

سؤال ۱۶۰۳- آیا همکاری رابطه یا کمک به دولت غاصب اسرائیل جایز است؟

---

(۱). درباره فضیلت ختم سوره انعام، مرحوم مجلسی در بحار الأنوار، جلد ۸۷، صفحه ۳۴۱، حدیث ۵۴، باب اعمال الاسبوع و ادعیتها و صلواتها، روایتی نقل کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۴

جواب: هر چیزی که باعث تقویت اسرائیل غاصب شود، حرام است.

سؤال ۱۶۰۴- آیا رضایت والدین در مورد طلبه شدن و پوشیدن لباس مقدّس روحانیّت شرط است؟

جواب: در اینگونه موارد رضایت والدین لازم نیست، اصولاـ اطاعت آنها در جایی لازم است که ترک آن موجب اذیّت و آزار گردد و در مسائل سرنوشت‌ساز زندگی انسان (مانند ازدواج و طلاق) نباشد و امّا در مورد تحصیل علوم دینی در امثال زمان ما که نیاز مبرم به دانشمندان و علمای لایق دین است و من به الکفایه وجود ندارد، رضایت آنها شرط نیست. در مورد لباس نیز رضایت آنها ضرورت ندارد ولی بهتر است تا می‌توانید در همه کارها رضایت آنها را تحصیل کنید.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۴۹۴

سؤال ۱۶۰۵- آیا بوسیدن دست استاد فقه جایز است؟ اصولا روایات مربوط به موارد جواز بوسیدن دست و صورت را بیان فرمایید؟

جواب: بوسیدن دست استاد فقه جایز، بلکه مستحب می‌باشد، و در مورد روایات مربوط به بوسیدن دست و صورت به بحار الأنوار، جلد ۷۳، صفحه ۳۷، حدیث ۳۴ تا آخر و وسایل، ابواب العشره، باب ۱۳۳ و مستدرک، ابواب العشرة، باب ۱۱۶، مراجعه کنید.

سؤال ۱۶۰۶- تمام حروف تهجّی در کدام آیه قرآن جمع است؟

جواب: در آخرین آیه سوره فتح و آیه ۱۵۴ آل عمران.

سؤال ۱۶۰۷- تحصیل علوم دیگر، غیر از علوم دینی، برای طلبه چه صورت دارد؟

جواب: اگر مزاحم تحصیل حوزوی نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۰۸- تقلّب در سر جلسه امتحان، چه طرف دوّم راضی نباشد و چه طرفین راضی باشند. آن هم در مدرسه یا مکانی که توسط بیت المال مسلمین هزینه می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: تقلّب در امتحانات جایز نیست، خواه در اماکن مربوط به بیت المال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۵

باشد یا اماکن دیگر و خواه طرفی که از او می‌گیرد راضی باشد یا نه، ولی تقلّب در انجام تکالیف، زیانش متوجّه خود اوست و در صورتی که در نمره‌های امتحانی تأثیری نداشته باشد، حرام نیست، مگر این که بگوید خودم نوشته‌ام که از باب دروغ حرام می‌شود.

سؤال ۱۶۰۹- نصب آنتن ماهواره برای استفاده از برنامه‌های تلویزیونهای خارجی چه حکمی دارد؟ با توجّه به این که:

الف) در اکثر برنامه‌ها، به خصوص فیلمهای سینمایی ترویج فساد و فحشا و پخش اعمال جنسی به صورت عریان یا نیمه عریان مشاهده می‌شود.

ب) برخی یا اکثر برنامه‌ها بر اساس نیّات سوء یا مقاصد شوم اجانب، علیه اسلام و مسلمین هدف‌گذاری شده است و جنبه تهاجم فرهنگی دارد و با مصالح مسلمین هماهنگ نیست.

ج) برخی از برنامه‌ها ناظر به پیشرفت بشری در کلّیه زمینه‌هاست و اطّلاع از آن مفید به نظر می‌رسد.

جواب: چنانچه نصب این آنتن‌ها موجب اشاعه فساد در سطح جامعه یا در خانواده شود، به یقین حرام است و وجود بعضی از برنامه‌های آموزنده، کافی برای رفع حرمت نمی‌باشد. مسلمانان باید دقّت داشته باشند که این مسائل جزئی از تهاجم فرهنگی برای نابود ساختن اخلاق و متزلزل کردن پایه‌های ایمان و در نتیجه سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بر کشورهای اسلامی است، سلطه‌ای که باعث نابودی دین و دنیای آنها، هر دو می‌شود.

سؤال ۱۶۱۰- هنگامی که انسان خواب می‌بیند آیا روح از جسم جدا می‌شود؟ و آیا وقتی شخص دیگر را خواب می‌بیند، روح او با روح آن شخص ملاقات می‌کند؟

جواب: در موقع خواب، روح جدایی نسبی پیدا می‌کند و در موقع مرگ رابطه آن به کلّی قطع می‌شود و با توجّه به این که خوابها و رؤیاها بسیار متفاوت است،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۶

دیدن دیگری را در خواب دلیل بر ملاقات با روح او نیست.

سؤال ۱۶۱۱- قضیه مسجد جمکران از ابتدا در خواب بوده، یا در بیداری اتفاق افتاده و آیا سندش صحیح است؟

جواب: داستان مسجد مقدّس جمکران در بیداری بوده و روایت آن در کتب معروف نقل شده است علمای بزرگ اهمیّت خاصی برای این مسجد قائل بوده‌اند.

سؤال ۱۶۱۲- آیا این روایت که به وسیله بعضی از گویندگان در میان مردم منتشر شده، درست است یا نه؟ حدیث است یا عبارت عرفا «من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته».

جواب: این حدیث در منابع معروف وجود ندارد.

سؤال ۱۶۱۳- آیا نوّاب اربعه از سلسله سادات بوده‌اند؟

جواب: از میان این بزرگواران، عثمان بن سعید و محمد بن عثمان از طایفه بنی اسد و حسین بن روح از نوبختی‌هاست و علی بن محمد سمری نیز سیادتش ثابت نیست، بنابراین هیچ کدام ظاهراً از بنی هاشم نبوده‌اند.

سؤال ۱۶۱۴- آیا در بهشت، افراد با هم چنین صحبتهایی دارند، مثلا چگونه از دنیا رفتی، در برزخ به تو چگونه گذشت و یا این که آیا تو با توجّه به این که گناهکار بودی آیا به وسیله شفاعت به بهشت راه پیدا کردی یا طریق دیگر؟

جواب: بعید نیست اینگونه سخنان میان آنها ردّ و بدل شود.

سؤال ۱۶۱۵- در روستایی که ما در آن زندگی می‌کنیم تعدادی سگهای ولگرد هستند که زمینهای کشاورزی را آلوده می‌کنند، آیا از بین بردن آنها گناه دارد؟

جواب: در صورت ایجاد مزاحمت، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۱۶- همان طور که حضرات مراجع می‌فرمایند: اگر کسی به درون خانه دیگری نگاه کند صاحب خانه می‌تواند به آن شخص لطمه بزند، آیا ماشین در بازهم هم همین حکم را دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۷

جواب: ماشین حکم خانه را ندارد این حکم در مورد خانه نیز شرایطی دارد.

سؤال ۱۶۱۷- طلّاب علوم دینی که مشغول تحصیل دروس حوزه می‌باشند و دروس جدید (دبیرستان، دانشگاه) را هم تحصیل می‌کنند، آیا می‌توانند از امکانات حوزه علمیّه (حجره شهریه) استفاده نمایند؟

جواب: اگر به وظایف طلبگی خود عمل می‌کنند مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۱۸- نظرتان را در مورد کتابهای دکتر علی شریعتی بیان فرمایید؟

جواب: مطالبی را که خوب است، عمل کنید و آنچه بد است، رها کنید و اگر توانایی جدا کردن ندارید از اهل اطّلاع بپرسید و یا از کتابهای دیگری که کاملا شناخته شده است استفاده نمایید.

سؤال ۱۶۱۹- مدارس دولتی که در شهرهای ما هست بعضی از افکار مخالف اهل بیت (علیهم السلام) و نیز بعضی اعتقادات فاسد مثل این که خداوند دیده می‌شود و زیارت قبور اولیا مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) حرام است و غیر اینها را نیز تدریس می‌کنند، آیا فرستادن بچّه‌ها، مخصوصاً دختران به این مدارس با توجّه به این که نرفتن به مدرسه خطرهای بزرگی دارد از جمله این که به خاطر بی‌سواد بودن آنها، پسران حاضر به ازدواج با آنها نمی‌شوند از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: فرستادن آنها به مدرسه جایز بلکه گاهی از اوقات لازم است، همان طور که بر اولیای آنها واجب است که به فرزندان مخصوصاً دختران خود عقاید حقّه را تعلیم دهند و اگر برای آنها امکان دارد که مدارس مخصوص خودشان بسازند، این کار بر آنها واجب است.

سؤال ۱۶۲۰- زمینی ملک کسی است که در یک سمت همین قطعه زمین خانه خود مالك بوده، راهی که از شاهراه به خانه خود مالک منتهی می‌شد از میان همین قطعه زمین بود و دیگران هم از این راه استفاده می‌کردند ولی اکنون مالک، خانه خود را در جای دیگری ساخته است، لذا از راه مذکور بی‌نیاز شده است ولی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۸

آنجا که جای خانه و راه مذکور ملك خود مالك بوده، لذا اکنون می‌خواهد با انسداد راه مذکور آنجا را به مزرعه خود ملحق کند و لکن دیگران که قبلا از این راه استفاده می‌کردند می‌گویند که: سه نسل از ما گذشته و تاکنون از این راه استفاده می‌کرده‌ایم لذا نمی‌گذاریم شما این راه را مسدود کنید. البتّه برای استفاده دیگران از راه مذکور، علاوه بر گذشتن سه نسل در مدّت استفاده، جواز شرعی دیگری (مثل خریدوفروش، هبه، عوض و غیر آن) وجود ندارد و بیان گواهان طرفین هم چنین است که می‌گویند: ما بیش از

این نمی‌دانیم که آنها از راه مذکور از سه نسل گذشته تاکنون استفاده می‌کرده‌اند و بس و از جواز شرعی دیگری اطّلاع نداریم آیا مسدود کردن این راه توسط مالک جایز است؟

جواب: هرگاه آن راه، اختصاصی باشد و در ملک شخص دیگری باشد، باید از او اجازه گرفت و تنها استفاده دو سه نسل در مقابل سند مالکیّت صاحب آن زمین، دلیل بر حقّ آنها نیست.

سؤال ۱۶۲۱- یک حلقه چاه عمیق یا نیمه عمیق در حدود ۲۰ سال قبل به تقاضای اهالی روستای «نوایگان داراب» با مقداری خودیاری مردم به منظور تأمین آب آشامیدنی و رفع احتیاجات ضروری اهالی و مردم محل، توسط نظام گذشته جهت این محل حفر شده است. اکنون به علّت ازدیاد جمعیّت و نبودن زمین، جهت خانه و مسکن تعدادی از اهالی مذکور به فاصله هشت کیلومتری محل قدیم، روستای جدیدی را احداث نموده‌اند. با توجّه به عدم رضایت اهالی روستای قدیم، آیا اهالی محل جدید می‌توانند به وسیله لوله‌کشی از آب چاه مذکور جهت شرب و غسل و وضو استفاده نمایند؟

جواب: هرگاه با خودیاری مردم بوده و الآن آنها راضی نباشند در سهم آنها جایز نیست، ولی در سهم حکومت که اباحه منافع شده بوده است، اکنون حکومت اسلامی می‌تواند تصمیم بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۴۹۹

سؤال ۱۶۲۲- در صورت جواز در سؤال فوق، آیا اشخاصی که امتیاز و سهمیه آبی که از چاه فوق‌الذّکر داشته‌اند و به دیگری فروخته‌اند نیز می‌توانند در محلّ جدید از همان آب چاه استفاده نمایند؟

جواب: نسبت به سهمیه حکومت می‌توانند تصرّف کنند، یعنی اگر به مقدار سهمیّه مردم روستای اوّل به آنها آب داده شود و از مازاد آن برای روستای دوّم ببرند اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۲۳- مالک فعلی چاه آبی که رژیم گذشته به اهالی روستایی هبه و واگذار نموده است کیست مردم یا دولت؟

جواب: در این گونه موارد معمولا اباحه منافع است نه هبه اصل، بنابراین مالک، دولت است و اجازه او شرط است.

سؤال ۱۶۲۴- چنانچه ناشری مجموعه اشعار شاعر یا نوشته‌های نویسنده‌ای را بدون پرداخت حقّ تألیف و کسب اجازه مؤلف و در صورت فوتش بدون موافقت و رضایت ورّاث شرعی و قانونی او منتشر کند و آنها را بفروشد و درآمد حاصله را کلّا به نفع خود بهره‌برداری کند، چنین عملی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: حقّ تألیف یک حقّ عقلایی است که در میان عقلای جهان به رسمیّت شناخته شده است و تجاوز به آن، مصداق ظلم و ممنوع می‌باشد و نشر آثار مؤلّفین و شعرا بدون اجازه آنان جایز نیست و این نکته را باید توجّه داشت که همیشه مصادیق از عرف گرفته می‌شود و احکام از شرع مقدّس و مانعی ندارد که با گذشت زمان، حقوق تازه عقلائیّه پیدا شود و مشمول احکام کلیّه اسلام گردد.

سؤال ۱۶۲۵- چند سالی است بعضی از هیأتهای مذهبی توسط بعضی از مداحان، نهم ربیع الأوّل را جشن مفصّلی می‌گیرند و تا دیر وقت (شبها) جلسات جشن دارند و متأسفانه کمتر مسائل شرعی رعایت می‌شود. با توجّه به این مقدّمه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۰۰

الف) نظر شما راجع به این جلسات چیست؟ آیا شرکت کنیم؟

ب) آیا ائمّه اطهار (علیهم السلام) هم در این ایّام جشن می‌گرفتند و شادی داشته‌اند؟

ج) آیا حدیث رفع قلم نسبت به این ایّام صحیح است و افراد آزادند هر کار خلافی را انجام دهند؟

د) با چه بیان و دلیلی می‌توان اینها را قانع کرد؟ با چه مدارکی؟

جواب: در اینجا نکاتی باید مورد توجّه قرار گیرد:

الف) تولّی دوستان اهل بیت عصمت (علیهم السلام) و تبرّی از دشمنان آنها، جزء ارکان مذهب ماست.

ب) نباید کاری کرد که شکاف در صفوف مسلمین بیفتد.

ج) نباید به نام مقدّس اهل بیت (علیهم السلام) مجالس مشتمل بر گناه تشکیل داد.

د) حدیث رفع قلم مخصوص به کودکان نابالغ و دیوانه‌ها و حالت خواب است و معاذ الله که ائمّه معصومین (علیهم السلام) اجازه ارتکاب گناه به افراد در این ایّام یا غیر این ایّام را داده باشند.

سؤال ۱۶۲۶- مستدعی است نظر مبارک را پیرامون مسأله تحریف و عدم تحریف قرآن بیان کنید؟

جواب: محقّقان و علمای اسلام اعمّ از شیعه و اهل سنّت، قائل به عدم تحریف قرآنند و معتقدند که آنچه در قرآن کنونی است همان چیزی است که بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شده نه یک کلمه زیادتر و نه کمتر، ولی اقلیّت بسیار ناچیزی از شیعه و همچنین اهل تسنّن قائل به تحریف قرآنند که علمای معروف اسلام اعتنایی به حرف آنها ندارند. ما شرح این مطلب را در «تفسیر نمونه» و در بحث عدم تحریف قرآن در «أنوار الأصول» به طور کامل نوشته‌ایم.

سؤال ۱۶۲۷- همان گونه که در تفسیر نمونه جلد اوّل، ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره کلمه ظلم را این گونه تعبیر نموده‌اید که: منظور از ظلم در جمله (لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۱

تنها ظلم به دیگران نیست بلکه ظلم در برابر عدل است و عدل به معنای گذاردن هر چیز به جای خودش می‌باشد، با توجّه به این مقدّمه، دانش‌آموزی که نمره نمی‌آورد و تحت عناوینی چون رضای خدا و یا آشنایی، نمره‌ای که حقّ وی نیست به او داده می‌شود، آیا عنوان ظلم درباره این کار صدق می‌کند؟

جواب: این کار نوعی ظلم و تبعیض است و نه تنها موجب رضای خدا نیست بلکه مایه نارضایی حق تعالی است، مگر در مواردی که استحقاق ارفاق دارد که باید آن را نیز درباره همه کسانی که آن ویژگی را دارند اعمال نمود.

سؤال ۱۶۲۸- اگر گوسفندی مورد تجاوز قرار بگیرد و دامپزشک تأیید کند، آیا قولش حجّت است؟

جواب: اگر یقین یا اطمینان از قول او حاصل شود، کافی است و اگر یقین و اطمینان حاصل نشود کفایت نمی‌کند.

سؤال ۱۶۲۹- اگر کارمندی برای کارفرما چندین سال کار کند و کارفرما کلیه حقوق و مزایا، پاداش و مرخصی‌های نامبرده را به طور مرتب پرداخت نماید و علاوه بر این از هیچ کمکی نیز در حقّ کارگر چشم‌پوشی نکرده باشد ولی پس از چند سال کارگر به میل خود می‌خواهد کار را ترک کند، به همین خاطر به کارفرما اظهار می‌دارد که سوابق کار این جانب را حساب کرده بپردازید، یعنی مجدّداً به عنوان سوابق کار می‌خواهد پول دیگری از کارفرما بگیرد آیا این پول از نظر قوانین اسلام حرام است؟

جواب: چنانچه گرفتن حقّ سوابق قانونی باشد و طرفین با اطّلاع و پذیرفتن این قانون، قرارداد کارمندی را بسته‌اند کارفرما موظّف است سوابق را بپردازد.

سؤال ۱۶۳۰- اگر شخصی حدیثی را که جزم به صحّت آن ندارد از اهل البیت (علیهم السلام) نقل کند ولی چون شنوندگان از عوام هستند و تمییزی بین حدیث صحیح و غیر آن نمی‌دهند به این مطلب اشاره‌ای نکند، آیا اشکال دارد؟

جواب: اگر تصریح به صحّت حدیث نکند و مضمون روایت معروف باشد، جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۲

سؤال ۱۶۳۱- اگر انسان اراده کند که پولی را به عنوان ردّ مظالم از طرف پدر مرحومش بپردازد آیا معیار قیمت مظالم به هنگام پرداخت است یا قیمت آن به هنگام واقع شدن آن ظلم؟

جواب: اگر مظالم مثلی است- مثل گندم و جو و امثال آن باید- خود آن و در صورت توافق طرفین قیمتش را، مطابق روز پرداخت

بدهد و اگر مثلی نیست مثل انواع حیوانات باید قیمت وقت تلف را حساب کند.

سؤال ۱۶۳۲- در بعضی از کشورها، دولت قسمتی از زمینهای ثروتمندان را گرفته و بین کشاورزانی که در همان زمین کار می‌کردند، تقسیم کرده است. اگر صاحبان اصلی این زمینها از محاربین اهل کتاب باشند، آیا تصرف کشاورزان در آن زمینها جایز است؟

جواب: اگر از محاربین باشند جایز است.

سؤال ۱۶۳۳- وظیفه کسی که اموال حرام یا موادّ غذایی حرامی در اختیار او قرار گرفته است و قدرت ردّ آن به صاحبش را ندارد و یا این امر برای او مشکل است، چیست؟

جواب: اگر ردّ آن و لو به حیله‌های عاقلانه‌ای امکان دارد، باید به صاحب اصلی ردّ کند و الّا به فقرا صدقه دهد.

سؤال ۱۶۳۴- عدم استفاده از بلیط در مترو و اتوبوس داخل شهری یا بین شهری و یا تصاحب بعضی از اجناس به شکل غیر قانونی در صورت نیاز به آن‌ها و عدم استطاعت مالی در بلاد کفر چه حکمی دارد؟

جواب: چون این گونه کارها در کوتاه مدّت یا درازمدت موجب وهن اسلام و مسلمین است جایز نیست.

سؤال ۱۶۳۵- چرا کشورهای عربی در روز شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) در برنامه‌های رادیو، موسیقی شاد پخش می‌نمایند، آیا آنها از واقعه عاشورا بی‌خبرند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۳

جواب: آنها غالباً از عاشورا خبر ندارند و ده روز اوّل محرم را آغاز سال نو می‌دانند و شادی می‌کنند ولی بسیاری از آنها که از واقعه عاشورا با خبر شده‌اند، در مراسم عزاداری با ما همکاری می‌کنند.

سؤال ۱۶۳۶- اگر مردی همسرش را به امور شرعی و وظائف دینی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می‌شود؟

جواب: اگر می‌تواند نهی از منکر کند و ترک نماید، فاسق است.

سؤال ۱۶۳۷- حکم برخورد و همنشینی اشخاصی که مشکوک به همکاری با دشمنان اسلام هستند چیست؟

جواب: احتیاط ترک آن است و اگر شبهه قوی باشد ترک آن واجب است.

سؤال ۱۶۳۸- آیا ریا کردن در شعائر و عزاداری امام حسین (علیه السلام) جایز است؟

جواب: ریا در هر عبادتی حرام محسوب می‌شود ولی تظاهر به عزاداری امام حسین (علیه السلام) و تعظیم شعائر دین به قصد قربت جایز بلکه مستحب است، مثل این که پرداختن صدقه آشکار قربة الی الله برای تشویق دیگران همان طور که در قرآن آمده، مستحب است.

سؤال ۱۶۳۹- آیا به هنگام ظهور حضرت حجت (عج) قرآنی غیر از قرآن موجود آورده می‌شود؟

جواب: قرآن موجود، همان قرآن نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و هیچ کلمه‌ای از آن کم و زیاد نشده است و قرآن موجود در نزد حضرتش نیز همین قرآن است، منتها تفاسیر و شأن نزول‌هایی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده، نزد آن حضرت است.

سؤال ۱۶۴۰- نظر مبارک خودتان را راجع به جنگهای داخلی افغانستان در شرایط فعلی مرقوم فرمایید؟

جواب: جنگهای داخلی افغانستان مایه تأسّف و تأثّر همه مسلمین جهان است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۴

و شرعاً و عقلاـ لازم است هر چه زودتر متوقّف گردد و برای حلّ مسائل سیاسی و اجتماعی از مذاکرات دوستانه و توأم با عفو و اغماض و گذشت، استفاده شود. همه آگاهان از این برادرکشی رنج می‌برند و خون دل می‌خورند، نیمی از این کشور بزرگ

اسلامی را کمونیستها ویران کردند، اگر بنا باشد نیم دیگر آن به وسیله گروههای اسلامی ویران گردد چیزی برای حکومت کردن باقی نمی‌ماند. خداوند همه را به وظایف شرعی خویش آشنا فرماید و برادران را متوجّه مسئولیّت خطیر خود نماید.

سؤال ۱۶۴۱- در عصر حاضر طلبه شدن برای افراد مستعد واجب عینی است یا کفایی؟

جواب: واجب عینی بودن برای کسانی که مستعدند و مانعی ندارند، بعید نیست.

سؤال ۱۶۴۲- وظیفه کسی که پدر و مادرش از رفتن او به حوزه‌های علمیّه جلوگیری می‌کنند چیست؟

جواب: جلب رضایت آنها در خصوص این امر لازم نمی‌باشد، ولی سعی کند رضایت آنها را جلب کند.

سؤال ۱۶۴۳- آیا جایز است قوانین مصوّب نظام مقدّس جمهوری اسلامی را از نظر حرمت نقض آنها، به سایر احکام الهی تشبیه نماییم؟

جواب: اگر مراحل قانونی دقیقاً طی شده باشد مستند به قوانین الهی خواهد بود.

سؤال ۱۶۴۴- شخصی هست که می‌تواند رد اشیای گمشده را به صاحبان آنها به طور دقیق اطّلاع دهد و تا بحال چندین مورد که به او مراجعه کرده‌اند به نتیجه رسیده‌اند. از طرفی پسر عموی من در جنگ مفقود الاثر شده است و همسر و دو فرزند ایشان قصد و اصرار بر مراجعه به این شخص را دارند تا از او اطّلاعی کسب کنند، آیا این کار جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۵

جواب: ادعای این گونه اشخاص غالباً صحّت ندارد و رجوع به آنها برای کشف گمشده‌ها جایز نیست.

سؤال ۱۶۴۵- آیا استفاده از کراوات و پاپیون اشکال شرعی دارد و اگر شخص داماد برای شب عروسی از آن استفاده نماید حکم مسأله چیست؟

جواب: در حال حاضر و در کشور ما، این امر به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می‌شود، از آن اجتناب کنید.

سؤال ۱۶۴۶- آیا قمه زدن جایز است و در صورت عدم جواز اگر کسی نذر کرده باشد چه باید بکند؟

جواب: عزاداری خامس آل عبا علیه السلام از افضل قربات و مایهٔ بیداری مسلمین است، ولی از کارهایی که موجب وهن مذهب می‌شود و بهانه به دست مخالفان می‌دهد باید اجتناب کرد.

سؤال ۱۶۴۷- سیادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از چه کسی برای ایشان به وجود آمده و آیا امام علی (صلی الله علیه و آله) سیّد بوده‌اند؟

جواب: سیادت به معنای بزرگی و عظمت است و عظمت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از سوی خداست و اجداد او تا هاشم به خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) همه سادات و دارای عظمت بوده‌اند و حضرت علی (علیه السلام) علاوه بر عظمت مقام والای خودش، از بنی هاشم و سیّد و مولاست.

سؤال ۱۶۴۸- آیا دراز کردن پاها در حال تلاوت قرآن کریم، موجب بی‌حرمتی است؟

جواب: در صورتی که قصد بی‌احترامی نداشته باشد حرام نیست ولی در هر حال (در غیر صورت ضرورت) بهتر است این کار را ترک کند.

سؤال ۱۶۴۹- رانندگی اتومبیل برای زنان چه حکمی دارد؟

جواب: با حفظ حجاب اسلامی و جهات شرعی دیگر، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۵۰- آیا بانوان می‌توانند آموزش فنون نظامی ببینند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۶

جواب: اگر مستلزم گناهی نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۵۱- آب مشتركى بوده كه در اثر سيلاب از بين رفته است، بعد از چندين سال شخصى با زحمت آب را پيدا كرده آيا مال آن شخص است يا مال مشترك؟

جواب: اگر بعد از مدّت طولانى باشد مال كسى است كه آن را يافته است اگر مدّت كوتاهى باشد تنها در صورت اعراض صاحبان قبلى مى‌تواند آن را تملّك كند.

سؤال ۱۶۵۲- طبق آيه قرآن، ظاهراً خنثى نبايد وجود داشته باشد چرا كه خداوند مى‌فرمايد: (يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثاً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ ذكورا) «۱» بنابراين موضوع خنثى را چگونه بايد توجيه كرد؟

جواب: هر خنثايى در واقع يا مذكر است يا مؤنث خواه شناخته بشود يا نه.

سؤال ۱۶۵۳- در بعضى از مناطق صاحب حيوان نر، در مقابل جفت‌گيرى از صاحب حيوان ماده پول يا جنسى مى‌گيرند آيا اين كار جايز است؟

جواب: به عنوان حقّ‌الزّحمه مانعى ندارد.

سؤال ۱۶۵۴- آيا در حيات كسى، مى‌توان به نيابت از او، اعمال خير مثل اهداى قرآن به مساجد و ... انجام داد؟

جواب: انجام اعمال خير به نيّت احيا و اموات اشكال ندارد.

سؤال ۱۶۵۵- پدرم با شوهرم اختلاف پيدا كرده‌اند در اثر اين اختلاف از دست من ناراحت شده و گفته حق ندارى به خانه من بيايى، تكليف من چيست؟ با اين كه در آن خانه مادر و برادرم هستند و من مى‌خواهم به آنها سر بزنم، آيا مى‌توانم بدون اجازه پدرم به خانه آنها بروم آيا نرفتن من باعث قطع رحم نمى‌شود؟

جواب: آنها مى‌توانند به ديدار شما بيايند يا در محلّ ديگرى ملاقات كنيد، ولى در خانه ملكى پدر بدون اجازه او نمى‌توان رفت.

---

(۱). سوره شورى، آيه ۴۹.

استفتاءات جديد (مكارم)، ج ۱، ص: ۵۰۷

سؤال ۱۶۵۶- پدر بنده در زمان حيات، مرتكب بسى خطاها شده است و بنده ايشان را ظالم يا فاسد يا مى‌دانم و ايشان را مستحقّ هيچ‌گونه امر خيرى نمى‌بينم و هيچ‌گونه حقّى را بر گردن خود نمى‌دانم و تا بحال نيز هيچ امر خيرى براى ايشان انجام نداده‌ام، تكليف بنده چيست؟

جواب: پدرتان هر كارى كرده است فعلا از دنيا رفته و دست او كوتاه است و چون مسلمان و شيعه على بن ابى طالب (عليه السلام) بوده، سزاوار ترحّم مى‌باشد. از خداوند براى او آمرزش بطلبيد و بدانيد پدر اگر فاسق هم باشد باز بر فرزند حقوقى دارد، اميد است خداوند همه ما را ببخشد و بيامرزد.

سؤال ۱۶۵۷- آيا داستان عقد و عروسى حضرت قاسم بن الحسن (عليه السلام) در كربلا صحّت دارد، خواندن و بيان كردن اين داستان چه حكمى دارد؟

جواب: چون در منابع معتبر نيامده است بهتر ترك آن است.

سؤال ۱۶۵۸- آيا انتقال دادن ميّت به عتبات مقدسه ائمّه طاهرين (عليهم السلام) جايز است؟

جواب: اشكالى ندارد.

سؤال ۱۶۵۹- آيا شبيه قبور ائمّه طاهرين با چوب و سنگ ساختن جايز است؟

جواب: دليلى بر حرمت اين امور نداريم.

سؤال ۱۶۶۰- تحصيل در حوزه و يا دانشگاه كدام يك واجب‌تر است، با توجّه به اين كه عدّه‌اى از جوانان با استعداد و علاقه‌مند به

علوم اسلامی، بین انتخاب حوزه و دانشگاه مردّد می‌باشند؟

جواب: تحصیلات حوزوی در شرایط فعلی مقدّم است، البتّه گروهی نیز باید به تحصیلات دانشگاهی بپردازند، تا سایر شئون جامعه اسلامی به صورت آبرومند اداره شود.

سؤال ۱۶۶۱- دانشجویان با استعدادی هستند که در رشته‌های پزشکی یا مهندسی مشغول به تحصیلند و به علوم اسلامی نیز علاقه خاصی دارند، آیا شرعاً وارد شدن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۸

به حوزه و کسب معارف دینی بر آنها واجب است؟

جواب: بهتر این است که تحصیلات دانشگاهی را به پایان برسانند سپس به تحصیلات حوزوی بپردازند.

سؤال ۱۶۶۲- گرفتن شهریه برای طلّابی که به کارهای فرهنگی مشغولند با توجّه به این که درس و بحث حوزوی ندارند و از نظر مادّی هم کاملا- تأمین نمی‌شوند، حرام است یا حلال؟ اگر از نظر مادّی تأمین شوند چطور؟ ملاک حلال بودن استفاده از شهریه حوزه را بفرمایید.

جواب: شهریه حوزه مربوط به محصّلین حوزه علمیّه است مگر این که دهندگان شهریه در موارد خاصّی اجازه بدهند.

سؤال ۱۶۶۳- اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباسهایی مد شده که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد (مانند رپ و غیره) نظر به اینکه پوشیدن این لباسها و این گونه آرایش کردن عرفاً از مصادیق تشبه به کفّار است آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

جواب: با توجّه به این که این امور بخشی از فرهنگ منحط بیگانگان است، مسلمانان باید از آن پرهیز کنند و فرهنگ خود را زنده کنند.

سؤال ۱۶۶۴- مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) در «مفاتیح الجنان» از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که «مکروه است روایت شعر برای روزه‌دار و مُحرم و در حرم و در روز جمعه و شبها و لو شعر حق باشد» حضرت عالی در این مورد چه می‌فرمایید؟

جواب: این مطلب در یکی از روایات معتبره وارد شده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «یکره روایهٔ الشّعر للصائم و للمحرم و فی الحرم و فی یوم الجمعه و ان یروی باللّیل؛ مکروه است نقل شعر برای روزه‌دار و محرم و در حرم مکّه و در روز جمعه و در شب» «۱» و حتّی در ذیل حدیث آمده است: هر چند شعر حق باشد، ولی ممکن

---

(۱). وسائل الشّیعه، جلد ۷، صفحه ۱۲۱، ابواب آداب الصّائم، باب ۱۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۹

است عناوین ثانویّه مهمتری، این کراهت را تحت‌الشّعاع قرار دهد.

سؤال ۱۶۶۵- در شهرهای بزرگ، زنان مسافر به دلیل نبودن جا، بعضاً در صندلی جلو تاکسی‌ها و در کنار مردان به طور فشرده می‌نشینند، از لحاظ شرعی این مسأله چه حکمی دارد؟

جواب: اگر چه تماس بدنها از روی لباس حرام نیست، ولی اگر منشأ فساد گردد حرام است.

سؤال ۱۶۶۶- استفاده از تلفن ادارات و نهادها با پرداخت هزینه آن و یا استفاده از وسایل نقلیّه در ساعات غیر اداری جهت انجام کارهای شخصی از قبیل عیادت مریض و تشییع جنازه و یا سخنرانی در مجالس وعظ و سوگواری، توسّط آقایان روحانیون محترم سیاسی عقیدتی (با اینکه روغن و بنزین و استهلاک اتومبیل را خودشان از جیب خود تأمین می‌نمایند) چگونه است؟

جواب: جایز نیست، مگر به اجازه مسئولین ذی صلاح.

سؤال ۱۶۶۷- تردّد روحانی در بعضی موارد بدون لباس روحانیّت چه صورتی دارد؟
جواب: اگر موجب وهن روحانیّت نشود اشکالی ندارد.
سؤال ۱۶۶۸- شانه خالی کردن از زیر بار مواردی همچون مالیات، عوارض، مقرّرات راهنمایی و رانندگی، با لطایف الحیل و نپرداختن وجه آن و یا کم کردن وجه در نظر گرفته شده، با توجّه به این که خلاف مقرّرات دولت اسلامی است، شرعاً چه حکمی دارد؟
جواب: اشکال دارد.
سؤال ۱۶۶۹- از آنجا که نگهداری مجلّات و روزنامه‌هایی که آیات قرآن در آنها نوشته شده مقدور نیست با آنها چه بکنیم؟
جواب: می‌توانید آنها را در جایی دفن کرده و یا به رودخانه‌ای بریزید و یا به مراکزی بدهید که آنها را خمیر می‌کنند و از آن مقوّا و مانند آن می‌سازند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۰
سؤال ۱۶۷۰- با توجّه به اینکه هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از مکّه به مدینه در ماه ربیع الأوّل صورت گرفته است، چرا ماه محرّم به عنوان مبدأ سالهای قمری و اوّلین ماه آن انتخاب شده است؟
جواب: ماه محرّم قبل از اسلام نیز آغاز سال بوده است و هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانند سرآغاز انقلاب اسلامی ما بود، اگر فرضاً ما بخواهیم سال انقلاب را مبدأ تاریخ قرار دهیم بهمن ماه را آغاز سال قرار نمی‌دهیم بلکه آغاز سال همان فروردین است.
سؤال ۱۶۷۱- آیا رعایت حجاب و پوشانیدن بدن در اعمال عبادی غیر از نماز همانند تلاوت قرآن و دعا، فضیلتی برای زن محسوب می‌شود؟
جواب: دلیلی بر وجوب یا استحباب آن نداریم ولی اگر مشکلی ایجاد نکند محترمانه‌تر محسوب می‌شود.
سؤال ۱۶۷۲- آیا معیاری برای رؤیاهای صادقه وجود دارد که آدم رؤیاهایش را با آن بسنجد و رؤیاهای صادقه را بتواند تشخیص دهد؟
جواب: معیار مسلّمی ندارد.
سؤال ۱۶۷۳- مبلغ ۱۵۴۴۰ تومان بابت سازندگی جبهه نزد شخصی است. این مبلغ را در حال حاضر به چه مصارفی برسانیم؟
جواب: با توجّه به این که هم اکنون نیز در محلّ جبهه‌های سابق مرزداران فعّالیّت دارند، به وسیله شخص امینی به آنها برسانید تا در همان مصرف صرف شود.
سؤال ۱۶۷۴- این جانب کارمند یک شرکت دولتی و در قسمت صدور چک امور مالی انجام وظیفه می‌نمایم و از آنجا که ارباب رجوع جهت دریافت چکشان به این جانب رجوع می‌کنند گاهی رخ می‌دهد که یک جعبه شیرینی و یا حتّی پول نقد می‌آورند، از نظر شرعی چه صورتی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۱
جواب: اگر شما حقّ کسی را ضایع نکنید و کسی را بی‌جهت بر دیگری مقدّم ندارید و فرقی میان آنهایی که هدیه‌ای می‌آورند و نمی‌آورند نگذارید، گرفتن آن هدیه مانعی ندارد.
سؤال ۱۶۷۵- آیا قطع رحم و یا صله رحم که در اسلام بر آن تأکید شده است معیار مشخّصی دارد و آیا محدوده آن از نظر نصوص و روایات بیان شده است و آیا اگر بنده با نتیجه خواهرم و یا برادرم و یا خاله‌ام و غیره قطع رحم کنم، قاطع رحم محسوب می‌شوم؟

جواب: منظور، داشتن ارتباط و پیوند با آنها در حدّ متعارف و معمول است، البتّه هر قدر خویشاوندی نزدیکتر باشد رابطه باید بیشتر باشد.

سؤال ۱۶۷۶- آیا برای مسئول مدرسه جایز است که به خاطر مراعات نکردن نظافت و یا کوتاه نکردن موی سر و یا مسافرت، از شهریه طلّاب مدرسه کم کند، مطلب دیگر این که آیا شهریّه گرفتن در سه ماه تعطیل تابستان جایز است؟ و در صورتی که طلبه‌ای برای گرفتن شهریّه‌اش نیاید، آیا مسئول مدرسه می‌تواند این پول را در جاهایی که خودش می‌داند مصرف کند؟

جواب: در مسائل مربوط به شهریّه باید نظر بیوتی که شهریّه را می‌دهند در تمام جهات فوق رعایت شود و با اجازه آنها اقدام گردد.

سؤال ۱۶۷۷- آیا استفاده از مدارك دیگران مانند دفترچه بیمه درمانی، گذرنامه، کارت شناسایی و غیره با رضایت کامل طرف مقابل جایز است؟ و در صورت عدم جواز استفاده از این مدارك آیا شرعاً هم عقوبت دارد؟

جواب: اگر بر خلاف قوانین و مقرّرات و قرارداد باشد، جایز نیست و مسئولیّت الهی دارد.

سؤال ۱۶۷۸- معمول است خانمها هنگام رفتن به مجالس عروسی و جشن، علاوه بر زینتهای نامرئی، خود را معطّر می‌کنند، با توجّه به اینکه نفس خوشبو و معطّر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۲

بودن خود نوعی از زینت و آرایش حساب می‌شود و معمولا بوی آن را مرد نامحرم در بین راه احساس می‌کند، آیا اشکال دارد؟

جواب: اشکال دارد و در خبر است که تا به منزل برگردد مورد لعن ملائکه است.

سؤال ۱۶۷۹- آیا تلاوت قرآن در مجلس ترحیم تارك نماز و یا منکر نماز جایز است؟

جواب: تقاضای عفو و بخشش و انجام اعمال خیر برای همه مسلمانان هرچند که گناهکار باشند جایز است.

سؤال ۱۶۸۰- خشك کردن و یا کشتن حیوانات به جهت دکور و غیر آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر باعث اذیّت و آزار خاصّی نباشد اشکالی ندارد، ولی در مورد حیوانات موذی مسأله روشن‌تر است ولی اگر از حیوانات دارای خون جهنده باشد با توجّه به اینکه ذبح شرعی نمی‌شود، احتیاط آن است که با دست تر، بدن آنها لمس نشود.

سؤال ۱۶۸۱- چرا خداوند در سوره الرّحمن آیه ۲ و ۳ می‌فرماید: (عَلَّمَ الْقُرْآنَ* خَلَقَ الْإِنْسانَ) وقتی انسان خلق نشده، چگونه به او قرآن یاد داده شده است؟

جواب: ترتیب در ذکر و بیان، گاهی به خاطر ترتیب در اهمیّت است و گاه به خاطر ترتیب در وجود خارجی و در اینجا از قبیل اوّل می‌باشد.

سؤال ۱۶۸۲- تقیّه چیست؟

جواب: تقیّه عبارت است از کتمان عقیده در جایی که اظهار آن باعث خطر یا ضرر مهمّی می‌گردد و این مسأله از قرآن مجید و روایات اسلامی و حالات اصحاب پیامبر در مقابل مشرکان گرفته شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۳

سؤال ۱۶۸۳- آیا ساختن خانه‌های ضد زلزله کار درستی است؟

جواب: اشکالی ندارد، بلکه گاهی لازم است، زیرا خداوند دفع خطر را بر عهده انسان گذارده تا با استفاده از وسایل مختلف در برابر خطرات بایستد.

سؤال ۱۶۸۴- اگر پدر و مادر از انجام کارهای خوب مثل درس خواندن جلوگیری کنند وظیفه فرزند چیست؟

جواب: اطاعت در این گونه موارد لازم نیست، ولی حتّی الإمکان باید طوری رفتار کرد که رنجیده نشوند و لازم است که فواید کار خوب را برای ایشان توضیح داد تا مسأله برای آنها روشن شود و ممانعت نکنند.

سؤال ۱۶۸۵- در بین بیماران مراجعه‌کننده به کلینیک‌های روانپزشکی، بیمارانی وجود دارند که دارای تمایلات همجنس‌گرایی می‌باشند، علم روانپزشکی امروز این بیماران را به دو گروه تقسیم می‌کند:

گروه اوّل که اصطلاحاً به آنها (اگودیستانیک) می‌گویند، این افراد از این که دارای تمایلات همجنس‌گرایی هستند احساس ناراحتی می‌نمایند و این احساس را به درون خود متعلّق نمی‌دانند و خود مایل هستند درمان شوند، علم روانپزشکی این بیماران را مداوا می‌کند و درمان اکثر این بیماران موفقیّت‌آمیز است و پس از درمان، این بیماران به جنس مخالف علاقه پیدا می‌کنند و می‌توانند ازدواج کنند.

گروه دوّم که اصطلاحاً به آنها (اگوسینتانیک) می‌گویند، این افراد دارای تمایلات همجنس‌گرایانه هستند، امّا از داشتن چنین تمایلاتی ناراحت نیستند و آن را با درون خود موافق و مطابق می‌بینند و بر عکس نسبت به جنس مخالف احساس کششی ندارند و بعضاً از جنس مخالف بیزار و متنفّرند، علم روانپزشکی جدید برای این دسته درمانی نیافته است، این نوع بیماران چنانچه جبراً ازدواج کنند دچار مشکلات جنسی و عاطفی با همسر خود می‌شوند و معمولا حاصل ازدواجشان طلاق و جدایی است (چنان که مشاهده گردیده است).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۴

البتّه از نظر پزشکی ثابت گردیده است که سه عامل مهم در ایجاد حالت همجنس‌گرایی در گروه دوّم نقش دارد که عبارتند از: الف) ژنتیک ب) هورمونهای بدن مادر در طی دوران بارداری ج) نحوه تربیت فرد در دوران کودکی و تأثیر پدر و مادر در این دوران. توصیه روانپزشکی نوین به افراد گروه دوّم این است که رابطه جنسی خود را با یک فرد هم‌جنس برقرار کنند و از اقدام به ازدواج با غیر هم‌جنس خودداری نمایند زیرا کراراً مشاهده گردیده که این افراد قادر به تحمّل جنس مخالف نبوده و ازدواج آنها به طلاق می‌انجامد. حال پرسش حقیر این است که نظر حضرت عالی در مورد درمان گروه دوّم چیست؟

جواب: از نظر موازین شرع اسلام نمی‌توان به این گروه اجازه برقرار ساختن رابطه با جنس موافق هر چند در مراحل سطحی و ابتدایی داد و آن را یک ضرورت شمرد، بلکه باید از طرق مختلف مخصوصاً عواطف مذهبی که بسیار قوی و مؤثّر است، روی آنان کار کرد تا مشکلشان حل شود و هرگز نباید تسلیم توصیه‌های بعضی از روانپزشکان شد که می‌خواهند کار را بر خودشان آسان و بر دیگران مشکل کنند، بلکه باید پزشکان مؤمن بکوشند و طرق درمان معقول و مشروع را بیان کنند.

سؤال ۱۶۸۶- نظر اسلام در مورد اعتصاب غذا که بعضی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی به عنوان اعتراض به وضع نامناسب زندان و یا اعتراض بر حکمی که دادگاه بر ایشان صادر کرده است یا اعتراض به بلاتکلیفی خود به آن متوسّل می‌شوند چیست، لازم به ذکر است که این نوع اعتصاب گاهی منجر به مرگ و گاهی منجر به ضررهایی می‌شود؟

جواب: در صورتی که باعث ضرر مهمّی در جان یا بدن نشود اشکال ندارد، مگر این که زندانی در معرض خطر مهمّی باشد که هیچ راهی برای رهایی از خطر، جز اعتصاب غذا نباشد که در این صورت از باب تقدیم اهم بر مهم جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۵

سؤال ۱۶۸۷- اعتصاب بعضی از کارمندان دولت ظالم، مثل زندانیان به عنوان اعتراض به احکامی که از سوی دادگاه به عنوان توهین دین و مذهب یا موهن جلوه دادن دین صادر می‌شود چه حکمی دارد (با توجّه به این که اعتصابات گاهی به از دست دادن شغل آنها منجر می‌شود)؟

جواب: موارد مختلف است، گاهی مسأله‌ای که به خاطر آن اعتراض کرده است از نظر اسلام مهمتر است مثل این که مقدّسات دین یا بلاد مسلمین یا خود مسلمین در خطر باشند و گاهی از اوقات آن مسأله نسبت به خطری که برای اعتصاب کنندگان پیش می‌آید کم‌اهمیّت‌تر است، خلاصه این که حکم دائر مدار قاعده اهمّ و مهم است.

سؤال ۱۶۸۸- اگر کسی عمداً به قرآن قسم دروغ بخورد و بعداً پشیمان شود وظیفه او چیست؟

جواب: باید توبه کند و با اعمال صالح، گذشته خود را جبران نماید.

سؤال ۱۶۸۹- به نظر شما طلّاب علوم دینی، از چه هنگام بهتر است ملبّس به لباس مقدّس روحانیّت شوند؟

جواب: پوشیدن لباس مقدّس روحانیّت از هر زمانی که بتوانند وظیفه آن لباس را ادا کنند خوب است و معمولا اگر خوب درس خوانده باشند بعد از «لمعه» زمان مناسبی برای این امر است.

سؤال ۱۶۹۰- آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام (علیه السلام) به قوّت نبوّت و امامت می‌توانند مرده را زنده نمایند یا خیر به چه دلیل؟

جواب: آری می‌توانند و قرآن مجید صریحاً این مطلب را در مورد حضرت مسیح ذکر کرده است «۱» و این امر به اذن الهی و قدرت او انجام می‌گیرد.

---

(۱). سوره آل عمران، آیه ۴۹.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۶

سؤال ۱۶۹۱- اگر شخصی به طوری در تنگی معاش باشد که نتواند زندگی خود را اداره کند و به هر دری هم بزند با شکست مواجه شود و حاضر هم نباشد زکات یا صدقه قبول کند، آیا می‌تواند برای غیر مسلمانها کار کند؟

جواب: کار کردن برای غیر مسلمانان حرام نیست مشروط بر این که، کار حلال و آبرومند و مباحی باشد و سبب اهانت و ذلّت مسلمین نگردد.

سؤال ۱۶۹۲- آیا درست است که شخص مسلمان فقط از روی قرآن کاری را انجام دهد، مثل نماز خواندن و وضو گرفتن و کارهای دیگر؟

جواب: در احکام دینی یا باید درس خواند و مجتهد شد و احکام را از ادلّه چهارگانه (قرآن و سنّت و اجماع و دلیل عقل) استنباط کرد و یا باید تقلید کرد.

سؤال ۱۶۹۳- آیا اصلاح کلمات یا حرکات چاپی و یا رسم الخط قرآن که غلط نوشته شده باشد جایز است؟

جواب: اگر یقین به غلط بودن آن داشته باشد خوب است اصلاح کند.

سؤال ۱۶۹۴- علمی که ائمّه اطهار (علیهم السلام) و رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) به آن تأکید فراوان نموده‌اند چیست؟ آیا علوم مختلف امروزی از قبیل ریاضی، فیزیک، شیمی و غیره، نیز در ردیف آن علم هستند؟ آموختن علم در کشورهای غیر اسلامی و گاهی مخالف اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: قبل از هر چیز باید معارف و احکام دینی را فرا گرفت و علوم دیگری که برای نظام زندگی جامعه اسلامی ضرورت دارد نیز به عنوان واجب کفایی می‌باشد و فرا گرفتن آنها برای عظمت و اعتلای جامعه اسلامی و رفع نیازها، لازم است.

سؤال ۱۶۹۵- نظر شما در مورد کاندیدا شدن روحانیونی که قدرت راه یافتن به مجالس قانون‌گذاری را دارند و توسط مردم انتخاب می‌شوند چیست؟ در صورتی که اگر این روحانیون شرکت نکنند اشخاصی غیر متعهد به این مجالس راه پیدا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۷

می‌کنند و احکام غیر اسلامی را تصویب می‌کنند.

جواب: ظاهر این است که شرکت آن روحانیون و افراد متعهد دیگر با شرایطی که گفتید واجب است.

سؤال ۱۶۹۶- اخیراً در بعضی مجامع و هیئات مذهبی تهران اشعاری سروده و خوانده می‌شود که در ضمن آن، لفظ جلاله (الله) را به

ذوات مقدّسه عصمت- علیهم صلوات اللّه- و غیره نسبت می‌دهند، مثلاً گفته می‌شود من علی‌اللّهی‌ام، یا من حسین‌اللّهی‌ام و یا زینب‌اللّهی‌ام، آیا بیان این گونه اشعار جواز شرعی دارد؟

جواب: این تعبیرات مناسب افراد معتقد به مکتب معصومین (علیهم السلام) نیست و لازم است به این اشخاص تذکّر داده شود و آنها را از این کار نهی کرد و برای بزرگداشت مقام آن بزرگواران راههای خوب و سنجیده و معقول وجود دارد که نیازی به این حرفها ندارد.

سؤال ۱۶۹۷- مؤلّفی کتابی می‌نویسد و با ناشری قرارداد چاپ و نشر منعقد می‌نماید و در کتاب می‌نویسد: «حقوق طبع برای مؤلّف محفوظ است». پس از چندی ناشر دیگری بدون اجازه از مؤلّف، کتاب را تجدید چاپ می‌نماید. در عرف ناشران چنین است که مقداری از کتاب را به عنوان حقّ‌التّألیف به مؤلّف می‌دهند، آیا این چنین حقّی برای مؤلّف وجود دارد و آیا نیاز به اجازه از مؤلّف در مقام تجدید و افست از روی کتابش می‌باشد؟

جواب: حقّ‌التّألیف یک حقّ عقلایی است که در تمام دنیا از سوی همه عقلای جهان به رسمیّت شناخته شده است و مخالفت با آن مصداق ظلم شمرده می‌شود و شرعاً حرام است، بنابراین مؤلّف می‌تواند حقّ خود را از کسانی که بدون اجازه او تجدید چاپ کرده‌اند بگیرد، در ضمن توجّه داشته باشید ناشر نیز نسبت به حروفچینی و مانند آن حق دارد و اگر کسی از روی آن عکسبرداری کند باید حقّ ناشر را نسبت به آن بپردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۸

سؤال ۱۶۹۸- در بعضی از مناطق هندوستان در بیست و دوّم رجب شیرینی و چیزهای خوردنی دیگری به عنوان نذر امام صادق (علیه السلام) تقسیم می‌شود، آیا این نذر مشروع است؟

جواب: بیست و دوّم رجب طبق روایات مشهور، ارتباط خاصّی با امام صادق (علیه السلام) ندارد ولی اگر به قصد تجلیل مطلق از مقام شامخ آن حضرت در هر روزی از سال مراسمی برپا کنند، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۹- در روایتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده که ایشان فرموده‌اند: همین که قائم (علیه السلام) بپاخیزد امری جدید می‌آورد همان‌گونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز ظهور اسلام امری جدید آورد، با توجّه به این که ما مجتهدین را به عنوان کسانی که در هر دوره زمانی دین را از تحریف حفظ می‌کنند می‌شناسیم و برای دستیابی به احکام درست و صحیح به آنها مراجعه می‌کنیم، تفسیر صحیح این حدیث را بیان کنید؟

جواب: منظور این است که در دین خدا و مفاهیم دینی بدعتهایی گذارده می‌شود و تحریفهایی صورت می‌گیرد که وقتی آن حضرت (عج) بیاید با آن بدعتها مبارزه می‌کند، تا آنجا که گروهی از مردم تصوّر می‌کنند که آیین تازه‌ای آورده است.

سؤال ۱۷۰۰- اگر انسان در سالهای اوّل تکلیف به علّت بچّگی دست به کارهایی بزند که در بزرگی برای او مسأله شود، مثلا وسیله‌ای را بدون اجازه صاحبش و بدون اطّلاع او، از جایی بردارد و آن را به دوست خود هدیه بدهد، حال اگر بخواهد اکنون که بزرگ شده و متوجّه عمل زشت خود شده است، وسیله را به صاحبش برگرداند پای از میان رفتن آبرو و حیثیّت او در نزد هر دو طرف در میان باشد، در این مورد چگونه باید عمل کند و به چه نحو وظیفه‌اش را انجام دهد؟

جواب: اگر بتواند همان وسیله را از دوست خود ظاهراً بخرد و جهت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۹

صاحبش به عنوان هدیه به دست خودش یا توسط دیگری بفرستد، این کار را بکند و اگر نمی‌تواند، قیمت آن را در حساب بانکی او یا به وسیله پست به صورت ناشناس جهت او ارسال دارد.

سؤال ۱۷۰۱- در مسأله اعجاز و انجام کارهای خارق العاده که یکی از راههای شناسایی پیامبران است آیا خداوند به پیامبران خود

قدرتی می‌دهد که آنها، یا خود به آوردن معجزه اقدام می‌کنند و یا معجزه کاملا به وسیله خدا انجام می‌شود و فقط در قالب کاری از جانب پیامبران نشان داده می‌شود؟

جواب: معجزه به هر دو صورت ممکن است انجام شود، گاه خداونـد به پیامبرش قدرت این کار را می‌دهد و گاه پیامبر دعا می‌کند و خدا دعای او را اجابت می‌کند.

سؤال ۱۷۰۲- آیا تلاوت قرآن برای کسـی که چشم درد دارد و مطالعه برای چشم او ضرر دارد ولی به جهت علاقه به قرآن هر روز مقداری قرآن تلاوت می‌کند، جایز است؟

جواب: کاری که موجب ضـرر باشـد انجام ندهـد، ولی می‌توانـد به مقـداری که ضـرر نـدارد همه روزه بخواند و اگر از روی قرآن نمی‌تواند بخواند آنچه را حفظ دارد بخواند.

سؤال ۱۷۰۳- آیا اجرت گرفتن در برابر تلاوت یا ختم قرآن و اهدای ثواب آن، جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۰۴- کسی که علاقه زیادی به تلاوت قرآن دارد ولی نمی‌تواند آن را کاملا صحیح بخواند و سعی در تصحیح آن می‌کند، آیا قرآن خواندن او بهتر است یا ترک آن؟

جواب: بهتر است بخواند و سعی در اصلاح آن نیز بکند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۲۰

سؤال ۱۷۰۵- آیـا جایز است از پولی که در ماه محرم و ماه رمضان، برای خرج مسـجد و عزاداری جمع‌آوری می‌گردد جهت هیأت قرآن و کلاسهای مسجدها، قرآن و تخته سیاه و لوازم دیگر خریداری نمود؟

جواب: اگر برای عزاداری باشد نمی‌شود برای کار دیگری مصرف کرد ولی اگر برای هزینه‌های مسجد باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۶- اگر هیئت امنـای مسـجد یـا حسـینیه‌ای بگوینـد: «ما راضـی به برگزاری کلاس قرآن در مسـجد یا حسـینیّه نیستیم» آیا رعایت نظر آنها لازم است؟

جـواب: رعـایت نظر آنهـا در ایـن گـونه مـوارد لاـزم نیسـت، ولی بهـتر اسـت همـاهنگی برقرار گردد و در هر حـال مزاحمـتی برای نمازگزاران به وجود نیاید.

سؤال ۱۷۰۷- آیا سوزانـدن قرآنهایی که ورق ورق شـده و قابل نگهـداری و اسـتفاده نیست، جایز می‌باشـد؟ و آیا جایز است آن را سوزاند و خاکستر آن را دفن کرد؟ و در صورتی که کسی چنین کرده باشد تکلیفش چیست؟

جواب: جـایز نیست، می‌توانیـد آن را در محـل پـاک دوردستی دفن کنیـد و یـا در نهر آب جـاری بریزیـد، به شـرط آن که به جای نامناسبی نرود، اگر کسی آن را سوزانده باید تأکید کنید که دیگر مرتکب این کار نشود و از کار خود توبه کند.

سؤال ۱۷۰۸- اخیراً لباسـهایی وارد شده که بر روی آن اسم جلاله (الله) نوشـته شده است، آیا پوشیدن چنین لباسهایی جایز است؟ و در هر صورت، تکلیف کسی که آن را پوشیده چیست؟

جواب: اگر در محلّی نوشـته شـده که باعث هتک احترام این نام مقـدّس نمی‌شود اشـکالی ندارد و در هر حال باید مراقبت کرد که دست بی‌وضو بر آن نگذارند و آن را نجس نکنند.

سؤال ۱۷۰۹- در صورتی که پـدر به فرزنـد بگویـد: راضـی نیسـتم در جلسه قرآن شـرکت کنی، آیـا اطاعت پـدر در اینجا هم لازم است؟

جواب: اطاعت از او در این مورد لازم نیست، ولی سعی کند موافقت او را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۲۱

جلب كند.

سؤال ۱۷۱۰- اگر به صورت غير عمد، قرآن از دست انسان به زمين بيفتد وظيفه چيست و آيا كفّاره لازم است؟

جواب: كفّاره ندارد ولی فوراً بردارد و احترام كند.

سؤال ۱۷۱۱- آيا پدر می‌تواند يادگرفتن قرآن را بر فرزند واجب نمايد و اگر بگويد: من راضی نيستم كه در اين مسأله كوتاهی نمايی، وظيفه فرزند چيست؟

جواب: اگر سرپيچی فرزند موجب اذيّت و آزار پدر می‌گردد، بايد از او اطاعت كند.

سؤال ۱۷۱۲- در مراسم فاتحه در بعضی از شهرستانها رسم است كه هنگام تلاوت قرآن افراد شركت‌كننده با صدای بلند به بازماندگان تسليت می‌گويند و بازماندگان جواب آنها را می‌دهند، آيا اين عمل جايز است؟

جواب: بهتر است احترام قرآن را بيشتر رعايت كنند و از اين كار بپرهيزند.

سؤال ۱۷۱۳- لطفاً بفرماييد: آيا گرفتن اجرت در مقابل تعليم قرآن جايز است؟

جواب: جايز است، ولی كراهت دارد.

سؤال ۱۷۱۴- قرای معروفی كه آياتی از قرآن مجيد را با صوت زيبا تلاوت می‌كنند و آن را بر روی نوار كاست و يا ويدئو ضبط می‌كنند، آيا می‌توانند امتياز آن را خريدوفروش كنند و آيا بايد ديگران در موقع تكثير از آنها اجازه بگيرند؟

جواب: در صورتی كه در عرف عقلاـ به عنوان حقّی برای قاری شمرده شود، كسانی كه می‌خواهند تكثير كنند بايد با موافقت او باشد.

سؤال ۱۷۱۵- اگر شخصی، پسر بچّه‌ای را كه در سنين (۱۴- ۱۲) سالگی است كتك زده باشد و آن بچّه هنوز بالغ نشده باشد، آيا بايد خود مضروب را راضی كند يا پدر و مادر او را؟

جواب: بايد از پدر و مادر او حلّيت بطلبد و احتياطاً هنگامی كه بالغ شد از

استفتاءات جديد (مكارم)، ج۱، ص: ۵۲۲

خود او نيز حلّيت بخواهد.

سؤال ۱۷۱۶- اگر طلبه‌ای به علّت مشكلات درسی و يا به عللی ديگر نتواند به تحصيل خود ادامه دهد و از تحصيل منصرف شود، آيا بايد شهريه‌هايی را كه در طول مدّت تحصيل دريافت كرده است برگرداند؟

جواب: بازگرداندن شهريه لازم نيست، ولی سعی كند به مقداری كه از بيت المال استفاده كرده خدمت دينی كند.

سؤال ۱۷۱۷- آيا كاتب مطّلع از محتويات كذب مورد كتابتش كه شامل اتهام و هتك حرمت گيرنده نامه و ديگران می‌باشد با اين كه آن نوشته با امضای ديگری برای گيرنده ارسال می‌گردد، شريك در گناه صاحب امضا می‌باشد؟

جواب: اين مصداق روشن اعانت بر اثم و كمك به گناه است و جايز نيست.

سؤال ۱۷۱۸- احترام برادر بزرگتر چه حكمی دارد؟

جواب: همه برادران احترام دارند مخصوصاً برادر بزرگتر و در روايت آمده است كه برادر بزرگتر به منزله پدر است.

سؤال ۱۷۱۹- تهمت زدن به مرده چه حكمی دارد؟

جواب: تهمت زدن به هر كسی حرام است و نسبت به مرده و هر كس كه نمی‌تواند از خود دفاع كند، گناهش بيشتر است.

سؤال ۱۷۲۰- نظر شما در مورد ورزش بُكس با توجّه به خطراتی كه دارد چيست؟

جواب: با توجّه به خطراتی كه ورزش بُكس دارد مشروعيّت آن مشكل است مگر در موارد ضرورت مثل كسانی كه برای آمادگی رزمی اين كار را می‌كنند.

سؤال ١٧٢١- ریشه درخت کسی به ملک همسایه سرایت و شاخه می‌کند، مدّت سی سال یا بیشتر شاخه‌ها در ملک همسایه می‌ماند، در این مدّت خسارت و ضرر این شاخه‌ها و درخت را همسایه متحمّل می‌شود و خسارت و ضرر درخت‌ها چنین است: یک مقدار از ملک را اشغال کرده و به زراعت مقدار دیگری از زمین، خسارت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ١، ص: ٥٢٣

و ضرر وارد کرده و این درخت‌ها مانع از تابش آفتاب به زراعت است و ریشه‌ها هم مانع از رشد و نموّ زراعت می‌شود، آیا این درختها حقّ صاحب درخت اوّلی است یا حقّ صاحب زمین و اگر حقّ صاحب درخت اوّلی است، آیا صاحب زمین حقّ مطالبه خسارت و ضرر وارده را دارد؟

جواب: درختان متعلّق به صاحب ریشه است، ولی صاحب زمین دوّم می‌تواند آنها را از ملک خود قطع کند و یا مال الاجاره آن را مطالبه کند و اگر خسارتی بر او وارد شده که نتیجه عمل صاحب درخت بوده، می‌تواند از او بگیرد.

سؤال ١٧٢٢- این جانب یک قطعه زمین دارم که یک اصله درخت گردو از طرف جنوب و سه اصله درخت گردو از طرف شمال که متعلّق به برادرم می‌باشد زمین بنده را احاطه کرده است و هر ساله موجب خسارت مالی قابل توجّهی به این جانب می‌باشد و تذکّرات بنده مؤثّر واقع نشده، حکم شارع مقدّس اسلام در این مورد چه می‌باشد؟

جواب: چنانچه وجود آن درختان موجب ضرر و زیان شماست می‌توانید به صاحبش تذکّر دهید که شاخه‌های آن را قطع کند یا مال الاجاره مناسبی بپردازد و اگر به هیچ کدام راضی نشد شما حقّ قطع کردن آن را با نظر حاکم شرع و در نبودن حاکم شرع با نظر معتمدین محل دارید، مگر این که از روز اوّل زمین به همین شکل به شما واگذار شده باشد.

سؤال ١٧٢٣- طلّاب علوم دینی در چه زمانی باید مفتخر به پوشیدن لباس روحانیّت شوند؟

جواب: هنگامی که به مرحله قابل ملاحظه‌ای از معلومات دینی برسند، باید لباس را بپوشند و از نظر مقرّرات فعلی حوزه کسی که شهریه دروس خارج می‌گیرد ملتزم به پوشیدن لباس روحانیّت است.

سؤال ١٧٢٤- در بعضی از کشورهای اسلامی قانون جدیدی وضع شده است که طبق آن، غیر مسلمانان در انتخابات می‌توانند دو بار رأی دهند یعنی آنها هم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ١، ص: ٥٢٤

می‌توانند با مسلمانان رأی بدهند و هم با غیر مسلمانان. طبق فقه جعفری آیا می‌شود به غیر مسلمانان چنین حقّی داد؟

جواب: نباید غیر مسلمانان امتیازی بر مسلمین داشته باشند، مگر این که ضرورتهایی در کار باشد.

سؤال ١٧٢٥- کالاهایی که از قاچاقچیان کشف می‌شود یا کالاهایی که بعد از مدّتی انبار شدن در گمرکات با قیمت مناسب در اختیار بعضی از افراد قرار می‌گیرد استفاده از آنها چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه مجتهد جامع الشّرایط به عنوان تعزیر از آنها بگیرد سپس بفروشد، خریدن آن اشکالی ندارد.

سؤال ١٧٢٦- وارد کردن کالاـ به صورت غیر قانونی از مرز چه حکمی دارد؟ پول حاصل از این کالا برای واردکننده چه حکمی دارد؟

جواب: از کارهایی که بر خلاف مقرّرات حکومت اسلامی است باید اجتناب کرد و هر گونه کمک کردن به این تخلّفات اشکال دارد و درآمد آن نیز مشکل است.

سؤال ١٧٢٧- شخصی فوت شده و وصیّت هم نکرده، در میان اولاد او دو نفر صغیر هم وجود دارد، آیا برای آنهایی که برای تسلیت و تعزیّت بازماندگان آن مرحوم می‌روند، جایز است بر روی فرشی که صغیر شرکت دارد بنشینند و همچنین نماز خواندن در آن خانه‌ای که ارث آن مرحوم می‌باشد و آن دو نفر صغیر نیز شریک می‌باشند در صورت ضرورت یا غیر ضرورت چه صورت دارد؟

جواب: در این گونه موارد مبلغ مختصری که جوابگوی آن تصرّف باشد برای صغیر در نظر بگیرید و هزینه او کنید در این صورت تصرّفات فوق جایز است.

سؤال ۱۷۲۸- با توجّه به رواج تمسخر بعضی از زبانها در بین مردم و استفاده از تعابیری اهانت‌آمیز خواهشمند است نظر مبارک را مرقوم فرمایید؟

جواب: اگر غرض اهانت و تحقیر باشد جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۵

سؤال ۱۷۲۹- آیا جایز است در ساعات اداری که مراجعه‌کننده نداشته و بیکار می‌باشیم از وقت خود جهت درس خواندن و کسب علم استفاده نماییم؟

جواب: هر گاه هیچ وظیفه‌ای در آن ساعت ندارید، درس خواندن و مانند آن مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۳۰- انتقاد از کاندیداتورها و بیان نکات منفی آنها در جمع یا بین دو نفر چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که در مقام مشورت برای رأی دادن به آنها باشد اشکال ندارد، ولی باید صفات آنها را بیان کرد نه توهین و مذمّت و تحقیر و یا خدای نکرده تهمت به آنها زده شود.

سؤال ۱۷۳۱- آیا اجرت گرفتن برای نطفه نر و باروری حیوان ماده جایز است؟

جواب: احتیاط آن است که در مقابل نطفه چیزی نگیرد، بلکه در مقابل تصرّفاتی که بخاطر مقدّمات باروری در آن حیوان می کند چیزی بگیرد.

سؤال ۱۷۳۲- در بعضی از نقاط تا بیست سال قبل برده‌داری رایج بوده و هویّت آنان مشخص است و اکنون آنان به عنوان و اسم «غلام» معروف هستند و اطمینان موثّق است که تا حالا از طرف موالی آزاد نگردیده‌اند، اکنون که آنان برای خود کار می کنند و دارای مایملک هستند حکم چیست؟

الف) آیا آنان آزاد شمرده شده و اموال ایشان برای خود آنان است؟

ب) آیا آنان با مایملک خود برای مولا هستند و حقّ هیچ گونه تصرف در اموال را ندارند؟

ج) در حالی که موالی آزادشان نکرده‌اند، آیا می‌توانند ازدواج کنند و حکم فرزندان آنان بدون اذن مولا چیست؟

جواب: الف) احتیاط واجب آن است که صاحب آنها از طریق مکاتبه و در برابر گرفتن مال الکتابه آنها را آزاد کنند و قبل از آن، اموالشان متعلق به مولا است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۶

ولی شایسته است مولا با آنها مصالحه کند.

ب) از جواب سابق معلوم شد.

ج) احتیاط آن است که در شرایط فعلی مولا به آنها اجازه دهد و ازدواجشان را امضا کند. اصولا هر نوع برده‌داری در عصر و زمان ما اشکال شرعی دارد.

سؤال ۱۷۳۳- چهارشنبه‌سوری و مراسم آتش بازی آن از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: جزء خرافات است و باید از آن اجتناب کرد.

سؤال ۱۷۳۴- رفت و آمد با اقوامی که مقیّد به قوانین اسلامی نیستند (برای مثال بی‌حجاب در جلوی ما ظاهر می‌شوند) با توجّه به واجب بودن صله رحم چه حکمی دارد؟

جواب: اگر این رفت و آمد مایه نهی از منکر می‌شود مانعی ندارد در غیر این صورت ترک کنید.

سؤال ۱۷۳۵- آیا تحصیل علم، واجب عینی است یا واجب کفایی یا مستحب؟

جواب: نسبت به معارف و احکام مورد ابتلای دینی، واجب عینی و نسبت به سایر احکام و همچنین علومی که بقای نظام جامعه اسلامی نیاز به آن دارد واجب کفایی است و در غیر این موارد، اگر علوم مفیدی است مستحب است.

سؤال ۱۷۳۶- حکم دوچرخه سواری و موتور سواری خواهران با مانتو در سطح شهر، با توجّه به آثار و تبعات سوء اجتماعی و اخلاقی آن چیست؟

جواب: با توجّه به پیامدهای سوئی که اینگونه امور دارد، لازم است از آن پرهیز شود و به وسوسه‌هایی که این و آن می‌کنند توجّه نکنید.

سؤال ۱۷۳۷- با توجّه به این که افزایش حجم پول با سیاستهای انبساطی پولی، موجب کاهش قدرت خرید پول در دست مردم می‌شود، آیا این اقدامات از سوی دولت مطلقاً مجاز و مشروع است یا در صورت ضرورت و با وجود مصلحت ملزمه و احیاناً با اعمال ولایت؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۷

جواب: حقّ احتمال دوّم است، دولت آزاد نیست هر کاری را در این زمینه انجام دهد اصولا دولت در تمام حرکات اقتصادی خود باید غبطه جامعه و مخصوصاً مستضعفین را در نظر بگیرد، زیرا ولایت یا وکالت او تنها در این محدوده است.

سؤال ۱۷۳۸- با عنایت به محدودیّت منابع آب قابل شرب و شیرین در سرزمین ما، مصرف بی‌رویه و غیر ضروری آن چه صورتی دارد؟

جواب: مصرف بی‌رویه آب قابل شرب یا آبهای زراعتی، در هیچ زمانی مجاز نیست باید در این نعمت گرانبهای الهی، همه مردم صرفه‌جویی کنند و جلو هر گونه اسراف را بگیرند.

سؤال ۱۷۳۹- ریختن فاضلابها در چشمه‌ها، رودها و دریاچه‌ها موجب تلف شدن هزاران هزار جاندار آبزی و صدمات غیر قابل جبران به طبیعت است نظر مبارک نسبت به انجام چنین کاری چیست؟

جواب: آلوده کردن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها به طوری که موجب اتلاف جانداران آبزی شود و در نتیجه مردم گرفتار خسارت و زیان گردند، جایز نیست.

سؤال ۱۷۴۰- اگر کسی از وسیله‌ای استفاده می‌کند که موجب آلودگی هواست، در حالی که امکان استفاده از وسایلی که آلودگی کمتری ایجاد می‌کنند نیز وجود دارد وظیفه شرعی وی چیست؟

جواب: هوا از مواهب بزرگ الهی است، نباید آن را بی‌جهت آلوده کرد.

سؤال ۱۷۴۱- صنایعی که مدّتها بدون اطّلاع کسی، عوامل آلوده کردن محیط زندگی انسانها را فراهم آورده‌اند، چگونه بریء الذمّه می‌شوند؟

جواب: سزاوار است از طرق ممکن، برای پاک کردن آلودگیها به مقداری که موجبات آن را فراهم ساخته‌اند، تلاش کنند.

سؤال ۱۷۴۲- بنابر نظر مبارک، استفاده از بعضی سموم شیمیایی که موجب مرگ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۸

جانداران مفید یا بی‌ضرر طبیعت می‌شود، چه صورتی دارد؟

جواب: استفاده از هر چیزی که حیات جانداران مفید و بی‌خطر را به خطر بیندازد اشکال دارد.

سؤال ۱۷۴۳- در قوانین حقوقی بعضی از کشورهای غربی، قاعده‌ای وجود دارد که به موجب آن زیان دیده پس از ورود خسارت و ارتکاب خطا از طرف عامل زیان، باید اقدامات متعارفی را در جهت اجتناب یا تقلیل و به حدّ اقل رساندن خسارت به عمل آورد،

در غیر این صورت نمی‌تواند خساراتی را که بدین طریق قابل اجتناب یا تقلیل بوده است، مطالبه نماید مثال مشهور در این مورد این است که پس از نقض قرارداد توسط فروشنده و عدم تحویل مبیع، خریدار باید سریعاً نسبت به خرید کالای مشابه جایگزین اقدام نماید و در نهایت تفاوت قیمت خرید مجدّد و ثمن معامله اوّل را مطالبه نماید. یا در مورد قراردادهای استخدام، پس از اخراج غیر قانونی مستخدم، وی موظّف به جستجوی کاری مشابه کار اوّلیّه است و نمی‌تواند کلّ دستمزد مدّت بیکاری خود را مطالبه نماید. حال با توجّه به تملیکی بودن عقد بیع در فقه امامیّه و اصل الزام بایع به تسلیم مبیع، آیا می‌توان این تکلیف را بر خریدار تحمیل نمود؟ و آیا چنین قاعده‌ای در حقوق اسلامی پذیرفته شده است؟ مبانی آن در فقه امامیّه چیست؟

جواب: از نظر اسلام نیز این گونه خسارتها که ناشی از کوتاهی خود شخص می‌گردد بر عهده طرف مقابل نیست و دلیل آن، قاعده اقدام است. برای آگاهی بیشتر بر مفاد قاعده اقدام و ادلّه آن به کتاب ما «القواعد الفقهیه» جلد اوّل، قاعده اقدام، مراجعه نمایید.

سؤال ۱۷۴۴- یکی از برادران شاعر جوان، اخیراً ترجمه کل قرآن مجید را به شعر و به نظم درآورده است که به عنوان نمونه دو سوره حمد و کوثر ضمیمه می‌باشد.

سوره حمد:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۹

سرآغاز صحبت به نام خداست که بخشنده و مهربان کبریاست

ستایش بود خاص آن کردگار که باشد دو گیتی از او برقرار

که بخشنده و مهربان است نیز بود صاحب عرصه رستخیز

تو را می‌پرستیم تنها و بس نداریم یاور به غیر از تو کس

مرا کن هدایت به راه درست به آن کس که مُنعَم ز نعمات تُست

نه آنان که خشمت بر آنان رواست نه آنان که هستند گمره ز راست

سوره کوثر:

سرآغاز صحبت به نام خداست که بخشنده و مهربان کبریاست

همانا تو را ای پیامبر که ما نمودیم خود حوض کوثر عطا

تو هم پس به شکرانه می‌خوان نماز برای خدایت بکن ذبح باز همانا

همان کس که عیبت بخواند خودش نسل مقطوع و ابتر بماند

جهت نشر فرهنگ قرآنی با زبان شعر که در بسیاری از مردم اثر عمیق و مثبت دارد، این نهاد مصمّم است آن را تکثیر و ترویج دهد، چنانچه حضرت عالی مصلحت می‌دانید مراتب را اعلام فرمایید تا اقدام لازم به عمل آید.

جواب: هرگاه بقیه اشعار مزبور، مانند همین نمونه یا بهتر باشد و در عین حال زیر نظر گروهی از صاحب نظران، مضامین آن کنترل و تکمیل گردد مقدّمه‌ای بر آن نوشته شود که ترجمه آیات، ترجمه‌ای است نسبتاً آزاد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۴۵- این جانب باغی دارم، برای ریختن توت، شخصی را با سابقه‌ای که از ایشان در بالا رفتن از درخت داشتم اجیر کردم، ولی این بار بعد از ریختن دو درخت توت از بالای درخت افتاد، بعد از چهار روز که در بیمارستان بود مرحوم شد. آیا به نظر شما من که صاحب درخت هستم شرعاً در برابر این مرحوم یا ورثه او مسئولیّتی دارم؟

جواب: چنانچه نامبرده نسبت به کار خود آگاهی داشته و این حادثه تصادفاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۰

واقع شده، شما مسئولیّتی ندارید.

سؤال ۱۷۴۶- در منطقه ما وقتی بین دو نفر یا دو گروه دعوا و ناراحتی واقع می‌شود، نفر سوّمی برای صلح به طرف متجاوز می‌گوید: باید مقداری پول یا حیوان یا چیز دیگری را به طرف دیگر که متجاوز علیه است بدهید تا او راضی شود و ناراحتی برطرف گردد، آیا این کار جایز است؟

جواب: هرگاه با رضایت داده شود اشکال ندارد و همچنین اگر آن پول به مقدار زیان و خسارتی باشد که به متجاوز علیه وارد شده است خواه طرف راضی باشد یا نباشد.

سؤال ۱۷۴۷- لطفاً نظر مبارک را در موارد زیر بیان فرمایید:

الف) ادامه تحصیل مسئولین دولتی با استفاده از وقت و وسیله ایاب و ذهاب دولتی از شهرستانی به شهرستان دیگر؟

ب) پذیرایی از میهمانان دولتی یا غیر دولتی که از طرف مسئول به قصد تفریح دعوت شده‌اند؟

ج) استفاده نمودن از وسیله نقلیّه دولت به هنگام مرخّصی جهت مسافرت؟

د) پرداخت هزینه آب و برق و تلفن منزل شخصی و استفاده از وسایل خانگی موجود در اداره جهت منزل و هزینه تعمیر پس از استفاده آن؟

ه‍-) استفاده مسئول از کارمندان بیکار به اسم کار اداره در امور شخصی خویش؟

جواب: وسایل و سایر امکانات دولتی را نمی‌توان در مصارف شخصی صرف کرد، مگر این که مسئولین مربوط طبق ضوابط و مقررات اجازه خاصی در مورد یا مواردی بدهند.

سؤال ۱۷۴۸- در صورتی که فکر کنیم موارد مذکور در سؤال فوق را مسئول ما فوق در استان یا مرکز می‌داند ولی ما به او نگفته باشیم، آیا سکوت او دالّ بر اجازه می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۳۱

جواب: سکوت به تنهایی کافی نیست بلکه اجازه لازم است، آن هم طبق ضوابط و مقررات.

سؤال ۱۷۴۹- دیده می‌شود که بعضی از متدیّنین به هنگام شنیدن نام مبارک حضرت مهدی امام عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشریف) به احترام آن حضرت دست بر سر می‌گذارند، آیا این مطلب در روایتی وارد شده است؟

جواب: در روایت معروف دعبل خزاعی شاعر اهل بیت (علیهم السلام)، آمده است که وقتی قصیده مشهور مدارس آیات را خدمت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌خواند، هنگامی که به این بیت رسید:

خروج امام لامحاله خارج یقوم علی اسم اللّه و البرکات

امام (علیه السلام) دست بر سر نهاد و به عنوان احترام برخاست و از خداوند متعال فرج حضرت ولی عصر «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» را در خواست نمود. «۱»

سؤال ۱۷۵۰- آیا در جملاتی از قبیل «خالی از اشکال نیست»، «محلّ تأمّل است» و «بعید نیست که چنین باشد» می‌شود به مرجع تقلید دیگری رجوع کرد؟

جواب: در احتیاطات، رجوع به غیر جایز است و همچنین در جمله «خالی از اشکال نیست» و جمله «محلّ تأمّل است» و امّا جمله «بعید نیست» در تعبیرات ما فتواست.

سؤال ۱۷۵۱- آیا «خطبه البیان» روایت صحیحی است؟

جواب: «خطبه البیان» ظاهراً مجعول است و اعتباری ندارد.

سؤال ۱۷۵۲- می‌دانیم خودکشی در اسلام حرام است؛ لکن اگر رزمنده‌ای در حال جنگ و در معرض اسارت دشمن باشد و اطّلاعاتی داشته باشد که اگر لو رود، باعث مرگ عدّه‌ای از رزمندگان شده، بعلاوه ضایعات دیگری نیز به دنبال خواهد داشت، و

این رزمنده می‌داند دشمن او را شکنجه‌های بسیار خواهد نمود تا به آن اطّلاعات

---

(۱). الغدیر، جلد ۲، صفحه ۳۶۱ و منتهی الآمال، باب چهاردهم، فصل ششم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۲

برسد و این شخص تحمّل آن شکنجه‌ها را ندارد؛ آیا می‌تواند قبل از اسارت خودکشی کند؟

جواب: چنانچه مسلّم باشد طاقت شکنجه‌ها را ندارد و اطّلاعاتی می‌دهد که ضایعات بزرگی به بار می‌آورد و موجب مرگ گروهی می‌شود، این عمل نوعی ایثار و فداکاری محسوب می‌شود.

سؤال ۱۷۵۳- در شهر ما، در هر مسجد، یک عَلَم وجود دارد که هر سال در ایّام عزاداری، مخصوصاً در روزهای عاشورا این عَلَم را به حرکت در می‌آورند، هر یک از این عَلَم‌ها هر چند دقیقه یک بار بر شانه فردی می‌نشیند و آن فرد پس از بوسیدن آن عَلَم، به یکی از پارچه‌های آن پول می‌بندد. مردم می‌گویند: «هر کس نذری داشته باشد و عَلَم روی شانه‌اش نشیند و او به عَلَم پول ببندد نذرش قبول می‌شود» افراد زیادی به عَلَم اعتقاد دارند، آنها می‌گویند: «عَلَم به وسیله کسی که آن را در دست دارد حرکت نمی‌کند، بلکه حرکت آن توسّط قدرت الهی است» نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: پرچمهایی که در عزاداری امام حسین (علیه السلام) حمل می‌شود، چون متعلّق به عزاداری آن حضرت می‌باشد محترم است، امّا حاجت را باید از خداوند با شفاعت امام حسین (علیه السلام) خواست، نه از عَلَم.

سؤال ۱۷۵۴- اگر کسی با وجود تحقیق در اصول دین، دلیلی بر اثبات اصول دین پیدا نکند، آیا از عذاب جهنّم دور خواهد ماند و به بهشت خواهد رفت؟ آیا در هر صورت به واسطه احتمال درست بودن اصول دین، باید به واجبات خود عمل کند و از محرّمات دوری نماید؟ در ضمن اگر بخواهد تحقیق کند، از واجباتش، از جمله کسب رزق حلال، بازمی‌ماند.

جواب: واجب است بر انسان نهایت کوشش خود را در تحقیق آیین خدا بنماید؛ هرگاه بعد از کوششهای لازم بجای نرسید، عند الله معذور است؛ منتها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۳

عقل می‌گوید: «احتیاط را در عمل به واجبات و ترک محرّمات، ترک نکند».

سؤال ۱۷۵۵- من دبیر دبیرستان هستم؛ گاهی اتّفاق می‌افتد که در امتحان آخر سال دانش‌آموزی در درس من، برای قبول شدن محتاج یک یا دو نمره می‌شود؛ امّا هنگامی که ورقه او تجدید نظر می‌کنم هیچ جایی برای اضافه کردن نمره به جوابهای او وجود ندارد، مگر این که خودم به جوابهای ورقه او، به میزان نیاز به آن نمره، اضافه، و در واقع به ورقه امتحانی او دست ببریم با توجّه به این که عمر انسان بسیار با ارزش است و بعضاً این دانش‌آموزان از خانواده‌های فقیر می‌باشند و اگر مردود شوند، اثرات منفی در آنها و زندگی آنها ایجاد می‌شود و معلّم تشخیص می‌دهد که اگر این میزان نمره را به او بدهد، نتیجه مثبتی در زندگی و روحیّات او دارد، آیا این کار جایز است؟

جواب: چنانچه این مقدار ارفاق در میان دبیران متعهّد معمول باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۵۶- استفاده شخصی از امکانات مدرسه، صرفاً برای امور تحصیلی، با اجازه مدیر آموزشگاه چه حکمی دارد؟ در صورت ضامن بودن آیا با پرداخت خسارت به بیت المال، رفع ضمان می‌شود؟

جواب: هرگاه مسئول مدرسه، طبق ضوابط اجازه دهد مانعی ندارد و همین اندازه که بگوید طبق ضوابط است کافی می‌باشد.

سؤال ۱۷۵۷- حضرتعالی بارها بر ساده‌زیستی و پرهیز از تجمّل‌گرایی تأکید نموده‌اید؛ ولی حتّی تجمّل‌گرها نیز خود را تجمّل‌گرا نمی‌دانند. وقتی از ایشان علّت را جویا می‌شویم، بحث عرف و شأن را پیش می‌کشند. لطفاً بفرمایید: ملاک اصلی و مشهود اسراف

و تجمّل گرایی چیست؟

جواب: هر گونه هزینه‌ای که زاید بر نیازهای مشروع انسان باشد، نوعی اسراف و تجمّل گرایی است؛ البتّه شئون افراد، مختلف است و برای تشخیص مصداق،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۴

باید به عرف متعهّد و آگاه مراجعه کرد.

سؤال ۱۷۵۸- با توجّه به تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و مسلمین که از جمله می‌خواهند همچون گذشته با لباس مردان، به ویژه جوانان، چادر و روپوش زنان و یا نازک بودن آن لباسها، جامعه را به فساد بکشانند، تولید و مصرف این گونه لباسها چه حکمی دارد؟ و نیز عکسهای برهنه زنهای بی‌حجاب و یا مردان بدنام که بر روی بالشها، روفرشی‌ها، ظروف و پاره‌ای از البسه انداخته می‌شود چه صورت دارد؟ و بطور کلّی حکم آنچه در مسیر ترویج فساد اخلاق جامعه و کمک به تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و مسلمین باشد، چیست؟ و وظیفه مسلمین در قبال آن کدام است؟

جواب: هر کاری که موجب اشاعه و توسعه فرهنگهای فاسد و بیگانه باشد جایز نیست؛ ولی تولید لباسهای نازکی که می‌تواند در منزل مورد استفاده زن در برابر همسرش بوده باشد اشکالی ندارد، و دیگران نباید از آن سوء استفاده کنند.

سؤال ۱۷۵۹- یکی از روحانیون در منطقه گلپایگان مشغول خدمت و ترویج اسلام و احکام فقهی و معارف قرآن و مبانی عقیدتی و تشکیل گروه‌های ورزشی و خدمات فرهنگی، اجتماعی و دینی به مردم آن منطقه و تشویق و ترغیب جوانان به اسلام و شعائر دینی می‌باشد و اقدام به تأسیس یک مرکز دینی و پایگاه اسلامی نموده است، وظیفه قاطبه مسلمانان خصوصاً مردم آن منطقه، نسبت به برنامه‌های آن روحانی خدمتگزار چیست؟

جواب: وظیفه مردم علاقه‌مند به اسلام کمک به برنامه‌های اسلامی است، تا از گمراه شدن نوجوانان و جوانان مسلمان جلوگیری شود و این مسئولیّت تنها بر دوش روحانیون نمی‌باشد.

سؤال ۱۷۶۰- آیا استخاره و تفأل با استفاده از کلام الله مجید برای خود و دیگران جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۵

جواب: استخاره با قرآن اشکالی ندارد ولی بهتر است از تفأل به قرآن خودداری شود.

سؤال ۱۷۶۱- آیا تعبیر و تفسیر خواب، از روی کتب تعبیر خواب، مثل کتاب تعبیر خواب حضرت یوسف، ابن سیرین و دانیال پیامبر و مانند آن، برای خود و دیگران جایز است؟

جواب: اگر به این کتابها نسبت داده شود، مثلا گفته شود: «در فلان کتاب چنین نوشته شده است» و مفسده‌ای هم بر آن مترتّب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۶۲- آیا بیان تأثیر خواصّ داروهای گیاهی، در جهت معالجه امراض، بر اساس روایات و فرمایشات ائمّه (علیهم السلام) و همچنین سایر کتب داروهای گیاهی؛ مانند طبّ الرّضا، طبّ الصّادق (علیهما السلام)، نسخه عطّار و مانند آن، جایز است؟

جواب: در صورتی که بگوید: «در فلان کتاب چنین نوشته شده است» اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۶۳- اگر پدر یا جدّ پدری و یا قیّمی، در رابطه با ظلمی که از طریق فرد کبیری نسبت به صغیر تحت ولایتش شده باشد؛ مثلا با لواط شده و یا او را عمداً کشته باشند، چه با گرفتن پول (دیه) و چه مجّانی، در دادگاه به ظالم رضایت داده باشد، چنانچه بعداً تشخیص دهد که رضایت او به صلاح صغیر نبوده با توجّه به این که می‌گویند: «عدول از رضایت مسموع نیست» آیا پدر و جدّ پدری و یا قیّم این صغیر، می‌تواند به رضایتی که داده معترض و تقاضای کیفر ظالم را بنماید؟

جواب: اگر در زمانی که رضایت داده اشتباه کرده است و بر خلاف مصلحت صغیر اقدام نموده، باید برگردد.

سؤال ۱۷۶۴- هنرپیشگی زن، که در فیلمهای مختلف نقش همسری برای افراد گوناگون را دارد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب فسادی نباشد، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۶

سؤال ۱۷۶۵- حجامت از نظر شرعی چه صورتی دارد؟

جواب: طبق روایات متواتره، مستحب است. مگر برای اشخاصی که حجامت برای آنها ضرری داشته باشد.

سؤال ۱۷۶۶- شرکتها و ادارات معمولا به مناسبتهای مختلف، پوسترها و آگهی‌هایی چاپ می‌کنند، و اسم شرکت خود را در زیر آن می‌آورند. آیا از این پوسترها و مجلّات می‌توان با حذف کردن نام شرکت مربوطه استفاده نمود؟ (مثلا شرکتی به مناسبت سال نو، تقویم سال جدید را چاپ می‌کند و با اسم شرکت خود به بازار می‌فرستد، آیا می‌توان از این تقویم با حذف نام شرکت استفاده کرد)؟

جواب: در صورتی که خریداری کنید، اختیار آن به دست شماست؛ اما اگر هدیه کنند، تغییر نام آن اشکال دارد.

سؤال ۱۷۶۷- کشیدن سیگار برای افراد مبتدی، و استمرار آن برای افراد معتاد، اعمّ از این که ترک آن به آسانی ممکن باشد یا نباشد، چه حکمی دارد؟

جواب: کشیدن سیگار و انواع دخانیّات، حرام است و با توجّه به این که ترک آن برای همه معتادان ممکن است، حالت اضطرار معمولا در آن تصوّر نمی‌شود؛ مگر به دستور خاص طبیب آگاه، و فرقی بین افراد مبتدی و معتاد نیست.

سؤال ۱۷۶۸- مدرسه‌ای در قم (البتّه بعنوان خوابگاه طلبه‌ها) وجود دارد که، طلبه‌های آن مدرسه در کنار درسهای حوزوی، به سایر دروس هم مشغولند، مثلا دروس دبیرستان و یا دانشگاه می‌خوانند، در حالی که مسئول آن مدرسه در ابتدای ورود هر طلبه، با او در مورد این که در وقف‌نامه ذکر شده که: «طلبه‌ها نباید به درسی غیر از دروس حوزه اشتغال داشته باشند»، صحبت می‌کند و به ظاهر خود مسئول مدرسه با این کار طلبه‌ها مخالف نیست و برای رفع مسئولیّت شرعی وقف‌نامه را می‌خواند، حالا این سؤال پیش می‌آید که کار طلبه‌های این مدرسه چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۷

جواب: رعایت شرایط وقف‌نامه واجب است و بدون آن، ماندن طلّاب در آن مدرسه، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۶۹- خواهری مسألهٔ خود را چنین بیان می‌کند: - در مصرف آب کاملًا زیاده روی می‌کنم و هر کاری می‌کنم، نمی‌توانم جلوی این اسراف را بگیرم-. مرتّب با همسرم در این مورد بحث دارم، او می‌گوید گذشته از این که کار حرامی می‌کنید و موجب ضمان می‌گردید، من که همسر شما هستم، راضی به این عمل تو نیستم، اگر همسرم راضی نباشد، آیا در وضو و نمازم اشکالی ایجاد می‌شود و دوّم این که آیا کارم حرام و موجب ضمان می‌گردد؟ فتوای حضرتعالی موجب می‌شود نجات پیدا کنم.

جواب: سعی کنید به مقدار متعارف آب مصرف کنید. اگر بیش از آن باشد و همسرتان راضی نباشد حرام و موجب ضمان است و اگر شیطان وسوسه کند که فلان مقدار آب کافی نیست، اعتنا نکنید و اعمالتان اشکالی نخواهد داشت و ما مسئولیّت آن را به عهده می‌گیریم و به فرض که همسرتان هم راضی باشد، اسراف در آب وضو و غسل، جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۰- مالیات چیست؟ و به چه جهت از مردم گرفته می‌شود؟ و آیا کفایت از خمس می‌کند؟

جواب: مالیات جهت هزینه تأمین امنیّت و حفظ کشور از داخل و خارج است تا مردم، کشور، ناموس و اموالشان در امنیّت کامل باشند و همچنین برای کشیدن جادّه‌ها، ساختن مدارس و بیمارستانها و سایر نیازهای اجتماع می‌باشد و همان گونه که در سابق گفته شد، مالیات را نمی‌توان به جای خمس محسوب داشت، بلکه مانند سایر هزینه‌های کسب و کار است.

سؤال ۱۷۷۱- شخصی انگشتری که غصبی بوده به کسی هدیه داده است و مدّتهاست که آن انگشتر دائماً در دست شخص اهدا

شده می‌باشد، اکنون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۸

اهداکننده از این کار پشیمان است، ولی قدرت در آوردن انگشتر از دست آن شخص را ندارد، اگر صاحب انگشتر را بشناسد، آیا لازم است که پول را به خود او بدهد؟ اگر از لحاظ اجتماعی و ترس از آبرو نتواند این کار را بکند، آیا می‌تواند پول آن را به فقیر برساند؟

جواب: چنانچه صاحب انگشتر را بشناسد، و بتواند رضایت او را با دادن مبلغی فراهم کند، مشکلی ندارد، و اگر راضی نمی‌شود، به بهانه‌ای می‌تواند انگشتر را از او بگیرد، مثلاـ انگشتر خوبی معادل آن، یا بهتر از آن بخرد و نزد آن شخص ببرد و به او بدهد و انگشتر را بگیرد، و اگر صاحب آن به هیچ وجه پیدا نمی‌شود، کافی است قیمت آن را به مستحقّی بدهد.

سؤال ۱۷۷۲- شخص محترمی است که برای مستحقّین و بی‌بضاعتها بضاعتها (که آبرومند هستند) کمکهایی جمع‌آوری می‌کند و به آنها می‌رساند، افراد یا جاهایی که به واسطه این شخص کمک شده‌اند، چون فکر می‌کنند کمکها فقط از ناحیه او می‌باشد، برای او هدایایی می‌فرستند؛ شخص خیّر می‌گوید: «چون من در پرداخت آن مبالغ سهمی ندارم و فقط آن را رسانده‌ام، آیا مجاز هستم که هدایای آن را مصرف کنم؟ چنانچه مجاز نیستم، آیا باید آن هدایا را به پرداخت کنندگان آن برسانم و یا همین هدایا را هم می‌توانم صرف امور خیریّه بنمایم؟»

جواب: صداقت از هر کاری بهتر است. واسطه این کار خیر باید واقعیّت را به مردم بگوید؛ چنانچه بعد از آن هدیه‌ای به او دادند بی‌اشکال است و نسبت به هدیه‌های گذشته نیز همین گونه عمل کند.

سؤال ۱۷۷۳- فردی دارای ملک موروثی می‌باشد؛ از میان این ملک آب گرم خدادادی جریان داشته و دارد، فرد مورد نظر آب گرم را بصورت استخر در آورده و از استحمام کنندگان پول می‌گیرد و از بقیّه آب در مزرعه خود استفاده می‌برد.

لطفاً بیان فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۹

الف) آیا مالک زمین، مالک آب گرم هم هست؟

ب) آیا کسی می‌تواند بدون پرداخت قیمت زمین و آب گرم، آنها را مصادره کند و حوضهای نامبرده را تبدیل به احسن کرده و خود مالک شود؟

ج) آیا غسل و استحمام سایر اشخاص مؤمنین از همان حمام احداثی، در ملک مصادره‌ای، صحیح است؟ با توجّه به این که صاحب ملک می‌گوید: من راضی نیستم کسی در آن استخرها استحمام کند.

جواب: الف) مالک زمین مالک آب گرم است.

ب) کسی نمی‌تواند بدون رضایت صاحب زمین آن را از ملکیّت او به در آورد.

ج) غسل و استحمام بدون رضایت مالک آن زمین جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۴- عدّه‌ای از جوانان- از نظر علمی نیز در حدّ بالایی هستند- به طرز خاصّی لباس می‌پوشند و بیش از اندازه محاسن می‌گذارند، داشتن محاسن به حدّی که مایه تمسخر شود، چه حکمی دارد؟

جواب: از پوشیدن لباس، یا گذاردن محاسن بیش از اندازه که موجب تمسخر و توهین به شخص باشد باید اجتناب کرد و شخص مؤمن همیشه باید عزّت خود را حفظ کند.

سؤال ۱۷۷۵- رانندگی موتور برای کسی که مهارت دارد، ولی گواهینامه ندارد، چه حکمی دارد؟ در مورد ضرورت چطور؟

جواب: مراعات مقرّرات راهنمایی حکومت اسلامی، لازم است.

سؤال ۱۷۷۶- آیا ادعیّه و زیارات مفاتیح الجنان را می‌توان به قصد استحباب خواند؟

جواب: به قصد زیارت مطلقه مانعی ندارد، و بهتر است به قصد رجا خوانده شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۰

سؤال ۱۷۷۷- آیا ادعیّه و زیارات زیر نیز مستحب هستند؟

ندبه، کمیل، توسّل، دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه، مناجات خمس عشره، زیارت جامعه کبیره و صغیره، امین الله و عاشورا.

جواب: این دعاها و زیارات مشهور است و اگر به قصد دعا و زیارت مطلق انجام شود، هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۷۸- به موجب برخی از مقرّرات جاری، در طول خدمت افراد شاغل در دستگاههای دولتی و غیر دولتی، وجوهی از حقوق دریافتی افراد کسر و به همراه مبالغی که توسّط دستگاه به کارگیرنده افراد، به آن افزوده می‌شود، به صندوق خاصّی واریز و اندوخته می‌شود، تا این صندوقها پس از بازنشستگی یا فوت مستخدم، مبالغی را به عنوان حقوق بازنشستگی و یا مستمری به خود فرد و یا عائله تحت تکفّل او، با سنین و شرایط معیّنی بپردازد. با توجّه به قوانین جاری پس از فوت مستخدم، وجوه مستمری صرفاً به عائله تحت تکفّل حین الفوت متوفّی و بر اساس موازینی غیر از موازین پیش بین شده در احکام مربوط به ارث پرداخت می‌شود و سایر ورثه که تحت تکفّل متوفّی نبوده‌اند از دریافت آن محروم می‌باشند؛ با عنایات به مراتب فوق، آیا وجوه مزبور که بصورت ماهیانه برای مدّتی نامعیّن پرداخت می‌گردد، جزء ما ترک متوفّی محسوب می‌گردد یا خیر؟

جواب: جزء ترکه نیست و باید طبق ضوابط بازنشستگی عمل شود.

سؤال ۱۷۷۹- در قراردادهایی که امروزه به اصطلاح «بیمه عمر» نامیده می‌شود، بیمه‌گر با بیمه‌گذار قراردادی را منعقد می‌سازد و طیّ آن تعهّد می‌کند در قبال مبلغی که ماهیانه دریافت می‌کند در زمان انقضای مدّت، مبلغ معیّنی را به بیمه‌گذار بدهد و هرگاه در اثنای مدّت قرار داد بیمه‌گذار فوت کند، بلافاصله تمامی آن مبلغ را به فرد یا افرادی که نام آنها در قرار داد (به عنوان منتفع) ذکر گردیده- که ممکن است یکی از ورّاث یا غیر از ورثه باشد- بپردازد با عنایت به فرض مذکور بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۱

الف) آیا اساساً انعقاد چنین عقدی صحیح است؟

جواب: عقد بیمه عقد صحیحی است، البتّه باید شرایط کلّی عقد، مانند عقل و بلوغ و اختیار و روشن بودن امور مربوط به قرارداد، در آن رعایت شود و باید طبق آن عمل شود.

ب) آیا وجه پرداختی بیمه به منتفع، بعنوان ما ترک متوفّی محسوب می‌شود؟

جواب: وجه مزبور جنبه ارث ندارد و باید طبق ضوابط بیمه، عمل شود.

سؤال ۱۷۸۰- معلّمین مدارس ابتدایی و راهنمایی گاهی از اوقات مجبور می‌شوند، جهت نظم کلاس و یادگیری بیشتر بچّه‌ها، آنها را تنبیه کنند، البتّه لازم به ذکر است که با حفظ مراتب تنبیه، یعنی تذکّر، نگاه تند، تهدید به دادن نمره کم و امثال ذلک می‌باشد و در نهایت مجبور به زدن آنها می‌شوند که این زدن ممکن است در دست یا بدن آنها سرخی و کبودی ایجاد کند، سؤال این است که آیا حرمت یا ضمانتی در کار است؟ برای مزید اطّلاع عرض می‌کنم که اگر زدن نباشد، نه معلّم می‌تواند مطلب درسی را خوب بیان کند و نه محصّل می‌تواند از درس بهره‌ای ببرد، چون با مشاهده عدم تنبیه از ناحیه معلّم، کلاس را بر سر معلّم ویران می‌کنند، مضافاً به این که مزاحمت آنها ممکن است به محیط مدرسه و کلاسهای دیگر نیز سرایت بکند؟

جواب: همان گونه که قبلا نیز گفته‌ایم، باید حتّی الامکان از تنبیه بدنی صرف نظر کرد و در صورت ضرورت باید با اجازه خاصّ یا عامّ ولیّ کودک باشد و کاری که سبب دیه شود انجام ندهند و با توجّه به آثار منفی تنبیه بدنی، تا ممکن است باید از آن پرهیز

کرد.

سؤال ۱۷۸۱- از آنجا که اکثر مردم در کارهای خود به قرآن کریم استخاره می کنند، یا به آن فال می‌زنند آیا این استخاره حجیّت دارد؟ در صورت شکستن آن به چه اثرات ظاهری و باطنی بر آن مترتّب می‌شود؟ استخاره در چه مواردی شرعاً وارد شده است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۲

جواب: استخاره مربوط به موارد تحیّر است که با مشورت و غیر آن مشکل حل نشود و بعد از استخاره، مخالفت با آن صلاح نیست، هر چند حرام نمی‌باشد و مسأله استخاره در روایات متعدّدی وارد شده است.

سؤال ۱۷۸۲- شرکت سهامی مخابرات یکی از استانهای کشور، در یک اقدام غیر منتظره، تعدادی تلفن موبایل، به رؤسای ادارات و مراکز به صورت خارج از نوبت و با نرخ دولتی، ۶۲۰ هزار تومان، واگذار نمود، طی مدّت یک هفته برخی از افراد فوق با فروش تلفنهای مذکور به مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار تومان سودی معادل یک میلیون و یک صد هزار تومان، نصیب خویش نمودند. اقدام فوق باعث بدبینی و یأس فراوان در بین مردم، خصوصاً افراد حزب اللّهی و دلسوز انقلاب گردید، حال با توجّه به سود باد آورده یک شبه از بیت المال و دادن امتیاز خاص به افراد خاص و همچنین با توجّه به این که سال گذشته نیز به تعداد کثیری از افراد مذکور، خودروی دولتی تعلّق گرفت که اختلاف فروش در بازار با قیمت جدید یک میلیون تومان به بالا بود، متمنّی است نظر مبارک را درباره این گونه امتیازات، که از بودجه بیت المال داده می‌شود و نیز معاملات مذکور، مرقوم فرمایید؟

جواب: هر گونه تصرّف در اموال بیت المال، باید طبق مصالح امّت اسلامی و با در نظر گرفتن حق و عدالت باشد و اگر از موازین فوق تخلّف شود، جایز نیست.

سؤال ۱۷۸۳- با توجّه به این که خداوند در سوره «شمس» یازده قسم برای تزکیه نفس خورده است، آیا تزکیه و تهذیب نفس را واجب می‌دانید.

جواب: مراحلی از تزکیه نفس، به یقین جزء واجبات است و مراتبی جزء کمالات و مستحبّات. شرح بیشتر آن را می‌توانید در کتب اخلاقی مطالعه کنید.

سؤال ۱۷۸۴- آیا دولت اسلامی می‌تواند به علّت مصالحی مهم، صحّت بعضی از عقود یا ایقاعات (مثل ازدواج یا طلاق) را منوط به ثبت در دفاتر رسمی کشور، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۳

منوط به گذراندن مراحل خاصّی کند؟

جواب: صحّت عقود منوط به ثبت در دفتر نیست؛ ولی می‌توان بخاطر مصالحی برای متخلّفان مجازاتهایی قائل شد.

سؤال ۱۷۸۵- در مجموعه‌های سازمانی که غذا بطور دسته جمعی تقسیم و صرف می‌شود، غذا زیاد اسراف می‌شود، بطوری که بعضی حدود یک سوّم غذایی را که کاملا قابل خوردن است دور می‌ریزند؛ آیا به نظر حضرتعالی جایز است کسانی که غذایشان اضافه می‌ماند، بیشتر از حدّ خوراکشان از مقسّم، غذا دریافت نمایند؟

جواب: چنانچه ممکن باشد که زیادی را به دیگری واگذار کند و دور ریخته نشود، مانعی ندارد که زیادتر بگیرد، و الّا اسراف است و حرام می‌باشد.

سؤال ۱۷۸۶- الف) آیا موضوع حقّ ارتفاق، آنچنان که در قانون مدنی به عنوان مبحثی مستقل، مورد بحث قرار گرفته، در فقه اسلامی نیز عنوان مستقلی دارد؟

ب) حقوقدانان ایرانی در تألیفات خود گفته‌اند که «تدوین کنندگان قانون مدنی، موادّ مربوط به حقّ ارتفاق را، عمدتاً از قانون مدنی فرانسه اقتباس کرده‌اند» آیا فقه امامیّه به عنوان یک منبع، جهت استفاده قانون مدنی، کافی نبوده است؟

جواب: الف) حقّ ارتفاق که در قانون مدنی آمده، به این عنوان در فقه اسلامی مطرح نیست، ولی محتوا و نتیجه آن می‌تواند داخل در عمومات و اطلاقات ادلّه عقود و شروط باشد و از روایات خاصّی، مانند حدیث معروف سمرهٔ بن جندب، در باب لا ضرر نیز استفاده می‌شود که اسلام آن را به رسمیّت شمرده است؛ زیرا «سمره» مالک نخلی در زمین دیگری بود و حقّ عبور از زمین مرد انصاری برای رسیدگی به درخت خود داشت، ولی چون می‌خواست از آن حق، سوء استفاده کند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مانع از آن شد.

ب) همان طور که در بالا آمد، اصل این حق در ادلّه عامّه و خاصّه اسلامی وارد شده است، ولی نه به این نام و نه به این عنوان. ممکن است تدوین کنندگان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۴

قانون مدنی، نام را از جای دیگری گرفته باشند و محتوا را از ادلّه اسلامی.

سؤال ۱۷۸۷- به نظر جنابعالی «حدّ اقل» صله رحم و قطع رحم، چه مقدار است؟

جواب: حدّ اقل صله رحم آن است که در عرف گفته شود: «فلان کس با خویشاوندانش ارتباط دارد» و اگر طوری رفتار کند که بگویند: «قطع رابطه کرده» قطع رحم محسوب می‌شود و بستگان در این رابطه با هم متفاوتند.

سؤال ۱۷۸۸- آیا پرداخت وجه، یا دادن کالای رایگان از طرف شرکتها یا اشخاص، تحت عنوان عیدی یا هدیه و احیاناً کمک به کارکنان بانکها و سازمانهای دولتی مرتبط با آنها، که خود حقوق ماهیانه از مؤسّسه متبوع دریافت می‌دارند و علاوه بر آن، از مؤسّسه متبوع خود عیدی و پاداش دریافت می‌کنند، با توجّه به این که جزء هزینه‌های اعطاکننده به حساب آمده و نهایتاً بر افزایش قیمت مصرف‌کننده کالا یا خدمات اثر دارد، حلال است یا حرام؟ حکم گرفتن چنین هدایایی را نیز در فرض مذکور، بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه گیرنده هدیه، حقّی را باطل و باطلی را حق نکند، و حتّی نوبت دیگران را ضایع ننماید اشکالی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که از این گونه امور که معارض وسوسه‌های شیطانی است، اجتناب شود؛ زیرا شیطان غالباً از راههای ظاهراً مشروع وارد می‌شود، تا انسان را به گناه آلوده کند.

سؤال ۱۷۸۹- آیا این مطلب صحیح است که:

«در عصر حضور ائمّه معصومین (علیهم السلام) شیعه به هیچ وجه نیازمند اجتهاد نبوده، لذا هیچ نیازی به علم اصول نداشته است، و بنابراین علم اصول را اهل سنّت بوجود آورده‌اند و شیعه در عصر غیبت امام زمان- عجّل الله تعالی فرج الشریف- که به اجتهاد روی آورد، علم اصول را از آنان گرفت، پس اهل سنّت در زمینه علم اصول، هم در تأسیس و هم در تألیف و تدوین پیشتاز بوده‌اند»؟

جواب: قسمت مهمّی از علم اصول از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمّه معصومین (علیهم السلام) به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۵

ما رسیده است؛ مانند اصل برائت، احتیاط، استصحاب، ابواب تعادل و تراجیح، عامّ و خاص، مطلق و مقیّد و غیر آن، و اصحاب خود را نسبت به این مسائل آشنا فرمودند و بسیاری از علمای شیعه نیز در این راه پیشگام بوده‌اند، برای اطّلاع بیشتر می‌توانید به کتاب «تأسیس الشیعهٔ لعلوم الاسلام» نوشته مرحوم سیّد حسن صدر مراجعه فرمایید؛ الآن هم علمای شیعه در علم اصول، بسیار مبرّزتر از دیگرانند.

سؤال ۱۷۹۰- در برخی از منازل و معابر عمومی و فیلمهای موجود، تمثال و عکسهای منسوب به ائمّه معصومین (علیهم السلام) دید ناظر را به خویش جلب می‌کند، تا جایی که در پاره‌ای از برنامه‌های تلویزیونی و گاهاً نمایشی، قسمتهایی از اندام نورانی آن معصومین همام به تصویر کشیده می‌شود؛ از سوی دیگر در بعضی از محافل که جایگاه مذهبی و حوزوی دارد، نشان دادن صورت مبارک ائمّه اطهار در فیلمها بلامانع بیان می‌گردد. البتّه تا حال بطور کامل در فیلمها مشاهده نشده، ولی بیم آن می‌رود که این کار

انجام شود، با توجّه به ذکر این موضوع که در ایّام پربرکت آن بزرگواران معصوم، وسایل عکسبرداری امروزی مرسوم و رایج نبوده و ایشان مقرّب درگاه الهی‌اند، نظر مبارک در این مورد چه می‌باشد؟

جواب: اگر این عکسها را بطور قطع به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یا ائمّه (علیهم السلام) نسبت بدهند جایز نیست، ولی بصورت احتمال اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که عکس مناسبی باشد و در مورد فیلمها رعایت احترام آن بزرگواران ایجاب می‌کند، که چهره مبارک آنها را بطور واضح و آشکار نشان ندهند، ولی حضورشان در صحنه‌ها حفظ کنند.

سؤال ۱۷۹۱- با توجّه به ضرورت گسترش و تقویت بسیج، در امر پاسداری از آرمانهای انقلاب اسلامی و تشکیل بسیج مساجد:

الف) آیا نیروهای بسیج می‌توانند در مساجدی که زمین یا ساختمان و امکانات آنها وقفی است، مستقر شوند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۶

ب) استفاده از امکانات چنین مساجدی (مانند آب و برق)، ... برای بسیج چگونه است؟

جواب: الف) در صورتی که مزاحمتی برای نمازگزاران و سایر امور مسجد ایجاد نشود، مانعی ندارد.

ب) احتیاط آن است که سهم خود را نسبت به آب و برق و ... بپردازند؛ مگر این که بانیان این گونه امور از آغاز وقف را توسعه داده باشند.

سؤال ۱۷۹۲- برای استخدام به یکی از ادارات مراجعه کردم، در جواب گفتند: «فقط به شرطی استخدام رسمی می‌شوید که ایثارگر باشید (جانباز- آزاده- خانواده شهید)» من دو سال خدمت سربازی را در جبهه گذرانده بودم و در یک بمباران، در منطقه به بیمارستان انتقال یافتم و پرونده‌ای نیز در بیمارستان تشکیل شد ولی (واقعیّت) کوچکترین جراحتی برنداشته بودم، بعد با توجّه به آن پرونده توانستم به ناحق ۱۵ درصد جانبازی بگیرم و به واسطه همان گواهی جانبازی در اداره مذکور استخدام شوم طبیعتاً جانباز بودن مزایای حقوقی بیشتری نسبت به افراد غیر جانباز دارد به همین جهت، مبالغی هم به ناحق دریافت کردم، اینک پس از گذشت سه سال از کار خود نادم و پشیمان هستم و مدّتی است که عذاب وجدان رهایم نمی‌کند، از طرفی شرم دارم که موضوع را با ریاست محلّ کار و همکاران در میان بگذارم؛ چون ممکن است پس از اطّلاع، مرا از استخدام رسمی به قراردادی تبدیل کنند، که آن هم کار خیلی مشکلی است و به آسانی صورت نمی‌گیرد و اگر هم این کار صورت بگیرد، از لحاظ اجتماعی ضربه بزرگی می‌خورم. با توجّه به مطالبی که به عرض رساندم خواهشمندم بنده را راهنمایی فرموده تا نزد خداوند متعال و مردم، مسئول نباشم.

جواب: برای حلّ این مشکل شرعی، چاره‌ای نیست جز این صادقانه به استناد پاسخ ما، با مسئول مربوط تماس گرفته و وضع خود را در میان بگذارید و از او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۷

خواهش کنید به شما کمک کند و راه حلّی در نظر بگیرد.

سؤال ۱۷۹۳- آیا یکی بودن چاه آشپزخانه با حمّام، در صورت تنگ بودن حیاط، یا مطلقاً، از نظر شرعی اشکالی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی بهتر جدا کردن این دو چاه است.

سؤال ۱۷۹۴- بنده از کسانی هستم که مایلم شعائر اسلامی در تمام سطوح زندگی زنده باشد؛ بنابراین یکی از علاقه‌مندان به طرح تعویض مسکوکات نیکلی و طلا و اسکناسهای رایج داخلی و تبدیل آن به شکل طراحی اسلامی هستم، آیا می‌توان مثلا کلمه «الله» یا «محمّد» یا «بسم الله الرّحمن الرّحیم» را روی مسکوکات و اسکناسهای رایج ترسیم کرد؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی بر مردم لازم است که احترام آن را حفظ کنند.

سؤال ۱۷۹۵- در بعضی از نهادها و ارگانها مانند سپاه، ممکن است پادگانها و مراکزی وجود داشته باشد که در آن برای برخی از سمتها و پستها، عملا کار چندانی وجود نداشته باشد، و فقط به خاطر مسئولیّت حقوق می‌گیرند، و یا این که در هفته دو روز کار

مفیـد وجود دارد و یـا مثلاـ در طول روز در ساعـات اداری کـار محوله را می‌توان ظرف دو ساعت انجام داد ولی آن را با طمأنینه و معطّلی انجام می‌دهند، چون کار چندانی هم ندارند.

به نظر حضرتعالی، کسی که اکثر اوقات بی‌کار است و نیز برای تشکیلات مثمر ثمر نیست، آیا حلال است که حقوق خود را تمام و کمال دریافت نمایـد و از همه امکانات موجود کمال استـفاده را ببرد؟ یا این که به بیت المال مسـلمین مدیون است و باید در حدّ و انـدازه‌ای که کار می‌کنـد حقوق بگیرد؟ و همچنین حکم کلیّه ادارات، ارگانها و نهادهای دیگر کشور جمهوری اسـلامی ایران، که چنین وضعیّتی دارند را بیان فرمایید؟

جواب: این گونه مسائل باید به وسیله کارشناسان مورد وثوق پیگیری شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۸

چنانچه ثابت شود بعضـی از پسـتها ضرورتی ندارد، آن را باید حذف کنند و مادام که چنین کاری انجام نشده و مسئولین مربوط؛ از وضع شما و امثال شما آگاهند، شما مسئولیّتی در برابر حقوقی که می گیرید ندارید.

سؤال ۱۷۹۶- منظور از دروغ به عنوان یکی از گناهـان کبیره چیست؟ آیـا هنگـامی که انسان، نسبت به درست بودن مطلبی احتمال زیاد می‌دهـد، یا احتمال بیش از ۵۰ درصـد می‌دهد می‌تواند آن را بیان کند؟ (به خصوص در مواردی که از سوی شـنونده، احتمال خطـای گوینـده در نظر گرفته شـده است، مثلاـ هنگامی که اسـتاد از شاگرد مطلبی را می‌پرسـد و شاگرد احتمال زیاد یا بیش از ۵۰ درصد به درستی جوابش می‌دهد، آیا می‌تواند آن را با صراحت بیان کند)؟

جواب: انسـان تـا یقین نداشته باشـد، نبایـد چیزی را به صورت قطعی بیـان کنـد؛ بلکه بایـد به عنوان احتمال بیان کنـد، مگر این که قرائنی وجود داشته باشـد که آن بیـان در واقع جنبه احتمـالی دارد و در موارد امتحـان انسـان می‌توانـد جوابی را که احتمال قوی به صحیح بودنش می‌دهد، بنویسد.

سؤال ۱۷۹۷- آیا علاقه به انجام گناه از سوی خود یا دیگری، بدون انجام آن، به تنهایی گناه است؟

جواب: نیّت گناه، گناه محسوب نمی‌شود، ولی بهتر است کاری کند که این حالت ترک شود.

سؤال ۱۷۹۸- آیا در زمان غیبت کبری می‌توان به خدمت حضرت ولی عصر (روحی فداه) رسید؟

جواب: جمعی از بزرگان که شایستگی و سعادت آن را داشته‌اند به خدمت آن حضرت رسیده‌اند، ولی کسی نمی‌تواند پیامی از آن حضرت، برای دیگران نقل کند.

سؤال ۱۷۹۹- تعدادی از مسلمانان که به علّت تحصیل و امثال آن، در کشورهای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۹

غیر اسـلامی زنـدگی می کننـد، احیانـاً برای اشـتغال و امرار معـاش، مجبور به کار در فروشـگاهها و رسـتورانهایی می‌شونـد که موادّ غـذایی غیر اسـلامی، از قبیل مشـروبات الکلی، گوشت ذبح غیر اسـلامی و امثال آن دارند، با توجّه به این نکته که مشتریان این نوع مراکز را غیر مسـلمانان تشـکیل می‌دهنـد و اگر مسـلمانی مراجعه داشـته باشـد، بـه قسـمتهای گفتـه شـده مراجعـه نـدارد. یـا این که فروشندگان مسلمان، فروشنده مباشر موادّ غذایی نیستند، بلکه در قسمت مالی یا قسمتهای دیگر این اماکن اشتغال دارند؛ حکم چنین اشتغالی در کشورهای غیر مسلمان، که مشروبات الکلی، ذبایح غیر شرعی و یا گوشتهای حرام را جایز می‌دانند چیست؟

جواب: اشـتغال در این گونه فروشگاهها در صورت ضرورت اشکالی ندارد؛ ولی در هر حال باید به دقّت مراقب باشند که خودشان و سـایر برادران و خواهران مسـلمان آلوده نشونـد، و چه بهـتر که مسـلمانان دست به دست هم دهنـد و مؤسّـساتی بوجود آورنـد که بتوانند موازین اسلامی را در همه چیز رعایت کنند.

سؤال ۱۸۰۰- در بعضـی از شـهرها مرسوم است که وقتی شخصـی از زیارت اماکن مقـدّسه (ماننـد مکّه معظّمه، مـدینه منوّره و)...

بازمی گردد، دستکشی به دست می کند تا زنان نامحرم نیز، بتوانند به عنوان تبرّک دست او را ببوسند، این کار چه حکمی دارد؟
جواب: شرعاً حرام نیست، ولی از نظر شرع کار خوبی نمی‌باشد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۱

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشّأن...

اشاره

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشّأن
حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی «دام ظلّه»

۱- آغاز پربرکت

حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضایل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظّم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

۲- حیات علمی

با این که هیچ یک از افراد خانواده معظّم له در کسوت روحانیّت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طیّ حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظّم له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا بابا خان شیراز» آغاز کرد و در مدّت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجّه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر نبوغ فوق‌العاده‌ای که داشت، مجموع دروس مقدّماتی و سطح متوسّط و عالی را در مدّتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلّاب حوزه علمیّه شیراز را نیز با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت، و گاه در یک روز- علاوه بر درسهایی که خود می‌خواند- هشت جلسه تدریس داشت!
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۲
ایشان در ۱۸ سالگی از شیراز وارد حوزه علمیّه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیهٔ اللّه العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان اللّه علیهم بهره گرفتند.

۳- هجرت در جوانی

معظّم له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ ه- ق وارد حوزه علمیّه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم، خویی، سید عبد الهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر- قدّس اللّه اسرارهم- شرکت جستند.

۴- رسم دیرینه حوزه

معظّم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

۵- رجعتی پس از هجرت

معظّم له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بـازگشت و در شـهر مقـدّس قم که آن روز مشـتاق رجال علمی بود مأوا گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آورند وارد شد.

۶- حوزه‌ای دیگر، درسی دیگر

حضـرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شـیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۵ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد اسـتقبال طلّاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهمّ فقهی را تدریس کرده و به رشـته تحریر درآورده‌اند. در حال حاضـر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیّت‌ترین دروس حوزه‌های علمیّه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلّاب و فضـلای عالیقـدر از محضـر ایشان اسـتفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشـته‌های مختلف عقایـد و معارف اسـلامی و مسأله ولایت و سـپس تفسـیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلّفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۵۳

۷- حیات سیاسی

معظّم له در انقلاب اسـلامی حضور فعّال داشـتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شـهر «چابهار»، «مهاباد» و «انارک» تبعید شدند، در تدوین قانون اساسی در خبرگان اوّل نیز نقش مؤثّری داشتند.

۸- خدمات ارزنده معظّم له

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزه علمیّه قم نیازمند یک نشـریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید.

معظّم له با همکاری جمعی از دانشـمندان برای انتشار نشـریّه ماهانه «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزه علمیّه قم تأسیس شده بود، همکـاری نمود. این نشـریّه در جهان شـیعه بی‌سابقه بود و شایـد از نظر وسـعت انتشار- در میان مجلّات علمی و دینی- در تمام جهان اسلام، جزء درجه اوّلها بود.

۹- مجموعه تألیفات و آثار

از معظّم له حدود یکصد و سی و دو جلد کتاب منتشر شده که بعضی از آنها بیش از سی بار تجدید چاپ گردیده است و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است که به اسامی آنها اشاره می‌شود:

۱- ترجمه شیوا و روان قرآن مجید

۲- تا ۲۸ تفسیر نمونه (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی و ترکی)

۲۹- تا ۳۸ تفسیر موضوعی پیام قرآن (عربی و فارسی)

۳۹ و ۴۰- ترجمه تفسیر المیزان

۴۱ و ۴۲ و ۴۳- اخلاق در قرآن

۴۴- فیلسوف‌نماها

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۵۵۳

۴۵- مدیریت و فرماندهی در اسلام

۴۶- زهرا، برترین بانوی جهان

۴۷- زندگی در پرتو اخلاق

۴۸- جلوه حق

۴۹- عود ارواح و ارتباط با ارواح

۵۰- پرسشها و پاسخهای مذهبی

۵۱- خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

۵۲- انگیزه گرایش به مذاهب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۴

۵۳- خدا را چگونه بشناسیم؟

۵۴- آفریدگار جهان

۵۵- رهبران بزرگ و مسئولیّتهای بزرگتر

۵۶- قرآن و آخرین پیامبر

۵۷- معاد و جهان پس از مرگ

۵۸- عقیده یک مسلمان

۵۹- مهدی انقلابی بزرگ

۶۰- ارزشهای فراموش شده

۶۱- پایان عمر مارکسیسم

۶۲- آخرین فرضیه‌های تکامل

۶۳- آیین ما (ترجمه اصل الشّیعه)

۶۴- پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان (فارسی، عربی، انگلیسی، چینی و فرانسه)

۶۵- سرگرمیهای خطرناک

۶۶- نماز مکتب عالی تربیت

۶۷- معراج، شقّ القمر، نماز در قطبین

۶۸- معمّای هستی

۶۹- فلسفه شهادت

۷۰- اسرار عقب‌ماندگی شرق

۷۱- چهره اسلام در یک بررسی کوتاه

۷۲- در جستجوی خدا

۷۳- مشکلات جنسی جوانان

۷۴- آنچه از اسلام باید بدانیم (اسلام در یک نگاه)

۷۵- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم

۷۶- قرآن و حدیث

۷۷- تقلید یا تحقیق

۷۸- خمس پشتوانه استقلال بیت المال

۷۹- مسأله انتظار

۸۰- تفسیر به رأی

۸۱- تقیّه سپری برای مبارزه عمیقتر

۸۲- این مسائل برای همه جوانان مطرح است

۸۳- اسلام و آزادی بردگان

۸۴- یکصد و پنجاه درس زندگی (فارسی و انگلیسی)

۸۵- شیوه همسرداری در خانواده نمونه

۸۶- طرح حکومت اسلامی

۸۷- رساله مقدمه وحی یا...

۸۸- التقاط و التقاطیها

۸۹- مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام)

۹۰ و ۹۱- اخلاق اسلامی در نهج البلاغه

۹۲- رساله توضیح المسائل (فارسی، عربی، اردو، ترکی، انگلیسی، چینی)

۹۳- رساله احکام جوانان

۹۴- رساله احکام بانوان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۵۵

۹۵- مناسک حج (فارسی- عربی)

۹۶ و ۹۷- استفتائات جدید (فارسی و عربی)

۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰- انوار هدایت

۱۰۱- تعلیقات علی عروة الوثقی

۱۰۲ و ۱۰۳- القواعد الفقهیّه

۱۰۴- انوار الفقاهه (کتاب التّجارة- مکاسب محرمه)

۱۰۵- انوار الفقاهه (کتاب البیع- ولایت فقیه و حکومت اسلامی)

۱۰۶- انوار الفقاهه (کتاب الخمس و الانفال)

۱۰۷- انوار الفقاهه (کتاب الحدود و التّعزیرات)

۱۰۸- أنوار الفقاهة (کتاب النکاح ج ۱)

۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱- انوار الاصول (مشتمل بر تقریرات درس خارج اصول

۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴- پیام امام (علیه السلام) (شرح نهج البلاغه) (عربی)

۱۱۵- ربا و بانکداری اسلامی (فارسی و عربی)

۱۱۶- بررسی طُرُق فرار از ربا

۱۱۷- مثالهای زیبای قرآن (فارسی و عربی)

۱۱۸- یادآوری‌های ماندگار

۱۱۹- جامعه سالم در پرتو اخلاق

۱۲۰- بحوثٌ فقهیّه هامّهٔ (مسائل مهمّ فقهی به زبان عربی)

۱۲۱- حکم الأضحیه

۱۲۲- عمره مفرده

۱۲۳- حج بانوان

۱۲۴- مناسک جامع حج

۱۲۵- حکومت جهانی مهدی

۱۲۶- جوانان را دریابید

۱۲۷- ۱۱۰ سرمشق از سخنان حضرت علی (علیه السلام)

۱۲۸- چند نکته مهم درباره رؤیت هلال (به زبان عربی)

۱۲۹- حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح

۱۳۰- آیات ولایت (عربی)

۱۳۱- مفاتیح نوین

۱۳۲- تعزیر و گسترده آن

وفّقه اللّه لمرضاته و ایّده اللّه بتأییداته

ناشر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج۱، ص: ۵۵۶

آدرس و شماره تلفن‌های

دفاتر حضرت آیهٔ اللّه العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

جهت پاسخگوئی به مسائل شرعی

۱- قم: ابتدای خیابان شهدا تلفن: ۷۷۴۳۱۲۰، ۱۳- ۷۷۴۳۱۱۰ فاکس: ۷۷۴۳۱۱۴

۲- شیراز: خیابان قاآنی کهنه، کوی رحمت تلفن: ۲۳۰۳۱۲۱، فاکس: ۲۳۰۷۴۲۱

۳- تهران: خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای بزرگراه شهید محلاتی، ضلع جنوبی، پلاک ۲۹ تلفن: ۷۵۰۹۶۹۷، ۲ – ۷۵۱۲۲۴۱، فاکس: ۷۶۳۸۸۸۸

۴- اراک: ابتدای خیابان محسنی تلفکس: ۲۲۴۲۴۷۰، تلفن: ۲۲۲۴۴۱۵

۵- مشهد: چهارراه شهدا، خیابان آزادی، آزادی ۶ فاکس: ۲۲۵۴۹۷۰ تلفن: ۲۲۵۶۱۶۸- ۲۲۲۷۸۷۹

۶- اصفهان: چهارراه شکرشکن، خیابان احمدآباد، خیابان شهید توانا، پلاک ۱۰۵ تلفن: ۲۲۵۳۶۰۰، تلفکس: ۲۲۶۵۲۰۵

۷- کرج: بلوار امامزاده حسن، بین گلستان سوم و چهارم.

تلفن: ۲۲۴۳۹۳۸، تلفکس: ۲۲۳۱۰۳۳
اینترنت: www. makarem. ir
E- mail: makarem@ makarem. ir

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».